



معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان دهنده جنایات علیه بشریت

در خیزش «زن زندگی آزادی» ایران در سال ۱۴۰۱

AMNESTY
INTERNATIONAL



عفو بین الملل جنبشی است متشکل از ۱۰ میلیون انسان که تلاش می کند حس انسانیت تمام انسان ها را برانگیزد و برای تغییراتی کارزار برپا کند که موجب بهره مندی همه انسان ها از حقوق انسانی شان شود. چشم انداز ما تحقق جهانی است که در آن سیاستمداران به تعهدات خود عمل کنند، قوانین بین المللی را محترم بشمارند و برای اعمال خود پاسخگو نگه داشته شوند.

ما بدون وابستگی به هر دولت یا هر گونه ایدئولوژی سیاسی و فارغ از هر گونه منافع اقتصادی یا گرایش های مذهبی عمل می کنیم و هزینه های ما عمدتاً از طریق کمک های مالی اعضا و سایر اشخاص و نهادها تأمین می شود.

ما باور داریم که با شفقت و فعالیت در همبستگی با مردم در هر نقطه جهان می توان وضعیت جوامع انسانی را در مسیر بهتر شدن، تغییر داد.

عکس روی جلد: بازآفرینی هنری ترکیبی از تصاویر مربوط به خیزش «زن زندگی آزادی» در سال ۱۴۰۱ در ایران، مأموران نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی، اسناد رسمی افشاشده مرتبط با عملیات سرکوب اعتراضات، و بخش هایی از نمودارهای سازمانی ترسیم کننده زنجیره های فرماندهی بررسی شده در این گزارش. تصاویر کامل نمودارهای سازمانی، ۸۷ مقام را که به تشخیص عفو بین الملل باید مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند، شناسایی می کنند. مقام های به تصویر کشیده شده روی جلد از سطوح مختلف کشوری، منطقه ای، استانی و شهرستانی تنها به عنوان نمونه انتخاب شده اند. درج نام یا تصویر آنان به هیچ وجه بیانگر سطح خاصی از مسئولیت در مقایسه با سایر مقام های نام برده شده در این گزارش نیست. © عفو بین الملل

به استثنای مواردی که به طور مشخص ذکر شده باشند، متن این گزارش تحت قوانین «Creative Commons» (ارجاع، مقصد غیرتجاری، بدون اشتقاق، بین المللی، نسخه ۴.۰) قرار دارد. برای اطلاعات بیشتر لطفاً به صفحه مجوزها در وبسایت ما رجوع کنید: <https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/legalcode> اگر بخشی اعم از متن یا عکس به یک صاحب حقوق متفاوت از سازمان عفو بین الملل نسبت داده شده باشد، آن بخش دیگر تحت قوانین «Creative Commons» قرار نمی گیرد. این گزارش در سال ۲۰۲۶ (۱۴۰۵) توسط عفو بین الملل منتشر شده است. شماره شناسه: MDE 13/1348/2026

زبان متن اصلی: انگلیسی

AMNESTY
INTERNATIONAL



فهرست

۸	۱. خلاصه
۱۱	۱.۱ دامنه و روش‌شناسی
۱۲	۱.۲ حمله گسترده و نظام‌مند در اجرای سیاست حکومتی
۱۵	۱.۳ جنایت علیه بشریت از نوع قتل
۱۸	۱.۳.۱ نمای کشتار در سراسر کشور در جریان متفرق کردن اعتراضات و در مناطق نظامی‌شده
۱۹	۱.۳.۲ کشتارهای غیرقانونی در استان سیستان و بلوچستان
۲۱	۱.۳.۳ کشتارهای غیرقانونی در کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی
۲۶	۱.۳.۴ روایت حکومت
۲۸	۱.۴ جنایت علیه بشریت از نوع شکنجه
۲۹	۱.۵ جنایت علیه بشریت از نوع بازداشت
۳۰	۱.۶ جنایت علیه بشریت از نوع تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی
۳۱	۱.۷ جنایت علیه بشریت از نوع ناپدیدسازی قهری
۳۲	۱.۸ جنایت علیه بشریت از نوع آزار و ستم
۳۲	۱.۸.۱ معترضان
۳۳	۱.۸.۲ زنان و کودکان دختر
۳۳	۱.۸.۳ معترضان کُرد و بلوچ
۳۴	۱.۸.۴ خانواده کشته‌شدگان
۳۵	۱.۹ مصونیت نظام‌مند از مجازات
۳۶	۱.۹.۱ فقدان استقلال قوه قضائیه
۳۷	۱.۹.۲ مصونیت قانونی از مجازات در قبال سرکوب مرگبار اعتراضات
۴۰	۱.۱۰ ساختارهای فرماندهی نیروهای امنیتی
۴۱	۱.۱۰.۱ فراجا

معماران جنایات
دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

۴۲	۱.۱۰.۲ سپاه پاسداران
۴۳	۱.۱۰.۳ شوراهاى امنیتی
۴۴	۱.۱۱ مقام‌هاى مستوجب تحقیقات کیفری
۴۷	۱.۱۱.۱ مسئولیت مقام مافوق
۴۷	(۱) ۱.۱۱.۱ کنترل مؤثر
۴۹	(۲) ۱.۱۱.۱ آگاهی
۵۱	(۳) ۱.۱۱.۱ قصور در پیشگیری و مجازات
۵۲	۱.۱۱.۲ مساعدت و حمایت
۵۳	(۱) ۱.۱۲.۱ مساعدت
۵۶	(۲) ۱.۱۲.۱ آگاهی و ارتباط
۵۶	۱.۱۱.۳ فهرست مقام‌هاى مستوجب تحقیقات کیفری
۶۱	۱.۱۲ نتیجه‌گیری و توصیه‌ها
۶۲	۱.۱۲.۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد
۶۲	۱.۱۲.۲ مجمع عمومى سازمان ملل متحد
۶۳	۱.۱۲.۳ دفاتر دادستانی کشورهای ثالث
۶۴	۲. دامنه و روش‌شناسی
۶۴	۲.۱ دامنه و چارچوب
۶۴	۲.۱.۱ دامنه موضوعی
۶۵	۲.۱.۲ دامنه زمانى
۶۵	۲.۱.۳ دامنه جغرافیایی
۶۶	۲.۱.۴ چارچوب حقوقی و آستانه اثبات
۶۷	۲.۲ قدردانی
۶۸	۳. پیشینه و زمینه
۶۹	۴. قوانین و موازین بین‌المللی حاکم بر استفاده از قوای قهریه
۷۱	۵. سرکوب خونبار اعتراضات سراسرى سال ۱۴۰۱

۷۲	۵.۱ کشتارها
۷۷	۵.۱.۱ روایت حکومت
۷۹	۵.۱.۲ کشتار در جریان متفرق کردن اعتراضات و در مناطق نظامی شده
۷۹	۵.۱.۲(۱) نمای کشوری
۸۴	۵.۱.۲(۲) استان سیستان و بلوچستان
۸۸	۵.۱.۲(۳) استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی
۹۲	۵.۱.۲(۴) استان‌های مازندران و گیلان
۹۵	۵.۱.۲(۵) استان البرز
۹۸	۵.۱.۲(۶) استان تهران
۱۰۴	۵.۱.۲(۷) استان خوزستان
۱۱۰	۵.۱.۲(۸) استان اصفهان
۱۱۳	۵.۱.۲(۹) استان فارس
۱۱۶	۵.۱.۲(۱۰) سایر استان‌ها
۱۲۱	۵.۱.۳ مرگ‌های در بازداشت
۱۲۵	۵.۱.۳(۱) شرایط بازداشت و ناپدیدسازی قهری
۱۲۷	۵.۱.۳(۲) شرایط ناپدیدشدن و اطلاع‌رسانی درباره مرگ
۱۲۹	۵.۱.۳(۳) انواع جراحات
۱۳۰	۵.۱.۳(۴) انکار و لاپوشانی حکومتی
۱۳۱	۵.۱.۴ مرگ‌ها پس از آزادی از بازداشت
۱۳۶	۵.۱.۵ مرگ‌های مشکوک
۱۳۹	۵.۱.۵(۱) شرایط ناپدیدشدن، کشف پیکر و اطلاع‌رسانی درباره مرگ
۱۴۶	۵.۱.۵(۲) انواع جراحات
۱۴۹	۵.۱.۵(۳) انکار و لاپوشانی حکومتی
۱۵۷	۶. قتل معترضان و ناظران در استان کردستان
۱۵۹	۷. قتل معترضان و ناظران در استان کرمانشاه
۱۶۱	۸. قتل معترضان و ناظران در استان آذربایجان غربی
۱۶۳	۹. نقض حقوق بستگان کشته‌شدگان
۱۶۵	۱۰. ساختار فرماندهی نهادهای امنیتی دخیل در سرکوب اعتراضات سال ۱۴۰۱

۱۶۷	۱۱. مصونیت از مجازات، تعمدی و ساختاری
۱۶۹	۱۲. جنایات علیه بشریت در جریان سرکوب اعتراضات سال ۱۴۰۱
۱۷۱	۱۳. مقام‌های مستوجب تحقیقات کیفری
۱۷۲	۱۳.۱ روش کار
۱۷۸	۱۳.۲ مسئولیت مقام مافوق
۱۸۱	۱۳.۲.۱ رابطه مافوق و زیردست
۱۹۸	۱۳.۲.۲ علم
۲۰۱	۱۳.۲.۲(۱) نظام‌های داخلی گزارش‌دهی و نظارت
۲۰۳	۱۳.۲.۲(۲) گزارش‌های حقوق بشری و پوشش رسانه‌ای
۲۰۵	۱۳.۲.۲(۳) سرکوب نظام‌مند اطلاعات و پنهان‌سازی شواهد
۲۰۷	۱۳.۲.۳ قصور در پیشگیری یا مجازات
۲۱۳	۱۳.۳ مساعدت و حمایت
۲۱۵	۱۳.۳.۱ مساعدت
۲۱۷	۱۳.۳.۱(۱) وزیر کشور و معاون امنیتی و انتظامی
۲۲۰	۱۳.۳.۱(۲) استانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی
۲۲۳	۱۳.۳.۱(۳) فرمانداران
۲۲۵	۱۳.۳.۲ علم
۲۲۹	۱۳.۳.۳ ارتباط
۲۳۱	۱۳.۴ فهرست مقام‌ها
۲۳۲	۱۳.۴.۱ فرمانده کل قوا و رهبر
۲۳۳	۱۳.۴.۲ ستاد کل نیروهای مسلح
۲۳۳	۱۳.۴.۳ فراجا
۲۳۳	۱۳.۴.۳(۱) سطح کشوری
۲۳۶	۱۳.۴.۳(۲) استان کردستان
۲۴۳	۱۳.۴.۳(۳) استان آذربایجان غربی
۲۴۸	۱۳.۴.۳(۴) استان کرمانشاه
۲۵۴	۱۳.۴.۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۲۵۴	۱۳.۴.۴(۱) سطح کشوری
۲۵۵	۱۳.۴.۴(۲) سطح منطقه‌ای
۲۵۹	۱۳.۴.۴(۳) استان کردستان
۲۶۶	۱۳.۴.۴(۴) استان آذربایجان غربی
۲۷۱	۱۳.۴.۴(۵) استان کرمانشاه
۲۷۶	۱۳.۴.۵ وزارت کشور
۲۷۶	۱۳.۴.۵(۱) سطح کشوری
۲۷۷	۱۳.۴.۵(۲) استان کردستان
۲۸۲	۱۳.۴.۵(۳) استان آذربایجان غربی
۲۸۶	۱۳.۴.۵(۴) استان کرمانشاه
۲۹۰	۱۳.۵ نمودارهای سازمانی مقام‌ها
۲۹۵	۱۴. نتیجه‌گیری و توصیه‌ها
۲۹۸	۱۴.۱ پیگیری معنادار اجرای عدالت
۳۰۰	۱۴.۲ تعامل بین‌المللی درباره تغییر قانون اساسی و تضمین عدم تکرار
۳۰۲	۱۴.۳ توصیه‌ها به نهادهای سازمان ملل
۳۰۲	۱۴.۳.۱ شورای امنیت
۳۰۳	۱۴.۳.۲ مجمع عمومی
۳۰۳	۱۴.۳.۳ شورای حقوق بشر
۳۰۴	۱۴.۳.۴ دبیرکل سازمان ملل
۳۰۵	۱۴.۴ توصیه‌ها به دولت‌های کشورهای ثالث
۳۰۷	۱۴.۵ توصیه‌ها به دفاتر دادستانی کشورهای ثالث

۱. خلاصه

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران در فاصله ۲۵ شهریور تا دی‌ماه ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، زمانی که اعتراضات گسترده در جریان آن‌چه خیزش «زن زندگی آزادی» نام گرفت سراسر ایران را فراگرفته بود، موجی از جنایات فجیع را به راه انداختند. در این دوره زمانی، نیروهای امنیتی تحت امر این مقام‌ها صدها معترض و ناظر/رهگذر، از جمله ده‌ها کودک، را به قتل رساندند. آن‌ها همچنین هزاران نفر دیگر را مورد بازداشت خودسرانه، بازداشت بدون امکان ارتباط با جهان بیرون، ناپدیدسازی قهری، شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار دادند. آن‌ها برخی از افرادی را که در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده بودند، مورد تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی قرار دادند. کودکان نیز در میان افرادی بودند که هدف گرفته شدند. مقام‌ها همچنین خانواده‌های داغ‌دیده کشته‌شدگان را مورد آزار و ستم^۱ قرار دادند.

خیزش «زن زندگی آزادی» در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲)، پس از جان‌باختن ژینا مهسا امینی، زن ۲۲ ساله گُرد، در بازداشت پلیس گشت ارشاد آغاز شد؛ نهادی که مسئول اجرای قوانین تبعیض‌آمیز حجاب اجباری بود. در سه ماه پس از آن، صدها هزار نفر در اعتراض به دهه‌ها سرکوب، تبعیض و مصونیت از مجازات، به‌طور مسالمت‌آمیز به خیابان‌ها آمدند. زنان و کودکان دختر در صف مقدم ایستادند و قوانین حجاب اجباری را به چالش کشیدند؛ قوانینی که طی دهه‌ها زمینه اعمال خشونت حکومتی، بازداشت خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و محروم‌سازی تبعیض‌آمیز آنان از تحصیل، اشتغال و فضاهای عمومی را فراهم کرده بود. تصاویر زنانی که روسری‌هایشان را می‌سوزاندند و بدون حجاب اعتراض می‌کردند، در سراسر کشور و جهان بازتاب گسترده یافت. شعار محوری این اعتراضات، «ژن ژیان آزادی» که نخست به زبان گُردی سر داده شد، به‌زودی با صورت فارسی «زن زندگی آزادی» به شهرهای دیگر گسترش یافت. از دی‌ماه ۱۴۰۱ (دسامبر ۲۰۲۲) به بعد، پس از سه ماه سرکوب مرگبار و در فضایی نظامی‌شده در سراسر کشور، اعتراضات رو به فروکش کردن گذاشت.

عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که نقض‌های جدی حقوق بشر که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی» مرتکب شدند، مصداق انواع جنایات علیه بشریت شامل قتل، شکنجه، تجاوز جنسی، خشونت جنسی،

۱ عفو بین‌الملل در این گزارش، واژه «آزار و ستم» را به‌عنوان معادل فارسی اصطلاح حقوقی persecution به کار برده است؛ جرمی که یکی از مصادیق جنایت علیه بشریت در حقوق کیفری بین‌الملل محسوب می‌شود. هرچند این اصطلاح در فارسی معمولاً به «آزار و اذیت» یا «آزار و تعقیب» ترجمه می‌شود، این معادل‌ها به‌طور کامل بار حقوقی و گستره معنایی persecution را بازتاب نمی‌دهند. «آزار و اذیت» می‌تواند با مفاهیمی چون harassment مترادف تلقی شود و «تعقیب» نیز ممکن است پیگرد یا تعقیب قضایی را به ذهن متبادر کند، در حالی که این مفاهیم با معنای حقوقی persecution یکسان نیستند. عفو بین‌الملل آگاه است که واژه ستم در زبان فارسی عمدتاً دارای بار سیاسی و اجتماعی است و هنوز به‌عنوان یک اصطلاح جافته حقوقی شناخته نمی‌شود؛ با این حال، در این گزارش «آزار و ستم» در معنای مشخص حقوقی آن، یعنی معادل اصطلاح persecution در حقوق کیفری بین‌الملل، به کار رفته است. برای اطلاعات بیشتر به بخش‌های ۱.۸ و ۱۲.۲.۶ در نسخه اصلی گزارش رجوع کنید.

ناپدیدسازی قهری، و آزار و ستم به دلایل سیاسی، جنسیتی، اتنیکی و مذهبی، هستند. این جنایات در چارچوب حمله‌ای گسترده و نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی و در اجرای و پیشبرد سیاستی حکومتی ارتکاب یافتند که هدف آن سرکوب اعتراضات، خاموش کردن و مجازات افرادی که خواهان نظام سیاسی متفاوتی مبتنی بر احترام به برابری جنسیتی و دیگر حقوق بشر هستند و همچنین ایجاد فضای رعب و وحشت برای بازداشتن مردم از اعتراضات آینده بود.

نتیجه تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که دو نیروی امنیتی اصلی مسئول جنایات علیه بشریت انجام‌شده در جریان سرکوب مرگبار اعتراضات سال ۱۴۰۱، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (موسوم به فراجا) بودند. هر دو نیرو زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح فعالیت می‌کنند. این نیروها راهبردهای سرکوبگرانه‌ای را اجرا کردند که شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای زیرمجموعه در سطوح استانی و شهرستانی، موسوم به شوراهای تأمین، تدوین کرده بودند.

عفو بین‌الملل با تکیه بر تحلیلی عمیق از وظایف، ساختار فرماندهی و سازماندهی این نهادهای امنیتی و نیز مستندسازی تفصیلی جنایات علیه بشریت ارتکاب‌یافته در استان‌های گردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، ۸۷ مقام را شناسایی کرده است که به باور این سازمان باید مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند. این افراد شامل ۱۰ مقام در سطح ملی و ۷۷ مقام دیگر در سطوح منطقه‌ای، استانی و شهرستانی مرتبط با استان‌های گردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی هستند.

در سال‌های پس از خیزش «زن زندگی آزادی»، مقام‌های جمهوری اسلامی جنایات بین‌المللی^۲ گسترده دیگری را نیز مرتکب شده‌اند. این روند با کشتارهای بی‌سابقه هزاران معترض و رهگذر/ناظر در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه سال ۲۰۲۶) به اوج رسید. کشتارهای انجام‌شده در اعتراضات این دو روز همان شاخصه‌های جنایات علیه بشریت مستندشده در این گزارش را، البته در مقیاسی حتی مرگبارتر و تکان‌دهنده‌تر، دارند. این واقعیت به‌طرزی دردناک خطرات ناشی از مقابله نکردن با مصونیت از مجازات و دیگر علل ریشه‌ای ارتکاب جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی در ایران را نشان می‌دهد.

۹ اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه سال ۲۰۲۶)، آمریکا و اسرائیل با نقض منشور سازمان ملل متحد، حملات غیرقانونی علیه ایران را آغاز کردند. ده‌ها هزار حمله هوایی در جریان این حملات، آسیب‌های قابل توجهی به غیرنظامیان وارد کرد. بر اساس آمار رسمی اعلام‌شده از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی، این حملات از ۹ اسفند ۱۴۰۴ تا ۲ مرداد ۱۴۰۵ (۲۴ ژوئیه سال ۲۰۲۶) دست‌کم ۱۴۶۹ غیرنظامی، از جمله صدها کودک و زن، را کشت. این حملات همچنین به ویرانی گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی و در نتیجه حمله به تاسیسات پتروشیمی و انرژی، به آسیب‌های زیست‌محیطی منجر شد.

^۲ «جنایات بین‌المللی» معادل فارسی international crimes یا crimes under international law است. عبارت «جنایت بین‌المللی» ممکن است این برداشت نادرست را برای فارسی‌زبانان ایجاد کند که منظور جنایتی میان دو یا چند کشور است. حال آنکه در حقوق بین‌الملل، این اصطلاح به دسته‌ای از جنایات اطلاق می‌شود که به سبب ماهیت و شدت خود، موجب مسئولیت کیفری فردی بر اساس حقوق بین‌الملل می‌شوند و صرف‌نظر از اینکه در قلمرو کدام کشور ارتکاب یافته‌اند، می‌توانند موضوع پیگرد و محاکمه در سطح بین‌المللی و یا بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی قرار گیرند.

به موازات این وضعیت، از زمان آغاز حملات غیرقانونی در ۹ اسفند ۱۴۰۴ مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی ایران بارها در اظهارات خود هرگونه مخالفت را معادل همسویی با «دشمن» دانسته و آشکارا افرادی را که مخالفت خود را ابراز می‌کنند یا به‌صورت مسالمت‌آمیز خواهان تغییرات بنیادین سیاسی هستند، به کشتارهای جمعی بیشتر تهدید کرده‌اند.

مردم در ایران همچنان در دو جبهه، با خطر شدید جنایات بین‌المللی مواجه‌اند: موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی، جنایات جنگی و بحران بشردوستانه در بستر درگیری مسلحانه میان آمریکا/اسرائیل و جمهوری اسلامی ایران؛ و چرخه‌های جنایات علیه بشریت در بستر سرکوب اعتراضات.

عفو بین‌الملل بار دیگر خواستار برقراری آتش‌بسی پایدار و پاسخ‌گویی در قبال حملات غیرقانونی آمریکا و اسرائیل به ایران که ناقض منشور سازمان ملل متحد بود، و نیز همه موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و جنایات جنگی احتمالی ارتكابی در جریان این درگیری می‌شود. این سازمان از مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل می‌خواهد همه مسیرهای ممکن برای تحقق و تضمین صلح، امنیت و عدالت را بررسی کنند.

در همان حال، عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که در بحبوحه تغییر جهت توجه جهانی، جنایات علیه بشریت ارتکاب یافته علیه معترضان و دیگر افراد در ایران نباید به حاشیه رانده، فراموش شده یا تحت‌الشعاع قرار گیرند. رفتار غیرقانونی اسرائیل و آمریکا و آسیب‌های قابل توجهی که به غیرنظامیان وارد کرده‌اند، نباید توجه را از جنایات علیه بشریت ارتکاب یافته از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران منحرف کند. همچنین نباید از درد و رنج قربانیان جنایات علیه بشریت در ایران به‌عنوان ابزاری برای توجیه حملات غیرقانونی علیه ایران، نقض منشور سازمان ملل متحد، موارد نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی و آسیب به غیرنظامیان استفاده شود.

عفو بین‌الملل خواستار اتخاذ رویکردی معنادار برای جلوگیری از وقوع جنایات فجیع بیشتر از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران و پیشبرد عدالت در قبال جنایات علیه بشریت ارتكابی در کشور است. این رویکرد باید شامل ارجاع وضعیت ایران به دیوان کیفری بین‌المللی از سوی شورای امنیت سازمان ملل و همچنین انجام تحقیقات و پیگردهای کیفری هماهنگ در سطح ملی بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی یا دیگر اشکال صلاحیت فراسرزمینی باشد. به موازات این اقدامات، عفو بین‌الملل با توجه به شدت و گستردگی جنایات ارتكابی، خطر بالای تکرار آن‌ها و بن‌بست سیاسی در شورای امنیت سازمان ملل، از مجمع عمومی سازمان ملل می‌خواهد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کند که هدف آن تعقیب و محاکمه کیفری افرادی باشد که در جنایات علیه بشریت در ایران بیشترین دخالت را داشته‌اند.

هرگونه تأخیر بیشتر جامعه بین‌المللی در پیگیری عدالت بین‌المللی در قبال چرخه‌های تکرارشونده و رو به تشدید جنایات فجیع در ایران، به‌نحوی خطرناک به عادی‌سازی کشتارهای جمعی معترضان دامن می‌زند و این خطر را در پی دارد که مقام‌های جمهوری اسلامی را برای ارتکاب جنایات فجیع بیشتر، بدون هراس از پیامدهای آن، جسورتر کند.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

۱.۱ دامنه و روش‌شناسی

عفو بین‌الملل در چارچوب تحقیقات خود با ۲۷۰ نفر مصاحبه کرد؛ از جمله ۲۲۱ نفر که در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ در ایران بودند و در بیشتر موارد، هنگام انجام مصاحبه نیز در ایران حضور داشتند و ۴۹ نفر که خارج از ایران مستقر بودند. این افراد شامل معترضان، بازداشت‌شدگان سابق که تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی قرار گرفته و نیز بستگان کشته‌شدگان یا بازداشت‌شدگان، شاهدان عینی، وکلا، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و کادر درمان بودند. علاوه بر این، عفو بین‌الملل شهادت‌های ۱۹ فرد دیگر، از جمله معترضان مجروح، آسیب‌دیدگان تجاوز جنسی و بستگان افراد کشته‌شده را از وکلا و مدافعان حقوق بشر مستقر در خارج از ایران دریافت کرد که رضایت این افراد را برای در اختیار گذاشتن شهادت‌هایشان با عفو بین‌الملل کسب کرده بودند.

این سازمان، مصاحبه‌های خود را با بررسی و تحلیل گسترده شواهد صوتی و تصویری تکمیل کرد. عفو بین‌الملل در مجموع بیش از ۲ هزار ویدیو را بررسی کرد که در فاصله ۲۵ شهریور تا ۱۰ دی ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲) در ارتباط با خیزش «زن زندگی آزادی» در ایران ضبط شده بودند. عفو بین‌الملل از میان این مجموعه، ۴۵۶ ویدیو را که عمدتاً در استان‌های گردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی ضبط شده بودند، برای راستی‌آزمایی و تحلیل تفصیلی و عمیق انتخاب کرد. این محدوده جغرافیایی با تمرکز فصل‌های ۶ تا ۸ بر علل و شرایط پیرامون قتل معترضان و رهگذران/ناظران در این استان‌ها در جریان خیزش مطابقت دارد. این سازمان در تحلیل ویدیوها بر رفتار نیروهای امنیتی و نحوه واکنش آن‌ها به اعتراضات، از جمله استفاده از سلاح گرم، تمرکز کرد.

عفو بین‌الملل همچنین مجموعه گسترده‌ای از گزارش‌های رسانه‌های حکومتی، اظهارات مقام‌ها و نیز اسناد رسمی افشاشده، دستورهای دادستانی، احکام دادگاه‌ها و سوابق پزشکی قانونی را گردآوری و بررسی کرد.

این تحقیقات بر واکنش نیروهای امنیتی به اعتراضات سراسری در فاصله ۲۵ شهریور تا ۱۰ دی ۱۴۰۱ تمرکز داشت و همزمان، مصونیت از مجازاتی را که تا امروز ادامه دارد و عوامل ساختاری زمینه‌ساز آن را در چارچوب قانون اساسی و قوانین ایران تحلیل کرد. این تحقیقات شامل بررسی گزارش‌های مربوط به کشتارهای مرتبط با اعتراضات، شکنجه، حبس، تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی، ناپدیدسازی قهری و آزار و تعقیب بود.

در رابطه با گزارش‌های مربوط به کشتارهای مرتبط با اعتراضات، این سازمان مجموعه گسترده‌ای از شواهد درباره مرگ ۳۷۷ معترض و رهگذر/ناظر، از جمله ۵۶ کودک، که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» در ۲۶ استان از ۳۱ استان ایران جان خود را از دست دادند، گردآوری و تحلیل کرد. این افراد شامل ۳۲۶ نفر هستند که نیروهای امنیتی در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نزدیک به اعتراضاتی که در حال برگزاری بود یا به‌تازگی پایان یافته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

داشتند، کشتند؛ ۱۸ نفر که در بازداشت حکومت جان باختند؛ ۱۰ نفر که پس از آزادی از بازداشت جان باختند و گزارش‌ها حاکی از آن است که مرگ آنان با دوران بازداشت ارتباط داشته است؛ و ۲۳ نفر که در شرایط مشکوکی جان باختند که حاکی از کشته شدن آنان به دست مأموران حکومت است.

در سطحی عمیق‌تر، این گزارش سیر زمانی وقایع و علل و شرایط پیرامون قتل ۹۵ معترض و رهگذر/ناظر گُرد را در ۱۷ شهرستان واقع در استان‌های گُردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی مستندسازی می‌کند.

عفو بین‌الملل همزمان با انتشار این گزارش، سندی را نیز منتشر کرده است که نام و مشخصات این ۳۷۷ معترض و رهگذر/ناظر را همراه با اطلاعات مربوط به محل و تاریخ مرگ آنان و در مواردی که در دسترس بوده، تصاویرشان فهرست می‌کند.

عفو بین‌الملل برای شناسایی مقام‌هایی که باید مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند، این موضوع را ارزیابی کرد که آیا شواهد موجود دلایل معقولی برای این باور فراهم می‌کند که آیا ممکن است افراد مورد نظر، بر اساس حقوق کیفری بین‌المللی، دارای یک یا چند شکل شناخته‌شده مسئولیت کیفری، از جمله «مسئولیت مقام مافوق» و «مساعدت و حمایت»، باشند.

عفو بین‌الملل ۱۳ مرداد ۱۴۰۵ (۴ اگوست سال ۲۰۲۶) طی نامه‌ای به مجتبی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، یافته‌ها و توصیه‌های خود را به تفصیل ارائه کرد و از او خواست در این باره پاسخ دهد. این سازمان همچنین به احمدرضا رادان، فرمانده کل فراجا؛ احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ و اسکندر مومنی، وزیر کشور، نامه نوشت و از آنان خواست ۸۷ مقامی را که نامشان برای انجام تحقیقات کیفری در این تحقیقات ذکر شده مطلع کنند و هر پاسخی را که ممکن است در چارچوب حق پاسخ مایل به ارائه آن باشند به عفو بین‌الملل منتقل کنند. تا زمان انتشار، هیچ پاسخی دریافت نشد.

۱.۲ حمله گسترده و نظام‌مند در اجرای سیاست حکومتی

در توصیف‌های شاهدان عینی از واکنش خشونت‌آمیز مقام‌ها به خیزش عمدتاً مسالمت‌آمیز «زن زندگی آزادی»، واژه‌هایی مانند میدان جنگ، میدان نبرد، کشتار و تیراندازی بارها تکرار می‌شوند. شهرام از جوانرود در استان کرمانشاه، سرکوب اعتراضات را برای عفو بین‌الملل چنین توصیف کرد:

«اوضاع شبیه میدان جنگ بود. مأموران یونیفورم‌پوش سپاه پاسداران که اسلحه‌های کلاشینکف در دست داشتند، ما را تعقیب می‌کردند... آن‌ها بی‌وقفه شلیک می‌کردند.»

روایت او با گفته‌های مهشید، یکی از معترضان در مهاباد در استان آذربایجان غربی، همخوانی دارد:

«تا آن زمان هرگز چنین صحنه‌هایی ندیده بودم ... اوضاع بسیار وحشتناک بود و حس می‌کردی در منطقه جنگی هستی. نیروهای امنیتی بی‌وقفه شلیک می‌کردند. به هیچ‌کس رحم نمی‌کردند.»

همین الگو در سنج در استان کردستان نیز مشاهده شد. ایمان چنین روایت کرد:

«مأموران به هر کسی که می‌دیدند شلیک می‌کردند و برایشان مهم نبود زن باشد، کودک، رهگذر یا معترض... بسیاری از مردم بر اثر اصابت گلوله‌های ساچمه‌ای به پاها، بدن، سینه و صورتشان مجروح شدند.»

روژین از سفر در استان کردستان، با تأکید بر این‌که خشونت چگونه به امری عادی تبدیل شده بود، گفت: «کشتن و مجروح کردن مردم برای نیروهای امنیتی عادی شده بود.»

شهادت‌های شهرام، مهشید، ایمان و روژین با صدها روایت شاهدان عینی که عفو بین‌الملل از شهریور ۱۴۰۱ (سپتامبر ۲۰۲۲) تاکنون گردآوری کرده، همخوان است. تحقیقات این سازمان نشان داده است که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران به‌طور گسترده و غیرقانونی از مسلسل، سلاح‌های کمری و تفنگ‌های شات‌گان حاوی ساچمه‌های فلزی برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان و بازداشتن دیگران از استفاده از حق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز بهره بردند.

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان داد که نیروهای امنیتی در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌ها شلیک کرده‌اند که در هیچ‌یک از آن‌ها تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی وجود نداشت تا بر اساس حقوق و موازین بین‌المللی استفاده از سلاح گرم قابل توجیه باشد. این موارد شامل تیراندازی به تجمعات مسالمت‌آمیز؛ تیراندازی به تجمعاتی که اکثریت معترضان در آن‌ها مسالمت‌آمیز بودند، هرچند برخی به اعمالی مانند سنگ‌پرانی یا تخریب اموال دست می‌زدند که تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی ایجاد نمی‌کرد؛ تعقیب و تیراندازی به معترضان و رهگذران/ناظران در حال فرار؛ و استفاده از سلاح گرم در مناطق نظامی‌شده، از جمله در جریان گشت‌های مسلحانه، ایست‌های بازرسی، راه‌بندان‌ها و تعقیب‌وگریز خودروها، بود. در نتیجه، نیروهای امنیتی صدها معترض و رهگذر/ناظر، از جمله ده‌ها کودک، را در سراسر کشور به قتل رساندند و هزاران نفر دیگر را به شدت مجروح کردند که مصداق شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها بود.

مقام‌ها همچنین ده‌ها هزار معترض و افرادی را که واقعا یا به تصور مقام‌ها حامی معترضان بودند، خودسرانه بازداشت کردند؛ بازداشت‌شدگان، از جمله کودکان، را در معرض الگوهای گسترده و نظام‌مند ناپدیدسازی قهری، بازداشت بدون امکان ارتباط با جهان بیرون، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی، قرار دادند؛ پس از محاکمه‌هایی به‌شدت ناعادلانه که هیچ شباهتی به روندهای قضایی مشروع نداشتند، احکام ناعادلانه حبس و اعدام صادر کردند و اعدام‌های خودسرانه را به اجرا گذاشتند.

مقام‌ها همچنین کارزاری از آزار و تعقیب علیه خانواده‌های کشته‌شدگان به راه انداختند. آن‌ها خانواده‌های داغدار را تحت فشار قرار دادند تا روایت‌های دروغین درباره علل و شرایط مرگ عزیزان‌شان را بپذیرند و محدودیت‌های شدیدی برای دسترسی خانواده‌ها به پیکر قربانیان و برگزاری مراسم خاکسپاری و یادبود آن‌ها اعمال کردند. مقام‌ها با زیر نظر گرفتن و تهدید به مرگ، تجاوز جنسی و وارد کردن دیگر آسیب‌ها، خانواده‌ها را به رعایت این محدودیت‌ها واداشتند. افرادی که مقاومت می‌کردند، با بازجویی‌های توأم با بدرفتاری، بازداشت خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله ضرب‌و شتم و تیراندازی‌های غیرقانونی منجر به جراحت، روبه‌رو می‌شدند.

بر اساس اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، برخی اعمال ممنوعه، از جمله قتل، حبس، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و تجاوز جنسی یا هر شکل دیگری از خشونت جنسی، هرگاه «در چارچوب حمله‌ای گسترده یا نظام‌مند علیه هر جمعیت غیرنظامی ارتکاب یابند»، در زمره جنایات علیه بشریت قرار می‌گیرند. منظور از حمله، روندی از رفتارهاست که متضمن ارتکاب مکرر اعمال ممنوعه در اجرا یا پیشبرد سیاست یک دولت یا سازمان برای ارتکاب چنین حمله‌ای باشد.

عفو بین‌الملل بر این باور است که قتل صدها نفر، مجروح کردن هزاران نفر، بازداشت‌های خودسرانه گسترده، ناپدیدسازی‌های قهری و شکنجه، از جمله تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، در مجموع «روندی از رفتارها» را در معنای ماده ۷ اساسنامه رم تشکیل می‌دهند. این امر، برای مقاصد مربوط به بررسی حقوقی جنایات علیه بشریت، «حمله» محسوب می‌شود.

جمعیت غیرنظامی هدف گرفته شده شامل معترضان و افرادی بود که واقعا یا به تصور مقام‌ها حامی آنان بودند. در میان آن‌ها دانشجویان، دانش‌آموزان، زنان و کودکان دختر که در انتظار عمومی روستی از سر برمی‌داشتند، روزنامه‌نگاران و دیگر کارکنان رسانه‌ها، مخالفان سیاسی، ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان، کاربران شبکه‌های اجتماعی و مدافعان حقوق بشر، از جمله وکلا، فعالان حقوق زنان، فعالان حقوق کارگری، فعالان حقوق اقلیت‌های تحت ستم ایران و فعالان جامعه مدنی، حضور داشتند.

مطابق یافته‌های عفو بین‌الملل، حمله مقام‌های جمهوری اسلامی ایران هم گسترده و هم نظام‌مند بود. مقیاس حمله و شمار افراد هدف گرفته‌شده، گستردگی آن را نشان می‌دهد و الگوهای منسجم و هماهنگ سرکوب که طی چند ماه در سراسر کشور اجرا شدند، ماهیت نظام‌مند آن را آشکار می‌کنند.

اظهارات رسمی و اسناد رسمی افشاشده‌ای که عفو بین‌الملل تحلیل کرده است نشان می‌دهند که مقام‌های ارشد سیاسی و امنیتی، همزمان که از معترضان اهریمن‌سازی کرده و آن‌ها را تهدید می‌کردند، سرکوب را برنامه‌ریزی، هدایت و تأمین مالی کردند و از آن تجلیل به عمل آوردند. این مقام‌ها شامل رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فراجا، وزیر کشور، استانداران و فرمانداران و نیز شوراهای امنیتی در سطوح کشوری، استانی و شهرستانی بودند. این امر تأیید می‌کند که جنایات ارتکاب یافته به دست نیروهای امنیتی خودسرانه نبودند، بلکه بخشی از حمله‌ای نظام‌مند بودند که در اجرا و پیشبرد سیاستی حکومتی برای سرکوب اعتراضات به راه انداخته شد.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

شواهد بیشتر درباره وجود این سیاست حکومتی شامل موارد زیر است:

- نشست‌های مقدماتی و برنامه‌ریزی با حضور مقام‌های ارشد سیاسی، امنیتی و قضایی در سراسر ساختار امنیتی حکومت که طی آن‌ها دستورالعمل‌های راهبردی صادر شد؛ امری که اسناد رسمی افشاشده شورای امنیت کشور و شورای عالی امنیت ملی نشان می‌دهند؛
 - دستورهای کتبی افشاشده فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فراجا و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح؛
 - اظهارات علنی مقام‌های سیاسی، امنیتی و قضایی که رسانه‌های حکومتی آن‌ها را به‌طور گسترده بازتاب دادند و در آن‌ها از نیروهای امنیتی خواسته شد معترضان را «شکست» دهند، «جمع کنند» یا «تمام کنند»؛
 - استفاده از منابع عمومی برای جذب، آموزش، مسلح کردن و تأمین مالی هزاران نیروی امنیتی؛ امری که اسناد رسمی افشاشده، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی و اظهارات رسمی آن را نشان می‌دهند؛ و
 - تلاش‌های مداوم فرماندهان و دیگر مقام‌ها برای مصون نگه داشتن مرتکبان، نابود کردن یا پنهان کردن شواهد و خفه کردن صدای خانواده‌های جانبازگان و دیگر افرادی که در پی حقیقت و عدالت بودند.
- نقش کلیدی قوه قضائیه در جرم‌انگاری مخالفت و تداوم بخشیدن به مصونیت از مجازات، که به ارتکاب جنایات بیشتر دامن زد، شاهد دیگری است بر این که حمله در اجرای یک سیاست حکومتی صورت گرفت. مقام‌های دادستانی و قضایی، معترضان و بستگان کشته‌شدگان را خودسرانه بازداشت کردند و استفاده معمول نیروهای امنیتی که به عنوان «ضابطان قضایی» فعالیت می‌کردند از ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را دستور داده یا به شکل دیگری تسهیل کردند. آن‌ها همچنین شکایت‌های ثبت شده از سوی قربانیان را نادیده گرفتند یا رد کردند، فعالانه بر جنایات سرپوش گذاشتند و مرتکبان جنایات علیه بشریت را از تحقیقات و پیگرد کیفری مصون نگه داشتند.

۱.۳ جنایت علیه بشریت از نوع قتل

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سرکوب مرگبار خیزش «زن زندگی آزادی»، صدها معترض و رهگذر/ناظر را به قتل رساندند. عفو بین‌الملل پس از انجام تحقیقات و بررسی‌های گسترده، حجم زیادی از اطلاعات و شواهد را درباره مرگ ۳۷۷

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

معترض و رهگذر/ناظر که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» جان باختند، گردآوری کرده است. فهرستی که این سازمان تهیه کرده است به چهار دسته تقسیم می‌شود:

۱. **کشتارها در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات و در مناطق نظامی‌شده:** در مجموع ۳۲۶ نفر از جانب‌باختگان ثبت شده، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند که برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان و بازداشتن دیگران از پیوستن به اعتراضات، از سلاح گرم یا دیگر اشکال قوای قهریه مرگبار استفاده کردند. بیشتر این قربانیان در جریان متفرق کردن اعتراضات کشته شدند، در حالی که برخی دیگر را نیروهای امنیتی در مناطق نزدیک به اعتراضات جاری یا اعتراضاتی که به تازگی رخ داده بودند، هنگام گشت‌های مسلحانه و در ایست‌های بازرسی و راه‌بندان‌هایی که نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی شده داشتند و یا هنگام تعقیب و گریز خودروها، دستور ایست یا یورش‌های خشونت‌آمیز به خانه‌ها یا محل‌های کار مردم به قتل رساندند. این ۳۲۶ جانب‌باخته شامل ۲۶۴ مرد، ۱۳ زن و ۴۹ کودک، ۴۶ پسر و سه دختر، از ۶۹ شهرستان در ۲۳ استان از ۳۱ استان ایران بودند.

۲. **مرگ در بازداشت حکومت:** در مجموع، ۱۸ نفر از جانب‌باختگان ثبت شده، پس از آن‌که در جریان سرکوب اعتراضات بازداشت شدند، در بازداشت حکومت جان باختند. این افراد شامل ۱۷ مرد و یک زن از ۱۳ شهرستان در ۱۰ استان بودند. بر اساس حقوق و موازین بین‌المللی، مقام‌های جمهوری اسلامی ایران باید مسئول این مرگ‌ها فرض شوند و آن‌ها نتوانسته‌اند این فرض را رد کنند.

۳. **مرگ پس از آزادی از بازداشت:** در مجموع، ۱۰ نفر، پنج مرد، دو زن و سه کودک شامل یک دختر و دو پسر، به‌عنوان افرادی ثبت شده‌اند که پس از آزادی از بازداشت جان باختند و گزارش‌هایی که مدافعان حقوق بشر یا روزنامه‌نگاران منتشر کرده‌اند نشان می‌دهد که مرگ آنان با دوران زندان ارتباط داشته است. بر اساس این گزارش‌ها، در پنج مورد گفته شده جراحات جسمانی ناشی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها موجب مرگ قربانیان شده یا در مرگ آنان نقش داشته است. در پنج مورد دیگر، افراد اندکی پس از آزادی بر اثر خودکشی جان باختند و گزارش‌های منتشرشده روزنامه‌نگاران یا مدافعان حقوق بشر حاکی از آن است که آنان به دلیل آسیب‌های روانی که گفته شده در نتیجه شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها در بازداشت دیده بود، به زندگی خود پایان دادند. این ۱۰ قربانی از ۹ شهرستان در هشت استان بودند.

۴. **مرگ‌های مشکوک، اغلب پس از یک دوره ناپدیدشدن:** در مجموع، ۲۳ نفر از جانب‌باختگان ثبت شده پس از شرکت در اعتراضات یا حمایت از آن‌ها ناپدید شدند، بدون آن‌که اطلاعاتی درباره نحوه بازداشت یا ربوده شدن و مرگ نهایی آنان در دست باشد. نشانه‌های متعدد، از جمله الگوهای مشابه و تکرارشونده در ناپدیدشدن قربانیان، نوع جراحات وارد شده به آنان، نحوه اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها و آزار و تعقیبی که خانواده‌ها از سوی مقام‌ها با آن مواجه شدند، در کنار امتناع مقام‌ها از انجام تحقیقات و نسبت دادن سریع این مرگ‌ها به خودکشی، بیماری یا حوادث، حاکی از آن است که مأموران حکومت این جانب‌باختگان را کشته‌اند. این افراد شامل ۱۲ مرد، هفت زن و چهار کودک، دو پسر و دو دختر، از ۱۲ شهرستان در ۱۰ استان بودند.

عفو بین‌الملل همزمان با انتشار این گزارش، سندی را نیز منتشر کرده است که نام‌ها و مشخصات این ۳۷۷ معترض و رهگذر/ناظر را همراه با اطلاعات مربوط به محل و تاریخ مرگ آنان و در مواردی که در دسترس بوده، تصاویرشان فهرست کرده است. این سازمان بر این باور است که شمار واقعی جانباختگان احتمالا بسیار بیشتر است.

عفو بین‌الملل توانست اطلاعاتی درباره سن دقیق یا تقریبی ۳۲۳ نفر از ۳۷۷ جانباخته ثبت‌شده به دست آورد. از میان این گروه، دست‌کم ۱۷ درصد (۵۶ نفر) کودک بودند؛ آماری که حضور قابل توجه کودکان در اعتراضات و تاثیر ویرانگر سرکوب مرگبار مقام‌ها بر کودکان، خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی آن‌ها را برجسته می‌کند. در میان کم‌سن‌ترین کودکان جانباخته، یک پسر بچه دوساله، یک دختر بچه شش‌ساله و دو پسر بچه نه‌ساله بودند. ۱۱ کودک جانباخته دیگر بین ۱۱ تا ۱۴ سال و ۴۱ نفر دیگر بین ۱۵ تا ۱۷ سال سن داشتند.

نوجوانان ۱۸ یا ۱۹ ساله ۹ درصد (۲۹ نفر) از قربانیان را تشکیل می‌دادند و جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله ۳۸ درصد (۱۲۴ نفر) از جانباختگان بودند؛ آماری که نقش برجسته جوانان در صف مقدم اعتراضات و از دست رفتن غم‌انگیز جان شمار زیادی از آنان را نشان می‌دهد.

عفو بین‌الملل توانست درباره ۲۳۳ نفر از ۳۲۶ جانباخته‌ای که کشته‌شدن آن‌ها به دست نیروهای امنیتی در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی‌شده ثبت شده است، تحقیقات لازم انجام دهد و شواهد کافی برای پشتیبانی از این نتیجه‌گیری حقوقی که این کشتارها غیرقانونی^۳ بوده‌اند را گردآوری کند. به این معنا که نیروهای امنیتی نه برای دفاع در برابر تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی، بلکه برای متفرق کردن، ارباب یا مجازات جانباختگان و ایجاد فضای رعب و وحشت در یک فضای نظامی‌شده، از سلاح گرم یا دیگر اشکال قوای قهریه مرگبار استفاده کردند.

در مورد ۹۷ جانباخته دیگر که کشته‌شدن آن‌ها در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی‌شده ثبت شده است، با توجه به الگوهای به‌خوبی مستندشده استفاده غیرقانونی از سلاح گرم علیه معترضان در سراسر کشور، عفو بین‌الملل بسیار محتمل می‌داند که انجام تحقیقات بیشتر و دسترسی به شواهد، غیرقانونی بودن کشتار آنان را نیز تأیید کند. گزارش‌های معتبر منتشرشده از سوی دیگر سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها درباره بسیاری از این کشتارها نیز این ارزیابی را تقویت می‌کنند.

در رابطه با موارد کشتار غیرقانونی که عفو بین‌الملل ثبت کرده است، این سازمان دلایل معقولی برای این باور دارد که این کشتارها مصداق جنایت علیه بشریت از نوع قتل هستند. در همه این موارد، یک یا چند نیروی امنیتی، قربانی را عمداً با قوای قهریه مرگبار هدف قرار دادند تا موجب مرگ او شوند، یا به‌طور عمدی و غیرقانونی به سوی جمعیت‌هایی در نزدیکی قربانی یا قربانیان مهمات

۳ کشتار غیرقانونی معادل فارسی اصطلاح حقوقی unlawful killing است. در حقوق بین‌الملل، این اصطلاح برای اشاره به مواردی به کار می‌رود که افراد در نتیجه استفاده غیرقانونی نیروهای امنیتی از قوای قهریه، از جمله به‌کارگیری غیرضروری یا نامتناسب قوای قهریه، جان خود را از دست داده‌اند. مطابق حقوق بین‌الملل، استفاده از قوای قهریه مرگبار تنها زمانی مجاز است که برای دفع تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت شدید کاملاً اجتناب‌ناپذیر باشد. برای اطلاعات بیشتر درباره قوانین بین‌المللی در این زمینه به فصل ۴ گزارش رجوع کنید.

مرگبار شلیک کردند. نیروهای امنیتی، علاوه بر برخورداری از قصد و علم لازم برای ارتکاب جرم قتل، از زمینه گسترده‌تری که اقداماتشان در بستر آن صورت می‌گرفت، یعنی حمله‌ای که علیه یک جمعیت غیرنظامی صورت می‌گرفت نیز آگاه بودند.

۱.۳.۱ نمای کشتار در سراسر کشور در جریان متفرق کردن اعتراضات و در مناطق

نظامی شده

عفو بین‌الملل نام و مشخصات دست‌کم ۳۲۶ معترض و رهگذر/ناظر را مستند کرده است که نیروهای امنیتی در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نزدیک به اعتراضات جاری یا اعتراضاتی که به‌تازگی رخ داده بودند و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی شده داشتند، به قتل رسانده‌اند. این افراد شامل ۲۶۴ مرد، ۱۳ زن و ۴۹ کودک، ۴۶ پسر و سه دختر، بودند.

از میان این ۳۲۶ قربانی ثبت‌شده، ۳۰۲ نفر به ضرب گلوله کشته شدند؛ در دست‌کم ۴۵ مورد، گلوله‌های ساچمه‌های از فاصله نزدیک شلیک شده بود. سیزده قربانی، که یکی از آن‌ها با چاقو نیز مورد حمله قرار گرفته بود، بر اثر ضرب‌وشتم مرگبار نیروهای امنیتی جان باختند. پنج نفر بر اثر اصابت کپسول گاز اشک‌آور کشته شدند؛ یک نفر بر اثر اصابت پرتابه ضربه‌ای جنبشی به سرش جان باخت؛ سه نفر بر اثر عوارض ناشی از استنشاق گاز اشک‌آور جان خود را از دست دادند؛ نیروهای امنیتی با خودروی خود به یک موتورسوار کوبیدند و موجب شدند او به زمین بیفتد، با جدول کنار خیابان برخورد کند و دچار جراحات مرگبار از ناحیه سر شود؛ و یک نفر نیز عمداً با خودروی نیروهای امنیتی زیر گرفته شد.

از میان ۳۲۶ قربانی، ۵۵ درصد (۱۷۸ نفر) در دو هفته نخست اعتراضات از ۲۸ شهریور تا ۸ مهر ۱۴۰۱ (۱۹ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲)، کشته شدند. این امر نشان می‌دهد که مقام‌ها از همان آغاز، در تلاش برای سرکوب فوری اعتراضات، به‌سرعت با قوای قهریه مرگبار واکنش نشان دادند.

الگوی کشتارهای غیرقانونی در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲ در استان کردستان آغاز شد؛ استانی که در سومین روز پس از جان‌باختن ژینا مهسا امینی در بازداشت، شاهد اعتراضات گسترده بود. در این روز، نیروهای امنیتی چهار مرد را در شهرهای دیواندره، دهگلان و سقز، همگی در استان کردستان، به‌طور غیرقانونی کشتند. روز بعد، نیروهای امنیتی دست‌کم هفت معترض و رهگذر/ناظر دیگر را در قائم‌شهر در استان مازندران؛ تبریز در آذربایجان شرقی؛ کرمانشاه در استان کرمانشاه؛ و پیرانشهر و ارومیه هر دو در استان آذربایجان غربی، به قتل رساندند.

۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲)، همزمان با گسترش اعتراضات و افزایش شمار شرکت‌کنندگان در بسیاری از شهرهای سراسر کشور، نیروهای امنیتی سرکوب مرگبار خود را تشدید کردند و دست‌کم ۶۰ معترض و رهگذر/ناظر دیگر را در ۳۰ شهرستان

واقع در ۱۲ استان کشتند. این استان‌ها عبارت بودند از البرز، گیلان، همدان، ایلام، کرمانشاه، خراسان رضوی، مازندران، قزوین، سمنان، تهران، آذربایجان غربی و زنجان.

در طی دوره سه‌ماهه اعتراضات، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ روزی بود که کشتارهای غیرقانونی در شمار بیشتری از شهرها نسبت به هر روز دیگری رخ داد. بالاترین شمار کشته‌شدگان هم در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) ثبت شد، زمانی که مقام‌ها تنها در شهر زاهدان در استان سیستان و بلوچستان، دست‌کم ۸۷ معترض و رهگذر/ناظر از اقلیت بلوچ تحت ستم ایران را به‌طور غیرقانونی کشتند. عفو بین‌الملل به نسخه‌ای افشاشده از یک سند رسمی دست یافته است که دستور ستاد کل نیروهای مسلح را در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) به فرماندهان فراجا در سراسر کشور مبنی بر «برخورد قاطع و جدی با هر گونه تجمع و متفرق نمودن اغتشاشگران و دستگیری و انتقال به مقرها و اخذ تعهد» ثبت کرده است.

در اکتبر ۲۰۲۲ (۹ مهر تا ۹ آبان ۱۴۰۱)، مقام‌ها به استفاده از سلاح گرم و دیگر اشکال قوای قهریه مرگبار برای متفرق کردن اعتراضات ادامه دادند که به کشته‌شدن دست‌کم ۴۹ معترض و رهگذر/ناظر دیگر انجامید. بیش از نیمی از این کشتارهای ثبت‌شده، یعنی ۲۶ مورد، در ۱۰ شهرستان واقع در سه استان کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی رخ داد که محل زندگی اقلیت کُرد تحت ستم ایران هستند. ۲۳ قربانی دیگر در ۱۱ شهرستان واقع در ۱۰ استان دیگر کشته شدند.

در نوامبر ۲۰۲۲ (۱۰ آبان تا ۹ آذر ۱۴۰۱) اعتراضات در سراسر کشور شدت گرفت، به‌ویژه در فاصله ۲۴ آبان تا ۱ آذر ۱۴۰۱ (۱۵ تا ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲) که معترضان سالگرد اعتراضات سراسری آبان ۱۳۹۸ را گرامی داشتند. مقام‌ها استفاده از قوای قهریه مرگبار را تشدید کردند و دست‌کم ۹۵ معترض و رهگذر/ناظر را کشتند. بار دیگر، معترضان و رهگذران/ناظران متعلق به اقلیت کُرد تحت ستم ایران در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی از جمله گروه‌هایی بودند که بیشترین آسیب را دیدند؛ دست‌کم ۴۷ قربانی در ۱۲ شهر این استان‌ها ثبت شدند. ۴۸ قربانی دیگر در ۱۷ شهرستان در ۱۱ استان دیگر کشته شدند.

از اوایل آذر ۱۴۰۱ (دسامبر ۲۰۲۲) به بعد، در پی چندین موج خشونت ویرانگر نیروهای امنیتی و بازداشت خودسرانه و گسترده ده‌ها هزار معترض، و در شرایطی که فضایی نظامی‌شده سراسر کشور را فرا گرفته بود، اعتراضات به تدریج فروکش کرد. عفو بین‌الملل کشته شدن دست‌کم چهار فرد دیگر را در آذر و دی ۱۴۰۱ (دسامبر ۲۰۲۲)، در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات یا در مناطق با حضور نظامی نیروهای امنیتی، ثبت کرده است: یک نفر در سنندج در استان کردستان؛ یک نفر در جوانرود در استان کرمانشاه؛ یک نفر در بجنورد در استان خراسان شمالی؛ و یک نفر در تهران در استان تهران.

۱.۳.۲ کشتارهای غیرقانونی در استان سیستان و بلوچستان

عفو بین‌الملل نام ۱۰۶ معترض و رهگذر/ناظر بلوچ را ثبت کرده است که نیروهای امنیتی در استان سیستان و بلوچستان، هنگام متفرق کردن اعتراضات یا هنگام حضور نظامی‌شده در مناطقی نزدیک به اعتراضات جاری یا اعتراضاتی که به‌تازگی رخ داده بودند،

کشتند. این افراد شامل ۸۳ مرد، سه زن و ۲۰ کودک، ۱۹ پسر و یک دختر، بودند. این قربانیان بلوچ ۳۳ درصد از کل موارد مرگ ثبت شده را تشکیل می دهند.

از میان این ۱۰۶ قربانی بلوچ شناسایی شده، ۸۷ نفر شامل ۶۹ مرد، سه زن، ۱۴ پسر و یک دختر را نیروهای امنیتی در جریان سرکوب مرگبار معترضان عمدتاً مسالمت آمیز پس از نماز جمعه ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در زاهدان به قتل رساندند. مردم ایران اکنون از این روز با عنوان «جمعه خونین» یاد می کنند.

در آن روز، پس از نماز جمعه در مصلی بزرگ زاهدان، محل وسیعی برای برگزاری نماز در نزدیکی مسجد جامع شهر، گروهی از مردم برای اعتراض و سردادن شعار مقابل ایستگاه پلیس واقع در آن سوی خیابان تجمع کردند. نیروهای امنیتی در واکنش به این تجمع، از پشت بام ایستگاه پلیس به سوی آنان مهمات مرگبار، گلوله های ساچمه ای و گاز اشک آور شلیک کردند. در همین حال، نیروهای امنیتی لباس شخصی از پشت بام چند خانه در همان نزدیکی به سوی معترضان و رهگذران/ناظران شلیک کردند. همزمان در حالی که صدها نفر، از جمله کودکان و سالمندان، هنوز مشغول اقامه نماز جمعه بودند نیروهای امنیتی همچنین به طور غیرقانونی با تفنگ های جنگی و شاتگان های پر شده با گلوله های ساچمه ای مستقیماً به محدوده پیرامون مصلی شلیک کردند و به آن جا گاز اشک آور پرتاب کردند.

در نتیجه شلیک غیرقانونی مهمات مرگبار از سوی نیروهای امنیتی به معترضان، رهگذران/ناظران و نمازگزاران، ۸۴ نفر، شامل ۶۹ مرد، یک زن و ۱۴ پسر زیر ۱۸ سال به قتل رسیدند. دو زن دیگر هم پس از آن که نیروهای امنیتی به طور غیرقانونی به فضای بسته ای در بخش زنان مصلی گاز اشک آور شلیک کردند، بر اثر عوارض تنفسی ناشی از گاز اشک آور جان باختند؛ یک دختر شش ساله نیز بر اثر اصابت کپسول گاز اشک آور به سرش به قتل رسید.

۱۳ آبان ۱۴۰۱ (۴ نوامبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی در جریان سرکوب مرگبار اعتراضات عمدتاً مسالمت آمیز پس از نماز جمعه در شهر خاش، ۱۱ قربانی بلوچ دیگر، ۹ مرد و دو پسر زیر ۱۸ سال را به ضرب گلوله به قتل رساندند.

از میان هشت جانباخته باقی مانده ای که در استان سیستان و بلوچستان شناسایی شدند، پنج نفر در جریان اعتراضاتی که طی دو روز بعد در ۹ و ۱۰ مهر پس از جمعه خونین در زاهدان ادامه یافت، به ضرب گلوله به قتل رسیدند. دو نفر دیگر که ۱۴ و ۱۶ سال سن داشتند، در جریان اعتراضات دیگری که پس از نماز جمعه ۶ آبان ۱۴۰۱ (۲۸ اکتبر ۲۰۲۲) در زاهدان برگزار شد، هدف گلوله قرار گرفته و به قتل رسیدند. علاوه بر این ها، یک مرد هم در جریان اعتراضات دیگری که پس از نماز جمعه ۱۳ آبان ۱۴۰۱ (۴ نوامبر ۲۰۲۲) در زاهدان برگزار شد، به ضرب گلوله کشته شد.

۱.۳.۳ کشتارهای غیرقانونی در کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی

عفو بین‌الملل شرایط پیرامون کشتار غیرقانونی ۹۵ معترض و رهگذر/ناظر کُرد به دست نیروهای امنیتی در استان‌های کردستان (۳۵ قربانی)، کرمانشاه (۱۹ قربانی) و آذربایجان غربی (۴۱ قربانی) را مستندسازی کرده است. این افراد در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نزدیک به اعتراضات جاری یا اعتراضاتی که به‌تازگی رخ داده بودند و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی شده داشتند، به قتل رسیدند. این قربانیان شامل ۷۹ مرد، سه زن، ۱۳ کودک، ۱۲ پسر و یک دختر، بودند. قربانیان کُرد ۲۹ درصد از کل موارد مرگ ثبت‌شده را تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده تاثیر نامتناسب سرکوب مرگبار بر این جامعه تحت ستم است.

از میان این ۹۵ جانبخته ثبت‌شده، ۹۰ نفر با شلیک گلوله کشته شدند که در دست‌کم ۲۲ مورد گلوله‌های ساچمه‌ای به کار رفته بود. سه قربانی دیگر، همگی از استان کردستان، بر اثر ضرب‌وشتم نیروهای امنیتی جان باختند؛ یکی از آن‌ها با چاقو نیز مورد حمله قرار گرفته بود. **محمد کیوان درویشی و سارینا ساعدی** ۱۵ ساله در دو واقعه جداگانه در سنندج در ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲) بر اثر ضرب‌وشتم مرگبار جان باختند و **محمد آریان خوشگوار** ۱۷ ساله در ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) در سنندج بر اثر ضرب‌وشتم و ضربات چاقو جان باخت. **محمد شریعتی**، قربانی دیگری، در ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲) هنگام فرار از سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات در سنندج بر اثر اصابت کپسول‌های گاز اشک‌آور جان باخت. قربانی دیگری به نام **محمد حسینی** نیز در ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲) در سقز، در حالی که با صدای بلند به استفاده مأموران امنیتی از شاتگان و گاز اشک‌آور علیه معترضان و رهگذران/ناظران اعتراض می‌کرد، عمداً با خودروی یگان‌های ویژه فراجا زیر گرفته شد و جان باخت.

از میان این ۹۵ قربانی، عفو بین‌الملل ۱۶ قربانی را شناسایی کرد که در مناطق نزدیک به اعتراضاتی که در حال برگزاری بود یا به‌تازگی رخ داده بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی داشتند، به قتل رسیدند. از میان این ۱۶ قربانی، ۱۲ نفر پس از آن به قتل رسیدند که نیروهای امنیتی عمداً به خودروهای آنان، هنگامی که می‌کوشیدند از نیروهای امنیتی که در حال اربابشان بودند دور شوند، تیراندازی کردند. شرایط پیرامون مرگ چهار قربانی باقی‌مانده به این شرح بود: **اردلان قاسمی** هنگام شعارنویسی سیاسی روی دیوار هدف حمله مرگبار قرار گرفت؛ **محمد آریان خوشگوار** ۱۷ ساله، در حالی که به عنوان رهگذر/ناظر از منطقه‌ای نظامی‌شده عبور می‌کرد، مورد ضرب‌وشتم و حمله با چاقو قرار گرفت؛ **رضا کاظمی** ۱۶ ساله، هنگامی که همراه دوستانش در حال رفت و آمد بود، پس از آن که نیروهای امنیتی در یک ایست بازرسی او را متوقف کردند، هدف گلوله قرار گرفت؛ و **داستان رسول** هنگامی که برای شرکت در مراسم یادبود یکی از بستگانش که روز قبل هدف گلوله قرار گرفته بود، از یک گذرگاه مرزی غیررسمی اما رایج بین ایران و عراق در نزدیکی روستای چومان در شهرستان بانه عبور می‌کرد، هدف گلوله قرار گرفت.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

در جریان متفرق کردن مرگبار اعتراضات، نیروهای امنیتی با شلیک غیرقانونی به داخل جمعیت برای واداشتن مردم به متفرق شدن و نیز با شلیک به معترضان و رهگذران/ناظران در حال فرار برای ارباب و مجازات آنان و جلوگیری از گردهم آمدن دوباره شان، موجب مرگ افراد شدند. از جمله نمونه های گویای این الگو، مرگ افراد زیر است:

- **مینو مجیدی** ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ (۲۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در کرمانشاه در استان کرمانشاه، هنگام فرار از حمله نیروهای یگان های ویژه فراجا که سوار بر موتورسیکلت معترضان و رهگذران/ناظران هراسان را تعقیب می کردند و پی در پی با شاتگان های پر شده با گلوله های ساچمه ای شلیک می کردند، با اصابت این گلوله ها از فاصله نزدیک کشته شد.
- **امیرحسین بساطی**، ۱۵ ساله، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در کرمانشاه به ضرب گلوله مأموران سپاه پاسداران که بر پشت بام مسجدی مستقر بودند کشته شد؛ او در حالی هدف گرفته شد که هنگام تلاش برای گریختن از تیررس تیراندازی گسترده برای برداشتن دمپایی اش که از پایش درآمد و بر زمین افتاده بود به عقب برگشته بود. تیراندازی های غیرقانونی مأموران امنیتی با هدف متفرق کردن معترضان، علاوه بر کشتن معترضان موجب مرگ رهگذران/ناظران نیز شد. برای مثال:
- **آرمین صیادی** ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲) با خودروی خود از محل اعتراضات در استان کرمانشاه عبور می کرد که گلوله ای که یکی از مأموران سپاه پاسداران از پشت بام به سوی گروهی از معترضان شلیک کرده بود، به او اصابت کرد و جانش را گرفت.
- **فریدون فرجی** ۵ آبان ۱۴۰۱ (۲۷ اکتبر ۲۰۲۲) در بانه در استان کردستان، هنگامی که از پنجره محل کارش بیرون را نگاه می کرد تا ببیند چه می گذرد، بر اثر اصابت گلوله کشته شد.
- **فرشته احمدی** ۵ آبان ۱۴۰۱ (۲۷ اکتبر ۲۰۲۲) در مهاباد، زمانی که روی پشت بام ایستاده بود و وقایع را تماشا می کرد، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.
- **عبدالله محمودپور**، ۱۶ ساله، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در روستای بالو در نزدیکی ارومیه، در حال بازگشت از محل کار به خانه به منطقه ای رسید که گروهی از معترضان در آن زیر آتش قرار گرفته بودند. او هنگامی که تلاش کرد از تیراندازی بی وقفه فرار کند، به ضرب گلوله کشته شد.

تحقیقات عفو بین‌الملل همچنین الگویی را آشکار کرد که در آن نیروهای امنیتی به قربانیان نزدیک می‌شدند و از فاصله نزدیک عمداً به آنان شلیک می‌کردند و اغلب با تفنگ‌های تهاجمی، شاتگان یا سلاح کمری، بالاتنه یا سر آنان را هدف می‌گرفتند. از جمله نمونه‌های گویای این الگو، مرگ افراد زیر است:

- **کبری شیخه** در حالی که به سوی خانه‌اش می‌دوید، به ضرب گلوله کشته شد. او ۵ آبان ۱۴۰۱ (۲۷ اکتبر ۲۰۲۲) در مهاباد در استان آذربایجان غربی از حمله نیروهای امنیتی می‌گریخت که او و دیگر معترضان و رهگذران/ناظران را تعقیب می‌کردند اما پیش از آن که بتواند وارد خانه‌اش شود، یکی از مأموران به او نزدیک شد و عمداً با تفنگ جنگی به گردنش شلیک کرد.
 - **میلاد معروفی** نیز ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) در بوکان در استان آذربایجان غربی، در حالی که نیروهای امنیتی او را تعقیب می‌کردند، به ضرب گلوله کشته شد. او و دیگر معترضان هراسان تلاش کرده بودند به کوچه‌ای پناه ببرند.
 - **محسن نیازی** ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲) در دهگلان در استان کردستان، هنگام تلاش برای فرار از دستگیری، عمداً از پشت هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد.
 - **زانبار الله‌مرادی، دانیال پابندی و فواد سواری** هنگام تلاش برای فرار به زمین افتاده بودند که مأموران به آن‌ها نزدیک شدند و عمداً از فاصله نزدیک به آن‌ها شلیک کردند و کشتند. زانبار الله‌مرادی ۲۴ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ نوامبر ۲۰۲۲) در سنندج در استان کردستان به ضرب گلوله کشته شد. دانیال پابندی، ۱۷ ساله، ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲) در سقز در استان کردستان به ضرب گلوله کشته شد. فواد سواری ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲) در دیواندره در استان کردستان به ضرب گلوله کشته شد.
 - **حسین عبدپناه و هومن عبداللهی** می‌کوشیدند از نیروهای امنیتی که در خیابان‌ها گشت می‌زدند پنهان شوند که مأموران آن‌ها را دیدند، به آن‌ها نزدیک شدند و عمداً به آن‌ها شلیک کردند و آن‌ها را کشتند. این دو در دو واقعه جداگانه در سنندج در استان کردستان، به ترتیب در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲) و ۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۷ دسامبر ۲۰۲۲)، به ضرب گلوله کشته شدند.
- عفو بین‌الملل همچنین الگویی را مستندسازی کرده است که در آن نیروهای امنیتی، پس از تیراندازی به قربانیان، با ارتکاب نقض‌های جدی دیگر خطر مرگ آنان را افزایش می‌دادند. از جمله، پس از آن که قربانیان بر اثر زخم‌های ناشی از شلیک گلوله یا گلوله‌های ساچمه‌ای به زمین افتاده بودند، آنان را با لگد، باتوم، چوب و دسته سلاح ضرب‌وشتم می‌کردند.

در مواردی دیگر، نیروهای امنیتی به تیراندازی ادامه می‌دادند تا مانع نزدیک شدن مردم و کمک‌رسانی به قربانیان مجروحی شوند که به زمین افتاده بودند. آن‌ها همچنین معترضان مجروح را محاصره می‌کردند و عمداً بدون کمک رهایشان می‌کردند و می‌گذاشتند خونریزی کنند، سپس یا صحنه را ترک می‌کردند یا با تأخیر درخواست کمک پزشکی می‌کردند. از جمله نمونه‌های گویای این الگو، مرگ افراد زیر است:

- **دانش رهنما ۳۰** شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در روستای بالو در نزدیکی ارومیه در استان آذربایجان غربی، هنگامی که تلاش می‌کرد به عبدالله محمودپور، که چند ثانیه پیش تر هدف گلوله قرار گرفته بود، کمک کند و او را جابه‌جا کند به ضرب گلوله کشته شد. نیروهای امنیتی همچنین به وادتی که قربانیان را به بیمارستان منتقل می‌کرد شلیک کردند و در نتیجه، گلوله‌ها بدنه خودرو را سوراخ کردند. آن‌ها راننده وادت را نیز پس از بازگشت از بیمارستان ضرب و شتم کردند.
- **شاهو بهمنی ۲۶** آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) در سنندج در استان گردستان به ضرب گلوله کشته شد. او حدود ۳۰ تا ۴۰ دقیقه در حالی که خونریزی می‌کرد روی زمین رها شد و در این مدت نیروهای امنیتی همچنان به معترضانی شلیک می‌کردند که تلاش داشتند خود را به او برسانند تا فوراً به بیمارستان منتقلش کنند. معترضان تنها پس از آن که نیروهای امنیتی صحنه را ترک کردند، توانستند به شاهو بهمنی برسند و او را با تأخیر به بیمارستان منتقل کنند؛ او در بیمارستان جان باخت.
- **هیوا جان‌جان ۲۶** آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) در بوکان در استان آذربایجان غربی، در حالی که داخل خودرو بود، به ضرب گلوله کشته شد. نیروهای امنیتی او و دوستش را از خودرو بیرون آوردند، سر دوستش را با یک ورقه پلاستیکی پوشاندند و او را ضرب و شتم کردند و سپس با خود بردند. در این فاصله، هیوا جان‌جان را در حالی که خونریزی می‌کرد رها کردند و پس از طی مدتی سرانجام آمبولانس خبر کردند.
- **حسین عبدپناه ۲۸** آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲) در سنندج در استان گردستان به ضرب گلوله کشته شد. پس از آن که او به زمین افتاد، کسانی که آن اطراف بودند تلاش کردند دور او جمع شوند، اما نیروهای امنیتی با تهدید به تیراندازی آنان را وادار کردند متفرق شوند. وقتی پسر حسین عبدپناه پس از شنیدن خبر تیر خوردن پدرش به محل رسید، نیروهای امنیتی ابتدا او را نیز به شلیک گلوله تهدید کردند و تنها پس از آن که او توانست خود را معرفی کرد، نیروهای امنیتی عقب نشستند و خانواده توانست با تأخیر حسین عبدپناه را به بیمارستان منتقل کنند.
- **محسن نیازی ۲۹** آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲) در دهگلان در استان گردستان هدف شلیک گلوله‌ای مرگبار قرار گرفت. او حدود ۱۰ دقیقه در حالی که خونریزی می‌کرد روی زمین رها شد و نیروهای امنیتی که بالای سرش ایستاده بودند، مانع

نزدیک شدن افراد حاضر برای کمک به او می شدند. نیروهای امنیتی حتی با شاتگان به سوی چند تن از کادر درمان که تلاش می کردند برای کمک وارد عمل شوند و کمک های اولیه ارائه دهند، شلیک کردند. تنها پس از آن که نیروهای امنیتی سرانجام محل را ترک کردند، افراد حاضر توانستند محسن نیازی را به بیمارستان منتقل کنند.

عفو بین الملل دریافت که الگوی گسترده بازداشت افراد به دست نیروهای امنیتی در بیمارستان ها، بسیاری را از مراجعه برای دریافت مراقبت پزشکی باز می داشت و مجروحان را ناگزیر می کرد به جای بیمارستان به خانه ها، محل های کسب و کار یا درمانگاه های فاقد امکانات کافی بروند. در نتیجه افرادی بر اثر خونریزی، عفونت یا عوارضی جان باختند که دریافت به موقع مراقبت های تخصصی می توانست از بروز آن ها جلوگیری کند. از جمله نمونه های گویای این الگو، مرگ افراد زیر است:

- **فواد قدیمی** ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲) در دیواندره در استان کردستان هدف گلوله قرار گرفت. ترس از بازداشت مانع انتقال فوری او به بیمارستان شد؛ بنابراین ابتدا او را به یک آرایشگاه بردند و بعدتر مقابل بیمارستان امام خمینی این شهر رها کردند. مشخص نیست او چه مدت بدون رسیدگی در آن جا ماند، اما سرانجام دو نفر او را به داخل بیمارستان بردند و اندکی بعد در آن جا جان باخت.
- **اصلان (نیما) شفق دوست**، ۱۷ ساله، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در ارومیه در استان آذربایجان غربی هدف گلوله قرار گرفت. معترضان ابتدا او را به خانه ای شخصی، سپس به خانه عمو یا دایی اش و بعدتر به خانه پدر و مادرش بردند. خانواده اش تلاش کردند او را به بیمارستان ببرند، اما وقتی دیدند نیروهای امنیتی به طور گسترده در بیمارستان مستقرند، بازگشتند. در روزهای بعد، او به طور متناوب در یک درمانگاه خصوصی فاقد امکانات کافی تحت درمان قرار گرفت اما وضعیت او بر اثر عفونت وخیم تر شد و ۱۳ مهر ۱۴۰۱ (۵ اکتبر ۲۰۲۲) در حالی به سرعت به بیمارستان منتقل شد که ظرف ۳۰ دقیقه پس از رسیدن به بیمارستان جان باخت.
- **میلان حقیقی، صدرالدین لیتانی و امین معرفت** ۱۶ ساله، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در اشنویه در استان آذربایجان غربی هدف گلوله قرار گرفتند. معترضان به دلیل ترس از بازداشت در بیمارستان ها، این سه قربانی مجروح را به جای بیمارستان به خانه ای شخصی بردند. حدود ۹۰ دقیقه بعد، با وخیم تر شدن وضعیت آنان بر اثر از دست دادن خون، آن ها را به بیمارستان منتقل کردند اما هر سه اندکی پس از رسیدن به بیمارستان جان باختند.
- **هزارم خسروی** ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) در بوکان در استان آذربایجان غربی هدف گلوله قرار گرفت. هزارم خسروی به دلیل ترس از بازداشت از خانواده اش خواست او را به بیمارستان ببرند. پس از چند ساعت وضعیتش به شدت وخیم شد و خانواده اش با وجود این خطرات او را به بیمارستان منتقل کردند. او اندکی پس از رسیدن به بیمارستان جان باخت.

- **میلاد معروفی** ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) در بوکان در استان آذربایجان غربی هدف گلوله قرار گرفت. معترضان به دلیل ترس از بازداشت ابتدا او را به خانه‌ای شخصی و سپس به یک مرکز درمانی فاقد امکانات کافی بردند. او بعدتر به بیمارستانی در بوکان منتقل شد اما بامداد ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲) جان باخت.

۱.۳.۴ روایت حکومت

روایت مقام‌های جمهوری اسلامی ایران درباره ابعاد، علل و شرایط کشتارهای مرتبط با اعتراضات را می‌توان به‌طور کلی در سه محور استدلالی دسته‌بندی کرد. این سه محور در گزارشی بازتاب یافته‌اند که «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» (کمیته ویژه)، نهادی فاقد استقلال و بی‌طرفی که ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت، در ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ (۷ مه ۲۰۲۳) با هدف «بررسی، روشن‌سازی و جبران هرگونه تعرض به حقوق شهروندان در جریان اغتشاشات» تشکیل داد، منتشر کرده است. عفو بین‌الملل بر اساس رصد و تحلیل تفصیلی خود به این نتیجه رسیده است که مقام‌ها این کمیته ویژه را تشکیل دادند تا به جامعه بین‌المللی ظاهری از پاسخ‌گویی نشان دهند، توجه‌ها را از بحران مصونیت نظام‌مند از مجازات حاکم بر کشور منحرف سازند و کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد را از ایجاد هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران و تمدید مأموریت آن منصرف کنند.

نخست، کمیته ویژه تنها مرگ ۲۰۲ نفر در جریان اعتراضات را تأیید کرد و در همان حال، مرگ شماری دیگر را که به گزارش مدافعان حقوق بشر و خانواده‌های جانب‌اختگان در نتیجه اقدامات نیروهای امنیتی رخ داده است، به عللی نامرتبط با اعتراضات، از جمله بیماری، تصادف رانندگی، مصرف بیش از حد مواد مخدر، حمله سگ، سقوط از ارتفاع و خودکشی نسبت داد. گزارش کمیته ویژه نه هویت جانب‌اختگان را مشخص می‌کند، نه اطلاعاتی درباره شرایط مشخص کشته شدن آنان ارائه می‌دهد و نه داده‌های تفکیک‌شده‌ای مانند جنسیت، سن یا تعلق اثنیکی آنان در اختیار می‌گذارد.

دوم، کمیته ویژه بیشتر این مرگ‌ها را به عوامل غیرحکومتی نسبت داد و مدعی شد که از میان ۲۰۲ نفری که «در جریان اعتراضات جان باختند»، ۱۱۲ نفر به دست «اغتشاشگران و... تروریست‌های مسلح» کشته شدند.

سوم، کمیته ویژه مدعی شد که ۹۰ جانب‌اخته باقی‌مانده «در حالی که سلاح حمل می‌کردند یا از آن استفاده می‌کردند... در جریان درگیری‌ها و حملات به مقرهای نظامی و انتظامی، زیرساخت‌های حیاتی یا مأموران انتظامی» کشته شدند و بدین ترتیب چنین القا کرد که استفاده از قوای قهریه مرگبار موجه بوده است.

کمیته ویژه هیچ مدرکی برای اثبات ادعای مسلح بودن جانب‌باختگان ارائه نکرد. افزون بر این با وجود آن که این کمیته روایت خود را بر ادعاهای مربوط به حمل سلاح یا استفاده از آن متمرکز کرد، حتی مدعی نشد که کشته‌شدگان تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی ایجاد کرده بودند، که آستانه‌ی مجاز بودن استفاده از قوای قهریه مرگبار بر اساس حقوق بین‌الملل است.

کمیته ویژه همچنین در گزارش خود ادعا کرد که ۵۴ تن از اعضای نیروهای امنیتی «در نتیجه خشونت گسترده اغتشاشگران و تروریست‌ها به شهادت رسیدند»، اما هیچ جزئیاتی درباره وقایع ادعایی ارائه نکرد.

عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که باید در مورد مرگ مأموران حکومتی، مانند هر مرگ دیگری، تحقیقات کیفری مستقل، بی‌طرفانه و مؤثر انجام شود. با این حال، عفو بین‌الملل در جریان تحقیقات خود درباره کشتار معترضان و رهگذران/ناظران، به هیچ موردی برخورد که در یک واقعه، هم معترض یا رهگذر/ناظری در نتیجه اصابت گلوله جان‌باخته باشد و هم مأموری حکومتی کشته شده باشد. این موضوع از آن رو اهمیت دارد که به نظر می‌رسد مقام‌ها می‌کوشند با استناد به مرگ مأموران حکومتی، استفاده از قوای قهریه مرگبار را توجیه کنند و به کشتار برخی معترضان ظاهری مشروع ببخشند. بر اساس قوانین بین‌المللی حقوق بشر، حملات معترضان علیه مأموران حکومتی می‌تواند برای ارزیابی تهدیدی که نیروهای امنیتی در یک واقعه مشخص با آن مواجه بوده‌اند اهمیت داشته باشد. با این حال، مقام‌ها نمی‌توانند با استناد به ادعاهای کلی مبنی بر کشته‌شدن نیروهای امنیتی در نقاط دیگری در جریان اعتراضات، کشتن معترضان و رهگذران/ناظران در وقایعی نامرتبط را توجیه یا مشروع جلوه دهند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، تحقیقات عمیق عفو بین‌الملل نشان داد که نیروهای امنیتی در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌ها آتش گشودند که در هیچ‌یک تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی وجود نداشت تا استفاده آن‌ها از سلاح گرم را موجه کند. این موارد شامل تیراندازی به تجمعات مسالمت‌آمیز؛ تعقیب و تیراندازی به معترضان و رهگذران/ناظران در حال فرار؛ استفاده از سلاح گرم در مناطق نظامی شده، از جمله در جریان گشت‌های مسلحانه، ایست‌های بازرسی، راه‌بندان‌ها و تعقیب‌وگریز خودروها؛ و تیراندازی به تجمعاتی بود که اکثریت معترضان در آن‌ها مسالمت‌آمیز بودند، هرچند برخی به سنگ‌پرانی، تخریب اموال یا آتش‌زدن لاستیک خودروها دست می‌زدند؛ اقداماتی که هیچ تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی ایجاد نمی‌کردند.

عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که یک تجمع «مسالمت‌آمیز» تلقی می‌شود مگر آن که خشونت جدی به‌طور آشکار و گسترده در آن وجود داشته باشد. اقدامات پراکنده خشونت‌آمیز از سوی برخی شرکت‌کنندگان برای تبدیل کل تجمع به یک تجمع «غیرمسالمت‌آمیز» کافی نیست. افزون بر این، بر اساس حقوق و موازین بین‌المللی، حتی اگر برخی معترضان مرتکب اعمال خشونت‌آمیز شوند، نیروهای امنیتی موظف‌اند اطمینان حاصل کنند که افرادی که همچنان مسالمت‌آمیز باقی مانده‌اند بتوانند بدون مداخله بی‌مورد یا ارباب به اعتراض خود ادامه دهند. همچنین باید یادآور شد که حتی زمانی که یک معترض رفتار غیرمسالمت‌آمیزی انجام می‌دهد و رفتار او خارج از شمول حمایت از حق تجمع مسالمت‌آمیز قرار می‌گیرد، همچنان از سایر حقوق بشر خود، از جمله حق حیات و حق رهایی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، برخوردار است و این حقوق باید رعایت شوند.

۱.۴ جنایت علیه بشریت از نوع شکنجه

تحقیقات عفو بین‌الملل نشان داده است که نیروهای امنیتی با استفاده غیرقانونی از قوای قهریه مرگبار و کمتر مرگبار، عمداً جراحات دردناکی به معترضان و رهگذران/ناظران وارد کردند. این اقدامات شامل استفاده غیرقانونی از سلاح گرم، از جمله تفنگ، تیربار، مسلسل دستی و سلاح کمری؛ استفاده از سلاح‌های ممنوعه‌ای مانند شاتگان‌های پر شده با گلوله‌های ساچمه‌ای فلزی که هرگز نباید در چارچوب اقدامات انتظامی در اعتراضات به کار روند؛ و استفاده از سلاح‌ها و تجهیزات کمتر مرگبار مانند باتوم، وسایل شوک الکتریکی، پرتابه‌های ضربه‌ای جنبشی و کپسول‌های گاز اشک‌آور، از جمله در فضاهای بسته بود. نیروهای امنیتی همچنین به‌طور غیرقانونی به خشونت فیزیکی، از جمله مشت و لگد زدن، کشیدن و پرتاب کردن افراد به زمین، پا کوبیدن روی آنان و کشیدن موهایشان متوسل شدند.

با توجه به گستردگی اعتراضات در سراسر کشور و ادامه آن به مدت سه ماه، مشارکت ده‌ها هزار نفر در این اعتراضات و مستندسازی گسترده عفو بین‌الملل از استفاده فراگیر نیروهای امنیتی از سلاح‌های مرگبار و کمتر مرگباری که برای وارد کردن جراحت طراحی شده‌اند در مناطق شلوغ اعتراضی در سراسر کشور، این سازمان بر این باور است که شمار مجروحان احتمالاً به هزاران نفر می‌رسد.

بسیاری از معترضان و رهگذران/ناظران بر اثر جراحات وارده به آنان جان باختند و در برخی موارد، نیروهای امنیتی مانع دسترسی مجروحان به درمان پزشکی شدند. قربانیانی که از جراحات وارده جان سالم به در بردند، با آسیب‌های شدید جسمی از جمله از دست دادن دائمی بینایی؛ زخم‌هایی در سر، صورت، گردن و بالاتنه؛ شکستگی دنده‌ها، جمجمه، استخوان‌های صورت، دندان‌ها و اندام‌ها؛ آسیب‌های ناشی از ضربه به مغز و نخاع؛ آسیب به اندام‌های داخلی، از جمله کلیه‌ها، دیافراگم و روده‌ها؛ آسیب‌های عصبی و عروقی؛ و خونریزی داخلی مواجه شدند. بسیاری از این جراحات به عوارض یا معلولیت‌های ماندگار از جمله درد مزمن، اختلالات حرکتی یا گفتاری، عفونت‌های مکرر، سردردهای ناتوان‌کننده و نیاز به مراقبت‌های تخصصی پزشکی مستمر، چندین عمل جراحی و توان‌بخشی طولانی‌مدت منجر شدند. در موارد متعدد مربوط به گلوله‌های ساچمه‌ای، پزشکان نتوانستند قطعات فلزی فرو رفته در بدن را خارج کنند و قربانیان با درد و خطر عفونت، آسیب مغزی یا نارسایی اندام‌ها مواجه شدند.

تحمیل چنین جراحاتی موجب درد و رنج شدید جسمی و روانی قربانیان شد. عفو بین‌الملل بر این باور است که در این موارد، آستانه شدت لازم برای احراز وقوع شکنجه به‌روشنی برآورده شده است.

عفو بین‌الملل با توجه به انواع سلاح‌هایی که نیروهای امنیتی به شکل مکرر به کار بردند و نحوه استفاده از آن‌ها، به این نتیجه رسیده است که نیروهای امنیتی یا قصد داشتند درد و رنج شدید ایجاد کنند، یا با علم به این نکته عمل کردند که در روند عادی وقایع، چنین درد و رنجی پیامد تقریباً قطعی عملکرد آنان خواهد بود.

علاوه بر شکنجه در جریان متفرق کردن اعتراضات، مقام‌ها افراد را در جریان بازداشت با هدف ارعاب، مجازات و تحقیر، به دلایل مبتنی بر تبعیض و/یا برای گرفتن «اعترافات» اجباری که بعدتر مبنای کیفرخواست‌ها و محکومیت‌ها قرار گرفتند، شکنجه کردند.

روش‌های رایج شکنجه فیزیکی شامل ضرب‌وشتم با باتوم و زنجیر؛ سیلی، لگد و مشت زدن؛ شلاق زدن؛ نگهداری طولانی‌مدت در سلول انفرادی؛ وارد کردن شوک الکتریکی؛ قرار دادن افراد در معرض دماهای بسیار بالا یا پایین؛ کشیدن مو؛ تجویز اجباری مواد شیمیایی؛ قرار دادن اجباری در وضعیت‌های دردناک و استرس‌زا در حالی که چشم‌بند داشتند یا سرشان پوشانده شده بود؛ محروم کردن آنان از مراقبت پزشکی برای درمان جراحات؛ و محرومیت طولانی‌مدت از غذا و آب بود. دیگر روش‌های گزارش‌شده شامل غوطه‌ور کردن قربانیان زیر آب، فروکردن سوزن در قسمت‌های حساس بدن، کشیدن ناخن‌ها، زدن اسپری فلفل از جمله با پاشیدن آن روی چشم‌ها، اجرای اعدام‌های ساختگی و آویزان کردن قربانیان از گردن یا میچ دست بود.

روش‌های رایج شکنجه روانی شامل تهدید به شکنجه بیشتر، کشتن یا حبس ابد؛ تهدید به دستگیری، کشتن، آسیب رساندن، تجاوز جنسی یا ناپدیدسازی قهری اعضای خانواده؛ قراردادن در معرض نور یا صدا به مدت طولانی، از جمله در طول شب؛ وادار کردن قربانیان به انجام اعمال تحقیرآمیز؛ استفاده مداوم از توهین‌های تحقیرآمیز و فحاشی؛ و قرار دادن قربانیان در معرض فریادهای دیگر بازداشت‌شدگانی بود که تحت شکنجه قرار داشتند.

با توجه به آسیب شدید جسمی و روانی ناشی از این روش‌های شکنجه و استفاده عامدانه نیروهای امنیتی از آن‌ها، عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که عنصر روانی لازم برای احراز جنایت علیه بشریت از نوع شکنجه محقق شده است.

۱.۵ جنایت علیه بشریت از نوع بازداشت

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» ده‌ها هزار مرد، زن و کودک را، که برخی از آن‌ها تنها ۱۰ سال داشتند، خودسرانه دستگیر کردند. شواهد عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که این دستگیری‌ها در اکثریت قریب به اتفاق موارد به دلیل انجام اعمالی از جمله شرکت در اعتراضات مسالمت‌آمیز، شعار دادن، رقصیدن، برداشتن روسری، نوشتن شعار، بوق زدن با خودرو، ابراز همبستگی در فضای مجازی و در مورد خانواده‌های داغدار، پیگیری حقیقت و عدالت صورت گرفت که همه تحت حمایت قوانین بین‌المللی حقوق بشر هستند. روزنامه‌نگاران هم به دلیل تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر مرتبط با اعتراضات و وکلا به دلیل وکالت معترضان یا خانواده‌های کشته‌شدگان بازداشت شدند.

در بسیاری از موارد، نیروهای امنیتی افراد را بدون حکم بازداشت دستگیر کردند، با خشونت آنان را به داخل خودروهای بدون علامت بردند و به مکان‌های نامعلوم منتقل کردند؛ جایی که آن‌ها را از جمله از طریق تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی، شکنجه کردند. برخی قربانیان پس از ساعت‌ها یا روزها در مناطق دورافتاده رها شدند. برخی دیگر سرانجام در بازداشتگاه‌های تحت

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

اداره نیروهای امنیتی ثبت شدند؛ در آنجا تحت شکنجه‌های بیشتری قرار گرفتند و به اجبار وادار به نوشتن «اعترافات» دروغینی شدند که بعداً برای صدور احکام محکومیت و مجازات‌های سنگین، از جمله حبس‌های طولانی‌مدت و مجازات اعدام، مورد استفاده قرار گرفتند.

در همه موارد مستندسازی‌شده، دستگیری‌ها و بازداشت‌ها ناقض ضمانت‌های دادرسی و حق برخورداری از دادرسی عادلانه بودند. بازداشت‌شدگان از دسترسی به وکیل، حمایت در برابر شکنجه، اطلاع به‌موقع از اتهامات، حق سکوت، اصل برائت و امکان اعتراض به قانونی بودن بازداشت یا آماده‌سازی دفاع محروم شدند. محاکمه‌ها فاقد بی‌طرفی و شفافیت بودند و متهمان از امکان تجدیدنظرخواهی مؤثر محروم شدند.

با توجه به شرایط خشونت‌آمیز دستگیری و بازداشت، فقدان مبنای قانونی و محروم‌سازی نظام‌مند از ضمانت‌های دادرسی، عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که عناصر جنایت علیه بشریت از نوع حبس محقق شده‌اند.

۱.۶ جنایت علیه بشریت از نوع تجاوز جنسی و دیگر اشکال

خشونت جنسی

عفو بین‌الملل پرونده ۱۶ نفر را که در ارتباط با خیزش «زن زندگی آزادی» در جریان بازداشت خودسرانه مورد تجاوز جنسی قرار گرفتند، به تفصیل مستندسازی کرده است. این افراد شامل شش زن، هفت مرد، یک دختر ۱۴ ساله و دو پسر ۱۶ و ۱۷ ساله بودند. چند مأمور حکومتی، شش نفر از آنان، چهار زن و دو مرد را به‌زور مورد دخول جنسی قرار دادند. مأموران حکومتی زنان و کودکان دختر را از طریق واژن، مقعد و دهان، و مردان و کودکان پسر را از طریق مقعد مورد تجاوز جنسی قرار دادند. قربانیان با باتوم‌های چوبی و فلزی، بطری‌های شیشه‌ای، شلنگ و/یا اندام جنسی و انگشتان مأموران مورد تجاوز قرار گرفتند.

عفو بین‌الملل همچنین پرونده ۲۹ نفر دیگر را مستندسازی کرده است که در ارتباط با خیزش «زن زندگی آزادی» در جریان بازداشت خودسرانه در معرض اشکال دیگری از خشونت جنسی به غیر از تجاوز جنسی قرار گرفتند.

در مورد زنان و کودکان دختر، اعمال خشونت جنسی به‌طور معمول شامل این موارد بود: نیروهای امنیتی مرد دست خود را زیر لباس و داخل لباس زیر قربانیان می‌بردند؛ سینه‌ها، اندام تناسلی یا باسن آنان را می‌گرفتند، لمس می‌کردند، می‌زدند یا با مشت و لگد هدف قرار می‌دادند؛ آنان را، از جمله در برابر بازداشت‌شدگان مرد، برهنه می‌کردند؛ بازرسی‌های بدنی تهاجمی انجام می‌دادند؛ آنان را برای ساعت‌ها یا روزها در بازداشت، از جمله مقابل دوربین‌های فیلم‌برداری و در سرمای شدید، برهنه نگه می‌داشتند؛ و آنان یا بستگان زن‌شان را به تجاوز جنسی تهدید می‌کردند.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

در مورد مردان و کودکان پسر، اشکال مستندسازی شده خشونت جنسی شامل این موارد بود: نیروهای امنیتی آنان یا بستگان‌شان را به تجاوز جنسی تهدید می‌کردند؛ مجبورشان می‌کردند لباس‌هایشان را درآورند؛ در حالی که برهنه بودند آنان را در معرض سرمای شدید قرار می‌دادند؛ به اندام تناسلی‌شان شوک الکتریکی وارد می‌کردند؛ در اندام تناسلی‌شان سوزن فرو می‌کردند؛ بیضه‌ها یا باسن آنان را لمس می‌کردند، فشار می‌دادند یا با لگد و ضربه هدف قرار می‌دادند؛ و برای مدت طولانی روی بیضه‌هایشان یخ می‌گذاشتند.

بر این اساس، عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که عناصر جنایات علیه بشریت از نوع تجاوز جنسی و خشونت جنسی محقق شده‌اند و شیوه‌ها و شرایط ارتکاب تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی نشان می‌دهند که مرتکبان با عنصر روانی لازم، یعنی قصد و علم، عمل کرده‌اند.

۱.۷ جنایت علیه بشریت از نوع ناپدیدسازی قهری

نیروهای امنیتی و مقام‌های دادستانی با همکاری یکدیگر، بازداشت‌شدگان خیزش «زن زندگی آزادی» را بارها برای روزها یا هفته‌ها در معرض ناپدیدسازی قهری قرار دادند و از ارائه هرگونه اطلاعات درباره سرنوشت یا محل نگهداری آنان به خانواده‌هایشان خودداری کردند. برخی در بازداشتگاه‌های رسمی و برخی دیگر در مکان‌های غیررسمی مانند انبارها، مدارس و ساختمان‌های مسکونی که نیروهای امنیتی در گفتار خود از آن‌ها با عنوان «خانه‌های امن» یاد می‌کنند، نگهداری می‌شدند.

بستگان آسیب‌دیده‌هایی که عفو بین‌الملل با آنان مصاحبه کرده است، شرح دادند که برای یافتن عزیزان‌شان به کلانتری‌ها، دفاتر دادستانی، دادگاه‌های انقلاب و زندان‌ها مراجعه می‌کردند. مقام‌ها اغلب با وجود آن‌که می‌دانستند افراد در بازداشت هستند، اطلاعات را پنهان می‌کردند؛ یا بازداشت آنان را تأیید می‌کردند اما از اعلام محل نگهداری یا اتهاماتشان خودداری می‌کردند.

ناپدیدسازی قهری، بازداشت‌شدگان را از حمایت قانون خارج کرد و زمینه را برای شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها و گرفتن «اعترافات» اجباری فراهم ساخت؛ «اعترافات» که بعدتر در محاکمه‌های به‌شدت ناعادلانه برای صدور کیفرخواست و احکام محکومیت مورد استفاده قرار گرفتند. این بلا تکلیفی به خانواده‌ها آسیب روانی وارد کرد و در بحبوحه گزارش‌های مربوط به کشتارهای مرتبط با اعتراضات، آنان را گرفتار رنج و عذاب بی‌خبری از زنده یا مرده بودن عزیزان‌شان کرد.

عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که این اعمال، عناصر جنایت علیه بشریت از نوع ناپدیدسازی قهری را محقق می‌کنند.

۱.۸ جنایت علیه بشریت از نوع آزار و ستم

بر اساس اساسنامه رم، آزار و ستم زمانی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود که مرتکب، برخلاف حقوق بین‌الملل، یک یا چند شخص را به شدت از حقوق بنیادین‌شان محروم کند و این هدف‌گیری به دلیل هویت گروه یا جمعیتی باشد که این اشخاص به آن تعلق دارند؛ یا بر مبنای دلایل سیاسی، نژادی، ملی، اثنیکی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی یا دیگر دلایل ممنوعه صورت گیرد؛ و با اعمال ممنوعه‌ای مانند قتل، شکنجه، ناپدیدسازی قهری و حبس یا هر جنایت دیگری که در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی قرار دارد، مرتبط باشد.

عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که در مورد چندین گروه هدف‌گرفته شده، عناصر جنایت علیه بشریت از نوع آزار و تعقیب بر مبنای دلایل هم‌پوشان سیاسی، جنسیتی، مذهبی و اثنیکی محقق شده‌اند. همه معترضان و حامیان آنان به دلایل سیاسی مورد آزار و تعقیب قرار گرفتند؛ زنان و کودکان دختری که حجاب اجباری را به چالش کشیدند، به دلایل سیاسی در هم‌پوشانی با دلایل جنسیتی و مذهبی مورد آزار و تعقیب قرار گرفتند؛ معترضان کُرد و بلوچ به دلایل سیاسی در هم‌پوشانی با دلایل اثنیکی مورد آزار و تعقیب قرار گرفتند؛ و خانواده‌های کشته‌شدگان نیز به دلایل سیاسی مورد آزار و تعقیب قرار گرفتند.

۱.۸.۱ معترضان

معترضان و حامیان آنان گروه یا جمعیتی در سراسر کشور هستند که هدف اعمال ممنوعه‌ای مانند قتل، حبس، ناپدیدسازی قهری، شکنجه، تجاوز جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی قرار گرفتند؛ اعمالی که ذاتاً متضمن محروم‌سازی شدید آسیب‌دیدگان از حقوق بنیادین هستند. این هدف‌گیری بر مبنای دلایل سیاسی تبعیض‌آمیز و بر اساس مخالفت واقعی یا منتسب به قربانیان با نظام دین‌سالار جمهوری اسلامی صورت گرفت.

قصد تبعیض‌آمیز مبتنی بر دلایل سیاسی به‌روشنی از اظهارات رسمی، قوانین و سیاست‌ها برمی‌آید. مقام‌ها در جریان سرکوب و پس از آن، بارها معترضان و حامیان‌شان را «دشمنان حکومت» نامیدند، از ادبیات تبعیض‌آمیز و آکنده از نفرت استفاده کردند، اعتراضات را به‌نادرست «جنگ ترکیبی» جلوه دادند و از سرکوب مرگبار تجلیل کردند. آنان نظام جمهوری اسلامی را تجسم «آرمان‌های الهی» و «قانون خدا» معرفی کردند، به نیروهای امنیتی دستور دادند هر کسی را که «در صدد اقدام علیه انقلاب اسلامی» است درهم بشکنند و بر وفاداری مطلق به رهبر جمهوری اسلامی ایران تأکید کردند.

۱.۸.۲ زنان و کودکان دختر

زنان و کودکان دختری که به اعتراضات پیوستند و از تن دادن به حجاب اجباری تبعیض‌آمیز سر باز زدند، گروه قابل‌شناسایی دیگری هستند که در سراسر کشور هدف قرار گرفت. مقام‌ها آنان را کسانی تلقی می‌کردند که نظامی مبتنی بر ستم و سلطه جنسیتی را به چالش می‌کشند؛ نظامی که به نام قانون اسلام توجیه شده و از طریق قوانین و سیاست‌های متعدد و دستگاه گسترده حکومتی اعمال می‌شود. نیروهای امنیتی علیه زنان و دختران مرتکب قتل، شکنجه، حبس، ناپدیدسازی قهری، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی شدند؛ نه فقط برای سرکوب مخالفت سیاسی، بلکه همچنین برای اعمال تبعیض جنسیتی و مجازات آنان به دلیل تخطی از نقش‌ها و رفتارهای جنسیتی تحمیل‌شده از سوی حکومت که ریشه در تفاسیر سخت‌گیرانه از قوانین اسلامی داشتند. بنابراین، هدف‌گیری زنان و کودکان دختر بر مبنای جنسیت و در تقاطع با مبانی سیاسی و مذهبی صورت گرفت.

شواهد مربوط به قصد تبعیض‌آمیز بر مبنای جنسیت، به‌روشنی از زمینه و ادبیات رسمی پیرامون سرکوب زنان و دختران قابل استنباط است. مقام‌ها بارها مطالبات معترضان برای برابری جنسیتی را «توطئه» جلوه دادند، به اعمال خشونت علیه زنان و دخترانی که از تن دادن به حجاب اجباری سر باز می‌زدند دامن زدند و آنان و حامیان‌شان را «دشمنان اسلام» نامیدند. آنان نیروهای امنیتی را به‌عنوان «قهرمانانی» که از «مقدسات اسلامی» دفاع می‌کنند ستودند و در همان حال آن‌چه را «عفت» زنان می‌خوانند مسئله‌ای مربوط به امنیت ملی و بقای جمهوری اسلامی قلمداد کردند.

۱.۸.۳ معترضان کُرد و بلوچ

معترضان بلوچ در استان سیستان و بلوچستان و معترضان کُرد در استان‌های کُردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، گروه‌ها یا جمعیت‌های متمایز دیگری را تشکیل می‌دادند که هدف قرار گرفتند. معترضان کُرد پس از جان باختن ژینا مهسا امینی در بازداشت، که خود کُرد بود، آغازگر جنبش اعتراضی شدند و هر دو جامعه کُرد و بلوچ، با وجود سرکوب‌های مرگبار، اعتراضات را تداوم بخشیدند.

بر اساس موارد ثبت‌شده، قربانیان کُرد و بلوچ ۶۲ درصد از مجموع افرادی را تشکیل می‌دهند که در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضاتی که در حال برگزاری بودند یا به‌تازگی رُخ داده بودند و نیروهای امنیتی در آن مناطق حضور نظامی داشتند، کشته شده‌اند. عفو بین‌الملل دریافته است که این میزان نامتناسب^۴ بالای تلفات را نمی‌توان تنها با ابعاد اعتراضات توضیح داد؛ الگوهای استفاده از قوای قهریه عمداً مرگبار علیه این جوامع، متمایز و به‌طور چشمگیری شدیدتر بود.

۴ نامتناسب» معادل واژه انگلیسی disproportionate اس. منظور از این اصطلاح آن است که سهم کشته‌شدگان بلوچ و کُرد از مجموع کشته‌شدگان، در مقایسه با سهم این جوامع از جمعیت کشور، به‌طور قابل توجهی بیشتر بوده است.

معمارن جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

در سیستان و بلوچستان، نیروهای امنیتی مرگبارترین سرکوب کل دوره اعتراضات را به راه انداختند و در یک روز، در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲)، با تیراندازی‌های گسترده ۸۷ معترض و رهگذر/ناظر را در زاهدان کشتند. در استان‌های کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی، نیروهای امنیتی واکنشی به‌مراتب نظامی‌تر از سایر نقاط در پیش گرفتند و اغلب بلافاصله پس از آغاز اعتراضات، سلاح‌های گرم نظامی به کار گرفتند. این سلاح‌ها شامل تفنگ‌های جنگی، از جمله مدل‌های مبتنی بر الگوی کلاشنیکف، مدل‌های متنوع تک‌تیرانداز در اگونوف و تفنگ‌های ژ-۳، مسلسل‌های دستی، از جمله مدل‌های مبتنی بر الگوی یوزی و ام‌پی ۵؛ و وانت‌های مجهز به تیربار سنگین دوشکا بود.

عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که اعمال ممنوعه، از جمله قتل و شکنجه، با قصد تبعیض‌آمیز به دلایل سیاسی و اتمیکی علیه معترضان گرد و بلوچ ارتکاب یافته است. مقام‌های جمهوری اسلامی ایران به‌طور مداوم معترضان گرد و بلوچ را «تروریست» و «تجزیه‌طلب» معرفی کردند و تجمعات مسالمت‌آمیز آنان را تهدیدی علیه تمامیت ارضی ایران و «توطئه‌های دشمن» در پی ایجاد «تفرقه قومی و مذهبی» جلوه دادند. مقام‌ها واقعیت‌ها را تحریف کردند؛ یا جانب‌اختگان گرد و بلوچ را به‌دروغ عناصر مسلح معرفی کردند یا به‌دروغ مدعی شدند که آنان به دست گروه‌های مسلح مخالف گرد و بلوچ کشته شده‌اند. همزمان، مقام‌ها نیروهای امنیتی را به این دلیل که «مانع از خرابکاری تجزیه‌طلبان» شدند ستایش کردند و از این طریق فضایی ایجاد کردند که استفاده نامتناسب از قوای قهریه مرگبار و مصونیت از مجازات را ممکن می‌ساخت. الگوهای شدید سرکوب علیه معترضان گرد و بلوچ در خلاء شکل نگرفتند؛ این الگوها ریشه در دهه‌ها تبعیض نظام‌مند و سابقه‌ای از استفاده از قوای قهریه مرگبار و اجرای اعدام‌های خودسرانه داشتند که به‌طور نامتناسب اقلیت‌های اتمیکی تحت ستم ایران را هدف قرار داده است.

۱.۸.۴ خانواده کشته‌شدگان

خانواده‌های کشته‌شدگان، گروه یا جمعیت متمایز دیگری بودند که به دلیل تلاش‌های واقعی یا مفروضشان برای سخن گفتن علنی و عمومی، افشای شرایط و چگونگی کشتن عزیزان‌شان و حقیقت‌جویی و دادخواهی هدف قرار گرفتند. نیروهای امنیتی خانواده‌های کشته‌شدگان را در معرض اعمال ممنوعه‌ای، از جمله حبس، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و خشونت جنسی قرار دادند که ذاتاً مصداق محرومیت شدید از حقوق بنیادین هستند. این اعمال شامل دستگیری و بازداشت خودسرانه؛ تهدید به مرگ، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی؛ محاکمه‌های ناعادلانه‌ای که به حبس ناعادلانه منجر شد؛ و ضرب‌وشتم خانواده‌ها و شلیک گلوله‌های ساچمه‌ای با شاتگان به سوی آنان در جریان مراسم تشییع و یادبود بود که جراحاتی مصداق شکنجه به باور آورد.

افزون بر این، نیروهای امنیتی خانواده‌ها را در معرض مجموعه‌ای از موارد نقض حقوق بشر قرار دادند که در مجموع مصداق محرومیت شدید از حقوق بنیادین است. این موارد عبارت بودند از: خودداری از ارائه اطلاعات درباره محل پیکر قربانیان؛ پنهان کردن پیکر قربانیان در مکان‌های نامعلوم بدون اطلاع یا رضایت خانواده‌ها؛ مشروط کردن تحویل پیکر قربانیان به پذیرش روایت‌های رسمی دروغین حکومت درباره شرایط مرگ عزیزان‌شان و/یا موافقت با محدودیت‌های خودسرانه بر مراسم تشییع و یادبود؛ محروم

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

کردن خانواده‌های کشته‌شدگان از حق انجام آیین‌های فرهنگی خاکسپاری، مانند شست‌وشوی پیکرها و وداع با عزیزان‌شان از طریق بوسیدن، در آغوش گرفتن یا لمس آنان پیش از دفن؛ محروم کردن خانواده‌ها از حق مشاهده کامل پیکر عزیزان‌شان پیش از دفن، از جمله برای مشاهده و عکس گرفتن از آثار جراحت؛ وادار کردن خانواده‌ها به دفن شتاب‌زده عزیزان‌شان در ساعات نامتعارف شب یا سپیده‌دم و در حضور نیروهای امنیتی؛ وادار کردن خانواده‌ها به دفن عزیزان‌شان در مکان‌هایی که خود انتخاب نکرده بودند، گاه در مناطق دورافتاده و دور از شهر محل سکونتشان؛ جلوگیری از برگزاری مراسم یادبود؛ وادار کردن خانواده‌ها به امضای اظهارات دروغین و حضور در ویدیوهای تبلیغاتی حکومتی؛ تهدید به تخریب مزار کشته‌شدگان و/یا نبش قبر آنان و دفن مجدد پیکرها در مکان‌های نامعلوم؛ زیرنظر گرفتن خانواده‌ها، تماس‌های تهدیدآمیز یا مراجعه‌های ارباب‌آمیز؛ قرار دادن خانواده‌ها در معرض بازجویی‌های آزارگرانه و تهدید به مرگ، تجاوز جنسی، سایر اشکال خشونت جنسی و وارد کردن آسیب‌های دیگر؛ وادار کردن اعضای خانواده‌ها به امضای تعهدنامه‌هایی مبنی بر عدم شرکت در اعتراضات بعدی یا مراسم یادبود؛ محروم کردن خانواده‌ها از دسترسی به شواهد حیاتی، از جمله گزارش‌های کالبدشکافی و تصاویر دوربین‌های مداربسته؛ صدور گواهی‌های دفن یا فوت حاوی اطلاعات نادرست یا ناقص، یا اساساً خودداری از صدور گواهی دفن یا فوت؛ و خودداری از انجام تحقیقات مستقل، شفاف و بی‌طرفانه برای روشن کردن حقیقت درباره علل و شرایط مرگ کشته‌شدگان و هویت افراد مسئول.

عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که خانواده‌های کشته‌شدگان به دلایل سیاسی در معرض محرومیت شدید از حقوق بنیادین بشر قرار گرفتند. مقام‌ها با هدف سرکوب مطالبات خانواده‌های داغدار برای کشف حقیقت، اجرای عدالت و جبران خسارت و تحکیم نظام سیاسی آکنده از سرکوب و مصونیت از مجازات در قبال نقض‌های جدی حقوق بشر، آن‌ها را هدف قرار دادند. خانواده‌ها همچنین بر پایه این تصور هدف قرار گرفتند که ممکن است در باورهای سیاسی و کنشگری بستگان جان‌باخته‌شان سهیم باشند یا از آن‌ها حمایت کنند و بنابراین باید سرکوب و به اجبار وادار به تسلیم و سکوت شوند.

۱.۹ مصونیت نظام‌مند از مجازات

تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که نظام عدالت کیفری فعلی ایران نه اراده و نه توان اجرای عدالت در قبال جنایات علیه بشریت ارتکاب‌یافته در کشور را ندارد. مصونیت از مجازات به‌طور عامدانه در نظام قضایی، حقوقی و قانون اساسی کشور نهادینه شده است. این مصونیت نهادینه‌شده به مرتکبان اطمینان خاطر می‌دهد که می‌توانند به جنایات خود ادامه دهند و از این طریق سیاست حکومتی درهم‌شکستن مخالفت‌ها از طریق ارتکاب نقض‌های جدی حقوق بشر و جنایات بین‌المللی را به اجرا بگذارند.

۱.۹.۱ فقدان استقلال قوه قضائیه

نظام قضایی ایران فاقد استقلال و بی‌طرفی است و به جای آن که نهادی برای اجرای عدالت باشد، همچون بازوی سرکوب حکومتی عمل می‌کند. ریشه این وضعیت در مقررات قانون اساسی و فرایندهای انتصابی است که مقام‌های قضایی و دادستانی را در دستگاه امنیتی ادغام می‌کنند، تفکیک میان وظایف دادستانی، قضایی و اجرایی را از میان می‌برند و اختیارات قوای مجریه، مقننه و قضائیه را تحت کنترل رهبر قرار می‌دهند.

از جمله مقررات کلیدی مندرج در قانون اساسی که معماری مصونیت از مجازات را شکل می‌دهند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اصول ۱۱۰ و ۱۵۷ به رهبر اختیار می‌دهند رئیس قوه قضائیه را منصوب کند و هر زمان که بخواهد او را برکنار کند.
- اصل ۱۶۲ به رئیس قوه قضائیه اختیار می‌دهد رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور و همچنین تمامی دادستان‌های استانی و شهرستانی را منصوب کند.
- اصل ۱۷۶ رئیس قوه قضائیه را به‌عنوان یکی از اعضای شورای عالی امنیت ملی تعیین می‌کند.
- بند ۳ اصل ۱۵۸ اختیارات گسترده‌ای به رئیس قوه قضائیه می‌دهد، از جمله اختیار انتصاب و برکناری قضات، تعیین سمت آنان و مدیریت ترفیع و انتقال قضات، بدون آن که شوراها یا کمیسیون‌های مستقل قضایی که معمولاً برای تضمین انتصاب‌های بی‌طرفانه و مبتنی بر شایستگی تشکیل می‌شوند، نقشی در این فرایند داشته باشند.
- اصول ۱۵۷ و ۱۶۲ مقرر می‌کنند که رئیس قوه قضائیه، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور همگی باید مجتهد باشند. الزامی که با محروم کردن غیرمسلمانان، افراد دارای تفاسیر متفاوت از اسلام و کسانی را که به اصول سکولار مانند جدایی دین از اقتدار قضایی پایبند هستند، تبعیض بر اساس مذهب و گرایش سیاسی را نهادینه می‌سازد.
- استقلال قضایی همچنین با معیارهای انتصاب بیش از پیش تضعیف می‌شود. بر اساس قانون گزینش و استخدام قضات و دستورالعمل‌های مرتبط، قضات باید مرد باشند و «تعهد عملی به موازین اسلامی»، «وفاداری به جمهوری اسلامی» و «التزام به اصل ولایت مطلقه فقیه» را نشان دهند.

با توجه به این که رسیدگی به پرونده‌های جنایاتی که نیروهای امنیتی مرتکب می‌شوند در صلاحیت دادستان‌ها و دادگاه‌های نظامی است، امکان انجام تحقیقات و محاکمه‌های بی‌طرفانه درباره این جنایات به مراتب دورتر از دسترس قرار می‌گیرد. بر اساس فرمانی صادرشده از سوی رهبر جمهوری اسلامی، دست کم ۵۰ درصد قضات، دادستان‌ها و کارکنان دادرها و دادگاه‌های نظامی باید عضو نیروهای مسلح، از جمله سپاه پاسداران، فراجا و ارتش جمهوری اسلامی ایران، باشند.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

۱.۹.۲ مصونیت قانونی از مجازات در قبال سرکوب مرگبار اعتراضات

معماری مصونیت از مجازات در ایران با مجموعه‌ای از قوانین تقویت می‌شود که استفاده از حق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز را جرم‌انگاری می‌کنند؛ استفاده از سلاح گرم برای متفرق کردن اعتراضات را مجاز می‌شمارند؛ و به مأموران حکومتی در قبال قتل‌ها و جراحات ناشی از چنین استفاده‌ای از قوای قهریه مصونیت قانونی می‌دهند.

بر اساس «قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری»، نیروهای امنیتی مجازند برای متفرق کردن و فرونشاندن «راه‌پیمایی‌های غیرقانونی» از سلاح گرم استفاده کنند، چنانچه معترضان از دستور متفرق شدن تبعیت نکنند و سرکوب تجمع بدون استفاده از سلاح گرم امکان‌ناپذیر تشخیص داده شود.

عنوان «غیرقانونی» به تمام تجمعات، جز آن‌هایی که از پیش از وزارت کشور مجوز گرفته‌اند، اطلاق می‌شود و دریافت چنین مجوزی فقط برای احزاب سیاسی ثبت‌شده امکان‌پذیر است. «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» (قانون احزاب) به‌گونه‌ای است که هیچ گروه منتقد جمهوری اسلامی یا رهبر آن، امکان ثبت رسمی ندارد. این چارچوب، صداها را مخالف را از امکان درخواست مجوز محروم می‌کند و در نتیجه هر اعتراضی را که خارج از ایدئولوژی جمهوری اسلامی باشد، خودبه‌خود «غیرقانونی» می‌سازد. این دور باطل ساختاری، تجمع مسالمت‌آمیز را جرم‌انگاری می‌کند و دستاویزی قانونی دائمی برای استفاده از قوای قهریه و سلاح گرم علیه معترضان فراهم می‌آورد.

ماده ۱۲ قانون به‌کارگیری سلاح، مأموران حکومتی را در صورتی که مطابق این قانون از سلاح استفاده کنند، از مسئولیت مدنی یا جزایی معاف می‌کند. ماده ۱۳ نیز مقرر می‌کند که اگر دادگاه نظامی حکم دهد استفاده از سلاح گرم قانونی بوده و در نتیجه آن افراد «بی‌گناه» کشته یا مجروح شده‌اند، نهاد امنیتی که مأمور به آن وابسته بوده است صرفاً باید به خانواده‌های کشته‌شدگان دیه بپردازد. این ماده دولت را ملزم می‌کند هر سال بودجه‌ای برای این پرداخت‌ها اختصاص دهد. قانون به‌کارگیری سلاح و «قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران»، «بی‌گناه» را تعریف نکرده‌اند. در عمل، دادستان‌ها و دادگاه‌های نظامی به اطلاعات نهادهای امنیتی اتکا می‌کنند و بر این باورند که امتناع مسالمت‌آمیز از متفرق شدن یا انجام اقداماتی مانند پرتاب سنگ می‌تواند باعث شود قربانیان «مقصر» تلقی شوند؛ امری که خانواده‌ها را حتی از دریافت دیه، چه رسد به دستیابی به عدالت، محروم می‌کند.

پرونده مهدی ببرنژاد نمونه‌ای روشن‌گر است. او ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در قوچان، استان خراسان رضوی، کشته شد. مقام‌ها پس از آن که نتیجه گرفتند نیروهای امنیتی مجاز به استفاده از سلاح گرم برای متفرق کردن اعتراضات بوده‌اند، با وجود نبود هرگونه تهدید مرگ یا جراحت جدی که استفاده از سلاح گرم را توجیه کند، پرونده کیفری را به موضوع دیه فروکاستند و خانواده را از سایر راه‌های جبران و عدالت، مانند پاسخگو کردن افراد مرتکب، محروم کردند. شعبه یک دادگاه نظامی یک خراسان رضوی در رأی خود به تاریخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۲ حتی دیه را نیز از خانواده او دریغ کرده و اعلام کرد که مهدی ببرنژاد «بی‌گناه

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

نبوده و مقصر بوده است». دادگاه برای این تشخیص به گزارش‌های فراجا و سپاه استانی خراسان رضوی اتکا کرد؛ همان نیروهای امنیتی که در این قتل دخیل دانسته شده بودند. دادگاه بر این اساس اعلام کرد:

«تعداد زیادی از آشوبگران به سمت نیروهای نظامی و انتظامی با پرتاب کردن سنگ و سایر اشیاء حمله ور می‌شوند و دست به تخریب اموال عمومی می‌زنند و ظاهر امر به گونه ایست که به جز با بکارگیری سلاح به گونه‌ی دیگری نمی‌توان آشوبگران را متفرق نمود و مرحوم مهدی ببرنژاد نیز در این آشوب شرکت داشته و متأسفانه ملاحظه می‌گردد با پرتاب کردن سنگ دست به تخریب و مقابله با پرسنل نظامی و انتظامی می‌زند ... تیراندازی مأموران انتظامی و بسیج و سپاه حاضر در صحنه ... مطابق بندهای ۷، ۴، ۲ و ۸ قانون بکارگیری سلاح [بوده است] و ... عدم احراز وقوع بزه [اعلام می‌گردد].»

خانواده مهدی ببرنژاد به این رأی اعتراض کردند. ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۳ شعبه یک دادگاه تجدیدنظر نظامی خراسان رضوی رأی را تغییر داد. این دادگاه با استناد به نحوه تیراندازی، محل اصابت گلوله به بدن و این واقعیت که تیرانداز مأمور فراجا یا سپاه پاسداران بوده است، ۳۰ درصد دیه یک مرد مسلمان را به خانواده او اختصاص داد. دادگاه ۷۰ درصد باقی‌مانده را به دلیل «حضور متوفی در اغتشاشات و فیلمبرداری از اغتشاشگران و همراهی و تحریک آنان» رد کرد.

با این حال، پرونده مهدی ببرنژاد یک مورد استثنایی است، زیرا اکثریت قریب به اتفاق شکایت‌های کیفری ثبت‌شده از سوی خانواده‌های کشته‌شدگان حتی به این مرحله نیز نرسیده‌اند.

در وهله نخست، عفو بین‌الملل دریافت که خانواده‌های کشته‌شدگان در اکثریت موارد از طرح شکایت خودداری کرده‌اند و دلیل آن را بی‌حاصل بودن تلاش برای اجرای عدالت از طریق قوه قضائیه‌ای دانسته‌اند که در همان ساختار امنیتی مسئول جنایات علیه بشریت ادغام شده است. این احساس بی‌حاصل بودن اقدام با این واقعیت تقویت می‌شد که مقام‌های دادستانی و قضایی به‌طور معمول ظرف چند ساعت یا چند روز پس از قتل‌ها بیانیه‌های عمومی صادر می‌کردند، نیروهای امنیتی را از مسئولیت مبرا می‌دانستند و مرگ‌ها را به حوادث، خودکشی یا عاملان غیردولتی نسبت می‌دادند. خانواده‌ها همچنین از اقدامات تلافی‌جویانه هراس داشتند و از آزار و ارباب نیروهای امنیتی با هدف بازداشتن آنان از طرح شکایت خبر دادند.

بنا بر یافته‌های عفو بین‌الملل، در معدود مواردی که خانواده‌ها شکایت‌های خود را پیگیری کردند، مقام‌های دادستانی یا از رسیدگی به شکایت‌ها خودداری کردند و در حالی که از ارائه اطلاعات به خانواده‌ها امتناع می‌کردند، پرونده‌ها را راکد گذاشتند، یا بدون انجام تحقیقات واقعی شکایت‌ها را رسماً رد کردند. مقام‌های دادستانی برای رد شکایت‌ها، از جمله مدعی شدند که برای اثبات مسئولیت نیروهای امنیتی در تیراندازی «شواهد کافی» در اختیار ندارند، قادر به شناسایی فرد تیرانداز نیستند یا استفاده از سلاح گرم را بر اساس قانون به کارگیری سلاح قانونی می‌دانند. نمونه‌های روشن‌تر شامل پرونده‌های زیر است:

- **محمد رضا سروری**، پسر ۱۴ ساله افغانستانی‌تبار، و **محمد جواد فرمانی** هر دو در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در شهری، استان تهران، به ضرب گلوله کشته شدند. یک مقام دادستانی شکایت‌های خانواده‌های آنان را با استناد به

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

نبود تصاویر دوربین‌های مداربسته و ناتوانی شاکیان در معرفی هرگونه شاهد عینی رد کرد.

- **ابوالفضل آدینه‌زاده**، پسر ۱۷ ساله، ۱۶ مهر ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در مشهد، استان خراسان رضوی، کشته شد. یک مقام دادستانی شکایت خانواده او را با استناد به «اینکه دلیلی متقن و محکم بر استفاده نیروهای نظامی یا انتظامی از سلاح ساچمه‌زنی تحصیل نگردیده» رد کرد. این مقام به اظهارات فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی استناد کرد که اذعان داشت «برخی از پرسنل این نیرو ... مسلح به سلاح ساچمه‌زنی بوده‌اند؛ ولیکن هرگز از سلاح خود استفاده نکرده‌اند. این مقام همچنین به اظهارات سپاه پاسداران استناد کرد که مدعی شد «هیچ‌یک از پرسنل سپاه حاضر در محل مسلح به سلاح ساچمه‌زنی نبوده‌اند».

- **فریدون محمودی** ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در سقز، استان کردستان، کشته شد. یک مقام دادستانی نتیجه گرفت که «تیراندازی توسط مأمورین یگان ویژه به سمت مرحوم فریدون محمودی برای این مرجع محرز بوده ولیکن امکان شناسایی مرتکب وجود ندارد». در نتیجه او شکایت خانواده را که خواهان پاسخگویی کیفری فردی بودند رد کرد و پرونده را صرفاً برای تعیین این‌که آیا یگان‌های ویژه باید دیه بپردازند به دادگاه نظامی ارجاع داد؛ موضوعی که به نتیجه‌گیری دادگاه درباره «مقصر» یا «بی‌گناه» بودن فریدون محمودی منوط بود.

- **پدرام آذرنوش** ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در دهدشت، استان کهگیلویه و بویراحمد، کشته شد. مطابق یک سند حقوقی که عفو بین‌الملل مرور کرد، یک مقام دادستانی شکایت خانواده را پس از آن رد کرد که «از مسئول حفاظت اطلاعات نیروی انتظامی و سپاه پاسداران استعلام نمود که فرد متخلف را شناسایی و معرفی نماید ولی [این نهادها] در خصوص دستور قضایی هیچ گونه عملی انجام نداده‌اند».

عفو بین‌الملل فقط از سه شکایت اطلاع دارد که به مرحله محاکمه رسیدند و به صدور محکومیت انجامیدند. با این حال، این موفقیت‌های محدود به سرعت با مداخلات مقام‌های ارشد قضایی و امنیتی تضعیف شدند؛ مداخلاتی که در نهایت به تبرئه مرتکبان، محدود کردن جبران خسارت به پرداخت دیه از سوی دولت، جلوگیری از اعمال مجازات‌های متناسب و خارج کردن فرماندهان از شمول مسئولیت انجامیدند.

برای مثال، در پرونده **محمد جامه‌بزرگ**، حسین سلامی، فرمانده وقت کل سپاه پاسداران، از رئیس قوه قضائیه خواست رای صادرشده علیه مأموری را که به قتل او محکوم شده بود به این دلیل که «خلاف شرع بین بوده» نقض کند و پرونده را بار دیگر به دیوان عالی کشور ارجاع دهد. محمد جامه‌بزرگ ۲ مهر ۱۴۰۱ در ملارد، استان تهران، کشته شد. شهرام بزربوی یکی از مأموران گردان‌های بسیج سپاه پاسداران، به قتل عمد او محکوم و بر اساس اصل اسلامی قصاص به اعدام محکوم شد. غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، متعاقباً با درخواست حسین سلامی موافقت کرد. غلامحسین محسنی اژه‌ای بدون توجه به شواهد ثبت‌شده در پرونده و صرفاً بر اساس اظهارات خود شهرام بزربوی، قتل را غیرعمدی طبقه‌بندی کرد. او همچنین گفت از آن‌جا که شهرام بزربوی برای

استفاده از شاتگان و مهمات آن آموزش مناسب ندیده بود، تقصیر متوجه نهاد سپاه پاسداران است، نه شخص متهم و بنابراین، سپاه پاسداران باید دیه را بپردازد. در رأی صادرشده در ۱۹ مهر ۱۴۰۴ شعبه ۱ دیوان عالی کشور شهرام بذربوی را به جای قتل عمد به «قتل شبه‌عمد» محکوم کرد، برای او سه سال حبس تعیین کرد و سپاه پاسداران را ملزم به پرداخت دیه به خانواده کرد.

تحقیقات پیشین عفو بین‌الملل نشان داده است که اکثریت قربانیان شکنجه، از جمله قربانیان تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، نیز به همین ترتیب از طرح شکایت اکراه داشتند و به بی‌حاصل بودن تلاش برای اجرای عدالت از طریق قوه قضائیه جمهوری اسلامی اشاره می‌کردند.

از میان ۴۵ قربانی تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی که پرونده‌هایشان را عفو بین‌الملل مستندسازی کرده است، همه به جز سه نفر از طرح شکایت خودداری کردند، زیرا از آسیب بیشتر از سوی مقام‌ها می‌ترسیدند و معتقد بودند قوه قضائیه نه جایی برای جبران آسیب که ابزاری برای سرکوب است. عفو بین‌الملل دریافت که این ترس‌ها موجه بوده‌اند؛ زیرا مقام‌های قضایی نه تنها به‌طور مداوم شواهد خشونت جنسی را رد کرده یا بر آن‌ها سرپوش گذاشته‌اند، بلکه برای پیگرد و محکوم کردن ناعادلانه قربانیان به «اعترافات» اجباری اتکا کرده‌اند که از طریق خشونت جنسی و دیگر اشکال شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها اخذ شده بود. سه قربانی که نزد پلیس و مقام‌های دادستانی شکایت کردند، در معرض موارد بیشتری از نقض حقوق بشر قرار گرفتند. آنان در نهایت، پس از تهدیدهای مکرر نیروهای امنیتی یا ماه‌ها بی‌عملی مقام‌های دادستانی، مجبور شدند شکایت‌های خود را پس بگیرند یا پیگیری آن‌ها را متوقف کنند.

۱.۱۰ ساختارهای فرماندهی نیروهای امنیتی

ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر چهار نهاد نظارت دارد که در قوانین ایران در مجموع از آن‌ها با عنوان «سازمان‌های مسلح» یا «نیروهای مسلح» جمهوری اسلامی ایران یاد می‌شود. این چهار نهاد عبارت‌اند از ارتش، سپاه پاسداران، فراجا که نیروی پلیس کشور است، و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (وزارت دفاع). ستاد کل نیروهای مسلح تحت فرمان رهبر قرار دارد. رهبر در مقام فرمانده کل قوا، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرماندهان کل ارتش، سپاه پاسداران و فراجا را منصوب و برکنار می‌کند و فرماندهی آن‌ها را در اختیار دارد. وزیر دفاع را رئیس‌جمهور با تأیید رهبر و پس از کسب رای اعتماد مجلس منصوب می‌کند.

اصطلاح «نیروهای مسلح»، آن‌گونه که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران به کار می‌برند، به نهادهایی اشاره دارد که مجاز به حمل سلاح گرم، چه برای عملیات نظامی در مخاصمات مسلحانه و چه برای عملیات امنیتی داخلی، هستند. عفو بین‌الملل جز در مواردی که مستقیماً از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران نقل‌قول می‌کند، از اصطلاح «نیروهای امنیتی» استفاده می‌کند.

وظایف ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه پاسداران و فراجا، چنان که در فرامین رهبر جمهوری اسلامی و قوانین مختلف، از جمله قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران تعیین شده‌اند، شامل «دفاع مقدس از اسلام»، «حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی»، «گسترش حاکمیت قانون الهی» و «مبارزه با عناصر و جریان‌هایی که امنیت ملی را مختل می‌کنند» است. این وظایف گسترده با تعاریف مبهم، میان اعمال خشونت‌آمیز و مخالفت مسالمت‌آمیز تمایزی قائل نمی‌شوند و اختیارات وسیعی در اختیار نیروهای امنیتی قرار می‌دهند تا آزادی بیان، تشکیل‌یابی و تجمع مسالمت‌آمیز را سرکوب کنند و علیه معترضان مسالمت‌آمیز و دیگر افرادی که از ساختار حاکم انتقاد می‌کنند، اقتدار رهبر را به چالش می‌کشند و به‌طور مسالمت‌آمیز از دیدگاه‌ها و نظام‌های اجتماعی و سیاسی بدیل حمایت می‌کنند، از قوای قهریه و سلاح گرم استفاده کنند.

۱.۱۰.۱ فراجا

فرمانده کل فراجا اختیار فرماندهی نیروی پلیس در سراسر کشور را در اختیار دارد و برای هر استان و شهرستان، فرمانده فراجا منصوب می‌کند.

فراجا نهادی پیچیده و متشکل از شاخه‌های متعدد، از جمله پلیس پیشگیری و یگان‌های ویژه است.

پلیس پیشگیری وظایف معمول انتظامی، از جمله واکنش اولیه به اعتراضات، را بر عهده دارد. فرمانده کل فراجا رئیس پلیس پیشگیری در سطح کشور را منصوب می‌کند. هر استان نیز یک رئیس استانی پلیس پیشگیری دارد که او هم از سوی فرمانده کل فراجا منصوب می‌شود.

پلیس پیشگیری بر کلانتری‌های سراسر شهرستان‌ها و محله‌ها نظارت دارد و نزدیک به دو دوجین بخش تخصصی از جمله یگان‌های امداد را دربرمی‌گیرد که در صورت نیاز به پشتیبانی بیشتر از جمله برای سرکوب اعتراضات به کلانتری‌ها کمک می‌کنند.

یگان‌های ویژه، که مقام‌ها از آن‌ها به‌عنوان «مشت آهنین نظام در شرایط بحرانی» یاد می‌کنند، زمانی به‌کار گرفته می‌شوند که گسترش دامنه اعتراضات از توان کلانتری‌ها و یگان‌های امداد برای متفرق کردن معترضان فراتر رود. حسن کرمی، فرمانده وقت یگان‌های ویژه در سطح کشور در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ گفته است که یگان‌های ویژه از زمان تأسیس در سال ۱۳۹۱ نقشی «نمونه» در سرکوب «اغتشاشات» داشته‌اند. فرمانده کل فراجا، فرمانده یگان‌های ویژه در سطح کشور را منصوب می‌کند.

ارتباطات، هماهنگی و اجرای عملیات فراجا از طریق مراکز فرماندهی و کنترل، موسوم به «مرفوک»، که در سطوح کشوری و استانی فعالیت می‌کنند، تسهیل می‌شود.

فراجا از نظر نهادی در سطح ملی با وزیر کشور و در سطح محلی با استانداران و فرمانداران، که نمایندگان محلی وزیر کشور هستند، مرتبط است.

وزیر کشور از طریق دو نقش به هم پیوسته در ساختار فرماندهی فراجا ادغام شده است. نخست، او ریاست وزارت کشور را بر عهده دارد که مسئول امنیت داخلی است و دستورهای وزیر کشور به فراجا در زمینه انجام مسئولیت‌های امنیتی این وزارتخانه لازم الاجراست. دوم، او همزمان با حکم رهبر، سمت جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی را نیز بر عهده دارد؛ سمتی که او را در سلسله مراتب فرماندهی فراجا بالاتر از فرمانده کل فراجا قرار می‌دهد.

افزون بر این، اختیار وزیر کشور بر عملیات امنیتی از طریق سومین سمت همزمان او، یعنی ریاست شورای امنیت کشور، تقویت می‌شود. بر اساس قوانین ایران، مصوبات این شورا تنها زمانی به دستورهای لازم الاجرا تبدیل می‌شوند که وزیر کشور آن‌ها را برای اجرا ابلاغ کند. وزیر کشور در این مقام، نه تنها بر فراجا بلکه بر سپاه پاسداران نیز اختیارات قابل توجهی اعمال می‌کند.

۱۰.۲ سپاه پاسداران

سپاه پاسداران نهادی پیچیده است که نیروهای نظامی آن در چهار نیرو سازماندهی شده‌اند: نیروی دریایی، نیروی مقاومت زمینی، نیروی هوافضا و نیروی قدس که عملیات سپاه پاسداران در خارج از کشور را هدایت می‌کند. رهبر، فرمانده کل سپاه پاسداران و همچنین فرماندهان و جانشینان فرمانده هر یک از این نیروها را منصوب می‌کند.

نیروی مقاومت زمینی از یگان‌هایی تشکیل می‌شود که عمدتاً در زمین فعالیت می‌کنند، از جمله یگان‌هایی که برای سرکوب اعتراضات خیابانی به کار گرفته می‌شوند. از سال ۱۳۸۷، نیروی مقاومت زمینی از طریق ۳۲ سپاه استانی سپاه پاسداران سازماندهی شده است. در استان تهران دو سپاه از این نوع وجود دارد؛ یکی برای شهر تهران بزرگ و دیگری برای سایر نقاط استان. در سطح بالاتر از این ۳۲ سپاه استانی، ۱۱ قرارگاه منطقه‌ای سپاه پاسداران قرار دارند که هر یک مسئول نظارت بر چند سپاه استانی هستند. فرمانده کل سپاه پاسداران، فرماندهان و جانشینان فرمانده سپاه‌های استانی و قرارگاه‌های منطقه‌ای را منصوب می‌کند.

هر سپاه استانی سپاه پاسداران از لشکرها یا تیپ‌های عملیاتی در سطح استان و سپاه‌های ناحیه مقاومت بسیج در سطح شهرستان تشکیل می‌شود که بازوی اجرایی سپاه استانی در سطح شهرستان هستند. افزون بر این، بسیاری از سپاه‌های استانی یگان‌هایی موسوم به «یگان‌های امنیتی» دارند.

سپاه ناحیه مقاومت بسیج هر شهرستان از گردان‌های مختلف بسیج، از جمله گردان‌های امام علی و گردان‌های بیت‌المقدس، تشکیل می‌شود. این گردان‌های بسیج زمانی برای سرکوب اعتراضات خیابانی به کار گرفته می‌شوند که شوراها تأمین در سطح شهرستان و استان تشخیص دهند نیروهای فراجا به پشتیبانی بیشتری نیاز دارند. مقام‌های ایران از بسیجیان به عنوان «نیروهای

مردمی» سپاه پاسداران یاد می‌کنند و به این ترتیب این تصور را ایجاد می‌کنند که آنان یک نیروی شبه‌نظامی داوطلب هستند. در واقع، اعضای بسیج در ازای فعالیت‌های خود مبالغ مالی دریافت می‌کنند و فرایندهای مربوط به جذب، آموزش، فراخوان و پرداخت حق‌الزحمه آنان تابع قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران است.

گردان‌های امام علی مأمور «مقابله با اغتشاشات» هستند و بنا بر اظهارات رسمی، از زمان تاسیس پس از اعتراضات گسترده سال ۱۳۸۸ نقش مهمی در سرکوب اعتراضات در سراسر کشور داشته‌اند. قرارگاه مرکزی امام علی در تهران بر توسعه، آموزش و تجهیز گردان‌های امام علی در سراسر کشور نظارت دارد. در اظهارات رسمی، از گردان‌های بیت‌المقدس به‌عنوان «گردان‌های واکنش سریع» یاد می‌شود که آماده‌اند «با تهدیدهای امنیتی و دفاعی مقابله کنند و از محله‌ها حفاظت کنند».

۱۰.۳ شورای امنیتی

شورای عالی امنیت ملی راهبردهای کلی دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، از جمله نحوه واکنش به اعتراضات، را تعیین می‌کند. اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این شورا را موظف به «تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت» می‌کند. اعضای شورا شامل روسای قوای مجریه، مقننه و قضائیه؛ رئیس ستاد کل نیروهای مسلح؛ دو نفر منصوب رهبر؛ وزیران امور خارجه، کشور و اطلاعات؛ و فرماندهان کل ارتش و سپاه پاسداران هستند. ریاست شورای عالی بر عهده رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی است.

شورای امنیت کشور یکی از نهادهای زیرمجموعه شورای عالی امنیت ملی است. بر اساس ماده ۱ «قانون تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور» (قانون شورای امنیت کشور) وظایف این شورا از جمله شامل «مشخص نمودن سیاست‌های عام امنیت داخلی ... تبیین حدود وظایف و اختیارات هر یک از ارگان‌ها و نهادها در رابطه با امنیت داخلی کشور ... و پیگیری و ارزیابی نتایج حاصله از اجرا تصمیمات متخذه در شورا» است.

ریاست شورای امنیت کشور بر عهده وزیر کشور است که معمولاً معاون امنیتی و انتظامی خود را به دبیری این شورا منصوب می‌کند. فرماندهان کل سپاه پاسداران و فراجا نیز از دیگر اعضای شورا هستند.

قانون شورای امنیت کشور تشکیل شوراهای زیرمجموعه‌ای در سطح استان و شهرستان، موسوم به «شوراهای تأمین»، را پیش‌بینی کرده است. بر اساس این قانون، شورای امنیت کشور موظف به «برقراری ارتباط با شورای تأمین استان‌ها و دریافت گزارشات نوبه‌ای از وضع امنیتی، سیاسی، اجتماعی هر استان» است. شوراهای تأمین شهرستان نیز در سطح شهرستان وظایفی مشابه شوراهای تأمین استان دارند. به این معنا که باید وضعیت شهرستان را رصد کنند و به شورای تأمین استان مربوطه گزارش دهند و در هماهنگی با آن شورا، وظایف نهادهای مختلف حکومتی را در ارتباط با امنیت شهرستان تعیین کنند.

ریاست شورای تأمین استان بر عهده استاندار و ریاست شورای تأمین شهرستان بر عهده فرماندار است. استانداران و فرمانداران نیز معمولاً معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی خود را به عنوان دبیر شوراهای تأمین مربوطه منصوب می کنند.

مصوبات شوراهای امنیتی تنها زمانی لازم الاجرا می شوند که روسای مربوطه آن ها را برای اجرا ابلاغ کنند. این ساختار به وزیر کشور و استانداران و فرمانداران اختیار قابل توجهی بر عملیات امنیتی می دهد؛ از جمله این اختیار که مداخله سپاه پاسداران برای کمک به فراجا در سرکوب اعتراضات را مجاز کنند و نیز مانع اجرای تصمیمات شوند.

۱.۱۱ مقام های مستوجب تحقیقات کیفری

برنامه ریزی، هدایت، سازماندهی و اجرای جنایات علیه بشریت ارتکاب یافته در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» به واسطه دستگاه امنیتی گسترده و هماهنگی امکان پذیر شد که دارای ساختارهای فرماندهی سلسله مراتبی بود. فراجا و سپاه پاسداران از جمله نیروهای امنیتی بودند که نقش اصلی در متفرق کردن مرگبار اعتراضات داشتند.

بر اساس اطلاعات و شواهد گردآوری شده از سوی عفو بین الملل، از جمله اظهارات رسمی و اسناد رسمی فاش شده، نیروهای سپاه پاسداران و فراجا راهبردهای سرکوبگرانه ای را اجرا کردند که شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین در سطوح استانی و شهرستانی تدوین کرده بودند. این راهبردها از طریق دستورهای وزیر کشور و نمایندگان او در سطوح استانی و شهرستانی، یعنی استانداران و فرمانداران، به اجرا گذاشته شدند.

عفو بین الملل با مستندسازی عمیق شرایط پیرامون قتل ۹۵ معترض و رهگذر/ناظر گرد در ۱۷ شهرستان در استان های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی در فاصله ۲۸ شهریور تا ۱۶ آذر ۱۴۰۱ و همچنین مجروح شدن شمار بسیار بیشتری، توانسته است چندین شاخه یا یگان فراجا و سپاه پاسداران را که در این وقایع دخیل بوده اند شناسایی کند.

شاخه های فراجای دخیل شامل پلیس پیشگیری، از جمله یگان های امداد آن، و همچنین یگان های ویژه بودند. یگان های ویژه فراجا از شاتگان های پر شده با گلوله های ساچمه ای و سلاح های گرم، از جمله تفنگ های رده کلاشنیکف استفاده کردند. در سطحی گسترده تر، هم پلیس پیشگیری و هم یگان های ویژه فراجا برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان به استفاده غیرقانونی از قوای قهریه، از جمله استفاده از گاز اشک آور و ضرب و شتم با باتوم، چوب و لگد، متوسل شدند.

یگان های سپاه پاسداران که در این وقایع دخیل بودند شامل لشکر عملیاتی ۲۲ بیت المقدس سپاه استانی کردستان، موسوم به سپاه بیت المقدس؛ لشکر عملیاتی ۲۹ نبی اکرم سپاه استانی کرمانشاه، موسوم به سپاه نبی اکرم؛ و لشکر عملیاتی ۳ حمزه سپاه استانی آذربایجان غربی، موسوم به سپاه شهدا، بودند. در هر ۱۷ شهرستان در استان های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، گردان های بسیج سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان های مربوطه، از جمله گردان های امام علی و گردان های بیت المقدس، نیز

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین الملل

دخیل بودند. در گُردستان و آذربایجان غربی، همه یگان‌های سپاه پاسداران دخیل تحت اختیار قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا فعالیت می‌کردند، در حالی که یگان‌های مربوطه در کرمانشاه تحت اختیار قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران بودند. در ارتباط با سرکوب جوانرود در ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۲۱ نوامبر ۲۰۲۲)، تیپ تکاور انصارالرسول، از واحدهای نیروهای ویژه سپاه پاسداران مستقر در جوانرود، نیز به احتمال زیاد در این سرکوب نقش داشته است.

عفو بین‌الملل بر اساس مستندسازی تفصیلی نیروهای امنیتی دخیل در ارتکاب جنایات علیه بشریت و تحلیل عمیق ساختارهای فرماندهی آن‌ها، ۸۷ نفر، شامل ۶۲ فرمانده نیروهای امنیتی و ۲۵ مقام وزارت کشور، را شناسایی کرده و دلایل معقولی برای این باور یافته است که در مورد این افراد، عناصر لازم برای احراز اشکال مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» یا «مساعدت و حمایت» بر اساس حقوق کیفری بین‌المللی وجود دارد.

تحلیل عفو بین‌الملل در مورد فرماندهان بر عناصر مرتبط با شکل مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» و در مورد مقام‌های وزارت کشور بر عناصر مرتبط با شکل مسئولیت کیفری «مساعدت و حمایت» متمرکز بوده است. این اشکال مسئولیت کیفری به این دلیل انتخاب شدند که بر اساس شواهدی که در حال حاضر در اختیار سازمان قرار دارد، بیش از سایر اشکال قابل اعمال بودند.

از میان این ۸۷ مقام، دست‌کم شش نفر از آن زمان تاکنون درگذشته‌اند. عفو بین‌الملل، از جمله بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی یا دیگر اشکال صلاحیت فراسرزمینی، خواستار آغاز تحقیقات کیفری درباره افراد در قید حیات و نیز صدور حکم بازداشت در صورت وجود شواهد کافی، صرف‌نظر از حضور یا عدم حضور متهم در قلمرو حوزه قضایی مربوطه، است. افراد درگذشته را نمی‌توان مورد تحقیقات یا پیگرد کیفری قرار داد. با این حال، تحقیق درباره اعمال ادعایی آنان همچنان برای حقیقت‌یابی، ثبت سوابق تاریخی، شناخت زنجیره‌های فرماندهی و بررسی مسئولیت کیفری احتمالی دیگر افراد اهمیت دارد.

عفو بین‌الملل در تحلیل خود معیار اثبات «دلایل معقول برای باور» را به کار گرفته است. به این معنا که سازمان تنها زمانی خواستار انجام تحقیقات کیفری درباره یک فرد شده که بر اساس شواهد موجود، دلایل معقولی برای این باور وجود داشته باشد که آن فرد، بر اساس یک یا چند شکل شناخته‌شده مسئولیت کیفری، در قبال جنایات علیه بشریتی که این سازمان مستند کرده است مسئولیت ادعایی دارد.

عفو بین‌الملل برای معرفی افرادی که باید مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند، عناصر زیر را که با اشکال مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» و/یا «مساعدت و حمایت» مرتبط هستند، در نظر گرفته است:

- جایگاه فرد در سلسله‌مراتب دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی ایران و نقش مشخصی که بر مبنای این جایگاه در سرکوب مرگبار خیزش «زن زندگی آزادی» در سال ۱۴۰۱ ایفا کرده است؛
- اختیار و کنترلی که فرد در مقام مافوق بر زیردستان مسئول جنایات علیه بشریت مستندشده از سوی عفو بین‌الملل

اعمال کرده است؛

- اقداماتی که فرد برای مساعدت، تشویق یا حمایت معنوی از ارتکاب جنایات علیه بشریت مستندشده از سوی عفو بین‌الملل انجام داده است و تاثیر قابل توجه این مساعدت بر ارتکاب جنایات؛
- اظهارات علنی فرماندهان ارشد نیروهای امنیتی و مقام‌های وزارت کشور که مأموران مرتکب جنایات علیه بشریت در صحنه را تشویق می‌کردند یا حمایت از آنان را نشان می‌دادند؛
- دستورهای رسمی فاش‌شده‌ای که ارتکاب جنایات علیه بشریت را مجاز یا تسهیل کردند؛ و/یا
- ارتباط فرد با جنایات علیه بشریت مستندشده.

عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که تنها تحقیقات کیفری مستقل و بی‌طرفانه و در صورت وجود شواهد کافی، پیگردهای کیفری انجام‌شده مطابق با موازین بین‌المللی حقوق بشر برای دادرسی عادلانه می‌توانند بر اساس شواهد مشخص مربوط به هر فرد و در ارتباط با وقایعی که مبنای اتهامات هستند، مسئولیت کیفری فردی را فراتر از تردید معقول احراز کنند.

فهرست این ۸۷ نفر شامل ۱۰ مقام در سطح ملی و ۷۷ مقام در سطوح منطقه‌ای، استانی و شهرستانی در استان‌های گوردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی و ۱۷ شهرستان واقع در این استان‌هاست. یافته‌های عفو بین‌الملل به هیچ‌وجه جامع و نهایی نیست و نباید مانع بررسی نقش مقام‌هایی شود که نامشان در این گزارش نیامده است، چه نقش آنان در ارتکاب جنایات مستقیم بوده باشد و چه غیرمستقیم. این سازمان نقش شمار زیادی از مقام‌های دیگر را نیز بررسی کرده، اما تنها نام کسانی را ذکر کرده است که قوی‌ترین مجموعه شواهد درباره آنان در دسترس بوده است.

عفو بین‌الملل مقام‌های منطقه‌ای، استانی و شهرستانی را بر اساس مستندسازی عمیق از عملیات متفرق کردن مرگبار اعتراضات در هفت شهرستان استان گوردستان، پنج شهرستان استان کرمانشاه و پنج شهرستان استان آذربایجان غربی انتخاب کرده است. این مستندسازی شامل روایت‌های تفصیلی بود که به سازمان امکان داد سیر زمانی وقایع را مشخص کند؛ شواهد مربوط به قتل ۹۵ معترض و رهگذر/ناظر و مجروح شدن افراد دیگر را گردآوری کند؛ و اظهارات رسمی سه فرمانده استانی فراجا، در مجموع ۱۰ فرمانده و جانشین فرمانده منطقه‌ای و استانی سپاه پاسداران و شش استاندار و معاون استاندار در این مناطق را به‌طور جامع بررسی کند.

با وجود این دامنه جغرافیایی محدود، شواهد ارائه‌شده درباره ارتکاب جنایات علیه بشریت در سراسر کشور از جمله صدها قتل در استان‌های دیگر، در کنار اطلاعات تفصیلی درباره زنجیره‌های فرماندهی که به‌طور یکسان در سطوح کشوری، منطقه‌ای، استانی و

شهرستانی سازمان یافته‌اند، می‌تواند راهنمای تحقیقات آتی دیگر کسانی باشد که در پی شناسایی مقام‌های بیشتری هستند که ممکن است مسئولیت کیفری داشته باشند.

۱.۱۱.۱ مسئولیت مقام مافوق

عفو بین‌الملل مسئولیت کیفری ادعایی ۶۲ فرمانده را بر اساس شکل مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» بررسی کرده است: فرمانده کل قوای مسلح (رهبر)، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، ۳۳ فرمانده سپاه پاسداران و ۲۷ فرمانده فراجا.

شکل مسئولیت کیفری مسئولیت مقام مافوق در ماده ۲۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است. بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، برای آن که یک مقام مافوق در قبال جنایات ارتكابی زیردستانش مسئولیت کیفری داشته باشد، باید ثابت شود که مقام مافوق بر زیردستان کنترل مؤثر داشته است؛ می‌دانسته یا عللی وجود داشته است که بدانند عمل مجرمانه در شرف ارتكاب بوده یا ارتكاب یافته است؛ و برای جلوگیری از عمل مجرمانه یا مجازات مرتکب یا ارجاع موضوع به مراجع صالح برای تحقیق و پیگرد کیفری، اقدامات ضروری و معقول را انجام نداده است.

عفو بین‌الملل دلایل معقولی برای این باور دارد که این عناصر در مورد ۶۲ فرمانده مذکور محقق شده‌اند.

(۱) ۱.۱۱.۱ کنترل مؤثر

شواهد گردآوری‌شده از سوی عفو بین‌الملل طیفی از اختیارات را نشان می‌دهد که در مجموع حاکی از کنترل مؤثر اعمال‌شده از سوی این فرماندهان است. این اختیارات شامل موارد زیر است:

- صدور دستور برای انجام عملیات سرکوب اعتراضات و تضمین تبعیت از دستورها از طریق مجاری ملی و فروملی که مستلزم نظارت مستمر، گزارش‌دهی، هماهنگی، ارزیابی نحوه اجرای دستورها و جلوگیری از انحراف از آن‌ها هستند؛
- کنترل منابع لجستیکی از جمله از طریق تخصیص و استفاده از تجهیزات، سلاح‌ها یا مهمات و یکدست‌سازی نیروها از طریق بسیج مستمر و برنامه‌های آموزش تاکتیکی و ایدئولوژیک؛
- کنترل منابع مالی، از جمله از طریق عضویت فرماندهان در نهادهای تصمیم‌گیر مانند شورای امنیت کشور که بودجه لازم برای تأمین هزینه‌های نیروهای امنیتی مستقر را تخصیص می‌دهند؛
- شناخته‌شدن به عنوان چهره‌ای عمومی که از طریق حضورهای علنی و اظهارنظرهایی درباره عملیات سرکوب اعتراضات نمود پیدا می‌کند؛ و

- اعمال کنترل بر انتصاب، ارزیابی عملکرد، ترفیع، تعیین و تغییر مأموریت یا برکناری مأموران و فرماندهان زیردست فراجا و سپاه پاسداران، و همچنین اختیار آغاز تحقیقات و روندهای انضباطی.

نشانه‌های بیشتری از کنترل مؤثر را می‌توان در اظهارات رسمی فرماندهان نیروهای امنیتی در جریان و پس از سرکوب اعتراضات شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) یافت؛ در این اظهارات به‌طور مداوم تأکید می‌شد که عملیات با تبعیت کامل از فرامین رهبر و تحت «رهبری مطلق» و «رهبری حکیمانه» او سازمان‌دهی و اجرا می‌شد. فرماندهان تصویری از یک زنجیره فرماندهی منسجم و کارآمد، بدون هیچ نشانه‌ای از انحراف، ارائه می‌کردند و بر «مدیریت مدبرانه و قاطعانه» خود تأکید داشتند. مأموران زیردست نیز به‌طور مداوم «سربازان رهبر» و «رزمندگان» توصیف می‌شدند و رفتار منضبط آنان با تعابیری مانند «شایسته تقدیر»، «ستودنی»، «هوشیار»، «ایثارگر»، «هوشمند» و «شرافتمندانه» مورد تمجید قرار می‌گرفت.

این تصویرسازی با توجه به رویه قضایی بین‌المللی درباره مسئولیت مقام مافوق اهمیت دارد؛ رویه‌ای که نشان می‌دهد عدم تبعیت از دستورها یا ضعف در زنجیره فرماندهی حاکی از فقدان کنترل مؤثر است، در حالی که نشان دادن آگاهی و انضباط، از جمله ادعاهای علنی مبنی بر این‌که فرماندهان «به‌خوبی از وضعیت آگاهند» و زیردستان مطیع هستند، حاکی از اعمال کنترل مؤثر است.

شواهد بیشتری مبنی بر این‌که فرماندهان بر زیردستان خود کنترل مؤثر داشته‌اند و قادر به صدور دستور بوده‌اند، در اسناد رسمی فاش‌شده‌ای یافت می‌شود که حاوی یا ناظر بر شش دستور صادرشده از سوی مقام‌های زیر هستند:

- ستاد کل نیروهای مسلح که ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) دستوری صادر کرد؛
- مرتضی میرزایی، فرمانده وقت فراجا در استان مازندران، که ۱ مهر ۱۴۰۱ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲) دستوری صادر کرد؛
- حسن حسن‌زاده، فرمانده وقت سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ، که یک دستور در ۱۷ مهر ۱۴۰۱ (۹ اکتبر ۲۰۲۲) و دستور دیگری در ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲) صادر کرد؛
- احمد وحیدی، وزیر وقت کشور و جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی، که در مقام رئیس وقت شورای امنیت کشور، یک دستور در ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ (۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲) و دستور دیگری در ۴ مهر ۱۴۰۱ (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲) صادر کرد.

در بالاترین سطح، ستاد کل نیروهای مسلح لحن کلی و جهت‌گیری راهبردی را تعیین کرد و خواستار برخوردی «قاطع و شدید»، متفرق کردن معترضان و انجام بازداشت‌ها شد. وزیر کشور نیز به همین ترتیب به فراجا و سپاه پاسداران دستور داد جلوگیری از شکل‌گیری تجمعات را در اولویت قرار دهند، نظارت سراسری در کشور را مقرر کرد و گُردستان را به‌طور مشخص برای اقدامات

تشدید شده هدف قرار داد. دستورهای صادر شده از سوی فرماندهان فراجا و سپاه پاسداران حتی جزئیات عملیاتی، از جمله تعداد و نوع نیروهای اعزامی، محل دقیق استقرار و سلاح‌ها و مهماتی را که باید استفاده می‌شدند، مشخص می‌کردند.

شواهد به دست آمده از سوی عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که دستور ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) ستاد کل نیروهای مسلح از طریق سامانه مرفوک فراجا تا سطح شهرستان منتقل، در سوابق کلانتری محلی ثبت و از سوی نیروهای فراجا در سطح شهرستان اجرا شد؛ امری که اجرای دستور از طریق زنجیره فرماندهی، از سطح ملی تا سطح محلی، را نشان می‌دهد.

اسناد رسمی فاش شده همچنین نشان می‌دهند که چگونه مصوبات شورای امنیت کشور به دست وزیر کشور به دستورهای لازم‌الاجرا تبدیل و سپس از طریق نامه‌های ابلاغی معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور به نهادهای امنیتی مختلف منتقل می‌شدند و از آن‌ها خواسته می‌شد دستورها را اجرا و درباره اجرای آن‌ها گزارش ارائه کنند. این امر نیز وجود زنجیره فرماندهی کارآمدی را نشان می‌دهد که فرماندهان از طریق آن قادر بودند دستورها را در میان نهادهای مختلف به اجرا بگذارند.

(۲) ۱.۱۱.۱ آگاهی

عفو بین‌الملل بر این باور است که نقش‌ها و اختیارات فرماندهان در سلسله‌مراتب امنیتی ایران نشان می‌دهد که آنان به‌طور مستمر از وقایع میدانی و اقدامات زیردستان خود مطلع بوده‌اند. عوامل متعدد و به هم پیوسته دیگری نیز دلایل معقولی برای این باور فراهم می‌کنند که فرماندهان می‌دانستند یا عللی وجود داشت که بدانند زیردستان‌شان مرتکب جنایت شده‌اند یا در شرف ارتکاب آن هستند.

اسناد رسمی فاش شده، اظهارات رسمی و اسناد دادگاه‌ها وجود نظام‌های داخلی کارآمد برای گزارش‌دهی و نظارت را آشکار می‌کند. بررسی مجموع این اسناد نشان می‌دهد که مقام‌های بخش‌های مختلف دستگاه امنیتی، در نهادها و سطوح گوناگون، وضعیت میدانی و روند عملیات را از نزدیک رصد می‌کردند و اطلاعات مربوط به آن را با یکدیگر در میان می‌گذاشتند. این اسناد همچنین از سطح بالایی از آگاهی، از جمله درباره انواع سلاح‌ها و تعداد گلوله‌های استفاده شده و وقایعی که در آن‌ها معترضان به ضرب گلوله کشته شدند، حکایت دارند.

عفو بین‌الملل همچنین بر این باور است که فرماندهان از طریق پوشش رسانه‌ای، گزارش‌های حقوق بشری و اعتراضات علنی خانواده‌های کشته‌شدگان، معترضان، فعالان، چهره‌های سرشناس و دیگر افراد در داخل و خارج از ایران، از این موضوع آگاه بودند که نیروهای زیردست‌شان مرتکب جنایات علیه بشریت شده‌اند یا در شرف ارتکاب آن هستند.

بین شهریور و دی ماه ۱۴۰۱ (سپتامبر و دسامبر ۲۰۲۲)، سازمان‌های حقوق بشری و مقام‌ها و نهادهای سازمان ملل، از جمله دبیرکل سازمان ملل، دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، کمیته حقوق کودک، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور وضعیت

حقوق بشر در ایران و دیگر سازوکارهای ویژه، شمار زیادی بیانیه صادر کردند که در آن‌ها نگرانی‌های جدی درباره سرکوب مرگبار اعتراضات مطرح شده بود و از مقام‌ها خواسته می‌شد به استفاده غیرضروری یا نامتناسب از قوای قهریه علیه معترضان پایان دهند.

استفاده مستمر نیروهای امنیتی از قوای قهریه مرگبار، که گروه‌های حقوق بشری و رسانه‌ها درباره آن گزارش می‌دادند و در ویدیوهایی که از داخل کشور منتشر می‌شد نیز مشهود بود، موج گسترده‌ای از خشم عمومی را هم در ایران و هم در سراسر جهان برانگیخت. در داخل ایران، مغازه‌داران، بازاریان و کارگران کارخانه‌ها در سراسر کشور در اعتراض به سرکوب مرگبار، صدها اعتصاب برگزار کردند و بسیاری از چهره‌های سرشناس، از جمله هنرمندان و ورزشکاران، خشم و همبستگی خود را ابراز کردند. در سراسر جهان نیز تجمعات بزرگی برگزار شد که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت.

دولت‌های سراسر جهان نیز به سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات در ایران واکنش نشان دادند و ضمن صدور بیانیه، تحریم‌هایی اعمال کردند. افزون بر این، در ۳ آذر ۱۴۰۱ (۲۴ نوامبر ۲۰۲۲)، کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل یک نشست ویژه برگزار کردند و قطعنامه‌ای برای ایجاد هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره ایران به منظور تحقیق درباره موارد جدی نقض حقوق بشر مرتبط با خیزش «زن زندگی آزادی» به تصویب رساندند.

اسناد فاش‌شده و اظهارات رسمی بررسی‌شده از سوی عفو بین‌الملل نشان می‌دهند که مقام‌های جمهوری اسلامی از پوشش رسانه‌ای، گزارش‌های حقوق بشری و فشارهای جهانی درباره رفتار غیرقانونی نیروهای امنیتی آگاه بودند و ناچار به واکنش شدند. مقام‌ها، از جمله افرادی که نامشان در این تحقیق آمده است، در اظهارات علنی و گزارش‌هایی که برای کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل ارسال می‌کردند، بارها گزارش‌های مربوط به کشتار غیرقانونی به دست نیروهای تحت امر خود را رد کردند و بدون ارائه هیچ مدرکی، این قتل‌ها را به عواملان غیرحکومتی نسبت دادند. همزمان، همچنان درباره برخوردهای شدید هشدار می‌دادند، وعده پیروزی نهایی بر اعتراضاتی را می‌دادند که آن‌ها را «جنگ ترکیبی» می‌نامیدند و نیروهای خود را به ادامه اقدامات‌شان تشویق می‌کردند.

اسناد فاش‌شده همچنین نشان می‌دهند که از همان روزهای نخست اعتراضات، مقام‌های عالی‌رتبه در دستگاه امنیتی ایران به‌طور نظام‌مند در حال رصد و برنامه‌ریزی پاسخ‌های سرکوبگرانه برای ساکت کردن افراد و گروه‌هایی بودند که درباره جنایات ارتكابی به دست نیروهای امنیتی گزارش می‌دادند و آگاهی عمومی را نسبت به آن‌ها افزایش می‌دادند. در گفت‌وگوهای رسمی ثبت‌شده در اسناد فاش‌شده، از این افراد و گروه‌ها با عناوینی چون «جریان‌ات زاویه‌دار (معاند) سلبریتی‌ها»، «سفارتخانه‌ها»، «NGOها» و «تشکل‌های سیاسی-مدنی» و همچنین «ورزشکاران، هنرمندان، بازیگران... خواننده‌ها و بلاگرها... چهره‌های سیاسی... خانواده‌های کشته‌شدگان ... و مطبوعات خارجی» یاد شده است.

تلاش مقام‌ها برای سرکوب گزارش‌دهی به مرزهای ایران محدود نماند. در ۳ مهر ۱۴۰۱ (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲)، رسانه‌های حکومتی اعلام کردند که وزارت امور خارجه ایران یک روز پیش‌تر سفیر بریتانیا در این کشور را احضار کرده است تا به آنچه «فضای خصمانه

ایجادشده از سوی رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در لندن» توصیف می‌کرد اعتراض کند. منظور از این رسانه‌ها ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی بود که میلیون‌ها نفر در داخل ایران برنامه‌های ماهواره‌ای آن‌ها را، که موارد جدی نقض حقوق بشر از سوی نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات را افشا می‌کرد، تماشا می‌کردند.

یک نامه رسمی فاش‌شده به تاریخ ۱۷ آبان ۱۴۰۱ (۸ نوامبر ۲۰۲۲) از دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران خطاب به رئیس‌جمهور وقت نیز نشان می‌دهد که آگاهی از نگرانی‌های بین‌المللی درباره جنایات ارتكابی به دست نیروهای امنیتی تا بالاترین سطوح زنجیره فرماندهی امتداد داشته است. این نامه راهبردهایی را برای کنترل روایت مربوط به موارد نقض حقوق بشر که نیروهای امنیتی مرتکب شده و جلوگیری از ایجاد هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره ایران تشریح می‌کند.

(۳) ۱.۱۱.۱ قصور در پیشگیری و مجازات

فرماندهانی که عفو بین‌الملل نام برده است و بالاترین مناصب را در زنجیره فرماندهی در سطوح کشوری، استانی و شهرستانی در اختیار داشتند، موظف بودند از رفتار مجرمانه زیردستان خود جلوگیری و مرتکبان را مجازات کنند و البته توان عملی انجام این وظیفه را داشتند. وظیفه پیشگیری در سراسر دوره اعتراضات استمرار داشت.

این مقام‌ها موظف بودند اطمینان حاصل کنند که نیروهایشان آموزش کافی درباره حقوق بین‌الملل دریافت می‌کنند. با این حال، محتوای اظهارات رسمی و گزارش‌های رسانه‌های حکومتی بررسی‌شده از سوی عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که آموزش نیروهای امنیتی به قوانین و موازین بین‌المللی حاکم بر استفاده از قوای قهریه و سلاح گرم در جریان اعتراضات کاملاً بی‌اعتنا بوده است. این آموزش‌ها بر تمرین‌های تیراندازی و سرکوب خشونت‌آمیز با هدف متفرق کردن اجباری جمعیت تأکید دارند.

دو دستور رسمی فاش‌شده از روزهای نخست اعتراضات، یکی دستور ستاد کل نیروهای مسلح به نیروهای فراجا در سراسر کشور در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) و دیگری دستور فرمانده فراجا در استان مازندران به نیروهای تحت امرش در ۱ مهر ۱۴۰۱ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲)، نشان‌دهنده نقض آشکار وظیفه صدور دستورهایی هستند که باید عملکرد نیروهای امنیتی مطابق با حقوق بین‌الملل را تضمین کنند. به جای صدور دستور برای رفتار قانونی، فرمانده فراجا در استان مازندران به نیروهای امنیتی دستور داد «بدون رحم و در حد مرگ برخورد نمایند»، و ستاد کل نیروهای مسلح دستوری مبنی بر «برخورد قاطع و شدید با هرگونه تجمع و متفرق نمودن اغتشاشگران و دستگیری و انتقال به مقرها و اخذ تعهد» صادر کرد.

اسناد فاش‌شده‌ای که جزئیات گفت‌وگوها و مصوبه‌های شورای امنیت کشور را در بر دارند نشان می‌دهند که فرماندهان در هیچ مقطعی به آغاز تحقیقات یا جلوگیری از استفاده غیرقانونی نیروهای تحت کنترل‌شان از قوای قهریه و سلاح گرم نپرداختند. در عوض، تمرکز آنان بر اقداماتی با هدف درهم‌شکستن اعتراضات بود.

صدها اظهارنظر رسمی بررسی شده از سوی عفو بین الملل نشان می دهد که فرماندهان، با وجود افزایش شواهد درباره جنایات نیروهایشان، به طور مستمر دقیقاً برخلاف آنچه حقوق بین الملل از آنان می خواست عمل کردند. آنان به جای محکوم کردن رفتار مجرمانه، متوقف کردن عملیات، اعمال تدابیر انضباطی یا ارجاع موضوع به مراجع قضایی صالح، نیروهای فراجا و سپاه پاسداران را به دلیل «شجاعت»، «استقامت»، «هوشمندی» و «عملکرد مؤثر» در «مقابله با فتنه های دشمن» و «مقابله با جنگ ترکیبی» ستودند؛ عباراتی که به طور معمول برای بی اعتبار جلوه دادن اعتراضات به کار می رفتند.

علاوه بر این، فرماندهان فعالانه دستور ادامه سرکوب را صادر کردند و آن را مأموریتی برای حفاظت از «امنیت، عظمت و اقتدار کشور»، «انقلاب اسلامی»، «اسلام» و «رهبر» جلوه دادند. آنان به جای اتخاذ تدابیری برای کاهش خطر ارتکاب جنایت، با استفاده مستمر از ادبیات خشونت آمیز و انسانیت زدا این خطر را تشدید کردند و معترضان را «دشمنان دین خدا»، «کفار»، «فتنه گران»، «توطئه گران»، «آشوبگران»، «تروریست های اجاره ای»، «مزدوران»، «عناصر ضدانقلاب» و «پشه» نامیدند. چنین ادبیاتی به زیردستان جسارت بیشتری می داد و به ایجاد فضایی آکنده از خشونت و مصونیت از مجازات کمک می کرد.

با توجه به موارد فوق، شواهد مربوط به جنایات علیه بشریت که پیش تر ارائه شد و این واقعیت که رفتار مجرمانه نیروهای فراجا و سپاه پاسداران به مدت سه ماه ادامه داشت و وقوع آن به طور گسترده شناخته شده بود، عفو بین الملل دلایل معقولی برای این باور دارد که ۶۲ فرمانده نام برده هیچ یک از اقدامات ضروری و معقول را برای جلوگیری از ارتکاب جنایات علیه بشریت در حوزه های مسئولیت خود انجام نداده اند.

به همین ترتیب، هیچ شواهدی وجود ندارد که نشان دهد آنان، با وجود جریان مستمر گزارش های هشداردهنده درباره جنایات گسترده ارتكابی به دست زیردستانشان علیه معترضان و رهگذر/ناظران، اقدامات ضروری و معقولی برای مجازات مرتکبان انجام داده اند.

همان گونه که پیش تر گفته شد، مقام های جمهوری اسلامی در همه سطوح به طور کامل در تضمین هرگونه پاسخگویی قصور کرده اند. در عوض، نهادهای حکومتی، از جمله نهادهای تحت فرماندهی فرماندهان نام برده، فعالانه برای پنهان کردن شواهد، ایجاد مانع در تحقیقات، مصون نگه داشتن مظنونان از پیگرد کیفری، آزار و تعقیب خانواده های داغدار که خواهان حقیقت و عدالت بودند و جلوگیری از اجرای عدالت تلاش کردند.

۱.۱۱.۲ مساعدت و حمایت

عفو بین الملل مسئولیت کیفری ادعایی ۲۵ مقام وزارت کشور را بر اساس شکل مسئولیت کیفری «مساعدت و حمایت» بررسی کرده است. این سازمان نقش شمار زیادی از دیگر مقام های وزارت کشور را نیز بررسی کرده، اما فقط نام کسانی را ذکر کرده است که قوی ترین مجموعه شواهد درباره آنان در دسترس بوده است.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین الملل

این ۲۵ مقام عبارت‌اند از: وزیر کشور که همزمان ریاست شورای امنیت کشور و سمت جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی را بر عهده داشت؛ معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور که همزمان دبیر شورای امنیت کشور بود؛ استانداران گُردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی که همزمان ریاست شوراهای تأمین استان‌های مربوطه را بر عهده داشتند؛ معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران گُردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی که همزمان دبیر شوراهای تأمین استان‌های مربوطه بودند؛ و ۱۷ فرماندار شهرستان‌های سنندج، سقز، دیواندره، بانه، دهگلان، کامیاران و مریوان در استان گُردستان؛ کرمانشاه، جوانرود، اسلام‌آباد غرب، ثلاث باباجانی و قصر شیرین در استان کرمانشاه؛ و بوکان، مهاباد، پیرانشهر، اشنویه و ارومیه در استان آذربایجان غربی که هر یک همزمان ریاست شورای تأمین شهرستان مربوطه را نیز بر عهده داشتند.

عفو بین‌الملل در مورد مقام‌های وزارت کشور، تحلیل خود را بر «مساعدت و حمایت» به‌عنوان مبنای قوی‌تر مسئولیت کیفری متمرکز کرده است، زیرا این شکل مسئولیت، نقش اساسی آنان در هماهنگی و تسهیل ارتکاب جنایات را در بر می‌گیرد، بدون آن‌که مستلزم اثبات کنترل مؤثر بر نیروها باشد؛ عنصری که برای احراز مسئولیت مقام مافوق ضروری است. این سازمان به دلیل دسترسی نداشتن به سوابق رسمی که همچنان محرمانه هستند و همچنین وجود مصوبه شورای امنیت کشور در اردیبهشت ۱۳۹۴ که به نظر می‌رسد مداخله مقام‌های وزارت کشور در «امور تاکتیکی و فرماندهی» را محدود می‌کند، در اثبات کنترل مؤثر مقام‌های وزارت کشور با چالش‌های مربوط به شواهد مواجه بود. با این حال، این چالش‌ها نباید مانع آن شود که در تحقیقات آتی، در صورت در دسترس قرار گرفتن شواهد بیشتر، این موضوع نیز بررسی شود که آیا مقام‌های وزارت کشور ممکن است بر اساس مسئولیت مقام مافوق نیز دارای مسئولیت کیفری باشند.

شکل مسئولیت کیفری «مساعدت و حمایت» در ماده ۲۵(۳)(ج) اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است. بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، برای احراز مساعدت و حمایت باید ثابت شود که متهم اقداماتی انجام داده است که به طور مشخص در جهت کمک، تشویق یا حمایت معنوی از ارتکاب یک جنایت بوده‌اند و این مساعدت تأثیر قابل‌توجهی بر ارتکاب جنایت داشته است؛ متهم می‌داند که اقداماتش به ارتکاب جنایت از سوی مرتکب اصلی کمک می‌کند یا از احتمال قابل‌توجه این امر آگاه بوده است که اقداماتش به ارتکاب چنین جنایاتی کمک خواهد کرد؛ و این مساعدت به طور مشخص معطوف به رفتار مجرمانه بوده است.

عفو بین‌الملل دلایل معقولی برای این باور دارد که این عناصر در مورد ۲۵ مقام وزارت کشور محقق شده‌اند.

(۱) ۱.۱۲.۱ مساعدت

عفو بین‌الملل بر اساس اسناد رسمی فاش‌شده، اظهارات رسمی و تحلیل تفصیلی نقش مقام‌های وزارت کشور که در بالا ذکر شدند، دلایل معقولی برای این باور یافته است که آنان به‌طور قابل‌توجهی به ارتکاب جنایات علیه بشریت مستندشده از سوی این سازمان مساعدت کرده‌اند. اقدامات آنان در جهت مساعدت شامل هماهنگی و تسهیل عملیات خشونت‌آمیز از طریق شورای امنیت کشور و

شوراهای تأمین زیرمجموعه آن بود؛ امری که تضمین می‌کرد عملیات نیروهای امنیتی مختلف برای ماه‌ها در سراسر کشور به‌صورت هماهنگ و نظام‌مند ادامه یابد. مساعدت آنان همچنین شامل ارائه پشتیبانی اداری و لجستیکی از طریق وزارت کشور و ساختارهای استانی و شهرستانی زیرمجموعه آن، ابلاغ دستورالعمل‌ها، انتقال دستورهای تخصیص منابع و ابراز علنی حمایت معنوی از نیروهای امنیتی بود که در صحنه مرتکب جنایت می‌شدند.

نخست، مناصب وزیر کشور، استانداران و فرمانداران مجموعه‌ای از اختیارات مختلف بر عملیات امنیتی را در بر می‌گرفت. آنان به‌ترتیب ریاست شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان و شهرستان را بر عهده داشتند؛ شوراهایی که سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی را تدوین می‌کردند. بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، مصوبات این شوراهای تنها زمانی به دستورهای لازم‌الاجرا تبدیل می‌شدند که وزیر کشور، استانداران و فرمانداران آن‌ها را برای اجرا ابلاغ می‌کردند.

دوم، این مقام‌ها در ساختار فرماندهی فراجا ادغام شده بودند و نقش گسترده‌ای در هماهنگی، تسهیل و پشتیبانی از عملیات فراجا داشتند. آنان همچنین بر امور اداری فراجا در حوزه‌های مختلف، از جمله ساختار سازمانی، جذب نیرو، آموزش، بودجه، سلاح و تجهیزات، ارزیابی عملکرد، ترفیع، روندهای انضباطی و گزارش‌دهی درباره وضعیت میدانی و اطلاعات امنیتی، نظارت داشتند.

در مورد وزیر کشور، او همچنین با حکم رهبر به سمت جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی منصوب شده بود و در نتیجه، در ساختار فرماندهی بالاتر از فرمانده کل فراجا قرار می‌گرفت.

افزون بر این، استانداران و فرمانداران می‌توانند بر اساس قانون به‌کارگیری سلاح، استفاده از سلاح گرم را مجاز کنند؛ قانونی که استفاده از سلاح گرم را در مواردی مجاز می‌داند که متفرق کردن یک تجمع با شیوه‌های دیگر امکان‌پذیر نباشد.

معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور در دوره شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) دبیر شورای امنیت کشور بود. او در این مقام، حلقه عملیاتی میان مصوبات شورای امنیت کشور و اجرای آن‌ها از سوی نیروهای امنیتی بود. به همین ترتیب، معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران، دبیر شوراهای تأمین استان‌های مربوطه بودند. آنان در این مقام، حلقه عملیاتی میان مصوبات شوراهای تأمین استان و اجرای آن‌ها از سوی نیروهای امنیتی بودند.

دو مصوبه فاش‌شده شورای امنیت کشور به تاریخ‌های ۲۷ شهریور و ۴ مهر ۱۴۰۱ (۱۸ و ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲) نشان می‌دهند که وزیر کشور و دیگر مقام‌ها از همان ابتدا سرکوب اعتراضات را در اولویت قرار داده بودند. این اسناد از برنامه‌ریزی هماهنگ و نظام‌مند برای واکنش به اعتراضات از طریق دستورالعمل‌هایی حکایت دارند که تحت هدایت وزیر کشور صادر و به نهادهای کلیدی حکومتی، از جمله فراجا، سپاه پاسداران، شوراهای تأمین استان و شهرستان، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه، منتقل شدند. نامه‌های ابلاغی امضا شده از سوی مجید میراحمدی، معاون وقت امنیتی و انتظامی وزیر کشور، این مصوبات را به مقام‌های ارشد مختلف منتقل می‌کردند و از آنان می‌خواستند دستورهای اجرا و نتیجه را گزارش کنند.

نامه فاش شده احمد وحیدی، وزیر وقت کشور، خطاب به ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت، به تاریخ ۱۸ دی ۱۴۰۱ (۸ ژانویه ۲۰۲۳)، نشان می‌دهد که شورای امنیت کشور در ۲۱ مهر ۱۴۰۱ (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲) دستور اختصاص ۹ تریلیون ریال (۲۲ میلیون دلار) به وزارت کشور را برای تأمین «هزینه‌های امنیتی سنگین» در بحبوحه تداوم اعتراضات صادر کرده بود. احمد وحیدی همچنین خاطرنشان کرده بود که وزارت کشور و دفاتر استانداران و فرمانداران فعالانه هزینه‌های مالی قابل توجه ناشی از استقرار طولانی مدت هزاران نیروی امنیتی در سراسر کشور، از جمله هزینه‌های حمل و نقل، غذا و محل اقامت را مدیریت می‌کردند.

اظهارات رسمی و رویه‌های تثبیت شده حاکی از آن است که شوراهای تأمین استان مصوباتی صادر کردند که زمینه ارتکاب جنایات علیه بشریت مستند شده از سوی عفو بین‌الملل را فراهم می‌کرد. برای مثال، اسماعیل زارعی کوشا، استاندار وقت کردستان، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) تأیید کرد که شورای تأمین استان کردستان دستورهایی در ارتباط با اعتراضات به نیروهای امنیتی صادر می‌کرد و مدعی شد این دستورها در حال اجرا هستند. ۱۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲)، محمد پورهایمی، رئیس وقت دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمانشاه، اذعان کرد که شورای تأمین استان کرمانشاه از طریق مصوبات خود فعالانه در حال «مدیریت» نحوه واکنش به اعتراضات بوده است. ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۲۱ نوامبر ۲۰۲۲) نیز رئیس وقت اداره کل اطلاعات در استان آذربایجان غربی فاش کرد که مصوبات شورای تأمین استان آذربایجان غربی به استفاده نیروهای امنیتی از سلاح گرم در جریان اعتراضات می‌پرداختند.

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی و اظهارات رسمی همچنین نشان می‌دهند که تداوم عملیات مستلزم هماهنگی میان استانداران، فرمانداران و شوراهای مربوطه در سطوح استانی و شهرستانی بوده است و این تلاش‌ها برای هماهنگی در دوره‌هایی که شمار کشتارها افزایش می‌یافت، تشدید می‌شد.

برای مثال، در ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲)، در حالی که مه‌باد شاهد اعتراضات گسترده‌ای بود که با تیراندازی‌های غیرقانونی پاسخ داده می‌شد، رسانه‌های حکومتی گزارش دادند که استاندار آذربایجان غربی و دیگر اعضای شورای تأمین استان با اعضای شورای تأمین شهرستان مه‌باد جلسه‌ای برگزار کردند که در جریان آن «بر تأمین حداکثری امنیت با استفاده از ظرفیت‌های نیروی انتظامی تأکید شد.»

۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۷ دسامبر ۲۰۲۲)، رضا ابراهیمی، رئیس وقت دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار آذربایجان غربی، گفت:

«اقدامات انجام شده در سطح استان و تلاش‌های فرمانداران... نقش بسیار مهمی در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان داشته است. فرمانداران باید با هماهنگی مقام‌های استانی، برای شکست دشمن آماده باشند.»

تداوم عملیات نظام‌مند برای بیش از سه ماه نشان می‌دهد که اقدامات این مقام‌ها تاثیر قابل توجهی داشته و نیروهای امنیتی را حول هدف سرکوبگرانه واحدی همسو کرده است.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

در جریان اعتراضات شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) و پس از آن، وزیر کشور، معاون امنیتی و انتظامی او، استانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران بارها به‌طور علنی نیروهای امنیتی را تشویق و از آنان حمایت معنوی کردند. آنان معترضان را با عناوینی چون «اغتشاشگران»، «دشمنان»، «تروریست‌های بی‌رحم» و حتی «پشه‌ها» بدنام و انسانیت‌زدایی کردند و مدعی شدند که آنان در پی اجرای «نقشه‌های شوم»، «فتنه اعتقادی و فرهنگی» و «توطئه‌ای گسترده علیه مردم» هستند. همزمان، با ستایش نیروهای امنیتی به دلیل «هماهنگی، هم‌افزایی و عزم راسخ» آنان، رفتار مجرمانه این نیروها را مشروع جلوه دادند و نگرانی‌ها درباره موارد نقض حقوق بشر را «شایعات منتشرشده از سوی رسانه‌های ضدانقلاب» خواندند. آنان همچنین با هشدار درباره برخورد «قاطع» با «دشمنان» یا اعلام این‌که «نظارت بر... اغتشاشگران را تشدید خواهند کرد و... توطئه‌های آنان را خنثی خواهند کرد»، نیروهای امنیتی را به ادامه سرکوب تشویق کردند.

عفو بین‌الملل بر این باور است که استانداران و فرمانداران باید همچنین به دلیل مشارکت ادعایی در جنایت علیه بشریت از نوع آزار و تعقیب خانواده‌های کشته‌شدگان مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند. این مقام‌ها اغلب در خودداری از تحویل پیکرها، اعمال محدودیت بر مراسم خاکسپاری و ساکت کردن خانواده‌ها دخیل بودند و از این طریق به پنهان کردن جنایات ارتكابی، سرکوب شواهد و جلوگیری از افشای عمومی قتل‌ها کمک کردند. عفو بین‌الملل بر این باور است که چنین رفتاری به لاپوشانی قتل‌های ارتكابی و ایجاد فضای مصونیت از مجازاتی که به تداوم این قتل‌ها دامن زد، کمک کرده است.

(۲) ۱.۱۲.۱ آگاهی و ارتباط

عفو بین‌الملل با اتکا به همان شواهدی که در بخش بالا درباره مسئولیت مقام مافوق در ارتباط با آگاهی ارائه شد، از جمله سازوکارهای گسترده گزارش‌دهی، پوشش وسیع رسانه‌ای و حقوق بشری، و واکنش‌های نظام‌مند از طریق انکار و تحریف، دلایل معقولی برای این باور دارد که تداوم تسهیل عملیات امنیتی از سوی مقام‌های نام‌برده وزارت کشور نشان‌دهنده آگاهی و اطلاع مستمر آنان از این امر بوده است که اقداماتشان ارتكاب جنایات علیه بشریت را ممکن می‌ساخت.

ارتباط میان مساعدت و رفتار مجرمانه از این واقعیت احراز می‌شود که هماهنگی این مقام‌ها از طریق شوراها، امنیتی و وزارت کشور، همراه با ارائه حمایت مادی، اداری و معنوی آنان به نیروهای امنیتی، به طور مشخص معطوف به اجرای عملیات سرکوب اعتراضات بود و با قتل‌ها و جراحات ناشی از متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات ارتباط روشنی داشت.

۱.۱۱.۳ فهرست مقام‌های مستوجب تحقیقات کیفری

جدول زیر ۸۷ مقامی را فهرست می‌کند که عفو بین‌الملل مسئولیت آنان را مورد تحلیل قرار داده است. شش نفری که از آن زمان تاکنون درگذشته‌اند با علامت ستاره مشخص شده‌اند. عفو بین‌الملل از جمله بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی یا دیگر اشکال صلاحیت فراسرزمینی خواستار آغاز تحقیقات کیفری درباره افراد در قید حیات، و نیز صدور حکم بازداشت در صورت وجود شواهد

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

کافی، صرف‌نظر از حضور یا عدم حضور متهم در قلمرو حوزه قضایی مربوطه، است. سمت‌های ذکرشده، مناصبی را نشان می‌دهند که این افراد در زمان اعتراضات شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) در اختیار داشتند.

فرمانده کل قوا	
۱	علی خامنه‌ای، فرمانده کل تمامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی (رهبر)*
ستاد کل نیروهای مسلح	
۲	محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح*
فرماندهان سپاه پاسداران	
سطح کشوری	
۳	حسین سلامی، فرمانده کل*
۴	محمد پاکپور، فرمانده نیروی مقاومت زمینی*
سطح منطقه‌ای	
۵	محمدتقی اوصانلو، فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا با حوزه مسئولیت استان‌های کردستان و آذربایجان غربی
۶	مجید ارجمندفر، جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا با حوزه مسئولیت استان‌های کردستان و آذربایجان غربی
۷	محمدنظر عظیمی، فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف با حوزه مسئولیت استان‌های کرمانشاه، ایلام و همدان
۸	کوروش آسیابانی، جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف با حوزه مسئولیت استان‌های کرمانشاه، ایلام و همدان
استان کردستان	
۹	صادق حسینی، فرمانده سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان
۱۰	علیرضا مدنی‌فر (مدنی)، جانشین فرمانده سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان
۱۱	جمشید رضایی، فرمانده لشکر عملیاتی ۲۲ بیت‌المقدس سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان
۱۲	مرتضی میرآقایی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان سنندج
۱۳	یوسف معروفی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان سقز
۱۴	علی‌احمد صفی‌زاده، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان دیواندره
۱۵	عباس امری، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان بانه
۱۶	صادق جمالی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان دهگلان
۱۷	حسین ملکی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان کامیاران
۱۸	منصور ولی‌ئی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان مریوان (تا ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲)
۱۹	قیصر امیدی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان مریوان (از ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲ به بعد)
استان آذربایجان غربی	
۲۰	حبیب شهنساری، فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

طالب رحیمی، جانشین فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی	۲۱
یدالله آبروشن، فرمانده لشکر عملیاتی ۳ حمزه سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی	۲۲
صمد محمدعلی زاده، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان بوکان	۲۳
اکبر نوروزی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان مهاباد	۲۴
جلیل نقشی قرمباغ، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان پیرانشهر	۲۵
یعقوب رشیدی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان اشنویه	۲۶
قهرمان عیوضلو، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان ارومیه	۲۷
استان کرمانشاه	
بهمن ریحانی، فرمانده سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه	۲۸
مسعود قنبری، جانشین فرمانده سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه	۲۹
مجتبی کرمی، فرمانده لشکر عملیاتی ۲۹ نبی اکرم سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه*	۳۰
ابوذر انواری، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان کرمانشاه	۳۱
بهرام میرزایی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان جواهرود	۳۲
ارسلان سلطانقلی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان اسلامآباد غرب	۳۳
معارف الفتی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان ثلاث باباجانی	۳۴
محسن دارابی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان قصر شیرین	۳۵
فرماندهان فراجا	
سطح کشوری	
حسین اشتری، فرمانده کل	۳۶
حسن کرمی، فرمانده یگان‌های ویژه	۳۷
مهدی معصوم‌بیگی، رئیس پلیس پیشگیری (تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲)	۳۸
رضا بنی‌اسدی‌فر، رئیس پلیس پیشگیری (از ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲ به بعد)	۳۹
استان کردستان	
علی آزادی، فرمانده فراجا در استان کردستان	۴۰
محمد علی‌زمانی، فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان کردستان	۴۱
علیرضا مرادی، فرمانده فراجا در شهرستان سنندج	۴۲
علی صفری، فرمانده فراجا در شهرستان سقز	۴۳
علیرضا کرچی، فرمانده فراجا در شهرستان دیواندره	۴۴
رسول کرمی چگینی، فرمانده فراجا در شهرستان بانه	۴۵
یوسف درویشی، فرمانده فراجا در شهرستان دهگلان*	۴۶
بهروز جلیلیان، فرمانده فراجا در شهرستان کامیاران	۴۷
کامبیز رستم‌نیا، فرمانده فراجا در شهرستان مریوان	۴۸
استان آذربایجان غربی	
رحیم جهانبخش، فرمانده فراجا در استان آذربایجان غربی	۴۹
رضا فرجی، فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان آذربایجان غربی	۵۰
سلمان حیدری، فرمانده فراجا در شهرستان بوکان	۵۱

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

۵۲	محمد توحیدی، فرمانده فراجا در شهرستان مهاباد
۵۳	حسام صلاحی، فرمانده فراجا در شهرستان پیرانشهر
۵۴	طالب محمدقلی‌زاده، فرمانده فراجا در شهرستان اشنویه
۵۵	حسن شیخ‌نژاد، فرمانده فراجا در شهرستان ارومیه
استان کرمانشاه	
۵۶	علی‌اکبر جاویدان، فرمانده فراجا در استان کرمانشاه
۵۷	محسن پناهی، فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان کرمانشاه
۵۸	علیرضا دلیری، فرمانده فراجا در شهرستان کرمانشاه
۵۹	بهروز فخری، فرمانده فراجا در شهرستان جوانرود
۶۰	هوشنگ مبارکی (مبارکی‌پور)، فرمانده فراجا در شهرستان اسلام‌آباد غرب
۶۱	شهرام کسانلی، فرمانده فراجا در شهرستان ثلاث باباجانی
۶۲	محمد محمدی، فرمانده فراجا در شهرستان قصر شیرین
مقام‌های وزارت کشور	
سطح کشوری	
۶۳	احمد وحیدی، وزیر کشور، جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی و رئیس شورای امنیت کشور
۶۴	مجید میراحمدی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور و دبیر شورای امنیت کشور
استان کردستان	
۶۵	اسماعیل زارعی‌کوشا، استاندار کردستان
۶۶	مهدی رضائی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کردستان
۶۷	حسن عسکری، فرماندار شهرستان سنندج
۶۸	جعفر توان، فرماندار شهرستان سقز
۶۹	طاهر حسینی، فرماندار شهرستان دیواندره
۷۰	کمال خدری، فرماندار شهرستان بانه
۷۱	حمید معتصمی، فرماندار شهرستان دهگلان
۷۲	کیوان شفیعی، فرماندار شهرستان کامیاران
۷۳	اسماعیل احمدی، فرماندار شهرستان مریوان
استان آذربایجان غربی	
۷۴	محمدصادق معتمدیان، استاندار آذربایجان غربی
۷۵	رضا ابراهیمی، رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار آذربایجان غربی
۷۶	باباخان اسکندری، فرماندار شهرستان بوکان
۷۷	امیر قادری، فرماندار شهرستان مهاباد
۷۸	خضر کاکدرویشی، فرماندار شهرستان پیرانشهر
۷۹	سیدعلی ترابی، فرماندار شهرستان اشنویه
۸۰	غلامحسین عماری، فرماندار شهرستان ارومیه
استان کرمانشاه	
۸۱	بهمن امیری‌مقدم، استاندار کرمانشاه
۸۲	محمد پور هاشمی، رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کرمانشاه
۸۳	ابراهیم رحیمی زنگنه، فرماندار شهرستان کرمانشاه

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

۸۴	سعدی نقشبندی، فرماندار شهرستان جوانرود
۸۵	حمیدرضا کرمی، فرماندار شهرستان اسلام‌آباد غرب
۸۶	فرامرز باوندپوری (باوندپور) گیلان، فرماندار شهرستان ثلاث باباجانی
۸۷	محمد حیدری، فرماندار شهرستان قصر شیرین

۱.۱۲ نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

عفو بین‌الملل مدت‌هاست هشدار داده است که عدم رسیدگی به مصونیت نظام‌مند از مجازات برای جنایات بین‌المللی که در جریان سرکوب‌های مرگبار و پی‌درپی اعتراضات، از جمله در دی ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷ تا ژانویه ۲۰۱۸)، آبان ۱۳۹۸ (نوامبر ۲۰۱۹) و شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) ارتکاب یافته‌اند، به وقوع جنایات فجیع بیشتری در ایران دامن خواهد زد. این هشدارها به شکلی دردناک و مصیبت‌بار به واقعیت پیوسته‌اند. چهار سال پس از ارتکاب جنایات علیه بشریت برای درهم‌شکستن خیزش «زن زندگی آزادی»، مقام‌ها در دی ۱۴۰۴ (ژانویه سال ۲۰۲۶) موج دیگری از جنایات فجیع را با همان مشخصه‌های جنایات علیه بشریت، اما در ابعادی به‌مراتب مرگبارتر و تکان‌دهنده‌تر، مرتکب شدند. آنان در جریان خیزش دی ۱۴۰۴، تنها طی دو روز در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه سال ۲۰۲۶) هزاران معترض و رهگذر/ناظر را قتل‌عام کردند.

در نبود پاسخگویی، مقام‌ها جسورتر شده‌اند تا با معترضان و مخالفان به‌عنوان «دشمن» رفتار کنند و برای حفظ نظام سیاسی که بر ترس و سرکوب استوار است، فضاهای عمومی را نظامی کنند. مردم هر بار که برای مطالبه تغییرات بنیادین و احترام به حقوق بشر از حق خود برای اعتراض مسالمت‌آمیز استفاده می‌کنند، در معرض تیراندازی، جراحت و مرگ قرار می‌گیرند.

نظام عدالت کیفری جمهوری اسلامی ایران اراده و توان تحقیق و پیگرد کیفری جنایات علیه بشریت ارتکاب‌یافته از سوی مقام‌ها را ندارد. مصونیت از مجازات در چارچوب قانون اساسی، قوانین و ساختار سیاسی کشور نهادینه شده است. قانون اساسی، که با قوانین و سیاست‌های متعدد تقویت می‌شود، قوه قضائیه را در دستگاه امنیتی ادغام می‌کند و تضمین می‌کند که این دو در هماهنگی با یکدیگر برای ریشه‌کن کردن مخالفت‌ها و تحکیم مصونیت از مجازات عمل کنند. بر اساس قانون اساسی، قوه قضائیه تحت کنترل رهبر قرار دارد؛ همان کسی که فرمانده کل نیروهای امنیتی نیز هست که مرتکب جنایات علیه بشریت می‌شوند. چارچوب قانونی نه‌تنها فاقد تعاریف جنایات بین‌المللی است، بلکه واجد مواد قانونی است که بر قتل‌ها، استفاده از سلاح گرم برای متفرق کردن اعتراضات و جرم‌انگاری تجمعات مسالمت‌آمیز ظاهر قانونی می‌بخشد.

تحلیل عفو بین‌الملل درباره ماهیت نظام‌مند و عامدانه مصونیت از مجازات در ایران با یافته‌های گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور وضعیت حقوق بشر در امور ایران نیز تقویت می‌شود؛ او نیز به این نتیجه رسیده است:

«شکل حکومت که با عنوان ولایت فقیه شناخته می‌شود، اختیارات قوای مجریه، مقننه و قضائیه را در مقام رهبر متمرکز می‌کند... این نظام حکمرانی رابطه خاصی میان افراد و حکومت برقرار می‌کند که در آن، حفظ نظام حکمرانی و ایدئولوژی سیاسی بر حفاظت از حقوق افراد و احترام به آن‌ها مقدم است. در چنین ساختاری، هیچ راه معناداری وجود ندارد که مردم از طریق آن بتوانند... تصمیم‌گیرندگان را پاسخگو نگه دارند... شرایط لازم برای تضمین پاسخگویی در سطوح تقنینی و اجرایی وجود ندارد و قوه قضائیه به جای آن که نهادی مستقل باشد که افراد بتوانند برای دادخواهی به آن مراجعه کنند، همچون نهادی سرکوبگر عمل می‌کند.»

هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل سازمان ملل درباره ایران نیز به همین ترتیب اعلام کرده است:

«در قبال موارد نقض حقوق بشر ارتكابی علیه معترضان، مصونیت از مجازات دیرینه‌ای وجود داشته است... چارچوب حقوقی داخلی به‌گونه‌ای تنظیم شده است که از هرگونه تلاش قربانیان و خانواده‌های آنان برای دستیابی به راهکار اعاده حق و جبران آسیب جلوگیری کرده و در این مسیر مانع ایجاد کند. فقدان استقلال قوه قضائیه و دادستان‌ها... و نبود شفافیت و پاسخگویی در نظام قضایی... موانع بیشتری بر سر راه دسترسی قربانیان نقض حقوق بشر به عدالت ایجاد می‌کنند.»

قربانیان جنایات علیه بشریت در ایران نباید ناچار باشند برای دستیابی به عدالت تا زمان شکل‌گیری یک نظام قضایی جدید و مستقل از طریق تدوین قانون اساسی و اصلاح قوانین منتظر بمانند؛ فرایندهایی که خود به تغییرات عمیق در وضعیت کشور وابسته‌اند. همچنین نمی‌توان مردم ایران را به دلیل استفاده از حقوق بشر خود همچنان در معرض کشتارهای بیشتر رها کرد. مقام‌های مسئول جنایات علیه بشریت نباید از پیگرد و مجازات مصون بمانند.

در فقدان راه‌های داخلی برای دستیابی به عدالت در قبال جنایات علیه بشریت، عفو بین‌الملل از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران می‌خواهد اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی را تصویب کنند و بر اساس ماده ۱۲(۳) اساسنامه رم، اعلامیه‌ای به دیوان ارائه دهند و صلاحیت قضایی عطف به ماسبق آن را بپذیرند. این اقدام برای آن ضروری است که دیوان بتواند مطابق با اصل تکمیلی بودن صلاحیت آن، به شکاف عمده موجود در زمینه پاسخگویی رسیدگی کند.

درخواست‌های عفو بین‌الملل از جامعه بین‌المللی شامل موارد زیر است:

۱.۱۲.۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد

- وضعیت ایران را به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهید.

۱.۱۲.۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد

- یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی با هدف پیگرد کیفری افرادی که بیشترین نقش را در جنایات علیه بشریت در ایران داشته‌اند، ایجاد کنید. برای تسهیل این امر اعطای مأموریت به دبیرکل سازمان ملل را بررسی کنید تا گزینه‌های حقوقی متناسب با شرایط خاص ایران را برای ایجاد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی پیشنهاد دهد و سپس مناسب‌ترین گزینه برای اجرای آن را شناسایی کنید.

۱.۱۲.۳ دفاتر دادستانی کشورهای ثالث

- بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی و سایر اشکال صلاحیت فراسرزمینی، علیه مقام‌های جمهوری اسلامی ایران که در قبال جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی مسئولیت ادعایی دارند، از جمله مقام‌های نام‌برده در این گزارش، تحقیقات کیفری انجام دهید، با این هدف که در مواردی که شواهد کافی وجود دارد، حکم بازداشت صادر کنید، صرف‌نظر از این‌که متهم در قلمرو کشور مربوطه حضور داشته باشد یا خیر.
- درباره جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی ارتکاب یافته در ایران، از جمله جنایات مستندسازی‌شده در این گزارش، تحقیقات ساختاری آغاز کنید، به‌ویژه در شرایطی که قربانیان ممکن است در قلمرو کشورهای ثالث حضور داشته باشند و بدین ترتیب در پی روشن کردن ساختارهای فرماندهی و تصمیم‌گیری، و شناسایی و دسته‌بندی مرتکبان احتمالی برای پیگیری و محاکمه کیفری باشید.
- برای تحقیق درباره جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی ارتکاب یافته در ایران، از جمله جنایات مرتبط با چرخه‌های مکرر سرکوب مرگبار اعتراضات، تیم‌های تحقیقاتی مشترک تشکیل دهید.

۲. دامنه و روش شناسی

روش تحقیق و شیوه‌های به‌کاررفته برای تهیه این گزارش، به تفصیل در نسخه اصلی گزارش، به زبان انگلیسی، در هفت بخش تشریح شده است. در این خلاصه فارسی، بخش نخست، که به دامنه و محدوده تحقیق اختصاص دارد، و بخش هفتم، که به قدردانی اختصاص دارد، ترجمه شده‌اند.

۲.۱ دامنه و چارچوب

۲.۱.۱ دامنه موضوعی

عفو بین‌الملل در پژوهشی که برای این گزارش انجام داد، گزارش‌های مربوط به نقض حقوق بشر از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران علیه معترضان و حامیان آنان در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» در سال ۱۴۰۱ را مورد تحقیق قرار داد. تحقیقات این سازمان عمدتاً بر سه حوزه نگران‌کننده متمرکز بود: نقض‌هایی که در جریان متفرق کردن اعتراضات و با استفاده از قوای قهریه و سلاح گرم رخ داد و به کشته و زخمی شدن افراد انجامید؛ نقض حقوق خانواده‌های کشته‌شدگان؛ و مصونیت نظام‌مند از مجازات، از جمله سرپوش‌گذاری حکومتی و محروم کردن از دسترسی به عدالت از طریق سازوکارهای داخلی.

عفو بین‌الملل برای بررسی الگوهای گسترده‌تر سرکوب، همچنین از یافته‌های پیش‌تر منتشرشده خود درباره دیگر موارد نقض حقوق بشر در جریان این خیزش، از جمله درباره دستگیری و بازداشت خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در دوران بازداشت، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، و ناپدیدسازی قهری استفاده کرد و تحقیقات خود را بر پایه آن‌ها گسترش داد. این سازمان برای مقاصد تحلیلی، موارد نقض مورد تحقیق را در بستر گسترده‌تر چرخه‌های مکرر سرکوب مرگبار اعتراضات از سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷) به بعد قرار داد؛ از جمله تازه‌ترین کشتارهای بی‌سابقه در جریان اعتراضات در ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه سال ۲۰۲۶) و خطر مستمر وقوع جنایات فجیع بیشتر در نبود پاسخ‌گویی.

عفو بین‌الملل همچنین ساختارهای فرماندهی و سازمان‌دهی نهادهای امنیتی دخیل در نقض‌های صورت‌گرفته هنگام متفرق کردن اعتراضات را مورد تحقیق قرار داد. این سازمان همچنین چارچوب‌های قانون اساسی، قانونی و نهادی حاکم بر عملکرد این نهادها، از

جمله نقش این چارچوب‌ها در فراهم کردن زمینه وقوع نقض‌ها و شکل‌گیری الگوهای مصونیت از مجازات که موضوع این تحقیق بودند را بررسی کرد. عفو بین‌الملل بر این اساس تلاش کرد زنجیره‌های فرماندهی مرتبط را ترسیم، فرماندهان و دیگر مقام‌های دخیل در نقض‌ها را شناسایی و شواهد موجود برای انتساب مسئولیت کیفری فردی را ارزیابی کند.

۲.۱.۲ دامنه زمانی

عفو بین‌الملل در تحقیق درباره گزارش‌های نقض حقوق بشر هنگام متفرق کردن اعتراضات که به کشته و زخمی شدن افراد انجامید و نیز نقض‌های بعدی علیه بستگان کشته‌شدگان، عمدتاً بر رویدادهای بین ۲۵ شهریور تا ۱۰ دی ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر تا ۳۱ دسامبر ۲۰۲۲) تمرکز کرد. این بازه زمانی از آن رو انتخاب شد که با مرحله‌ای از خیزش «زن زندگی آزادی» هم‌زمان بود که اعتراضات خیابانی گسترده ویژگی اصلی آن به شمار می‌رفت. با این حال، در بررسی الگوهای مصونیت از مجازات، دامنه زمانی تحقیق فراتر از دوره شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) رفت، زیرا تحولات مرتبط با شکایت‌هایی که خانواده‌های قربانیان ثبت کرده بودند، در ماه‌ها و سال‌های بعد نیز ادامه یافت.

به همین ترتیب، در بررسی سرپوش‌گذاری‌های حکومتی و نقش افرادی که در جایگاه‌های فرماندهی و اعمال اختیار قرار داشتند، تحقیقات عمدتاً بر اظهارات و اسناد رسمی مربوط به دوره شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) متمرکز بود. با این حال، پس از شناسایی مقام‌های دخیل در عملیات متفرق کردن اعتراضات، عفو بین‌الملل تغییرات سمت‌های آنان را در سال‌های بعد پیگیری کرد و هرجا اطلاعات در دسترس بود، آن را تا زمان انتشار این گزارش به‌روزرسانی کرد.

عفو بین‌الملل برای تحقیق درباره ساختارهای فرماندهی و سازمان‌دهی نهادهای امنیتی دخیل در نقض‌های صورت‌گرفته هنگام متفرق کردن اعتراضات، طیف گسترده‌ای از منابع مربوط به چندین دهه را بررسی کرد تا چگونگی شکل‌گیری، مأموریت‌ها و تحول و دگرگونی سازمانی این نهادها را تا رسیدن به ساختاری که در زمان اعتراضات شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) داشتند، ردیابی کند.

۲.۱.۳ دامنه جغرافیایی

تحقیقات عفو بین‌الملل درباره موارد نقض مشمول دامنه موضوعی این پژوهش، سراسر کشور را دربرمی‌گرفت و ماهیتی جامع داشت تا تصویری سراسری از نقض‌های مورد بحث ارائه کند.

بر همین اساس، عفو بین‌الملل با پیروی از روش‌شناسی که در ادامه به تفصیل توضیح داده می‌شود، گزارش‌های مربوط به کشته شدن معترضان، رهگذران/ناظران و نیز نقض‌های بعدی علیه بسیاری از خانواده‌های آنان را در ۲۶ استان از مجموع ۳۱ استان ایران مورد تحقیق قرار داد. به همین ترتیب، این سازمان برای استفاده از یافته‌های پیش‌تر منتشرشده و گسترش آن‌ها درباره دیگر موارد نقض

حقوق بشر، از جمله دستگیری و بازداشت خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در دوران بازداشت، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، و ناپدیدسازی قهری، شهادت‌هایی را از سراسر کشور گردآوری کرد.

عفو بین‌الملل در کنار این دامنه گسترده، استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی را برای تحقیقات عمیق‌تر انتخاب کرد و بر ۱۷ شهرستان در این سه استان تمرکز کرد که گزارش‌هایی از کشته شدن افراد در جریان اعتراضات در آن‌ها منتشر شده بود. این سازمان از طریق مطالعات موردی تفصیلی تلاش کرد شرایط، توالی و زمان کشته شدن معترضان و رهگذران/ناظران در این مناطق را بازسازی کند، شاخه‌های نیروهای امنیتی دخیل را شناسایی کند و الگوهای نقض حقوق خانواده‌های کشته‌شدگان را نشان دهد. عفو بین‌الملل همچنین اظهارات رسمی افرادی را که در این استان‌ها در جایگاه فرماندهی و اعمال اختیار بر نیروهای امنیتی عهده‌دار عملیات متفرق کردن اعتراضات قرار داشتند، گردآوری و تحلیل کرد.

در چارچوب این دامنه، عفو بین‌الملل برای تحلیل مربوط به انتساب مسئولیت کیفری فردی، بر مقام‌های کشوری در راس زنجیره فرماندهی و نیز مقام‌هایی تمرکز کرد که بر عملیات متفرق کردن اعتراضات در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی فرماندهی و اعمال اختیار داشتند.

استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی که محل زندگی اقلیت تحت ستم کرد ایران هستند، از آن رو انتخاب شدند که در فاصله شهریور و دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، بیشترین تعداد رویدادهای منجر به کشته شدن معترضان و رهگذران/ناظران کرد در این مناطق رخ ثبت شد. معترضان، ناظران و رهگذران/ناظران بلوچ در استان سیستان و بلوچستان بالاترین شمار کلی کشته‌شدگان را به خود اختصاص دادند. اکثریت آنان در جریان یک رویداد در زاهدان در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) کشته شدند؛ رویدادی که عموماً با عنوان «جمعه خونین» شناخته می‌شود و عفو بین‌الملل پیش‌تر آن را مستندسازی کرده و یافته‌های خود درباره آن را در اکتبر ۲۰۲۲، در اوج خیزش، منتشر کرد.

۲.۱.۴ چارچوب حقوقی و آستانه اثبات

عفو بین‌الملل ابتدا موارد نقض مورد بحث را در چارچوب قوانین و موازین بین‌المللی حقوق بشر مورد تحقیق قرار داد. سپس شواهد را در پرتو حقوق کیفری بین‌المللی تحلیل کرد تا ارزیابی کند آیا رویدادهای منفرد و الگوهای گسترده‌تر رفتار، عناصر حقوقی جنایت علیه بشریت، از جمله قتل، شکنجه، حبس، ناپدیدسازی قهری، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، و آزار و تعقیب را برآورده می‌کنند یا خیر.

عفو بین‌الملل برای رسیدن به یافته‌های خود، معیار اثبات «دلایل معقول برای باور» را به کار برد. این معیار مستلزم وجود اطلاعات کافی، معتبر و قابل اتکایی است که بتوان بر اساس آن‌ها به‌طور معقول باور داشت واقعیت ادعا شده، رخ داده است. این معیار به‌طور گسترده در تحقیقات حقوق بشری برای ارزیابی مسئولیت دولت در قبال موارد نقض حقوق بشر به کار می‌رود. معیار «دلایل معقول

برای باور» از معیار حقوق کیفری «فرا تر از شک معقول» برای احراز مسئولیت کیفری فردی پایین تر است. با این حال، صرف سوءظن برای تحقق آن کافی نیست و لازم است مبنای اثباتی به اندازه کافی قوی و تأییدشده‌ای با شواهد وجود داشته باشد که از باور معقول به صحت واقعیت‌های ادعا شده پشتیبانی کند.

۲.۲. قدردانی

عفو بین‌الملل مراتب سپاس و قدردانی عمیق خود را از همه معترضان، بستگان کشته‌شدگان، شاهدان، مدافعان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران، وکلا، کارکنان بخش پزشکی و دیگر افرادی که اطلاعات، شهادت‌ها و مدارکی را برای تهیه این گزارش در اختیار این سازمان گذاشتند، ابراز می‌کند؛ از جمله کسانی که از طریق خط تلفن ویژه‌ای که در جریان و پس از خیزش «زن زندگی آزادی» اعلام شده بود، با عفو بین‌الملل تماس گرفتند. شجاعت، پایداری و تعهد آنان به حقیقت و عدالت، انجام این تحقیق را ممکن ساخت. صدها پیامی که افراد داخل ایران از طریق این خط تلفن فرستادند و در آن‌ها اطلاعاتی ارائه و خواسته شد توجه جهانی به این مساله جلب شود، عزم سازمان را برای ادامه این تحقیق تقویت کرد.

عفو بین‌الملل به‌ویژه از کسانی قدردانی می‌کند که با وجود خطرات همچنان موجود و ترس از اقدامات تلافی‌جویانه حکومت، پذیرفتند تجربیات رنج‌آور خود را بازگو کنند. عفو بین‌الملل بار عاطفی سنگین مشارکت در چنین تحقیقاتی را به رسمیت می‌شناسد و خود را وامدار همه کسانی می‌داند که به این سازمان اعتماد کردند.

عفو بین‌الملل همچنین مراتب قدردانی عمیق خود را از «شبکه حقوق بشر گُردستان» (KHRN) و «سازمان حقوق بشر گُردپا»، دو سازمان حقوق بشری گُرد، و «حال‌وش»، یک سازمان حقوق بشری بلوچ، به‌خاطر همکاری مستمر آنان در طول سال‌های انجام این تحقیق ابراز می‌کند. تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آنان برای برقراری ارتباط میان عفو بین‌الملل و منابع میدانی و همچنین به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات و مدارک، برای این تحقیق ارزشمند و حیاتی بود.

عفو بین‌الملل یاد معترضان و رهگذر/ناظرانی را گرامی می‌دارد که در جریان سرکوب‌های مرگبار و پی‌درپی اعتراضات، جان خود را به‌طرزی بی‌رحمانه از دست دادند؛ همچنین آرمان‌های آنان برای آینده‌ای مبتنی بر کرامت، آزادی و برابری در ایران را ارج می‌نهد. این سازمان همچنین یاد ژینا مهسا امینی و همه زنان و دختران در ایران را گرامی می‌دارد که طی دهه‌ها اجرای قوانین تبعیض‌آمیز و تحقیرکننده حجاب اجباری و دیگر قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های تبعیض‌آمیز، جان‌باخته، شکنجه شده یا به اشکال دیگری آسیب دیده‌اند. عفو بین‌الملل در مسیر دستیابی به حقیقت، عدالت، جبران خسارت و تضمین عدم تکرار، در کنار زنان و دختران، خانواده‌های کشته‌شدگان و همه بازماندگان ایستاده است.

۳. پیشینه و زمینه

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران دهه‌هاست که در سایه مصونیت از مجازات، مردم در ایران را تحت سرکوب شدید و تبعیض قرار داده‌اند. تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد ساختار قانون اساسی ایران زمینه ارتکاب گسترده جنایات بین‌المللی و تبعیض بر اساس جنسیت، مذهب و عقیده سیاسی را فراهم می‌کند، مصونیت از مجازات را نهادینه می‌سازد، مردم را از حق مشارکت در امور عمومی محروم می‌کند و آزادی دین یا عقیده، بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز را به‌طور غیرمجاز محدود می‌کند.

این فصل به ۶ بخش تقسیم شده است. بخش نخست مروری بر تحقیقات گسترده عفو بین‌الملل درباره موج‌های پیاپی سرکوب خشونت‌بار اعتراضات از دی ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷ تا ژانویه ۲۰۱۸) به بعد ارائه می‌دهد؛ تحقیقاتی که الگوی گسترده‌ای از استفاده غیرقانونی نیروهای امنیتی از قوای قهریه و سلاح گرم، از جمله استفاده عمدی از قوای قهریه مرگبار، علیه معترضان و رهگذران/ناظران را آشکار می‌کند. بخش دوم پیشینه‌ای از الگوهای دیرینه مصونیت از مجازات در قبال جنایات بین‌المللی گسترده و نظام‌مند و نقض‌های جدی حقوق بشر در ایران ارائه می‌کند.^۵ بخش سوم به ریشه‌های سرکوب، مصونیت از مجازات و تبعیض در قانون اساسی ایران، از جمله درهم‌تنیدگی قوه قضائیه و دستگاه امنیتی، می‌پردازد. بخش‌های چهارم و پنجم الگوهای به‌خوبی مستندشده تبعیض و دیگر موارد نقض حقوق بشر علیه زنان و اقلیت‌های اتنیک و دینی در ایران را تشریح می‌کنند. بخش ششم مروری بر آسیب‌های گسترده واردشده به غیرنظامیان در پی حملات غیرقانونی ایالات متحده و اسرائیل به ایران، در نقض منشور ملل متحد، از زمان آغاز این حملات در ۲۸ فوریه سال ۲۰۲۶ ارائه می‌دهد و همچنین بار دیگر خواستار برقراری آتش‌بسی پایدار و پاسخگویی در قبال تمامی نقض‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه و جنایات جنگی احتمالی ارتکاب‌یافته در جریان این درگیری نظامی می‌شود.

۵ فصل ۱۱ با جزئیات بیشتری الگوهای مصونیت از مجازات در ارتباط با نقض‌های ارتکابی در جریان سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی» در سال ۱۴۰۱ و چارچوب قانونی را بررسی می‌کند که مانع شده شکایت‌های کیفری ثبت‌شده از سوی خانواده‌های قربانیان به اجرای عدالت منجر شود. این چارچوب شامل قوانینی است که اعمال حق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز را جرم‌انگاری می‌کنند؛ استفاده از سلاح گرم برای متفرق کردن معترضان، از جمله معترضان مسالمت‌آمیز، را مجاز می‌دانند؛ نیروهای امنیتی را از مسئولیت کیفری در قبال قتل‌های ناشی از چنین استفاده‌ای از قوای قهریه معاف می‌کنند؛ درهم‌تنیدگی قوه قضائیه و نیروهای امنیتی را نهادینه می‌کنند؛ و صلاحیت رسیدگی به نقض‌های جدی حقوق بشر از سوی نیروهای امنیتی را به دادستان‌ها و دادگاه‌های نظامی می‌سپارند.

۴. قوانین و موازین

بین‌المللی حاکم بر استفاده از

قوای قهریه

حقوق بین‌الملل بشر محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای بر استفاده مقام‌های حکومتی از قوای قهریه اعمال می‌کند. این محدودیت‌ها، هم در خصوص شرایط استثنایی که در آن استفاده از قوای قهریه مجاز است و هم در خصوص میزان قوای قهریه‌ای که می‌توان به کار برد، عمدتاً از حق حیات، تمامیت جسمانی و امنیت شخصی،^۶ حق‌رهایی از شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز،^۷ و در زمینه اعتراضات، حق آزادی بیان و تجمع مسالمت‌آمیز^۸ ناشی می‌شوند.

۶ به‌ویژه بنگرید به: کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر عمومی شماره ۳۶: حق حیات (ماده ۶)، ۳ سپتامبر ۲۰۱۹، سند سازمان ملل CCPR/C/GC/36، بندهای ۱۲ تا ۱۴.

۷ برای نمونه بنگرید به: گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و تشکل، پروتکل نمونه برای مأموران اجرای قانون به منظور ترویج و حفاظت از حقوق بشر در زمینه اعتراضات مسالمت‌آمیز، ۳۱ ژانویه ۲۰۲۴، سند سازمان ملل A/HRC/55/60، بندهای ۲۶ و ۴۳؛ گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره شکنجه)، استفاده از قوای قهریه خارج از بازداشت و ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۷، سند سازمان ملل A/72/178، بند ۳۴؛ آیین‌نامه رفتاری سازمان ملل برای مأموران اجرای قانون، مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، ماده ۵.

۸ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر عمومی شماره ۳۷: حق تجمع مسالمت‌آمیز (ماده ۲۱)، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۰، سند سازمان ملل CCPR/C/GC/37؛ گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره شکنجه، استفاده از قوای قهریه خارج از بازداشت و ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۳۴؛ گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز و تشکل، پروتکل نمونه برای مأموران اجرای قانون به منظور ترویج و حفاظت از حقوق بشر در زمینه اعتراضات مسالمت‌آمیز (پیش‌تر ذکر شد). همچنین بنگرید به: گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتاب‌زده یا خودسرانه، گزارش، ۱ آوریل ۲۰۱۴، سند سازمان ملل A/HRC/26/36.

اسناد اصلی تعیین‌کننده موازین حاکم بر استفاده مأموران اجرای قانون از قوای قهریه عبارتند از «آیین‌نامه رفتاری سازمان ملل برای مأموران اجرای قانون»^۹ و «اصول اساسی سازمان ملل درباره استفاده مأموران اجرای قانون از قوای قهریه و سلاح گرم».^{۱۰} چارچوب‌های حقوقی داخلی حاکم بر استفاده نیروهای امنیتی از قوای قهریه باید، با راهنمایی این موازین، با الزامات حقوق بین‌الملل همسو باشند.^{۱۱} قوانین داخلی نباید استفاده غیرضروری یا مفرط از قوای قهریه علیه شرکت‌کنندگان در تجمعات را مجاز بدانند،^{۱۲} و دولت‌ها «باید ممنوعیت‌های کیفری مؤثری را درباره همه موارد... استفاده غیرضروری یا نامتناسب مأموران اجرای قانون از سلاح گرم وضع کنند».^{۱۳}

نجات و حفاظت از جان انسان‌ها یکی از وظایف اصلی دولت است. از این رو، چارچوب‌های حقوقی داخلی حاکم بر استفاده نیروهای امنیتی از قوای قهریه باید منعکس‌کننده «اصل حفاظت از حیات» باشند؛^{۱۴} یعنی وارد کردن آسیب جدی به یک فرد فقط در صورتی می‌تواند قابل قبول باشد که هدف آن نجات فرد دیگری از خطری با شدت مشابه باشد. به بیان دیگر، به خطر انداختن جان یک فرد تنها زمانی می‌تواند قابل قبول باشد که برای حفاظت از فرد دیگری در برابر خطری متوجه جان او صورت گیرد. این اصل باید در همه شرایط، حتی در وضعیت‌های استثنایی، رعایت شود.^{۱۵}

این فصل به پنج بخش تقسیم شده است. بخش نخست مروری بر موازین عمومی حاکم بر استفاده از قوای قهریه ارائه می‌دهد. بخش دوم آستانه‌های بالایی را که طبق قوانین و موازین بین‌المللی بر استفاده از سلاح گرم، سایر اشکال قوای قهریه مرگبار و استفاده عمدی از قوای قهریه مرگبار حاکم است، تشریح می‌کند. بخش سوم به قوانین و موازین بین‌المللی حاکم بر استفاده از سلاح‌ها و مهمات کمتر مرگبار می‌پردازد. بخش چهارم ممنوعیت استفاده از سلاح‌ها و مهماتی را بررسی می‌کند که ذاتاً بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز هستند، یا به منظور اجرای قانون و با هدف به حداقل رساندن آسیب، جلوگیری از جراحت غیرموجه و حفاظت از افراد غیرمرتبط، تولید و آزمایش نشده‌اند. بخش پایانی نیز مروری بر چگونگی تضمین پاسخ‌گویی در قبال هر مورد استفاده از قوای قهریه ارائه می‌دهد.

۹ آیین‌نامه رفتاری سازمان ملل برای مأموران اجرای قانون (پیش‌تر ذکر شد).

۱۰ اصول اساسی سازمان ملل درباره استفاده مأموران اجرای قانون از قوای قهریه و سلاح گرم (اصول اساسی سازمان ملل درباره استفاده از قوای قهریه و سلاح گرم)، مصوب ۷ سپتامبر ۱۹۹۰.

۱۱ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر عمومی شماره ۳۷ (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۷۸.

۱۲ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر عمومی شماره ۳۷ (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۷۹: «قوانین داخلی نباید اختیاراتی تا حد زیادی نامحدود به مأموران اعطا کنند... به‌ویژه، قوانین داخلی نباید

استفاده خودسرانه، مفرط یا تبعیض‌آمیز از قوای قهریه علیه شرکت‌کنندگان در یک تجمع را مجاز بدانند».

۱۳ کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر عمومی شماره ۳۶ (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۰.

۱۴ برای نمونه بنگرید به: کمیته حقوق بشر سازمان ملل، نظر عمومی شماره ۳۶ (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۳ (دولت‌ها باید «قوانین مناسبی برای کنترل استفاده مأموران اجرای قانون از قوای قهریه مرگبار» وضع کنند)، بند ۱۴ (استفاده از سلاح‌های کمتر مرگبار «باید مطابق موازین بین‌المللی مربوطه به‌طور سخت‌گیرانه تنظیم شود») و بند ۱۸ («دولت‌های عضو باید، در حدی که برای تحقق حق حیات ضرورت دارد، چارچوبی قانونی برای تضمین برخورداری کامل همه افراد از حق حیات ایجاد کنند»).

۱۵ عفو بین‌الملل، «استفاده از قوای قهریه: رهنمودهایی برای اجرای اصول اساسی سازمان ملل درباره استفاده مأموران اجرای قانون از قوای قهریه و سلاح گرم»، اوت ۲۰۱۵.

۵. سرکوب خونبار اعتراضات

سراسری سال ۱۴۰۱

۲۵ شهریور ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲)، جان باختن ژینا مهسا امینی، زن ۲۲ ساله، در بازداشت پلیس «امنیت اخلاقی» ایران که قوانین تبعیض‌آمیز حجاب اجباری را اجرا می‌کرد، جرقه خیزشی سراسری و سه‌ماهه علیه دهه‌ها سرکوب سیاسی، تبعیض و مصونیت از مجازات را زد.

تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران در واکنش به اعتراضات سراسری، سرکوبی نظامی‌شده به راه انداختند که با ارتکاب گسترده و نظام‌مند نقض‌های جدی حقوق بشر و جنایات بین‌المللی همراه بود. مقام‌ها به‌طور گسترده به استفاده غیرقانونی از قوای قهریه مرگبار متوسل شدند و برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان و بازداشتن دیگران از پیوستن به اعتراضات، تفنگ‌های جنگی، مسلسل، سلاح‌های کمری و تفنگ‌های ساچمه‌زن پر شده با ساچمه‌ای فلزی به کار گرفتند. در نتیجه، نیروهای امنیتی صدها معترض و رهگذر/ناظر، از جمله ده‌ها کودک، را در سراسر کشور به قتل رساندند و به هزاران نفر دیگر صدمات جدی وارد کردند که مصداق شکنجه یا سایر رفتارهای بیرحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز بود.

علاوه بر این، مقام‌ها ده‌ها هزار معترض و افراد دیگری را که به‌طور واقعی یا به‌تصور مقام‌ها از اعتراضات حمایت می‌کردند، خودسرانه دستگیر کردند؛ بازداشت‌شدگان، از جمله کودکان، را در معرض نقض‌های گسترده و نظام‌مند حقوق بشر، از جمله ناپدیدسازی قهری، بازداشت بدون امکان تماس با خارج، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، قرار دادند؛ پس از محاکمه‌های نمایشی و به‌شدت ناعادلانه‌ای که هیچ شباهتی به روندهای قضایی مشروع نداشت، احکام ناعادلانه حبس و اعدام صادر کردند؛ و اعدام‌های خودسرانه به اجرا گذاشتند. همزمان با این سرکوب مرگبار، مقام‌ها کوشیدند معترضان را اهریمنی جلوه دهند و از آنان انسان‌زدایی کنند تا سرکوب آنان را توجیه کنند.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

این فصل به هفت بخش تقسیم شده است. بخش نخست مروری بر چگونگی آغاز و گسترش اعتراضات سراسری و در نهایت فروکش کردن آن‌ها پس از سه ماه سرکوب مرگبار ارائه می‌دهد. شش بخش بعدی مستندسازی عفو بین‌الملل از الگوهای سراسری مرتبط با این موارد را ارائه می‌کنند: استفاده غیرقانونی از قوای قهریه و سلاح گرم؛ کشتار معترضان و ناظران/رهگذران از جمله هنگام متفرق کردن اعتراضات، در مناطق نزدیک به محلی که اعتراضات در جریان بود یا به تازگی رخ داده بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی داشتند، در بازداشت حکومتی، پس از آزادی از بازداشت و در شرایطی مشکوک که اشاره به مسئولیت حکومتی داشت؛ دستگیری‌های خودسرانه گسترده؛ ناپدیدسازی‌های قهری؛ شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها هنگام متفرق کردن اعتراضات و در بازداشت حکومتی؛ و تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی در بازداشت حکومتی.

در نسخه فارسی پیش رو، تنها بخش سوم از فصل ۵ گزارش کامل انگلیسی، مربوط به کشتارها، ترجمه شده است.

۵.۱ کشتارها

نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در چارچوب سرکوب مرگبار خیزش «زن زندگی آزادی»، صدها معترض و ناظر/رهگذر را به قتل رساندند. تعیین شمار واقعی کشته‌شدگان همچنان ناممکن است. مقام‌ها مرگ ۲۰۲ نفر در جریان این خیزش را تأیید کرده‌اند، اما از ارائه آمار تفصیلی یا داده‌های تفکیک‌شده درباره افرادی که نیروهای امنیتی در جریان برخورد حکومت با اعتراضات کشته‌اند، خودداری کرده‌اند. در عوض، آن‌ها به شیوه‌های مختلف، از جمله از طریق انکار صریح، ارائه نادرست شمار کشته‌شدگان و نسبت دادن مرگ‌ها به عوامل غیردولتی یا شرایطی نامرتبط، کوشیده‌اند ابعاد قتل‌ها را پنهان کنند.^{۱۶} افزون بر این، مقام‌ها به‌طور نظام‌مند خانواده‌های قربانیان را تحت آزار و ستم قرار داده و با اعمال فشار وادارشان کرده‌اند سکوت کنند یا روایت حکومت را تکرار کنند.^{۱۷}

عفو بین‌الملل پس از انجام تحقیقات و بررسی‌های گسترده، حجم عظیمی از اطلاعات و شواهد درباره مرگ ۳۷۷ معترض، ناظر/رهگذر که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» جان خود را از دست دادند، گردآوری کرده است. عفو بین‌الملل همراه با این گزارش، سندی جداگانه منتشر کرده است که نام و مشخصات این ۳۷۷ معترض و ناظر/رهگذر را فهرست کرده است.^{۱۸} فهرستی که این سازمان تهیه کرده است را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. کشتار در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات و در مناطق نظامی‌شده: در مجموع، ۳۲۶ نفر از قربانیان ثبت‌شده به دست نیروهای امنیتی کشته شدند در حالی که نیروهای برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان و

۱۶ بخش ۵.۳.۱ و فصل ۱۱ را ببینید.

۱۷ فصل ۹ را ببینید.

۱۸ عفو بین‌الملل، «زندگی‌هایی که بی‌رحمانه کوتاه شدند: قربانیان جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» ایران در سال ۱۴۰۱»، (شناسه: MDE 13/1349/2026)، ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶).

بازداشتن دیگران از پیوستن به اعتراضات، از سلاح گرم یا سایر انواع قوای قهریه مرگبار استفاده کردند. بیشتر این کشته‌شدگان هنگام متفرق کردن اعتراضات کشته شدند، اما شماری نیز در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. در این مناطق، نیروهای امنیتی حضوری نظامی شده داشتند که شامل گشت‌های مسلحانه، ایست‌های بازرسی، بستن راه‌ها، تعقیب خودروها، دستورهای توقف یا یورش‌های خشونت‌آمیز به خانه‌ها یا محل‌های کار مردم می‌شد. این ۳۲۶ جانباخته شامل ۲۶۴ مرد، ۱۳ زن و ۴۹ کودک، ۴۶ پسر و سه دختر، از ۶۹ شهرستان در ۲۳ استان از مجموع ۳۱ استان ایران بودند.^{۱۹}

۲. **مرگ در بازداشت مقام‌های حکومتی:** در مجموع، ۱۸ نفر از قربانیان ثبت‌شده پس از آن‌که در چارچوب سرکوب اعتراضات بازداشت شدند، در بازداشت جان خود را از دست دادند. این افراد شامل ۱۷ مرد و یک زن از ۱۳ شهرستان در ۱۰ استان بودند.^{۲۰} بر اساس حقوق و استانداردهای بین‌المللی، مقام‌های جمهوری اسلامی ایران باید مسئول این مرگ‌ها فرض شوند و آن‌ها نتوانسته‌اند این فرض مسئولیت را رد کنند.^{۲۱}

۳. **مرگ پس از آزادی از بازداشت:** در مجموع، ۱۰ نفر، پنج مرد، دو زن و سه کودک، شامل یک دختر و دو پسر، در فهرست قربانیانی ثبت شده‌اند که پس از آزادی از بازداشت جان باختند و گزارش‌هایی که مدافعان حقوق بشر یا روزنامه‌نگاران منتشر کرده‌اند حاکی از آن است که مرگ آن‌ها با زندان مرتبط بوده است.^{۲۲} بنا بر این گزارش‌ها، در پنج مورد، صدمات جسمی ناشی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌های ادعایی سبب مرگ قربانیان شده یا در وقوع آن نقش داشته است. در پنج مورد دیگر، افراد مدت کوتاهی پس از آزادی در نتیجه خودکشی جان باختند و گزارش‌هایی که روزنامه‌نگاران یا مدافعان حقوق بشر منتشر کرده‌اند، مدعی‌اند که آن‌ها به دلیل آسیب‌های روانی

۱۹ ۶۹ شهرستان عبارت‌اند از: عباس‌آباد، الوند، آمل، اراک، بابل، بهارستان، بندر انزلی، بانه، بجنورد، بوکان، دهدشت، دهگلان، دزفول، دیواندره، اصفهان، اسلام‌آباد غرب، فردیس، فولادشهر، گرمسار، قائم‌شهر، قرچک، قصر شیرین، قوچان، همدان، ایلام، اسلامشهر، ایذه، جواترود، کامیاران، کرج، کرمانشاه، خاش، خرم‌آباد، لاهیجان، لنگرود، لشت‌نشا، لواسان، مهاباد، ملارد، میوان، مرودشت، مشهد، نوشهر، آشنویه، پاکدشت، پارسیان، پیرانشهر، قزوین، قشم، رشت، رضوانشهر، رباط کریم، رودسر، ثلاث باباجانی، سنندج، سقز، ساری، ساوجبلاغ، سمیرم، شهر ری، شهریار، شیراز، صومعه‌سرا، تبریز، تالش، تهران، ارومیه، زاهدان و زنجان. ۲۳ استان عبارت‌اند از: البرز، آذربایجان شرقی، اصفهان، فارس، گیلان، همدان، هرمزگان، ایلام، کرمانشاه، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، کردستان، لرستان، مرکزی، مازندران، قزوین، سمنان، سیستان و بلوچستان، تهران، آذربایجان غربی و زنجان.

۲۰ ۱۳ شهرستان عبارت‌اند از: اراک، بوکان، دهگلان، دزپارت، کرج، کرمانشاه، مشهد، سنندج، سقز، شهر قدس، شیراز، تهران و زاهدان. ۱۰ استان عبارت‌اند از: البرز، فارس، کرمانشاه، خراسان رضوی، خوزستان، کردستان، مرکزی، سیستان و بلوچستان، تهران و آذربایجان غربی.

۲۱ کادر مربوط به پرونده در بخش ۵.۳.۴ را ببینید.

۲۲ برای اطلاعات بیشتر درباره حقوق و استانداردهای بین‌المللی مربوط به مرگ‌های مرتبط با زندان، بخش ۵.۳.۴ را ببینید.

ناشی از شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها در بازداشت، به زندگی خود پایان دادند.^{۲۳} این ۱۰ قربانی از ۹ شهرستان در هشت استان بودند.^{۲۴}

۴. **مرگ‌های مشکوک، اغلب پس از دوره‌ای ناپدید شدن:** در مجموع، ۲۳ نفر از قربانیان ثبت‌شده پس از شرکت در اعتراضات یا حمایت از آن‌ها ناپدید شدند و هیچ اطلاعاتی درباره چگونگی بازداشت یا ربوده‌شدن و مرگ بعدی آن‌ها در دست نیست. قرائن متعدد، از جمله الگوهای مشابه و تکرار شونده در ناپدیدشدن قربانیان، نوع جراحات وارد شده به آن‌ها، نحوه اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها و آزار و تعقیبی که خانواده‌ها از سمت مقام‌ها متحمل شدند، در کنار خودداری مقام‌ها از انجام تحقیق و نسبت دادن سریع مرگ‌ها به خودکشی، بیماری یا حوادث، حاکی از آن است که مأموران حکومتی این قربانیان را کشته‌اند. این افراد شامل ۱۲ مرد، هفت زن و چهار کودک، دو پسر و دو دختر، از ۱۴ شهرستان در ۱۰ استان بودند.^{۲۵}

عفو بین‌الملل معتقد است شمار واقعی قربانیان به احتمال زیاد بسیار بیشتر است. نام بیش از ۱۰۰ نفر دیگر نیز در پرونده‌های این سازمان ثبت شده است که در گزارش‌های منتشرشده در فضای آنلاین، کشته‌شدن آن‌ها به دست نیروهای امنیتی در دوره اعتراضات گزارش شده است. با این حال، این سازمان نتوانست اطلاعات کافی درباره این موارد گزارش‌شده مرگ به دست آورد.^{۲۶}

۲۳ عفو بین‌الملل اصطلاح «مرگ مرتبط با زندان» را به‌گونه‌ای به کار برده است که مرگ در نتیجه خودکشی مدت کوتاهی پس از آزادی را نیز، در مواردی که شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که فرد در نتیجه رفتاری که در بازداشت با او شده به زندگی خود پایان داده است، در بر گیرد. این برداشت از اصطلاح یادشده به این واقعیت توجه دارد که «خطر خودکشی ... مدت کوتاهی پس از آزادی افزایش می‌یابد». گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتاب‌زده یا خودسرانه، *Deaths in Prisons*، ۱۸ آوریل ۲۰۲۳، سند سازمان ملل A/HRC/53/29، بند ۳۳، با ارجاع به Erin Renee Morgan و دیگران، «Incarceration and Subsequent Risk of Suicide: A Statewide Cohort Study»، *Suicide and Life-Threatening Behaviour*، جلد ۵۲، شماره ۳، ۲۰۲۲، صص. ۴۶۷ تا ۴۷۷. این تعریف همچنین ویژگی‌های خاص نظام زندان‌ها در ایران، از جمله الگوهای مستندشده گسترده و نظام‌مند شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را در نظر می‌گیرد. بخش‌های ۵.۶ و ۵.۷ را ببینید.

۲۴ ۹ شهرستان عبارت‌اند از: آمل، بوکان، هادیشهر، کرج، کردکوی، سردشت، شوش، سیرجان و تهران. هشت استان عبارت‌اند از: البرز، آذربایجان شرقی، گلستان، کرمان، خوزستان، مازندران، تهران و آذربایجان غربی.

۲۵ ۱۴ شهرستان عبارت‌اند از: اهواز، بوشهر، فیروزآباد، فولادشهر، گچساران، اسلامشهر، ایذه، کرج، لاسار، نوشهر، سقز، شیراز، تبریز و تهران. ۱۰ استان عبارت‌اند از: البرز، بوشهر، آذربایجان شرقی، اصفهان، فارس، خوزستان، کردستان، مازندران، سیستان و بلوچستان و تهران.

۲۶ فصل ۲ را ببینید.



مجموعه تصاویر ۳۲۵ معترض و ناظر/رهگذری که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» جان خود را از دست دادند. این مجموعه شامل افرادی است که در جریان متفرق کردن اعتراضات، در مناطق نظامی‌شده یا در بازداشت حکومتی به دست نیروهای امنیتی کشته شدند؛ افرادی که پس از آزادی جان باختند و گزارش‌ها حاکی از آن است که مرگ آن‌ها با زندان مرتبط بوده است؛ و افرادی که در شرایطی مشکوک جان باختند، به‌گونه‌ای که قرائن نشان می‌دهد مأموران حکومتی آن‌ها را کشته‌اند. عفو بین‌الملل برای ۴۲ نفر از مجموع ۳۷۷ قربانی ثبت‌شده نتوانست عکسی پیدا کند. این ۴۲ قربانی همگی از اقلیت بلوچ تحت ستم ایران بودند. © منابع خصوصی.

عفو بین‌الملل توانست درباره ۳۲۳ نفر از ۳۷۷ قربانی ثبت‌شده، اطلاعاتی درباره سن دقیق یا تقریبی آن‌ها به دست آورد. از میان این گروه، دست‌کم ۱۷ درصد، یعنی ۵۶ نفر، کودک بودند؛ امری که حضور چشمگیر کودکان در اعتراضات و تاثیر ویرانگر سرکوب مرگبار مقام‌ها بر کودکان، خانواده‌هایشان و گروه‌های اجتماعی آن‌ها را نشان می‌دهد. از جمله کم‌سن‌ترین قربانیان کودک، یک

پسر دوساله، ۲۷ یک دختر شش ساله ۲۸ و دو پسر ۹ ساله ۲۹ بودند. ۱۱ قربانی کودک دیگر بین ۱۱ تا ۱۴ سال سن داشتند، ۳۰ و ۴۱ نفر دیگر بین ۱۵ تا ۱۷ ساله بودند. ۳۱



مجموعه تصاویر ۵۰ کودک که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» جان خود را از دست دادند. این مجموعه شامل ۴۲ کودکی است که در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی شده به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران کشته شدند، سه کودک که پس از آزادی از بازداشت جان باختند و گزارش‌ها حاکی از آن است که مرگ آن‌ها با زندان مرتبط بوده است، و چهار کودک دیگر که در شرایطی مشکوک جان باختند، به گونه‌ای که قرائن نشان می‌دهد مأموران حکومتی آن‌ها را کشته‌اند. عفو بین‌الملل برای شش نفر از ۵۶ قربانی کودک ثبت‌شده نتوانست عکسی پیدا کند. این شش کودک همگی از اقلیت بلوچ تحت ستم ایران بودند. ردیف بالا (از چپ به راست): سارینا اسماعیل‌زاده، ابوالفضل امیرعطایی، محمد آریان خوش‌گوار، مهدی موسوی‌نیکو، ستایش شریفی‌نیا، علی مظفری، عرشیا امام‌قلی‌زاده، دانیال پابندی، امیرمهدی فرخی‌پور و احمدرضا قلجی. ردیف دوم از بالا (از چپ به راست): ابوالفضل باهو، نیکا شاکرمی، امیرمحمد (ایلپاد) رحمانی‌پور،

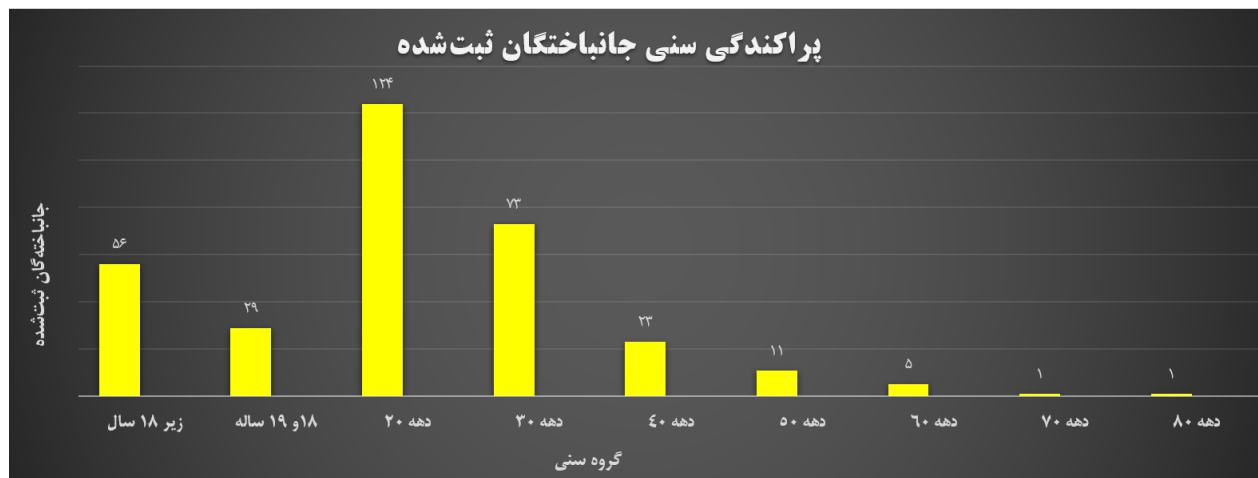
- ۲۷ نام این قربانی امیرمحمد میرشکار است.
 ۲۸ نام این قربانی هستی نارویی است.
 ۲۹ نام این دو قربانی کیان پیرفلک و مصیب شهبخش است.
 ۳۰ نام این قربانیان عبارت‌اند از: عادل کوچک‌زای (بریچی)، علی براهویی، دانیال شهبخش، جابر شیروزی، جواد پوشه، مبین میرکازهی (میربلوچ‌زهی)، محمد رخشانی، محمد رضا سروری، امید سارانی، سدیس کشانی و سپهر مقصودی.
 ۳۱ نام این قربانیان عبارت‌اند از: عبدالله محمودپور، ابوالفضل آدینه‌زاده، ابوالفضل امیرعطایی، ابوالفضل باهو، احمدرضا قلجی، علی مظفری، امین معرفت، امیرمهدی فرخی‌پور، امیرمحمد (ایلپاد) رحمانی‌پور، امیرحسین بساطی، آرمین صیادی، عرشیا امام‌قلی‌زاده، آرتین رحمانی، آروین گلزاری یکتا، اصلان (نیمنا) شفق‌دوست، بهاء‌الدین ویسی، برزین حمزه‌زاده، دانیال پابندی، اسماعیل شهبخش، کاروان قادر شکری، کومار درافتاده، مهدی موسوی‌نیکو، محمدامین گمشادزهی، محمدآریان خوش‌گوار، محمداقبال شهنوازی (نایب‌زهی)، محمد زمانی، نیکا شاکرمی، امید نارویی، امید صفرزهی، پویا احمدپور پسخانی، رضا کاظمی، سامر هاشم‌زهی، سارینا اسماعیل‌زاده، سارینا ساعدی، ستاره تاجیک، ستایش شریفی‌نیا، سیاوش محمودی، سینا لوح موسوی، یاسر بهادرزهی، یاسر شاه‌زهی و زکریا خیال.

معماران جنایات
 دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

هستی نارویی، محمد اقبال شهنوازی (نایب‌زهی)، برزین حمزه‌زاده، کاروان قادر شکری، بهاء‌الدین ویسی، محمد زمانی و سینا لوح موسوی. ردیف سوم از بالا (از چپ به راست): آرتین رحمانی، امین معرفت، پویا احمدپور پیسخانی، ابوالفضل آدینه‌زاده، عبدالله محمودپور، جواد پوشه، عادل کوچک‌زایی (بریچی)، کیان پیرفلک، امیرحسین بساطی و کومار دارافتاده. ردیف چهارم از بالا (از چپ به راست): زکریا خیال، سارینا سعیدی، رضا کاظمی، امید نارویی، سودیس کشانی، امید سارانی، یاسر بهادرزهی، علی براهویی، ستاره تاجیک و محمد رخشانی. ردیف پایین (از چپ به راست): مبین میرکازهی (میریلوچ‌زهی)، آروین گلزاری یکتا، امید صفرزهی، آرمین صیادی، محمدرضا سروری، سامر هاشم‌زهی، اصلان (نیما) شفق‌دوست، سیاوش محمودی، سپهر مقصودی و مصیب شه‌بخش. تمامی عکس‌ها ©منابع خصوصی.

نوجوانان ۱۸ یا ۱۹ ساله ۹ درصد، یعنی ۲۹ نفر، از قربانیان را تشکیل می‌دادند و جوانان ۲۰ تا ۲۹ ساله نیز ۳۸ درصد، یعنی ۱۲۴ نفر، از قربانیان بودند؛ ارقامی که نقش برجسته جوانان در صف مقدم اعتراضات و از دست رفتن تراژیک جان جوانان را نشان می‌دهد.



نموداری که تفکیک ۳۲۳ قربانی ثبت‌شده را بر حسب گروه سنی نشان می‌دهد؛ شامل ۲۷۳ نفری که در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی‌شده به دست نیروهای امنیتی کشته شدند، ۱۸ نفری که در بازداشت حکومتی کشته شدند، ۱۰ نفری که پس از آزادی از بازداشت جان باختند و گزارش‌ها حاکی از آن است که مرگ آن‌ها با زندان مرتبط بوده است، و ۲۲ نفری که در شرایط مشکوک جان باختند، به‌گونه‌ای که قرائن نشان می‌دهد مأموران حکومتی آن‌ها را کشته‌اند. عفو بین‌الملل نتوانست درباره سن ۵۴ قربانی دیگر اطلاعاتی به دست آورد. ©عفو بین‌الملل

۵.۱.۱ روایت حکومت

روایت مقام‌های جمهوری اسلامی درباره ابعاد، علل و شرایط کشته‌شدن معترضان در جریان اعتراضات را به‌طور کلی می‌توان در سه محور دسته‌بندی کرد. این سه محور در گزارشی بازتاب یافته است که «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های سال ۱۴۰۱» (از این پس «کمیته ویژه») منتشر کرده است؛ نهادی فاقد استقلال و بی‌طرفی که ۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ (۷ مه ۲۰۲۳) به دستور ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت، تشکیل شد.

نخست، کمیته ویژه تنها مرگ ۲۰۲ نفر در جریان اعتراضات را تأیید کرد و در عین حال، مرگ شماری دیگر را که مدافعان حقوق بشر و خانواده‌های قربانیان، مرگ آنان را ناشی از اقدامات نیروهای امنیتی گزارش کرده بودند، به عللی نامرتبط با اعتراضات از جمله بیماری، تصادف رانندگی، مصرف بیش از حد مواد مخدر، حمله سگ، سقوط از ارتفاع و خودکشی نسبت داد. گزارش کمیته

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

ویژه نه هویت قربانیان را مشخص می‌کند و نه اطلاعاتی درباره شرایط مشخص کشته‌شدن آن‌ها یا داده‌های تفکیک‌شده‌ای مانند جنسیت، سن یا اتنیک ارائه می‌دهد.

دوم، کمیته ویژه بیشتر این مرگ‌ها را به عوامل غیردولتی نسبت داد و مدعی شد که از میان ۲۰۲ نفری که «در جریان اعتراضات جان خود را از دست دادند»، ۱۱۲ نفر به دست «اغتشاشگران و... تروریست‌های مسلح» کشته شدند.

سوم، کمیته ویژه مدعی شد که ۹۰ قربانی باقی‌مانده «هنگام حمل یا استفاده از سلاح... در جریان درگیری‌ها و حملات به مقرهای نظامی و انتظامی، زیرساخت‌های حیاتی یا مأموران انتظامی» کشته شدند و به این ترتیب القا کرد که استفاده از قوای قهریه مرگبار موجه بوده است.

کمیته ویژه هیچ مدرکی برای اثبات ادعای مسلح‌بودن قربانیان ارائه نکرد. افزون بر این، با وجود آن که روایت خود را بر ادعاهای مربوط به در اختیار داشتن و استفاده از سلاح متمرکز کرده بود، حتی ادعا نکرد که کشته‌شدگان تهدیدی قریب‌الوقوع برای مرگ یا جراحت جدی ایجاد کرده بودند که استفاده از قوای قهریه مرگبار را توجیه کند؛ آستانه‌ای که بر اساس حقوق بین‌الملل در چنین مواردی اعمال می‌شود.

علاوه بر این، کمیته ویژه در گزارش خود مدعی شد که ۵۴ نفر از نیروهای امنیتی «در نتیجه خشونت گسترده اغتشاشگران و تروریست‌ها به شهادت رسیدند»، اما هیچ جزئیاتی درباره وقایع ادعایی ارائه نکرد.

عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که مرگ مأموران حکومتی نیز، مانند هر مورد مرگ دیگر، باید موضوع تحقیقات کیفری مستقل، بی‌طرفانه و مؤثر قرار گیرد. با این حال، عفو بین‌الملل در جریان تحقیقات خود درباره قتل معترضان، ناظران/رهگذران، هیچ موردی را شناسایی نکرد که در آن یک معترض یا ناظر/رهگذر در همان واقعه‌ای که یک مأمور حکومتی کشته شده، به ضرب گلوله کشته شده باشد. این امر با توجه به تلاش آشکار مقام‌ها برای استناد به مرگ مأموران حکومتی به منظور توجیه استفاده از قوای قهریه مرگبار و ایجاد ظاهری از مشروعیت برای قتل برخی معترضان اهمیت دارد و این تلاش را زیر سوال می‌برد. بر اساس حقوق بین‌الملل حقوق بشر، حمله معترضان به مأموران حکومتی می‌تواند در ارزیابی تهدیدی که نیروهای امنیتی در یک واقعه مشخص با آن مواجه بوده‌اند، مؤثر باشد. با این حال، مقام‌ها نمی‌توانند برای توجیه یا مشروع جلوه دادن کشتن معترضان، ناظران/رهگذران در وقایعی نامرتبط، به ادعاهای کلی مبنی بر کشته شدن نیروهای امنیتی در نقاط دیگر در جریان اعتراضات استناد کنند.

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، تحقیقات عمیق عفو بین‌الملل نشان داد که نیروهای امنیتی در طیف گسترده‌ای از موقعیت‌ها اقدام به تیراندازی کردند که در هیچ‌یک تهدیدی قریب‌الوقوع برای مرگ یا جراحت جدی وجود نداشت که استفاده از سلاح گرم را توجیه کند. این موارد شامل تیراندازی به سوی تجمعات مسالمت‌آمیز؛ تعقیب معترضان و ناظران/رهگذران در حال فرار و تیراندازی به سوی آن‌ها؛ استفاده از سلاح گرم در مناطق نظامی‌شده‌ای که در آن‌ها گشت‌های مسلحانه، ایست‌های بازرسی، راه‌بندان و

تعقیب خودروها جریان داشت؛ و تیراندازی به سوی تجمعاتی بود که اکثریت معترضان در آن‌ها مسالمت‌آمیز بودند، هرچند برخی اقدام به پرتاب سنگ، تخریب اموال یا آتش‌زدن لاستیک خودرو کرده بودند؛ اقداماتی که هیچ تهدید قریب‌الوقوعی برای مرگ یا جراحت جدی ایجاد نمی‌کردند.

عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که یک تجمع «مسالمت‌آمیز» تلقی می‌شود، مگر آن‌که خشونت جدی به‌وضوح و به‌طور گسترده در آن جریان داشته باشد. اعمال خشونت‌آمیز پراکنده از سوی برخی شرکت‌کنندگان برای «غیرمسالمت‌آمیز» تلقی کردن کل تجمع کافی نیست. افزون بر این، بر اساس حقوق و استانداردهای بین‌المللی، حتی اگر برخی معترضان دست به اعمال خشونت‌آمیز بزنند، نیروهای امنیتی باید اطمینان حاصل کنند افرادی که همچنان مسالمت‌آمیز رفتار می‌کنند بتوانند بدون مداخله یا ارباب ناموجه به اعتراض خود ادامه دهند. همچنین مهم است یادآوری شود که حتی هنگامی که یک معترض رفتاری غیرمسالمت‌آمیز در پیش می‌گیرد که خارج از دامنه حمایتی حق تجمع مسالمت‌آمیز قرار می‌گیرد، همچنان از سایر حقوق بشر خود، از جمله حق حیات و حق مصونیت از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، برخوردار است و این حقوق باید محترم شمرده شوند.

۵.۱.۲ کشتار در جریان متفرق کردن اعتراضات و در مناطق نظامی‌شده

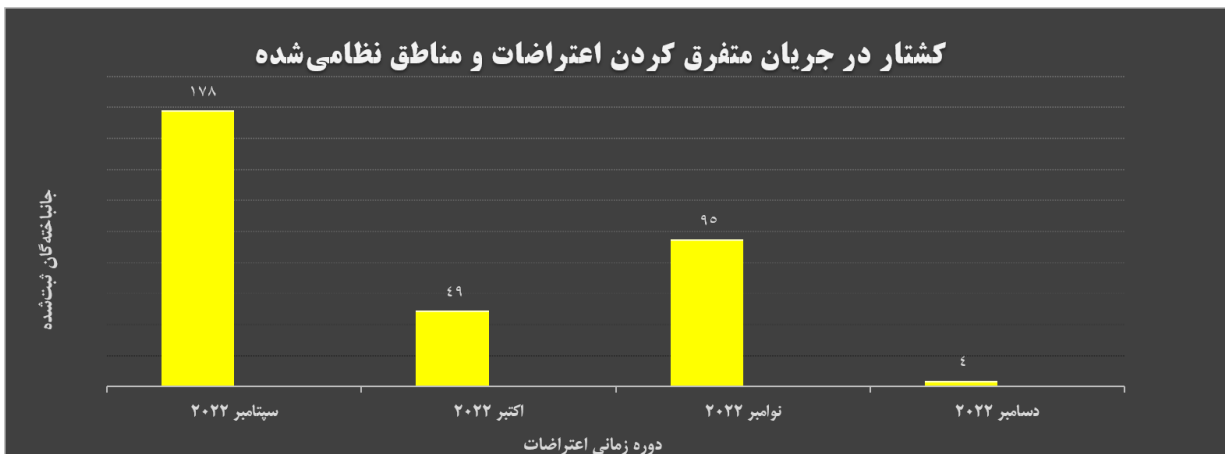
۵.۱.۲(۱) نمای کشوری

عفو بین‌الملل نام و مشخصات دست‌کم ۳۲۶ معترض، ناظر/رهگذر را مستند کرده است که نیروهای امنیتی، هنگام متفرق کردن اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی‌شده داشتند، کشته‌اند.^{۳۲} این قربانیان شامل ۲۶۴ مرد، ۱۳ زن و ۴۹ کودک، ۴۶ پسر و سه دختر، بودند.

از میان این ۳۲۶ قربانی ثبت‌شده، ۳۰۲ نفر به ضرب گلوله کشته شدند که در دست‌کم ۴۵ مورد، گلوله‌های ساچمه‌ای از فاصله نزدیک شلیک شده بود. سیزده قربانی در اثر ضرب‌وشتم نیروهای امنیتی جان باختند که یکی از آن‌ها همچنین با ضربات چاقو مجروح شده بود. پنج نفر بر اثر اصابت کپسول گاز اشک‌آور جان باختند؛ یک نفر بر اثر اصابت یک پرتابه ضربه‌ای جنبشی به سر کشته شد؛ سه نفر بر اثر عوارض ناشی از استنشاق گاز اشک‌آور جان باختند؛ یک نفر هم سوار بر موتورسیکلت، هنگامی نیروهای امنیتی به او کوبیدند و باعث شدند به زمین بیفتد، به جدول کنار خیابان برخورد کرد و دچار جراحات مرگبار از ناحیه سر شد؛ و یک نفر را هم خودرو نیروهای انتظامی عمداً زیر گرفتند.

۳۲ نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، *زندگی‌هایی که بی‌رحمانه کوتاه شدند: قربانیان جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» ایران در سال ۱۴۰۱*، (شناسه: MDE 13/1349/2026)، ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶).

از میان این ۳۲۶ قربانی، ۵۵ درصد، یعنی ۱۷۸ نفر، در دو هفته نخست اعتراضات، از ۲۸ شهریور تا ۸ مهر ۱۴۰۱ (۱۹ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) کشته شدند. این آمار نشان می‌دهد که مقام‌ها از همان آغاز، به سرعت با قوای قهریه مرگبار به اعتراضات پاسخ دادند تا فوراً آن‌ها را درهم بشکنند.



نموداری که شمار معترضان و ناظران/رهگذرانی را نشان می‌دهد که عفو بین‌الملل توانست شناسایی و ثبت کند که بین سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲ (شهریور و دی ۱۴۰۱) در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی شده به دست نیروهای امنیتی کشته شدند؛ در مجموع ۳۲۶ نفر. © عفو بین‌الملل

الگوی قتل‌ها از ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲) در استان کردستان آغاز شد؛ زمانی که این استان شاهد اعتراضاتی به مناسبت سومین روز پس از مرگ ژینا مهسا امینی در بازداشت بود. در این روز، نیروهای امنیتی چهار مرد را در دیواندره،^{۳۳} دهگلان^{۳۴} و سقز،^{۳۵} همگی در استان کردستان، به قتل رساندند.^{۳۶} روز بعد، نیروهای امنیتی دست‌کم هفت معترض و رهگذر دیگر را در قائم‌شهر در استان مازندران؛ تبریز در استان آذربایجان شرقی؛ کرمانشاه در استان کرمانشاه؛ و پیرانشهر و ارومیه، هر دو در استان آذربایجان غربی، به قتل رساندند.^{۳۷}

۳۳ بخش ۶.۴.۱ را ببینید.

۳۴ بخش ۶.۶.۱ را ببینید.

۳۵ بخش ۶.۳.۱ را ببینید.

۳۶ نام این افراد فریدون محمودی، فواد قدیمی، محسن محمدی و رضا لطفی است.

۳۷ نام این افراد عبارت است از: ابوالفضل باهو، آيسان معدن‌پسند، امیر (فرجاد) درویشی، مینو مجیدی، رضا شهرنیا، صمد برگ‌نیا و زکریا خیال.

۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲)، همزمان با گسترش اعتراضات و افزایش شمار شرکت‌کنندگان و سرایت آن به بسیاری از شهرهای سراسر کشور، نیروهای امنیتی سرکوب مرگبار خود را تشدید کردند و دست‌کم ۶۰ معترض و ناظر/رهگذر دیگر^{۳۸} را در ۳۰ شهرستان در ۱۲ استان به قتل رساندند.^{۳۹}

در طول دوره سه‌ماهه اعتراضات، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) روزی بود که بیشترین شمار شهرها شاهد کشتار بودند. بالاترین شمار کشته‌شدگان در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) ثبت شد؛ زمانی که مقام‌ها در یک شهر، زاهدان در استان سیستان و بلوچستان، دست‌کم ۸۷ معترض و رهگذر از اقلیت بلوچ تحت ستم ایران را به قتل رساندند.^{۴۰} در همین روز، یک مرد نیز در کرج در استان البرز و مرد دیگری در تهران در استان تهران کشته شدند.^{۴۱}

عفو بین‌الملل نسخه‌ای فاش‌شده از یک سند رسمی به دست آورده است که نشان می‌دهد ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲)، ستاد کل نیروهای مسلح به فرماندهان فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) در سراسر کشور دستوری مبنی بر «برخورد قاطع و جدی با هر گونه تجمع و متفرق نمودن اغتشاشگران و دستگیری و انتقال به مقرها و اخذ تعهد» صادر کرده بود.^{۴۲} این سند به روشن‌شدن زمینه تشدید استفاده از قوای قهریه مرگبار در سراسر کشور در این روز کمک می‌کند.

در اکتبر ۲۰۲۲ (۹ مهر تا ۹ آبان ۱۴۰۱)، مقام‌ها همچنان برای متفرق کردن اعتراضات ادامه‌دار از سلاح گرم و سایر انواع قوای قهریه مرگبار استفاده کردند که به کشته‌شدن دست‌کم ۴۹ معترض و رهگذر دیگر انجامید.^{۴۳} بیش از نیمی از این قتل‌های ثبت‌شده، یعنی ۲۶ مورد، در ۱۰ شهرستان واقع در سه استانی رخ داد که محل سکونت اقلیت کرد تحت ستم ایران هستند: کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی. ۲۳ قربانی دیگر در ۱۱ شهرستان در ۱۰ استان دیگر کشته شدند.^{۴۴}

۳۸ نام این افراد عبارت است از: عباس میرموسوی، عبدالله محمودپور، عبدالسلام قادر گلوان، ابوالفضل اکبری‌دوست، ابوالفضل امیرعطایی، ابوالفضل مهدی‌پور، علی مظفری، علیرضا فتحی، امین معرفت، امیرحسین شمس ناتری، امیر نوروزی، امیرحسین بساطی، انوشیروان (امیرعلی) فولادی، بهنام لایق‌پور، دانش رهنما، عرفان خزایی، عرفان رضایی، فرزین لطفی، غزاله چلابی، حدیث نجفی، حمید صانع‌پور، حنا کیا، حسینعلی کیا، ایمان محمدی، کنعان آقایی، مازیار سلمانیان، مهدی ببرزاد، مهدی موسوی‌نیکو، مهرباب دولت‌پناه، مهرداد قربانی، مهرداد عوض‌پور، میلاد زارع، میلان حقیقی، محمد فلاح، محمدحسن ترکمان، محمدحسن مروتی، محمدجواد فرمانی، محمدجواد زاهدی، محمد مهدی عسگری، محمدرسلول مومنی‌زاد، محمدرضا اسکندری، محمدرضا سروری، محمد زمانی، محمد زارعی، محسن قیصری، محسن مال‌میر، شعبان (محسن) محمدی کوچک‌سرای، محسن پازوکی، مرتضی نوروزی، نادر کوهکار، اصلا (نیما) شفق‌دوست، رحیم کلیج، روزبه خادمیان، صدرالدین لیتانی، سعید محمدی، ساسان قربانی، شیرین علیزاده، سیاوش محمودی، سینا لوح موسوی و یاسین جمال‌زاده.

۳۹ ۳۰ شهرستان عبارت‌اند از: عباس‌آباد، الوند، آمل، بابل، بهارستان، بندر انزلی، اسلام‌آباد غرب، فردیس، قرچک، گرمسار، قائم‌شهر، قوچان، همدان، ایلام، کرج، کرمانشاه، لنگرود، نوشهر، اشنویه، پاکدشت، رشت، رضوانشهر، رودسر، ساری، شهر ری، شهریار، تالش، تهران، ارومیه و زنجان. ۱۲ استان عبارت‌اند از: البرز، گیلان، همدان، ایلام، کرمانشاه، خراسان رضوی، مازندران، قزوین، سمنان، تهران، آذربایجان غربی و زنجان.

۴۰ بخش (۲) ۵.۳.۱ را ببینید.

۴۱ نام این دو نفر، به‌ترتیب، کامران شهبازی و محمدامین تکی است.

۴۲ بخش ۱۰.۱.۴ را ببینید.

۴۳ این قربانیان عبارت‌اند از: ابوالفضل آدینه‌زاده، ابوالفضل احمدپور، عادل کوچک‌زای (بریچی)، افشین آشام، احمد شکراللهی، علی فاضلی، علی روزبهانی، علی سیدی، امیرمحمد میرشکار، عارف قربان‌پور، آریین مریدی، آرمین صیادی، عزیز مرادی، داریوش علیزاده، داستان رسول، احسان خان‌محمدی، اسماعیل (سمکو) مولودی، اسماعیل شنبه‌دی، فایق ممقادی، فرشته احمدی، فریدون فرجی، هادی چاکساری، جمال عبدالناصر محمدحسینی (براهویی)، کمال فقهی، خدانور لجه‌ای، کبری شیخه، کومار درافتاده، منصور هرمزی، مسعود احمدزاده، مهدی حسینی، محمد امینی، محمد قائمی‌فرد، محمد حسینی، محمد کیوان درویشی، محمد خواجوی، محمد شریعتی، محسن موسوی، مختار احمدی، مطلب سعید پیرو، امید نارویی، پیمان منبری، رسول حدادی، سارینا ساعدی، شاهو خضری، سینا ملایری، سینا نادری، سلیمان عرب (سلمان ملکی)، یحیی رحیمی و زانیار ابوبکری.

۴۴ این مناطق عبارت‌اند از: اصفهان در استان اصفهان؛ شیراز در استان فارس؛ لشت‌نشا در استان گیلان؛ مشهد در استان خراسان رضوی؛ دزفول در استان خوزستان؛ اراک در استان مرکزی؛ آمل در استان مازندران؛ زاهدان در استان سیستان و بلوچستان؛ تهران در استان تهران؛ و زنجان در استان زنجان.

در نوامبر ۲۰۲۲ (۱۰ آبان تا ۹ آذر ۱۴۰۱)، اعتراضات در سراسر کشور شدت گرفت، به‌ویژه بین ۲۴ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ تا ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲)، زمانی که معترضان سالگرد اعتراضات سراسری سال ۱۳۹۸ را گرامی داشتند. مقام‌ها استفاده از قوای قهریه مرگبار را تشدید کردند و دست‌کم ۹۵ معترض، ناظر و رهگذر را به قتل رساندند.^{۴۵} بار دیگر، معترضان و رهگذران متعلق به اقلیت کُرد تحت ستم ایران در استان‌های کُردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی از جمله گروه‌هایی بودند که بیشترین آسیب را متحمل شدند؛ دست‌کم ۴۷ قربانی در ۱۱ شهرستان این استان‌ها ثبت شدند.^{۴۶} ۴۸ قربانی دیگر در ۱۷ شهرستان در ۱۱ استان دیگر کشته شدند.^{۴۷}

عفو بین‌الملل همچنین الگویی از تیراندازی‌های غیرقانونی را در ۸ آذر ۱۴۰۱ (۲۹ نوامبر ۲۰۲۲) ثبت کرد که معترضانی را هدف قرار می‌داد که در بحبوحه تلاش مقام‌ها برای استفاده از ورزش به منظور منحرف کردن توجه افکار عمومی از سرکوب خیزش، شکست تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی را جشن گرفته بودند. در بندر انزلی در استان گیلان، یک مرد پس از آن‌که برای ابراز همبستگی با معترضانی که شکست تیم ملی را جشن گرفته بودند بوق خودروی خود را به صدا درآورد، به ضرب گلوله کشته شد.^{۴۸}

از اوایل دسامبر ۲۰۲۲ (۱۰ آذر ۱۴۰۱) به بعد، در پی ایجاد فضای نظامی‌شده در سراسر کشور، چندین موج خشونت ویرانگر از سوی عوامل حکومتی و بازداشت خودسرانه گسترده ده‌ها هزار معترض، اعتراضات رو به فروکش گذاشت. افزون بر این، اعدام خودسرانه محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد در ارتباط با اعتراضات، به‌ترتیب در ۱۷ و ۲۱ آذر ۱۴۰۱ (۸ و ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲)، بر وحشت و آسیب روانی گسترده موجود افزود.^{۴۹} با این حال، اعتراضات در مقیاس کوچک‌تر، اعتصاب‌ها، تعطیلی موقت مغازه‌ها، تحصن‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها و دیگر اشکال مقاومت، از جمله سرپیچی علنی از قوانین حجاب اجباری، ادامه یافت. عفو بین‌الملل کشته‌شدن دست‌کم چهار قربانی دیگر^{۵۰} را در دسامبر ۲۰۲۲، هنگام متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات یا در مناطق

۴۵ قربانیان عبارت‌اند از: عباس شفیعی، عبدالملک شه‌نوازی (کمال‌خان‌زهی)، عبدالرحمن بختیاری، علی عباسی، علی عراقی، علی کُرد کلاه‌وری (مرادزهی)، علی مولایی، علیرضا کریمی، امیر فراستی‌شاد، امیررضا همت‌آزاد، امجد عنایتی، آرام حبیبی، اردلان قاسمی، آرمان عمادی، آرتین رحمانی، اسعد رحیمی، اصغر آقایی، اصغر هژیر لطف، اشرف نیکبخت، آسو قادری، آوات قادرپور، آزاد حسین‌پوری، عظیم محمودزهی، بهاء‌الدین ویسی، برهان کرمی، دانیال پابندی، ابراهیم شریفی، عرفان کاکایی، عرفان زمانی، اسماعیل گلاتیر، فرهاد خسروی، فواد محمدی، فواد سواری، غفور مولودی، حبیب‌الله فتحی، حامد مولایی، حامد صدیقی، حمیدرضا شریعتی، حمیدرضا روحی، هزارام‌خسروی، هیوا جان‌جان، حسین عبدیناه، حسین شیرازی‌پور، عیسی بیگلری، جلال قربانی، جمال اعظمی، جواد موسوی، جواد رضایی، جوهر فتاحی، کامبیز ریگی، کاروان قادر شکاری، خالق (کمال) احمدپور، کیان پیرفلک، کمیل امیرخانلو، مسعود تیموری، مهدی حضرتی، مهدی صالحی‌پور، مهدی زارع، مهران بصیر توانا، مهران رحمانی، مهران سماک، مهران شکاری، میلاد معروفی، میلاد سعیدیان‌جو، مبین میرکازهی (میربلوچ‌زهی)، محمد احمدی گاکش، محمدامین (شمال) خدی‌پور، محمدآریان خوشگوار، محمد شه‌بخش (میربلوچ‌زهی)، محسن نیازی، مومن زندکریمی، مراد بهرامیان، مسلم هوشنگی، مصطفی شعبانی، نیما نوری فامور، امید مویدی، رحیم‌داد (عبدالله) شهلای‌پر، رضا کاظمی، صادق آرامش (براهویی)، سعید سهراب‌زهی، سجاد قائمی بهمن‌بیگلو، سالار مجاور، سامی هاشم‌زهی، سپهر اعظمی، سپهر بیرانوند، سپهر مقصودی، شاهو بهمنی، شهریار محمدی، سلیمان شکاری، سلیمان (شورش) نیکنام، طاهر عزیزی، تحسین میری، یاسر بهادرزهی، یونس میربلوچ‌زهی (سلحشوران) و زانیار الله‌مرادی.

۴۶ ۱۱ شهرستان عبارت‌اند از: بانه، بوکان، دهگلان، دیواندره، جوانرود، کامیاران، کرمانشاه، مهاباد، پیرانشهر، سنندج و سقز. ۱۰ استان عبارت‌اند از اصفهان، فارس، گیلان، خراسان رضوی، خوزستان، مرکزی، مازندران، سیستان و بلوچستان، تهران و زنجان.

۴۷ ۱۷ شهرستان عبارت‌اند از: اراک، بندر انزلی، اصفهان، ایذه، کرج، خاش، خرم‌آباد، لاهیجان، مرودشت، پارس‌جان، قشم، سمیرم، شیراز، صومعه‌سرا، تبریز، تهران و زاهدان. ۱۱ استان عبارت‌اند از: البرز، آذربایجان شرقی، اصفهان، فارس، گیلان، هرمزگان، خوزستان، لرستان، مرکزی، سیستان و بلوچستان و تهران.

۴۸ نام این قربانی مهران سماک است.

۴۹ عفو بین‌الملل، «ایران: اعدام علنی مجیدرضا رهنورد، قتل‌های انتقام‌جویانه مقام‌ها را آشکار می‌کند»، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۲، عفو بین‌الملل، «ایران: اعدام هولناک معترض جوان، قساوت مقام‌ها و خطر خون‌ریزی بیشتر را آشکار می‌کند»، ۸ دسامبر ۲۰۲۲.

۵۰ قربانیان عبارت‌اند از: علیرضا خوشکار بیاتی، امیرحسین مصدق شریف‌پور، برهان الیاسی و هومن عبداللهی.

نظامی‌شده، ثبت کرد: یک نفر در سنج در استان کردستان؛ یک نفر در جواهرود در استان کرمانشاه؛ یک نفر در بجنورد در استان خراسان شمالی؛ و یک نفر در تهران در استان تهران.

در میان افرادی که در مناطق نظامی‌شده کشته شدند، عفو بین‌الملل پرونده ۱۵ قربانی را مستند کرده است که نیروهای امنیتی عمداً به خودروهایشان شلیک کردند، در حالی که آن‌ها می‌کوشیدند از نیروهای امنیتی ارباب‌کننده دور شوند. در برخی موارد، نیروهای امنیتی به خودروهایی که پس از صدور دستور توقف نایستاده بودند شلیک کردند و در مواردی دیگر، رانندگانی را هدف قرار دادند که به نظر می‌رسید با دیدن نیروهای امنیتی با سرعت زیاد رانندگی می‌کردند. قربانی دیگری به نام **اردلان قاسمی** هنگامی که در حال نوشتن شعارهای سیاسی روی دیوارها بود به‌طور مرگبار هدف قرار گرفت و **محمدآریان خوشگوار**، ۱۷ ساله، نیز هنگام عبور پیاده از یک منطقه نظامی‌شده هدف قرار گرفت.

دو قربانی دیگر، **محمد جامه‌بزرگ^{۵۱}** و **علیرضا حسینی^{۵۲}**، به‌ترتیب در جریان یورش‌های خشونت‌آمیز به خانه و محل کارشان کشته شدند.

قتل‌ها در مناطق نظامی‌شده در نقاط مختلفی رخ داد، از جمله محله‌های مسکونی نزدیک مناطقی که اعتراضات در آن‌ها برگزار می‌شد و همچنین میدان‌ها و بلوارهای مرکزی که در طول دوره سه‌ماهه اعتراضات، به‌طور مکرر محل برگزاری اعتراضات بودند. ساکنان در روایت‌های همخوان به عفو بین‌الملل گفتند که مقام‌ها با حضور نظامی‌شده مأموران می‌کوشیدند در میان مردم هراس ایجاد کنند، کنترل خود را حفظ کنند، رفت‌وآمد افراد را زیر نظر بگیرند و مردم را از خروج از خانه یا سفر از شهرها و روستاهای اطراف به شهرهای مرکزی برای پیوستن به اعتراضات بازدارند.

عفو بین‌الملل درباره ۲۳۳ نفر از ۳۲۶ قربانی که کشته‌شدن آن‌ها به دست نیروهای امنیتی هنگام متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی‌شده را ثبت کرده است، توانست تحقیقات لازم را انجام دهد و اطلاعات کافی برای پشتیبانی از این نتیجه‌گیری حقوقی گردآوری کند که کشتن آن‌ها غیرقانونی بوده است.^{۵۳} به این معنا که نیروهای امنیتی نه برای مقابله با تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی، بلکه برای متفرق کردن، ارباب یا مجازات قربانیان و ایجاد فضای رعب و وحشت از طریق حضور نظامی‌شده، از سلاح گرم یا دیگر انواع قوای قهریه مرگبار علیه آن‌ها استفاده کردند.

عفو بین‌الملل با توجه به الگوهای به‌خوبی مستندشده استفاده غیرقانونی از سلاح گرم علیه معترضان در سراسر کشور، بسیار محتمل می‌داند که تحقیقات بیشتر و دسترسی به شواهد تأیید کند که قتل ۹۳ قربانی دیگر که کشته‌شدن آن‌ها هنگام متفرق

۵۱ بخش ۱۱.۳.۳ را ببینید.

۵۲ سازمان حقوق بشری کردپا، «تهران؛ سید علیرضا حسینی بر اثر شلیک نیروهای یگان ویژه جان خود را از دست داد»، ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲.

۵۳ کشتن غیرقانونی معادل فارسی اصطلاح حقوقی unlawful killing است. در حقوق بین‌الملل، این اصطلاح برای اشاره به مواردی به کار می‌رود که افراد در نتیجه استفاده غیرقانونی نیروهای امنیتی از قوای قهریه، از جمله به‌کارگیری غیرضروری یا نامتناسب قوای قهریه، جان خود را از دست داده‌اند. مطابق حقوق بین‌الملل، استفاده از قوای قهریه مرگبار تنها زمانی مجاز است که برای دفع تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت شدید کاملاً اجتناب‌ناپذیر باشد. برای اطلاعات بیشتر درباره قوانین بین‌المللی در این زمینه به فصل ۴ گزارش رجوع کنید.

کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی شده ثبت شده است، نیز غیرقانونی بوده است. گزارش‌های معتبر منتشرشده از سوی دیگر سازمان‌های حقوق بشری و رسانه‌ها درباره بسیاری از این قتل‌ها نیز از این ارزیابی پشتیبانی می‌کنند.

۵.۱.۲(۲) استان سیستان و بلوچستان

عفو بین‌الملل نام ۱۰۶ معترض، ناظر و رهگذر بلوچ را ثبت کرده است که در استان سیستان و بلوچستان، هنگام متفرق کردن اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی شده داشتند، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. این قربانیان شامل ۸۳ مرد، سه زن و ۲۰ کودک، ۱۹ پسر و یک دختر، بودند. این قربانیان بلوچ ۳۳ درصد از کل موارد مرگ ثبت‌شده را تشکیل می‌دهند.



مجموعه‌ای از تصاویر ۶۵ مرد، زن و کودک بلوچ که بین شهریور و دی ۱۴۰۱ (سیپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، در جریان متفرق کردن اعتراضات یا در مناطق نظامی‌شده، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. عفو بین‌الملل برای ۴۱ نفر از ۱۰۶ قربانی بلوچ ثبت‌شده نتوانست عکسی پیدا کند. © منابع خصوصی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

از میان این ۱۰۶ قربانی بلوچ ثبت شده، ۸۷ نفر، ۶۹ مرد، سه زن، ۱۴ پسر و یک دختر، در جریان یک مورد سرکوب مرگبار اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز پس از نماز جمعه در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در زاهدان، به دست نیروهای امنیتی به قتل رسیدند. ایرانیان اکنون از این روز با عنوان «جمعه خونین» یاد می‌کنند.^{۵۴}

در این روز، پس از نماز جمعه در مصلای بزرگ زاهدان، محل بزرگ برگزاری نماز در نزدیکی مسجد اصلی شهر، گروهی از مردم مقابل کلانتری واقع در آن سوی خیابان تجمع کردند تا اعتراض کنند و شعار بدهند. نیروهای امنیتی در واکنش، از بام کلانتری به سوی آن‌ها گلوله جنگی، ساچمه‌های فلزی و گاز اشک‌آور شلیک کردند. همزمان، نیروهای امنیتی لباس شخصی نیز از پشت‌بام چند خانه در نزدیکی محل، به سوی معترضان و رهگذران تیراندازی کردند. نیروهای امنیتی به‌طور غیرقانونی با تفنگ‌های تهاجمی، تفنگ‌های ساچمه‌ای پر شده با ساچمه‌های فلزی و گاز اشک‌آور مستقیماً به محدوده محل برگزاری نماز شلیک کردند؛ جایی که صدها نفر، از جمله کودکان و سالمندان، همچنان مشغول اقامه نماز جمعه بودند.

^{۵۴} عفو بین‌الملل، «ایران: دست‌کم ۸۲ معترض و رهگذر بلوچ در سرکوب خونین کشته شدند»، ۶ اکتبر ۲۰۲۲. عفو بین‌الملل پس از انجام تحقیقات بیشتر توانست قربانیان دیگری را نیز شناسایی کند. این به‌روزرسانی در متنی که در وبسایت عفو بین‌الملل بالای بیانیه مطبوعاتی آمده، منعکس شده است.



یکی از نیروهای امنیتی مستقر بر بام یک کلانتری در حال شلیک گلوله جنگی به سوی معترضان و رهگذران بلوچ در نزدیکی مصلای بزرگ زاهدان در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲). © منبع خصوصی.

۸۴ نفر، ۶۹ مرد، ۱۴ پسر و یک زن، در نتیجه شلیک غیرقانونی گلوله‌های جنگی نیروهای امنیتی به معترضان، رهگذران و نمازگزاران، دچار جراحات مرگبار شدند. دو زن دیگر در نتیجه عوارض تنفسی ناشی از گاز اشک‌آوری جان خود را از دست دادند که نیروهای امنیتی به‌طور غیرقانونی در فضایی بسته در بخش زنان محل برگزاری نماز شلیک کردند^{۵۵} و یک دختر شش‌ساله نیز در نتیجه اصابت کپسول گاز اشک‌آور به سرش کشته شد.^{۵۶}

پس از «جمعه خونین»، نیروهای امنیتی در خیابان‌ها گشت‌زنی کردند و بالگردها بر فراز شهر به پرواز درآمدند. در ۹ و ۱۰ مهر ۱۴۰۱ (۱ و ۲ اکتبر ۲۰۲۲)، دست‌کم پنج مرد دیگر به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شدند، بیشتر این قتل‌ها در ارتباط با ناآرامی‌ها در مناطق کریم‌آباد و شیرآباد زاهدان رخ داد.

در اعتراضات دیگری که پس از نماز جمعه در روزهای ۲۲ و ۲۹ مهر و ۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۴، ۲۱ و ۲۸ اکتبر ۲۰۲۲) در زاهدان برگزار شد، نیروهای امنیتی گلوله جنگی و همچنین ساچمه‌های فلزی شلیک کردند. ۲۹ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ اکتبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی

۵۵ نام این قربانیان جان‌بی‌بی نارویی و زلیخا ترزی است.

۵۶ نام این قربانی هستی نارویی است.

مستقر بر پشت‌بام چند ساختمان اطراف مسجد مرکزی زاهدان برای سرکوب اعتراضات گلوله جنگی شلیک کردند. در این روز، دست‌کم چهار نفر در نتیجه اصابت این گلوله‌ها مجروح شدند.

۶ آبان ۱۴۰۱ (۲۸ اکتبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی دست‌کم دو کودک، **امید نارویی**، ۱۶ ساله، و **عادل کوچک‌زایی (بریچی)**، ۱۴ ساله، را به قتل رساندند و شمار زیادی دیگر را مجروح کردند. مجروحان شامل یک پسر هشت‌ساله بودند که در نتیجه اصابت گلوله به شکم به شدت مجروح شد و یک پسر ۱۷ ساله که در نتیجه اصابت ساچمه‌های فلزی از ناحیه چشم چپ آسیب دید. عفو بین‌الملل تصویری از عکس‌برداری با اشعه ایکس به دست آورده است که ساچمه‌های فلزی باقی‌مانده در صورت این پسر را نشان می‌دهد.

افزون بر این، در جریان اعتراضات دیگری که پس از نماز جمعه در ۱۳ آبان ۱۴۰۱ (۴ نوامبر ۲۰۲۲) در زاهدان برگزار شد، یک مرد به ضرب گلوله به قتل رسید.

پس از وقایع مرگبار ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در زاهدان، نیروهای امنیتی با اعتراضات هفتگی روزهای جمعه در دیگر شهرهای استان سیستان و بلوچستان نیز با استفاده غیرقانونی از سلاح گرم مقابله کردند. ۱۵ مهر ۱۴۰۱ (۷ اکتبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی در تفتان برای سرکوب مراسم سوگواری سامر هاشم‌زهی، پسر ۱۶ ساله‌ای که در جریان کشتارهای جمعی ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در زاهدان کشته شده بود، بارها با سلاح‌های جنگی تیر هوایی شلیک کردند.

۲۹ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ اکتبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی برای سرکوب اعتراضات در ایرانشهر به‌طور غیرقانونی ساچمه‌های فلزی شلیک کردند که باعث مجروح شدن چندین معترض و رهگذر شد.

۶ آبان ۱۴۰۱ (۲۸ اکتبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی در سراوان مأمورانی را بر روی تپه‌ای در شهر که به «الله‌اکبر» معروف است مستقر کردند و از آن‌جا سلاح‌های جنگی تیر هوایی شلیک کردند. الگوهای مشابهی از شلیک تیر هوایی نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات روز جمعه ۱۳ آبان ۱۴۰۱ (۴ نوامبر ۲۰۲۲) در ایرانشهر، سراوان، راسک، سیب و سوران و سرباز نیز گزارش شد.

در شهر خاش، ۱۱ قربانی بلوچ، ۹ مرد و دو کودک پسر، در جریان سرکوب معترضان عمدتاً مسالمت‌آمیز پس از نماز جمعه در ۱۳ آبان ۱۴۰۱ (۴ نوامبر ۲۰۲۲)، به ضرب گلوله نیروهای امنیتی به قتل رسیدند.^{۵۷} در این روز، حدود ساعت یک بعدازظهر، مردم پس از خروج از نماز جمعه در مسجد الخلیل و دیگر مساجد، در حالی که شعار می‌دادند به سوی محوطه مقابل فرمانداری خاش حرکت کردند. نیروهای امنیتی یونیفرم‌پوش مستقر بر بام ساختمان فرمانداری خاش تیراندازی با سلاح جنگی به سمت آن‌ها را شروع کردند. همزمان، نیروهای امنیتی از داخل وانت‌های متعلق به نیروهای امنیتی مستقر در خیابان‌های اطراف مسجد الخلیل نیز به سمت معترضان و رهگذران گلوله جنگی شلیک کردند. برخی معترضان به مناطق اطراف پراکنده شدند، در حالی که برخی دیگر به

^{۵۷} عفو بین‌الملل، «ایران: برای توقف کشتار جمعی معترضان بلوچ به اقدام فوری بین‌المللی نیاز است»، ۱۱ نوامبر ۲۰۲۲. بر اساس کانال رسمی تلگرام مسجد الخلیل و امام جمعه آن، مولانا محمدعثمان قلندرزهی، دست‌کم ۱۸ نفر در ۱۳ آبان ۱۴۰۱ (۴ نوامبر ۲۰۲۲) در خاش کشته شدند. با این حال، عفو بین‌الملل با وجود تلاش‌های خود تنها توانست نام ۱۱ قربانی را به دست آورد.

اعتراض مقابل فرمانداری ادامه دادند و اقلیتی از آن‌ها، پس از آن‌که نیروهای امنیتی به سمت‌شان تیراندازی کردند، به سمت ساختمان سنگ پرتاب کردند. نمازگزارانی که در حال خروج از مسجد الخلیل بودند و در اعتراضات شرکت نداشتند نیز در این سرکوب گرفتار شدند.

بر اساس یافته‌های عفو بین‌الملل، در میان کشته‌شدگان یک پسر ۱۴ ساله به نام **مبین میرکازه‌هی** بود که پس از نماز جمعه، در حالی که از مسجد به سوی خانه می‌رفت، از ناحیه سر هدف گلوله قرار گرفت. کودک دیگری، **یاسر بهادرزهی**، پسر ۱۷ ساله دارای معلولیت، نیز به ضرب گلوله کشته شد و پیکر رهاشده‌اش در ۱۴ آبان ۱۴۰۱ (۵ نوامبر ۲۰۲۲) در نزدیکی فرمانداری پیدا شد.

۵.۱.۲(۳) استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی

پس از معترضان، ناظران/رهگذران بلوچ در استان سیستان و بلوچستان، معترضان و ناظران/رهگذران کُرد در استان‌های کُردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی بیشترین آسیب را متحمل شدند؛ دست‌کم ۹۵ نفر از آن‌ها بین شهریور تا دی‌ماه ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، هنگام متفرق کردن اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی شده داشتند، به دست نیروهای امنیتی به قتل رسیدند. این قربانیان شامل ۷۹ مرد، سه زن و ۱۳ کودک، ۱۲ پسر و یک دختر بودند. این قربانیان کُرد ۲۹ درصد از کل موارد مرگ ثبت‌شده را تشکیل می‌دهند؛ امری که تاثیر نامتناسب سرکوب مرگبار بر این جامعه تحت آزار و تعقیب را نشان می‌دهد.

از میان این ۹۵ قربانی ثبت‌شده، ۹۰ نفر به ضرب گلوله کشته شدند و مرگ دست‌کم ۲۲ نفر از آنان نتیجه اصابت ساچمه‌ای فلزی بود.^{۵۸} سه قربانی دیگر، همگی از استان کُردستان، در نتیجه ضرب‌وشتم نیروهای امنیتی جان باختند؛ یکی از آن‌ها همچنین با ضربات چاقو مجروح شده بود.^{۵۹} قربانی دیگری در ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲)، هنگام فرار از سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات در سنندج، در نتیجه اصابت کپسول‌های گاز اشک‌آور جان باخت.^{۶۰} قربانی دیگری نیز در ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲) در سقز، در حالی که با صدای بلند به استفاده نیروهای امنیتی از تفنگ‌های ساچمه‌ای و گاز اشک‌آور علیه معترضان، ناظران و رهگذران اعتراض می‌کرد را خودروی یگان ویژه فراجا عمداً زیر گرفت.^{۶۱}

از میان این ۹۵ قربانی، عفو بین‌الملل ۱۶ مورد را شناسایی کرد که قربانیان در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی شده داشتند، به قتل رسیدند. از این ۱۶ قربانی، ۱۲ نفر پس از آن کشته شدند که نیروهای امنیتی عمداً به خودروهای آن‌ها در حالی که می‌کوشیدند از نیروهای

۵۸ نام این ۲۲ قربانی عبارت است از: اسعد رحیمی، ابراهیم شریفی، امیر (فرجاد) درویشی، فریدون محمودی، فواد سواری، هزار مام‌خسروی، حسین عبدپناه، هومن عبداللهی، کومار درافتاده، میلاد معروفی، مینو مجیدی، محمدامین (شمال) خدیری‌پور، مومن زندکری، مصطفی شعبانی، رضا شهرنیا، صمد برگی‌نیا، سلیمان شکری، زانبار الله‌مرادی، عبدالرحمن بختیاری، دانیال پابندی، فایق مام‌قادی و یحیی رحیمی.

۵۹ نام این قربانیان سارینا ساعدی، محمد کیوان درویشی و محمدآریان خوشگوار است.

۶۰ نام این قربانی محمد شریعتی است.

۶۱ نام این قربانی محمد حسینی است.

امنیتی ارباب‌کننده دور شوند، شلیک کردند.^{۶۲} شرایط مرگ چهار قربانی دیگر چنین بود: **اردلان قاسمی** هنگام نوشتن شعارنویسی سیاسی روی دیوار هدف تیراندازی مرگبار قرار گرفت؛ **محمدآریان خوشگوار**، ۱۷ ساله، در حالی که صرفاً در حال عبور پیاده از یک منطقه نظامی شده بود، مورد ضرب و شتم قرار گرفت و با چاقو مجروح شد؛ **رضا کاظمی**، ۱۶ ساله، هنگامی که همراه دوستانش در حال سفر بود، پس از آن‌که نیروهای امنیتی در یک ایست بازرسی او را متوقف کردند، هدف گلوله قرار گرفت؛ و **داستان رسول** هنگامی که برای شرکت در مراسم یادبود یکی از بستگانش که روز قبل به ضرب گلوله کشته شده بود، پای پیاده از یک گذرگاه مرزی غیررسمی اما پرکاربرد میان ایران و عراق در نزدیکی روستای چومان در شهرستان بانه عبور می‌کرد، هدف گلوله قرار گرفت.

سقز، زادگاه ژینا مهسا امینی در استان کردستان، و سنندج، مرکز این استان، در ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲)، همزمان با خاکسپاری ژینا مهسا امینی، شاهد اعتراضات گسترده بودند. الگوی کشتار از ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲) در استان کردستان آغاز شد؛ روزی که اعتراضاتی به مناسبت سومین روز پس از جان‌باختن ژینا مهسا امینی در بازداشت برگزار شد. در این روز، نیروهای امنیتی چهار مرد را در دیواندره،^{۶۳} دهگلان^{۶۴} و سقز^{۶۵} همگی در استان کردستان، به ضرب گلوله به قتل رساندند.

با گسترش اعتراضات در ۲۹ و ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۰ و ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) و سرایت آن به شهرهای دیگر، نیروهای امنیتی سرکوب را تشدید کردند و ۱۶ معترض، ناظر و رهگذر دیگر، شامل ۱۰ مرد، یک زن و پنج پسر را به قتل رساندند. سه نفر از این ۱۶ قربانی در کرمانشاه،^{۶۶} سه نفر در اسلام‌آباد غرب،^{۶۷} هر دو در استان کرمانشاه؛ چهار نفر در اشنویه،^{۶۸} و در هر یک از شهرهای بالو،^{۶۹} پیرانشهر^{۷۰} و ارومیه^{۷۱} همگی در استان آذربایجان غربی، دو نفر کشته شدند. بیشتر این قتل‌ها، یعنی ۱۱ مورد، در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) رخ داد.

پس از سرکوب مرگبار اولیه در روزهای نخست اعتراضات، بین ۲۸ تا ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۱۹ تا ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲)، شمار قتل‌ها در سه دوره مشخص به اوج رسید: ۱۶ تا ۲۰ مهر (۸ تا ۱۲ اکتبر)، ۴ تا ۶ آبان (۲۶ تا ۲۸ اکتبر) و ۲۴ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ تا ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲). ۶۸ نفر از ۹۵ قربانی ثبت‌شده، در این دوره‌ها دچار جراحات مرگبار شدند. سایر قربانیان در چارچوب سرکوب

۶۲ نام این قربانیان عبارت است از: عبدالرحمن بختیاری، امجد عنایتی، آسو قادری، آوات قادرپور، بهاء‌الدین ویسی، دانیال پابندی، فرهاد خسروی، فایق مام‌قادری، هیوا جان‌جان، مطلب سعید پیرو، شهریار محمدی و یحیی رحیمی.

۶۳ بخش ۶.۴.۱ را ببینید.

۶۴ بخش ۶.۶.۱ را ببینید.

۶۵ بخش ۶.۳.۱ را ببینید.

۶۶ بخش ۷.۲.۱ را ببینید.

۶۷ بخش ۷.۴ را ببینید.

۶۸ بخش ۸.۵.۱ را ببینید.

۶۹ بخش ۸.۶.۱ را ببینید.

۷۰ بخش ۸.۴.۱ را ببینید.

۷۱ بخش ۸.۶.۱ را ببینید.

اعتراضات پراکنده‌ای کشته شدند که در روزهای دیگر طی دوره سه‌ماهه اعتراضات، از شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) برگزار شد.

بین ۱۶ تا ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۸ تا ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲)، همزمان با صدور فراخوان‌های هماهنگ برای برگزاری اعتراضات سراسری از سوی چندین گروه فعال، از جمله گروه‌هایی از اقلیت کُرد تحت ستم ایران، اعتراضات شدت گرفت.^{۷۲} عفو بین‌الملل کشته‌شدن ۱۰ معترض و رهگذر، شامل ۹ مرد و یک پسر، را در این دوره ثبت کرد. پنج نفر از این ۱۰ قربانی در سنندج در استان کردستان،^{۷۳} دو نفر در کرمانشاه در استان کرمانشاه،^{۷۴} و یک نفر در هر یک از ثلاث باباجانی در استان کرمانشاه،^{۷۵} بوکان در استان آذربایجان غربی^{۷۶} و سقز در استان کردستان^{۷۷} کشته شدند.

موج دیگری از اعتراضات گسترده بین ۴ تا ۶ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۲۲)، به مناسبت چهلمین روز پس از جان‌باختن ژینا مهسا امینی در بازداشت شکل گرفت.^{۷۸} در برخی شهرها مانند پیرانشهر^{۷۹} و کرمانشاه،^{۸۰} اعتراضات همچنین در جریان مراسم چهلم قربانیانی آغاز شد که در روزهای نخست اعتراضات در شهریور و مهر ۱۴۰۱ سپتامبر ۲۰۲۲ به قتل رسیده بودند. در شهرهای دیگری مانند مهاباد،^{۸۱} مراسم تشییع یک یا چند معترض که در آغاز دوره اوج اعتراضات کشته شده بودند، به اعتراضات گسترده با مشارکت هزاران نفر تبدیل شد.

عفو بین‌الملل برای دوره ۴ تا ۶ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ تا ۲۸ اکتبر ۲۰۲۲)، کشته‌شدن ۱۳ معترض و رهگذر در استان‌های کُردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی را ثبت کرد که شامل ۱۰ مرد، دو زن و یک کودک دختر بودند. شش قربانی در مهاباد در استان

۷۲ کردستان مدیا، «پشتیبانی مرکز همکاری احزاب کوردستان از فراخوان اعتراضات روز ۲۰ مهر در سرتاسر ایران»، ۱۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲)؛ کردستان مدیا، «فراخوان کمیته‌ی سراسری دانشجویان کوردستان جهت هماهنگی اعتراضات دانشجویی و دانش‌آموزی»، ۱۴ مهر ۱۴۰۱ (۶ اکتبر ۲۰۲۲)؛ ایندپندنت فارسی، «جوانان محلات تهران: شبیه از ساعت ۱۲ خیابان‌ها را به تسخیر در می‌آوریم»، ۱۴ مهر ۱۴۰۱ (۶ اکتبر ۲۰۲۲)؛ رادیو بین‌المللی فرانسه، «دانشگاه صنعتی شریف فراخوانی را برای برگزاری یک تجمع اعتراضی صادر کرد»، ۱۴ مهر ۱۴۰۱ (۶ اکتبر ۲۰۲۲).

۷۳ بخش ۶.۲.۱ را ببینید.

۷۴ بخش ۷.۲.۲ را ببینید.

۷۵ بخش ۷.۵.۱ را ببینید.

۷۶ بخش ۸.۲.۱ را ببینید.

۷۷ بخش ۶.۲.۲ را ببینید.

۷۸ در آیین‌های سوگواری در ایران، روز سوم، روز هفتم و روز چهلم پس از درگذشت فرد اهمیت دارند و با برگزاری مراسم یادبود گرامی داشته می‌شوند.

۷۹ بخش ۸.۴.۲ را ببینید.

۸۰ بخش ۷.۲.۲ را ببینید.

۸۱ برای نمونه، مراسم تشییع اسماعیل (سیمکو) مولودی در بخش ۸.۳.۲ و آزاد حسین‌پوری در بخش ۸.۳.۳ را ببینید.

آذربایجان غربی،^{۸۲} سه نفر در سنندج،^{۸۳} دو نفر در بانه،^{۸۴} و یک نفر در روستای چومان در نزدیکی بانه، هر سه در استان کردستان^{۸۵} و یک نفر در قصر شیرین در استان کرمانشاه^{۸۶} کشته شدند.

بین ۲۴ تا ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ تا ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲)، اعتراضات بار دیگر به مناسبت سومین سالگرد کشتار صدها معترض، ناظر و رهگذر در جریان اعتراضات سراسری ۲۳ تا ۲۸ آبان ۱۳۹۸ (۱۴ تا ۱۹ نوامبر ۲۰۱۹) به اوج رسید. همانند دوره‌های پیشین، در برخی شهرها از جمله سنندج، مراسم چهلم قربانیانی که در اوایل مهر ۱۴۰۱، (اکتبر ۲۰۲۲) به‌طور غیرقانونی کشته شده بودند نیز به شدت گرفتن اعتراضات دامن زد. افزون بر این، در برخی شهرها مانند جواهرود، مراسم تشییع افرادی که در آغاز این دوره اخیر کشته شده بودند، به‌سرعت به اعتراضات گسترده تبدیل شد.

عفو بین‌الملل کشته‌شدن ۴۵ نفر، شامل ۴۰ مرد و پنج کودک پسر، را در این دوره ثبت کرد. در استان آذربایجان غربی، ۱۲ نفر در بوکان،^{۸۷} شش نفر در مهاباد^{۸۸} و چهار نفر در پیرانشهر^{۸۹} کشته شدند. در استان کرمانشاه، هفت نفر در جواهرود کشته شدند.^{۹۰} در استان کردستان نیز هفت نفر در سنندج، سه نفر در کامیاران،^{۹۱} دو نفر در دیواندره،^{۹۲} دو نفر در سقز،^{۹۳} و یک نفر در هر یک از شهرهای بانه^{۹۴} و دهگلان^{۹۵} کشته شدند.

در برخی شهرها، از جمله سنندج، بین ۱۴ تا ۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۵ تا ۷ دسامبر ۲۰۲۲)، در پی فراخوان گروه‌های کنشگر برای اعتراضات سراسری، اعتراضات بار دیگر شدت گرفت. ۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۷ دسامبر ۲۰۲۲) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا روز دانشجو در ایران است و سالگرد کشته‌شدن سه دانشجوی دانشگاه به دست پلیس ایران در سال ۱۳۳۲ (۱۹۵۳) را گرامی می‌دارد. در این روز، نیروهای امنیتی در جریان سرکوب اعتراضات در سنندج، مرد دیگری را به قتل رساندند.^{۹۶}

۸۲ بخش ۸.۳.۲ را ببینید.

۸۳ بخش ۶.۲.۲ را ببینید.

۸۴ بخش ۶.۵.۲ را ببینید.

۸۵ بخش ۶.۵.۲ را ببینید.

۸۶ بخش ۷.۶.۱ را ببینید.

۸۷ بخش ۸.۲.۲ را ببینید.

۸۸ بخش ۸.۳.۳ را ببینید.

۸۹ بخش ۸.۴.۳ را ببینید.

۹۰ بخش ۷.۳.۲ را ببینید.

۹۱ بخش ۵.۷ را ببینید.

۹۲ بخش ۶.۴.۲ را ببینید.

۹۳ بخش ۶.۳.۳ را ببینید.

۹۴ نام این قربانی فریدون فرجی است.

۹۵ بخش ۶.۲.۲ را ببینید.

۹۶ بخش ۶.۲.۵ را ببینید.

۱۰ دی ۱۴۰۱ (۳۱ دسامبر ۲۰۲۲)، جوانرود بار دیگر شاهد اعتراضات بود؛ این بار به مناسبت چهلم هفت قربانی که نیروهای امنیتی در نوامبر ۲۰۲۲ به قتل رسانده بودند. در جریان این اعتراضات، نیروهای امنیتی معترض دیگری را نیز به قتل رساندند.^{۹۷}

۵.۱.۲(۴) استان‌های مازندران و گیلان

نیروهای امنیتی همچنین در استان‌های مازندران و گیلان در شمال ایران اعتراضات را سرکوب کردند؛ سرکوبی که به کشته‌شدن دست‌کم ۳۷ معترض، ناظر و رهگذر در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات انجامید.

در استان مازندران، در جریان اعتراضات در شش شهرستان، دست‌کم ۱۹ قربانی، ۱۴ مرد، سه زن و دو کودک پسر، کشته شدند. شش نفر در آمل،^{۹۸} پنج نفر در نوشهر،^{۹۹} سه نفر در قائم‌شهر،^{۱۰۰} سه نفر در بابل،^{۱۰۱} و یک نفر در هر یک از شهرهای عباس‌آباد^{۱۰۲} و ساری^{۱۰۳} کشته شدند.

در استان گیلان، در جریان اعتراضات در ۹ شهرستان، دست‌کم ۱۸ قربانی، ۱۷ مرد و یک کودک پسر، به ضرب گلوله کشته شدند. چهار نفر در رشت،^{۱۰۴} سه نفر در لنگرود،^{۱۰۵} سه نفر در رضوانشهر،^{۱۰۶} دو نفر در بندر انزلی،^{۱۰۷} دو نفر در لاهیجان،^{۱۰۸} و یک نفر در هر یک از شهرهای لشت‌نشا،^{۱۰۹} رودسر،^{۱۱۰} صومعه‌سرا^{۱۱۱} و تالش^{۱۱۲} کشته شدند.

از میان این ۳۷ قربانی شناسایی‌شده در استان‌های مازندران و گیلان، ۳۵ نفر به ضرب گلوله کشته شدند. دست‌کم شش نفر از این ۳۵ قربانی از فاصله نزدیک هدف شلیک ساچمه‌های فلزی قرار گرفتند.^{۱۱۳} دو قربانی دیگر از مجموع ۳۷ نفر نیز در نتیجه ضرب‌و‌شتم جان باختند.^{۱۱۴}

۹۷ بخش ۷.۳.۳ را ببینید.

۹۸ نام این قربانیان عبارت است از: علی فاضلی، عرفان رضایی، غزاله چلابی، هادی چاکساری، محمد فلاح و سینا لوح موسوی.

۹۹ نام این قربانیان عبارت است از: امیرحسین شمس‌ناتری، حنا، کیان، حسینعلی کیا، مهرداد عوض‌پور و محسن مال‌میر.

۱۰۰ نام این قربانیان عبارت است از: ابوالفضل باهو، شعبان (محسن) محمدی کوچک‌سرای و رحیم کلیج.

۱۰۱ نام این قربانیان عبارت است از: ابوالفضل مهدی‌پور، میلاد زارع و محمدحسن ترکمان.

۱۰۲ نام این قربانی شیرین علیزاده است.

۱۰۳ نام این قربانی محمدجواد زاهدی است.

۱۰۴ نام این قربانیان عبارت است از: بهنام لایق‌پور، مازیار سلمانیان، محمدرسل مومنی‌زاد و پویا احمدپور پسخانی.

۱۰۵ نام این قربانیان عبارت است از: عباس میرموسوی، ابوالفضل اکبری‌دوست و مرتضی نوروزی.

۱۰۶ نام این قربانیان عبارت است از: فرزین لطفی، ساسان قربانی و یاسین جمال‌زاده.

۱۰۷ نام این قربانیان امیر نوروزی و مهران سماک است.

۱۰۸ نام این قربانیان عرفان زمانی و جواد رضایی است.

۱۰۹ نام این قربانی عارف قربان‌پور است.

۱۱۰ نام این قربانی نادر کوهکار است.

۱۱۱ نام این قربانی مهران بصیر توانا است.

۱۱۲ نام این قربانی مهربان دولت‌پناه است.

۱۱۳ نام این قربانیان عبارت است از: بهنام لایق‌پور، جواد رضایی، مهران سماک، محمد فلاح، محمدجواد زاهدی و محمدرسل مومنی‌زاد.

۱۱۴ نام این قربانیان مازیار سلمانیان و پویا احمدپور پسخانی است.

بیشتر قربانیان در این دو استان، یعنی ۳۰ نفر، در روزهای نخست اعتراضات، بین ۲۹ تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۰ تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲) کشته شدند. در راستای روند سراسری در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) با بیشترین تعداد شهرهای شاهد قتل‌های مرتبط با اعتراضات، نیروهای امنیتی بیشتر قربانیان این استان را هم در همین روز با شلیک گلوله کشتند: ۱۶ نفر در مازندران^{۱۱۵} و ۱۲ نفر در گیلان.^{۱۱۶}

از میان هفت قربانی دیگری که در روزهای دیگر کشته شدند، سه نفر^{۱۱۷} در ۵ و ۷ آبان ۱۴۰۱ (۲۷ و ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲) و دو نفر^{۱۱۸} در ۲۴ و ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ و ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) کشته شدند؛ زمان‌بندی که با اوج‌گیری سراسری قتل‌ها در دوره‌های ۴ تا ۸ آبان (۲۶ تا ۳۰ اکتبر) و ۲۴ آبان تا ۱ آذر ۱۴۰۱ (۱۵ تا ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲) هم‌زمان بود. دو قربانی دیگر نیز در ۱۲ آبان و ۸ آذر ۱۴۰۱ (۳ و ۲۹ نوامبر ۲۰۲۲) به ضرب گلوله کشته شدند.^{۱۱۹}

سرکوب مرگبار ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در آمل، که به کشته‌شدن سه مرد، یک زن و یک دختر انجامید، نمونه‌ای از استفاده غیرقانونی نیروهای امنیتی از سلاح گرم برای سرکوب نخستین اعتراضات است.

یک شاهد عینی با نام خسرو به عفو بین‌الملل گفت که مأموران یونیفرم‌پوش یگان ویژه فراجا و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تفنگ‌های جنگی و تفنگ‌های ساچمه‌ای پرشده با ساچمه‌های فلزی به سوی معترضان مسالمت‌آمیزی که مقابل فرمانداری آمل تجمع کرده بودند، شلیک کردند. به گفته خسرو، شماری از مأموران سپاه پاسداران و فراجا که گلوله جنگی و ساچمه‌های فلزی شلیک می‌کردند، داخل ساختمان فرمانداری مستقر بودند، در حالی که مأموران دیگری از پشت سر پیشروی می‌کردند و حتی زمانی که معترضان برای یافتن محل امن در حال فرار بودند، به‌طور مکرر در چند جهت تیراندازی می‌کردند.

۱۱۵ نام این قربانیان عبارت است از: ابوالفضل مهدی‌پور، امیرحسین شمس ناتری، عرفان رضایی، غزاله چلابی، حنا، حسینیکیا، مهرزاد عوض‌پور، میلاد زارع، محمد فلاح، محمدحسن ترکمان، محمدجواد زاهدی، محسن مالمیر، شعبان (محسن) محمدی کوچک‌سرای، رحیم کلیچ، شیرین علیزاده و سینا لوح موسوی.

۱۱۶ نام این قربانیان عبارت است از: عباس میرموسوی، ابوالفضل اکبری‌دوست، امیر نوروزی، بهنام لایق‌پور، فرزین لطفی، مازیار سلمانیان، مهرباب دولت‌پناه، محمدرسول مومنی‌زاد، مرتضی نوروزی، نادر کوهکار، ساسان قربانی و یاسین جمال‌زاده.

۱۱۷ نام این قربانیان علی‌فاضلی، عارف قربان‌پور و هادی چاکساری است.

۱۱۸ نام این قربانیان جواد رضایی و مهران بصیر توانا است.

۱۱۹ نام این قربانیان عرفان زمانی و مهران سماک است.

عفو بین‌الملل دو ویدیوی تأییدشده مرتبط با سرکوب ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در آمل را تحلیل کرده است. ویدیوی نخست شامل بخشی است که یکی از قربانیان، **غزاله چلابی**، درست پیش از آن‌که از ناحیه سر هدف گلوله قرار گیرد و کشته شود، ضبط کرده بود. ۱۲۰ در تصویر، معترضان دیده می‌شوند که به‌طور مسالمت‌آمیز مقابل فرمانداری آمل ایستاده‌اند. همزمان با شنیده شدن دست‌کم دو صدای بلند که ممکن است صدای شلیک گلوله باشد، یک زن معترض می‌گوید: «نترسید!» سپس صدای سومی از همین نوع شنیده می‌شود و دوربینی که همچنان در حال ضبط است، روی زمین می‌افتد. صدای افرادی شنیده می‌شود که فریاد می‌زنند: «یکی رو کشتن.»



غزاله چلابی @منبع خصوصی

ویدیوی دوم مردی مسلح را نشان می‌دهد که ماسک پزشکی سفید بر صورت دارد و از داخل ساختمان فرمانداری شلیک می‌کند، در حالی که معترضان بیرون ساختمان با تلفن‌های همراه خود از صحنه فیلم می‌گیرند.

۱۲۰ تیسو، پست در شبکه اجتماعی ایکس: «اسمش رو به خاطر بسپاریم. #غزاله_چلابی که در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در حال فیلم‌برداری از اعتراضات آمل، با شلیک مستقیم گلوله به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی کشته شد ...»، ۲۹ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ اکتبر ۲۰۲۲).

هیأت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره جمهوری اسلامی ایران در تحلیل هر دو ویدیو به این نتیجه رسید که صداها شنیده‌شده در آن‌ها با صدای شلیک سلاح گرم مطابقت دارد.^{۱۲۱}



تصویری ثابت از ویدیویی که مردی مسلح با ماسک پزشکی سفید را در حال شلیک از داخل ساختمان فرمانداری آمل نشان می‌دهد. © منبع خصوصی

۵.۱.۲(۵) استان البرز

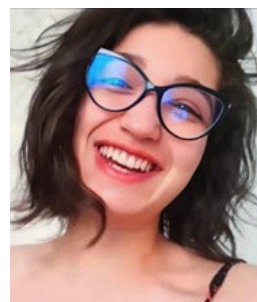
در استان البرز در مرکز ایران، نیروهای امنیتی دست‌کم ۱۶ معترض و رهگذر، ۱۴ مرد، یک زن و یک کودک دختر، را در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی‌شده داشتند، به قتل رساندند. به جز دو نفر، همه قربانیان در کرج کشته شدند.^{۱۲۲} این دو قربانی در فردیس^{۱۲۳} و شهر کوچک هشتگرد در شهرستان ساوجبلاغ^{۱۲۴} کشته شدند.

۱۲۱ هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره ایران، یافته‌های تفصیلی، ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ (۱۹ مارس ۲۰۲۴) (پیش‌تر ذکر شده)، پوست سوم، بندهای ۳۴ تا ۳۹.
 ۱۲۲ نام این قربانیان عبارت است از: عباس شفیعی، امیررضا همت‌آزاد، حدیث نجفی، کامران شهبازی، کنعان آقایی، کمیل امیرخانلو، محمود کشوری، مهدی حضرتی، مهدی لیلازی، مهدی صالحی‌پور، مهران شکاری، نیما نوری فامور، سارینا اسماعیل‌زاده و سپهر اعظمی.
 ۱۲۳ نام این قربانی روزبه خادمیان است.
 ۱۲۴ نام این قربانی پارسا رضادوست است.

از میان این ۱۶ قربانی، ۱۳ نفر به ضرب گلوله کشته شدند. دست کم پنج نفر از این ۱۳ قربانی با ساچمه‌های فلزی که از فاصله نزدیک به سوی آن‌ها شلیک شد، کشته شدند.^{۱۲۵} دو قربانی دیگر بر اثر ضرب و شتم جان باختند،^{۱۲۶} و قربانی دیگری پس از اصابت گلوله پینت‌بال به سرش دچار جراحات مرگبار از ناحیه سر شد، به مدت سه ماه به کما رفت و در ۱۸ اسفند ۱۴۰۱ (۹ مارس ۲۰۲۳) جان باخت.^{۱۲۷}

این قتل‌ها عمده‌تاً در جریان دو موج سرکوب اعتراضات رخ دادند: ۳۰ شهریور و ۱ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ و ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲)، و ۱۲ آبان ۱۴۰۱ (۳ نوامبر ۲۰۲۲)، زمانی که معترضان چهل‌م کشته‌شدگان سپتامبر ۲۰۲۲ را گرامی داشتند.

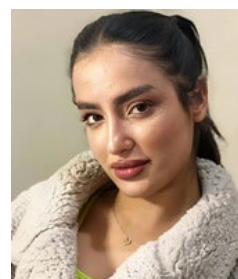
دست کم هفت معترض و رهگذر بین ۳۰ شهریور و ۱ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ تا ۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲) در سه شهرستان کرج، فردیس و ساوجبلاغ کشته شدند.^{۱۲۸} از میان این هفت قربانی، یک نفر، دختر ۱۶ ساله‌ای به نام **سارینا اسماعیل‌زاده**، پس از آن جان باخت که نیروهای امنیتی با باتوم به سرش ضربه زدند.



سارینا اسماعیل‌زاده @منبع خصوصی

شش قربانی دیگر به ضرب گلوله کشته شدند. یکی از آن‌ها **حدیث نجفی** بود که در جریان اعتراضات ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) در کرج، استان البرز، با ساچمه‌های فلزی که از فاصله نزدیک به سوی او شلیک شد، هدف قرار گرفت. افسون نجفی، خواهر حدیث نجفی، در مصاحبه‌ای رسانه‌ای با بخش فارسی صدای آمریکا گفت که حدیث نجفی به اعتراضاتی پیوسته بود که حدود ساعت هشت شب در بلوار ارم در منطقه مهرشهر کرج آغاز شده بود و حدود یک ساعت بعد، شخصی با تلفن حدیث نجفی با خانواده او تماس گرفته بود و به آن‌ها گفت او با ساچمه‌های فلزی هدف قرار گرفته و در بیمارستان قائم است.

یک متخصص مستقل آسیب‌شناسی پزشکی قانونی که عفو بین‌الملل با او مشورت کرد، دو تصویر دلخراش از پیکر بی‌جان حدیث نجفی را بررسی کرد. این تصاویر آثار متعدد جراحات ناشی از اصابت ساچمه‌های شلیک‌شده از یک سلاح بدون خان (تفنگ ساچمه‌زن) را نشان می‌دهند؛ از جمله روی لباس در ناحیه بالای سینه‌ها و روی پوست بخش بالایی قفسه سینه و گردن، که عمده‌تاً در سمت راست بدن متمرکز است. چند جراحت پراکنده ناشی از اصابت ساچمه نیز در ناحیه شکم دیده می‌شود. پشت دست چپ و ساعد که در تصویر دیده می‌شوند، پنج جراحت ناشی از اصابت ساچمه دارند که نشان می‌دهد احتمالاً هنگام تیراندازی، دست در حالت دفاعی برای محافظت از بدن بالا



حدیث نجفی @منبع خصوصی

۱۲۵ نام این قربانیان عبارت است از: عباس شفیعی، حدیث نجفی، نیما نوری فامور، روزبه خادمیان و سپهر اعظمی.

۱۲۶ نام این قربانیان کامران شهبازی و سارینا اسماعیل‌زاده است.

۱۲۷ نام این قربانی امیررضا همت‌آزاد است

۱۲۸ نام این قربانیان عبارت است از: حدیث نجفی، کتغان آقایی، محمود کشوری، مهدی لیلازی، پارسا رضادوست، روزبه خادمیان و سارینا اسماعیل‌زاده.

آورده شده بود. تمرکز ساچمه‌ها در قسمت بالایی بدن حاکی از شلیک از فاصله‌ای نسبتاً نزدیک است، هرچند تعیین دقیق این فاصله ممکن نیست. در سمت راست صورت نیز چند جراحت پراکنده ناشی از اصابت ساچمه دیده می‌شود.

عفو بین‌الملل همچنین نسخه‌ای از گواهی فوت حدیث نجفی را بررسی کرد که علت مرگ را «عملکرد وسایل جنگی در خارج از جنگ» ذکر می‌کند و می‌افزاید که مرگ بر اثر «اصابت گلوله» به او رخ داده است. هیأت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره جمهوری اسلامی ایران مستند کرده است که نیروهای امنیتی خانواده را تحت فشار قرار دادند تا برگه‌هایی را امضا کنند که در آن‌ها قید شده بود مرگ حدیث نجفی ناشی از علل طبیعی بوده است و سپس گواهی فوتی را که با این ادعا در تناقض بود به نیروهای امنیتی تحویل دهند.^{۱۲۹}

هفت نفر دیگر در ۱۲ آبان ۱۴۰۱ (۳ نوامبر ۲۰۲۲)، همگی در کرج، در جریان سرکوب اعتراضاتی که به مناسبت چهلیم کشته‌شدگان شهریور ۱۴۰۱ برگزار شده بود، کشته شدند.^{۱۳۰} یکی از آن‌ها نوجوانی ۱۸ ساله به نام **مهدی حضرتی** بود. دو ویدیوی تأییدشده که تیراندازی مرگبار به او را نشان می‌دهند، سرکوب مرگباری را که نیروهای امنیتی در این روز به راه انداختند به تصویر می‌کشند.



مهدی حضرتی @منبع خصوصی

یکی از ویدیوها گروهی از معترضان مسالمت‌آمیز را در حال شعار دادن نشان می‌دهد، در حالی که نیروهای امنیتی در فاصله‌ای دورتر در تقاطع خیابان‌های میثم و ولی‌عصر مستقر هستند. سپس صدای شلیک گلوله شنیده می‌شود و پس از آن مهدی حضرتی که به‌تنهایی در جلوی جمعیت معترضان و در فاصله حدود ۵۰ متری نیروهای امنیتی ایستاده بود، روی زمین می‌افتد. تصاویر نشان می‌دهد که مهدی حضرتی با نیروهای امنیتی فاصله داشت و هیچ تهدید آشکاری ایجاد نمی‌کرد.

ویدیوی دوم که بدون صداست، پیکر بی‌جان قربانی را روی زمین نشان می‌دهد و خون در اطراف سر او دیده می‌شود. سپس مأمورانی با لباس فرم یگان ویژه فراجا که به باتوم و تفنگ‌های ساچمه‌ای مسلح هستند، سوار بر موتورسیکلت از راه می‌رسند و پیکر را محاصره می‌کنند. دو مأمور لباس شخصی نیز بالای سر پیکر دیده می‌شوند؛ یکی از آن‌ها که پیراهن قرمز بر تن دارد، تفنگ ساچمه‌ای در دست گرفته است. سپس مأموران لباس شخصی از محل دور می‌شوند و مرد پیراهن قرمز در گوشه‌ای در همان نزدیکی مستقر می‌شود و تفنگ ساچمه‌ای خود را به سوی اهدافی خارج از قاب نشانه می‌گیرد. پس از مدتی، یک وانت از راه می‌رسد و سپس در حالی که پیکر قربانی در قسمت بار آن قرار دارد، محل را ترک می‌کند.

۱۲۹ هیأت مستقل بین‌المللی حقیقت‌یاب سازمان ملل درباره جمهوری اسلامی ایران، *یافته‌های تفصیلی*، ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ (۱۹ مارس ۲۰۲۴) (پیش‌تر ذکر شده)، پیوست سوم، بندهای ۲۳ تا ۲۶.
۱۳۰ نام این قربانیان عبارت است از: عباس شفیعی، کمیل امیرخانلو، مهدی حضرتی، مهدی صالحی‌پور، مهران شکاری، نیما نوری فامور و سپهر اعظمی.



چهار تصویر ثابت از دو ویدیو که کشته شدن مهدی حضرتی را نشان می‌دهند. تصویر نخست (بالا سمت چپ) پیکر مهدی حضرتی را روی زمین در کنار یک خودروی نقره‌ای نشان می‌دهد و نیروهای امنیتی در پس زمینه دیده می‌شوند. تصویر دوم (بالا سمت راست) همان پیکر را نشان می‌دهد که خون در اطراف سر آن دیده می‌شود و نیروهای امنیتی آن را محاصره کرده‌اند. تصویر سوم (پایین سمت چپ) یک مأمور لباس شخصی با پیراهن قرمز را نشان می‌دهد که پس از مستقر شدن در گوشه‌ای پشت محل کشته شدن مهدی حضرتی، تفنگ ساچمه‌ای خود را به سوی هدفی خارج از قاب نشانه گرفته است. تصویر چهارم (پایین سمت راست) یک وانت سفید را نشان می‌دهد که از راه می‌رسد و پیکر قربانی را با خود می‌برد.

۵.۱.۲(۶) استان تهران

شمار بالایی از کشته‌شدگان به استان تهران اختصاص دارد؛ نیروهای امنیتی دست کم ۳۰ معترض، ناظر/رهگذر، ۲۴ مرد و شش کودک پسر، را در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی شده داشتند، کشتند. این موارد کشتن در ۱۰ شهرستان استان رخ داد. بیش از نیمی از قربانیان، یعنی ۱۶ نفر، در پایتخت، تهران، کشته شدند. ۱۳۱ افزون بر این، سه قربانی در پاکدشت، ۱۳۲ سه نفر در شهر ری، ۱۳۳ دو نفر در قرچک، ۱۳۴ و یک نفر در هر یک از شهرستان‌های بهارستان، ۱۳۵ اسلامشهر، ۱۳۶ لواسان، ۱۳۷ ملارد، ۱۳۸ رباط کریم و ۱۳۹ شهریار ۱۴۰ کشته شدند.

از میان ۳۰ قربانی ثبت‌شده، ۲۶ نفر به ضرب گلوله کشته شدند. دست کم پنج نفر از این ۲۶ قربانی با ساچمه‌ای فلزی هدف قرار گرفتند. ۱۴۱

درباره چهار قربانی دیگر، بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده از سوی رسانه‌های مستقل یا مدافعان حقوق بشر، یک نفر بر اثر مشکلات تنفسی مرگبار ناشی از کاربرد بیش از حد از گاز اشک‌آور جان باخت؛ ۱۴۲ بنا بر گزارش‌ها، یک نفر نیز پس از آن کشته شد که نیروهای فراجا با خودروی خود به موتورسیکلت او کوبیدند و باعث شدند به زمین بیفتد، سرش به جدول کنار خیابان برخورد کند و دچار جراحت مرگبار از ناحیه سر شود؛ ۱۴۳ دو نفر هم در نتیجه اصابت کپسول گاز اشک‌آوری که از فاصله نزدیک شلیک شده بود، دچار جراحات مرگبار شدند. ۱۴۴ یکی از این دو قربانی در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) بلافاصله پس از مجروح شدن جان باخت، ۱۴۵ و دیگری، پسری ۱۶ ساله، چند ماه بعد در ۲ خرداد ۱۴۰۲ (۲۳ مه ۲۰۲۳) در نتیجه جراحات آن شلیک جان باخت. ۱۴۶

۱۳۱ نام این قربانیان عبارت است از: احمدرضا قلجی، علیرضا خوشکار بیاتی، علی روزبهرانی، امیرمهدی فرخی‌پور، اصغر آقایی، اصغر هژیرلطف، احسان خان‌محمدی، حمیدرضا روحی، مهدی زارع، میلاد جاویدپور، میلاد استاد هاشم، محمدامین تکلی، مهدی حسینی، محسن موسوی، سیاوش محمودی و ابوالفضل احمدپور.

۱۳۲ نام این قربانیان حمید فولادوند، محمدرضا اسکندری و محسن پازوکی است.

۱۳۳ نام این قربانیان ابوالفضل امیرعطایی، محمدجواد فرمانی و محمدرضا سروری است.

۱۳۴ نام این قربانیان محمدحسین مروتی و محمد زارعی است.

۱۳۵ نام این قربانی محمد زمانی است.

۱۳۶ نام این قربانی علیرضا حسینی است.

۱۳۷ نام این قربانی عرفان نظربیگی است.

۱۳۸ نام این قربانی محمد جامه‌بزرگ است.

۱۳۹ نام این قربانی علی سیدی است.

۱۴۰ نام این قربانی عرفان خزایی است.

۱۴۱ نام این قربانیان عبارت است از: علی سیدی، اصغر آقایی، اصغر هژیرلطف، محسن موسوی و محمد جامه‌بزرگ.

۱۴۲ نام این قربانی مهدی حسینی است.

۱۴۳ نام این قربانی ابوالفضل احمدپور است.

۱۴۴ نام این قربانیان ابوالفضل امیرعطایی و محمدامین تکلی است.

۱۴۵ نام این قربانی محمدامین تکلی است.

۱۴۶ نام این قربانی ابوالفضل امیرعطایی است.

الگوی قتل‌ها در استان تهران از ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) آغاز شد؛ روزی که مرگبارترین روز سرکوب در این استان نیز بود. در این روز، نیروهای امنیتی دست‌کم ۱۰ معترض، ناظر رهگذر، شش مرد^{۱۴۷} و چهار کودک پسر^{۱۴۸}، را در شش شهرستان شامل شهر ری، قرچک، بهارستان، پاکدشت، شهریار و تهران دچار جراحات مرگبار کردند.

روز بعد، نیروهای امنیتی سه معترض، ناظر و رهگذر دیگر را کشتند؛ دو نفر در پایتخت، تهران،^{۱۴۹} و یک نفر در شهرستان پاکدشت.^{۱۵۰}

اطلاعات گردآوری‌شده‌ی عفو بین‌الملل حاکی از وجود الگویی نظام‌مند از توسل سریع و غیرقانونی به قوای قهریه مرگبار برای سرکوب اعتراضات از همان آغاز است.

برای نمونه، در پاکدشت، جایی که دو مرد به نام‌های **محمدرضا اسکندری و محسن پازوکی** شامگاه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) کشته شدند، یک منبع مطلع در ایران با نام مهدیس به عفو بین‌الملل گفت که نیروهای امنیتی یونیفرم‌پوش و لباس‌شخصی فضایی «وحشتناک» ایجاد کرده بودند و مأموران مسلح هم در خیابان‌ها و هم بر پشت‌بام‌ها مستقر شده بودند، به‌ویژه در خیابان‌های میان میدان شعبه و میدان ساعت که اعتراضات در آن‌جا متمرکز بود. مهدیس همچنین گفت ساکنان محلی پوکه‌های خالی پراکنده در خیابان‌ها را دیده بودند که حاکی از



محمدرضا اسکندری (چپ) و محسن پازوکی (راست) @منبع خصوصی

استفاده گسترده از سلاح گرم بود. به گفته مهدیس، محمدرضا اسکندری در نزدیکی درمانگاه مرجان از ناحیه بالاتنه هدف گلوله قرار گرفت و سپس چند نفر او را به داخل درمانگاه بردند. مهدیس گفت که نیروهای امنیتی در ادامه همان شب، همه دوربین‌های مداربسته‌ای را که ممکن بود صحنه‌های داخل درمانگاه را ضبط کرده باشند، جمع‌آوری کردند؛ صحنه‌هایی که او با توجه به شمار زیاد مجروحانی که به درمانگاه منتقل شده بودند، «هولناک» توصیف کرد.

۱۴۷ نام این قربانیان عبارت است از: عرفان خزایی، محمدحسین مروتی، محمدجواد فرمانی، محمدرضا اسکندری، محمد زارعی و محسن پازوکی.

۱۴۸ نام این قربانیان عبارت است از: ابوالفضل امیرعطایی، محمدرضا سروری، محمد زمانی و سیاوش محمودی.

۱۴۹ نام این قربانیان میلاد جاویدپور و احمدرضا قلجی است.

۱۵۰ نام این قربانی حمید فولادوند است.



سیاوش محمودی @منبع خصوصی

در تهران نیز سیاوش محمودی، ۱۶ ساله، شامگاه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) به همین ترتیب به ضرب گلوله کشته شد. بر اساس اطلاعات گردآوری شده از سوی خانواده او، مأموران گردان‌های بسیج سپاه پاسداران در مقابل پایگاه بسیج ثارالله در نازی‌آباد به‌طور مرگبار به او شلیک کردند. لیلا مهدوی، مادر سیاوش، ۲۴ آذر ۱۴۰۱ (۱۵ دسامبر ۲۰۲۲) در حساب اینستاگرام خود نوشت که وقتی پسرش تلفنش را پاسخ نداد، برای یافتن او به مناطقی رفت که اعتراضات در آن‌ها جریان داشت. او خیابان‌ها را به دلیل حضور گسترده نیروهای امنیتی، از جمله نیروهای بسیج و یگان ویژه فراجا، شبیه «صحنه جنگ» توصیف کرد. او به یاد آورد که «بیش از ۵۰ تا ۶۰ موتورسوار مسلح» دیده بود و صحنه را «وحشت آور» توصیف کرد. او افزود که در حالی که در خیابان‌های مملو از گاز اشک‌آور به دنبال پسرش می‌گشت، یکی از مأموران گردان‌های بسیج سپاه پاسداران با باتوم او را زد، به آن سوی خیابان پرت کرد و به او گفت «معرکه نگیر». او گفت پس از بیش از پنج ساعت جست‌وجو، پسرش را در بیمارستان پیدا کرد و آن‌جا فهمید که از ناحیه سر هدف گلوله قرار گرفته است.^{۱۵۱}

ویدیویی از لیلا مهدوی در ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) در فضای آنلاین منتشر شد که او را در خیابان در حالی نشان می‌دهد که عکس پسرش را در دست گرفته و از مردم دعوت می‌کند در مراسم خاکسپاری او شرکت کنند. او می‌گوید:

«همه بدونن. این [عکس] سیاوش منه. سیاوش محمودی... [مأموران امنیتی] بچه‌ام رو کشتن. به سرش شلیک کردن. افتخار می‌کنم که مادر سیاوش محمودی‌ام. از هیچ‌کس نمی‌ترسم. [مقام‌ها] بهم می‌گن ساکت باش، ولی من ساکت نمی‌شینم.»^{۱۵۲}

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران در گزارشی خطاب به کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل که پیش از نشست ویژه درباره ایران در ۳ آذر ۱۴۰۱ (۲۴ نوامبر ۲۰۲۲) ارائه شد، مدعی شدند که سیاوش محمودی «هنگام شرکت در اغتشاشات اخیر به دست افراد ناشناس با شلیک گلوله کشته شد». مقام‌ها افزودند:

«در زمان مورد اشاره، مأموران انتظامی برای مقابله با اغتشاشات از سلاح گرم استفاده نکردند. تاکنون مشخص نشده است که چه کسی به متوفی شلیک کرده یا او چگونه جان خود را از دست داده است. بنابراین، تحقیقات برای روشن شدن ابعاد این واقعه در جریان است.»^{۱۵۳}

۱۵۱ leilymahdavi5866. پست اینستاگرام: «مادر تو پیدا کرد اما... حال من مانند یک داغ بر دل نشسته...». ۲۴ آذر ۱۴۰۱ (۱۵ دسامبر ۲۰۲۲).

۱۵۲ بی‌بی‌سی فارسی، «مادر سیاوش محمودی از کشته‌شدگان در اعتراضات اخیر ایران در علی‌آباد تهران»، ۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲).

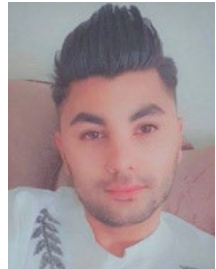
۱۵۳ فصل ۱۱ درباره مصونیت نظام‌مند از مجازات را ببینید، از جمله الگوی اظهارات اولیه رسمی مبنی بر انکار مسئولیت و اعلام انجام تحقیقاتی که در ماه‌ها و سال‌های بعد به پاسخ‌گویی منجر نشدند.

سرکوب مرگبار در ادامه ماه سپتامبر نیز ادامه یافت و شمار کل معترضان و رهگذرانی که نیروهای امنیتی در استان تهران بین ۲۵ شهریور تا ۸ مهر ۱۴۰۱ (۱۶ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲) کشتند، به ۱۹ نفر رسید: ۱۳ مرد^{۱۵۴} و شش پسر.^{۱۵۵}

در اکتبر ۲۰۲۲، نیروهای امنیتی دست کم شش مرد دیگر را در پایتخت، تهران، کشتند.^{۱۵۶}

آن‌ها همچنین در ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲)، مردی را در شهر کوچک پرند در شهرستان رباط کریم کشتند؛ مردم در میدان استقلال پرند و اطراف آن تجمع کرده بودند تا چهلمین روز پس از مرگ ژینا مهسا امینی را گرامی بدارند.^{۱۵۷}

درباره واقعه مرگبار در پرند، یک منبع مطلع در ایران با نام فرزانه به عفو بین‌الملل گفت که قربانی، **علی سیدی**، پس از آن هدف نیروهای امنیتی قرار گرفت که برای جلوگیری از ضرب و شتم دو زن به دست مأموران گردان‌های بسیج سپاه پاسداران و کمک به فرار آن‌ها مداخله کرد. به گفته فرزانه، در واکنش، یک مأمور لباس شخصی و یک مأمور یونیفرم‌پوش سپاه پاسداران از فاصله نزدیک ساچمه‌های فلزی به شکم علی سیدی شلیک کردند. فرزانه افزود که پس از تیراندازی، مأموران مدتی بالای سر علی سیدی ایستادند و مانع نزدیک شدن مردم برای کمک به او یا انتقالش به بیمارستان شدند. به گفته او، مأموران تنها زمانی محل را ترک کردند که دیدند وضعیت علی سیدی رو به وخامت است و پس از آن مردم او را به درمانگاه مهر منتقل کردند. عفو بین‌الملل نسخه‌ای از جواز دفن علی سیدی را بررسی کرد که علت مرگ را «شوک هموراژیک»، «خونریزی وسیع داخلی»، «پارگی عناصر حیاتی قفسه صدری و شکم» و «اصابت جسم پرتابه‌ای مدور با سرعت بالا (گلوله ساچمه‌ای)» ذکر کرده بود.



علی سیدی @منبع خصوصی

در نوامبر ۲۰۲۲، نیروهای امنیتی دست کم چهار مرد دیگر را در پایتخت، تهران، به قتل رساندند.^{۱۵۸} هر چهار نفر بین ۲۵ و ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ و ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲)، در جریان تشدید سرکوب اعتراضاتی که به مناسبت سالگرد اعتراضات آبان ۱۳۹۸ برگزار شده بود، کشته شدند.



اصغر آقایی (چپ) و اصغر هژیر لطف (وسط) و مهدی زارع (راست) @منبع خصوصی

۱۵۴ نام این قربانیان عبارت است از: علیرضا حسینی، عرفان خزایی، عرفان نظریگی، حمید فولادوند، میلاد جاویدپور، میلاد استاد هاشم، محمدامین تکی، محمدحسین مروتی، محمدجواد فرمانی، محمد جامه‌بزرگ، محمد رضا اسکندری، محمد زارعی و محسن پازوکی.

۱۵۵ نام این قربانیان عبارت است از: ابوالفضل امیرعطایی، احمد رضا قلجی، امیرمهدی فرخی‌پور، محمد رضا سروری، محمد زمانی و سیاوش محمودی.

۱۵۶ نام این قربانیان عبارت است از: ابوالفضل احمدپور، علی روزبهانی، علی سیدی، احسان خان محمدی، مهدی حسینی و محسن موسوی.

۱۵۷ نام این قربانی علی سیدی است.

۱۵۸ نام این قربانیان عبارت است از: اصغر آقایی، اصغر هژیر لطف، حمیدرضا روحی و مهدی زارع.

بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی مدافعان حقوق بشر، سه نفر از این مردان، اصغر آقایی، اصغر هژیر لطف و مهدی زارع، در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲)، در جریان سرکوب اعتراضات و اعتصاب‌ها در اطراف بازار آهن شادآباد تهران به ضرب گلوله کشته شدند.

بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی خبرگزاری هرانا با استناد به یک منبع مطلع، اصغر هژیر لطف و دوستش پس از آن هدف نیروهای امنیتی قرار گرفتند که برای جلوگیری از ضرب‌وشتم یک زن در جریان اعتراضات اطراف بازار آهن شادآباد تهران مداخله کردند. نیروهای امنیتی در واکنش، دوست او را با باتوم زدند و دو بار با ساچمه‌های فلزی، یک بار به سر و بار دوم به پشت اصغر هژیر لطف شلیک کردند.^{۱۵۹}

همان روز، ستاد فرماندهی انتظامی تهران بزرگ بیانیه‌ای صادر کرد و مسئولیت تیراندازی‌ها را متوجه معترضان دانست. در این بیانیه آمده بود:

«ساعت ۱۳ روز جاری تعدادی از عناصر اغتشاشگر با تحریک معاندین، در بازار آهن شادآباد تهران اقدام به تهدید و تحریک کسبه مبنی بر تعطیلی و ممانعت از فعالیت بازار و واحدهای صنفی کرده بودند که کسبه و متصدیان صنفی از همراهی با آنان خودداری کردند. به دنبال عدم همکاری بازاریان چند نفر از اغتشاشگران با استفاده از سلاح اقدام به زخمی کردن ۵ نفر از شهروندان کرده و بلافاصله قصد متواری شدن داشتند که با حضور عوامل انتظامی ۲۰ نفر از آنان شناسایی و دستگیر شدند.»^{۱۶۰}

در ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲)، رسانه‌های حکومتی ویدیویی منتشر کردند که ظاهراً با هدف توجیه سرکوب مرگبار، می‌کوشید اعتراضات را خشونت‌آمیز جلوه دهد. با این حال، این ویدیو هیچ مدرکی ارائه نمی‌کند که نشان دهد نیروهای امنیتی با تهدید قریب‌الوقوع مرگ یا جراحت جدی مواجه بوده‌اند که بتواند استفاده از سلاح گرم را توجیه کند.

ویدیو برخی معترضان را نشان می‌دهد که از فاصله‌ای دور سنگ پرتاب می‌کنند و برای ایجاد مانعی میان خود و نیروهای امنیتی که در فاصله‌ای دورتر ایستاده‌اند، آتش روشن می‌کنند. همچنین در تصاویر، نیروهای امنیتی یونیفرم‌پوش و لباس شخصی دیده می‌شوند که پیاده و سوار بر موتورسیکلت پیشروی می‌کنند، باتوم، پرتابگرهای ۳۸/۳۷ میلی‌متری و دیگر سلاح‌های کمتر مرگبار در دست دارند و کلاه ایمنی محافظ بر سر دارند و ماسک سیاه بر صورت زده‌اند.^{۱۶۱} یک مأمور لباس شخصی با کلاهی مشکی که تمام صورتش را پوشانده است و سلاحی در دست که به نظر می‌رسد یک پرتابگر چندگلوله‌ای ۳۸/۳۷ میلی‌متری است، در حالی

۱۵۹ خبرگزاری هرانا، «اعتراضات سراسری؛ گزارش تکمیلی از جان باختن اصغر هژیر لطف در تهران»، ۸ بهمن ۱۴۰۱ (۲۸ ژانویه ۲۰۲۳).

۱۶۰ خبرگزاری تسنیم، «دستگیری ۲۰ نفر در ناآرامی امروز بازار آهن تهران»، ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲).

۱۶۱ AL Mahdi، «حمله اراندل اوباش به بازار آهن تهران / اغتشاشات»، ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲).

که از طریق بلندگو با معترضان صحبت می‌کند و آن‌ها را تهدید می‌کند، دیده می‌شود: «نفست رو می‌برم... پلیس، عوامل بسیج، عوامل انتظامی و عوامل اطلاعاتی همه اینجا ایستادند، با اقتدار باهات برخورد می‌کنند.»^{۱۶۲}



تصویری ثابت از ویدیویی منتشرشده در ۲۶ آبان ۱۴۰۱ که مأموری را در جریان سرکوب اعتراضات اطراف بازار آهن شادآباد تهران نشان می‌دهد؛ این مأمور لباس شخصی کلاهی مشکی به سر دارد که تمام صورتش را پوشانده است و سلاحی در دست دارد که به نظر می‌رسد یک پرتابگر چندگلوله‌ای ۳۸/۳۷ میلی‌متری است.

۵.۱.۲(۷) استان خوزستان

در استان خوزستان، دست‌کم ۹ معترض و رهگذر/ناظر، پنج مرد، یک زن و سه کودک پسر، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. از میان این قربانیان، هفت نفر در جریان سرکوب مرگبار اعتراضات در ایزده در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲) کشته شدند. دو

۱۶۲ Mahdi، «حمله اراذل اوباش به بازار آهن تهران / اغتشاشات»، ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲)، مشرق نیوز، «فیلم/ روایت اغتشاش در بازار آهن شادآباد»، ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲).

مرد دیگر در ۳۰ مهر ۱۴۰۱ (۲۲ اکتبر ۲۰۲۲) در دزفول به ضرب گلوله مجروح شدند. یکی از آن‌ها در همان لحظه جان باخت،^{۱۶۳} و دیگری بر اثر جراحات وارده در ۱۵ آبان ۱۴۰۱ (۶ نوامبر ۲۰۲۲) جانش را از دست داد.^{۱۶۴}



حمیدرضا شریعتی (بالا چپ)، سپهر مقصودی (بالا راست)،
آرتین رحمانی (پائین چپ) و میلاد سعیدیان‌جوهر (پائین راست)
© منبع خصوصی

۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی یونیفرم‌پوش و لباس شخصی برای متفرق کردن معترضان که در خیابان حافظ جنوبی ایذه، عمدتاً در محدوده میان مسجد صاحب‌الزمان و بازار ایذه، تجمع کرده بودند، از گلوله جنگی استفاده کردند. در نتیجه این تیراندازی‌ها، دو مرد به نام‌های حمیدرضا شریعتی و میلاد سعیدیان‌جو و دو پسر زیر ۱۸ سال به نام‌های آرتین رحمانی و سپهر مقصودی به ضرب گلوله کشته شدند.

همان شب، نیروهای امنیتی مجهز به سلاح گرم به‌طور گسترده در سراسر ایذه مستقر شدند تا فضای رعب و وحشت ایجاد کنند و از شکل‌گیری اعتراضات بیشتر جلوگیری کنند. در این شرایط، آن‌ها به‌طور غیرقانونی به خودروهایی که در خیابان حافظ جنوبی و محل تقاطع آن با بلوار مدرس، که در میان مردم محل به چهارراه هلال احمر معروف است، در حرکت بودند گلوله جنگی شلیک کردند.^{۱۶۵} در نتیجه، سه نفر، یک مرد به نام علی مولایی، یک زن به نام اشرف نیکبخت و یک پسر ۹ ساله به نام کیان پیرفلک، در سه واقعه جداگانه در حالی که سوار خودرو بودند، بر اثر اصابت گلوله دچار جراحات مرگبار شده و جان باختند.

در مورد اشرف نیکبخت، مدیا مصور، روزنامه‌نگاری که با یک منبع مطلع در ایران گفت‌وگو کرده بود، به عفو بین‌الملل گفت که هنگام وقوع این حادثه، اشرف نیکبخت همراه دختر و دامادش با خودرو در راه یک مراسم عروسی بودند. به گفته مدیا مصور، هنگامی که خانواده در خیابان حافظ جنوبی حرکت می‌کردند و به مسجد صاحب‌الزمان نزدیک می‌شدند، ناگهان صدای تیراندازی شنیدند. این



علی مولایی (چپ)، اشرف نیکبخت (وسط) و کیان پیرفلک (راست) © منبع خصوصی

روزنامه‌نگار گفت خانواده پس از متفرق شدن معترضان به محل رسید، اما نیروهای امنیتی همچنان در منطقه حضور و به‌ویژه در حوالی چهارراه هلال احمر حضوری گسترده داشتند. پس از شنیدن صدای تیراندازی، خانواده متوجه شدند گلوله‌ای به سر اشرف نیکبخت اصابت کرده است. در حالی که هنوز از شوک این اتفاق بهت‌زده بودند، خودرو بار دیگر هدف تیراندازی قرار گرفت. مدیا

^{۱۶۳} نام این قربانی محمد خواجهی است.

^{۱۶۴} نام این قربانی محمد قائمی‌فرد است.

^{۱۶۵} منظور دفتر هلال احمر در ایذه است که در این تقاطع قرار دارد.

مصور افزود که در میان تیراندازی‌ها، دختر و داماد اشرف نیکبخت توانستند از محل دور شوند و او را به بیمارستان ایذه برسانند، جایی که مرگش اعلام شد.

مدیا مصور در مورد علی مولایی هم به عفو بین‌الملل گفت که بر اساس اطلاعاتی که از یک شاهد عینی دریافت کرده است علی مولایی و نامزدش هنگام عبور از چهارراه هلال‌احمر هدف تیراندازی قرار گرفتند. او تصاویر دوربین مداربسته این واقعه را که زمان ۱۷:۵۴ در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲) روی آن ثبت شده است، در اختیار عفو بین‌الملل قرار داد.^{۱۶۶} هرچند کیفیت تصاویر پایین است، ویدیو خودرویی را نشان می‌دهد که بلافاصله پس از عبور از چهارراه سرعت خود را کم می‌کند و متوقف می‌شود. شاهد عینی تأیید کرد که این خودرو متعلق به علی مولایی بوده است. این تصاویر ادعای مقام‌ها را مبنی بر این‌که همه قربانیان ساعت ۱۷:۳۰ در یک «حادثه تروریستی در بازار» به ضرب گلوله کشته شدند، رد می‌کند.^{۱۶۷}



سنگ مزار کیان پیرفلک @منبع خصوصی

در مورد کیان پیرفلک، مادرش، زینب مولایی‌راد، در سخنرانی خود در مراسم خاکسپاری کیان ۹ ساله در ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲)، شرایط این رویداد مرگبار را شرح داد. زینب مولایی‌راد در سخنانش تأکید کرد که می‌خواهد مردم حقیقت را مستقیماً از زبان او بشنوند: «از زبان خودم بشنوید که تیراندازی چی شد [تا مقام‌ها] نگویند [کار] تروریست بوده؛ دروغه.»^{۱۶۸}

زینب مولایی‌راد توضیح داد که او، دو پسرش و همسرش با خودرو در راه خانه‌شان در ایذه بودند که به چهارراه هلال‌احمر رسیدند؛ جایی که شمار زیادی از نیروهای امنیتی مستقر بودند. او گفت پس از آن‌که از مقابل نیروهای امنیتی عبور کردند، یکی از مأموران به آن‌ها دستور داد توقف کنند و برگردند. پدر کیان پیرفلک که رانندگی می‌کرد، به دستور عمل کرد، اما ناگهان چند مأمور لباس شخصی به سمت خودرو تیراندازی کردند. در نتیجه، کیان پیرفلک بر اثر اصابت گلوله دچار جراحات مرگبار شد و پدرش به شدت مجروح شد.

زینب مولایی‌راد گفت که در میان تیراندازی‌ها، در جلوی خودرو در سمت سرنشین را باز کرد و با صدای بلند به مأموران گفت که فرزندانش داخل خودرو هستند و از آن‌ها خواست تیراندازی را متوقف کنند. سپس سه تن از مأموران لباس شخصی مسئول تیراندازی به سوی خانواده رفتند، پیکر مجروح کیان پیرفلک را از خودرو بیرون آوردند و ابتدا او را به ساختمان هلال‌احمر و سپس به بیمارستان شهدای ایذه بردند. زینب مولایی‌راد گفت:

۱۶۶ مدیا مصور، «مستند ایذه ۲۵ آبان ۱۴۰۱»، ۱۲ شهریور ۱۴۰۳ (۲ سپتامبر ۲۰۲۴)، دقیقه ۱۸:۴۳.

۱۶۷ برای جزئیات درباره روایت حکومت، بخش زیر را ببینید.

۱۶۸ مدیا مصور، «مستند ایذه ۲۵ آبان ۱۴۰۱»، ۱۲ شهریور ۱۴۰۳ (۲ سپتامبر ۲۰۲۴)، دقیقه ۳۶:۳۳ تا ۳۹:۲۲.

«تمی دانم چرا [مأموران به ما تیراندازی کردند]... ماشین را به رگبار بستند... به بچه‌ها گفتم بروید زیر صندلی. بچه کوچک‌ترم زیر داشبورد بود، اما کیان تپل بود و نتوانست زیر صندلی برود.»^{۱۶۹}

جان باختن کیان پیرفلک موجی از خشم و همبستگی برانگیخت، به‌ویژه پس از آن که ویدیویی از حضور او در برنامه‌ای در مدرسه‌اش به‌طور گسترده در فضای آنلاین منتشر شد. در این ویدیو، او با لحنی شاعرانه خدا را «خدای رنگین‌کمان» می‌خواند و سپس توانایی شناور ماندن یک قایق اسباب‌بازی ساخته‌شده از چوب بستنی را آزمایش می‌کند. معترضان داغدار با استفاده از تصاویر رنگین‌کمان یاد او را گرامی داشتند و بعدها تصویر یک رنگین‌کمان نیز بر سنگ مزارش حک شد.

همان شبی که نیروهای امنیتی هفت معترض و رهگذر را در ایذه به ضرب گلوله کشتند، مقام‌ها کارزاری برای انکار مسئولیت به راه انداختند و موج قتل‌ها را به‌نادرستی «حادثه تروریستی در بازار ایذه» معرفی کردند. روایت مقام‌ها چنین القا می‌کرد که همه قربانیان در یک واقعه واحد در ساعت ۱۷:۳۰ کشته شده‌اند، در حالی که در واقع قربانیان در وقایع جداگانه‌ای در طول شامگاه ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲) کشته شدند.

ولی‌الله حیاتی، معاون امنیتی و انتظامی استانداری خوزستان، در بیانیه‌ای که همان شب منتشر شد، مدعی شد «عوامل تروریستی» مسئول این واقعه بوده‌اند. او گفت:

«در این حمله تروریستی که ساعت ۱۷:۳۰ عصر امروز که توسط راکبین دو موتورسیکلت رخ داد، مردم و مدافعین امنیت به گلوله بسته شدند. استاندار خوزستان هیأتی از شورای تأمین استان به شهرستان ایذه اعزام کرده است و کار دستگیری ضاربین در دستور کار شورای تأمین و نهادهای اطلاعاتی و انتظامی قرار دارد تا در کوتاه‌ترین زمان ضاربان دستگیر شوند.»^{۱۷۰}

همان شب، سپاه استانی خوزستان سپاه پاسداران با نام سپاه ولی‌عصر، در بیانیه‌ای اعلام کرد:

«بدین وسیله به اطلاع امت شهیدپرور خوزستان می‌رساند گروهی مسلح که سوار بر دو موتور سیکلت بودند با سو استفاده از التهاب ایجاد شده در شهرستان ایذه با اسلحه‌های کلاشینکف به سمت مردم و پلیس تیراندازی کردند و آنها را به رگبار بستند... سپاه ولی‌عصر (عج) خوزستان ضمن تبریک و تسلیت شهادت جمعی از هموطنان در حادثه تروریستی شهرستان ایذه به ...امام خامنه‌ای و عموم مردم شهیدپرور خوزستان به ویژه خانواده مکرم آن عزیزان از خداوند متعال علو درجات برای روح آن شهدا بزرگوار و صبر جمیل برای بازماندگان مسئلت دارد.»^{۱۷۱}

۱۶۹. مدیا مصور، «مستند ایذه ۲۵ آبان ۱۴۰۱»، ۱۲ شهریور ۱۴۰۳ (۲ سپتامبر ۲۰۲۴).

۱۷۰. ایسنا، «اعزام هیأتی از شورای تأمین خوزستان به ایذه / حال ۲ مصدوم وخیم»، ۲۵ آبان ۱۴۰۱. همچنین فصل ۱۱ درباره مصونیت مستمر از مجازات را ببینید، از جمله الگوی اظهارات اولیه رسمی مبنی بر انکار مسئولیت و اعلام انجام تحقیقاتی که در ماه‌ها و سال‌های بعد به پاسخ‌گویی منجر نشدند.

۱۷۱. خبرگزاری تسنیم، «حمله تروریستی به بازار مرکزی ایذه/ ۶ شهید تا این لحظه/ تروریست‌ها مردم را به رگبار بستند + فیلم»، ۲۵ آبان ۱۴۰۱.

در دو روز بعد، مقام‌های دیگری از جمله صادق خلیلیان، استاندار خوزستان؛ علی دهقانی، رئیس کل دادگستری استان خوزستان؛ و محسن رضایی، معاون رئیس‌جمهور، مدعی شدند که تا ۱۱ «عامل تروریستی» در ارتباط با وقایع ایذه بازداشت شده‌اند. مقام‌ها مدعی شدند برخی از آن‌ها هنگام تلاش برای فرار از ایران از طریق مرز ترکیه در نزدیکی ماکو در استان آذربایجان غربی بازداشت شده‌اند.^{۱۷۲} دو ماه بعد، در ۲۶ دی ۱۴۰۱ (۱۶ ژانویه ۲۰۲۳)، یارمحمد رسالتی، دادستان ایذه، اعلام کرد برای ۷۰ نفر که در ارتباط با «حادثه تروریستی» ایذه که به مرگ هفت نفر انجامید شناسایی شده بودند، پرونده کیفری تشکیل شده است.^{۱۷۳}

مقام‌ها در چارچوب کارزار انکار خود همچنین ویدیوها و عکس‌های تبلیغاتی پخش کردند که مقام‌های حکومتی، از جمله محسن رضایی، را در حال گفت‌وگو با افرادی نشان می‌داد که در جریان سرکوب اعتراضات مجروح شده و بر تخت بیمارستان بستری بودند. شرایط موجود حاکی از آن است که از این افراد مجروح بدون رضایت آزادانه و آگاهانه‌شان فیلم و عکس گرفته شده است. این ویدیوها همچنین شامل اظهاراتی بود که ظاهراً تحت اجبار از خانواده‌های قربانیان گرفته شده بود. در لابه‌لای این اظهارات، گفتار روی تصاویر روایت حکومت را تقویت می‌کرد.^{۱۷۴}

^{۱۷۲} ایسنا، «واکنش تعدادی از نمایندگان به حادثه تروریستی در ایذه»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱؛ همشهری آنلاین، «۳ نفر از عوامل اصلی حادثه تروریستی ایذه دستگیر شدند / توضیحات»، ۲۶ آبان ۱۴۰۱؛ خبرگزاری مهر، «تروریست‌های جنایت ایذه در مرز ماکو دستگیر شدند»، ۲۷ آبان ۱۴۰۱.
^{۱۷۳} ایسنا، «افزایش تعداد متهمان حادثه تروریستی ایذه به ۷۰ نفر»، ۲۶ دی ۱۴۰۱.
^{۱۷۴} تابناک، «عیادت رضایی از مصدومان حادثه تروریستی ایذه»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱؛ خبرگزاری تسنیم، «حمله تروریستی به بازار مرکزی ایذه / ۶ شهید تا این لحظه / تروریست‌ها مردم را به رگبار بستند + فیلم»، ۲۵ آبان ۱۴۰۱



عکسی منتشرشده در رسانه‌های حکومتی که محسن رضایی، معاون رئیس‌جمهور، را در حال گفت‌وگو با مردی مجروح در جریان سرکوب اعتراضات ایزده نشان می‌دهد، در حالی که رسانه‌های حکومتی از این گفت‌وگو فیلم می‌گیرند. شرایط موجود حاکی از آن است که این عکس بدون رضایت آزادانه و آگاهانه مرد مجروح گرفته شده است. © ایسنا

۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)، یک روز پس از آن که زینب مولایی‌راد در مراسم خاکسپاری پسرش شهادت تکان‌دهنده خود را بیان کرد، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مصاحبه‌ای با او پخش کرد که در آن از مردم خواست «از حرف‌های من سوءاستفاده نکنند». او همچنین گفت «خیلی‌ها از مقام‌ها قول داده‌اند موضوع را پیگیری کنند تا کسی که مسئول مرگ کیان پیرفلک بوده اعدام شود». در سال‌های بعد، او از طریق فعالیت‌هایش برای دستیابی به حقیقت و عدالت فاش کرد که برای حضور مقابل دوربین و انجام این مصاحبه تحت اجبار قرار گرفته بود.

۱۳ آذر ۱۴۰۱ (۴ دسامبر ۲۰۲۲)، یک گروه هکتیویستی با نام «بلک ریوارد» به یک فایل صوتی محرمانه از جلسه‌ای در سطح بالا میان چند مقام دست یافت که روایت حکومت درباره بازداشت‌های صورت گرفته در ارتباط با واقعه ایزده را زیر سوال می‌برد. بلک ریوارد پس از هک کردن وبسایت خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، به این فایل صوتی دست یافت. در این فایل صوتی، صدای رضا داوری، دبیرکل یک جناح سیاسی نزدیک به رهبر جمهوری اسلامی، شنیده می‌شود که می‌گوید برخلاف ادعاهای

مطرح شده، افراد بازداشت شده ارتباطی با واقعه ایذه نداشتند و فردی که در ماکو بازداشت شده بود، در واقع قاچاقچی سلاح بوده است.^{۱۷۵}

۲۹ آذر ۱۴۰۱ (۲۰ دسامبر ۲۰۲۲)، نیروهای امنیتی یک معترض، مجاهد (عباس) کورکوری، را در روستای پرسورخ در نزدیکی ایذه بازداشت کردند و متعاقباً او را «عامل اصلی حادثه تروریستی» ایذه در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲) معرفی کردند. با این حال، بر اساس اطلاعاتی که عفو بین الملل از منابع مطلع گردآوری کرده است، مجاهد کورکوری در اعتراضاتی که در ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲) در ایذه برگزار شد حضور نداشت.^{۱۷۶}

در اوایل آوریل ۲۰۲۳، یک دادگاه انقلاب در اهواز حکم داد که مجاهد (عباس) کورکوری در قتل کیان پیرفلک دست داشته است و به این دلیل و دلایل دیگر، او را به اتهام‌های «محاربه» (جنگ با خدا)، «افساد فی الارض» (فساد در زمین) و «بغی» (قیام مسلحانه علیه حکومت) به اعدام محکوم کرد. محاکمه او به شدت ناعادلانه بود. او ماه‌ها در معرض ناپدیدسازی قهری قرار گرفت و برای گرفتن «اعترافات» اجباری تحت شکنجه قرار گرفت؛ «اعترافات» که سپس در ویدیوهای تبلیغاتی رسانه‌های حکومتی ایران پخش شدند. در یکی از این ویدیوها، او روی تخت بیمارستان دیده می‌شود و بازویش باندپیچی شده است. شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور متعاقباً محکومیت و حکم اعدام او را تأیید کرد. این در حالی بود که بستگان کیان پیرفلک بارها و به‌طور علنی اعلام کردند که مجاهد (عباس) کورکوری در قتل عزیزشان دخالتی نداشته است و مسئولیت را متوجه نیروهای امنیتی ایران دانستند. مقام‌ها مجاهد (عباس) کورکوری را در ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ (۱۱ ژوئن ۲۰۲۵) به صورت خودسرانه اعدام کردند.^{۱۷۷}

۵.۱.۲(۸) استان اصفهان

در استان اصفهان، دست‌کم شش معترض، ناظر/رهگذر، پنج مرد و یک زن، در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی شده داشتند، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. این قتل‌ها در سه شهرستان رخ داد: فولادشهر،^{۱۷۸} سمیرم^{۱۷۹} و اصفهان.^{۱۸۰}

۱۷۵. بلک ریوارد، پست تلگرام: «نسخه کامل فایل صوتی «نشست شورای ائتلاف نیروهای انقلاب» (دو ساعت و نیم)»، ۱۳ آذر ۱۴۰۱ (۴ دسامبر ۲۰۲۲).

۱۷۶. عفو بین‌الملل، «ایران: مجاهد کورکوری، در معرض خطر قریب‌الوقوع اعدام در ارتباط با اعتراضات»، شناسه MDE 13/7565/2024، ۱۵ دی ۱۴۰۲ (۵ ژانویه ۲۰۲۴).

۱۷۷. عفو بین‌الملل، «ایران: اعدام خودسرانه معترض خیزش زن، زندگی، آزادی پس از محاکمه ساختگی و شکنجه»، ۲۱ خرداد ۱۴۰۴ (۱۱ ژوئن ۲۰۲۵).

۱۷۸. نام این قربانی مهسا موگویی است.

۱۷۹. نام این قربانیان علی عباسی، مراد بهرامیان و مسلم هوشنگی است.

۱۸۰. نام این قربانیان احمد شکراللهی و جواد موسوی است.

پنج قربانی به ضرب گلوله جنگی کشته شدند و دست کم یکی از آنها با ساچمه‌های فلزی هدف قرار گرفت.^{۱۸۱} وقایع مرگبار در ۳۱ شهریور، ۱۶ مهر، ۲۵ و ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر، ۸ اکتبر، ۱۶ و ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) رخ دادند؛ همزمان با الگوی سراسری دوره‌هایی که اعتراضات شدت گرفت و مقام‌ها استفاده از قوای قهریه مرگبار را تشدید کردند.

۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲) در فولادشهر، زنی به نام **مهسا موگویی** پس از آن که نیروهای امنیتی از فاصله نزدیک به سوی او ساچمه‌های فلزی شلیک کردند، کشته شد. بر اساس اطلاعاتی که عفو بین‌الملل از مرکز عبدالرحمن برومند و پرهام قبادی، روزنامه‌نگار بی‌بی‌سی فارسی که با منابع مطلع در ایران گفت‌وگو کرده بود، دریافت کرد، مهسا موگویی در حال بازگشت از یک اعتراض به خانه بود که در کوچه‌ای دور از محل اعتراض، چند فرد لباس شخصی با خودرو مقابل او توقف کردند و از فاصله نزدیک به سوی او ساچمه‌های فلزی شلیک کردند.^{۱۸۲} این منابع به این نتیجه رسیدند که افراد مزبور از اعضای نیروهای امنیتی بوده‌اند؛ از جمله به این دلیل که خودروی مورد استفاده آن‌ها یک پژو پارس بود، مدلی که مأموران لباس شخصی در ایران معمولاً از آن استفاده می‌کنند، و همچنین به این دلیل که خودرو پلاک نداشت که خود نشانه دیگری بود.



پدر مهسا موگویی با تصویر فرزندش در دست © منبع خصوصی

دو روز بعد، در ۲ مهر ۱۴۰۱ (۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲)، مقام‌ها ویدیویی تبلیغاتی پخش کردند که در آن اظهاراتی که تحت اجبار از پدر او گرفته شده بود، پخش می‌شد. او در این ویدیو می‌گفت: «دخترم به سمت خانه می‌رفت جایی که به خدا هیچ آشوبی نبود... می‌دانم که نیروهای انتظامی دخترم را نکشتند.»

دخترم به سمت خانه می‌رفت جایی که به خدا هیچ آشوبی نبود

در این ویدیوی تبلیغاتی همچنین اظهارات فردی که به‌عنوان شاهد عینی معرفی شده بود، پخش شد. او گفت: «از داخل یک خودروی پژو پارس با سلاح گرم به او شلیک شد و هیچ نیروی پلیس یا خودروی پلیسی در محل حضور نداشت.»^{۱۸۳}

در این ویدیو همچنین اظهارات اسدالله جعفری، رئیس کل دادگستری استان اصفهان، پخش شد که گفت:

۱۸۱ نام این قربانی مهسا موگویی است.

۱۸۲ بی‌بی‌سی فارسی، پست اینستاگرام: «مهسا موگویی، نوجوان ۱۹ ساله‌ای بود که در هفته اول اعتراضات سراسری اخیر در فولادشهر اصفهان کشته شد»، ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۲؛ مرکز عبدالرحمن برومند برای حقوق بشر در ایران، «مهسا موگویی» (آخرین دسترسی: ۲۴ مرداد ۱۴۰۵ / ۱۵ اوت ۲۰۲۶).

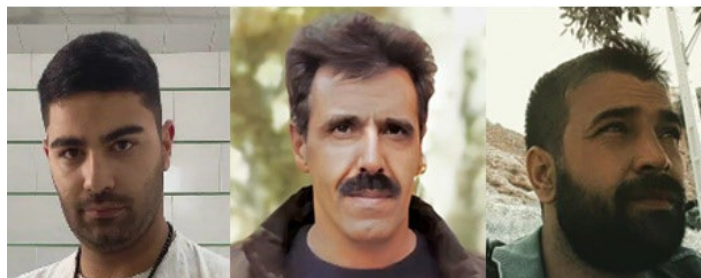
۱۸۳ خبرگزاری حوزه، «افشای دروغ بزرگ رسانه‌ای | روایت شاهدان عینی از کشته شدن مهسا موگویی + فیلم»، ۲ مهر ۱۴۰۱ (۲۴ سپتامبر ۲۰۲۲).

«تحقیقات از همان ساعات اولیه شروع میشه، آنچه که تا به حال از نتیجه تحقیقات به دست آمده این است که ایشان در محل تجمع و اغتشاش نبوده و فاصله داشته است. تیراندازی توسط افراد ناشناس توسط سلاح [پرسیده با] ساچمه [های فلزی] انجام گرفته که ما نمونه این را در این چند روز گذشته داشتیم ... دو تیم از کارآگاهان مجرب استان مشغول و سرگرم بررسی مسئله و موضوع هستند. قطعاً دستگاه قضایی تحقیقات کامل و دقیق انجام خواهد داد. جهت شناسایی عاملین اصلی شکایتی هم خانواده ایشان مطرح کردند.»^{۱۸۴}

خانواده مهسا موگویی بعداً فاش کردند که این اظهارات تحت اجبار گرفته شده بود. در ۱۰ آبان ۱۴۰۱ (۱۱ نوامبر ۲۰۲۲)، پدر او ویدیویی منتشر کرد و خطاب به مقام‌ها گفت:

«مهسا موگویی به دست نیروهای لباس شخصی به شهادت شد. می‌خواهم بدانم گناه دخترم چی بود؛ او با دست خالی اعتراض می‌کرد و بدنش را تیر باران کردید... ۴۰ روز است که رفتم و آمدم، [مقام‌ها] جواب درستی به من نداده‌اند... دادخواهی می‌کنم... نمی‌توانم ساکت بنشینم.»^{۱۸۵}

در سمیرم، سه قربانی، علی عباسی، مراد بهرامیان و مسلم هوشنگی، شامگاه ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲)، در جریان سرکوب اعتراضاتی که در نزدیکی میدان ماندگار برگزار شد، به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شدند. در اظهارات رسمی که در واکنش به اعتراض عمومی نسبت به این قتل‌ها در این شهر کوچک بیان شد، مراد الیاس‌پور، فرماندار سمیرم،



علی عباسی (چپ)، مراد بهرامیان (وسط) و مسلم هوشنگی (راست) © منبع خصوصی

تأیید کرد که در آن روز، نیروهای فراجا در سمیرم و سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان سمیرم از مقام‌های استانی درخواست نیروی کمکی کرده بودند و این درخواست پذیرفته شده بود.^{۱۸۶} او همچنین تأیید کرد که در جریان اعتراضات، تفنگ‌های جنگی و تفنگ‌های ساچمه‌زن با ساچمه‌های فلزی شلیک شده و در نتیجه دست کم سه نفر کشته و افراد دیگری مجروح شده‌اند. با این حال، او مسئولیت نیروهای امنیتی در این تیراندازی‌ها را رد کرد و مدعی شد که «نیروهای امنیتی سلاح جنگی حمل نمی‌کنند و مجاز به استفاده از چنین سلاح‌هایی نیستند.»^{۱۸۷}

۱۸۴ فصل ۱۱ درباره مصونیت مستمر از مجازات را ببینید، از جمله الگوی اظهارات اولیه رسمی مبنی بر انکار مسئولیت و اعلام انجام تحقیقاتی که در ماه‌ها و سال‌های بعد به پاسخ‌گویی منجر نشدند.

۱۸۵ ایران اینترنشنال، پست در شبکه اجتماعی ایکس: «پدر مهسا موگویی، از کشته‌شدگان اعتراضات فولادشهر اصفهان»، ۱۰ آبان ۱۴۰۱ (۱۱ نوامبر ۲۰۲۲).

۱۸۶ خبربان، «فرماندار: در جریان ۳ روز ناآرامی در سمیرم، سپاه از مرکز درخواست نیروی کمکی کرد»، ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲).

۱۸۷ خبربان، «فرماندار: در جریان ۳ روز ناآرامی در سمیرم، سپاه از مرکز درخواست نیروی کمکی کرد»، ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲).

معترضان و خانواده‌های قربانیان روایت حکومت را رد کردند و مراسم خاکسپاری و مراسم‌های یادبود بعدی قربانیان در سمیرم با حضور گسترده مردم محلی برگزار شد.^{۱۸۸}

شرکت‌کنندگان در این مراسم شعارهایی از جمله «مرگ بر خامنه‌ای» و «جون‌مون دست‌مونه، ظلم و ستم بسه‌مونه» سر دادند.^{۱۸۹}

در اصفهان، دو مرد به ضرب گلوله کشته شدند. یکی از آن‌ها، **احمد شکراللهی**، ۱۶ مهر ۱۴۰۱ (۸ اکتبر ۲۰۲۲)، هنگامی که برای بردن مادرش به بیمارستان از منطقه‌ای عبور می‌کرد که اعتراضات در آن جریان داشت، هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. این اطلاعات را عفو بین‌الملل از فرین عاصمی، روزنامه‌نگار بی‌بی‌سی فارسی که با یک منبع مطلع در ایران گفت‌وگو کرده بود، به دست آورده است. قربانی دیگر، **جواد موسوی**، در ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲)، در جریان اعتراضاتی که به مناسبت چهلیم نخستین معترض کشته‌شده در اصفهان برگزار شده بود، کشته شد. بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی ایران‌وایر، یک رسانه مستقل خارج از ایران، نیروهای امنیتی جواد موسوی را در حالی که می‌کوشید به خانه‌ای پناه ببرد، تعقیب کردند و به او شلیک کردند.^{۱۹۰}

۵.۱.۲(۹) استان فارس

در استان فارس، دست‌کم شش معترض، همگی مرد، در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات یا در مناطقی نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که مدت کوتاهی از پایان آن‌ها گذشته بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضوری نظامی‌شده داشتند، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. پنج نفر در شیراز^{۱۹۱} و یک نفر در مرودشت^{۱۹۲} کشته شدند.

پنج نفر از این شش قربانی به ضرب گلوله کشته شدند. دست‌کم یکی از این پنج نفر با ساچمه‌های فلزی هدف قرار گرفت.^{۱۹۳} قربانی ششم بر اثر ضرب و شتم جان باخت.^{۱۹۴} چهار مورد از این وقایع مرگبار بین ۲۴ تا ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ تا ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲) و دو مورد دیگر در ۳۱ شهریور و ۲۳ مهر ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر و ۱۵ اکتبر ۲۰۲۲) رخ دادند؛ الگویی همسو با دوره‌های اوج‌گیری اعتراضات در سراسر کشور که مقام‌ها در آن‌ها استفاده از قوای قهریه مرگبار را تشدید کردند.

۱۸۸ صدای آمریکا، «سخنرانی خواهر علی عباسی برای جمعیتی انبوه: جوان‌های ایران‌خاتون مثل ققنوس می‌مونن»، ۸ دی ۱۴۰۱ (۲۹ دسامبر ۲۰۲۲).

۱۸۹ صدای آمریکا، «شعار مرگ بر خامنه‌ای در سمیرم؛ خاکسپاری دو کشته‌شده اعتراضات این شهر»، ۲۷ آبان ۱۴۰۱؛ ایران اینترنشنال، پست در شبکه اجتماعی ایکس: «ویدیوی رسیده به ایران اینترنشنال از مراسم خاکسپاری علی عباسی، از کشته‌شدگان اعتراضات سمیرم»، ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲).

۱۹۰ ایران‌وایر، «چشم‌هایش؛ سید جواد موسوی را با شلیک به چشم‌هایش کشتند»، ۲۳ اسفند ۱۴۰۱ (۱۴ مارس ۲۰۲۳).

۱۹۱ نام این قربانیان عبارت است از: امیررضا اولادی، اسماعیل شنبه‌دی، حسین شیرازی‌پور، امید مویدی و سجاد قائمی بهمن‌بیگلو.

۱۹۲ نام این قربانی آرمان عمادی است.

۱۹۳ نام این قربانی امیررضا اولادی است.

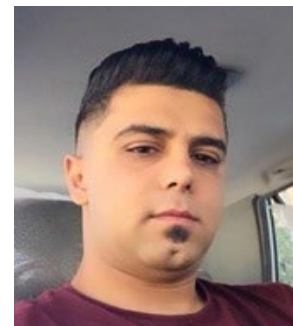
۱۹۴ نام این قربانی اسماعیل شنبه‌دی است.



امیرضا اولادی @منبع خصوصی

دست کم یک معترض در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲)، در نخستین روز اعتراضات در شیراز، کشته شد. مقام‌های ایران مدعی شدند که قربانی، **امیررضا اولادی**، از مأموران گردان‌های بسیج سپاه پاسداران بوده که به دست «اغتشاشگران» کشته شده است.^{۱۹۵} با این حال، روایت یک شاهد عینی که یک فعال در اختیار عفو بین‌الملل قرار داد، با روایت رسمی در تناقض بود. این شاهد عینی امیررضا اولادی را معترضی توصیف کرد که هنگام تعقیب و گریز با نیروهای امنیتی، پس از آن که این نیروها تجمعی در بلوار میرزایی را به‌طور خشونت‌آمیز متفرق کرده بودند، با ساچمه‌های فلزی هدف قرار گرفت.

در ۲۳ مهر ۱۴۰۱ (۱۵ اکتبر ۲۰۲۲)، قربانی دیگری به نام **اسماعیل شنبیدی** در خیابان قآنی شیراز، جایی که پس از اعتراضات اخیر در همان نزدیکی، نیروهای امنیتی حضوری نظامی شده داشتند، به دست این نیروها دچار جراحات مرگبار شد. یک منبع مطلع در ایران با نام شیدا به عفو بین‌الملل گفت که در ساعات اولیه ۲۳ مهر، اسماعیل شنبیدی و دوستش سوار بر موتورسیکلت در خیابان در حرکت بودند.



اسماعیل شنبیدی @منبع خصوصی

که با اعضای یگان ویژه فراجا که در خیابان مستقر بودند روبه‌رو شدند. آن‌ها هنگام عبور از مقابل نیروها شعار دادند. در واکنش، نیروهای یگان ویژه شروع به تعقیب آن‌ها کردند و به سویشان ساچمه‌های فلزی شلیک کردند. به گفته شیدا، هنگامی که اسماعیل شنبیدی و دوستش می‌کوشیدند فرار کنند، نیروهای یگان ویژه که آن‌ها را تعقیب می‌کردند با خودروی خود به موتورسیکلت زدند و باعث شدند اسماعیل شنبیدی به زمین بیفتد و بر اثر برخورد دچار جراحات ستون فقرات شود. مأموران سپس او را به‌شدت مورد ضرب‌وشتم قرار دادند. او دچار چندین جراحات جدی، از جمله شکستگی دنده‌ها، آسیب ریه، خونریزی داخلی، جراحات سر و نارسایی کلیه شد. نیروهای امنیتی سپس با آمبولانس تماس گرفتند و او در وضعیت وخیم به بیمارستان رجایی منتقل شد. اسماعیل شنبیدی چند روز بعد، در ۲۷ مهر ۱۴۰۱ (۱۹ اکتبر ۲۰۲۲)، بر اثر جراحات وارده جان باخت.

سه قربانی دیگر در شیراز، **امید مویدی**، **حسین شیرازی‌پور** و **سجاد قائمی بهمن‌بیگلو**، و قربانی مروت، **آرمان عمادی**، بین ۲۴ تا ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ تا ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)، در دوره‌ای از اعتراضات سراسری کشته شدند.



امید مویدی (چپ)، حسین شیرازی‌پور (وسط) و سجاد قائمی بهمن‌بیگلو (راست) @منبع خصوصی

۱۹۵. فارس، «امید مویدی از شاخص‌های معرفی به عنوان شهید برخوردار است»، ۳۰ آبان ۱۴۰۱؛ خبرگزاری تسنیم، «شهادت تضمین‌کننده پایداری و ماندگاری اسلام و انقلاب اسلامی است»، ۴ مهر ۱۴۰۱؛ خبرگزاری فارس، «شهادت؛ پاداش جوان ۲۴ ساله شیرازی»، ۲۷ شهریور ۱۴۰۲.

امید مویدی در ۲۴ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ نوامبر ۲۰۲۲)، در جریان سرکوب اعتراضات در بلوار زرهی و بلوار پاسداران در نزدیکی درمانگاه محمد رسول‌الله در شیراز کشته شد. یک منبع مطلع در ایران با نام اردلان به عفو بین‌الملل گفت که امید مویدی پس از برخورد یک خودروی نیروهای امنیتی با او به زمین افتاد. به گفته اردلان، سپس چند تن از نیروهای امنیتی سوار بر موتورسیکلت به محل رسیدند، ابتدا او را با باتوم زدند و پس از آن از فاصله کمتر از دو متر به او شلیک کردند. عفو بین‌الملل نسخه‌ای از جواز دفن امید مویدی را بررسی کرد که علت مرگ را «شوک کم حجمی»، «سوراخ‌شدگی احشاء داخلی» و «برخورد جسم پرتابی - نفوذی ساچمه‌ای» ذکر کرده بود.

۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۲۱ نوامبر ۲۰۲۲)، لطف‌الله شیبانی، فرماندار وقت شیراز، مرگ امید مویدی را تأیید کرد. با این حال، او واقعیت‌های مربوط به علت و شرایط مرگ او را تحریف کرد و گفت:

«امید زارع مویدی^{۱۹۶} در زمان عبور از خیابان معالی‌آباد شیراز در حین درگیری ماموران و اغتشاشگران مسلح، با سلاح گرم جان باخته است و همچنانکه شناسایی ضارب یا ضاربانی وی در حال بررسی است، بررسی‌ها گویای عدم همراهی وی با اغتشاشگران بوده است.»^{۱۹۷}

سجاد قائمی بهمن‌بیگلو، ۲۵ آبان ۱۴۰۱ در جریان اعتراضات در خیابان معالی‌آباد یا اطراف آن، جایی که اعتراضات به‌طور مکرر برگزار می‌شد، به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد. وحید شعبانی، مدیرکل دفتر امنیتی و انتظامی استانداری فارس، در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)، مرگ سجاد قائمی بهمن‌بیگلو را تأیید کرد. او با این حال، مدعی شد که قربانی «جزو اغتشاشگران و معترضان نبوده است.» وی گفت:

«این شهروند [سجاد قائمی بهمن‌بیگلو] در حال عبور و گذر از خیابان معالی‌آباد از کانون‌های اغتشاشات بوده است که دچار آسیب شده و به بیمارستان منتقل شده است. بلیغات ضدانقلاب مبنی بر اینکه این جوان در صف آشوبگران ۲۵ آبان بوده است، صحت ندارد.»^{۱۹۸}

سه روز بعد، در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)، حسین شیرازی‌پور در جریان سرکوب اعتراضاتی که در چارچوب مراسم خاکسپاری سجاد قائمی بهمن‌بیگلو در قبرستان کشن شیراز برگزار شده بود، به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شد. این اطلاعات را ایران اینترنشنال با استناد به یک منبع مطلع نزدیک به خانواده حسین شیرازی‌پور منتشر کرد. در ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰

۱۹۶ در حالی که مقام‌ها از قربانی با نام «امید زارع مویدی» یاد کردند، اما عفو بین‌الملل نام او را مطابق املائی درج‌شده در گواهی دفن و سنگ مزارش «امید مویدی» ثبت کرده است.

۱۹۷ ایرنا، «فرد جان‌باخته در معالی‌آباد، شاخص‌های معرفی به عنوان شهید را دارد»، ۳۰ آبان ۱۴۰۱؛ همچنین فصل ۱۱ درباره مصونیت نظام‌مند از مجازات را ببینید، از جمله الگوی اظهارات اولیه رسمی مبنی بر انکار مسئولیت و اعلام انجام تحقیقاتی که در ماه‌ها و سال‌های بعد به پاسخ‌گویی منجر نشدند.

۱۹۸ عصر ایران، «استانداری فارس: سجاد قائمی، جان‌باخته در شیراز در صف معترضان نبوده»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱؛ همچنین فصل ۱۱ درباره مصونیت نظام‌مند از مجازات را ببینید، از جمله الگوی اظهارات اولیه رسمی مبنی بر انکار مسئولیت و اعلام انجام تحقیقاتی که در ماه‌ها و سال‌های بعد به پاسخ‌گویی منجر نشدند.

نوامبر ۲۰۲۲)، لطف‌الله شیبانی، فرماندار وقت شیراز، بدون ذکر نام قربانی، مرگ یک مرد را در جریان وقایع قبرستان کشن تأیید کرد. با این حال، او واقعیت‌های مربوط به علت و شرایط مرگ او را تحریف کرد و گفت:

«یک مرد [حسین شیرازی‌پور] که در حال عبور در محدوده آرامستان کشن شیراز بوده مورد اصابت ساچمه قرار گرفته و زخمی شده است. این مرد به مراکز درمانی انتقال داده شده که بر اثر شدت جراحات وارده... جان خود را از دست داده است... این فرد یک رهگذر و از کسبه محل بوده که تعمیرگاه تنظیم موتور خودرو داشته و از اغتشاشگران نبوده است... شناسایی و دستگیری قاتلان این فرد در دستور کار کارآگاهان پلیس قرار دارند... شناسایی و بازداشت عاملان مسئول مرگ او در دستور کار کارآگاهان پلیس قرار دارد.»^{۱۹۹}

۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲)، در مرودشت، آرمان عمادی پس از آن‌که نیروهای امنیتی ساچمه‌های فلزی به سرش شلیک کردند، دچار جراحات مرگبار شد. این اطلاعات را روزنامه‌نگاری که با یک منبع مطلع در ایران گفت‌وگو کرده بود، در اختیار عفو بین‌الملل قرار داد. مرگ او سه روز بعد، در ۲۸ آبان ۱۴۰۱، اعلام شد. عفو بین‌الملل یک تصویر اشعه ایکس را بررسی کرد که ده‌ها ساچمه را در ناحیه جمجمه و صورت نشان می‌داد. این سازمان همچنین گزارش پزشکی قانونی صادرشده از سوی سازمان پزشکی قانونی ایران، به تاریخ ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲) را بررسی کرد که در آن آمده بود آرمان عمادی بر اثر «آسیب به بافت مغز»، «شکستگی استخوان کاسه چشم» و «برخورد پرتابه نافذ، ساچمه فلزی» جان باخته است.



آرمان عمادی @منبع خصوصی

۵.۱.۲(۱۰) سایر استان‌ها

عفو بین‌الملل نام و مشخصات دست‌کم ۲۱ معترض، ناظر و رهگذر دیگر، ۱۷ مرد، یک زن و سه کودک پسر، را ثبت کرده است که در جریان متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات یا در مناطق نظامی‌شده، در ۱۵ شهرستان واقع در ۱۲ استان دیگر، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. این مناطق عبارتند از: تبریز در استان آذربایجان شرقی؛^{۲۰۰} همدان در استان همدان؛^{۲۰۱} پارسین^{۲۰۲} و قشم،^{۲۰۳} هر دو در استان هرمزگان؛ ایلام در استان ایلام؛^{۲۰۴} مشهد^{۲۰۵} و قوچان،^{۲۰۶} هر دو در استان خراسان رضوی؛ بجنورد در

۱۹۹ ایرنا، «از شایعه تا واقعیت درگیری در محله کشن شیراز»، ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲).

۲۰۰ نام این قربانیان علی عراقی و آسان معدن‌پسند است.

۲۰۱ نام این قربانی حمید صانعی‌پور است.

۲۰۲ نام این قربانی حامد مولایی است.

۲۰۳ نام این قربانی حامد صدیقی است.

۲۰۴ نام این قربانی محسن قیصری است.

۲۰۵ نام این قربانی ابوالفضل عادی‌نژاد است.

۲۰۶ نام این قربانیان علی مظفری و مهدی بیرنژاد است.

استان خراسان شمالی؛^{۲۰۷} دهدشت در استان کهگیلویه و بویراحمد؛^{۲۰۸} خرم‌آباد در استان لرستان؛^{۲۰۹} اراک در استان مرکزی؛^{۲۱۰} الوند^{۲۱۱} و قزوین،^{۲۱۲} هر دو در استان قزوین؛ گرمسار در استان سمنان؛^{۲۱۳} و زنجان در استان زنجان.^{۲۱۴}

از میان این ۲۱ قربانی، ۱۵ نفر به ضرب گلوله کشته شدند که دست کم چهار نفر^{۲۱۵} از آن‌ها با اصابت ساچمه‌های فلزی جان باختند؛ یک نفر نیز بر اثر اصابت کپسول گاز اشک‌آوری که از فاصله نزدیک به سوی او شلیک شده بود، جان باخت.^{۲۱۶} پنج نفر دیگر بر اثر ضرب و شتم جان خود را از دست دادند.^{۲۱۷}

۱۲ نفر از ۲۱ قربانی ثبت شده در این استان‌ها، یعنی بیش از نیمی از کل آن‌ها، در همان روزهای نخست اعتراضات، بین ۲۹ تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۰ تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲)، به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. به جز یک نفر، همه آن‌ها در شرایطی به ضرب گلوله نیروهای امنیتی کشته شدند که هیچ تهدید قریب‌الوقوعی علیه جان کسی وجود نداشت؛ امری که نشان می‌دهد نیروهای امنیتی از همان آغاز، به‌طور غیرقانونی از سلاح گرم به‌عنوان ابزاری برای متفرق کردن و سرکوب اعتراضات استفاده کردند.^{۲۱۸}

آخرین قربانی از این جمع، ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ (۲۰ سپتامبر ۲۰۲۲)، در جریان اعتراضات در تبریز، استان آذربایجان شرقی، بر اثر ضرب و شتم جان باخت.^{۲۱۹} یک شاهد عینی با نام سامان به عفو بین‌الملل گفت که نیروهای امنیتی با چوب ضربه‌ای مرگبار به سر او وارد کردند. روز بعد، مقام‌ها به‌طور کلی مسئولیت خود را انکار کردند و مرگ او را به سکتة قلبی نسبت دادند.^{۲۲۰}

۲۰۷ ام این قربانی امیرحسین مصدق شریف‌پور است.

۲۰۸ نام این قربانیان مهرداد بهنام‌اصل و پدram آذرنوش است.

۲۰۹ نام این قربانی سپهر بیرانوند است.

۲۱۰ نام این قربانیان علیرضا کریمی و سینا ملایری است.

۲۱۱ نام این قربانی علیرضا فتحی است.

۲۱۲ نام این قربانی جواد حیدری است.

۲۱۳ نام این قربانی محمدمهدی عسگری است.

۲۱۴ نام این قربانیان مهدی موسوی‌نیکو، مهرداد قربانی و رسول حدادی است.

۲۱۵ نام این قربانیان عبارت است از: ابوالفضل عادی‌نژاد، حمید صانعی‌پور، مهدی موسوی‌نیکو و محسن قیصری.

۲۱۶ نام این قربانی رسول حدادی است.

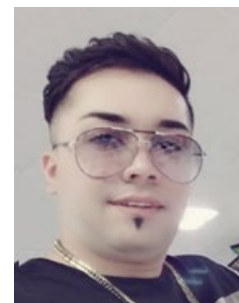
۲۱۷ نام این قربانیان عبارت است از: علیرضا کریمی، امیرحسین مصدق شریف‌پور، آيسان معدن‌پسند، علی عراقی و سینا ملایری.

۲۱۸ نام این قربانیان عبارت است از: علی مظفری، علیرضا فتحی، حمید صانعی‌پور، جواد حیدری، مهدی بیرنژاد، مهدی موسوی‌نیکو، مهرداد بهنام‌اصل، مهرداد قربانی، محمدمهدی عسگری، محسن قیصری و پدram آذرنوش.

۲۱۹ نام این قربانی آيسان معدن‌پسند است.

۲۲۰ خبرگزاری مهر، «خانواده آيسان معدن‌پسندی: از داغ فرزند مردم سوءاستفاده نکنید»، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲).

دو ویدیو لحظاتی را ثبت کرده‌اند که در آن **مهرداد بهنام اصل**، یک ناظر/رهگذر، در جریان اعتراضات دهم‌دشت در استان کهگیلویه و بویراحمد در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲) هدف گلوله قرار گرفت.



مهرداد بهنام اصل @منبع خصوصی

ویدیوی نخست جمعیتی از رهگذران، از جمله کودکان، را نشان می‌دهد که در پیاده‌رو تجمع کرده‌اند، در حالی که برخی معترضان در قسمت جلو در حال دویدن و فیلم‌برداری از صحنه‌اند و چند نفر نیز سنگ پرتاب می‌کنند.^{۲۲۱} در تصاویر، صدای مکرر تیراندازی شنیده می‌شود. مردی که بعداً مشخص شد مهرداد بهنام اصل است، پشت به دوربین در میان جمعیت رهگذران ایستاده است. پس از آن که او ناگهان در میان داد و فریادها روی زمین می‌افتد، ویدیو قطع می‌شود.

ویدیوی دوم همان واقعه را از زاویه‌ای دیگر ثبت کرده است.^{۲۲۲} این ویدیو همان جمعیت رهگذران، از جمله مهرداد بهنام اصل، را در حال تماشای صحنه نشان می‌دهد و سپس، همزمان با افتادن او روی زمین، جمعیت بلافاصله متفرق می‌شود.

۲۲۱ من‌وتو، پست فیسبوک: «لحظه شلیک به مهرداد بهنام در دهم‌دشت...»، ۲۵ آذر ۱۴۰۱ (۱۶ دسامبر ۲۰۲۲)
۲۲۲ IRN280، ویدیوی موجود در پرونده عفو بین‌الملل.



چهار تصویر ثابت از دو ویدیو که صحنه‌ای را ثبت کرده‌اند که در آن یک رهگذر به نام مهرداد بهنام اصل در جریان اعتراضات ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲) در دهمدشت، استان کهگیلویه و بویراحمد، هدف گلوله قرار گرفت. تصویر نخست (بالا سمت چپ) صحنه‌ای را نشان می‌دهد که پشت به دوربین، در کنار فرد دیگری ایستاده است. تصویر سوم (پایین سمت چپ) همان صحنه تصویر دوم را از زاویه‌ای دیگر نشان می‌دهد. تصویر چهارم (پایین سمت راست) مهرداد بهنام را در حال فروریختن بر زمین نشان می‌دهد.

الگوهای رفتار غیرقانونی که خطر مرگ را بیش از پیش افزایش می‌داد، از جمله این‌که نیروهای امنیتی قربانیان مجروح را در حال خونریزی، بدون رسیدگی رها می‌کردند و مانع درمان اورژانسی آن‌ها می‌شدند، از همان روزهای نخست سرکوب مرگبار، از جمله در این ۱۲ استان، نیز مشهود بود و البته در سراسر دوره سه‌ماهه اعتراضات مستند شد.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل



جواد حیدری @منبع خصوصی

برای نمونه، بر اساس اطلاعات دریافت شده از یک منبع مطلع، پس از آن که جواد حیدری در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲) در قزوین، استان قزوین، به ضرب گلوله نیروهای امنیتی دچار جراحات مرگبار شد، نیروهای امنیتی ابتدا او را به کلانتری بردند و تازه پس از چند ساعت او را به بیمارستان منتقل کردند. در نسخه‌ای از جواز دفن او که عفو بین‌الملل بررسی کرد، علت مرگ «خونریزی شدید داخلی» ناشی از «پارگی شریان تهیگاهی چپ» ذکر شده است. این موضوع با اطلاعاتی که عفو بین‌الملل از یک شاهد عینی با نام فرامرز در قزوین دریافت کرد، مطابقت دارد. فرامرز گفت او دید که نیروهای امنیتی در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ مانع انتقال مردی مجروح به بیمارستان شدند که هدف گلوله قرار گرفته بود و بعداً فهمید او جواد حیدری بوده است. فرامرز گفت:

«تعداد زیادی مأمور لباس شخصی دور آن فرد جمع شده بودند. اجازه نمی‌دادند مردم کنار او توقف کنند و هر کسی را که سعی می‌کرد این کار را بکند با شوکر مورد حمله قرار می‌دادند... از این که همین‌طور رهایش کردند تا بمیرد، خشمگینم.»

این ۱۲ استان نیز مانند سایر نقاط کشور از مهر تا دی ۱۴۰۱ (اکتبر، نوامبر و دسامبر ۲۰۲۲) همچنان شاهد سرکوب‌های خشونت‌آمیز بودند و در برخی دوره‌ها استفاده از قوای قهریه مرگبار شدت گرفت. پنج قربانی به دست نیروهای امنیتی در نوامبر ۲۰۱۹ کشته شدند؛ بیشتر آن‌ها در ۲۵ و ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ و ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲)، زمانی که اعتراضات به مناسبت سالگرد اعتراضات سراسری سال ۱۳۹۸ برگزار می‌شد. سه نفر از آن‌ها به ضرب گلوله کشته شدند،^{۲۲۳} و دو نفر دیگر بر اثر ضرب و شتم جان باختند.^{۲۲۴}

چهار قربانی دیگر در ۱۶ و ۳۰ مهر، ۴ آبان و ۱۵ آذر ۱۴۰۱ (۸ و ۲۲ اکتبر، ۲۶ اکتبر و ۶ دسامبر ۲۰۲۲) به دست نیروهای امنیتی کشته شدند. دو نفر بر اثر ضرب و شتم جان باختند،^{۲۲۵} یک نفر با ساچمه‌های فلزی به‌طور مرگبار هدف قرار گرفت،^{۲۲۶} و یک نفر بر اثر اصابت کپسول گاز اشک‌آور جان باخت.^{۲۲۷} در بیشتر این روزها، همزمان با اوج‌گیری اعتراضات به دلایل مختلف، سرکوب مرگبار در نقاط مختلف کشور نیز جریان داشت؛ از جمله در پی فراخوان‌های هماهنگ برای برگزاری اعتراضات سراسری در ۱۶ مهر ۱۴۰۱ (۸ اکتبر ۲۰۲۲)، چهلمین روز پس از جان‌باختن ژینا مهسا امینی در ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲)، و اعتراضات پیرامون روز دانشجو در ۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۷ دسامبر ۲۰۲۲).

۲۲۳ نام این قربانیان حامد ملایی، حامد صدیقی و سپهر بیرانوند است.

۲۲۴ نام این قربانیان علی عراقی و علیرضا کریمی است.

۲۲۵ نام این قربانیان امیرحسین مصدق شریف‌پور و سینا ملایی است.

۲۲۶ نام این قربانی ابوالفضل عادی‌نژاد است.

۲۲۷ نام این قربانی رسول حدادی است.

۵.۱.۳ مرگ‌های در بازداشت

مسئولیت حکومت در قبال مرگ‌های در بازداشت

همان‌طور که در ادامه به تفصیل آمده است، گزارشگران ویژه سازمان ملل، کمیته حقوق بشر سازمان ملل و دادگاه‌های منطقه‌ای حقوق بشر همواره بر این اصل تأکید کرده‌اند که در موارد مرگ در بازداشت، مسئولیت حکومت مفروض است، مگر آن که این مسئولیت بر اساس تحقیقی مستقل، بی‌طرفانه، مؤثر، جامع و شفاف که مطابق با «اصول سازمان ملل برای پیشگیری مؤثر و تحقیق درباره اعدام‌های فراقضایی، خودسرانه و شتابزده»^{۲۲۸} و «پروتکل مینه‌سوتا درباره تحقیق در مورد مرگ‌های بالقوه غیرقانونی»^{۲۲۹} انجام شده باشد، رد شود.

مرگ در بازداشت به مواردی اطلاق می‌شود که «هنگامی رخ داده باشد که فرد در بازداشت یا تحت نگهداری حکومت، نهادها یا مأموران آن بوده است. این موارد، برای نمونه، شامل تمامی موارد مرگ افرادی می‌شود که در زندان‌ها، سایر اماکن بازداشت، رسمی یا غیررسمی، و دیگر مراکزی در بازداشت بوده‌اند که حکومت در آن‌ها کنترل بیشتری بر زندگی افراد اعمال می‌کند.»^{۲۳۰}

دبیرکل سازمان ملل متحد گفته است:

«در محیط بازداشت، حکومت وظیفه‌ای مضاعف برای تضمین و رعایت حق حیات دارد. از این رو، در موارد مرگ در بازداشت، فرضی قابل رد مبنی بر مسئولیت حکومت، چه در نتیجه فعل و چه ترک فعل، وجود دارد. برای رد این استنباط، حکومت باید به‌طور ایجابی نشان دهد که مسئولیتی نداشته است و موظف است تحقیق کند و یافته‌های خود و شواهد موید آن‌ها را به‌طور عمومی منتشر کند.»^{۲۳۱}

کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز به همین ترتیب گفته است:

«از دست رفتن جان فرد در بازداشت، در شرایط غیرطبیعی، این فرض را ایجاد می‌کند که مقام‌های حکومتی به‌طور خودسرانه او را از حق حیات محروم کرده‌اند؛ فرضی که تنها بر مبنای تحقیقی صحیح که نشان دهد حکومت به تعهدات خود ذیل ماده ۶ عمل کرده است، قابل رد خواهد بود.»^{۲۳۲}

۲۲۸ قطعنامه ۶۵/۱۹۸۹ شورای اقتصادی و اجتماعی، اصول پیشگیری مؤثر و تحقیق درباره اعدام‌های فراقضایی، خودسرانه و شتابزده، ۳ خرداد ۱۳۶۸ (۲۴ مه ۱۹۸۹).
۲۲۹ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، پروتکل مینه‌سوتا درباره تحقیق در مورد مرگ‌های بالقوه غیرقانونی (۲۰۱۶): نسخه بازنگری‌شده راهنمای سازمان ملل متحد برای پیشگیری مؤثر و تحقیق درباره اعدام‌های فراقضایی، خودسرانه و شتابزده (پروتکل مینه‌سوتا)، ۲۰۱۷، ص. ۲۲.
۲۳۰ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، پروتکل مینه‌سوتا (پیش‌تر ذکر شده)، ص. ۱.
۲۳۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه ۲۶۱/۶۸، اصول بنیادین آمار رسمی، مصوب ۹ بهمن ۱۳۹۲ (۲۹ ژانویه ۲۰۱۴)، سند سازمان ملل A/68/261، بند ۵۲، با استناد به گزارش گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه، ۷ خرداد ۱۳۸۸ (۲۸ مه ۲۰۰۹)، سند سازمان ملل A/HRC/11/2/Add.5، بند ۴۲.
۲۳۲ کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد، نظر عمومی شماره ۳۶ (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۲۹.

تحقیقات را باید نهادی تخصصی، مستقل و بی‌طرف، بی‌درنگ و به شیوه‌ای مؤثر، جامع و شفاف انجام دهد. گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه گفته است:

«هدف اصلی، کشف حقیقت درباره شرایط منتهی به مرگ است. این امر شامل شناسایی فرد متوفی، تعیین علت و چگونگی مرگ، و در نتیجه تمایز میان قتل، خودکشی، مرگ بر اثر حادثه و مرگ طبیعی است؛ با این ملاحظه همیشگی که آن‌چه ظاهراً مرگی طبیعی به نظر می‌رسد، ممکن است در واقع ناشی از شرایط زندان بوده یا این شرایط در وقوع آن نقش داشته باشد. تحقیق می‌تواند به تعقیب و مجازات افراد مسئول کمک کند، به جبران مؤثر برای بستگان نزدیک منجر شود و از تکرار مرگ‌های مشابه جلوگیری کند... از آن‌جا که فرض بر این است که تمامی موارد مرگ زندانیان غیرقانونی هستند، محل مرگ یک زندانی باید صحنه جرم تلقی شود. پیش از انجام کالبدشکافی، یک پزشک آموزش‌دیده پزشکی قانونی باید در محل حاضر شود و ترجیحاً پیکر همچنان در همان وضعیت و محل اولیه باقی مانده باشد. در همه موارد باید کالبدشکافی انجام شود. پزشکان قانونی باید به تمامی شواهد و اطلاعاتی که برای تحقیقات خود مرتبط تشخیص می‌دهند دسترسی داشته باشند.»^{۲۳۳}

افزون بر این، مقام‌های حکومتی باید اطمینان حاصل کنند که تمامی سوابق و منابع بالقوه شواهد گردآوری و محفوظ نگه داشته شده و در اختیار بازرسان قرار می‌گیرد. این موارد شامل سوابق پزشکی، ثبت ورود و خروج ملاقات‌کنندگان، تصاویر دوربین‌های مداربسته، وسایل متعلق به فرد متوفی و سایر منابع مرتبط اطلاعاتی است.^{۲۳۴}

رعایت حق حیات مستلزم شفافیت کامل تحقیقات و پاسخ‌گویی در قبال تمامی موارد مرگ در زندان‌هاست. گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه درباره نحوه برخورد با اعضای خانواده گفته است:

«بستگان نزدیک فرد متوفی باید در نخستین فرصت ممکن از مرگ زندانی مطلع شوند، با آن‌ها مشورت شود و به‌طور منظم در جریان امور قرار گیرند. مرجع مستقل تحقیق باید تمامی تحولات مهم را به شیوه‌ای هماهنگ و محترمانه به اطلاع آن‌ها برساند. همچنین باید در طول تحقیقات حمایت مناسبی از بستگان نزدیک صورت گیرد و دین و فرهنگ آن‌ها در نظر گرفته شود. باید به آن‌ها اجازه داده شود نماینده‌ای در جریان کالبدشکافی حضور داشته باشد. اگر بخواهند پیش و/یا پس از کالبدشکافی با پزشک قانونی صحبت کنند، باید چنین فرصتی در اختیارشان قرار گیرد... در سراسر تحقیقات، همه افراد دخیل باید حرمت فرد متوفی را رعایت کنند. پس از تکمیل تحقیقات، پیکر فرد متوفی، همراه با تمامی وسایل شخصی او، باید در اسرع وقت و به شیوه‌ای همراه با همدلی به بستگان نزدیک تحویل داده شود.»^{۲۳۵}

۲۳۳ گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه، مرگ‌ها در زندان‌ها (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۵۰.
۲۳۴ گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه، مرگ‌ها در زندان‌ها (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۵۲.
۲۳۵ گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه، مرگ‌ها در زندان‌ها (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۵۴.

عفو بین‌الملل نام و مشخصات ۱۸ معترض، ناظر و رهگذر، ۱۷ مرد و یک زن، را ثبت کرده است که پس از آن که نیروهای امنیتی در چارچوب سرکوب اعتراضات و به دلیل مشارکت واقعی یا منتسب‌شده آن‌ها در اعتراضات یا حمایت واقعی یا منتسب‌شده‌شان از اعتراضات، آن‌ها را بازداشت کردند، در بازداشت حکومتی جان باختند.^{۲۳۶}

بر اساس حقوق و استانداردهای بین‌المللی، باید مقام‌های ایران مسئول این ۱۸ مورد مرگ فرض شوند و آن‌ها نتوانسته‌اند این فرض مسئولیت را رد کنند. برعکس، اطلاعاتی که عفو بین‌الملل درباره شرایط بازداشت، ناپدیدشدن و مرگ قربانیان؛ انواع جراحات واردشده به آن‌ها؛ الگوهای نظام‌مند انکار و لاپوشانی حکومتی؛ و آزار و تعقیب خانواده‌های قربانیان در روزها، هفته‌ها و ماه‌های پس از مرگ عزیزانشان گردآوری کرده است، این فرض را تقویت می‌کند. عفو بین‌الملل بر اساس این اطلاعات معتقد است که این موارد مرگ باید به‌عنوان مرگ‌های غیرقانونی موضوع تحقیقات کیفری قرار گیرند.

این ۱۸ قربانی در بازداشت در ۱۳ شهرستان واقع در ۱۰ استان جان باختند: دو نفر در پایتخت، تهران، و یک نفر در شهر قدس در استان تهران؛ دو نفر در کرج در استان البرز؛ دو نفر در سمنان، دو نفر در سقز و یک نفر در دهگلان در استان کردستان؛ دو نفر در

^{۲۳۶} عفو بین‌الملل، *زندگی‌هایی که بی‌رحمانه کوتاه شدند: قربانیان جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» ایران در سال ۱۴۰۱*، (شناسه: MDE 13/1349/2026)، ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶).

بوکان در استان آذربایجان غربی؛ و یک نفر در هر یک از شهرستان‌های اراک در استان مرکزی، دزپارت در استان خوزستان، کرمانشاه در استان کرمانشاه، مشهد در استان خراسان رضوی، شیراز در استان فارس و زاهدان در استان سیستان و بلوچستان.

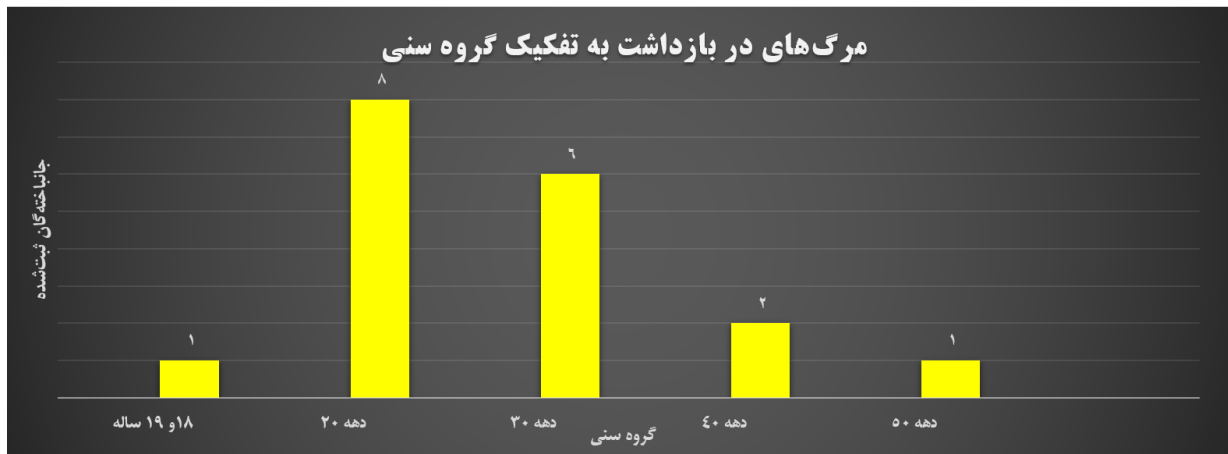


مجموعه‌ای از تصاویر ۱۸ قربانی که بین اکتبر تا دسامبر ۲۰۲۲، پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی در ارتباط با سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی»، در بازداشت حکومت جان باختند. ردیف بالا (از چپ به راست): امیرحواد اسعدزاده، هیمین آمان، اسماعیل دزوار، مجتبی قناعتی خلاری، احسان قاسمی‌فر و مهرشاد شهیدی‌نژاد. ردیف دوم از بالا (از چپ به راست): حامد باجی‌زهی (براهویی)، امید حسنی، سامان قادریبیک، رامین فاتحی، مهدی کرم‌آشتیانی و شادمان احمدی. ردیف سوم از بالا (از چپ به راست): رامین کرمی، حامد سلحشور، سامان رحمانی، حمید گلی، محمد لطف‌اللهی و دریا نظمد. ©منابع خصوصی.

از میان این ۱۸ قربانی، یک نفر ۱۸ یا ۱۹ ساله بود، هشت نفر در دهه ۲۰ زندگی خود بودند، شش نفر در دهه ۳۰، دو نفر در دهه ۴۰ و یک نفر در دهه ۵۰ زندگی خود بودند.

معماران جنایات
دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل



نموداری که تفکیک ۱۸ قربانی ثبت‌شده را بر حسب گروه سنی نشان می‌دهد که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» در بازداشت جان باختند © عفو بین‌الملل

بیشتر موارد ثبت‌شده مرگ در بازداشت حکومتی در اکتبر ۲۰۲۲، با هشت قربانی، و نوامبر ۲۰۲۲، با هشت قربانی، رخ داد و پس از آن دسامبر ۲۰۲۲ با دو قربانی قرار داشت.

(۱) ۵.۱.۳ شرایط بازداشت و ناپدیدسازی قهری

از میان ۱۸ قربانی که عفو بین‌الملل مرگ آن‌ها در بازداشت را ثبت کرده است، بر مبنای اطلاعات این سازمان، مقام‌ها تنها در یک مورد پذیرفتند که نیروهای امنیتی قربانی را بازداشت کرده و موجب مرگ او شده‌اند. در این مورد، یعنی پرونده **امیر جواد اسعدزاده**، مقام‌ها اذعان کردند که نیروهای امنیتی او را در ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)، هنگامی که در مشهد، استان خراسان رضوی، روی دیوارها شعارنویسی می‌کرد، بازداشت کردند و با ضرب‌وشتم مرگبار به قتل رساندند. اذعان مقامات به این مورد، پس از آن صورت گرفت که خانواده او شکایت کیفری ثبت کردند؛ شکایتی که بازپرسی همکاری‌کننده به شکلی استثنایی پیگیری کرد و به شناسایی مأموران دخیل در بازداشت و قتل او انجامید.

در سه مورد دیگر، مقام‌ها بازداشت قربانیان و مرگ آن‌ها در بازداشت را تأیید کردند. با این حال، مدعی شدند که قربانیان در بازداشت خودکشی کرده‌اند. این سه مورد عبارت بودند از: **رامین فاتحی** که ۲۱ مهر ۱۴۰۱ (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲) در سقز، استان کردستان، بازداشت شد؛ **هیمن آمان** که ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲) در خانه‌اش در بوکان، استان آذربایجان غربی، بازداشت شد؛ و **شادمان احمدی** که ۱۷ آذر ۱۴۰۱ (۸ دسامبر ۲۰۲۲) در خانه‌اش در دهگلان، استان گردستان، بازداشت شد. هر سه پس از اعتراضات و ظاهراً به دلیل مشارکت در اعتراضات یا حمایت از آن‌ها بازداشت شدند.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

در دو مورد دیگر، یعنی پرونده‌های **حامد باجی‌زهی (براهویی)** و **رامین کرمی**، مقام‌ها پذیرفتند که نیروهای امنیتی قربانیان را با شلیک گلوله یا ضرب‌وشتم مرگبار کشته‌اند. با این حال به این که این قتل‌ها در بازداشت حکومتی رخ داده است، اذعان نکردند:

- مقام‌ها بازداشت حامد باجی‌زهی (براهویی) در خانه‌اش را انکار کردند، با وجود این که شاهدان عینی دیده بودند نیروهای امنیتی در ۲۵ مهر ۱۴۰۱ (۱۷ اکتبر ۲۰۲۲) او را در زاهدان، استان سیستان و بلوچستان، با خود می‌برند. این اطلاعات را عفو بین‌الملل از «حال‌وش»، یک گروه حقوق بشری بلوچ که با یک منبع مطلع در ایران مصاحبه کرده بود، دریافت کرد. مقام‌ها در عوض مدعی شدند که او هنگام تلاش برای فرار از بازداشت، به ضرب گلوله کشته شده است.

- بر اساس اطلاعاتی که عفو بین‌الملل از سازمان حقوق بشری گُردپا، یک گروه حقوق بشری گُرد که با یک منبع مطلع در ایران مصاحبه کرده بود، دریافت کرد، مقام‌ها مدعی شدند رامین کرمی در ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲) در جریان اعتراضات در کرمانشاه، استان کرمانشاه، هدف گلوله قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شده و بعداً در آن‌جا جان باخته است. با این حال، مقام‌ها توضیح ندادند که بین ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲)، روزی که او هدف گلوله قرار گرفت، و ۲۸ مهر ۱۴۰۱ (۲۰ اکتبر ۲۰۲۲)، روزی که خانواده‌اش فهمیدند پس از انتقال به بیمارستان به دست نیروهای امنیتی جان باخته است، چه اتفاقی برای او افتاده بود.

در مورد ۱۱ قربانی دیگر، مقام‌ها رسماً بازداشت قربانیان و هرگونه دخالت حکومت در مرگ آن‌ها را انکار کردند. با این حال، عفو بین‌الملل در هر یک از این موارد اطلاعاتی به دست آورد که با روایت حکومت در تناقض بود.

یکی از این ۱۱ قربانی، **حمید گلی**، آخرین بار در ۲۷ مهر ۱۴۰۱ (۱۹ اکتبر ۲۰۲۲) با خانواده‌اش تماس داشت؛ زمانی که به‌طور کوتاه تلفنی به آن‌ها گفت در جریان اعتراضات در تهران، استان تهران، بازداشت شده است. این اطلاعات را یک منبع مطلع در ایران با نام شیلان به عفو بین‌الملل ارائه کرد.

درباره ۱۰ قربانی دیگر، بر اساس روایت‌های شاهدان عینی که عفو بین‌الملل مستقیماً گردآوری کرده یا در تماس روزنامه‌نگاران، اعضای خانواده و مدافعان حقوق بشر با عفو بین‌الملل به دست آمده است حاکی از آن است که نیروهای امنیتی آن‌ها را گاه مقابل چشم بقیه با خشونت دستگیر کرده و با خود برده‌اند. شاهدان عینی گزارش دادند که برخی از این قربانیان پیش از دستگیر شدن، هنگام فرار و پس از برخورد با اشیای ثابت یا اصابت ساچمه‌ی فلزی یا سایر مهمات، روی زمین افتاده بودند. مشخصات این ۱۰ قربانی به شرح زیر است:

- **مهدی کرم آشتیانی** ۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲)، هنگامی که در تهران، استان تهران، برای ابراز همبستگی با یک اعتراض بوق خودروی خود را به صدا درآورده بود، دستگیر شد؛

- اسماعیل دزوار، ۱۷ مهر ۱۴۰۱ (۹ اکتبر ۲۰۲۲)، هنگام تردد با خودرو از منطقه‌ای در سقز، استان کردستان، که اعتراضی در آن جریان داشت، دستگیر شد؛
 - مهرشاد شهیدی‌نژاد ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲)، هنگام شرکت در اعتراضی در اراک، استان مرکزی، دستگیر شد؛
 - محمد لطف‌اللهی ۴ آبان ۱۴۰۱ (۲۶ اکتبر ۲۰۲۲)، پس از آن که در جریان اعتراضی در سنندج، استان کردستان، با ساچمه‌های فلزی مجروح شد و روی زمین افتاد، دستگیر شد؛
 - دریا نظم‌ده ۱۲ آبان ۱۴۰۱ (۳ نوامبر ۲۰۲۲)، هنگام شرکت در اعتراضی در کرج، استان البرز، دستگیر شد؛
 - سامان رحمانی ۲۰ آبان ۱۴۰۱ (۱۱ نوامبر ۲۰۲۲)، هنگام شعارنویسی در شهر قدس، استان تهران، دستگیر شد؛
 - سامان قادریگ ۲۴ آبان ۱۴۰۱ (۱۵ نوامبر ۲۰۲۲)، هنگام شرکت در اعتراضی در بوکان، استان آذربایجان غربی، بازداشت شد؛
 - امید حسنی ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲)، هنگام شرکت در اعتراضی در سنندج، استان کردستان، دستگیر شد؛
 - احسان قاسمی‌فر ۹ آذر ۱۴۰۱ (۳۰ نوامبر ۲۰۲۲)، هنگام عبور از منطقه‌ای نظامی شده در کرج، استان البرز، دستگیر شد؛ و
 - مجتبی قناعتی خلاری ۹ دی ۱۴۰۱ (۳۰ دسامبر ۲۰۲۲)، هنگام شعارنویسی در شیراز، استان فارس، دستگیر شد.
- درباره قربانی دیگری به نام حامد سلحشور، اطلاعات دریافتی عفو بین‌الملل حاکی از آن است که او ۴ آذر ۱۴۰۱ (۲۵ نوامبر ۲۰۲۲)، هنگامی که همراه نامزدش با خودرو از اصفهان به ایزه در حرکت بود، در ارتباط با حمایتش از معترضان در ایزه، استان خوزستان، دستگیر شد. با این حال، عفو بین‌الملل نتوانست دریابد مقام‌ها درباره علت مرگ به خانواده‌اش چه توضیحی داده‌اند.

۵.۱.۳(۲) شرایط ناپدیدشدن و اطلاع‌رسانی درباره مرگ

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

درباره هشت نفر از ۱۸ قربانی که عفو بین‌الملل مرگ آن‌ها در بازداشت را ثبت کرده است، بر اساس اطلاعات موجود، از آخرین باری که دیده شدند یا خبری از آن‌ها شنیده شد تا زمانی که خانواده‌هایشان از مرگ آن‌ها مطلع شدند، کمتر از ۲۴ ساعت فاصله بود.^{۲۳۷} دوره ناپدیدسازی قهری برای شش قربانی دیگر بین سه تا ۱۰ روز،^{۲۳۸} و برای سه قربانی دیگر بین دو تا چهار هفته بود.^{۲۳۹}

در مورد دیگری، یعنی **مهدی کرم آشتیانی**، مقام‌ها پس از ناپدیدشدن او در ۹ مهر ۱۴۰۱ (۱ اکتبر ۲۰۲۲) در تهران، استان تهران، نزدیک به ۱۰۰ روز اطلاعات مربوط به سرنوشت و محل نگهداری او را پنهان کردند. بر اساس اطلاعاتی که یک روزنامه‌نگار در اختیار عفو بین‌الملل گذاشت، خانواده او دی‌ماه ۱۴۰۱ فهمیدند که او همان روزی جان باخته بود که نیروهای امنیتی در جریان یک اعتراض از فاصله نزدیک به سوی او ساچمه‌های فلزی شلیک کرده و سپس او را با خود برده بودند.

نحوه اطلاع‌رسانی درباره مرگ قربانیان همیشه بی‌رحمانه بود. برخی خانواده‌ها پس از دریافت تماسی ناگهانی از فردی که از معرفی خود امتناع می‌کرد، از مرگ عزیزشان باخبر می‌شدند؛ فرد تماس‌گیرنده آن‌ها را به سردخانه یا قبرستان هدایت می‌کرد یا احضارشان می‌کرد که به دفتر محلی سازمان اطلاعات سپاه یا یک کلانتری مراجعه کنند.

خانواده‌های دیگری نیز، پس از آن‌که عزیزانشان در پی اعتراضات به خانه بازنگشتند، با اضطراب در مکان‌های مختلف از جمله بیمارستان‌ها، کلانتری‌ها، دادسراها، زندان‌ها، بازداشتگاه‌ها و سردخانه‌ها به جست‌وجوی آن‌ها می‌پرداختند. پاسخ اولیه مقام‌ها در این مکان‌ها اغلب انکار هرگونه اطلاع بود. سرانجام، خانواده‌ها تماسی دریافت می‌کردند که به آن‌ها اطلاع می‌داد پیکری با مشخصات عزیزشان پیدا شده است. گاهی پیش از تأیید رسمی مرگ، کارکنان مراکز درمانی به‌طور محرمانه و دور از چشم دیگران به خانواده‌ها اطلاع می‌دادند که نیروهای امنیتی عزیزشان را به بیمارستان آورده‌اند و پس از مرگ او، پیکرش را با خود برده‌اند. این امر باعث می‌شد برخی خانواده‌ها دوباره به کلانتری‌ها مراجعه کنند و در آن‌جا مقام‌ها سرانجام اذعان کنند که عزیزشان جان باخته است.

به خانواده‌هایی که به سردخانه هدایت می‌شدند، معمولاً تنها چند دقیقه فرصت داده می‌شد تا پیکر عزیزشان را برای شناسایی ببینند. خانواده‌هایی که از همان ابتدا به قبرستان فرستاده می‌شدند، گاه حتی از همین فرصت نیز محروم بودند. هنگام رسیدن می‌دیدند قبر از پیش حفر شده و نیروهای امنیتی نیز در محل حضور دارند و اجازه نمی‌دهند عزیزشان را ببینند، لمس کنند یا برای آخرین بار با او وداع کنند.

در مورد یکی از قربانیان، **حامد سلحشور**، نیروهای امنیتی پیکر او را بدون اطلاع خانواده‌اش در منطقه‌ای دورافتاده در قلعه‌تل، استان خوزستان، دفن کردند و چند روز پس از آخرین باری که او در ۴ آذر ۱۴۰۱ (۲۵ نوامبر ۲۰۲۲) زنده دیده شده بود، محل دفن را به خانواده‌اش اطلاع دادند. بر اساس اطلاعاتی که مدیا مصور، روزنامه‌نگاری که با عفو بین‌الملل گفت‌وگو کرد، به دست

۲۳۷ این قربانیان عبارت‌اند از: اسماعیل دزوار، مهرشاد شهیدی‌نژاد، محمد لطف‌اللهی، امید حسنی، سامان قادریگ، سامان رحمانی و شادمان احمدی.

۲۳۸ این قربانیان عبارت‌اند از: احسان قاسمی‌فر، حامد سلحشور، هیمان امان، مجتبی قناعتی خلاری، رامین فاتحی و رامین کرمی.

۲۳۹ این قربانیان عبارت‌اند از: دریا نظم‌ده، حامد باجی‌زهی (براهویی) و حمید گلی.

آورده بود، گروهی از معترضان مخفیانه پیکر را از قبر خارج کردند و به خانواده او بازگرداندند و خانواده نیز او را مطابق آیین‌های فرهنگی خود دوباره به خاک سپردند.

۵.۱.۳(۳) انواع جراحات

در مواردی که خانواده‌ها توانستند پیکر عزیزانشان را در سردخانه ببینند، شاهد جراحات شدیدی بودند که به قربانیان وارد شده بود.

درباره ۱۶ نفر از ۱۸ قربانی که عفو بین‌الملل مرگ آن‌ها در بازداشت را ثبت کرده است، شاهدان عینی گزارش دادند که پس از مرگ، نشانه‌های آشکار ضرب‌و‌شتم شدید، از جمله شکستگی جمجمه، خردشدگی فک، شکستگی بینی و دندان‌ها، خردشدگی جمجمه یا استخوان‌های صورت، زخم‌های سر و صورت، خون در اطراف بینی و دهان، و کبودی و تورم عمیق در سر یا سایر نقاط بدن را بر پیکر قربانیان دیده‌اند.^{۲۴۰} در مورد **حامد باجی‌زهی (براهویی)**، خانواده‌اش آثار اصابت گلوله را روی پیکر او دیدند؛ و در مورد **مهدی کرم آشتیانی**، خانواده‌اش صورت او را دیدند که پر از آثار اصابت ساچمه‌های فلزی بود و چشم‌هایش را از دست داده بود.

درباره دو قربانی دیگر، **سامان رحمانی و رامین کرمی**، عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره نوع جراحات مشاهده‌شده روی پیکر آن‌ها به دست آورد. با این حال، درباره سامان رحمانی، روایت‌های شاهدان عینی که مدافعان حقوق بشر گردآوری کرده‌اند حاکی از آن است که نیروهای امنیتی هنگام بازداشت، او را به شدت با باتوم از ناحیه سر مورد ضرب‌و‌شتم قرار دادند و او کمتر از ۲۴ ساعت بعد جان باخت.

عفو بین‌الملل تصاویر دلخراشی از پیکر **سامان قادریبگ و حمید گلی** در سردخانه به دست آورد.

عفو بین‌الملل همچنین نسخه‌هایی از جواز دفن سه قربانی دیگر، **دریا نظم‌ده، حمید گلی و مهدی کرم آشتیانی**، به دست آورد که روایت‌های شاهدان عینی درباره جراحات مرگبار واردشده به آن‌ها را تأیید می‌کرد. در جواز دفن دریا نظم‌ده، علت مرگ با عباراتی کلی مانند «شوک ناشی از تروما، صدمات متعدد (شکستگی‌های متعدد و خونریزی) و اصابت جسم سخت (تصادف)» توضیح داده شده است. در جواز دفن حمید گلی به «صدمات مغزی (خونریزی مغزی و شکستگی جمجمه)؛ اصابت جسم سخت» اشاره شده است. در جواز دفن مهدی کرم آشتیانی نیز علت مرگ «شکستگی جمجمه و آسیب نسج مغز» و «اصابت جسم پرتابه‌ای پرشتاب به سر» ذکر شده است.

۲۴۰ این قربانیان عبارت‌اند از: امیرجواد اسعدزاده، دریا نظم‌ده، احسان قاسمی‌فر، اسماعیل دزوار، حامد باجی‌زهی (براهویی)، حامد سلحشور، حمید گلی، هیمان امان، مهدی کرم آشتیانی، مهرشاد شهیدی‌نژاد، محمد لطف‌اللهی، مجتبی قناعتی خلاری، امید حسنی، رامین فاتحی، سامان قادریبگ و شادمان احمدی.

(۴) ۵.۱.۳. انکار و لاپوشانی حکومتی

تأیید رسمی مرگ قربانیان عموماً با روایت‌هایی مبهم از سوی مقام‌ها همراه بود که مرگ آن‌ها را به خودکشی، سقوط تصادفی از ارتفاع، سکت قلبی، مسمومیت یا تصادف رانندگی نسبت می‌دادند؛ روایت‌هایی که هیچ‌یک با شواهد پشتیبانی نمی‌شد و نمی‌توانست نوع جراحات مشاهده‌شده بر پیکر قربانیان را توضیح دهد.

پیش از آن‌که به خانواده‌های داغدار اجازه دهند پیکر عزیزشان را در سردخانه ببینند یا آن‌ها را به قبرستان هدایت کنند، نیروهای امنیتی در بسیاری از موارد خانواده‌ها را مجبور می‌کردند اسنادی را امضا کنند یا در برابر دوربین تلویزیونی اظهاراتی مبنی بر این‌که هیچ شکایتی از حکومت ندارند بیان کرده و علت مرگ را به‌دروغ سکت قلبی، تصادف یا خودکشی اعلام کنند. این نحوه برخورد با خانواده‌هایی که عزیزانشان در جریان متفرق کردن اعتراضات به‌طور غیرقانونی کشته شده بودند نیز همخوانی داشت.

نیروهای امنیتی در بسیاری از موارد خانواده‌ها را تهدید می‌کردند که اگر همکاری نکنند، از دسترسی به پیکر عزیزشان محروم خواهند شد و مقام‌ها او را مخفیانه در محلی بی‌نشان دفن خواهند کرد. همچنین تهدید می‌کردند که بستگان بازمانده ممکن است دچار «حوادث مرگبار» مشابهی شوند یا به زندان بیفتند یا اعدام شوند. فشار برای پذیرفتن روایت حکومت گاه حتی پس از خاکسپاری نیز ادامه می‌یافت و نیروهای امنیتی تهدید می‌کردند که اگر خانواده لب به سخن باز کند، پیکر را از قبر خارج کرده و در محلی مخفی دوباره دفن خواهند کرد.



گهی ترحیم اسماعیل دزوار که چند ساعت پس از بازداشت در ۱۷ مهر ۱۴۰۱ در بازداشت حکومتی جان باخت. خانواده او تحت اجبار وادار شدند به‌دروغ روی آگهی بنویسند که او «بر اثر یک سانحه دلخراش تصادف» جان باخته است. ©منابع خصوصی

مقام‌ها همچنین با هدف بی‌اعتبار کردن گزارش‌های در گردش مبنی بر این‌که نیروهای امنیتی قربانی را کشته‌اند، به خانواده‌ها دستور می‌دادند در مراسم یادبود صراحتاً به حاضران بگویند عزیزشان بر اثر تصادف رانندگی یا بیماری جان باخته است.

بر اساس اطلاعاتی که مدافعان حقوق بشر گُرد در اختیار عفو بین‌الملل قرار دادند، خانواده یکی از قربانیان، **اسماعیل دزوار**، حتی تحت اجبار و با تهدید به اعدام یکی از بستگان بازداشت‌شده‌شان مجبور شدند در پوستر مراسم یادبود او، مرگش را به‌دروغ به «تصادف رانندگی» نسبت دهند. عفو بین‌الملل این پوستر را بررسی کرد.

ایران‌وایر، یک رسانه مستقل فارسی‌زبان مستقر در خارج از ایران، گزارش داد که در مورد **دريا نظم‌ده**، مقام‌ها نه‌تنها به‌دروغ مرگ او را ناشی از تصادف رانندگی اعلام کردند، بلکه تاریخ مرگ او را نیز به‌اشتباه یک هفته پیش از بازداشتش ثبت کردند. دوستان او

شاهد بازداشتش در جریان اعتراضات کرج، استان البرز، در ۱۲ آبان ۱۴۰۱ (۳ نوامبر ۲۰۲۲) بودند و خانواده‌اش نیز گفتند تنها چند ساعت پیش از بازداشت با او در تماس بوده‌اند.^{۲۴۱}

عفو بین‌الملل نسخه‌هایی از جواز دفن یا گواهی فوت سه قربانی، **مهرشاد شهیدی‌نژاد**، **اسماعیل دزوار** و **هیمن آمان**، را به دست آورد و بررسی کرد که علت مرگ این قربانی‌ها را «نامعلوم» یا «در حال بررسی» ذکر کرده بودند. با وجود این، نیروهای امنیتی تحویل پیکر قربانی و اجازه خاکسپاری را مشروط به پذیرش روایت حکومت از سوی خانواده می‌کردند. عفو بین‌الملل همچنین نسخه‌ای از گواهی فوت **سامان قادری** را بررسی کرد که در آن «بیماری‌های اختلال رفتاری» به‌عنوان علت مرگ ذکر شده بود. نیروهای امنیتی ابتدا مدعی شدند که او در تصادف رانندگی جان باخته است و سپس روایت خود را به خودکشی تغییر دادند.

۵.۱.۴ مرگ‌ها پس از آزادی از بازداشت

مسئولیت حکومت در قبال مرگ‌ها پس از آزادی از بازداشت

گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه تأکید کرده است که فرض مسئولیت حکومت در قبال مرگ زندانیان به مواردی نیز تسری می‌یابد که «زندانیان در خارج از زندان، در جریان انتقال، پس از انتقال از زندان به بیمارستان... یا پس از آزادی رسمی از زندان» جان می‌بازند:

«مرگ فردی که تحت کنترل مقام‌های زندان است، مرگ در زندان محسوب می‌شود. مرگ‌ها زمانی مرتبط با زندان محسوب می‌شوند که زندانیان در خارج از زندان، هنگام انتقال یا پس از انتقال از زندان و بستری شدن در بیمارستان جان ببازند و این موارد باید به مراجع تحقیق گزارش شوند. موارد مرگ مرتبط با زندان ممکن است با تاخیر و پس از آزادی رسمی از زندان رخ دهند. در واقع، از آن‌جا که دوره ابتدایی پس از آزادی دوره‌ای پرخطر است، باید فرض شود تمامی موارد مرگ که ظرف ۳۰ روز پس از آزادی رخ می‌دهند با زندان مرتبط هستند، مگر آن‌که این فرض رد شود. با این حال، مرگ‌های مرتبط با زندان ممکن است پس از این دوره زمانی نیز رخ دهند.»^{۲۴۲}

۲۴۱ ایران‌وایر، «دیریا نظم‌ده، از کشته‌شدگان اعتراضات در کرج؛ گفتند بگویند تصادف کرده»، ۲۴ آذر ۱۴۰۱ (۱۵ دسامبر ۲۰۲۲)
۲۴۲ گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه، مرگ‌ها در زندان‌ها، ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ (۱۸ آوریل ۲۰۲۳)، سند سازمان ملل A/HRC/۵۳/۲۹، بندهای ۴۵ و ۶۶.

عفو بین‌الملل موارد ۱۰ نفر، پنج مرد، دو زن و سه کودک شامل دو کودک پسر و یک کودک دختر، را ثبت کرده است که پس از آزادی از بازداشت جان باختند و گزارش‌های منتشرشده از سوی مدافعان حقوق بشر یا روزنامه‌نگاران حاکی از آن بود که مرگ آن‌ها با زندان مرتبط بوده است.^{۲۴۳} این ۱۰ قربانی از ۹ شهرستان در هشت استان بودند.^{۲۴۴}

بر اساس اطلاعات دریافتی عفو بین‌الملل، در پنج مورد ادعا شده است که جراحات جسمی ناشی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها موجب مرگ قربانیان شده یا در وقوع آن نقش داشته است. دو نفر از قربانیان زیر ۱۸ سال بودند؛^{۲۴۵} دو نفر دیگر در دهه ۲۰ زندگی خود بودند^{۲۴۶} و یک نفر در دهه ۵۰ زندگی خود بود.^{۲۴۷}



۲۴۳ عفو بین‌الملل، *زندگی‌هایی که بی‌رحمانه کوتاه شدند: قربانیان جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» ایران در سال ۱۴۰۱*، (شناسه: MDE 13/1349/2026)، ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ (۱۶ سپتامبر ۲۰۲۶).

۲۴۴ این ۹ شهرستان عبارت‌اند از: آمل، بوکان، هادیشهر، کرج، کردکوی، سردشت، شوش، سیرجان و تهران. این هشت استان عبارت‌اند از: البرز، آذربایجان شرقی، گلستان، کرمان، خوزستان، مازندران، تهران و آذربایجان غربی.

۲۴۵ نام این قربانیان برزین حمزه‌زاده و ستایش شریفی‌نیا است.

۲۴۶ نام این قربانیان مریم آروین و شهریار عادل‌ی است.

۲۴۷ نام این قربانی محمد حاجی رسول‌پور است.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

مجموعه‌ای از تصاویر ۱۰ قربانی که پس از آزادی از بازداشت جان باختند و مدافعان حقوق بشر یا روزنامه‌نگاران در گزارش‌های خود اعلام کرده‌اند که مرگ آنان با دوران حبس مرتبط بوده است. در ردیف بالا، تصاویر پنج قربانی است که اندکی پس از آزادی با خودکشی جان باختند و روزنامه‌نگاران یا مدافعان حقوق بشر گزارش کرده‌اند که آنان در نتیجه آسیب‌های روانی ناشی از شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها در دوران بازداشت دست به خودکشی زده‌اند. در ردیف پایین، پنج قربانی دیگر دیده می‌شوند که بنا بر گزارش‌ها در نتیجه جراحات جسمی ناشی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها جان باخته‌اند. ردیف بالا (از چپ به راست): عباس منصوری، فرهام نیک‌پور، عرشیا امام‌قلی‌زاده، محسن جعفری‌راد و یلدا آقاقلی. ردیف پایین (از چپ به راست): مریم آروین، شهریار عادل، ستایش شریفی‌نیا، برزین حمزه‌زاده و محمد حاجی‌رسول‌پور. © منابع خصوصی

سه نفر از این پنج قربانی، شهریار عادل، ستایش شریفی‌نیا و محمد حاجی رسول‌پور، کمتر از یک ماه پس از آزادی از بازداشت جان باختند:

- **شهریار عادل** ۱۸ آذر ۱۴۰۱ (۹ دسامبر ۲۰۲۲)، شش روز پس از آن‌که در ۱۲ آذر ۱۴۰۱ با قرار وثیقه از بازداشت آزاد شد و به دلیل جراحات شدیدی که با شکنجه جسمی همخوانی داشت و در نهایت به مرگ او انجامید در بیمارستان بستری شد، جان باخت. یک روزنامه‌نگار و یک مدافع حقوق بشر که با منابع مطلع در ایران گفت‌وگو کرده بودند، به عفو بین‌الملل گفتند شهریار عادل در ارتباط با شرکت در اعتراضات سردشت، استان آذربایجان غربی، در ۵ آذر ۱۴۰۱ (۲۶ نوامبر ۲۰۲۲) بازداشت و در بازداشتگاهی تحت اداره وزارت اطلاعات نگهداری شده بود. عفو بین‌الملل عکسی دلخراش از پیکر او در سردخانه به دست آورد که یک متخصص آسیب‌شناسی پزشکی قانونی مورد مشورت عفو بین‌الملل آن را بررسی کرد. این متخصص، در میان سایر جراحات قابل مشاهده در عکس، جراحات ناشی از ضربه جسم غیرتیز را در سمت راست پشت بدن و روی دنده‌های پایینی شناسایی کرد که شامل کبودی بنفش قوسی‌شکل همراه با خراشیدگی بود و ابعاد آن را حدود ۲۰ در ۳ سانتی‌متر برآورد کرد.

- **ستایش شریفی‌نیا** ۲۳ دی ۱۴۰۱ (۱۳ ژانویه ۲۰۲۳)، کمتر از یک ماه پس از آزادی از بازداشت، جان باخت. روزنامه‌نگاری که با یک منبع مطلع در ایران گفت‌وگو کرده بود، به عفو بین‌الملل گفت مقام‌ها ۶ دی ۱۴۰۱ (۲۷ دسامبر ۲۰۲۲) ستایش شریفی‌نیا را به‌طور اضطراری از یک بازداشتگاه به بیمارستانی در کردکوی، استان گلستان، منتقل کردند.^{۲۴۸} در روزهای بعد، او مرخص شد و به خانه بازگشت، اما پس از وخامت دوباره وضعیت سلامتش بار دیگر در بیمارستان بستری شد. به گفته این روزنامه‌نگار، کارکنان درمانی بیمارستان به خانواده‌اش گفتند که ستایش شریفی‌نیا جراحات گسترده‌ای در بدن داشت و یکی از ریه‌هایش آسیب دیده بود. پس از مرگ او، رسانه‌های حکومتی اظهارات مادرش را پخش کردند که با صدایی آشفته گفت: «مرگ دخترم هیچ ربطی به این سروصداها ندارد و لطفاً از مرگ فرزندم سوءاستفاده نکنید.» آن‌ها همچنین اظهارات فردی را که به‌عنوان پزشک معرفی شد پخش کردند که گفت: «فرد متوفی سابقه بستری در بیمارستان و بیماری‌های زمینه‌ای داشت. او از مشکلات قلبی و تنفسی رنج می‌برد.»^{۲۴۹} عفو بین‌الملل نگرانی‌های جدی دارد که این اظهارات تحت اجبار گرفته شده باشند، زیرا مقام‌های ایران سابقه‌ای دیرینه و

۲۴۸ ایران اینترنشنال، «گزارش‌های تازه درباره ستایش شریفی‌نیا و شهریار عادل، از کشته‌شدگان خیزش انقلابی»، ۲۷ دی ۱۴۰۱ (۱۷ ژانویه ۲۰۲۳)، دقیقه ۰۲:۱۰ تا ۰۲:۳۲.
۲۴۹ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «تکذیب ارتباط فوت ستایش شریفی‌نیا با وقایع اخیر»، ۲۶ دی ۱۴۰۱ (۱۶ ژانویه ۲۰۲۳)

مستند در تهدید بستگان قربانیان به آسیب و وادار کردن آن‌ها به بیان اظهاراتی برای پنهان کردن نقض‌های ارتكابی نیروهای امنیتی دارند.^{۲۵۰}

- **محمد حاجی رسول‌پور** ۲۸ آذر ۱۴۰۱ (۱۹ دسامبر ۲۰۲۲)، شش روز پس از آن‌که در ۲۲ آذر ۱۴۰۱ با قرار وثیقه آزاد شد و به دلیل عوارض وخیم جسمانی که ادعا شده ناشی از شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در بازداشت بوده است در بیمارستان بستری شد، جان باخت. به گفته سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، یک گروه حقوق بشری گرد، او ۲ آذر ۱۴۰۱ (۲۳ نوامبر ۲۰۲۲) در مغازه‌اش در بوکان، استان آذربایجان غربی، بازداشت شد و هنگامی که ۲۰ روز بعد از زندان بیرون آمد، تنها حداقل نشانه‌های هوشیاری را داشت و توانایی سخن گفتن را از دست داده بود.^{۲۵۱} هه‌نگاو گزارش داده است که محمد حاجی رسول‌پور پیش‌تر نیز در ۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲) بازداشت شده و تا ۲۵ مهر ۱۴۰۱ (۱۷ اکتبر ۲۰۲۲) در بازداشت بود و سپس با قرار وثیقه آزاد شد. او پیش از اعتراضات سال ۱۴۰۱ نیز در ارتباط با فعالیت‌های سیاسی خود به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به پنج ماه حبس محکوم شده بود و پس از پایان دوران محکومیتش در ۲۴ فروردین ۱۴۰۱ (۱۳ آوریل ۲۰۲۲) آزاد شده بود.

دو قربانی دیگر، **مریم آروین و برزین حمزه‌زاده**، بیش از ۳۰ روز پس از آزادی جان باختند. اگرچه این مرگ‌ها خارج از دوره زمانی رخ دادند که فرض می‌شود مرگ با زندان مرتبط است، عفو بین‌الملل بر اساس اطلاعات موجود نگران است که این موارد نیز با زندان مرتبط بوده باشند و خواستار انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه درباره شرایط وقوع آن‌هاست:

- **مریم آروین** ۱۸ بهمن ۱۴۰۱ (۷ فوریه ۲۰۲۳)، چند هفته پس از آن‌که در ۲۲ آذر ۱۴۰۱ (۱۳ دسامبر ۲۰۲۲) با قرار وثیقه آزاد شد، جان باخت. یک منبع مطلع در ایران با نام شراره به عفو بین‌الملل گفت که مریم آروین ۵ آذر ۱۴۰۱ (۲۶ نوامبر ۲۰۲۲)، در ارتباط با فعالیت حرفه‌ای خود به‌عنوان وکیل و حمایتش از اعتراضات، با خشونت بازداشت شده بود. به گفته شراره، مریم آروین ابتدا به بازداشتگاهی تحت اداره سازمان اطلاعات فراجا منتقل شد و سپس به زندان سیرجان در استان کرمان انتقال یافت. هنگام ورود به زندان، حال او بسیار وخیم بود، رنگ‌پریده و نیمه‌هوشیار بود. شراره گفت علت وخامت ناگهانی وضعیت جسمانی او پس از بازداشت و نگهداری به دست مأموران اطلاعاتی همچنان نامعلوم است، اما تأکید کرد که پیش از بازداشت از سلامت خوبی برخوردار بوده است. طی سه هفته بعد، وضعیت سلامتش بیش از پیش رو به وخامت گذاشت و دچار کاهش وزن شدید و تنگی نفس شد. مقام‌ها مراقبت درمانی کافی برای او فراهم نکردند و تنها او را به درمانگاه زندان بردند؛ جایی که به او داروهای آرام‌بخش داده شد. شراره به عفو بین‌الملل گفت که وضعیت

^{۲۵۰} عفو بین‌الملل، «ایران: مقام‌ها با وادار کردن خانواده‌ها به سکوت، جنایات خود در کشتن کودکان را لایوشانی می‌کنند»، ۱۸ آذر ۱۴۰۱ (۹ دسامبر ۲۰۲۲)؛ عفو بین‌الملل، «ایران: دست‌کم ۲۳ کودک در جریان سرکوب وحشیانه اعتراضات جوانان، با برخورداری عاملان از مصونیت از مجازات، کشته شدند»، ۲۱ مهر ۱۴۰۱ (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲)؛ عفو بین‌الملل، «ن‌ها به کودکان ما شلیک کردند» (پیش‌تر ذکر شده)، صص. ۱۹ تا ۲۰.

^{۲۵۱} سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، «محمد حاجی رسول‌پور زندانی سیاسی سابق اهل بوکان بر اثر شکنجه جان‌باخت»، ۲۸ آذر ۱۴۰۱ (۱۹ دسامبر ۲۰۲۲).

سلامت مریم آروین پس از آزادی با قرار وثیقه در ۲۲ آذر ۱۴۰۱ (۱۳ دسامبر ۲۰۲۲) نیز همچنان وخیم بود. ۱۷ بهمن ۱۴۰۱ (۶ فوریه ۲۰۲۳) او را به بیمارستان منتقل کردند و روز بعد بر اثر نارسایی ریه و کلیه جان باخت. در واکنش به اعتراض عمومی نسبت به مرگ او پس از آزادی از بازداشت، مقام‌های دادستانی در سیرجان مرگ او را ناشی از خودکشی دانستند. خانواده‌اش این ادعا را قویا رد کردند و گفتند او پیش از بازداشت سالم بوده است؛ همچنین او را فردی سرزنده توصیف کردند و گفتند به‌تازگی با فرد مورد علاقه‌اش نامزد کرده بود.

- **برزین حمزه‌زاده** ۱۲ دی ۱۴۰۲ (۲ ژانویه ۲۰۲۴)، پس از یک سال درگیری با عوارض جسمانی، جان باخت. به گفته هه‌نگاو، یک گروه حقوق بشری گرد، برزین حمزه‌زاده پس از آن‌که در نوامبر ۲۰۲۲ به مدت یک هفته در سردشت، استان آذربایجان غربی، در بازداشت بود، دچار مشکلات جدی جسمانی از جمله عوارض کلیوی، آسیب به اندام‌های داخلی و دوره‌هایی از بیهوشی کامل یا کاهش سطح هوشیاری شد.^{۲۵۲} هه‌نگاو گزارش داده است که برزین حمزه‌زاده در دوران بازداشت تحت شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله ضرب‌وشتم شدید، قرار گرفته بود. عفو بین‌الملل نتوانست به‌طور مستقل شرایط مربوط به بازداشت و مرگ بعدی برزین حمزه‌زاده را احراز کند.

در پنج مورد دیگر، افراد مدت کوتاهی پس از آزادی بر اثر خودکشی جان باختند و در گزارش‌های منتشرشده از سوی روزنامه‌نگاران یا مدافعان حقوق بشر گفته شده که آن‌ها به دلیل آسیب‌های روانی ناشی از شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها در بازداشت به زندگی خود پایان داده‌اند.^{۲۵۳} یکی از آن‌ها زیر ۱۸ سال داشت؛^{۲۵۴} دو نفر ۱۸ یا ۱۹ ساله بودند؛^{۲۵۵} یک نفر در دهه ۲۰ زندگی خود بود^{۲۵۶} و یک نفر در دهه ۳۰ زندگی خود بود.^{۲۵۷}

یک پسر ۱۶ ساله به نام **عرشیا امام‌قلی‌زاده** و دو نوجوان به نام‌های **یلدا آقافضلی** و **عباس منصوری** ظرف هفت روز یا کمتر پس از آزادی از بازداشت در نتیجه خودکشی جان باختند. دو نفر دیگر، **فرهام نیک‌پور** و **محسن جعفری‌راد**، دو ماه یا بیشتر پس از آزادی در نتیجه خودکشی جان باختند. اگرچه عفو بین‌الملل اطلاعات کافی برای احراز شرایط بازداشت و مرگ آن‌ها مستند نکرده است،

^{۲۵۲} سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، پست در شبکه اجتماعی ایکس: «ویدیویی از ربوده‌شدن برزین حمزه‌زاده، نوجوان جان‌باخته اهل سردشت، به دست نیروهای سرکوبگر»، ۱۶ دی ۱۴۰۲ (۶ ژانویه ۲۰۲۴)؛ رادیو فردا، «برزین حمزه‌زاده، از کودکان بازداشتی در اعتراضات «زن زندگی آزادی»، جان باخت»، ۱۴ دی ۱۴۰۲ (۴ ژانویه ۲۰۲۴)؛ سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، «سردشت؛ برزین حمزه‌زاده از کودکان بازداشت شده در جنبش «زن ژیان تازادی» در اثر آسیب‌دیدگی ناشی از شکنجه جان‌باخت»، ۱۳ دی ۱۴۰۲ (۳ ژانویه ۲۰۲۴).

^{۲۵۳} عفو بین‌الملل اصطلاح «مرگ مرتبط با زندان» را به‌گونه‌ای به کار برده است که خودکشی در فاصله کوتاهی پس از آزادی را نیز، در مواردی که شواهدی وجود دارد مبنی بر این‌که فرد در نتیجه نحوه رفتار با او در بازداشت به زندگی خود پایان داده است، شامل شود. این برداشت از اصطلاح مذکور این واقعیت را به رسمیت می‌شناسد که «خطر خودکشی... اندکی پس از آزادی افزایش می‌یابد». بنگرید به: گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره اعدام‌های فراقضایی، شتابزده یا خودسرانه، مرگ‌ها در زندان‌ها، ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ (۱۸ آوریل ۲۰۲۳)، سند سازمان ملل A/HRC/53/29، بند ۳۳. با استناد به Erin Renee Morgan و دیگران، «Incarceration and subsequent risk of suicide: A statewide cohort study»، *Suicide and Life-Threatening Behaviour*، جلد ۵۲، شماره ۳، ۲۰۲۲، صص. ۴۶۷ تا ۴۷۷. این برداشت همچنین ویژگی‌های خاص نظام زندان در ایران، از جمله الگوهای گسترده و نظام‌مند مستند شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها را در نظر می‌گیرد. بخش‌های ۵.۶ و ۵.۷ را ببینید.

^{۲۵۴} نام این قربانی عرشیا امام‌قلی‌زاده است.

^{۲۵۵} نام این قربانیان یلدا آقافضلی و عباس منصوری است.

^{۲۵۶} نام این قربانی فرهام نیک‌پور است.

^{۲۵۷} نام این قربانی محسن جعفری‌راد است.

اما با توجه به فاصله کوتاه میان آزادی و مرگ، ماهیت جدی این ادعاها و الگوهای مستند شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها علیه افرادی که در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده‌اند، این سازمان معتقد است این موارد مرگ پس از آزادی از بازداشت مستلزم انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه است تا مشخص شود آیا نحوه رفتار با این افراد در دوران بازداشت در خودکشی آن‌ها نقش داشته است و آیا مقام‌های حکومتی مسئولیتی در این زمینه دارند.

۵.۱.۵ مرگ‌های مشکوک

پروتکل مینه‌سوتا درباره تحقیق در مورد مرگ‌های مشکوک

تعهدات مربوط به تحقیق که در پروتکل مینه‌سوتای سازمان ملل تعیین شده‌اند، در مواردی اعمال می‌شوند که «مرگ بالقوه غیرقانونی» رخ داده باشد. بر اساس این پروتکل، علاوه بر مرگ‌ها در بازداشت،^{۲۵۸} «مرگ بالقوه غیرقانونی» شامل موارد زیر نیز می‌شود:

«ممکن است مرگ ناشی از فعل یا ترک فعل حکومت، نهادها یا مأموران آن بوده باشد یا به نحوی دیگر قابل انتساب به حکومت باشد... [از جمله] تمامی موارد مرگی که احتمال دارد به دست مأموران مجری قانون یا سایر مأموران حکومت ایجاد شده باشد؛ مرگ‌هایی که گروه‌های شبه‌نظامی، نیروهای شبه‌نظامی یا «جوخه‌های مرگ» که گمان می‌رود تحت هدایت، با اجازه یا با رضایت ضمنی حکومت عمل کرده‌اند، رقم زده باشند؛ و مرگ‌هایی که نیروهای نظامی یا امنیتی خصوصی در حال انجام وظایف حکومتی مرتکب شده باشند.»

این موارد همچنین شامل وضعیت‌های زیر می‌شود:

«مرگ در شرایطی رخ داده باشد که حکومت در عمل به تعهدات خود برای حفاظت از جان افراد احتمالا کوتاهی کرده است... [از جمله] هر وضعیتی که در آن حکومت در اتخاذ مراقبت مقتضی برای حفاظت از فرد یا افراد در برابر تهدیدهای خارجی قابل پیش‌بینی یا خشونت از سوی عاملان غیردولتی کوتاهی کند.»

پروتکل مینه‌سوتا همچنین تأکید می‌کند که «حکومت وظیفه‌ای عمومی دارد که درباره هر مرگ مشکوکی تحقیق کند، حتی اگر ادعا یا گمان نشود که حکومت موجب مرگ شده یا به‌طور غیرقانونی در جلوگیری از آن کوتاهی کرده است.»

عفو بین‌الملل مرگ دست‌کم ۲۳ معترض و رهگذر، ۱۲ مرد، هفت زن، دو کودک پسر و دو کودک دختر، را در شرایطی مشکوک طی دوره سه‌ماهه اعتراضات ثبت کرده است. با توجه به عوامل متعدد که دلایل معقولی برای ظن به این امر ایجاد می‌کنند که

۲۵۸ بخش ۵.۳.۳ را ببینید.

مأموران حکومتی این قربانیان را کشته‌اند، این مرگ‌ها باید مطابق با پروتکل مینه‌سوتا درباره تحقیق در مورد مرگ‌های بالقوه غیرقانونی موضوع تحقیقات کیفری قرار گیرند. این نشانه‌ها در کنار خودداری مقام‌ها از انجام تحقیق و نسبت دادن سریع مرگ‌ها به خودکشی، بیماری یا حوادث، شامل الگوهای مشابه و تکرارشونده در ناپدیدشدن قربانیان، نوع جراحات واردشده به آن‌ها و نحوه اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها درباره مرگ و آزار و تعقیبی است که خانواده‌ها از سوی مقام‌ها با آن مواجه شدند. این الگوها با شماری از پرونده‌های مرگ در بازداشت و سایر موارد مرگی که مأموران حکومتی موجب مرگ شده یا در وقوع آن نقش داشته‌اند و عفو بین‌الملل مستند کرده است، همخوانی دارد.

خانواده‌ها اغلب پس از دوره‌ای ناپدیدشدن، پیکر عزیزانشان را پیدا می‌کردند و همچنان از شرایط دقیق ناپدیدشدن و مرگ آن‌ها بی‌اطلاع مانده‌اند.

این ۲۳ قربانی ثبت‌شده از ۱۲ شهرستان در ۱۰ استان بودند. ۹ مورد مرگ در تهران، استان تهران؛ سه مورد در کرج، استان البرز؛ دو مورد در فولادشهر، استان اصفهان؛ و یک مورد در هر یک از شهرستان‌های زیر ثبت شد: اهواز و ایذه در استان خوزستان؛ بوشهر در استان بوشهر؛ فیروزآباد و شیراز، هر دو در استان فارس؛ لاشار در استان سیستان و بلوچستان؛ نوشهر در استان مازندران؛ سقز در استان کردستان؛ و تبریز در استان آذربایجان شرقی.

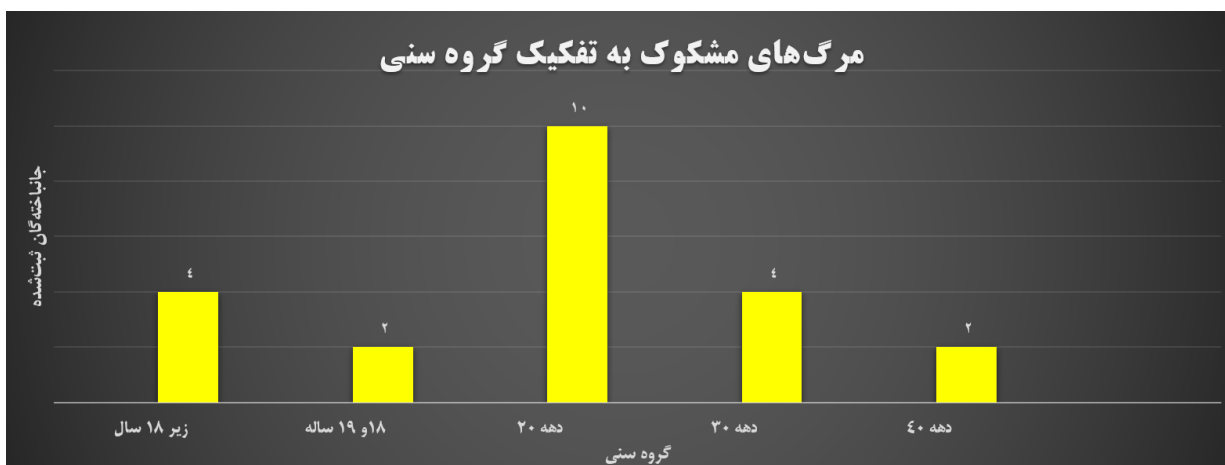


مجموعه‌ای از تصاویر ۲۳ معترض و رهگذر که بین سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲ در شرایطی مشکوک جان باختند؛ شرایطی که حاکی از آن است که مأموران حکومتی آنان را در جریان سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی» کشته‌اند. ردیف بالا (از چپ به راست): آریانا سیف، حمیدرضا نخجه زعیم، آیلار حق، آروین گلزاری یکتا، احمد گودرزی، سعید بویری، محمدحسین حاجیانی و آیدا رستمی. ردیف دوم از بالا (از چپ به راست): عاطفه نعمی، عرفان صریحانی دشتی، شهابالدین هاشمی، نسرين قادری، محمدرضا بالی‌لاشک، میلاد خوشکام و بهناز افشاری. ردیف سوم از بالا (از چپ به راست): یوسف رئیسی، نیکا شاکرمی، امیرمحمد (ایلیداد) رحمانی‌پور، محمد حسینی، امیرحسین قربانی ململی، ستاره تاجیک، دنیا فرهادی و بهزاد پره ©منابع خصوصی.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل



نموداری که تفکیک سنی ۲۲ نفر از ۲۳ قربانی را نشان می‌دهد که عفو بین‌الملل مرگ آن‌ها را در شرایط مشکوک در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» ثبت کرده است و شواهد متعدد حاکی از مسئولیت حکومت در مرگ آن‌هاست. این سازمان نتوانست اطلاعاتی درباره سن قربانی باقی‌مانده به دست آورد. © عفو بین‌الملل

(۱) ۵.۱.۵ شرایط ناپدیدشدن، کشف پیکر و اطلاع‌رسانی درباره مرگ

چهار نفر از قربانیان ۱۶ یا ۱۷ ساله بودند، دو نفر ۱۸ سال داشتند، ۱۰ نفر در دهه ۲۰ زندگی خود بودند، چهار نفر در دهه ۳۰ و دو نفر در دهه ۴۰ زندگی خود بودند. عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سن قربانی باقی‌مانده به دست آورد.

بر اساس اطلاعاتی که عفو بین‌الملل گردآوری و بررسی کرده است، ۲۳ قربانی ثبت‌شده پس از آن ناپدید شدند که پیش از روز ناپدیدشدن یا در همان روز در اعتراضات، مراسم خاکسپاری یا مراسم یادبود سایر قربانیان شرکت کرده بودند و/یا از طریق اقداماتی مانند نوشتن شعارنویسی، شعار دادن از بالکن خانه‌هایشان، انتشار بیانیه در همبستگی با معترضان، ارتباط با رسانه‌های مستقر در خارج از ایران درباره اعتراضات، یا کمک به مجروحان اعتراضات، از اعتراضات حمایت کرده بودند.

در ۱۳ مورد از ۲۳ مورد مرگ مشکوک ثبت‌شده به دست عفو بین‌الملل، خانواده‌های قربانیان ظرف ۲۴ ساعت پس از ناپدیدشدن عزیزانشان از مرگ آن‌ها باخبر شدند.^{۲۵۹} خانواده‌های شش قربانی دیگر دو یا سه روز بعد این خبر ویرانگر را دریافت کردند،^{۲۶۰} و خانواده‌های سه قربانی دیگر پس از هفت تا ۹ روز از مرگ عزیزانشان مطلع شدند.^{۲۶۱} قربانی دیگری نیز ۴۰ روز مفقود بود تا این‌که خانواده‌اش از مرگ او باخبر شدند.^{۲۶۲}

۲۵۹ نام این قربانیان عبارت است از: امیرحسین قربانی ململی، آریانا سیف، آروین گلزاری یکتا، آپلار حق، بهزاد پره، دنیا فرهادی، محمدحسین حاجیانی، محمد حسینی، محمد رضا بالی‌لاشک، نسرین قادری، سعید بوری، ستاره تاجیک و یوسف رئیسی.
۲۶۰ نام این قربانیان عبارت است از: آیدا رستمی، امیرمحمد (ایلیاد) رحمانی پور، بهناز افشاری، عرفان ساریخانی دشتی، حمیدرضا نخبه زعیم و شهاب‌الدین هاشمی.
۲۶۱ نام این قربانیان عبارت است از: میلاد خوشکام، عاطفه نعمی و نیکا شاکرمی.
۲۶۲ نام این قربانی احمد گودرزی است.

بر اساس اطلاعات گردآوری شده به دست غفو بین الملل، در ۱۳ مورد ثبت شده، یک نیروی امنیتی خانواده‌ها را از مرگ یا مجروح شدن عزیزشان مطلع کرد و به آن‌ها دستور داد برای شناسایی به کلانتری، سردخانه یا بیمارستان مراجعه کنند.^{۲۶۳} در برخی موارد، مقام‌ها مدعی شدند که پیکرها در مکان‌هایی مانند اتاق هتل، ساختمان مسکونی، حاشیه بیابان، بزرگراه، زیر پل یا قبرستان پیدا شده‌اند، اما از ارائه جزئیات بیشتر درباره محل دقیق، زمان پیدا شدن پیکر یا این‌که چه کسی آن را پیدا کرده و موضوع را گزارش داده بود، خودداری کردند. در موارد دیگر، مقام‌ها هیچ اطلاعاتی درباره شرایط مرگ یا مجروح شدن ارائه نکردند.

در ۱۰ مورد ثبت شده دیگر، پیکر قربانیان را یا بستگان‌شان مستقیم یافتند یا همسایگان، دوستان یا افراد عادی آن را پیدا کردند و سپس خانواده را در جریان گذاشتند. مکان‌هایی که پیکرها در آن‌ها پیدا شدند شامل محل سکونت خود قربانیان^{۲۶۴} و سایر مکان‌های خصوصی یا عمومی، مانند پایانه اتوبوس،^{۲۶۵} پشت‌بام یک ساختمان مسکونی،^{۲۶۶} حیاط یک ساختمان مسکونی،^{۲۶۷} کنار جاده،^{۲۶۸} محوطه مقابل یک بیمارستان،^{۲۶۹} و حاشیه رودخانه‌ها^{۲۷۰} بود. در برخی از این موارد، پیکرها در شرایطی پیدا شدند که به نظر می‌رسید صحنه‌سازی شده بود تا چنین القا شود که مرگ در نتیجه خودکشی یا علل دیگری بی‌ارتباط با سرکوب اعتراضات به دست نیروهای امنیتی رخ داده است.^{۲۷۱}

نیکا شاکرمی

نیکا شاکرمی، دختر ۱۶ ساله، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲)، پس از شرکت در اعتراضات تهران در شامگاه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، ناپدیدسازی قهری شد.



نیکا شاکرمی © منبع خصوصی

- ۲۶۳ نام این قربانیان عبارت است از: احمد گودرزی، آیدا رستمی، آریانا سیف، آیلاز حق، بهناز افشاری، بهزاد پره، عرفان ساریخانی دشتی، حمیدرضا نخبه زعیم، میلاد خوشکام، محمدحسین حاجیان، نیکا شاکرمی، سعید بویری و ستاره تاجیک.
- ۲۶۴ از نمونه‌های آن می‌توان به پرونده‌های شهاب‌الدین هاشمی، عاطفه نعمی و نسرين قادری اشاره کرد.
- ۲۶۵ یکی از نمونه‌ها پرونده امیرمحمد (ایلپاد) رحمانی‌پور است.
- ۲۶۶ یکی از نمونه‌ها پرونده امیرحسین قربانی ململی است.
- ۲۶۷ یکی از نمونه‌ها پرونده نیکا شاکرمی است.
- ۲۶۸ یکی از نمونه‌ها پرونده محمد حسینی است.
- ۲۶۹ یکی از نمونه‌ها پرونده یوسف رئیسی است.
- ۲۷۰ یکی از نمونه‌ها پرونده دنیا فرهادی است.
- ۲۷۱ از نمونه‌های آن می‌توان به پرونده‌های امیرمحمد (ایلپاد) رحمانی‌پور، محمد حسینی و عاطفه نعمی اشاره کرد.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

غفو بین الملل

آتش شاکرمی، خاله نیکا شاکرمی، به عفو بین‌الملل گفت که نیکا بین حدود ساعت ۱۱:۳۰ شب ۲۹ شهریور تا ساعت ۴:۴۵ بامداد ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، زمانی که ناپدید شد، چندین بار با مادرش و دو تن از دوستانش تماس تلفنی و پیام متنی ردوبدل کرد. به گفته آتش شاکرمی، نیکا حدود ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۱:۴۵ شب ۲۹ شهریور با مادرش و یکی از دوستانش تماس گرفت و گفت که در اعتراضات شرکت کرده و در حال فرار از اعضای نیروهای امنیتی است که او را تعقیب می‌کنند. عفو بین‌الملل تصاویر ویدیویی راستی‌آزمایی‌شده‌ای را که شامگاه ۲۹ شهریور ۱۴۰۱، اندکی پیش از ناپدیدشدن نیکا شاکرمی، ضبط شده بود تحلیل کرد. این تصاویر او را در جریان شرکت در اعتراضات پارک لاله تهران نشان می‌دهد؛ از جمله در حالی که روی سازه‌ای ایستاده، روسری شعله‌وری را تکان می‌دهد و معترضان شعار می‌دهند.

۲۷۲

آتش شاکرمی گفت که بین ساعت ۳ تا ۴:۴۵ بامداد، نیکا با دوست دیگری تماس گرفت و گفت که در جریان اعتراضات با یک زوج جوان آشنا شده که او را به محلی دعوت کرده‌اند تا درباره برنامه روز بعد گفت‌وگو و برنامه‌ریزی کنند و او در همان محل مانده است. دوستش به نیکا هشدار داد که آن‌جا امن نیست و به او توصیه کرد به‌جای آن به خانه خاله‌اش که در همان نزدیکی بود برود. سپس ارتباط تلفن نیکا شاکرمی قطع شد. آتش شاکرمی مظنون است زوجی که نیکا در آخرین تماس خود از آن‌ها نام برد، با مقام‌های حکومتی همکاری می‌کردند و در کشاندن معترضان به مکان‌هایی که امکان بازداشت آن‌ها وجود داشت نقش داشتند. تحقیقات عفو بین‌الملل طی سال‌ها نشان می‌دهد که نیروهای امنیتی از چنین روش‌هایی استفاده کرده‌اند؛ از جمله تله‌گذاری یا استفاده از عوامل نفوذی برای کشاندن معترضان به مناطقی که بتوان آن‌ها را محاصره یا بازداشت کرد. این سازمان همچنین رویه دیرینه نیروهای امنیتی در استفاده از ساختمان‌های مسکونی به‌عنوان محل‌های غیررسمی بازداشت و بازجویی را مستند کرده است؛ مکان‌هایی که مأموران حکومتی در گفتار رایج از آن‌ها با عنوان «خانه امن» یاد می‌کنند. ۲۷۳

در ۹ روز بعد، خانواده نیکا شاکرمی بارها برای کسب اطلاعات درباره او به چندین کلانتری، بازداشتگاه، نهاد اطلاعاتی و سازمان پزشکی قانونی مراجعه کردند. با این حال، مقام‌ها یا هرگونه اطلاع از سرنوشت و محل نگهداری او را انکار می‌کردند یا اطلاعات متناقضی به خانواده می‌دادند. در همین مدت، چند فرد که خود را مأمور سپاه پاسداران معرفی می‌کردند اما از گفتن نامشان خودداری می‌کردند، چندین بار با خانواده تماس گرفتند و گفتند نیکا چند روز در بازداشت سپاه پاسداران بوده و سپس به زندان اوین تهران منتقل شده است. با وجود این، هنگامی که خانواده برای کسب اطلاعات به زندان اوین مراجعه کردند، مقام‌ها انکار کردند که نیکا شاکرمی در آن‌جا نگهداری می‌شود.

۷ مهر ۱۴۰۱ (۲۹ سپتامبر ۲۰۲۲)، مقام‌های پلیس آگاهی فراجا در تهران به خانواده اطلاع دادند که در سردخانه مرکزی کهریزک در استان تهران پیکری وجود دارد که مشخصاتش با نیکا شاکرمی مطابقت دارد. صبح روز بعد، به خانواده او اجازه داده شد برای مدت کوتاهی پیکر را در سردخانه کهریزک ببینند و آن‌ها هویت پیکر را نیکا شاکرمی شناسایی کردند. بنا بر مصاحبه‌های رسانه‌ای خانواده‌اش، استخوان‌های گونه، بینی و دندان‌های او شکسته و مجسمه‌اش بر اثر ضربات وارده به سر خرد شده بود.

۲۷۲ بی‌بی‌سی فارسی، «آخرین لحظات نیکا: مستند تحقیقی بی‌بی‌سی بر اساس اسناد محرمانه درباره کشته‌شدن نیکا شاکرمی»، ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۳ (۳۰ آوریل ۲۰۲۴)، دقیقه ۴:۲۴.
۲۷۳ عفو بین‌الملل، «به من وحشیانه تجاوز کردند: خشونت جنسی، سلاحی در دست جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب خیزش «زن، زندگی، آزادی»»، شناسه MDE 13/7480/2023، ۱۵ آذر ۱۴۰۲ (۶ دسامبر ۲۰۲۳)، ص. ۲۴ و ص. ۳۱ تا ۳۲.

آتش شاکرمی به عفو بین‌الملل گفت که ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲)، همان روزی که خانواده پیکر نیکا را در سردخانه شناسایی کردند، از طریق وکیلشان مطلع شدند که ساکنان محلی حدود ساعت ۷:۳۰ تا ۸ صبح روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) پیکر او را در حیاط یک ساختمان مسکونی پیدا کرده‌اند. خانواده همچنین نشانی آن محل را به دست آوردند که در پرونده عفو بین‌الملل موجود است.

آتش شاکرمی گفت که بعدازظهر ۸ مهر، او، برادرش و وکیل خانواده به آن محل رفتند و با سه تن از ساکنان گفت‌وگو کردند. ساکنان گفتند که حدود ساعت ۴:۴۵ تا ۵ بامداد ۳۰ شهریور صدای افتادن چیزی را شنیدند و در ابتدا تصور کردند یک وسیله در ساختمان مجاور افتاده است؛ ساختمانی که چند کارگاه خیاطی در آن قرار داشت. با این حال، حدود ساعت ۷:۳۰ تا ۸ صبح، ساکنان پیکری را در حیاط خود پیدا کردند و کلانتری محل را در جریان گذاشتند.

بر اساس اطلاعاتی که آتش شاکرمی از ساکنان دریافت کرد، سپس گروهی از کلانتری محل به صحنه آمدند و به این ارزیابی رسیدند که پیکر از یکی از بالکن‌های ساختمان مجاور، که مستقیماً مشرف به حیاط بود، به پایین پرتاب شده است. ساکنان به آتش شاکرمی گفتند که اندکی بعد گروهی از مأموران لباس شخصی از راه رسیدند و با وجود اعتراض مأمور ارشد فراجا، در ثبت و مستندسازی واقعه مداخله کردند و پیکر را با خود بردند.

آتش شاکرمی گفت هنگامی که بعدازظهر ۸ مهر برای کسب اطلاعات در ساختمان مسکونی بودند، مردی از ساختمان مجاور بیرون آمد، با پرخاشگری با او روبه‌رو شد و خواست بداند آن‌جا چه می‌کند. او سر آتش شاکرمی فریاد زد که محل را ترک کند و رفتاری تهدیدآمیز داشت. آتش شاکرمی گفت در آن زمان احساس کرد که ممکن است این مرد مأموری باشد که در قتل نیکا شاکرمی دخیل بوده یا از آن اطلاع داشته است. او همچنین گفت در ورودی ساختمان مجاور با یک زوج روبه‌رو شد. او پس از گفت‌وگو با ساکنان آن‌جا فهمید که آن زوج در طبقه اول زندگی می‌کنند و مرد جوانی که با پرخاشگری با او برخورد کرده بود ساکن طبقه سوم است.

آتش شاکرمی گفت گمان می‌کرد زوجی که با آن‌ها روبه‌رو شده همان زوجی باشند که نیکا شاکرمی در آخرین تماس خود با دوستش از آن‌ها نام برده بود. به گفته او، ظن او زمانی بیشتر شد که در همان محل، مأموران مرتباً با برادرش تماس می‌گرفتند، آن‌ها را به دلیل رفتن به محل پیدا شدن پیکر نیکا شاکرمی سرزنش می‌کردند و دستور می‌دادند فوراً آن‌جا را ترک کنند.

آتش شاکرمی به عفو بین‌الملل گفت که در ماه‌های بعد، پیامی در اینستاگرام از یکی از ساکنان محل دریافت کرد که گزارش می‌داد نیروهای امنیتی تمام دوربین‌های مداربسته خیابانی را که ساختمان در آن واقع بود، خیابانی که بیشتر واحدهای آن مغازه‌های پوشاک بودند، جمع‌آوری کرده‌اند و چند تن از صاحبان مغازه‌ها را بازداشت کرده و چند روز در بازداشت نگه داشته‌اند و سپس با قرار وثیقه و به شرط آن‌که هیچ اطلاعاتی را افشا نکنند، آزاد کرده‌اند.

حدود ساعت ۱:۳۰: بامداد ۱۰ مهر ۱۴۰۱ (۲ اکتبر ۲۰۲۲)، مأموران وزارت اطلاعات آتش شاکرمی را به تلافی گفت‌وگویش با بی‌بی‌سی فارسی بازداشت کردند و ابتدا به بازداشتگاهی تحت اداره وزارت اطلاعات و سپس به یک محل غیررسمی بازداشت در ساختمانی مسکونی منتقل کردند که نیروهای امنیتی در بیان رایج آن را «خانه امن» می‌نامند. آتش شاکرمی حدود ساعت ۳:۳۰: بامداد ۱۱ مهر ۱۴۰۱ (۳ اکتبر ۲۰۲۲) آزاد شد. او به عفو بین‌الملل گفت که در دوران بازداشت، مأموران وزارت اطلاعات او را در حالی که چشم‌بند داشت تحت بازجویی‌های طولانی و شکنجه یا سایر بدرفتاری‌ها قرار دادند تا وادارش کنند در برابر دوربین اظهاراتی بیان کند که روایت رسمی را تأیید می‌کرد. به گفته آتش شاکرمی، این بدرفتاری‌ها شامل تهدیدهای مکرر به تجاوز گروهی و ضرب‌و شتم شدید بود که بازجویان می‌گفتند تمام استخوان‌هایش را خواهد شکست.

در ۱۳ مهر ۱۴۰۱ (۵ اکتبر ۲۰۲۲)، صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ویدیویی تبلیغاتی پخش کرد که آتش شاکرمی و برادرش را در حال پذیرش روایت رسمی نشان می‌داد، آن‌ها در این ویدیو برای اشاره به اقدامات معترضان از همان تعبیری استفاده می‌کردند که مقام‌ها و رسانه‌های حکومتی برای بدنام کردن معترضان به کار می‌برند. در این ویدیو تبلیغاتی دختری نشان داده می‌شود که وارد ساختمانی می‌شود؛ مقام‌ها مدعی‌اند این دختر نیکا شاکرمی است، سپس ادعا می‌شود مرگ او هیچ ارتباطی با اعتراضات یا ضرب‌و شتم به دست نیروهای امنیتی نداشته و در نتیجه «سقوط از ارتفاع» از پشت‌بام یک ساختمان رخ داده است.

با وجود روایتی که مقام‌ها علناً ترویج می‌کردند، آتش شاکرمی در مصاحبه خود با عفو بین‌الملل فاش کرد که در مقطعی از بازجویی‌ها، پس از آن‌که به شدت به روایت‌های متناقض حکومتی مطرح‌شده از سوی بازجویان، که مرگ نیکا شاکرمی را به خودکشی یا قتل به دست عاملان غیردولتی نسبت می‌دادند، اعتراض کرد، بازجوی ارشد به‌طور شفاهی اذعان کرد که مأموران حکومتی نیکا شاکرمی را بازداشت کرده و کشته‌اند، اما مدعی شد قصد مأموران کشتن او نبوده و این واقعه مرگبار به‌طور اتفاقی و به دلیلی «احمقانه» رخ داده است. با این حال، مقام‌ها هرگز رسماً مسئولیت را نپذیرفته‌اند.

آتش شاکرمی به عفو بین‌الملل گفت که پس از آزادی‌اش، پلیس امنیت عمومی خانواده را تحت فشار قرار داد تا با پذیرش یکی از روایت‌های رسمی با مختومه شدن پرونده کیفری موافقت کنند: یا این‌که نیکا شاکرمی خودکشی کرده، یا این‌که افراد ناشناسی او را به محلی کشانده، به او تجاوز کرده و او را کشته و سپس از بالکن به پایین پرتاب کرده‌اند. به گفته او، مقام‌ها مدعی شدند از آن‌جا که عاملان قابل شناسایی نیستند، خانواده باید صرفاً «دیه» پرداختی از سوی حکومت را بپذیرند؛ پیشنهادی که خانواده رد کرد.

آتش شاکرمی افزود که تا دو سال پس از آزادی تحت نظارت شدید قرار داشت. او گفت مأموران وزارت اطلاعات پس از آزادی‌اش دوربینی در ورودی خانه‌اش نصب کردند و به او اطلاع دادند که رفت‌وآمدها و روابط اجتماعی‌اش زیر نظر خواهد بود. بنا بر روایت او، مأموران هشدار دادند که اگر با افرادی خارج از جمع محدود افراد مورد تأیید معاشرت کند، آن افراد ممکن است با پیامدهایی مواجه شوند. او همچنین گفت مقام‌ها به افراد حاضر در حلقه اجتماعی‌اش هشدار داده بودند که اگر ارتباط خود را با او ادامه دهند، ممکن است شغلشان را از دست بدهند.

عفو بین‌الملل یک رسید رسمی را بررسی کرد که پرداخت مبلغ مشخصی برای تحویل پیکر نیکا شاکرمی و انتقال آن از استان تهران به استان لرستان برای خاکسپاری را تأیید می‌کرد. در این سند، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) به‌عنوان تاریخ مرگ ذکر شده و آمده است که او بر اثر «صدمات متعدد ناشی از اصابت جسم سخت» جان باخته است.

ستاره تاجیک

ستاره تاجیک، دختر ۱۷ ساله تبعه افغانستان، بعدازظهر ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲) در تهران، استان تهران، ناپدید شد. همان شب، یک کلانتری در تهران با خانواده‌اش تماس گرفته و به آن‌ها گفته شد صبح روز بعد به آن‌جا مراجعه کنند. اطلاعات دیگری در اختیار خانواده قرار نگرفت. صبح روز بعد، حدود ساعت ۶، یکی از مقام‌های همان کلانتری با خانواده تماس گرفت، آن‌ها را از مرگ ستاره تاجیک مطلع کرد و دستور داد برای تحویل گرفتن پیکرش به سردخانه بهشت زهرا در تهران مراجعه کنند.



ستاره تاجیک © منبع خصوصی

خانواده سپس به سردخانه رفتند و پس از ساعت‌ها انتظار، پیکر ستاره تاجیک را که در ورقه‌های پلاستیکی پیچیده شده بود به آن‌ها نشان دادند. یک منبع مطلع با نام سیمما به عفو بین‌الملل گفت هنگامی که خانواده ورقه‌های پلاستیکی را کنار زدند، آثار خونریزی از سر، گوش‌ها، بینی و دهان ستاره تاجیک را دیدند.

مأموران حاضر در سردخانه به خانواده ستاره تاجیک گفتند که او خودکشی کرده است و از پاسخ به پرسش‌های آن‌ها درباره این‌که مقام‌ها چگونه پیکرش را پیدا کرده بودند، خودداری کردند. مقام‌ها تحویل پیکر او را مشروط به آن کردند که خانواده بیانیه‌ای را امضا کند و روایت رسمی خودکشی را بپذیرد. مقام‌ها خانواده را مجبور کردند همان شب ستاره تاجیک را به سرعت و بدون برگزاری مراسم خاکسپاری دفن کنند. همچنین اجازه ندادند خانواده از پیکر او عکس یا فیلم بگیرد.

از زمان مرگ ستاره تاجیک، خانواده او بارها برای ثبت شکایت و درخواست تحقیق درباره علل و شرایط مرگش به پلیس و مقامات دادستانی مراجعه کرده‌اند. مقام‌ها از رسیدگی به درخواست‌های خانواده خودداری کرده و روایت‌های متناقضی ارائه داده‌اند. در برخی موارد گفته‌اند ممکن است ستاره تاجیک به دست فردی کشته شده باشد که با خانواده «اختلاف شخصی» داشته است. در موارد دیگر گفته‌اند خانواده باید بپذیرد که ستاره تاجیک خودکشی کرده است. درخواست‌های خانواده از سازمان پزشکی قانونی برای دسترسی به گزارش کالبدشکافی او نیز بی‌پاسخ مانده است. خانواده نتوانسته است شاهد عینی پیدا کند تا اطلاعات بیشتری درباره علل و شرایط مرگ او به دست آورد. با این حال، با توجه به مشارکت مستمر ستاره تاجیک در اعتراضات، الگوی جراحات روی پیکر او و الگوی انکار و لاپوشانی حکومتی، دلایل معقولی برای ظن به این امر وجود دارد که نیروهای امنیتی او را کشته‌اند.

در گزارشی که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران پیش از نشست ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل درباره ایران در ۳ آذر ۱۴۰۱ (۲۴ نوامبر ۲۰۲۲) در اختیار کشورهای عضو شورا قرار دادند، مدعی شدند ستاره تاجیک «در نتیجه خودکشی ناشی از سقوط از ارتفاع» جان باخته است. در این گزارش همچنین آمده بود: «هنگام تحویل گرفتن پیکر، پدر فرد متوفی کتبا اعلام کرد که دخترش خود را از پل به پایین انداخته و در دم جان باخته است.» عفو بین‌الملل نسخه‌ای از جواز دفن ستاره تاجیک را بررسی کرد که در آن آمده است مرگ او بر اثر «صدمات متعدد» و «آسیب جسم سخت» رخ داده است.

بهناز افشاری

بهناز افشاری ۳ آبان ۱۴۰۱ (۲۵ اکتبر ۲۰۲۲)، پس از آن که برای شرکت در اعتراضی در تهران، استان تهران، از خانه خارج شد، ناپدید شد. دو روز بعد، از یک کلانتری با خانواده‌اش تماس گرفته و از آن‌ها خواسته شد به آن‌جا مراجعه کنند. در کلانتری، پلیس مدعی شد پیکر او در اتاق یک هتل پیدا شده و او پس از مصرف قرص‌های فوسفید آلومینیوم بر اثر خودکشی جان باخته است. روزنامه‌نگاری که با یک منبع مطلع در ایران گفت‌وگو کرده بود، به عفو بین‌الملل گفت مقام‌ها از پاسخ به پرسش‌های خانواده درباره این که پیکر بهناز افشاری چه زمانی و چگونه در هتل پیدا شده و او چه زمانی و چگونه در هتل پذیرش شده بود، خودداری کردند. تنها تصاویر دوربین مداربسته‌ای به خانواده نشان داده شد که بیرون بردن پیکری پوشانده شده از هتل را نشان می‌داد و به آن‌ها گفته شد تصاویر



بهناز افشاری © منبع خصوصی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

ورود بهناز به هتل حذف شده است. مقام‌ها توضیح ندادند که این تصاویر بنا بر ادعای آن‌ها در چه شرایطی حذف شده بود.

علاوه بر این، مقام‌ها از توضیح درباره این‌که چه شواهد پزشکی قانونی برای اثبات ادعای خودکشی بر اثر مسمومیت بررسی شده بود، خودداری کردند. خانواده فقط اجازه یافت گردن و صورت بهناز افشاری را ببیند که به خون آغشته بود و آن‌ها بریدگی‌هایی روی گوش‌ها و گردنش مشاهده کردند. مقام‌ها نتوانستند توضیح دهند این جراحات قابل مشاهده روی پیکر او چگونه با روایت رسمی خودکشی بر اثر مسمومیت سازگار است. آن‌ها مدعی شدند بریدگی‌ها ناشی از اقدامات انجام‌شده در جریان کالبدشکافی برای آزمایش‌های سم‌شناسی بوده است، اما توضیح ندادند چرا برای آزمایش سم‌شناسی از چنین روش‌هایی استفاده شده بود. مقام‌ها همچنین از ارائه گزارشی درباره وضعیت پیکر او پیش از کالبدشکافی، از جمله عکس‌ها و سوابق پزشکی قانونی، به خانواده خودداری کردند.

مقام‌ها تحویل پیکر بهناز افشاری را مشروط به آن کردند که خانواده بیانیه‌ای را امضا کند و روایت رسمی خودکشی را بپذیرد. این در حالی بود که در جواز دفن او که عفو بین‌الملل آن را دیده است، هیچ توضیحی برای علت مرگ ارائه نشده است. خاکسپاری با حضور نیروهای امنیتی انجام شد و خانواده از حضور در مراسم غسل پیکر منع شد؛ پیکر در حالی به محل قبر آورده شد که از پیش کفن شده بود.

۵.۱.۵(۲) انواع جراحات

عفو بین‌الملل درباره ۲۰ نفر از ۲۳ قربانی ثبت‌شده توانست اطلاعاتی درباره انواع جراحاتی که شاهدان عینی روی پیکر قربانیان دیده بودند گردآوری کند.

جراحات گزارش‌شده از الگوی مشابهی برخوردار بودند و شامل کبودی‌ها و شکستگی‌های گسترده در سراسر بدن؛ خردشدگی جمجمه؛ آسیب شدید صورت همراه با تورم و تغییر رنگ؛ شکستگی بینی یا آسیب چانه؛ خونریزی به‌حدی که صورت را پوشانده و گوش‌ها را پر کرده بود؛ بریدگی‌های عمیق پشت گوش‌ها که تا سمت گردن امتداد داشت؛ سوختگی ناشی از سیگار روشن؛ آثار بستن دست‌ها و پاها با طناب؛ و آثار فشار بند بر گردن بود. افزون بر این، در یک مورد تورم اندام تناسلی،^{۲۷۴} در موردی دیگر قطع عضو،^{۲۷۵} و در مورد سوم جراحاتی سازگار با خفه‌کردن از طریق فشار بر گردن یا سایر اشکال خفگی گزارش شد.^{۲۷۶}

عفو بین‌الملل نسخه‌هایی از جواز دفن یا گواهی فوت هفت قربانی، آیلار حق، آیدا رستمی، آریانا سیف، حمیدرضا نخبه زعیم، ستاره تاجیک، میلاد خوشکام و نیکا شاکرمی را به دست آورد که روایت‌های شاهدان عینی درباره جراحات مرگبار واردشده به

^{۲۷۴} نام این قربانی محمد حسینی بود.

^{۲۷۵} نام این قربانی حمیدرضا نخبه زعیم بود.

^{۲۷۶} نام این قربانی عاطفه نعمی بود.

آن‌ها را تأیید می‌کرد.^{۲۷۷} در این گواهی‌ها، علل مرگ با عبارات قالبی و مبهمی توصیف شده‌اند که معمولاً اصطلاحاتی مانند «برخورد اجسام سخت یا تیز» و «صدمات متعدد» را در بر می‌گیرند. از جمله، علت مرگ آیدا رستمی «آسیب‌های مغزی و شکستگی جمجمه در پی برخورد با جسم سخت»؛ آریانا سیف «صدمات متعدد، اصابت جسم سخت»؛ حمیدرضا نخبه زعیم «صدمات متعدد بدنی، اصابت جسم سخت»؛ ستاره تاجیک «صدمات متعدد، اصابت جسم سخت»؛ میلاد خوشکام «برخورد اجسام سخت یا تیز»؛ و نیکا شاکرمی «صدمات متعدد ناشی از اصابت جسم سخت» ذکر شده است.

محمد حسینی

محمد حسینی ۲۸ مهر ۱۴۰۱ (۲۰ اکتبر ۲۰۲۲) در سقز، استان کردستان، در شرایطی مشکوک جان باخت. یک منبع مطلع در ایران با نام تیمور به عفو بین‌الملل گفت که محمد حسینی پیش از مرگش به‌طور منظم در خیزش «زن زندگی آزادی» شرکت می‌کرد، با فعالیت‌هایش شناخته می‌شد و به افرادی که در جریان اعتراضات مجروح می‌شدند کمک می‌کرد.



محمد حسینی © منبع خصوصی

تیمور گفت محمد حسینی صبح زود ۲۸ مهر ۱۴۰۱ از محل سکونتش در سقز خارج شد. بر اساس اطلاعات گردآوری‌شده به دست تیمور، چند ساعت بعد، حدود ساعت ۱۰ صبح، رهگذری پیکر او را در جاده‌ای روستایی در نزدیکی روستای قوخ، در فاصله حدود ۳.۵ کیلومتری سقز، پیدا کرد. آن فرد با پلیس محلی تماس گرفت و مأموران پس از رسیدن، پیکر را به سردخانه منتقل کردند. به گفته تیمور، فردی که پیکر را پیدا کرده بود بعداً به خانواده محمد حسینی گفت که پیکر او چند متر دورتر از یک درخت رها شده و چفیه‌اش را روی شاخه‌ای از درخت قرار داده بودند تا چنین القا شود که او با حلق‌آویز کردن خود خودکشی کرده است.

تیمور گفت سپس تماسی با خانواده محمد حسینی گرفته و از آن‌ها خواسته شد به سردخانه یک بیمارستان مراجعه کنند. در آن‌جا به خانواده اطلاع داده شد که محمد حسینی جان باخته است. سپس به آن‌ها گفته شد باید چند ساعت منتظر بمانند تا پیکر کالبدشکافی و برای تحویل و خاکسپاری آماده شود. در تمام این مدت، خانواده اجازه نداشت پیکر را ببینند. بعدتر در همان روز، به خانواده گفته شد که پیش از تحویل گرفتن پیکر باید به دفتر وزارت اطلاعات در سقز مراجعه کنند.

^{۲۷۷} در مورد نیکا شاکرمی، سندی که عفو بین‌الملل به دست آورده است گواهی دفن استاندارد صادرشده از سوی سازمان پزشکی قانونی ایران نیست، بلکه سندی رسمی است که سازمان بهشت زهرا، یک نهاد حکومتی مسئول اداره قبرستان‌ها، صادر کرده و پرداخت مبلغ مشخصی برای تحویل پیکر نیکا شاکرمی و انتقال آن از استان تهران به استان لرستان برای خاکسپاری را تأیید می‌کند. در این سند، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) به‌عنوان تاریخ مرگ ذکر شده و علت مرگ «صدمات متعدد ناشی از برخورد با جسم سخت» آمده است.

در آن‌جا، مأموران وزارت اطلاعات به خانواده هشدار دادند که مراسم خاکسپاری بزرگی برگزار نکنند و دستور دادند مراسمی بی‌سروصدا و تنها با حضور شمار اندکی از بستگان نزدیک برگزار شود. مأموران تهدید کردند تا زمانی که خانواده به بستگان دورتر و دیگران نگوید علت مرگ خودکشی بوده است، پیکر را تحویل نخواهند داد. آن‌ها همچنین تهدید کردند که اگر خانواده از این محدودیت‌ها تبعیت نکند، دیگر فرزندان خانواده نیز ممکن است ناپدید شوند و جان خود را از دست بدهند.

سرانجام، ساعت ۱ بامداد ۲۹ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ اکتبر ۲۰۲۲)، مقام‌ها اجازه خاکسپاری را صادر کردند. سپس پیکر به قبرستان سقر منتقل و در آن‌جا غسل داده شد. تیمور مطلع شد که افراد حاضر هنگام غسل پیکر، کبودی‌هایی روی پشت محمد حسینی و تورم یکی از بیضه‌های او مشاهده کردند. خاکسپاری در تاریکی و بی‌سروصدا با حضور نیروهای امنیتی انجام شد. مقام‌ها گزارش کالبدشکافی را در اختیار خانواده قرار ندادند و توضیح ندادند ادعای خودکشی چگونه با انواع جراحات مشاهده‌شده روی پیکر سازگار است. به گفته تیمور، خانواده ادعای خودکشی را رد کرده و به روحیه محمد حسینی و باورهای مذهبی‌اش اشاره می‌کنند که او را به شدت از خودکشی بازمی‌داشت.

امیرمحمد (ایلید) رحمانی‌پور

امیرمحمد (ایلید) رحمانی‌پور، پسر ۱۷ ساله، در ۸ آذر ۱۴۰۱ (۲۹ نوامبر ۲۰۲۲) در فیروزآباد، استان فارس، ناپدید شد. نسرين دولتياري، خاله او، در مصاحبه‌ای با ایران‌وایر گفت که امیرمحمد (ایلید) رحمانی‌پور پیش از ناپدیدشدنش در خیزش «زن زندگی آزادی» شرکت کرده بود.^{۲۷۸}



امیرمحمد (ایلید) رحمانی‌پور © منبع خصوصی

به گفته نسرين دولتياري، ۱۱ آذر ۱۴۰۱ (۲ دسامبر ۲۰۲۲)، سه روز پس از ناپدیدشدن او، خانواده امیرمحمد (ایلید) رحمانی‌پور تماسی از فردی ناشناس دریافت کردند که گفت پیکر او در پایانه مرکزی اتوبوس‌رانی فیروزآباد، استان فارس، پیدا شده است. نسرين دولتياري گفت هنگامی که یکی از بستگان به محل رسید، پیکر این پسر را در حالی یافت که چهارزانو نشانده شده، دست‌هایش در جیب‌هایش قرار داده شده و چند قرص و استکان‌های کوچک نوشیدن مشروبات الکلی در مقابلش گذاشته شده بود. صورت او نیز کبود بود که نشان می‌داد احتمالاً مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته است.

۲۷۸ ایران‌وایر، «علیه فراموشی؛ ایلید رحمانی‌پور، تکواندوکار ۱۷ ساله‌ای که گفتند خودکشی کرد»، ۲۳ شهریور ۱۴۰۳ (۱۳ سپتامبر ۲۰۲۴) (به فارسی)؛ ایران اینترنشنال، «پیکر بی‌جان ایلید رحمانی‌پور پس از سه روز ناپدید شدن پیدا شد»، ۱۸ آذر ۱۴۰۱ (۹ دسامبر ۲۰۲۲)

مقام‌ها سپس پیکر را برای کالبدشکافی به سردخانه منتقل کردند. بعداً به خانواده گفته شد که علت مرگ «مسمومیت» بوده است، اما هیچ توضیحی درباره این‌که این ادعا چگونه با جراحاتی که هنگام غسل پیکر امیرمحمد (ایلیاد) رحمانی‌پور مشاهده شده بود سازگار است، ارائه نشد. به گفته نسرين دولتياري، این جراحات شامل آثار سوختگی ناشی از سیگار روشن در سراسر بدن از کمر به پایین، و همچنین کبودی‌های متعدد و سایر جراحات ناشی از ضربه جسم غیرتیز در نقاط مختلف بدن بود.

نسرين دولتياري در مصاحبه خود تأکید کرد که خانواده ادعای خودکشی را رد می‌کند و گفت امیرمحمد (ایلیاد) رحمانی‌پور افسرده نبود، ورزشکار بود، در جریان شرکت در اعتراضات از خود استقامت نشان داده بود و همچنان به آینده امید داشت. او افزود که نیروهای امنیتی خانواده را تحت تهدید و ارباب قرار داده بودند تا وادارشان کنند سکوت کنند و روایت حکومت را علناً به چالش نکشند. نسرين دولتياري همچنین فاش کرد که مقام‌ها وسایل شخصی امیرمحمد (ایلیاد) رحمانی‌پور را نزد خود نگه داشتند و پس از یک سال فقط تلفن همراهش را به خانواده بازگرداندند؛ خانواده دریافت که تمام محتوای آن کاملاً پاک شده است.

(۳) ۵.۱.۵ انکار و لاپوشانی حکومتی

نگرانی‌ها مبنی بر این‌که احتمالاً مأموران حکومتی مسئول مرگ این ۲۳ قربانی بوده‌اند، با این واقعیت تقویت می‌شود که مقام‌ها بدون انجام تحقیقات جامع، به سرعت مرگ‌ها را به خودکشی یا تصادف رانندگی نسبت دادند و همزمان الگوهایی از رفتار را در پیش گرفتند که هدف آن جلوگیری از دسترسی خانواده‌ها به حقیقت و وادار کردن آن‌ها به پذیرش روایت حکومت بود.

عفو بین‌الملل توانست درباره بیشتر این قربانیان اطلاعاتی گردآوری کند که نشان می‌دهد خانواده‌ها برای وادار شدن به سکوت و تثبیت مصونیت از مجازات، با دو یا چند مورد از الگوهای زیر از آزار و تعقیب مواجه شده‌اند:

- مقام‌ها اجازه نمی‌دادند خانواده‌ها پیکر عزیزانشان را به‌طور کامل بررسی کنند و اغلب فقط برای مدت کوتاهی اجازه دیدن صورت و/یا پیکر قربانی را می‌دادند و گاه بخش‌هایی از بدن را می‌پوشاندند.
- مقام‌ها مانع عکس‌برداری یا فیلم‌برداری خانواده‌ها می‌شدند و در نتیجه توانایی آن‌ها برای مستندسازی جراحات را محدود می‌کردند.
- مقام‌ها گزارش‌های کالبدشکافی و/یا سوابق پزشکی را از خانواده‌ها دریغ می‌کردند و بدین ترتیب آن‌ها را از یافته‌های مهم پزشکی قانونی که می‌توانست علت مرگ را روشن کند، محروم می‌ساختند.

- مقام‌ها دسترسی خانواده‌ها به تصاویر دوربین‌های مداربسته محل‌هایی را که گفته می‌شد پیکرها در آن‌جا پیدا شده‌اند، منع می‌کردند.
 - مقام‌ها از بازگرداندن وسایل شخصی قربانیان، از جمله تلفن‌های همراهشان، خودداری می‌کردند.
 - مقام‌ها از انجام تحقیقات کیفری خودداری می‌کردند و بدون ارائه هیچ مدرکی برای اثبات ادعاهایشان، به سرعت مرگ‌ها را به حادثه یا خودکشی نسبت می‌دادند.
 - مقام‌ها بازگرداندن پیکر قربانیان را مشروط به آن می‌کردند که خانواده‌ها روایت حکومت مبنی بر مرگ قربانی بر اثر خودکشی یا تصادف رانندگی را بپذیرند. همچنین خانواده‌ها را تهدید می‌کردند که اگر لب به سخن باز کنند یا علناً روایت حکومت را به چالش بکشند، آسیب‌های بیشتر به آن‌ها وارد خواهد شد و فضای مراسم خاکسپاری و یادبود را امنیتی می‌کردند.
 - مقام‌ها خانواده‌ها را مجبور می‌کردند عزیزانشان را در مناطق دورافتاده و در مکانی غیر از محل مورد نظر خود، با حضور نیروهای امنیتی، دفن کنند و به آن‌ها هشدار می‌دادند که مراسم یادبود برگزار نکنند.
- در مواردی که مقام‌ها مرگ را به علل دیگری نسبت می‌دادند، گاه حتی در جریان یک گفت‌وگو یا میان جلسات مختلف روایت خود را تغییر می‌دادند و بین توضیحاتی مانند حادثه، خودکشی یا سکت قلبی در نوسان بودند. آن‌ها روایت‌های کلی ارائه می‌دادند که خانواده‌ها آن‌ها را هم مضحک و هم آزاردهنده می‌دانستند و نشان‌دهنده بی‌اعتنایی آشکار به مسئولیت‌پذیری و عدالت بود. از جمله چنین ادعاهایی مطرح می‌شد: فرد متوفی مشروبات الکلی مصرف کرده و با خودرو به داخل دره سقوط کرده است؛ قطار با فرد متوفی برخورد کرده یا ممکن است خودش را جلوی قطار انداخته باشد؛ فرد متوفی بیمار بوده و شب هنگام در خانه دچار سکت قلبی شده است؛ یا فرد متوفی با قرار دادن لوله گاز در دهان خود خودکشی کرده است.
- صرف‌نظر از این‌که مقام‌ها علت مرگ را حادثه، خودکشی یا سکت قلبی اعلام می‌کردند، جراحات موجود بر پیکر قربانیان را که با این ادعاها همخوانی نداشت توضیح نمی‌دادند و به پرسش‌های خانواده‌ها، از جمله درباره نبود شواهد موید روایت حکومت و جزئیات اولیه مربوط به این‌که واقعه ادعایی چه زمانی، کجا و چگونه رخ داده و پیکر چه زمانی، چگونه و کجا پیدا شده است، هم پاسخ نمی‌دادند.

آیلار حقی ۲۵ آبان ۱۴۰۱ (۱۶ نوامبر ۲۰۲۲) در تبریز، استان آذربایجان شرقی، در شرایطی مشکوک جان باخت. یک منبع مطلع در ایران با نام سردار به عفو بین الملل گفت که آیلار حقی پیش از مرگش به طور منظم در خیزش «زن زندگی آزادی» شرکت می کرد و نگران بود که نیروهای امنیتی او را به دلیل فعالیت هایش شناسایی کرده باشند.



آیلار حقی © منبع خصوصی

به گفته سردار، آخرین خبری که از آیلار حقی در دست است مربوط به سه تماس تلفنی است که او بین ساعت ۹:۳۳ تا ۹:۴۱ شب با دوستانش برقرار کرد و در جریان آن ها گفت چند نفر او را تعقیب می کنند و نگران به خطر افتادن جاننش شده بود. عفو بین الملل نتوانست دریابد آیا او اطلاعات بیشتری درباره هویت یا مشخصات احتمالی افراد تعقیب کننده ارائه کرده بود یا خیر. سردار افزود که بر اساس سابقه تماس های موجود در تلفن آیلار حقی، او ساعت ۹:۴۳ شب با خط امداد هلال احمر نیز تماس گرفته بود، اما کسی پاسخ نداده بود. دوستان آیلار حقی به خانواده اش گفتند که او ساعت ۹:۴۵ شب پستی در حساب اینستاگرام خود منتشر کرد و بار دیگر نوشت چند نفر او را تعقیب می کنند، درخواست کمک کرد و گفت «دارند همه را می کشند». عفو بین الملل با توجه به بافت این گفته، معتقد است منظور از «آن ها» نیروهای امنیتی بوده است. سردار گفت این پست بعداً در شرایطی که برای آن ها نامعلوم است از حساب او حذف شد.

سوابق پزشکی بخش اورژانس بیمارستان شهدا که سردار آن ها را بررسی کرد نشان می دهد که ساعت ۱۱ همان شب پیکر بی جان آیلار حقی به بیمارستان منتقل شده است.

پس از آن که آیلار حقی به خانه بازنگشت، خانواده اش حدود ساعت ۱:۱۵ بامداد ۲۶ آبان ۱۴۰۱ به یک کلانتری محلی مراجعه کردند. در کلانتری به آن ها گفته شد برای شناسایی پیکری که به بیمارستان شهدا منتقل شده بود به آن جا بروند. سردار گفت خانواده در بیمارستان پیکر آیلار حقی را دیدند که آثار متعدد ضرب و شتم روی پاها، سینه، پهلوها و سر او وجود داشت. آن ها همچنین بخیه هایی پشت سرش و خیس بودن موهایش را دیدند و برداشتشان این بود که خون از روی موهایش شسته شده است.

۲۷ و ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ و ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)، بابک محبوب علیلو، دادستان تبریز، بیانیه‌ای منتشر کرد و مدعی شد آیلار حقی پس از سقوط در گودال ساختمانی حفرشده در نزدیکی برج مسکونی شهران در تبریز جان باخته است و نگهبان محل، پس از شنیدن صدای ناله از اطراف گودال و مشاهده این که زنی داخل آن افتاده است، با آمبولانس تماس گرفته و آمبولانس پیکر را به بیمارستان منتقل کرده است.^{۲۷۹} دادستان همچنین مدعی شد سه نفری که آن شب همراه آیلار حقی بودند بعداً بازداشت شدند و یکی از آن‌ها گفته است پیشنهاد داده بود آیلار را با خودرو به خانه برساند و سرانجام او را نزدیک برج شهران پیاده کرده بود؛ جایی که ادعا شده آیلار در گودال ساختمانی سقوط کرده است.^{۲۸۰} این ادعا در حالی مطرح شد که خانه آیلار حقی فاصله زیادی با برج شهران دارد.

در همان روزها، صداوسیما جمهوری اسلامی و دیگر رسانه‌های حکومتی نیز مطالب و ویدیوهای تبلیغاتی منتشر کردند که از روایت رسمی حمایت می‌کردند. در این ویدیوهای تبلیغاتی دو نفر با چهره‌های محوشده که به‌عنوان دوستان آیلار حقی معرفی شده بودند، می‌گفتند آن شب پیش‌تر همراه او مشروبات الکلی مصرف کرده بودند و یکی از آن‌ها آیلار را نزدیک محل حادثه پیاده کرده و متوجه شده بود که او تعادل ندارد.^{۲۸۱} در این ویدیوها همچنین چند نفر به‌عنوان نگهبانان محل ساخت‌وسازی معرفی شدند که مقام‌ها مدعی بودند پیکر آیلار حقی در آن‌جا پیدا شده است.^{۲۸۲} خبرگزاری فارس نیز در مطلبی که ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲) منتشر کرد، از یک نیروی اورژانس چنین نقل کرد:

«حدود ساعت ۲۲ شب یک مورد سقوط غیرهمتراز اعلام شد که تا ۱۰ دقیقه رسیدیم؛ حادثه دیده تنفس داشت ولی فاقد هوشیاری و روبه شکم افتاده بود و شکمش متورم شده و خونریزی داخلی داشت.»^{۲۸۳}

تصاویری از پدر آیلار حقی هم منتشر شد که می‌گفت مرگ دخترش ارتباطی با «اغتصابات» نداشته است، به بررسی موضوع به دست مقام‌های قضایی ابراز اعتماد می‌کرد و می‌گفت از کسانی که می‌کوشند در مراسم خاکسپاری او ناآرامی ایجاد کنند «بیزار» است.^{۲۸۴}

با این حال، پدر آیلار حقی بعداً در مراسم چهلم او نشان داد اظهاراتی که در رسانه‌های حکومتی بیان کرده بود تحت اجبار گرفته شده است. او گفت:

«از خدا می‌خواهم از حق گزارشگر صداوسیما که در عرض دو دقیقه هم بازجو شد، هم قاضی شد و رای داد، و آبروی کل خانواده آیلار حقی را را پایمال کرد، نگذرد. آیلار در قلب ما حضور است. آیلار هم آبرو و حیثیتش زنده است، هم خودش. من شاید از خونس می‌گذشتم، اما گزارشگر صداوسیما که آبرو و حیثیتش را پایمال کرد، از او نمی‌گذرم.»^{۲۸۵}

۲۷۹ خبرگزاری فارس، «جزئیات جدید درباره علت فوت آیلار حقی»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)؛ دیار میرزا، «اعترافات همراهان آیلار حقی دختر جوان تبریزی»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)

۲۸۰ تانباک، «جزئیات جدید درباره علت فوت آیلار حقی»، ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲)

۲۸۱ دیار میرزا، «اعترافات همراهان آیلار حقی دختر جوان تبریزی»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)؛ مشرق نیوز، «فیلم اعترافات دو پسر همراه آیلار حقی»، ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲)

۲۸۲ مشرق نیوز، «فیلم/ جزئیات فوت دختر جوان تبریزی از زبان شاهدان»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)

۲۸۳ خبرگزاری فارس، «پیدا و پنهان فوت آیلار حقی و ...»، ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲)

۲۸۴ ایرنا، «فیلم/ پدر آیلار حقی: فوت دخترم ربطی به اغتشاشات اخیر ندارد»، ۲۷ آبان ۱۴۰۱ (۱۸ نوامبر ۲۰۲۲)؛ دیار میرزا، «اعترافات همراهان آیلار حقی دختر جوان تبریزی»، ۲۸ آبان ۱۴۰۱ (۱۹ نوامبر ۲۰۲۲)

۲۸۵ ایران‌وایر، «آیلار حقی؛ بازداشت پدری که روایت رسمی حاکمیت را زیر سوال برد»، ۷ دی ۱۴۰۱ (۲۸ دسامبر ۲۰۲۲)

عرفان ساریخانی دشتی



عرفان ساریخانی ©منبع خصوصی

عرفان ساریخانی دشتی ۲۶ مهر ۱۴۰۱ (۱۸ اکتبر ۲۰۲۲) در تهران، استان تهران، ناپدید شد. یک منبع مطلع در ایران با نام فرزانه به عفو بین الملل گفت که عرفان پیش از ناپدیدشدنش در خیزش «زن زندگی آزادی» شرکت می کرد و نزد دوستانش ابراز نگرانی کرده بود که احساس می کند مأموران لباس شخصی که مرتباً به خیابان محل سکونتش رفت و آمد می کنند، او را زیر نظر دارند. فرزانه افزود که عرفان شامگاه ۲۶ مهر برای مدت کوتاهی با دوستی که قرار بود او را ملاقات کند تماس گرفت و به او گفت به محل قرارشان نیاید. صدای عرفان مضطرب بود و به شدت نفس نفس می زد، گویی در حال دویدن بوده است. پس از آن تلفنش قطع شد.

به گفته فرزانه، ۲۹ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ اکتبر ۲۰۲۲)، سه روز پس از ناپدیدشدن عرفان ساریخانی دشتی، تماسی از یک کلانتری در تهران، استان تهران، با خانواده او گرفته و از آن ها خواسته شد به آن جا مراجعه کنند. در کلانتری، مقام ها به خانواده گفتند عرفان ساریخانی دشتی جان باخته است و به آن ها دستور دادند برای کسب اطلاعات بیشتر به یکی از دفاتر پلیس آگاهی مراجعه کنند. خانواده بلافاصله به آن جا رفت، اما مقام های آن جا نیز اطلاعات بیشتری در اختیارشان نگذاشتند و گفتند روز بعد بازگردند. در ساعات بعد، مقام ها بار دیگر با خانواده تماس گرفتند و ابتدا مدعی شدند عرفان ساریخانی دشتی در یک تصادف رانندگی در جاجرو، در حدود ۴۵ کیلومتری تهران، جان باخته است و پیشنهاد کردند خانواده به آن جا برود. سپس گفتند پیکر او به سردخانه ای در تهران منتقل شده و خانواده باید صبح روز بعد به سردخانه مراجعه کنند.

فرزانه گفت صبح روز بعد در سردخانه، فقط چند لحظه به خانواده فرصت داده شد پیکر عرفان ساریخانی دشتی را ببینند. آن ها مشاهده کردند که صورت، گردن و بدن او آثار ضرب و شتم داشت و بینی و چانه اش شکسته بود. همچنین بریدگی هایی روی شکمش دیدند.

فرزانه گفت پلیس آگاهی روایت های متناقضی درباره مرگ عرفان ساریخانی دشتی به خانواده ارائه کرد که هیچ یک با جراحات مشاهده شده روی پیکر او سازگار نبود. آن ها ابتدا بدون ارائه هیچ مدرکی مدعی شدند او بر اثر خودکشی جان باخته است. بعداً ادعا کردند که علت مرگ ایست قلبی بوده است. با این حال، در گواهی فوت عرفان ساریخانی دشتی که عفو بین الملل آن را بررسی کرد، علت مرگ «نامعلوم» ثبت شده است. فرزانه گفت که در روزها و هفته های پس از مرگ عرفان ساریخانی دشتی، سازمان اطلاعات سپاه و پلیس آگاهی خانواده او را تحت تهدید و ارباب قرار دادند تا وادارشان کنند سکوت کنند و از پیگیری حقیقت و عدالت دست بکشند.



میلاد خوشکام © منبع خصوصی

میلاد خوشکام ۱۵ آبان ۱۴۰۱ (۶ نوامبر ۲۰۲۲)، پس از آن که حدود ساعت ۸ شب از خانه خارج شد، در شیراز، استان فارس، ناپدید شد. فریبا راد، یکی از بستگان او که خارج از ایران زندگی می‌کند، به عفو بین‌الملل گفت که میلاد پیش از ناپدیدشدن و مرگش در خیزش «زن زندگی آزادی» به طور منظم شرکت می‌کرد و برای اطلاع‌رسانی درباره اعتراضات از تجمعات فیلم می‌گرفت. روز بعد، خانواده‌اش ناپدیدشدن او را به مقام‌ها گزارش کردند.

۲۲ آبان ۱۴۰۱ (۱۳ نوامبر ۲۰۲۲)، یکی از مقام‌ها با استفاده از تلفن میلاد خوشکام با خانواده‌اش تماس گرفت و به آن‌ها دستور داد به یکی از دفاتر پلیس آگاهی مراجعه کنند. خانواده همان روز به آن‌جا رفت و پس از چند ساعت انتظار همراه با اضطراب، مقام‌ها به آن‌ها اطلاع دادند که میلاد خوشکام ۱۵ آبان ۱۴۰۱ (۶ نوامبر

۲۰۲۲) زیر پل طبیعت در شیراز مرده پیدا شده است. مقام‌ها بدون انجام هیچ تحقیقی، به سرعت مرگ او را به خودکشی نسبت دادند. عفو بین‌الملل گزارش پلیسی به تاریخ ۱۵ آبان ۱۴۰۱ را بررسی کرد که کشف میلاد خوشکام در زیر پل طبیعت را ثبت کرده و در آن آمده است که پیکر بی‌جان او دمر روی زمین پیدا شده و سر و گوش‌هایش به شدت خونریزی داشته است. در این گزارش همچنین آمده است که یک کاپشن از لبه پل آویزان بوده، گویی برای القای این تصور که او از همان محل به پایین پریده است. در بالای گزارش، عنوان واقعه «وقوع خودکشی» درج شده است.

به خانواده گفته شد برای شناسایی و تحویل گرفتن پیکر به سردخانه سازمان پزشکی قانونی مراجعه کنند. به گفته فریبا راد، در پلیس آگاهی، مقامی که با خانواده صحبت می‌کرد مدعی شد علت این که زودتر به آن‌ها اطلاع نداده‌اند این بوده که هویت میلاد خوشکام مشخص نشده بود. با این حال، بر اساس اطلاعاتی که فریبا به دست آورد، درست هنگام بیان این ادعا، کارت شناسایی میلاد خوشکام از پرونده بیرون افتاد. مقام مربوطه در واکنش صرفاً گفت کارت شناسایی «بعداً پیدا شده است» و توضیح بیشتری نداد.



پیکر میلاد خوشکام در سردخانه‌ای در شیراز، در حالی که بدون رضایت خانواده‌اش در قالبی گچی پیچیده شده بود و در شرایطی که حاکی از لاپوشانی حکومتی بود © منبع خصوصی

فریبا به عفو بین‌الملل گفت که در سردخانه، یکی از مقام‌ها به‌طور غیررسمی به خانواده گفته بود میلاد خوشکام چنان به‌شدت مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته که استخوان‌هایش خرد شده بود و به همین دلیل پیکرش را در گچ پیچیده بودند. با این حال، مقام‌ها هرگز رسماً توضیح ندادند چرا، کجا و چه زمانی پیکر او گچ گرفته شده بود. عفو بین‌الملل عکسی را بررسی کرد که فریبا تأیید کرد پیکر میلاد خوشکام را در سردخانه، در حالی که در گچ پوشانده شده، نشان می‌دهد.

فریبا گفت مقام‌ها تا ۲۶ آبان ۱۴۰۱ (۱۷ نوامبر ۲۰۲۲) از تحویل پیکر میلاد خوشکام به خانواده خودداری کردند و تحویل آن را مشروط به این کردند که خانواده روایت حکومت مبنی بر مرگ او بر اثر خودکشی را بپذیرد. با این حال، به گفته فریبا، خانواده بعداً به محل پلی رفتند که مقام‌ها مدعی بودند میلاد خوشکام در آن‌جا به زندگی خود پایان داده است و با مغازه‌داران آن منطقه گفت‌وگو کردند. آن‌ها به خانواده گفتند که طی یک ماه گذشته هیچ مورد خودکشی در آن‌جا نشنیده بودند.

عفو بین‌الملل نسخه‌ای از گواهی فوت میلاد خوشکام را بررسی کرد که در آن علت مرگ «برخورد با اجسام سخت یا تیز» ذکر شده است.

۶. قتل معترضان و ناظران در استان کردستان

«آن‌ها [مقام‌ها] هیچ رحمی نداشتند. کشتن و زخمی کردن مردم برایشان عادی شده بود.»

روژین، یکی از معترضان، در توصیف سرکوب اعتراضات در سقز، استان کردستان، در اکتبر ۲۰۲۰

موج‌های اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز، از ۲۶ شهریور ۱۴۰۱ (۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲) تا پایان دسامبر ۲۰۲۲، چندین شهر در استان کردستان را فراگرفت. تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که نیروهای امنیتی به‌طور غیرقانونی و مستمر از قوای قهریه و سلاح گرم، از جمله استفاده عمدی از قوای قهریه مرگبار برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان و جلوگیری از برگزاری اعتراضات بیشتر استفاده کردند. نیروهای امنیتی در جریان سرکوب مرگبار اعتراضات یا در مناطق نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که به‌تازگی رخ داده بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی داشتند، دست‌کم ۳۵ معترض، ناظر و رهگذر/ناظر را در هفت شهرستان استان به قتل رساندند. نیروهای امنیتی همچنین در سراسر استان به دست‌کم صدها معترض و رهگذر/ناظر صدماتی وارد کردند که مصداق شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها بود.

این فصل به هشت بخش تقسیم شده است. بخش نخست مروری بر زمینه و شرایطی ارائه می‌دهد که در آن دست‌کم ۳۵ معترض، ناظر و رهگذر/ناظر هنگام متفرق کردن مرگبار اعتراضات یا در مناطق نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که به‌تازگی رخ داده بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی داشتند، به قتل رسیدند؛ شواهد سمعی و بصری تحلیل شده از سوی عفو بین‌الملل درباره سرکوب در استان کردستان را خلاصه می‌کند؛ و وابستگی نهادی نیروهای امنیتی مختلفی را که عفو بین‌الملل دخالت آن‌ها در متفرق کردن مرگبار اعتراضات را شناسایی کرده، همراه با انواع سلاح‌ها و مهماتی که به کار بردند، تشریح می‌کند.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

هفت بخش بعدی سرکوب مرگبار اعتراضات را در هفت شهرستان استان گُردستان که در آن‌ها کشتار رخ داد مستند می‌کنند: سنندج، سقز، دیواندره، بانه، دهگلان، کامیاران و مریوان. این بخش‌ها بر روزهای مشخصی تمرکز دارند که در آن‌ها کشتار رخ داد و شامل کادرهای موردی هستند که علل و شرایط پیرامون جان باختن قربانیان در آن روزها را با جزئیات شرح می‌دهند.

۷. قتل معترضان و ناظران در استان کرمانشاه

«وضعیت شبیه میدان جنگ بود. مأموران یونیفرم پوش سپاه پاسداران که تفنگ‌های کلاشینکف در دست داشتند، ما را تعقیب می‌کردند. سر هر گوشه‌ای پشت دیواری پناه می‌گرفتیم... آن‌ها دنبالمان می‌آمدند... به محض این‌که ما را می‌دیدند، بی‌وقفه تیراندازی می‌کردند... زخمی‌ها همه‌جا افتاده بودند.»

شهرام، معترضی که عفو بین‌الملل با او مصاحبه کرده است، در توصیف سرکوب معترضان به دست نیروهای امنیتی در جوانرود در ۲۹ و ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ و ۲۱ نوامبر ۲۰۲۲)

موج‌های اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز، از ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲) تا پایان دسامبر ۲۰۲۲، چندین شهر در استان کرمانشاه را فراگرفت. تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که نیروهای امنیتی به‌طور غیرقانونی و مستمر از قوای قهریه و سلاح گرم، از جمله استفاده عمدی از قوای قهریه مرگبار برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان و جلوگیری از برگزاری اعتراضات بیشتر استفاده کردند. نیروهای امنیتی در جریان سرکوب‌های مرگبار اعتراضات، دست‌کم ۱۹ معترض و رهگذر/ناظر را در پنج شهرستان این استان، هنگام متفرق کردن مرگبار اعتراضات یا در مناطقی که پس از اعتراضات حضور نظامی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

نیروهای امنیتی در آن‌ها برقرار بود، به قتل رساندند. نیروهای امنیتی همچنین در سراسر استان به دست‌کم صدها معترض و ناظر و رهگذر/ناظر صدماتی وارد کردند که مصداق شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها بود.

این فصل به شش بخش تقسیم شده است. بخش نخست مروری بر زمینه و شرایطی ارائه می‌دهد که در آن دست‌کم ۱۹ معترض و رهگذر/ناظر هنگام متفرق کردن مرگبار اعتراضات یا در مناطقی که بلافاصله پس از اعتراضات حضور نظامی نیروهای امنیتی در آن‌ها برقرار بود، به‌طور غیرقانونی کشته شدند؛ شواهد سمعی و بصری تحلیل‌شده از سوی عفو بین‌الملل درباره سرکوب در استان کرمانشاه را خلاصه می‌کند؛ و وابستگی نهادی نیروهای امنیتی مختلفی را که عفو بین‌الملل دخالت آن‌ها در متفرق کردن مرگبار اعتراضات را شناسایی کرده، همراه با انواع سلاح‌ها و مهماتی که به کار بردند، تشریح می‌کند.

پنج بخش بعدی سرکوب مرگبار اعتراضات را در پنج شهرستان استان کرمانشاه که در آن‌ها کشتار رخ داد مستند می‌کنند: کرمانشاه، جوانرود، اسلام‌آباد غرب، ثلاث باباجانی و قصر شیرین. این بخش‌ها بر روزهای مشخصی تمرکز دارند که در آن‌ها موارد قتل رخ داد و شامل مطالعات موردی هستند که علل و شرایط پیرامون جان باختن کشته‌شدگان در آن روزها را با جزئیات شرح می‌دهند.

۸. قتل معترضان و ناظران در

استان آذربایجان غربی

«مردم جز نان، آب و آزادی چه می‌خواهند؟ چرا مردم را می‌کشید؟»

فرید، یکی از معترضان در پیرانشهر، نقل قول سخنان رهگذر/ناظری سالمند خطاب به نیروهای امنیتی

موج‌های اعتراضات عمدتاً مسالمت‌آمیز، از ۲۵ شهریور تا آخر دی ۱۴۰۱ (۱۶ سپتامبر تا پایان سال ۲۰۲۲)، چندین شهر در استان آذربایجان غربی را فراگرفت. تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که نیروهای امنیتی به‌طور غیرقانونی و مستمر از قوای قهریه و سلاح گرم، از جمله استفاده عمدی از قوای قهریه مرگبار برای متفرق کردن، ارباب و مجازات معترضان و جلوگیری از برگزاری اعتراضات بیشتر استفاده کردند. نیروهای امنیتی در جریان سرکوب‌های مرگبار اعتراضات در پنج شهرستان این استان، دست‌کم ۴۱ معترض، ناظر و رهگذر/ناظر را یا هنگام متفرق کردن مرگبار اعتراضات یا در مناطق نزدیک به اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که به‌تازگی رخ داده بود و نیروهای امنیتی در آن‌ها حضور نظامی داشتند، به قتل رساندند. نیروهای امنیتی همچنین در سراسر استان صدها معترض، ناظر و رهگذر/ناظر را دچار جراحات شدید و ویرانگری کردند که مصداق شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها بود و گاه زندگی آنان را برای همیشه دگرگون کرد.

این فصل به شش بخش تقسیم شده است. بخش نخست مروری بر زمینه و شرایطی ارائه می‌دهد که در آن دست‌کم ۴۱ معترض، ناظر و رهگذر/ناظر، یا هنگام متفرق کردن مرگبار اعتراضات یا در مناطق نظامی‌شده نزدیک به محل اعتراضات در حال برگزاری یا اعتراضاتی که به‌تازگی رخ داده بود، به قتل رساندند؛ شواهد سمعی و بصری تحلیل‌شده از سوی عفو بین‌الملل درباره سرکوب

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

مرگبار در استان آذربایجان غربی را خلاصه می‌کند؛ و وابستگی نهادهای نیروهای امنیتی مختلفی را که عفو بین‌الملل دخالت آن‌ها در متفرق کردن مرگبار اعتراضات را شناسایی کرده را همراه با انواع سلاح‌ها و مهماتی که به کار بردند، تشریح می‌کند.

پنج بخش بعدی سرکوب مرگبار اعتراضات را در پنج شهرستان استان آذربایجان غربی که در آن‌ها قتل‌ها رخ داد مستند می‌کنند: بوکان، مهاباد، پیرانشهر، اشنویه و ارومیه. این بخش‌ها بر روزهای مشخصی تمرکز دارند که در آن‌ها قتل‌ها رخ داد و شامل کادرهای موردی هستند که علل و شرایط پیرامون جان باختن قربانیان در آن روزها را با جزئیات شرح می‌دهند.

۹. نقض حقوق بستگان

کشته‌شدگان

قتل صدها معترض و رهگذر/ناظر در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» سرآغاز کارزاری بی‌وقفه از سرکوب، خاموش‌سازی و بی‌رحمی علیه خانواده‌های قربانیان بود. تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که مقام‌ها خانواده‌های کشته‌شدگان را در معرض طیف گسترده‌ای از موارد نقض حقوق بشر، از جمله تحت فشار گذاشتن آنان برای پذیرش روایت‌های دروغین درباره علل و شرایط جان باختن عزیزان‌شان و وادار کردن آنان به رعایت محدودیت‌های شدید و بی‌رحمانه بر مراسم تشییع و یادبود، قرار دادند. مقام‌ها با نظارت و تهدید خانواده‌ها را به رعایت این محدودیت‌ها وادار می‌کردند و نافرمانی از آن‌ها را با بازداشت خودسرانه، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها در دوران بازداشت، و استفاده غیرقانونی از سلاح گرم، تفنگ‌های ساچمه‌زن پرشده با ساچمه‌ای فلزی و سایر اشکال قوای قهریه در جریان مراسم تشییع و یادبود مجازات می‌کردند.

مقام‌ها همچنین در راستای تلاش برای تضمین مصونیت از مجازات، خانواده‌ها را از دسترسی به گزارش‌های کالبدشکافی محروم کردند، برای مشاهده و عکس‌برداری از جراحات روی پیکر عزیزان‌شان محدودیت ایجاد کردند، از صدور گواهی فوت و دفن خودداری کردند یا گواهی‌هایی ناقص یا حاوی اطلاعات نادرست صادر کردند، و شواهد کلیدی، از جمله تصاویر دوربین‌های مداربسته مربوط به رویدادها، را پنهان کردند. افزون بر این، مقام‌ها با صدور شتاب‌زده بیانیه‌های عمومی حاوی نتیجه‌گیری‌های از پیش تعیین‌شده، بدون انجام تحقیقات واقعی، تحت فشار گذاشتن خانواده‌ها برای صرف‌نظر کردن از شکایت‌ها و خاتمه زود هنگام تحقیقات، آنان را از حق دادخواهی محروم کردند.

عفو بین‌الملل دریافت که طیف گسترده‌ای از مقام‌های ارشد، فرماندهان و مأموران در بخش‌های مختلف دستگاه امنیتی، در نقض حقوق بشر علیه خانواده‌های قربانیان دخیل بوده‌اند. این نهادها شامل وزارت اطلاعات؛ یگان‌های ویژه، پلیس پیشگیری و یگان‌های امداد فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، موسوم به «فراجا» و سازمان اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نهادهای فعال زیر نظر قرارگاه‌های منطقه‌ای و سپاه‌های استانی سپاه پاسداران، از جمله لشکرهای عملیاتی، گردان‌های بسیج و پایگاه‌های مقاومت بسیج بودند. مقام‌های ارشد و فرماندهان دخیل شامل استانداران و فرمانداران، فرماندهان استانی و شهرستانی فراجا،

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

روسای استانی پلیس آگاهی و فرماندهان سپاه‌های ناحیه مقاومت بسیج بودند. دیگر مقام‌های دخیل نیز شامل مقام‌های قضایی و دادستانی و نمایندگان رهبر جمهوری اسلامی، از جمله دادستان‌های شهرستان و امامان جمعه شهرستان‌ها، بودند.

الگوهای نقض حقوق بشر که عفو بین‌الملل مستند کرده است، نشان‌دهنده تلاشی عامدانه از سوی مقام‌ها برای پنهان کردن جنایات بین‌المللی است ارتكابی به دست نیروهای امنیتی، وادار کردن خانواده‌ها به سکوت و سرکوب و مجازات تلاش‌های آنان برای دستیابی به حقیقت و عدالت است. عفو بین‌الملل بر این باور است که تاثیر انباشته این نقض‌ها، که عامدانه موجب رنج و پریشانی خانواده‌های سوگوار شده است، منع مطلق شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز را نقض می‌کند.

این فصل به چهار بخش تقسیم شده است. بخش نخست بر شیوه‌های مختلفی تمرکز دارد که مقام‌ها از طریق آن‌ها خانواده‌ها را تحت فشار قرار دادند تا روایت‌های دروغین حکومت درباره شرایط جان باختن عزیزان‌شان را تأیید کنند. بخش دوم موارد نقضی را مستند می‌کند که خانواده‌ها هنگام تلاش برای برگزاری مراسم تشییع و یادبود در شان عزیزان‌شان و مطابق با سنت‌های دینی و فرهنگی خود متحمل شدند. بخش سوم شیوه‌های مختلفی را مستند می‌کند که مقام‌ها از طریق آن‌ها کوشیدند خانواده‌ها را از حق دانستن حقیقت درباره علل و شرایط جان باختن عزیزان‌شان محروم کنند. بخش چهارم مستند می‌کند که چرا بسیاری از خانواده‌ها ثبت شکایت را بی‌فایده می‌دانستند و چگونه کسانی که کوشیدند از طریق نظام قضایی داخلی عدالت را پیگیری کنند، یا برای صرف‌نظر کردن از شکایت خود تحت فشار قرار گرفتند یا با خاتمه ناعادلانه تحقیقات مواجه شدند.

در سراسر این فصل، پرونده خانواده‌های ۴۲ قربانی به عنوان نمونه برای روشن‌تر شدن موضوع ارائه شده است. هر پرونده طیفی از موارد نقض را برجسته می‌کند که هم شامل موارد مرتبط با بخشی است که پرونده در آن آمده و هم الگوهایی از نقض حقوق بشر که در بخش‌های دیگر مورد بحث قرار گرفته‌اند. این پرونده‌ها به نحوه رفتار با بستگان قربانیان در استان‌های گردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه در فاصله شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) مربوط می‌شوند. این دامنه با مستندسازی تفصیلی ارائه‌شده در فصل‌های ۶ تا ۸ مطابقت دارد که بر روند زمانی سرکوب اعتراضات و موارد قتل در این استان‌ها متمرکز است. هرچند این فصل بر این سه استان تمرکز دارد، تحقیقات پیشین عفو بین‌الملل که پیش از نخستین سالگرد خیزش «زن زندگی آزادی» در سپتامبر ۲۰۲۳ منتشر شد، نشان داد که کارزار سرکوب مقام‌ها علیه خانواده‌های قربانیان در سراسر کشور جریان داشته است. تحقیقات عفو بین‌الملل درباره شرایط جان‌باختن معترضان، ناظران و رهگذر/ناظرانی که در بازداشت حکومتی، پس از آزادی از بازداشت، یا در شرایط مشکوکی که حاکی از دخالت مأموران حکومتی بود جان باختند، نشان می‌دهد که خانواده‌های آنان نیز در معرض الگوهای مشابهی از نقض حقوق بشر قرار گرفته‌اند.

۱۰. ساختار فرماندهی

نهادهای امنیتی دخیل در

سرکوب اعتراضات سال ۱۴۰۱

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران هزاران مأمور از شاخه‌های مختلف نیروهای امنیتی کشور را برای سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی» که از اواخر شهریور تا اواخر دی سال ۱۴۰۱ سراسر ایران را فراگرفت، به کار گرفتند. تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که دو نیروی امنیتی اصلی مسئول متفرق کردن مرگبار اعتراضات در این دوره، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، موسوم به «فراجا»، بودند که هر دو زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح فعالیت می‌کردند. این نیروها سیاست‌ها و راهبردهای سرکوبگرانه‌ای را اجرا می‌کردند که در سلسله‌مراتبی از شوراهای امنیتی، از جمله شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای زیرمجموعه آن‌ها در سطح استان و شهرستان، موسوم به شوراهای تأمین، تدوین شده بود. مصوبات این شوراهای از طریق دستورهای وزارت کشور لازم‌الاجرا می‌شد. همه این نهادها ذیل یک مأموریت کلی واحد عمل می‌کردند: درهم‌شکستن مخالفت‌ها و حفظ نظام جمهوری اسلامی، با پیروی کامل از دستورهای رهبر وقت جمهوری اسلامی.

این فصل به چهار بخش تقسیم شده است که به ترتیب بر ستاد کل نیروهای مسلح؛ فراجا و ارتباط آن با وزارت کشور؛ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ و شوراهای امنیتی، از جمله شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان و شهرستان تمرکز دارند. هر بخش ابتدا ساختار فرماندهی و سازمانی و مأموریت نهاد مربوطه را تشریح می‌کند و سپس مروری بر اظهارات رسمی فرماندهان عالی‌رتبه آن نهاد در دوره اعتراضات و در مواردی که در دسترس بوده، اسناد رسمی افشاشده‌ای ارائه می‌دهد که نقش آن نهاد و رهبری آن را در سرکوب آشکار می‌کنند.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

با توجه به پیچیدگی سازمانی فراجا و سپاه پاسداران و تمرکز این گزارش بر مستندسازی عمیق موارد متفرق کردن مرگبار اعتراضات، بخش‌های اختصاص یافته به این دو نیرو علاوه بر مروری کلی بر ساختار و مأموریت آن‌ها، ساختار، مأموریت و لباس‌های سازمانی شاخه‌های مشخصی از این نیروها را که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» در متفرق کردن اعتراضات دخیل بودند، به تفصیل بررسی می‌کنند. در مورد فراجا، شاخه‌های مورد بررسی شامل پلیس پیشگیری و یگان‌های ویژه است. در مورد سپاه پاسداران، شاخه‌های مورد بررسی شامل سپاه‌های ناحیه مقاومت بسیج، لشکرها و تیپ‌های عملیاتی، یگان‌های امنیتی و نیروهای ویژه است. این فصل نهادهایی را که مسئول نقض حقوق بشر در محیط‌های بازداشت بوده‌اند، پوشش نمی‌دهد.

انتخاب اظهارات رسمی بازتاب‌دهنده ساختار این گزارش است؛ گزارشی که ضمن قراردادن این رویدادها در بستر گسترده‌تر قتل‌ها و دیگر نقض‌های جدی حقوق بشر در سراسر کشور، متفرق کردن مرگبار اعتراضات به دست نیروهای سپاه پاسداران و فراجا در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی را به‌طور عمیق مستندسازی می‌کند. بر همین اساس، اظهارات انتخاب‌شده شامل سخنان رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ و ۲۴ مقام ارشد دیگر از جمله پنج فرمانده فراجا، ۱۱ فرمانده سپاه پاسداران و هشت مقام وزارت کشور است.

در مجموع، ۱۰ سند رسمی افشاشده نیز بررسی شده است. پنج سند دامنه‌ای کشوری دارند، یک سند مربوط به استان کردستان، سه سند مربوط به تهران بزرگ و یک سند مربوط به استان مازندران است. هرچند چهار سند اخیر با تمرکز گزارش بر استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی مطابقت ندارند، در این گزارش گنجانده شده‌اند زیرا بینش ارزشمندی درباره دستورهای که ممکن است در دیگر نقاط کشور صادر شده باشند ارائه می‌کنند و به روشن شدن نحوه اعمال فرماندهی کمک می‌کنند.

۱۱. مصونیت از مجازات،

تعمدی و ساختاری

«از همکارانم ... در دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی، نیروی انتظامی، سپاه و بسیج که با صبر و تلاش و با تقدیم شهدا و مجروحان، نقشه‌های دشمن [اعتراضات سال ۱۴۰۱] را خنثی کردند، قدردانی می‌کنم ... تلاش‌های خود را تا زمانی که دشمن [معترضان] کاملاً شکست بخورد و ناامید شود، ادامه خواهیم داد.»

غلامحسین محسنی اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

«دستگاه قضایی قاطعانه در صحنه و در حمایت از نهادهای امنیتی و اطلاعاتی باقی خواهد ماند.»

محمدجعفر منتظری، دادستان کل کشور در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

چهار سال پس از خیزش «زن زندگی آزادی»، مسئولان چرخه‌های مکرر کشتارهای جمعی غیرقانونی، شکنجه، ناپدیدسازی‌های قهری و دیگر نقض‌های جدی حقوق بشر و جنایات بین‌المللی همچنان از عدالت می‌گریزند. تحقیقات عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که مصونیت از مجازات در ایران عامدانه است و در نظام حقوقی کشور تعبیه شده است؛ نظامی که استفاده از سلاح گرم برای سرکوب اعتراضات را مشروعیت می‌بخشد و دستیابی به عدالت را در داخل کشور ناممکن می‌سازد. این مصونیت نظام‌مند از مجازات در اظهارات رسمی بازتاب می‌یابد که ضمن انکار قتل‌ها، نیروهای امنیتی را ستایش می‌کنند. این وضعیت همچنین از طریق تحقیقات نمایشی و عملکرد دادستان‌ها و قضاتی تقویت می‌شود که به‌طور معمول تحقیقات کیفری را مختومه کرده‌اند یا جبران را به پرداخت دیه از سوی دولت محدود ساخته‌اند. این رویه‌ها در مجموع ضرورت فوری اصلاح بنیادین چارچوب قانونی را برجسته می‌کنند که چنین بی‌عدالتی را امکان‌پذیر می‌سازد و مصونیت از مجازات را نهادینه می‌کند.

این فصل به چهار بخش تقسیم شده است. بخش نخست مروری بر روایت‌های حکومتی مبتنی بر انکار و تجلیل ارائه می‌دهد که نشان‌دهنده عزم مقام‌ها برای تداوم مصونیت از مجازات در قبال قتل‌ها و دیگر نقض‌های حقوق بشر است، در حالی که از طریق ستایش علنی روحیه عاملان این نقض‌ها را حفظ می‌کنند. بخش دوم چارچوب قانونی زیان‌باری را تحلیل می‌کند که سرکوب مرگبار اعتراضات همراه با مصونیت از مجازات را امکان‌پذیر می‌سازد. بخش سوم، از طریق ۱۰ پرونده از هشت استان در سراسر کشور که در ارتباط با کشته شدن معترضان و رهگذران/ناظران در جریان «زن زندگی آزادی» در آن‌ها روندهای قضایی صورت گرفته است، تاثیر عملی این چارچوب زیان‌بار را نشان می‌دهد. بخش چهارم به عملکرد «کمیته‌های حقیقت‌یاب» نمایشی می‌پردازد که مقام‌ها برای ایجاد ظاهری از پاسخ‌گویی برای جامعه بین‌المللی تشکیل داده‌اند، در حالی که همان روایت‌های حکومتی مبتنی بر انکار را بازتولید و مصونیت از مجازات را تقویت می‌کنند.

۱۲. جنایات علیه بشریت در

جریان سرکوب اعتراضات

سال ۱۴۰۱

این فصل، جنایات بین‌المللی و دیگر نقض‌های جدی حقوق بشر مستندشده در این گزارش را در چارچوب جنایات علیه بشریت تحلیل می‌کند. هرچند ایران عضو اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی (آی‌سی‌سی) نیست و بنابراین دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به جنایات ارتكابی در این کشور را ندارد، اساسنامه رم در حال حاضر مفصل‌ترین تدوین حقوقی درباره جنایات علیه بشریت را دربردارد. از این رو، این فصل ضمن ارجاع به اساسنامه‌ها و رویه قضایی دیگر دادگاه‌های بین‌المللی، برای تحلیل عناصر زمینه‌ای جنایات علیه بشریت و عناصر تشکیل‌دهنده هر یک از جنایات مورد بررسی، عمدتاً بر مفاد اساسنامه رم، «عناصر جنایات» دیوان کیفری بین‌المللی و رویه قضایی این دیوان تکیه می‌کند.

بر اساس ماده ۷(۱) اساسنامه رم، برخی اعمال ممنوعه، مانند قتل، حبس، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و تجاوز جنسی یا هر شکل دیگر خشونت جنسی، زمانی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند که «در چارچوب حمله‌ای گسترده یا نظام‌مند علیه هر جمعیت غیرنظامی» ارتكاب یابند. بر اساس ماده ۷(۲)(الف) اساسنامه رم، «حمله علیه هر جمعیت غیرنظامی» به معنای «روندی از رفتار است که متضمن ارتكاب متعدد اعمال مذکور [ماده ۷(۱) اساسنامه رم] علیه هر جمعیت غیرنظامی، در راستای یا در پیشبرد سیاست یک دولت یا سازمان برای ارتكاب چنین حمله‌ای باشد».

تحقیقات عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران در جریان سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی»، جنایات علیه بشریت از نوع قتل، شکنجه، تجاوز جنسی، خشونت جنسی، ناپدیدسازی قهری، حبس و آزار و ستم را در چارچوب حمله‌ای گسترده و نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی ایران مرتکب شدند. این حمله در راستای و در پیشبرد سیاستی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

حکومتی برای درهم‌شکستن اعتراضات، مجازات کسانی که خواهان نظام حکومتی متفاوتی مبتنی بر احترام به حقوق بشر بودند و ایجاد فضایی از وحشت و ترس برای جلوگیری از اعتراضات آینده صورت گرفت.

این فصل به سه بخش تقسیم شده است. بخش نخست عناصر زمینه‌ای لازم برای آن که اعمال ممنوعه‌ای مانند قتل یا شکنجه جنایت علیه بشریت محسوب شوند، یعنی وجود حمله‌ای گسترده و نظام‌مند علیه جمعیت غیرنظامی که در راستای سیاست حکومتی صورت گرفته باشد، را تشریح می‌کند و به این نتیجه می‌رسد که این عناصر در سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی» از سوی مقام‌ها وجود داشته است. بخش دوم به شواهد ارائه‌شده در این گزارش درباره ارتکاب چندین عمل ممنوعه در سراسر کشور از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، از جمله قتل، شکنجه، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، حبس، ناپدیدسازی قهری و آزار و تعقیب، می‌پردازد. بخش سوم نتیجه می‌گیرد که این اعمال مصداق جنایات علیه بشریت هستند، زیرا همگی در چارچوب حمله‌ای گسترده و نظام‌مند از سوی مقام‌ها علیه جمعیت غیرنظامی ایران ارتکاب یافته‌اند.

۱۳. مقام‌های مستوجب

تحقیقات کیفری

نیروهای امنیتی اصلی دخیل در متفرق کردن مرگبار اعتراضات در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ (۲۰۲۲)، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، فراجا، و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بودند. این نیروهای امنیتی که زیر نظر ستاد کل نیروهای مسلح فعالیت می‌کردند، راهبردهایی را اجرا کردند که شوره‌های امنیتی در سطوح کشوری، استانی و شهرستانی تدوین کرده بودند و وزیر کشور و نمایندگان او در سطح استان و شهرستان، یعنی استانداران و فرمانداران، آن‌ها را به اجرا می‌گذاشتند.

عفو بین‌الملل نام و مشخصات ۸۷ مقام را شناسایی کرده است که در زمان ارتکاب جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این گزارش، مناصب عالی فرماندهی و راهبری را در سطوح کشوری، منطقه‌ای، استانی و شهرستانی در اختیار داشتند. از میان این ۸۷ مقام، دست‌کم شش نفر از آن زمان تاکنون درگذشته‌اند.^{۲۸۶} عفو بین‌الملل بر اساس مجموعه گسترده شواهد ارائه‌شده در سراسر این گزارش، خواستار آغاز تحقیقات کیفری بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی یا سایر اشکال صلاحیت فراسرزمینی، در صورت اقتضا، علیه افرادی از این فهرست است که در قید حیات‌اند. درباره افراد درگذشته نمی‌توان تحقیقات یا محاکمه کیفری انجام داد. با این حال، تحقیق درباره اعمال ادعایی آن‌ها همچنان برای کشف حقیقت، ثبت سوابق تاریخی، درک زنجیره‌های فرماندهی و بررسی مسئولیت احتمالی دیگر افراد اهمیت دارد.

این فصل به پنج بخش تقسیم شده است. بخش نخست رویکرد عفو بین‌الملل برای شناسایی مقام‌هایی را که باید مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند توضیح می‌دهد، معیار اثباتی به‌کاررفته، یعنی «وجود دلایل معقول برای باور»، را تشریح می‌کند و دامنه و محدودیت‌های فهرست مقام‌های شناسایی شده را بیان می‌کند. بخش‌های دوم و سوم یافته‌های سازمان درباره وجود دلایل معقول برای این باور که بر اساس حقوق کیفری بین‌المللی عناصر لازم برای احراز اشکال مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» یا «مساعدت و حمایت» ۸۷ فرد شناسایی شده محقق شده‌اند را شرح می‌دهند. بخش دوم، اعمال ۶۲ فرمانده را در چارچوب مسئولیت

^{۲۸۶} مقام‌های درگذشته عبارت‌اند از علی خامنه‌ای، حسین سلامی، محمد باقری، محمد پاکپور، مجتبی کرمی و یوسف درویشی. به استثنای یوسف درویشی، تمامی آنان در جریان حملات هوایی انجام‌شده در بستر حمله نظامی ایالات متحده و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در ژوئن ۲۰۲۵ و فوریه ۲۰۲۶ کشته شدند.

مقام مافوق تحلیل می‌کند. بخش سوم، اعمال ۲۵ مقام وزارت کشور، از جمله وزیر کشور، معاون وزیر کشور در امور انتظامی و امنیتی، استانداران، معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران و فرمانداران را در چارچوب مساعدت و حمایت تحلیل می‌کند. بخش چهارم اطلاعات بیشتری درباره این ۸۷ مقام، از جمله تاریخ انتصاب و سمت‌هایی که بعداً بر عهده داشته‌اند، ارائه می‌کند. بخش پنجم سه نمودار سازمانی مربوط به استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی را در بر می‌گیرد که نام‌ها، سمت‌ها و تصاویر ۸۷ مقام شناسایی شده را ارائه کرده و روابط سلسله‌مراتبی میان آنان را به تصویر می‌کشد.

عفو بین‌الملل تأکید می‌کند که مسئولیت کیفری فردی فقط از طریق تحقیقات کیفری عادلانه، مستقل و بی‌طرفانه و در صورت وجود شواهد کافی، محاکمه‌های کیفری قابل احراز است که با رعایت حق برخورداری از دادرسی عادلانه، از جمله اصل برائت، و بدون توسل به مجازات اعدام انجام شوند. مسئولیت کیفری فردی باید بر اساس شواهد مختص هر فرد و در ارتباط با وقایعی که مبنای اتهامات قرار گرفته‌اند، فراتر از تردید معقول اثبات شود.

۱۳.۱ روش کار

جنايات عليه بشریت به صورت منفرد و جدا از یکدیگر رخ نمی‌دهند. گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه ترویج حقیقت، عدالت، جبران خسارت و تضمین‌های عدم تکرار، در گزارش سال ۱۳۹۳ (۲۰۱۴) خود به شورای حقوق بشر سازمان ملل این موضوع را این چنین توضیح داد:

«نقض‌های گسترده نه تنها مستلزم سازمان‌دهی پیچیده عملیات «مسلحانه‌ای» هستند که مستقیماً موجب وقوع این نقض‌ها می‌شوند، بلکه نیازمند هماهنگی این عملیات با بازیگران سیاسی و اقتصادی حامی نیز هستند... بازیگران که قادرند گروه‌های بزرگ و منابع گسترده را بسیج کنند.»^{۲۸۷}

گزارشگر ویژه در همان گزارش توضیح داد که تحقیقات و پیگردهای کیفری درباره جنایات علیه بشریت باید چگونه انجام شوند:

«یک راهبرد پایدار برای اولویت‌بندی مستلزم آن است که دادستان‌ها بر الگوهای نقض تمرکز کنند؛ رویکردی که به کشف زنجیره‌های فرماندهی، ارتباط میان بازیگران مسلح و دیگر گروه‌ها و همچنین حمایت‌های مالی و سایر اشکال حمایت کمک می‌کند، با این هدف که ساختارها یا شبکه‌هایی که به بازیگران مختلف امکان دادند با همکاری یکدیگر چنین نقض‌های هولناکی را رقم بزنند، برچیده شوند.»^{۲۸۸}

^{۲۸۷} گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در زمینه ترویج حقیقت، عدالت، جبران خسارت و تضمین‌های عدم تکرار (گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه ترویج حقیقت)، گزارش، ۵ شهریور ۱۳۹۳ (۲۷ اوت ۲۰۱۴)، سند سازمان ملل A/HRC/27/56، بند ۷۲.
^{۲۸۸} گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه ترویج حقیقت، گزارش، ۵ شهریور ۱۳۹۳ (۲۷ اوت ۲۰۱۴) (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۰۹.

این رویکرد با روش «تحقیقات ساختاری»^{۲۸۹} همسو است؛ روشی که در برخی حوزه‌های قضایی ملی، از جمله آلمان و سوئد، به کار گرفته می‌شود و تمرکز بر تحلیل «ساختارهای قدرتی است... که نقش مهمی در ارتکاب جنایات ایفا کرده‌اند.»^{۲۹۰} هدف تحقیقات ساختاری، شناسایی ساختارهای فرماندهی و تصمیم‌گیری؛ فراهم کردن درکی گسترده از زمینه و چگونگی ارتکاب جنایات به دست بازیگران در درون نظام‌های پیچیده حکومتی و/یا نظامی؛ و شناسایی و دسته‌بندی مرتکبان احتمالی با هدف پیگیری پاسخ‌گویی کیفری، از طریق اعمال اصل صلاحیت قضایی جهانی یا سایر اشکال صلاحیت فراسرزمینی، در صورت اقتضا، است.

عفو بین‌الملل برای تهیه فهرست مقام‌هایی که باید در ارتباط با جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این گزارش مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند، از این رویکرد تحقیقات ساختاری بهره گرفته است. این سازمان در فصل‌های پیشین، نیروهای امنیتی دخیل در جنایات علیه بشریت ارتكابی در بستر سرکوب مرگبار خیزش «زن زندگی آزادی» را مستندسازی کرده و مأموریت، ساختار فرماندهی و ترتیبات سازمانی آن‌ها را به‌طور عمیق تحلیل کرده است. عفو بین‌الملل بر پایه این مستندسازی تفصیلی، ۸۷ نفر را شناسایی کرده است که در جریان اعتراضات شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، در این نیروهای امنیتی در سطوح کشوری، منطقه‌ای، استانی یا شهرستانی مناصب ارشد داشتند.

عفو بین‌الملل برای شناسایی افراد مربوطه، معیار اثباتی «دلایل معقول برای باور» را به کار برده است.^{۲۹۱} به این معنا که سازمان تنها زمانی خواستار انجام تحقیقات کیفری درباره یک فرد شده است که بر اساس شواهد موجود، دلایل معقولی برای این باور وجود داشته باشد که آن فرد، بر اساس یک یا چند شکل شناخته‌شده مسئولیت کیفری، دارای مسئولیت ادعایی در قبال جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این گزارش است.

عفو بین‌الملل در شناسایی افراد نام‌برده، عناصر زیر را که با اشکال مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» و/یا «مساعدت و حمایت» مرتبط هستند، در نظر گرفته است:

۲۸۹ سازوکار بین‌المللی، بی‌طرف و مستقل سازمان ملل برای سوریه «(IIM) تحقیقات ساختاری» را چنین توصیف می‌کند: «ترسیم الگوهای کلی جنایات، ساختارهای قدرت در اختیار طرف‌های مخاصمه، کنشگران مرتبط (به‌ویژه افرادی که در ساختارهای قدرت قرار دارند، اما همچنین سایر کنشگران، از جمله غیرنظامیانی که ممکن است خارج از این ساختارها فعالیت کنند ولی با این حال نقش مهمی در ارتکاب جنایات داشته‌اند) و زمینه گسترده‌تری که تمامی وقایع مربوطه در آن رخ داده‌اند (چارچوب‌های قانون اساسی و قانونی، چشم‌انداز ژئوپلیتیک و زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی)». نگاه کنید به IIM،:، واژه‌نامه، (۶ اوت ۲۰۲۶)، مدخل «Structural investigation». این روش تحقیق در چندین حوزه قضایی ملی، از جمله آلمان، فرانسه و سوئد، به کار گرفته شده است. همچنین نگاه کنید به Miriam Ingeson: «Structural investigations in Sweden: Reinventing investigations of international crimes»، سپتامبر ۲۰۲۰، *Scandinavian Studies in Law*، جلد ۶۶، ص. ۳۶۱.

۲۹۰ مرکز اروپایی حقوق اساسی و حقوق بشر، واژه‌نامه، (تاریخ دسترسی: ۶ اوت ۲۰۲۶)، مدخل «Structural investigation».

۲۱ «دلایل معقول برای باور» معیاری حقوقی است که وجود شواهد کافی، معتبر و عینی را ایجاب می‌کند؛ شواهدی که یک فرد معقول را به این نتیجه برساند که واقعیت ادعایی احتمالاً صحت دارد. این معیار معمولاً در تحقیقات حقوق بشری برای ارزیابی مسئولیت دولت در قبال موارد نقض حقوق بشر به کار می‌رود. «دلایل معقول برای باور» به‌عنوان معیار اثبات، پایین‌تر از آستانه کیفری «فراتر از تردید معقول» است. با این حال، این معیار نیز مستلزم فراتر رفتن از صرف ظن و وجود یک مبنای مستحکم شواهدی است که احتمال صحت واقعیت‌های ادعایی را پشتیبانی کند. نگاه کنید به: هیات حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل سازمان ملل متحد برای سودان، گزارش، ۱۵ شهریور ۱۴۰۳ (۵ سپتامبر ۲۰۲۴)، *سند سازمان ملل A/HRC/57/23*، بند ۱۳؛ *Max Planck Encyclopedias of International Law*، «Reasonable Grounds to Believe»، (تاریخ دسترسی: ۶ اوت ۲۰۲۶)، بند ۱.

- جایگاه فرد در سلسله‌مراتب دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی ایران و نقش مشخصی که با توجه به سمت خود در سرکوب مرگبار خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ ایفا کرده است؛
- اختیار و کنترلی که فرد، در مقام مافوق، بر زیردستان مسئول جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این گزارش اعمال کرده است؛
- اقداماتی که فرد برای مساعدت، تشویق یا حمایت معنوی از ارتکاب جنایات علیه بشریت مستندسازی شده از سوی عفو بین‌الملل انجام داده و تاثیر قابل توجه این مساعدت بر ارتکاب جنایات؛
- اظهارات علنی فرماندهان و مقامات مافوق که در آن مأموران مرتکب جنایات علیه بشریت مورد تمجید، تشویق یا حمایت قرار گرفته‌اند؛
- دستورهای رسمی افشاشده‌ای که جنایات علیه بشریت را مجاز یا تسهیل کرده‌اند؛ و
- ارتباط فرد با جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این گزارش.

فهرست ۸۷ مقام شامل ۱۰ مقام در سطح کشوری و ۷۷ مقام دیگر در سطوح منطقه‌ای (چهار نفر)، استانی (۲۱ نفر) و شهرستانی (۵۲ نفر) است که استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی و ۱۷ شهرستان در این استان‌ها را پوشش می‌دهند. گروه اخیر بر اساس مستندسازی عمیق عفو بین‌الملل از متفرق کردن مرگبار اعتراضات در هفت شهرستان استان کردستان، پنج شهرستان استان کرمانشاه و پنج شهرستان استان آذربایجان غربی انتخاب شده‌اند. این مستندسازی شامل شرح تفصیلی سیر زمانی وقایع، شواهد مربوط به قتل ۹۵ معترض و رهگذر/ناظر و مجروح شدن شمار بسیار بیشتری، و همچنین بررسی همه‌جانبه اظهارات رسمی فرماندهان ارشد فراجا و سپاه پاسداران و مقام‌های وزارت کشور در این مناطق بوده است.^{۲۹۲}

این ۸۷ مقام در زمان خیزش «زن زندگی آزادی» در شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) طیفی از مناصب ارشد را در اختیار داشتند؛ از جمله فرمانده کل قوا (رهبر)؛ رئیس ستاد کل نیروهای مسلح؛ ۲۷ فرمانده فراجا؛ ۳۳ فرمانده سپاه پاسداران؛ و ۲۵ مقام وزارت کشور شامل وزیر کشور و جانشین فرمانده کل قوا در امور انتظامی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، سه استاندار، سه معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار و ۱۷ فرماندار. عفو بین‌الملل اسامی کسانی که ادعا شده مستقیماً در محل واقعه مرتکب این جنایات شده‌اند را در این فهرست نیاورده است، هرچند نام چند تن از این افراد در پرونده‌های سازمان ثبت شده است.

^{۲۹۲} نگاه کنید به فصل‌های ۶ تا ۱۰.

۲۷ فرمانده فراجا عبارت بودند از:

- فرمانده کل فراجا؛
- فرمانده یگان‌های ویژه در سطح کشور؛
- رئیس پلیس پیشگیری در سطح کشور؛
- فرماندهان فراجا در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی؛
- فرماندهان استانی یگان‌های ویژه در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی؛
- فرماندهان فراجا در شهرستان‌های بانه، دهگلان، دیواندره، کامیاران، مریوان، سنندج و سقز در استان کردستان؛ اسلام‌آباد غرب، قصر شیرین، جوانرود، کرمانشاه و ثلاث باباجانی در استان کرمانشاه؛ و بوکان، مهاباد، پیرانشهر، اشنویه و ارومیه در استان آذربایجان غربی.

۳۳ فرمانده سپاه پاسداران عبارت بودند از:

- فرمانده کل سپاه پاسداران؛
- فرمانده نیروی مقاومت زمینی؛
- فرماندهان و معاونان فرمانده دو قرارگاه منطقه‌ای نیروی مقاومت زمینی سپاه پاسداران، یعنی قرارگاه حمزه سیدالشهدا با حوزه مسئولیت استان‌های کردستان و آذربایجان غربی، و قرارگاه نجف اشرف با حوزه مسئولیت استان‌های کرمانشاه، ایلام و همدان.
- فرماندهان و معاونان فرمانده سه سپاه استانی سپاه پاسداران، یعنی سپاه استانی کردستان، سپاه استانی کرمانشاه و سپاه استانی آذربایجان غربی؛
- فرماندهان لشکرهای عملیاتی سه سپاه استانی سپاه پاسداران، یعنی لشکر عملیاتی ۲۲ بیت‌المقدس سپاه استانی کردستان، لشکر عملیاتی ۲۹ نبی‌اکرم سپاه استانی کرمانشاه و لشکر عملیاتی ۳ حمزه سپاه استانی آذربایجان غربی؛

- فرماندهان سپاه‌های ناحیه مقاومت بسیج در شهرستان‌های بانه، دهگلان، دیواندره، کامیاران، مریوان، سنندج و سقز در استان کردستان؛ اسلام‌آباد غرب، قصر شیرین، جوانرود، کرمانشاه و ثلاث باباجانی در استان کرمانشاه؛ و بوکان، مهاباد، پیرانشهر، اشنویه و ارومیه در استان آذربایجان غربی.

۲۵ مقام وزارت کشور عبارت بودند از:

- وزیر کشور، که همزمان جانشین فرمانده کل قوا در امور انتظامی و رئیس شورای امنیت کشور نیز بود؛
- معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، که همزمان دبیر شورای امنیت کشور نیز بود؛
- استانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی؛
- فرمانداران شهرستان‌های بانه، دهگلان، دیواندره، کامیاران، مریوان، سنندج و سقز در استان کردستان؛ اسلام‌آباد غرب، قصر شیرین، جوانرود، کرمانشاه و ثلاث باباجانی در استان کرمانشاه؛ و بوکان، مهاباد، پیرانشهر، اشنویه و ارومیه در استان آذربایجان غربی.

بررسی عفو بین‌الملل به هیچ‌وجه جامع و نهایی نیست و نباید بر هرگونه بررسی آتی درباره نقش دیگر مقام‌ها یا مرتکبان، اعم از مستقیم یا غیرمستقیم، که در این گزارش نامی از آنان برده نشده است تأثیر بگذارد. فهرست مندرج در این فصل با توجه به محدودیت‌ها و موانع پژوهشی اصلی زیر تهیه شده است.

نخست، با توجه به تمرکز این گزارش بر مستندسازی عمیق متفرق کردن مرگبار اعتراضات در استان‌های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، در فهرست مقام‌ها نامی از مقام‌های سایر استان‌ها نیامده است. با این حال، شواهد ارائه‌شده درباره ارتکاب جنایات علیه بشریت در سراسر کشور، از جمله صدها قتل در دیگر استان‌ها، در کنار اطلاعات تفصیلی درباره زنجیره‌های فرماندهی که در سراسر کشور به‌طور یکسان در سطوح کشوری، منطقه‌ای، استانی و شهرستانی سازمان یافته‌اند، باید راهنمای تحقیقات آتی دیگر نهادها و افرادی باشد که در پی شناسایی مقام‌های بیشتری برای انجام تحقیقات کیفری هستند.

دوم، از آن‌جا که این گزارش بر مستندسازی عمیق موارد متفرق کردن مرگبار اعتراضات تمرکز دارد، نام مقام‌هایی را که ادعا می‌شود مسئول جنایات ارتكابی در بازداشت حکومت و تحت کنترل نهادهایی مانند وزارت اطلاعات، سازمان اطلاعات سپاه پاسداران، پلیس امنیت عمومی، پلیس آگاهی، دادسراها و سازمان زندان‌ها بوده‌اند، ذکر نمی‌کند. هرچند عفو بین‌الملل الگوهایی از جنایات علیه بشریت در بازداشت حکومت، از جمله جنایات علیه بشریت از نوع قتل، شکنجه، ناپدیدسازی قهری، حبس، تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی، و آزار و ستم، را مستندسازی کرده است، شناسایی افرادی که در این ساختارها در مناصب فرماندهی قرار داشته‌اند و تحلیل اشکال احتمالی مسئولیت کیفری آنان مستلزم تحقیقات جداگانه است.

سوم، عفو بین الملل بر اساس شواهد موجود درباره زنجیره فرماندهی و دیگر مستنداتی که اعمال اشکال احتمالی مسئولیت کیفری را پشتیبانی می کنند، نام مقام هایی را ذکر کرده است که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ بالاترین مناصب را در سطوح کشوری، منطقه ای، استانی و شهرستانی در اختیار داشتند. با این حال، این سازمان تأکید می کند که فرماندهان سطوح میانی و پایین تر و همچنین دیگر افرادی که هدایت نهادهای مأمور سرکوب اعتراضات را بر عهده داشتند یا به هر نحو دیگری در آنها مشارکت کردند، مطابق جزییات ارائه شده در فصل ۱۰، باید در تحقیقات مورد توجه قرار گیرند و در صورت وجود شواهد، مورد تحقیقات کیفری و محاکمه های کیفری قرار گیرند.

در نهایت، عفو بین الملل خاطرنشان می کند اعضای شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین استان ها و شهرستان ها که بر اساس نقش های دیگرشان پیش تر در فهرست افرادی که باید درباره آنان تحقیقات کیفری انجام شود، قرار نگرفته اند نیز باید از سوی کسانی که درباره جنایات مستندسازی شده در این گزارش تحقیق می کنند، مورد توجه قرار گیرند. مأموریت این شوراها، توأم با مجموعه شواهد تحلیل شده در فصل ۱۰، نشان دهنده نقش اساسی این نهادها در سازمان دهی حمله ای است که در جریان خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ علیه جمعیت غیرنظامی صورت گرفت. این امر با دو مصوبه افشاشده شورای امنیت کشور که، از جمله، به شوراهای تأمین دستور جلوگیری از تجمعات را می دادند؛^{۲۹۳} نامه های افشاشده جداگانه ای از دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی و وزیر وقت کشور خطاب به رئیس جمهور وقت؛^{۲۹۴} گزارش های رسانه های حکومتی درباره جلساتی که دبیر شورا در ارتباط با عملیات نیروهای امنیتی برگزار کرده بود؛^{۲۹۵} درخواست های مطرح شده از سوی کنشگران سیاسی مختلف خطاب به شورای عالی امنیت ملی^{۲۹۶} و بیانات رسمی صادر شده از سوی شورای امنیت کشور در دوره اعتراضات^{۲۹۷} پشتیبانی می شود.

دسترسی به شواهد بیشتر، از جمله مصوبات دیگری که این شوراها در جریان دوره اعتراضات صادر کرده اند و همچنین سوابق گفت وگوها و رای گیری ها، برای ارزیابی میزان دخالت هر یک از اعضا، مسئولیت احتمالی آنان و ارتباط احتمالی شان با جنایات علیه بشریت ارتكابی در جریان سرکوب ضروری است. اعضای این شوراها ممکن است همزمان در نهادهای دیگری نیز فعالیت داشته باشند که تصمیم های اتخاذ شده در آن سمت ها نیز می تواند موجب مسئولیت شود.

به همین ترتیب، افرادی که در اسناد رسمی افشاشده شورای امنیت کشور نامشان به عنوان شرکت کنندگان در جلسات این شورا آمده است یا مصوبات شورا خطاب به آنان ارسال شده و به آنان دستور داده شده است که برای اجرا، دستورهای لازم را به

^{۲۹۳} نگاه کنید به بخش های (۳) ۱۰.۴.۴ و (۴) ۱۰.۴.۴.

^{۲۹۴} نگاه کنید به بخش های (۱) ۱۰.۴.۴ و (۲) ۱۰.۴.۴.

^{۲۹۵} نگاه کنید به بخش (۳) ۱۰.۴.۴.

^{۲۹۶} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۴.۳.

^{۲۹۷} نگاه کنید به بخش ۱۰.۴.۳.

زیردستان خود صادر کنند، باید در تحقیقات مورد توجه قرار گیرند.^{۲۹۸} در این موارد نیز دسترسی به شواهد بیشتر، از جمله دستورهای که این افراد صادر کرده‌اند و سایر اقداماتی که انجام داده‌اند، برای ارزیابی میزان دخالت آنان و ارتباط احتمالی‌شان با جنایات علیه بشریت ارتكابی در جریان سرکوب ضروری است.

۱۳.۲ مسئولیت مقام مافوق

بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، برای آن‌که فردی بر مبنای شکل مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق»، یعنی به‌عنوان مقام مافوق در قبال جنایات بین‌المللی که زیردستان او مرتکب شده‌اند، مسئولیت کیفری داشته باشد، باید اثبات شود که: (۱) رابطه مافوق و زیردست وجود داشته است؛ (۲) مقام مافوق می‌دانسته یا دلایلی داشته است که بداند عمل مجرمانه در شرف ارتكاب بوده یا ارتكاب یافته است؛ و (۳) مقام مافوق اقدامات ضروری و معقول را برای جلوگیری از ارتكاب عمل مجرمانه یا مجازات مرتکب آن انجام نداده، یا موضوع را برای تحقیق و پیگرد به مقام‌های صالح ارجاع نداده است.^{۲۹۹} این الزامات هم درباره مقامات مافوق نظامی و هم مقامات مافوق غیرنظامی اعمال می‌شود.^{۳۰۰} شکل مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» همچنین در ماده ۲۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی تدوین شده است.^{۳۰۱}

عفو بین‌الملل بر اساس شواهد ارائه‌شده در این گزارش و دلایلی که در ادامه تشریح می‌شود، به این نتیجه رسیده است که دلایل معقولی برای باور وجود دارد که این عناصر در مورد ۶۲ فرد زیر محقق شده‌اند؛ افرادی که در دوره ارتكاب جنایات علیه بشریت مستندسازی‌شده در این گزارش، در سطوح کشوری، استانی یا شهرستانی مناصب فرماندهی داشتند. مقام‌ها منطبق با استان‌ها و شهرستان‌هایی که در فصل‌های ۶ تا ۸ بررسی شده‌اند، بر اساس حوزه جغرافیایی مسئولیتشان فهرست شده‌اند؛ ابتدا کسانی که در سطح کشوری فعالیت می‌کردند و سپس افرادی که در سطوح استانی و شهرستانی فعالیت داشتند.

فرمانده کل قوا

۱ علی خامنه‌ای، فرمانده کل تمامی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی (رهبری)

۲۹۸ نگاه کنید به بخش‌های (۳) ۱۰.۴.۴ و (۴) ۱۰.۴.۴.

۲۹۹ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)، *دادستان علیه دلایچ و دیگران*، پرونده IT9621T، رای شعبه بدوی اول، ۱۶ نوامبر ۱۹۹۸، بند ۳۴۶.

۳۰۰ دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR)، *دادستان علیه باگیلیشما*، پرونده ICTR951AA، رای شعبه تجدیدنظر، ۳ ژوئیه ۲۰۰۲، بند ۵۰.

۳۰۱ شایان ذکر است که میان معیار «علم استنباطی» در ماده ۲۸ اساسنامه رم و حقوق بین‌الملل عرفی تفاوت وجود دارد. اساسنامه رم در مورد عنصر ذهنی مورد نیاز برای فرماندهان نظامی معیار پایین‌تری مقرر می‌کند («باید می‌دانست» به جای «دلایلی داشت که بداند») و در مورد مقامات مافوق غیرنظامی معیار اندکی بالاتر قرار می‌دهد («آگاهانه اطلاعاتی را که به‌وضوح دلالت داشت نادیده گرفت»). یکی از صاحب‌نظران این تفاوت را چنین توضیح داده است: «در مورد مقامات مافوق غیرنظامی، این تفاوت اندک است و مستلزم آن است که مقام مافوق نسبت به معیار عرفی از درجه بیشتری از قطعیت آگاه باشد. در مورد مقامات مافوق نظامی، تفاوت در جهت عکس است و فصولهای ناشی از سهل‌انگاری را نیز دربرمی‌گیرد.» نگاه کنید به Miles Jackson، *Command responsibility*، در Jérôme de Hemptinne و دیگران (ویراستاران)، *Modes of Liability in International Criminal Law*، ۲۰۱۹، ص. ۴۲۵.

ستاد کل نیروهای مسلح

۲ محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح

فرماندهان سپاه پاسداران

سطح کشوری

۳ حسین سلامی، فرمانده کل

۴ محمد پاکپور، فرمانده نیروی مقاومت زمینی

سطح منطقه‌ای

۵ محمدتقی اوصانلو، فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا با حوزه مسئولیت استان‌های کردستان و آذربایجان غربی

۶ مجید ارجمندفر، جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا با حوزه مسئولیت استان‌های کردستان و آذربایجان غربی

۷ محمدنظر عظیمی، فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف با حوزه مسئولیت استان‌های کرمانشاه، ایلام و همدان

۸ کوروش آسیابانی، جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف با حوزه مسئولیت استان‌های کرمانشاه، ایلام و همدان

استان کردستان

۹ صادق حسینی، فرمانده سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان

۱۰ علیرضا مدنی‌فر (مدنی)، جانشین فرمانده سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان

۱۱ جمشید رضایی، فرمانده لشکر عملیاتی ۲۲ بیت‌المقدس سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان

۱۲ مرتضی میرآقایی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان سنندج

۱۳ یوسف معروفی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان سقز

۱۴ علی‌احمد صفی‌زاده، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان دیواندره

۱۵ عباس امری، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان بانه

۱۶ صادق جمالی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان دهگلان

۱۷ حسین ملکی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان کامیاران

۱۸ منصور ولی‌ئی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان مریوان (تا ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲)

۱۹ قیصر امیدی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان مریوان (از ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲ به بعد)

استان آذربایجان غربی

۲۰ حبیب شهسواری، فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

- ۲۱ طالب رحیمی، جانشین فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی
- ۲۲ یدالله آبروشن، فرمانده لشکر عملیاتی ۳ حمزه سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی
- ۲۳ صمد محمدعلی زاده، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان بوکان
- ۲۴ اکبر نوروزی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان مهاباد
- ۲۵ جلیل نقشی قره باغ، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان پیرانشهر
- ۲۶ یعقوب رشیدی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان اشنویه
- ۲۷ قهرمان عیوضلو، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان ارومیه

استان کرمانشاه

- ۲۸ بهمن ریحانی، فرمانده سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه
- ۲۹ مسعود قنبری، جانشین فرمانده سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه
- ۳۰ مجتبی کرمی، فرمانده لشکر عملیاتی ۲۹ نبی اکرم سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه*
- ۳۱ ابوذر انواری، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان کرمانشاه
- ۳۲ بهرام میرزایی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان جوانرود
- ۳۳ ارسلان سلطان قلی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان اسلام آباد غرب^{۳۰۲}
- ۳۴ معارف الفتی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان ثلاث باباجانی
- ۳۵ محسن دارابی، فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان قصر شیرین

فرماندهان فراجا

سطح کشوری

- ۳۶ حسین اشتری، فرمانده کل
- ۳۷ حسن کرمی، فرمانده یگان های ویژه
- ۳۸ مهدی معصوم بیگی، رئیس پلیس پیشگیری (تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲)
- ۳۹ رضا بنی اسدی فر، رئیس پلیس پیشگیری (از ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲ به بعد)

استان کردستان

- ۴۰ علی آزادی، فرمانده فراجا در استان کردستان
- ۴۱ محمد علی زمانی، فرمانده یگان های ویژه فراجا در استان کردستان
- ۴۲ علیرضا مرادی، فرمانده فراجا در شهرستان سنندج

^{۳۰۲} ارسلان سلطان قلی از اسفند ۱۳۹۹ تا ۲۶ مهر ۱۴۰۱ فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان اسلام آباد غرب سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود؛ در این تاریخ، بهزاد یوسفوند جانشین او شد. عفو بین الملل در فهرست خود بر ارسلان سلطان قلی تمرکز کرده است، زیرا کشتارهای غیرقانونی مستندسازی شده از سوی این سازمان در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در اسلام آباد غرب رخ داده اند. بنگرید به بخش ۷.۴.

- ۴۳ علی صفری، فرمانده فراجا در شهرستان سقز
- ۴۴ علیرضا کرجی، فرمانده فراجا در شهرستان دیواندره
- ۴۵ رسول کرمی چگینی، فرمانده فراجا در شهرستان بانه
- ۴۶ یوسف درویشی، فرمانده فراجا در شهرستان دهگلان*
- ۴۷ بهروز جلیلیان، فرمانده فراجا در شهرستان کامیاران
- ۴۸ کامبیز رستم‌نیا، فرمانده فراجا در شهرستان مریوان

استان آذربایجان غربی

- ۴۹ رحیم جهانبخش، فرمانده فراجا در استان آذربایجان غربی
- ۵۰ رضا فرجی، فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان آذربایجان غربی
- ۵۱ سلمان حیدری، فرمانده فراجا در شهرستان بوکان
- ۵۲ محمد توحیدی، فرمانده فراجا در شهرستان مهاباد
- ۵۳ حسام صلاحی، فرمانده فراجا در شهرستان پیرانشهر
- ۵۴ طالب محمدقلی‌زاده، فرمانده فراجا در شهرستان اشنویه
- ۵۵ حسن شیخ‌نژاد، فرمانده فراجا در شهرستان ارومیه

استان کرمانشاه

- ۵۶ علی‌اکبر جاویدان، فرمانده فراجا در استان کرمانشاه
- ۵۷ محسن پناهی، فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان کرمانشاه
- ۵۸ علیرضا دلیری، فرمانده فراجا در شهرستان کرمانشاه
- ۵۹ بهروز فخری، فرمانده فراجا در شهرستان جوانرود
- ۶۰ هوشنگ مبارکی (مبارکی‌پور)، فرمانده فراجا در شهرستان اسلام‌آباد غرب
- ۶۱ شهرام کسانی، فرمانده فراجا در شهرستان ثلاث باباجانی
- ۶۲ محمد محمدی، فرمانده فراجا در شهرستان قصر شیرین

۱۳.۲.۱ رابطه مافوق وزیردست

رویه قضایی بین‌المللی

حقوق بین‌الملل در پرونده‌هایی که میان مقام مافوق و زیردست رابطه سلسله‌مراتبی رسمی یا غیررسمی (دوفاکتو) وجود دارد، اثبات کنترل مؤثر مقام مافوق بر زیردست را الزامی می‌داند. هنگامی که احراز شود مقام مافوق اختیار رسمی بر زیردستان خود

داشته است، دادگاه می‌تواند دست کم در نگاه نخست اعمال کنترل مؤثر بر زیردستان را مفروض بداند، مگر آن که شواهدی خلاف آن ارائه شود. با این حال، اختیار رسمی مترادف با کنترل مؤثر نیست. دادستانی همچنان باید فراتر از تردید معقول اثبات کند که مقام مافوق بر زیردستان خود کنترل مؤثر اعمال کرده است، مگر آن که متهم اعمال چنین سطحی از کنترل را به چالش نکشد.^{۳۰۳}

ارزیابی این که آیا مقام مافوق بر زیردست کنترل مؤثر اعمال کرده است، بیش از آن که مسئله‌ای حقوقی باشد، مسئله‌ای مربوط به واقعیت و شواهد است.^{۳۰۴} و مستلزم بررسی عواملی است که نشان دهند «متهم در صورت اقتضا، اختیار جلوگیری، مجازات یا آغاز اقداماتی را داشته است که به رسیدگی علیه مرتکبان ادعایی منجر شود.»^{۳۰۵} عوامل مرتبط شامل، اما نه محدود به، توانایی مقام مافوق برای صدور دستور و تضمین تبعیت از دستورها، از جمله بررسی این که آیا دستورها عملاً اجرا شده‌اند یا خیر؛ اختیار او بر زیردستان، از جمله در زمینه ترفیع، عزل و خاتمه خدمت؛ کنترل او بر منابع مالی؛ و دسترسی و کنترل او بر ابزارهایی مانند تجهیزات ارتباطی و سلاح‌ها است. افزون بر این، نقش مقام مافوق در نمایندگی کردن آن ایدئولوژی که نیروهایش به آن پایبندند و در حفظ نفوذ از طریق حضورهای عمومی و اظهارات علنی هم می‌تواند نشانه‌ای دیگر از اعمال کنترل مؤثر باشد.^{۳۰۶}

عفو بین‌الملل در فصل ۱۰، ماهیت به‌شدت سلسله‌مراتبی نیروهای فراجا و سپاه پاسداران را به تفصیل تحلیل کرده است؛ نیروهایی که دارای ساختار رسمی فرماندهی و کنترل برای واحدهای خود در همه سطوح هستند. بر اساس این زمینه، این سازمان به این نتیجه رسیده است که تصدی یک منصب رسمی فرماندهی در هر سطحی از این نیروها: (۱) نشان می‌دهد فرمانده اختیار رسمی بر زیردستان خود دارد و خود نیز به‌طور رسمی تابع فرماندهان رده بالاتر است؛ و (۲) در نگاه نخست، شاهدی بر اعمال کنترل مؤثر فرمانده بر زیردستان خود است؛ به این معنا که او از «توانایی عملی برای جلوگیری از ارتکاب جنایات یا سرکوب چنین اقداماتی یا ارجاع موضوع به مقام‌های صالح» برخوردار است.^{۳۰۷}

۶۲ فرمانده‌ای که در بالا فهرست شده‌اند، در حوزه‌های مسئولیت ملی، استانی یا شهرستانی مربوط به خود، بر نیروهای فراجا و/یا سپاه پاسداران که مرتکب جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این گزارش شده‌اند، اختیار رسمی داشتند. عفو بین‌الملل بر اساس اطلاعات و شواهد ارائه‌شده در فصل ۱۰ و سراسر این گزارش، دلایل معقولی برای باور دارد که اختیار رسمی این فرماندهان

۳۰۳ نگاه کنید به ICTY، : دادستان علیه/وریچ، پرونده IT0368A، رای شعبه تجدیدنظر، ۳ ژوئیه ۲۰۰۸، بند ۹۱؛ ICTY، : دادستان علیه حاجی حسنویچ و کوبورا، پرونده IT0147A، رای شعبه تجدیدنظر، ۲۲ آوریل ۲۰۰۸، بندهای ۲۰ تا ۲۱.

۳۰۴ نگاه کنید به ICTY، : دادستان علیه کاراکیچ، پرونده IT9514A، رای شعبه تجدیدنظر، ۲۹ ژوئیه ۲۰۰۴، بند ۶۹؛ ICTY، : دادستان علیه استروگار، پرونده IT0142A، رای شعبه تجدیدنظر، ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۸، بند ۲۵۴.

۳۰۵ ICTY، : دادستان علیه کاراکیچ، پرونده IT955/18T، رای شعبه بدوی اول، ۲۴ مارس ۲۰۱۶، بند ۵۸۰؛ دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، : دادستان علیه بمبا گومبو، پرونده ICC01/0501/08، رای شعبه بدوی سوم، ۲۱ مارس ۲۰۱۶، بند ۱۸۸.

۳۰۶ دیوان کیفری بین‌المللی، : دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۸۸.

۳۰۷ دیوان کیفری بین‌المللی، : دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۸۳.

متضمن کنترل مؤثر آنان بر نیروهای زیردستی بوده است که در محل مرتکب جنایات علیه بشریت شدند؛ به گونه‌ای که آنان از توانایی عملی برای جلوگیری یا سرکوب ارتکاب این جنایات یا ارجاع موضوع به مقامات قضایی یا دیگر مقامات صالح برخوردار بودند.^{۳۰۸}

اطلاعات و شواهد ارائه‌شده در فصل ۱۰ مجموعه‌ای از اختیارات را نشان می‌دهد که در مجموع حاکی از کنترل مؤثر اعمال‌شده از سوی این فرماندهان است:

- آنان، مطابق آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، اختیار صدور دستور دارند.^{۳۰۹} این دستورها بر اساس مأموریت‌های سرکوبگرانه این نیروها^{۳۱۰} و در چارچوب دستورهای فرمانده کل همه نیروهای مسلح^{۳۱۱} و ستاد کل نیروهای مسلح^{۳۱۲} و همچنین مصوبات شورای عالی امنیت ملی، شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین^{۳۱۳} می‌تواند شامل هدایت نیروهای تحت فرمان آنان برای انجام عملیات سرکوب اعتراضات باشد.
- آنان، مطابق آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، اختیار تضمین تبعیت از دستورها را دارند.^{۳۱۴} این امر از طریق مجاری متعدد در سطوح ملی و فروملی صورت می‌گیرد که دستورها را ابلاغ می‌کنند و مستلزم نظارت مستمر، گزارش‌دهی، هماهنگی، ارزیابی نحوه اجرا و جلوگیری از انحراف از دستورها هستند. این مجاری شامل زیرساخت‌های ارتباطی، هماهنگی و اجرایی سازمان‌یافته از طریق ستادهای فرماندهی؛^{۳۱۵} قرارگاه‌های راهبردی، عملیاتی و آموزشی؛^{۳۱۶} مراکز فرماندهی و کنترل (که با مخفف فارسی «مرفوک» شناخته می‌شوند)؛^{۳۱۷} شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین

^{۳۰۸} رویه قضایی کیفری بین‌المللی ایجاب نمی‌کند که یک فرمانده به‌تنهایی یا به‌صورت انحصاری بر نیروهای زیردستی که مرتکب جرم شده‌اند اختیار و کنترل داشته باشد. افزون بر این، کنترل مؤثر یک فرمانده لزوماً اعمال کنترل مؤثر از سوی فرماندهی دیگر را منتفی نمی‌کند و چند مقام مافوق می‌توانند همزمان در قبال اعمال زیردستان خود مسئول شناخته شوند. نگاه کنید به: دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۸۵.

^{۳۰۹} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۲ که مقررات مربوطه در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح را تشریح می‌کند.

^{۳۱۰} نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۲.۲ و ۱۰.۳.۲.

^{۳۱۱} نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۱.۱ و ۱۰.۲.۲.

^{۳۱۲} نگاه کنید به بخش ۱۰.۱.۱.

^{۳۱۳} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۲ که مقررات مربوطه در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح را تشریح می‌کند، و نیز بخش ۱۰.۴.

^{۳۱۴} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۲ که مقررات مربوطه در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح را تشریح می‌کند.

^{۳۱۵} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۱ که مقررات مربوطه در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح درباره ستادهای فرماندهی را ذکر و ستادهای فرماندهی فراجا را تشریح می‌کند. همچنین نگاه کنید به بخش ۱۰.۳.۱ که ساختارهای فرماندهی سپاه پاسداران را تشریح می‌کند.

^{۳۱۶} نگاه کنید به اشاره‌ها به قرارگاه‌های سپاه‌های استانی و قرارگاه‌های منطقه‌ای نیروی مقاومت زمینی سپاه پاسداران در بخش ۱۰.۳.۱؛ قرارگاه مرکزی امام علی در بخش (۲) (۱) ۱۰.۳.۱؛ قرارگاه‌های عملیاتی مرتبط با لشکرها و تیپ‌های عملیاتی، یگان‌های امنیتی و گردان‌های بسیج سپاه پاسداران در بخش‌های (۳) ۱۰.۳.۱ و (۴) ۱۰.۳.۱؛ و قرارگاه مرکزی امام حسین در بخش (۱) (۳) ۱۰.۳.۱.

^{۳۱۷} نگاه کنید به اشاره‌ها به مرفوک در بخش‌های ۱۰.۱.۴، (۱) ۱۰.۲.۱، ۱۰.۲.۲ و (۱) ۱۰.۲.۵.

زیرمجموعه آن؛^{۳۱۸} سازمان‌های حفاظت اطلاعات فراجا و سپاه پاسداران؛^{۳۱۹} و معاونت‌های مختلف هماهنگ‌کننده و عملیات، دفاتر و دیگر نهادهای وابسته به وزارت کشور،^{۳۲۰} فراجا^{۳۲۱} و سپاه پاسداران^{۳۲۲} است.

- آنان، مطابق آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، بر منابع لجستیکی لازم برای اجرای دستورهای اعمال کنترل می‌کنند.^{۳۲۳} این کنترل شامل تخصیص و استفاده از تجهیزات، سلاح یا مهمات،^{۳۲۴} و یکدست‌سازی نیروها از طریق ساختارهای منسجم بسیج و پرورش نیرو و برنامه‌های آموزش تاکتیکی و ایدئولوژیک است.^{۳۲۵}
- آنان از جمله از طریق عضویت در نهادهای تصمیم‌گیری مانند شورای امنیت کشور^{۳۲۶} که بودجه لازم برای تأمین هزینه‌های نیروهای مستقر را تخصیص می‌دهد،^{۳۲۷} بر منابع مالی اعمال کنترل می‌کنند.^{۳۲۸}
- آنان اختیار دارند نیروها را در محل‌هایی مستقر کنند که عملیات سرکوب اعتراضات در آن مکان‌ها برنامه‌ریزی شده است،^{۳۲۹} و در تصمیم‌گیری‌های راهبردی درباره محور عملیات و دامنه استقرار نیروها مشارکت داشته باشند.^{۳۳۰}
- آنان از جایگاه عمومی برجسته‌ای برخوردارند که در قالب حضورهای عمومی و بیانات مربوط به عملیات با هدف سرکوب اعتراضات نمود پیدا می‌کند.^{۳۳۱}

۳۱۸ نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۲ که مقررات مربوطه در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را تشریح می‌کند، و نیز بخش ۱۰.۴.

۳۱۹ نگاه کنید به اشاره‌ها به سازمان‌های حفاظت اطلاعات فراجا و سپاه پاسداران و مسئولیت‌های آن‌ها، از جمله در ارتباط با اجرای دستورها، در بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۱، ۱۰.۲.۲ و ۱۰.۳.۱.

۳۲۰ نگاه کنید به اشاره‌ها به معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور و دفاتر زیرمجموعه امور امنیتی و امور انتظامی در بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۱ و (۲) ۱۰.۲.۲.

۳۲۱ نگاه کنید به اشاره‌ها به معاون عملیات و معاون هماهنگ‌کننده در بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۱ و (۱) ۱۰.۲.۲.

۳۲۲ نگاه کنید به اشاره‌ها به سپاه‌های ناحیه مقاومت بسیج و حوزه‌ها و پایگاه‌های مقاومت بسیج در بخش‌های (۱) ۱۰.۳.۱، (۱) ۱۰.۳.۲، (۳) ۱۰.۳.۳ و (۳) ۱۰.۳.۴.

۳۲۳ نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۱ که مقررات مربوطه در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، از جمله ماده ۶۴، را ذکر می‌کند. این ماده مقرر می‌کند که فرماندهان «بایستی دائماً در جریان وضع جاری یگان، سازمان و قسمت مربوط بوده و از آمار پرسنل، جنگ افزار، مهمات، وسایل ترابری و سایر اموال دولتی خود اطلاع داشته باشند».

۳۲۴ برای اطلاعات مرتبط با فرماندهان فراجا و مقام‌های وزارت کشور، از جمله افرادی که در دفتر امور انتظامی مسئول پشتیبانی لجستیکی و عملیاتی فعالیت می‌کنند، نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۱ و (۲) ۱۰.۲.۱. همچنین برای اظهارات مرتبط فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور درباره تخصیص و استفاده از تجهیزات و سلاح، نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۱ و (۲) ۱۰.۲.۲. برای یک دستور افشاشده مرتبط از فرمانده استانی فراجا که کنترل بر استفاده از سلاح و مهمات را نشان می‌دهد، نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۵؛ و درباره مجوز حمل سلاح برای فرماندهان پایگاه‌ها و حوزه‌های مقاومت بسیج، نگاه کنید به بخش (۳) ۱۰.۳.۱، همچنین نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۲.۲ و (۲) ۱۰.۴.۲ که مقررات مربوطه در قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، از جمله ماده (۷) ۴ و ماده (۱۶) ۲، را ذکر می‌کنند. ماده (۷) ۴ مقرر می‌کند که مسئولیت‌های شورای امنیت کشور شامل تصویب طرح‌های مرتبط با «جمع‌آوری سلاح، مهمات و تجهیزات غیر مجاز و صدور پروانه نگهداری و حمل سلاح شخصی و نظارت بر نگهداری و مصرف مجاز مواد ناریه» است.

۳۲۵ نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۲ که مقررات مربوطه در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، از جمله ماده ۵۲، را ذکر می‌کند؛ ماده‌ای که فرماندهان را موظف به «تعلیم و تربیت پرسنل لایق و مستعد» می‌کند. همچنین برای مقررات مرتبط قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران و اطلاعات بیشتر درباره سازمان‌دهی و آموزش مأموران سپاه پاسداران، از جمله نیروهای گردان‌های بسیج، نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۳.۱، (۴) ۱۰.۳.۱، ۱۰.۳.۲ و ۱۰.۳.۳ و زیربخش‌های آن‌ها.

۳۲۶ برای ارجاعات مرتبط با ستاد کل نیروهای مسلح، نگاه کنید به بخش ۱۰.۱.۲؛ درباره فرماندهان فراجا و مقام‌های وزارت کشور، نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۱ و (۲) ۱۰.۲.۲؛ و درباره شورای امنیت کشور، نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۴.۴.

۳۲۷ نگاه کنید به بخش (۲) ۱۰.۴.۱.

۳۲۸ نگاه کنید به بخش (۲) ۱۰.۴.۱ که به نامه‌ای افشاشده اشاره می‌کند که نشان می‌دهد شورای امنیت کشور در ۲۱ مهر ۱۴۰۱ (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲) مصوبه‌ای تصویب کرد و به سازمان برنامه و بودجه دستور داد ۹ تریلیون ریال (۲۲ میلیون دلار آمریکا) به وزارت کشور اختصاص دهد تا «هزینه‌های امنیتی سنگین» عملیات طولانی‌مدت سرکوب اعتراضات سراسری را پوشش دهد.

۳۲۹ برای نمونه، درباره سه دستور افشاشده از دو فرمانده فراجا و سپاه پاسداران، نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۵ و (۱) ۱۰.۳.۵.

۳۳۰ برای نمونه، درباره دو مصوبه شورای امنیت کشور که وزیر کشور آن‌ها را به دستورهای لازم‌الاجرا تبدیل کرد و از طریق زنجیره فرماندهی برای اجرا توسط معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور ابلاغ شد، نگاه کنید به بخش‌های (۳) ۱۰.۴.۴ و (۴) ۱۰.۴.۴.

۳۳۱ نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۱.۳، ۱۰.۲.۴، ۱۰.۳.۴ و ۱۰.۴.۳.

• آنان بر سیاست‌ها و/یا رویه‌های جذب نیرو، ارزیابی و امور انضباطی اعمال کنترل می‌کنند و از جمله اختیار این را دارند که این سیاست‌ها را تدوین کنند یا از طریق انتصاب، ارزیابی عملکرد، ارتقا، تعیین مأموریت، تغییر مأموریت یا برکناری مأموران و فرماندهان زیردست فراجا و سپاه پاسداران این سیاست‌ها را به اجرا گذارند و همچنین، اختیار آغاز تحقیقات و رسیدگی‌های انضباطی را دارند.^{۳۳۲}

• هرچند این عوامل صرفاً جنبه دلالتی دارند و ارزیابی کنترل مؤثر درباره هر فرمانده باید با توجه به بستر مربوطه و از طریق تحقیقات کیفری عادلانه، مستقل و بی‌طرفانه انجام شود، رویه قضایی مقرر می‌کند که چنین اختیاراتی «در نگاه نخست، مبنایی معقول» برای فرض وجود کنترل مؤثر فراهم می‌کنند.^{۳۳۳}

نشانه‌های بیشتر وجود کنترل مؤثر را می‌توان در اظهارات رسمی یافت که محتوای آن‌ها از الگوهای ثابتی پیروی می‌کرد. عفو بین‌الملل در فصل ۱۰، اظهارات محمد باقری، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح، و ۲۴ مقام ارشد دیگر، از جمله پنج فرمانده فراجا، ۱۱ فرمانده سپاه پاسداران و هشت مقام وزارت کشور را مستندسازی کرده است.^{۳۳۴} آن‌ها در این اظهارات به‌طور مداوم تأکید داشتند که عملیات با تبعیت کامل از فرامین رهبر و تحت «رهبری مطلق» و «رهبری حکیمانه» او سازمان‌دهی و اجرا می‌شد.^{۳۳۵} فرماندهان هیچ اشاره‌ای به سرپیچی فرماندهان عملیاتی یا مأموران سطوح پایین‌تر از دستورها یا رهنمودها نکردند. در عوض، آنان تصویری از یک زنجیره فرماندهی منسجم و کارآمد ارائه می‌کردند که در آن فرماندهان کاملاً بر اوضاع اشراف داشتند و «مدیریت مدبرانه و قاطعانه» اعمال می‌کردند.^{۳۳۶} مأموران زیردست نیز به‌طور مداوم «سربازان رهبر»^{۳۳۷} و «رزمندگان»^{۳۳۸} توصیف

^{۳۳۲} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۲ که مقررات مربوطه در آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح، از جمله مواد ۲۴ و ۵۵ درباره وظایف فرماندهان در زمینه نظارت و اقدامات انضباطی، را تشریح می‌کند. همچنین درباره ستاد کل نیروهای مسلح نگاه کنید به بخش ۱۰.۱.۱؛ درباره فراجا و وزارت کشور به بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۱ و (۱) ۱۰.۲.۲ و زیربخش‌های آن‌ها؛ و درباره سپاه پاسداران، به بخش ۱۰.۳.۱ و زیربخش‌های آن.

^{۳۳۳} J. Miles Jackson, «Command responsibility», در Jérôme de Hemptinne و دیگران (ویراستاران)، *Modes of Liability in International Criminal Law*, ۲۰۱۹. همچنین نگاه کنید به ICTY،: دادستان علیه کاراجیچ، رای شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۵۸۱؛ ICTY، دادستان علیه دلایچ و دیگران، پرونده IT9621A، رای شعبه تجدیدنظر، ۲۰ فوریه ۲۰۰۱، بند ۱۹۷؛ ICTY، دادستان علیه لوریچ، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بندهای ۲۰ تا ۲۱.

^{۳۳۴} نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۱.۳، ۱۰.۲.۴، ۱۰.۳.۴ و ۱۰.۴.۳.

^{۳۳۵} برای نمونه، نگاه کنید به نامه سرگشاده مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و فرماندهان سپاه پاسداران، فراجا و ارتش در بخش ۱۰.۱.۳؛ اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) حسین سلامی، فرمانده وقت کل سپاه پاسداران، در بخش (۱) ۱۰.۳.۴؛ اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) کوروش آسیابانی، معاون وقت فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران، در بخش (۲) ۱۰.۳.۴؛ اظهارات بهمن ۱۴۰۱ (فوریه ۲۰۲۳) صادق حسینی، فرمانده وقت سپاه استانی کردستان، در بخش (۳) ۱۰.۳.۴؛ اظهارات مهر و آبان ۱۴۰۱ (اکتبر و نوامبر ۲۰۲۲) بهمن ریحانی، فرمانده وقت سپاه استانی کرمانشاه، در بخش (۴) ۱۰.۳.۴ و اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) حسین اشتیری، فرمانده وقت فراجا، در بخش (۱) ۱۰.۲.۴.

^{۳۳۶} نگاه کنید به بخش (۳) ۱۰.۲.۴ که اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) مجید میراحمدی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، را مرور می‌کند.

^{۳۳۷} برای نمونه، نگاه کنید به اظهارات ۲۹ آذر ۱۴۰۱ (۲۰ دسامبر ۲۰۲۲) علی‌اکبر جاویدان، فرمانده وقت فراجا در استان کرمانشاه، در بخش (۱) ۱۰.۲.۴؛ و اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) رحیم جهانیش، فرمانده فراجا در استان آذربایجان غربی، در بخش (۴) ۱۰.۲.۴.

^{۳۳۸} برای نمونه، نگاه کنید به اظهارات اسفند ۱۴۰۱ (مارس ۲۰۲۳) حسن کرمی، فرمانده وقت یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور، در بخش (۲) ۱۰.۲.۴؛ اظهارات آذر ۱۴۰۱ (دسامبر ۲۰۲۲) علی‌اکبر جاویدان، فرمانده وقت فراجا در استان کرمانشاه، در بخش (۱) ۱۰.۲.۴؛ و اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) حسین سلامی، فرمانده وقت کل سپاه پاسداران، در بخش (۱) ۱۰.۳.۴.

می‌شدند که سرکوب را به‌شکلی منضبط انجام داده‌اند و رفتارشان با تعابیری مانند «شایسته تقدیر»، «ستودنی»، «هوشیار»، «ایثارگر»، «هوشمند» و «شرافتمندانه» مورد تمجید قرار می‌گرفت.^{۳۳۹}

این تصویرسازی با توجه به رویه قضایی بین‌المللی درباره مسئولیت مقام مافوق اهمیت دارد؛ رویه‌ای که نشان می‌دهد بی‌اعتنایی یا سرپیچی از دستورهای فرماندهان، یا وجود زنجیره فرماندهی ضعیف یا ناکارآمد، حاکی از فقدان کنترل مؤثر است؛ در مقابل، القای این تصور در تعامل با نهادهای بیرونی یا در اظهارات عمومی که فرماندهان «به‌خوبی بر اوضاع اشراف دارند» و زیردستان مطیع و منضبط هستند، از نشانه‌های اعمال کنترل مؤثر به شمار می‌رود.^{۳۴۰}

تأکید مستمر فرماندهان بر تبعیت خود و نیروهای زیردست‌شان از دستورهای رهبر با مفاد آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح نیز همخوان است. ماده ۲۷ این مقررات مقرر می‌کند که فرماندهان باید دستورهای صادر کنند که «ساده، صریح و روشن، قابل اجرا و منطبق با دستورات مسلم شرع و فرامین مقام معظم فرماندهی کل قوا» باشند. ماده ۶ نیز «انضباط در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» را چنین تعریف می‌کند: «التزام عملی به ولایت فقیه، آداب و سنن و احکام اسلامی و تبعیت از فرامین مقام معظم فرماندهی کل قوا، قوانین و مقررات و دستورات سلسله مراتب فرماندهان و روسا و مدیران».

نشانه‌های وجود کنترل مؤثر همچنین با این واقعیت تقویت می‌شوند که در شهریور ۱۴۰۱، بسیاری از فرماندهان فهرست‌شده در این بخش در رژه‌های نظامی برگزارشده در سراسر کشور حضور داشتند؛ رژه‌هایی که در آن شمار زیادی از اعضای فراجا، سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران در برابر آنان رژه رفتند. چنین رژه‌هایی معمولاً هر سال در ایران در فاصله ۳۱ شهریور تا ۶ مهر برای بزرگداشت هفته دفاع مقدس و یادبود جنگ ایران و عراق برگزار می‌شوند.^{۳۴۱} با این حال، در سال ۱۴۰۱، همزمانی این رژه‌ها با آغاز خیزش «زن زندگی آزادی» و تشدید کشتارها در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱^{۳۴۲} موجب شد این رژه‌های نظامی به نمایش قدرت تبدیل شوند. مقام‌ها و رسانه‌های حکومتی از این مناسبت برای به نمایش گذاشتن کنترل، ابراز وفاداری مطلق به رهبر،

۳۳۹ برای نمونه، نگاه کنید به اظهارات آذر ۱۴۰۱، دی ۱۴۰۱ و اردیبهشت ۱۴۰۲ (دسامبر ۲۰۲۲، ژانویه ۲۰۲۳ و مه ۲۰۲۳) حسن کرمی، فرمانده وقت یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور، در بخش (۱)(۲) ۱۰.۲.۴؛ اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) رحیم جهانیش، فرمانده فراجا در استان آذربایجان غربی، در بخش (۱)(۴) ۱۰.۲.۴؛ اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) کوروش آسیابانی، معاون فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران، در بخش (۲)(۲) ۱۰.۳.۴؛ اظهارات شهریور ۱۴۰۱ و بهمن ۱۴۰۱ (سپتامبر ۲۰۲۲ و فوریه ۲۰۲۳) صادق حسینی، فرمانده وقت سپاه بیت‌المقدس استان کردستان، در بخش (۳) ۱۰.۳.۴؛ اظهارات شهریور، مهر و آذر ۱۴۰۱ (سپتامبر، اکتبر و دسامبر ۲۰۲۲) محمد باقری، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح، در بخش ۱۰.۱.۳؛ اظهارات شهریور ۱۴۰۱ و دی ۱۴۰۱ (سپتامبر ۲۰۲۲ و ژانویه ۲۰۲۳) حسین اشتری، فرمانده وقت فراجا، در بخش (۱)(۱) ۱۰.۲.۴؛ و اظهارات مهر ۱۴۰۱ (اکتبر ۲۰۲۲) مجید میراحمدی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، در بخش (۳)(۱) ۱۰.۲.۴.

۳۴۰ نگاه کنید به: دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۰؛ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق، دادستان علیه گالیچ، پرونده IT9829T، رای و نظر شعبه بدوی اول، ۵ دسامبر ۲۰۰۳، بند ۶۲۲.

۳۴۱ خبرگزاری برنا، «آیین رژه ۳۱ شهریور نیروهای مسلح در تهران و سایر مراکز استان‌ها برگزار می‌شود»، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲).
۳۴۲ نگاه کنید به بخش ۵.۳.

ارباب مردم و یادآوری قدرت نیروهای امنیتی استفاده کردند؛ نیروهایی که در تعهد خود به دفاع از نظام جمهوری اسلامی متحد نشان داده می‌شدند.^{۳۴۳}

در رژه سراسری نیروهای مسلح که ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲) در پایتخت، تهران، برگزار شد، نیروهای امنیتی در برابر محمد باقری، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح و زبردستان مستقیم او در زنجیره فرماندهی رژه رفتند: حسین اشتری، فرمانده وقت فراجا؛ حسین سلامی، فرمانده وقت کل سپاه پاسداران؛ و عبدالرحیم موسوی، فرمانده وقت کل ارتش.^{۳۴۴}

۳۴۳ برای نمونه، نگاه کنید به: خبرگزاری میزان، «مراسم رژه نیروهای مسلح/ سرلشکر باقری: خطای محاسباتی دشمنان با پاسخی قاطع و ویرانگر مواجه می‌شود»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲)؛ خبرگزاری تسنیم، «مراسم رژه نیروهای مسلح در مشهد برگزار شد»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).

۳۴۴ خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، «مراسم رژه نیروهای مسلح در تهران آغاز شد»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).



فرماندهان ارشد فراجا، سپاه پاسداران و ارتش در حال تماشای رژه سراسری برگزارشده در تهران در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲). محمد باقری، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح، در مرکز تصویر مقابل میکروفن ایستاده است و زیردستان مستقیم او در زنجیره فرماندهی در کنار او دیده می‌شوند: حسین اشتری، فرمانده وقت فراجا (نفر اول از چپ)؛ حسین سلامی، فرمانده وقت کل سپاه پاسداران (نفر سوم از چپ)؛ و عبدالرحیم موسوی، فرمانده وقت کل ارتش (نفر چهارم از راست). عکس از محمدرضا علی مددی / خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) ^{۳۴۵}

در همان روز، رژه‌های مشابه استانی نیز در سمنان، کردستان، کرمانشاه در استان کرمانشاه و ارومیه در استان آذربایجان غربی برگزار شد.

در استان کردستان، اعضای فراجا، سپاه پاسداران و ارتش در برابر مقام‌های ارشد استانی رژه رفتند؛ از جمله علی آزادی، فرمانده وقت فراجا در استان کردستان؛ صادق حسینی، فرمانده وقت سپاه استانی کردستان؛ و اسماعیل زارعی کوشا، استاندار وقت کردستان. ^{۳۴۶}

۳۴۵ ایرنا، «مراسم رژه نیروهای مسلح در تهران آغاز شد»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).
 ۳۴۶ خبرگزاری تسنیم، «رژه نیروهای مسلح استان کردستان برگزار شد + تصاویر»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).



مقام‌های ارشد استانی در حال تماشای رژه برگزارشده در سنندج، استان کردستان، در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲). نفرات دوم و سوم از راست، به‌ترتیب علی آزادی، فرمانده وقت فراجا در استان کردستان، و صادق حسینی، فرمانده وقت سپاه استانی کردستان، هستند. عکس از ناصر عباس‌علی‌نیا / خبرگزاری مهر.^{۳۴۷}

۳۴۷ خبرگزاری مهر، «مراسم رژه نیروهای مسلح سنندج»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).

معماران جنایات
دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل



نیروهای سپاه پاسداران در حال رژه در مراسم برگزارشده در سنندج، استان کردستان، در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲). در پشت سر آنان، مقام‌های ارشد روی جایگاه ایستاده و رژه را تماشا می‌کنند. نفر دوم از چپ، اسماعیل زارعی‌کوشا، استاندار وقت کردستان، است. عکس از ناصر عباس‌علی‌نیا / خبرگزاری مهر.^{۳۴۸}

در استان کرمانشاه نیز اعضای فراجا، سپاه پاسداران و ارتش در برابر مقام‌های ارشد استانی رژه رفتند؛ از جمله علی‌اکبر جاویدان، فرمانده وقت فراجا در استان کرمانشاه؛ بهمن ریحانی، فرمانده وقت سپاه استانی کرمانشاه؛ و بهمن امیری‌مقدم، استاندار وقت کرمانشاه.^{۳۴۹}

^{۳۴۸} خبرگزاری مهر، «مراسم رژه نیروهای مسلح سنندج»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).
^{۳۴۹} دفاع پرس، «مراسم رژه یگان‌های نمونه نیروهای مسلح در کرمانشاه»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).



مقام‌های ارشد استانی در حال تماشای رژه برگزارشده در کرمانشاه در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲). این مقام‌ها شامل علی‌اکبر جاویدان، فرمانده وقت فراجا در استان کرمانشاه؛ بهمن ریحانی، فرمانده وقت سپاه استانی کرمانشاه؛ و بهمن امیری‌مقدم، استاندار وقت کرمانشاه، هستند. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).^{۳۵۰}

در استان آذربایجان غربی نیز اعضای فراجا، سپاه پاسداران و ارتش در برابر مقام‌های ارشد استانی رژه رفتند؛ از جمله رحیم جهانبخش، فرمانده وقت فراجا در استان آذربایجان غربی؛ حبیب شهسواری، فرمانده وقت سپاه استانی آذربایجان غربی؛ و محمدصادق معتمدیان، استاندار وقت آذربایجان غربی.^{۳۵۱}

^{۳۵۰} خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، «رژه نیروهای مسلح در کرمانشاه برگزار شد»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).
^{۳۵۱} دفاع پرس، «میراسم رژه یگان‌های نمونه نیروهای مسلح در کرمانشاه»، ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲).



مقام‌های ارشد استانی در حال تماشای رژه برگزار شده در استان آذربایجان غربی در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ (۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲). این مقام‌ها شامل رحیم جهانپخش، فرمانده وقت فراجا در استان آذربایجان غربی؛ حبیب شهنساری، فرمانده وقت سپاه استانی آذربایجان غربی؛ و محمدصادق معتمدیان، استاندار وقت آذربایجان غربی، هستند. عکس از دفاع پرس.

شواهد بیشتری مبنی بر این‌که فرماندهان بر زیردستان خود کنترل مؤثر اعمال می‌کردند و قادر به صدور دستور بودند، در اسناد رسمی افشاشده‌ای یافت می‌شود که شامل شش دستور یا اشاره به شش دستور صادر شده از سوی مقام‌های زیر است:

- ستاد کل نیروهای مسلح که در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) دستوری صادر کرد؛^{۳۵۲}
- مرتضی میرزایی، فرمانده وقت فراجا در استان مازندران، که در ۱ مهر ۱۴۰۱ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲) دستوری صادر کرد؛^{۳۵۳}
- حسن حسن‌زاده، فرمانده وقت سپاه محمد رسول‌الله تهران بزرگ، که در ۱۷ مهر ۱۴۰۱ (۹ اکتبر ۲۰۲۲) یک دستور و در ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲) دستور دیگری صادر کرد؛^{۳۵۴}

^{۳۵۲} نگاه کنید به بخش ۱۰.۱.۴.

^{۳۵۳} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۵.

^{۳۵۴} نگاه کنید به بخش‌های (۲) ۱۰.۳.۲ و (۱) ۱۰.۳.۵.

- احمد وحیدی، جانشین وقت فرمانده کل قوا در امور انتظامی و وزیر وقت کشور، که در مقام رئیس وقت شورای امنیت کشور، در ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ (۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲) یک دستور^{۳۵۵} و در ۴ مهر ۱۴۰۱ (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲) دستور دیگری صادر کرد.^{۳۵۶}

محتوای این دستورها، آن گونه که در فصل ۱۰ مستندسازی شده است، نشان می‌دهد که این فرماندهان بر طیف گسترده‌ای از امور کنترل مؤثر اعمال می‌کردند. در بالاترین سطح، ستاد کل نیروهای مسلح چارچوب کلی و جهت‌گیری راهبردی را تعیین کرد و خواستار برخورد «قاطع و جدی» با تجمعات، متفرق کردن معترضان، انجام بازداشت‌ها و اخذ اظهارات اجباری شد. وزیر کشور نیز به همین ترتیب جهت‌گیری راهبردی نیروهای امنیتی، از جمله فراجا و سپاه پاسداران، را تعیین کرد و جلوگیری از تجمعات را در صدر اولویت‌های آنان قرار داد. دستور او همچنین زیردستان را در سراسر کشور ملزم به اعمال نظارت گسترده کرد و مشخصاً گُردستان را به‌عنوان منطقه‌ای تعیین کرد که اقدامات فراجا آن‌جا تشدید می‌شد. دستورهای دو فرمانده فراجا و سپاه پاسداران تا جزئیات عملیاتی پیش می‌رفت و از جمله تعداد و نوع نیروهایی را که باید مستقر می‌شدند، محل دقیق استقرار آنان و انواع سلاح و مهماتی را که باید مورد استفاده قرار می‌گرفت مشخص می‌کرد.

سطح جزئیات این دستورها با ماده ۲۸ آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح همخوان است که مقرر می‌کند: «دستورات صادره برای رده‌های بالا کلی و در مورد دره‌های پایین‌تر بایستی به نسبت پایین بودن رده دستور گیرنده، مشروح باشد.»^{۳۵۷} عفو بین‌الملل با توجه به مجموع شواهد بر این باور است که این دستورها گواه وجود یک زنجیره فرماندهی کارآمد هستند که در سراسر آن کنترل مؤثر اعمال می‌شود.^{۳۵۸}

اطلاعات ارائه شده در فصل ۱۰ درباره انتقال دستور ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) ستاد کل نیروهای مسلح از طریق مراکز فرماندهی و کنترل فراجا تا سطح شهرستان، جایی که این دستور در سوابق کلانتری محلی ثبت و از سوی نیروهای فراجا در سطح شهرستان اجرا شد، نشان می‌دهد که دستورها در سراسر زنجیره فرماندهی، از سطح کشوری به استانی و سپس شهرستانی،

۳۵۵ نگاه کنید به بخش (۳) ۱۰.۴.۴.

۳۵۶ نگاه کنید به بخش (۴) ۱۰.۴.۴.

۳۵۷ نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۲.

۳۵۸ هرچند عفو بین‌الملل در این گزارش بر شکل مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» تمرکز کرده است، این دستورهای افشاشده ممکن است با دیگر اشکال مسئولیت کیفری، مانند «صدور دستور» یا «مساعادت و حمایت»، نیز مرتبط باشند. برای نمونه، می‌توان استدلال کرد که فرماندهان با صدور دستور برای جلوگیری از اعتراضات یا متفرق کردن آن‌ها یا برای برخورد «قاطع و جدی» با معترضان، یا قصد داشته‌اند جنایات قتل و شکنجه ناشی از استفاده غیرقانونی از قوای قهریه در اجرای دستورهای آنان ارتکاب یابد، یا از احتمال قابل توجه ارتکاب چنین جنایاتی در جریان عادی اجرای دستورهایشان آگاه بوده‌اند. رویه قضایی بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد که اگر فرماندهی در جایگاه اقتدار، با آگاهی از احتمال قابل توجه این‌که در اجرای دستور جرمی ارتکاب خواهد یافت، به انجام فعل یا ترک فعلی دستور دهد، چنین تلقی می‌شود که وقوع آن جرم را پذیرفته است. نگاه کنید به: دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR)، دادستان علیه *نیرماسوهموکو* و دیگران، پرونده ICTR9842A، رای شعبه تجدیدنظر، ۱۴ دسامبر ۲۰۱۵، بند ۹۷۶، پاورقی ۴۴۴۸، دادگاه ویژه سیرالئون، دادستان علیه *غانکای تیلور*، پرونده SCSL03010A، دادستان علیه رای شعبه تجدیدنظر، ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۳، پاورقی ۱۳۶۵، دادستان علیه *مارتیچ*، پرونده IT9511A، رای شعبه تجدیدنظر، ۸ اکتبر ۲۰۰۸، بندهای ۲۲۱ و ۲۲۳، ICTY، دادستان علیه *میلوشویچ*، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۹۵۸، ICTY، دادستان علیه *کوردیچ* و *چرکز*، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۳۰، ICTY، دادستان علیه *بلاشکیچ*، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بندهای ۴۲، ۳۴۵، ۴۲۸، ۴۶۸، ۴۸۱، ۵۱۷، ۵۳۳، ۶۰۰ و ۶۴۵، پاورقی ۹۷۴.

به اجرا گذاشته می‌شدند. تشدید سراسری استفاده از قوای قهریه مرگبار و موارد قتل در شامگاه ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲) نیز مؤید اجرای دستورهاست.^{۳۵۹}

اطلاعات ارائه‌شده در فصل ۱۰ درباره فرایندی که طی آن مصوبات شورای امنیت کشور از سوی وزیر کشور به دستورهای لازم‌الاجرا تبدیل و از طریق نامه‌های ابلاغی معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور به چندین نیروی امنیتی ارسال می‌شدند و در آن‌ها اجرای دستورها و ارائه گزارش درخواست می‌شد، نیز وجود یک زنجیره فرماندهی کارآمد را نشان می‌دهد که فرماندهان از طریق آن قادر بودند دستورها را در نهادهای مختلف به اجرا بگذارند.

عفو بین‌الملل یک رأی دادگاه درباره قتل یک معترض به دست نیروهای امنیتی را بررسی کرده است که به گزارش‌های ارائه شده به دادگاه از سوی ستاد فرماندهی انتظامی در شهرستانی که معترض در آن به ضرب گلوله کشته شد و همچنین از سوی فرمانده سپاه استانی مربوطه استناد می‌کند.^{۳۶۰} این رأی نشان می‌دهد که بر اساس این گزارش‌ها، اعزام مأموران فراجا از یک کلانتری مشخص به یک محل مشخص، که نام هر دو در رأی آمده است، نتیجه اجرای یک دستور کتبی بوده است. شماره دستور در گزارش ذکر شده است، اما محتوای آن و مقام صادرکننده مشخص نشده‌اند. این امر نیز نشان می‌دهد که عملیات سرکوب اعتراضات در اجرای دستورها انجام می‌شدند.

رای دادگاه همچنین می‌افزاید که ستاد فرماندهی پلیس در شهرستان مربوطه گروهی از مأموران «کنترل جمعیت» فراجا را که «به تجهیزات سازمانی برای کنترل اغتشاشگران مجهز بودند» اعزام کرده بود. رای همچنین تصریح می‌کند که نیروهای سپاه پاسداران، از جمله نیروهای بسیج، «با هماهنگی قبلی» برای کمک به نیروهای فراجا در منطقه مستقر شده بودند. این جزئیات نیز ارزیابی مبنی بر این که عملیات سرکوب اعتراضات تحت کنترل متمرکز سطوح بالاتر مقامات سازمان‌دهی می‌شدند را تقویت می‌کند.

علاوه بر این، اظهارات رسمی و گزارش‌های رسانه‌های حکومتی که عفو بین‌الملل بررسی کرده است تأیید می‌کنند که فرماندهان در جریان دوره اعتراضات و پس از آن، از طریق تصمیم‌های مربوط به نیروی انسانی، از جمله ترفیع فرماندهان رده میانی و انجام انتصاب‌های جدید، بر زیردستان خود کنترل مؤثر اعمال می‌کردند.

بر اساس اطلاعاتی که عفو بین‌الملل از رسانه‌های حکومتی گردآوری کرده است، هیچ‌یک از ۶۲ فرمانده نام‌برده در این بخش از سمت خود برکنار نشدند؛ امری که نشان می‌دهد مقامات مافوق آنان رفتارشان در جریان دوره اعتراضات را تأیید کرده‌اند. در عوض، آنان یا همچنان در سمت‌های خود باقی مانده‌اند یا ماه‌ها یا سال‌ها در آن سمت‌ها ماندند و سپس به مناصب قدرت دیگری منصوب شدند.^{۳۶۱} این سازمان دریافت که هنگام انتقال آنان به سمت‌های جدید یا، در مورد پنج مقام، هنگام بازنشستگی، به‌طور معمول در

۳۵۹ نگاه کنید به بخش ۵.۳.

۳۶۰ IRN0172. رأی دادگاه در آرشیو عفو بین‌الملل موجود است (به دلایل امنیتی محفوظ و غیرعلنی نگاه داشته شده است).

۳۶۱ نگاه کنید به بخش ۱۳.۴.

مراسمی برای «زحمات‌شان» مورد «تقدیر» قرار گرفتند.^{۳۶۲} در برخی موارد، افراد پس از بازنشستگی به سمت‌های مشورتی منصوب شدند.^{۳۶۳}



علی آزادی، فرمانده سابق فراجا در استان کردستان، در مراسمی شهریور ۱۴۰۴ که طی آن به دلیل عملکردش در آستانه بازنشستگی مورد تجلیل قرار گرفت و فرمانده جدید این استان معرفی شد. © ایرنا ۳۶۴

۳۶۲ ایرنا، «تودیع و معارفه فرمانده انتظامی کردستان»، ۳ شهریور ۱۴۰۴ (۲۵ اوت ۲۰۲۵)؛ خبرگزاری صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، «انتصاب فرمانده پلیس راهور استان و فرمانده انتظامی شهرستان سنندج»، ۲ آذر ۱۴۰۲ (۲۳ نوامبر ۲۰۲۳).
 ۹۳ خبرگزاری حوزه، «سردار شهسواری مشاور فرمانده کل سپاه شد»، ۵ تیر ۱۴۰۲ (۲۶ ژوئن ۲۰۲۳).
 ۳۶۴ ایرنا، «تودیع و معارفه فرمانده انتظامی کردستان»، ۳ شهریور ۱۴۰۴ (۲۵ اوت ۲۰۲۵).

معماران جنایات
 دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

از نمونه‌های فرماندهان سپاه پاسداران و فراجا که پس از جنایات علیه بشریت در سال ۱۴۰۱ در زنجیره فرماندهی ارتقا یافتند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

محمد پاکپور

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده نیروی مقاومت زمینی سپاه پاسداران بود. پس از آن به فرماندهی کل سپاه پاسداران منصوب شد و تا ۹ اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه سال ۲۰۲۶)، زمانی که در حملات آمریکا و اسرائیل کشته شد، این سمت را در اختیار داشت.

محمدتقی اصانلو

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران بود. پس از آن به معاونت هماهنگ‌کننده قرارگاه مرکزی امام حسین و سپس معاونت هماهنگ‌کننده نیروی مقاومت زمینی سپاه پاسداران منصوب شد.

محمدنظر عظیمی

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران بود. پس از آن به معاونت هماهنگ‌کننده قرارگاه مرکزی امام حسین منصوب شد.

جمشید رضایی

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده لشکر عملیاتی ۲۲ بیت‌المقدس سپاه بیت‌المقدس استان کردستان بود. پس از آن، در مهر ۱۴۰۲ (اکتبر ۲۰۲۳)، به معاونت فرمانده سپاه بیت‌المقدس استان کردستان منصوب شد.

منصور ولی‌ئی

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده سپاه ناحیه مقاومت بسیج شهرستان مریوان بود. پس از آن به فرماندهی لشکر عملیاتی ۲۲ بیت‌المقدس سپاه بیت‌المقدس استان کردستان منصوب شد.

مجتبی کرمی

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده لشکر عملیاتی ۲۹ نبی اکرم سپاه نبی اکرم استان کرمانشاه بود. پس از آن به معاونت فرمانده سپاه امام حسن مجتبی استان البرز منصوب شد.

فراجا

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

حسن کرمی

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور بود. پس از آن به معاونت عملیات فراجا منصوب شد.

محمد علی‌زمانی

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده یگان‌های ویژه استان کردستان بود. پس از آن به فرماندهی یگان‌های ویژه فراجا در تهران بزرگ منصوب شد؛ سمتی که با توجه به مسئولیت آن در قبال پایتخت، از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار است.

کامبیز رستمی‌نیا

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده فراجا در شهرستان مریوان، استان کردستان، بود. پس از آن به فرماندهی فراجا در شهرستان سنندج، استان کردستان، منصوب شد؛ سمتی که با توجه به مسئولیت آن در قبال مرکز استان، از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار است.

محمد توحیدی

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده فراجا در شهرستان مهاباد، استان آذربایجان غربی، بود. پس از آن به فرماندهی فراجا در شهرستان ارومیه، استان آذربایجان غربی، منصوب شد؛ سمتی که با توجه به مسئولیت آن در قبال مرکز استان، از اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار است.

علی‌اکبر جاویدان

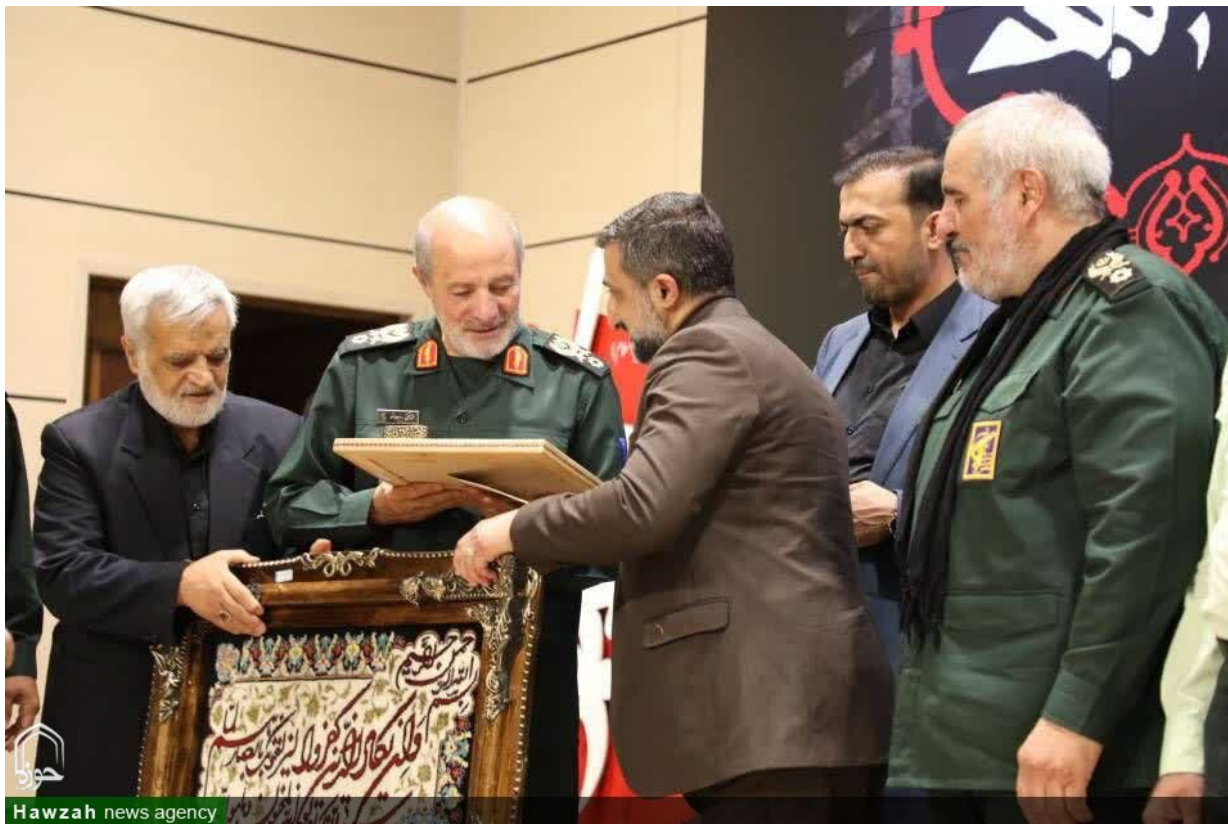
او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده فراجا در استان کرمانشاه بود. پس از آن به فرماندهی مرزبانی فراجا در سطح کشور منصوب شد.

علی‌رضا دلیری

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده فراجا در شهرستان کرمانشاه بود. پس از آن به معاونت فرمانده فراجا در استان سیستان و بلوچستان منصوب شد.

هوشنگ مبارکی
(مبارکی‌پور)

او در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱ فرمانده فراجا در شهرستان اسلام‌آباد غرب بود. پس از آن به ریاست پلیس مبارزه با مواد مخدر استان کرمانشاه منصوب شد.



محمدتقی اوصانیو، فرمانده سابق قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در مراسمی در تیر ۱۴۰۲ که در آن به خاطر عملکردش هنگام بازنشستگی مورد تقدیر قرار گرفت. ©خبرگزاری حوزه^{۳۶۵}

۱۳.۲.۲ علم

رویه قضایی بین‌المللی

برای احراز مسئولیت مقام مافوق، علم می‌تواند واقعی («می‌دانست») یا استنباطی («دلایلی داشت که بداند») باشد.^{۳۶۶} رویه قضایی بین‌المللی چند عامل غیر حصری را برای تعیین این‌که آیا مقام مافوق علم واقعی داشته است («می‌دانسته») که زيردستانش مرتکب یک جنایت تعریف‌شده در حقوق بین‌الملل شده‌اند یا در شرف ارتکاب آن بوده‌اند، مشخص کرده است:

۳۶۵ خبرگزاری حوزه، تجلیل از مجاهدت‌های خاموش سردار اوصانیو، ۲۹ تیر ۱۴۰۲ (۲۰ جولای ۲۰۲۳).
 ۳۶۶ همان‌گونه که در بالا ذکر شد، میان حقوق بین‌الملل عرفی و اساسنامه رم در رابطه با معیار لازم برای اثبات علم استنباطی فرد در چارچوب شکل مسئولیت کیفری «مسئولیت مقام مافوق» تفاوت وجود دارد. اساسنامه رم در مورد عنصر ذهنی لازم برای فرماندهان نظامی معیار پایین‌تری مقرر می‌کند («باید می‌دانست» به جای «دلایلی داشت که بداند») و در مورد مقامات مافوق غیرنظامی معیار اندکی بالاتر در نظر می‌گیرد («آگاهانه اطلاعاتی را که به‌وضوح دلالت داشت نادیده گرفت»). یکی از صاحب‌نظران این تفاوت را چنین توضیح داده است: «در مورد مقامات مافوق غیرنظامی، این تفاوت اندک است و مستلزم آگاهی مقام مافوق از درجه بیشتری از قطعیت نسبت به معیار عرفی است. در مورد مقامات مافوق نظامی، تفاوت در جهت عکس است و قصورهای ناشی

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

- دامنه و ماهیت جایگاه و مسئولیت فرمانده در ساختار سلسله‌مراتبی؛^{۳۶۷} با توجه به این‌که، بنا بر رویه قضایی، «صرف جایگاه فرماندهی یک فرد، دست‌کم نشانه مهمی است از این‌که او از جنایات ارتكابی زیردستانش اطلاع داشته است»؛^{۳۶۸}
- این واقعیت که فرمانده، از پیش، بخشی از یک ساختار سازمان‌یافته با نظام‌های تثبیت‌شده گزارش‌دهی و نظارت بوده است؛^{۳۶۹} هرگونه دستور برای ارتكاب جنایات؛^{۳۷۰}
- این واقعیت که شخص متهم شخصا مطلع شده است که نیروهایش در فعالیت‌های مجرمانه دخیل بوده‌اند؛^{۳۷۱}
- تعداد، نوع، دامنه، محل و زمان اعمال غیرقانونی، گستردگی وقوع آن‌ها، سرعت عملیات و شیوه ارتكاب اعمال غیرقانونی مشابه؛^{۳۷۲}
- تعداد و نوع نیروها، افسران و کارکنان دخیل و محل حضور فرمانده در آن زمان؛^{۳۷۳}
- امکانات ارتباطی موجود و امکانات لجستیکی مورد استفاده؛^{۳۷۴} و
- شهرت و علنی‌بودن اعمال غیرقانونی، از جمله این‌که آیا این اعمال در رسانه‌ای که متهم از وجود آن آگاه بوده است، پوشش داده شده و گزارش شده‌اند.^{۳۷۵}

در رابطه با علم استنباطی («دلایلی داشت که بداند»)، رویه قضایی بین‌المللی مقرر کرده است که آنچه باید اثبات شود این است که مقام مافوق «اطلاعات کلی در اختیار داشته که او را نسبت به احتمال ارتكاب اعمال غیرقانونی از سوی زیردستانش

از سهل‌انگاری را نیز دربرمی‌گیرد.» نگاه کنید به Miles Jackson، «Command responsibility»، در Jérôme de Hemptinne و دیگران (ویراستاران)، *Modes of Liability*، in *International Criminal Law*، ۲۰۱۹، ص. ۴۲۵.

- ۳۶۷ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۳.
- ۳۶۸ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)، دادستان علیه نالتیلیچ و مارتینوویچ، پرونده T9834T، رای شعبه بدوی اول، ۳۱ مارس ۲۰۰۳، بند ۷۱.
- ۳۶۹ ICTY، دادستان علیه حاجی حسنویچ و کوبارا، پرونده IT0147T، رای شعبه بدوی اول، ۱۵ مارس ۲۰۰۶، بند ۹۴؛ ICTY، دادستان علیه نالتیلیچ و مارتینوویچ، رای شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۷۳.
- ۳۷۰ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۳.
- ۳۷۱ ICTY، دادستان علیه گالیچ، رای و نظر شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بندهای ۷۰۰ تا ۷۰۵؛ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم، ۲۱ مارس ۲۰۱۶، بند ۱۹۳.
- ۳۷۲ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۳؛ ICTY، دادستان علیه نالتیلیچ و مارتینوویچ، رای شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۷۱.
- ۳۷۳ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۳.
- ۳۷۴ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۳.
- ۳۷۵ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۳.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

آگاه می‌کرده است.^{۳۷۶} در این زمینه، «کافی است اطلاعات مربوطه در اختیار مقام مافوق قرار گرفته یا برای او قابل دسترس بوده باشد، یا به تعبیر رایج در شعبه‌های رسیدگی، در «اختیار» او بوده باشد. لازم نیست اثبات شود که او عملاً خود را از محتوای اطلاعات آگاه کرده است.^{۳۷۷} لازم نیست این اطلاعات حاوی جزئیات مشخص درباره اعمال غیرقانونی ارتكابی یا در شرف ارتكاب باشند. همچنین لازم نیست نشان داده شود که فرمانده از جزئیات مشخص جنایات زیردستان اطلاع داشته یا بر تمام جنبه‌های هر جنایت ارتكابی از سوی نیروهای زیردست اشراف کامل داشته است.

با این حال، صرف آگاهی از وضعیت کلی یک کشور یا بستر مشخص برای اثبات علم استنباطی فرد به‌منظور احراز مسئولیت مقام مافوق کافی نیست.^{۳۷۸} مقام مافوق باید «اطلاعاتی به‌اندازه کافی هشداردهنده در اختیار داشته باشد که او را نسبت به خطر ارتكاب احتمالی جنایات از سوی زیردستانش آگاه کند و انجام بررسی‌های بیشتر را موجه سازد.^{۳۷۹} اطلاعات موجود برای مقام مافوق می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و لازم نیست در قالب گزارش‌های مشخصی باشد که بر اساس یک نظام نظارتی تثبیت‌شده ارائه شده‌اند.^{۳۸۰}

علم واقعی یا استنباطی را می‌توان از طریق شواهد مستقیم یا قرائن اثبات کرد.^{۳۸۱}

همان‌گونه که پیش‌تر توضیح داده شد، ۶۲ فرمانده فهرست‌شده در این بخش، در حوزه‌های مسئولیت ملی یا فروملی مربوط به خود، بر راهبردها و عملیات امنیتی، آموزش‌ها، امور لجستیکی، ترفیع‌ها و امور انضباطی کنترل مؤثر اعمال می‌کردند.^{۳۸۲} این اختیارات از نقش دوگانه آنان به‌عنوان فرماندهان نیروهای فراجا و/یا سپاه پاسداران و اعضای شوراهای مربوط به تدوین راهبردهای امنیتی در سطوح کشوری، استانی یا شهرستانی ناشی می‌شد.^{۳۸۳} عفو بین‌الملل بر این باور است که نقش‌ها و مسئولیت‌های این فرماندهان در ساختار سلسله‌مراتبی دستگاه امنیتی ایران حاکی از آن است که آنان همواره از آنچه در صحنه می‌گذشت و اقداماتی که زیردستانشان انجام می‌دادند، مطلع بودند.

۳۷۶ ICTY، دادستان علیه دلاچ و دیگران، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۳۸.

۳۷۷ ICTY، دادستان علیه دلاچ و دیگران، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۳۹.

۳۷۸ دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR)، دادستان علیه باگیلیشما، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۴۲.

۳۷۹ ICTY، دادستان علیه استروگار، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۳۰۴.

۳۸۰ ICTY، دادستان علیه استروگار، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۳۰۴.

۳۸۱ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۱.

۳۸۲ نگاه کنید به فصل ۹.

۳۸۳ نگاه کنید به بخش‌های (۲) ۱۰.۲.۱، (۲) ۱۰.۲.۱ و (۳) ۱۰.۲.۱.

عوامل متعدد و به هم پیوسته دیگری نیز دلایل معقولی برای باور فراهم می‌کنند که فرماندهان می‌دانستند، یا دلایلی داشتند که بدانند، زیردستانشان مرتکب جنایات بین‌المللی، از جمله جنایات علیه بشریت، شده‌اند یا در شرف ارتکاب آن‌ها بوده‌اند. این عوامل شامل موارد زیر است:

- وجود نظام‌های داخلی کارآمد گزارش‌دهی و نظارت، آن‌گونه که اسناد رسمی افشاشده، اظهارات رسمی و اسناد دادگاه‌ها نشان می‌دهند؛
- بازتاب گسترده ارتکاب جنایات بین‌المللی و سایر موارد جدی نقض حقوق بشر از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح عمومی و جهانی، از طریق پوشش گسترده رسانه‌ای، گزارش‌های حقوق بشری، اظهارات نهادهای سازمان ملل و اعتراضات داخلی و بین‌المللی؛ و
- تلاش‌های نظام‌مند مقام‌های جمهوری اسلامی ایران برای انکار و تحریف واقعیت‌ها، از جمله ابعاد و شرایط کشتارها، سرکوب گزارش‌دهی، پنهان کردن شواهد و گریز از نظارت و پاسخ‌گویی بین‌المللی؛ اقداماتی که نه تنها نشان‌دهنده آگاهی در بالاترین سطوح است، بلکه حاکی از تلاشی سازمان‌یافته برای پنهان کردن این جنایات، به جای جلوگیری از آن‌ها یا مجازات مرتکبان است.

(۱) ۱۳.۲.۲ نظام‌های داخلی گزارش‌دهی و نظارت

ساختارهایی که فرماندهان فهرست‌شده در این فصل به آن‌ها تعلق داشتند، دارای نظام‌های تثبیت‌شده گزارش‌دهی و نظارت بودند که تضمین می‌کرد اطلاعات گردآوری‌شده در محل از سوی مقام‌های اطلاعاتی و امنیتی در طول زنجیره فرماندهی منتقل شود و دستورها نیز از سطوح بالاتر به سطوح پایین‌تر ابلاغ شوند.^{۳۸۴} اسناد رسمی افشاشده که در فصل ۱۰ تحلیل شده‌اند، شواهدی ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد نظام‌های گزارش‌دهی و نظارت در سراسر دوره اعتراضات به‌درستی عمل می‌کردند و در برنامه‌ریزی واکنش‌ها، صدور دستورها و هماهنگی میان نیروهای امنیتی مختلف دخیل در ارتکاب جنایات علیه بشریت نقش داشتند.

اسناد افشاشده شامل دستورها یا توصیه‌هایی از سوی مقام‌های مختلف است؛ از جمله ستاد کل نیروهای مسلح،^{۳۸۵} دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزیر کشور،^{۳۸۶} معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور،^{۳۸۷} فرمانده سپاه تهران بزرگ^{۳۸۸} و فرمانده فراجا در استان مازندران.^{۳۸۹} دو سند افشاشده همچنین مشاهدات و گزارش‌های تفصیلی دیگر مقام‌های ارشد امنیتی شرکت‌کننده در جلسات

^{۳۸۴} نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۱.۱، ۱۰.۲.۱، ۱۰.۳.۱ و ۱۰.۴.۱.

^{۳۸۵} نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۱.۴.

^{۳۸۶} نگاه کنید به بخش (۲) ۱۰.۲.۵ و (۱) ۱۰.۴.۴.

^{۳۸۷} نگاه کنید به بخش (۳) ۱۰.۴.۴ و بخش (۴) ۱۰.۴.۴.

^{۳۸۸} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۳.۵.

^{۳۸۹} نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۵.

شورای امنیت کشور و کمیته فرعی آن را ثبت کرده‌اند.^{۳۹۰} بررسی مجموع این اسناد افشاشده نشان می‌دهد که مقام‌ها در سراسر دستگاه امنیتی، در نهادها و سطوح مختلف، وضعیت موجود در محل و روند عملیات را از نزدیک رصد و به یکدیگر منتقل می‌کردند؛ امری که نشان‌دهنده سطح بالایی از آگاهی، نظارت و کنترل بر وقایع همزمان با وقوع آن‌هاست.

اظهارات رسمی حسن کرمی، فرمانده وقت یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱، نیز رویکردی نظام‌مند به نظارت را نشان می‌دهد؛ از جمله استفاده از تجهیزات صوتی و دوربین‌های نصب‌شده بر موتورسیکلت‌ها، کلاه‌خودها یا لباس مأموران برای ثبت عملیات.^{۳۹۱} به همین ترتیب، اظهارات فرمانده کل فراجا درباره استفاده از یک سامانه پیشرفته نظارت تصویری برای «نظارت بر تمامی مأموریت‌های پلیس‌های تخصصی... در سراسر کشور» نشان‌دهنده سطح بالای نظارت و کنترلی است که فرماندهان اعمال می‌کردند.^{۳۹۲}

آرا دادگاه‌ها و دستورهای دادستانی که عفو بین‌الملل بررسی کرده است نیز نشان می‌دهد که فرماندهان سپاه پاسداران و فراجا از انواع سلاح‌های مورد استفاده و میزان گلوله‌ها و سایر مهمات شلیک‌شده در جریان عملیات سرکوب اعتراضات اطلاع داشتند.^{۳۹۳}

یکی از آرا دادگاه به گزارش‌هایی استناد می‌کند که یگان امداد شهرستانی که معترض در آن به ضرب گلوله کشته شد و همچنین فرمانده سپاه استانی مربوطه به دادگاه ارائه کرده بودند.^{۳۹۴} رای دادگاه اطلاعات تفصیلی مندرج در این گزارش‌ها را درباره زمان دقیق عملیات، محل استقرار و انواع نیروهای امنیتی اعزام‌شده، و تصاویر دوربین‌های مداربسته‌ای که واقعه را ثبت کرده‌اند، تشریح می‌کند. این رای همچنین، بر اساس اطلاعات ارائه‌شده در گزارش‌ها، انواع و مقادیر مهمات مورد استفاده فراجا و سپاه پاسداران، از جمله نیروهای بسیج، در جریان عملیات را فهرست می‌کند. در مورد فراجا، رای به استفاده از این موارد اشاره دارد: «صد فشنگ جنگی و شش فشنگ مشقی کلاشینکف، دویست فشنگ جنگی و هشت فشنگ مشقی ام‌پی‌۵ و کلت کمری، شش گلوله گاز اشک‌آور، ۲۴ نارنجک دودزا، سه گلوله اعلام خبر و ۴۰ گلوله پلاستیکی.» در مورد سپاه پاسداران، از جمله نیروهای بسیج آن، رای به استفاده از «۲۸۰ فشنگ ۱۲ میلی‌متری ساچمه پلاستیکی، ۸۱ فشنگ ۳۸ میلی‌متری اشک‌آور، ۱۴ فشنگ ۳۸ میلی‌متری صوتی، سه فشنگ ۳۸ میلی‌متری لانچر و وینچستر، و هشت فشنگ جنگی ۹ میلی‌متری» اشاره می‌کند.

۳۹۰ نگاه کنید به بخش‌های (۳) ۱۰.۴.۴ و (۴) ۱۰.۴.۴.

۳۹۱ نگاه کنید به بخش (۲) ۱۰.۲.۳.

۳۹۲ نگاه کنید به بخش ۱۰.۲.۲.

۳۹۳ برای نمونه، نگاه کنید به بخش ۱۱.۳.۳.

۳۹۴ IRN0172۳۹۴. رای دادگاه در آرشیو عفو بین‌الملل موجود است. عفو بین‌الملل به دلایل امنیتی نام شهرستان و سایر جزئیات هویتی را منتشر نکرده است.

رای دیگری به گزارشی از سازمان حفاظت اطلاعات فراجا استناد می‌کند که خود شامل اطلاعات دریافتی از یگان‌های ویژه استان محل قتل قربانی مربوطه است.^{۳۹۵} بر اساس این اطلاعات، «تعداد ۴۱ فشنگ ساچمه‌ای سربی نمره ۹ تا ۱۲ توسط یگان‌های ویژه استفاده شده است.»^{۳۹۶}

سطح جزئیات ثبت‌شده در این گزارش‌های رسمی و منعکس‌شده در آرا دادگاه، شواهد بیشتری درباره آگاهی و نظارتی فراهم می‌کند که فرماندهان سپاه پاسداران و فراجا در جریان سرکوب اعمال می‌کردند.

(۲) ۱۳.۲.۲ گزارش‌های حقوق بشری و پوشش رسانه‌ای

عفو بین‌الملل بر این باور است که فرماندهان فهرست‌شده در این بخش، از طریق پوشش رسانه‌ای، گزارش‌های حقوق بشری و اعتراضات علنی خانواده‌های قربانیان، معترضان، فعالان، چهره‌های عمومی و دیگر افراد در داخل و خارج از ایران، از ارتکاب جنایات علیه بشریت به دست نیروهای زیردست خود آگاه بودند یا اطلاعاتی در اختیار داشتند که آنان را نسبت به وقوع این جنایات آگاه می‌کرد.

در فاصله شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، شمار قابل توجهی بیانیه از سوی مقام‌ها و نهادهای سازمان ملل متحد، از جمله دبیرکل، دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد، کمیته حقوق کودک، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور وضعیت حقوق بشر در ایران و دیگر سازوکارهای ویژه، صادر شد که در آن‌ها نگرانی‌های جدی درباره سرکوب مرگبار اعتراضات مطرح و از مقام‌ها خواسته شد به استفاده غیرضروری یا نامتناسب از قوای قهریه علیه معترضان پایان دهند.^{۳۹۷} عفو بین‌الملل گزارش‌های متعددی منتشر کرد که در آن‌ها جنایات بین‌المللی و سایر موارد جدی نقض حقوق بشر ارتكابی از سوی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران را مستندسازی و محکوم کرد؛^{۳۹۸} دیگر سازمان‌های غیردولتی نیز چنین گزارش‌هایی منتشر

IRN0173۳۹۵. رای دادگاه در آرشیو عفو بین‌الملل موجود است. در رای دادگاه نام مقامی که این اطلاعات را ارائه کرده، ذکر نشده است.

۳۹۶ اندازه ساچمه‌ها بر اساس قطر هر ساچمه منفرد با یکدیگر تفاوت دارد. هرچه شماره ساچمه افزایش یابد، قطر ساچمه کاهش می‌یابد. از آنجا که ساچمه‌های کوچک‌تر فضای کمتری اشغال می‌کنند، یک فشنگ شاتگان با ساچمه‌های ریزتر تعداد بیشتری ساچمه را در خود جای می‌دهد. در استاندارد بریتانیایی، ساچمه‌های شماره ۹ و ۱۲ به ترتیب دارای قطری حدود ۲ میلی‌متر و ۶.۱ میلی‌متر هستند.

۳۹۷ برای نمونه، نگاه کنید به: دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد (OHCHR)، «ایران: کارشناسان سازمان ملل سرکوب مراسم عمومی بزرگداشت جان‌باختن ژینا مهسا امینی را محکوم کردند»، ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳؛ اخبار سازمان ملل، «ایران: طی هفته گذشته ۴۰ نفر در اعتراضات کشته شدند دفتر کمیسر عالی حقوق بشر»، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲؛ اخبار سازمان ملل، «اخبار کوتاه»، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۲؛ اخبار سازمان ملل، «ایران: هزاران نفری که به دلیل اعتراض مسالمت‌آمیز در بازداشت هستند باید آزاد شوند»، ۱۵ نوامبر ۲۰۲۲؛ اخبار سازمان ملل، «زمان اقدام ملموس جامعه بین‌المللی برای پاسخ‌گو کردن نیروهای امنیتی ایران فرا رسیده است»، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۲؛ اخبار سازمان ملل، «کمیته حقوق کودک سازمان ملل: کشتن و بازداشت کودکان در ایران باید متوقف شود»، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲؛ France 24، «دبیرکل سازمان ملل از ایران خواست از استفاده از «قوای قهریه نامتناسب» علیه معترضان خودداری کند»، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲؛ اخبار سازمان ملل، «ایران: سازمان ملل سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات علیه حجاب را محکوم کرد»، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲؛ دبیرکل سازمان ملل متحد، «بیانیه منتسب به سخنگوی دبیرکل درباره اعتراضات در ایران»، ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۲؛ اخبار سازمان ملل، «کارشناسان سازمان ملل جان‌باختن ژینا مهسا امینی، «قربانی سرکوب مستمر ایران»، را به‌شدت محکوم کردند»، ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲؛ اخبار سازمان ملل، «نگرانی از جان‌باختن زن ایرانی پس از بازداشت به دلیل حجاب «نامناسب»»، ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۲.

۳۹۸ برای نمونه، نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «ایران: مقام‌ها با وادار کردن خانواده‌ها به سکوت، بر جنایات خود در کشتن کودکان سرپوش می‌گذارند»، ۱۸ آذر ۱۴۰۱ (۹ دسامبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: پس از تازه‌ترین کشتار هولناک معترضان، اقدام سریع شورای حقوق بشر سازمان ملل ضروری است»، ۱ آذر ۱۴۰۱ (۲۲ نوامبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: برای توقف کشتار جمعی معترضان بلوچ اقدام فوری بین‌المللی ضروری است» شناسه MDE 13/6193/2022. ۱۹ آبان ۱۴۰۱ (۱۰ نوامبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: بیش از ۷۶۰ هزار نفر در سراسر جهان خواستار ایجاد سازوکار تحقیقاتی سازمان ملل درباره ایران هستند»، ۱۲ آبان ۱۴۰۱ (۳ نوامبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: پس از آن که مقام‌ها طی کمتر از ۲۴ ساعت هشت معترض را به‌طور

کردند.^{۳۹۹} رسانه‌های فارسی‌زبان و رسانه‌های بین‌المللی نیز شمار زیادی گزارش درباره قتل‌ها و سایر موارد جدی نقض حقوق بشر منتشر کردند که نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در بستر سرکوب اعتراضات مرتکب شده بودند.

استفاده مستمر نیروهای امنیتی از قوای قهریه مرگبار، آن‌گونه که گروه‌های حقوق بشری و رسانه‌ها گزارش کردند و در ویدیوهای منتشرشده از داخل کشور نیز مشهود بود، موج گسترده‌ای از خشم عمومی را هم در داخل ایران و هم در سراسر جهان برانگیخت. در داخل ایران، کسبه، بازاریان و کارگران کارخانه‌ها در سراسر کشور در اعتراض به سرکوب مرگبار، صدها اعتصاب به راه

انداختند؛^{۴۰۰} و بسیاری از چهره‌های سرشناس، از جمله هنرمندان و ورزشکاران، خشم خود را ابراز کردند و همبستگی نشان دادند.^{۴۰۱} در سراسر جهان نیز تجمعات بزرگی برگزار شد که توجه گسترده رسانه‌ها را به خود جلب کرد.^{۴۰۲} علاوه بر این، صدها هزار نفر در ۲۱۸ کشور و قلمرو به دادخواسته‌های عفو بین‌الملل پیوستند و خواستار ایجاد یک سازوکار مستقل سازمان ملل برای تحقیق درباره جنایات بین‌المللی شدند که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران در جریان سرکوب اعتراضات مرتکب شده بودند.^{۴۰۳}

دولت‌های سراسر جهان نیز به سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات واکنش نشان دادند و با صدور بیانیه و اعمال تحریم‌ها اقدام کردند.^{۴۰۴} علاوه بر این، در ۳ آذر ۱۴۰۱ (۲۴ نوامبر ۲۰۲۲)، کشورهای عضو شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در نشستی ویژه

غیرقانونی کشتند، سازمان ملل باید فوراً اقدام کند»، ۵ آبان ۱۴۰۱ (۲۷ اکتبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: دست‌کم ۲۳ کودک در جریان سرکوب وحشیانه اعتراضات جوانان یا مصونیت از مجازات کشته شدند»، ۲۱ مهر ۱۴۰۱ (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: دست‌کم ۸۲ معترض و رهگذر بلوچ در سرکوب خونین کشته شدند»، ۱۴ مهر ۱۴۰۱ (۶ اکتبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: اسناد افشاشده از دستورهای مقام‌های عالی‌رتبه به نیروهای مسلح برای «برخورد بی‌رحمانه» با معترضان پرده برمی‌دارد»، ۸ مهر ۱۴۰۱ (۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: رئیس عفو بین‌الملل می‌گوید «کشتار معترضان باید فوراً توسط یک سازوکار بین‌المللی پاسخ‌گویی مورد تحقیق قرار گیرد»، ۶ مهر ۱۴۰۱ (۲۸ سپتامبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: با افزایش شمار کشته‌شدگان، جهان باید در برابر سرکوب خونین اقدام معنادار انجام دهد»، ۱ مهر ۱۴۰۱ (۲۳ سپتامبر ۲۰۲۲)، عفو بین‌الملل، «ایران: سرکوب مرگبار اعتراضات به جان‌باختن مهسا امینی در یازداشت نیازمند اقدام فوری جهانی است»، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲).

۳۹۹ برای نمونه، نگاه کنید به: دیده‌بان حقوق بشر، «ایران: سرکوب «جمعه خونین» مرگبارترین سرکوب سال»، ۱ دی ۱۴۰۱ (۲۲ دسامبر ۲۰۲۲)، دیده‌بان حقوق بشر، «ایران: سرکوب وحشیانه در مرکز استان کردستان»، ۳۰ آذر ۱۴۰۱ (۲۱ دسامبر ۲۰۲۲)، سازمان حقوق بشر ایران، «اعتراضات ایران: دست‌کم ۴۵۸ نفر کشته شدند/۱۱ نفر رسماً به اعدام محکوم شدند»، ۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۷ دسامبر ۲۰۲۲)، دیده‌بان حقوق بشر، «ایران: شورای حقوق بشر سازمان ملل باید هیأت حقیقت‌یاب ایجاد کند»، ۲ آذر ۱۴۰۱ (۲۳ نوامبر ۲۰۲۲)، مرکز حقوق بشر در ایران، «اعتراضات ایران: همزمان با آغاز سرکوب مرگبار نیروهای امنیتی، نگرانی از وقوع کشتار در مناطق گردنشین»، ۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۲۱ نوامبر ۲۰۲۲)، مرکز حقوق بشر در ایران، «گزارش توجیهی: مقابله با جنایات فجیع حکومت علیه معترضان در ایران»، ۲۹ مهر ۱۴۰۱ (۲۱ اکتبر ۲۰۲۲)، سازمان حقوق بشر ایران، «شورای حقوق بشر سازمان ملل باید نشست ویژه‌ای درباره ایران برگزار کند»، ۲۵ مهر ۱۳۹۶ (۱۷ اکتبر ۲۰۱۷)، سازمان حقوق بشر ایران، «اعتراضات ایران: شمار کشته‌شدگان به دست‌کم ۲۰۱ نفر رسید/کودکان قربانی سرکوب»، ۲۰ مهر ۱۴۰۱ (۱۲ اکتبر ۲۰۲۲)، فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر (FIDH)، «ایران: با نزدیک شدن شمار کشته‌شدگان اعتراضات به ۲۰۰ نفر، درخواست برای تحقیقات بین‌المللی»، ۱۶ مهر ۱۴۰۱ (۸ اکتبر ۲۰۲۲)، دیده‌بان حقوق بشر، «ایران: نیروهای امنیتی به معترضان شلیک می‌کنند و آنان را می‌کشند»، ۱۳ مهر ۱۴۰۱ (۵ اکتبر ۲۰۲۲)، سازمان حقوق بشر ایران، «اعتراضات ایران: شمار کشته‌شدگان به ۱۳۳ نفر رسید/پیش از ۴۰ نفر در «جمعه خونین» زاهدان کشته شدند»، ۱۰ مهر ۱۴۰۱ (۲ اکتبر ۲۰۲۲)، ماده ۱۹، «ایران: عدالت برای مهسا ژینا امینی»، ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ (۲۰ سپتامبر ۲۰۲۲).

۴۰۰ گزارش‌های رسانه‌ای درباره این اعتصاب‌ها در پایگاه داده‌ای با عنوان داده‌های انقلاب گردآوری و در دسترس قرار گرفته‌اند.

۴۰۱ برای نمونه، نگاه کنید به: ابتکار آزادی هنری و صدای رها، «من خلق می‌کنم؛ من مقاومت می‌کنم: هنرمندان ایرانی در خط مقدم تغییرات اجتماعی» شهریور ۱۴۰۳ (سپتامبر ۲۰۲۴)؛ بی‌بی‌سی، «اعتراضات ایران: کمیته مخفی «چهره‌های سرشناس را به دلیل مخالفت مجازات کرد»، ۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ (۲۵ آوریل ۲۰۲۳)؛ سی‌ان‌ان، «فدراسیون فوتبال ایران می‌گوید با بازیکنانی که در جریان مسابقات بین‌المللی اعتراض کردند «برخورد خواهد شد»، ۱۶ آبان ۱۴۰۱ (۷ نوامبر ۲۰۲۲)؛ France 24، «درخواست برای حفاظت از سنگ‌نورد ایرانی پس از گزارش‌ها درباره حبس خانگی»، ۲ آبان ۱۴۰۱ (۲۴ اکتبر ۲۰۲۲).

۴۰۲ برای نمونه، نگاه کنید به: ان‌پی‌آر، «اعتراضات ایران تجمعات همبستگی در آمریکا و اروپا را برانگیخت»، ۱ آبان ۱۴۰۱ (۲۳ اکتبر ۲۰۲۲)؛ ای‌بی‌سی نیوز، «دهه‌ها هزار نفر در برلین در همبستگی با اعتراضات ایران راهپیمایی کردند»، ۱ آبان ۱۴۰۱ (۲۳ اکتبر ۲۰۲۲)؛ Guardian، «گزارش‌هایی از اعتصاب‌های اعتراضی در ایران همزمان با برگزاری تجمعات همبستگی در سراسر جهان»، ۳۰ مهر ۱۴۰۱ (۲۲ اکتبر ۲۰۲۲).

۴۰۳ نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «ایران: بیش از ۷۶۰ هزار نفر در سراسر جهان خواستار ایجاد سازوکار تحقیقاتی سازمان ملل درباره ایران هستند»، ۱۲ آبان ۱۴۰۱ (۳ نوامبر ۲۰۲۲).

۴۰۴ برای نمونه، نگاه کنید به: وزارت امور خارجه، مشترک‌المنافع و توسعه بریتانیا، «بریتانیا و شرکای بین‌المللی تحریم‌های بیشتری علیه مقام‌های ایرانی اعلام کردند»، ۲۳ آبان ۱۴۰۱ (۱۴ نوامبر ۲۰۲۲)؛ France 24، «اتحادیه اروپا نیروهای امنیتی ایران را به دلیل مرگ مهسا امینی و سرکوب اعتراضات تحریم کرد»، ۲۵ مهر ۱۴۰۱ (۱۷ اکتبر ۲۰۲۲)؛ Reuters، «کانادا به دلیل وضعیت حقوق بشر تحریم‌های جدیدی علیه ایران اعمال کرد»، ۲۱ مهر ۱۴۰۱ (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲)؛ DW، «برپوک می‌گوید ایران در «سمت نادرست تاریخ» قرار دارد»، ۱۸ مهر ۱۴۰۱ (۱۰ اکتبر ۲۰۲۲).

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

گرد هم آمدند و قطعنامه‌ای را برای تشکیل هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران تصویب کردند تا درباره موارد جدی نقض حقوق بشر مرتبط با خیزش «زن زندگی آزادی» تحقیق کند.^{۴۰۵}

اظهارات رسمی، از جمله اظهاراتی که در این گزارش برجسته و تحلیل شده‌اند، شواهدی ارائه می‌کنند که نشان می‌دهد پوشش رسانه‌ای، گزارش‌های حقوق بشری و فشار جهانی درباره رفتار غیرقانونی نیروهای امنیتی به مقام‌های جمهوری اسلامی ایران می‌رسید و آنان را ناگزیر به واکنش می‌کرد. مقام‌ها، از جمله بسیاری از افرادی که در فصل ۱۰ به آن‌ها پرداخته شده است، در اظهارات خود بارها گزارش‌های مربوط به قتل‌ها به دست نیروهایشان را رد کردند و بدون ارائه هیچ شواهدی، مسئولیت این قتل‌ها را به «بازیگران غیردولتی» نسبت دادند.^{۴۰۶} همزمان، آنان به هشدار درباره برخوردی شدید ادامه دادند، وعده پیروزی نهایی بر اعتراضاتی را دادند که آن‌ها را «جنگ ترکیبی» توصیف می‌کردند، و از نیروهای خود حمایت معنوی کردند تا به اقداماتشان ادامه دهند.^{۴۰۷} همان‌گونه که در سراسر این گزارش مستندسازی شده است، واکنش‌های رسمی به گزارش‌های مربوط به قتل‌ها به دست نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران تنها در سطح ملی مطرح نشد، بلکه مقام‌های استانی و شهرستانی نیز در واکنش به وقایع مشخص و شناخته‌شده موضع‌گیری کردند.^{۴۰۸}

(۳) ۱۳.۲.۲ سرکوب نظام‌مند اطلاعات و پنهان‌سازی شواهد

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران علاوه بر رد و انکار گزارش‌های مربوط به جنایات ارتكابی از سوی نیروهای امنیتی، با وجود شواهد قاطع خلاف آن، نیروهای امنیتی و همچنین مجاری دیپلماتیک خود را بسیج کردند تا گزارش‌دهی را سرکوب کنند، در مسیر کشف حقیقت مانع ایجاد کنند، ابراز همبستگی و خشم را خاموش کنند، شواهد را پنهان سازند، از نظارت بین‌المللی بگریزند و مانع تشکیل یک هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل شوند. این اقدامات نیز نشان می‌دهد که مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، از جمله در بالاترین سطوح زنجیره فرماندهی، از جنایاتی که در جریان بود آگاه بودند، اما فعالانه تلاش کردند مانع از آگاهی عمومی از این جنایات و به‌رسمیت شناخته شدن آن‌ها شوند و این آگاهی را سرکوب کنند.

همان‌گونه که در سراسر این گزارش مستندسازی شده است، سرکوب اطلاعات و پنهان‌سازی شواهد شامل طیفی از روش‌ها از جمله ساکت کردن خانواده‌های قربانیان و بازماندگان و وادار کردن آنان به تکرار روایت حکومت؛^{۴۰۹} محروم کردن افراد از دسترسی

Global News، «کانادا ورود بیش از ۱۰ هزار عضو سپاه پاسداران ایران را به کشور ممنوع کرد»، ۱۵ مهر ۱۴۰۱ (۱۷ اکتبر ۲۰۲۲)، US News، «کشورها چگونه به سرکوب مخالفان در ایران واکنش نشان می‌دهند»، ۱۵ مهر ۱۴۰۱ (۱۷ اکتبر ۲۰۲۲).

۴۰۵ نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «ایران: تشکیل تاریخی هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل نقطه عطفی دیر هنگام در مقابله با مصونیت نظام‌مند از مجازات است»، ۳ آذر ۱۴۰۱ (۲۴ نوامبر ۲۰۲۲).

۴۰۶ نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۴، (۴) ۱۰.۲.۴، (۲) ۱۰.۳.۴، (۵) ۱۰.۳.۴ و (۲) ۱۰.۴.۳.

۴۰۷ برای نمونه، نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۱.۳، ۱۰.۲.۴، (۴) ۱۰.۲.۴، (۲) ۱۰.۳.۴، (۴) ۱۰.۳.۴ و (۲) ۱۰.۴.۳.

۴۰۸ برای نمونه، نگاه کنید به بخش‌های (۲) ۱۰.۲.۴، (۳) ۱۰.۲.۴، (۴) ۱۰.۲.۴، (۲) ۱۰.۳.۴، (۳) ۱۰.۳.۴، (۴) ۱۰.۳.۴ و (۵) ۱۰.۳.۴.

۴۰۹ نگاه کنید به بخش ۹.۱.

به اطلاعات یا محدود کردن این دسترسی؛^{۴۱۰} ضبط تصاویر دوربین‌های مداربسته از محل‌هایی که معترضان در آن‌ها به دست نیروهای امنیتی کشته شده بودند؛^{۴۱۱} و بازداشت روزنامه‌نگاران و فعالان بود.^{۴۱۲}

این اقدامات همچنین شامل اعمال محدودیت بر مراسم تشییع و یادبود^{۴۱۳} و نیز استفاده دوباره از قوای قهریه مرگبار علیه معترضانی بود که برای سوگواری کشته شدن معترضان و رهگذران/ناظران و محکوم کردن جنایات ارتكابی نیروهای امنیتی به خیابان‌ها آمده بودند.^{۴۱۴} همان‌گونه که در این گزارش مستندسازی شده است، فراجا و سپاه پاسداران در طول دوره اعتراضات و پس از آن، به‌طور مستمر در سراسر کشور به این رویه‌ها متوسل شدند؛ امری که نشان‌دهنده ماهیت نظام‌مند سرکوب و اجرای هماهنگ روش‌های غیرقانونی در مناطق مختلف تحت یک مرجع فرماندهی متمرکز است.^{۴۱۵}

تلاش مقام‌ها برای سرکوب گزارش‌دهی به خارج از مرزهای ایران نیز گسترش یافت. ۳ مهر ۱۴۰۱ (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲)، رسانه‌های حکومتی اعلام کردند که وزارت امور خارجه ایران روز پیش از آن سفیر بریتانیا در ایران را احضار کرده است تا نسبت به آنچه «فضای خصمانه ایجادشده از سوی رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در لندن» توصیف شده بود اعتراض کند.^{۴۱۶} منظور از این رسانه‌ها ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی فارسی بود که پخش ماهواره‌ای آن‌ها، با افشای موارد جدی نقض حقوق بشر به دست نیروهای امنیتی در جریان اعتراضات، را میلیون‌ها نفر در داخل ایران دنبال می‌کردند.

۱۷ آبان ۱۴۰۱ (۸ نوامبر ۲۰۲۲)، اسماعیل خطیب، وزیر وقت اطلاعات ایران، ایران اینترنشنال را «سازمان تروریستی» خواند و تهدید کرد که نهادهای اطلاعاتی ایران کارکنان این شبکه در بریتانیا را تعقیب خواهند کرد.^{۴۱۷} نوامبر ۲۰۲۲، پلیس بریتانیا به دو روزنامه‌نگار ایران اینترنشنال درباره تهدیدهای احتمالی علیه جان‌شان هشدار داد.^{۴۱۸} پلیس در واکنش به افزایش تهدیدها علیه این رسانه همچنین مأموران مسلح را در اطراف استودیوهای این شبکه در چیزیک، غرب لندن، مستقر کرد و برای افزایش امنیت، موانع بتنی در بیرون ساختمان نصب کرد.^{۴۱۹}

۴۱۰ برای نمونه، نگاه کنید به بخش‌های ۹.۳.۲، ۹.۳.۵ و ۹.۴.۲.

۴۱۱ نگاه کنید به بخش ۹.۳.۵.

۴۱۲ نگاه کنید به بخش ۵.۴.

۴۱۳ نگاه کنید به بخش ۹.۲.۲.

۴۱۴ نگاه کنید به بخش ۹.۲.۴.

۴۱۵ نگاه کنید به فصل ۱۰.

۴۱۶ مشرق نیوز، «احضار سفیر انگلیس در تهران به وزارت خارجه»، ۳ مهر ۱۴۰۱ (۲۵ سپتامبر ۲۰۲۲).

۴۱۷ خبرگزاری فارس، «انگلیس هزینه اقداماتش برای ناامن‌سازی ایران را خواهد داد/ شبکه اینترنشنال به عنوان سازمان تروریستی شناخته شده است»، ۱۷ آبان ۱۴۰۱ (۸ نوامبر ۲۰۲۲).

۴۱۸ بی‌بی‌سی، «ایران اینترنشنال: شبکه پس از تهدیدهای حکومت بریتانیا را ترک کرد»، ۲۹ بهمن ۱۴۰۱ (۱۸ فوریه ۲۰۲۳)؛ بی‌بی‌سی، «ایران اینترنشنال: شبکه تلویزیونی می‌گوید ایران روزنامه‌نگاران مستقر در بریتانیا را تهدید کرده است»، ۱۷ آبان ۱۴۰۱ (۸ نوامبر ۲۰۲۲).

۴۱۹ بی‌بی‌سی، «ایران اینترنشنال: شبکه پس از تهدیدهای حکومت بریتانیا را ترک کرد»، ۲۹ بهمن ۱۴۰۱ (۱۸ فوریه ۲۰۲۳).

اسناد افشاشده مورخ ۲۷ شهریور و ۴ مهر ۱۴۰۱ (۱۸ و ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲) که در فصل ۱۰ تحلیل شده‌اند، همچنین نشان می‌دهند که از همان روزهای نخست اعتراضات، مقام‌های عالی‌رتبه در دستگاه امنیتی ایران به‌طور نظام‌مند افرادی و گروه‌هایی را که می‌کوشیدند درباره جنایات ارتكابی نیروهای امنیتی آگاهی‌رسانی کنند زیر نظر داشتند و برای برخورد سرکوبگرانه با آنان برنامه‌ریزی می‌کردند. در گفت‌وگوهای رسمی ثبت‌شده در این اسناد افشاشده، از این افراد و گروه‌ها با عناوینی مانند «سلبریتی‌های معاند»، «سفارتخانه‌ها»، «دفاتر و انجمن‌های بین‌المللی» و «سازمان‌های غیردولتی» و همچنین «ورزشکاران، هنرمندان، بازیگران، خوانندگان، وبلاگ‌نویسان، چهره‌های سیاسی، خانواده‌های جان‌باختگان و رسانه‌های خارجی» یاد شده است.^{۴۲۰}

نامه رسمی افشاشده‌ای از دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران خطاب به رئیس‌جمهور، مورخ ۱۷ آبان ۱۴۰۱ (۸ نوامبر ۲۰۲۲)، نشان می‌دهد که آگاهی از نگرانی‌های بین‌المللی درباره جنایات ارتكابی نیروهای امنیتی تا بالاترین سطوح زنجیره فرماندهی امتداد داشته است.^{۴۲۱} این نامه راهبردهایی را برای کنترل روایت مربوط به موارد نقض ارتكابی نیروهای امنیتی، گریز از نظارت خارجی و جلوگیری از تشکیل یک هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل تشریح می‌کند. راهبردهای مطرح‌شده در این نامه شامل دعوت گزینشی از برخی گزارشگران ویژه خاص، در حالی که برنامه سفر آنان تحت کنترل قرار گیرد؛ استفاده از نفوذ دیپلماتیک نزد کشورهای همسو برای کاهش حمایت از تشکیل هیأت حقیقت‌یاب؛ و ایجاد یک کمیته تحقیق داخلی برای نمایش ظاهری از پاسخ‌گویی در برابر جامعه بین‌المللی، همزمان با به حداقل رساندن توجه عمومی به این کمیته، بود.^{۴۲۲}

۱۳.۲.۳ قصور در پیشگیری یا مجازات

رویه قضایی بین‌المللی

برای احراز مسئولیت مقام مافوق باید نشان داده شود که مقام مافوق در انجام وظیفه خود برای اتخاذ همه اقدامات ضروری و معقول به‌منظور جلوگیری از ارتكاب جنایات توسط زیردستانش قصور کرده است یا، اگر چنین جنایاتی ارتكاب یافته‌اند، در مجازات مرتکبان، از جمله از طریق ارجاع موضوع به مقام‌های صالح، کوتاهی کرده است.^{۴۲۳}

۴۲۰ نگاه کنید به بخش (۳) ۱۰.۴.۴.

۴۲۱ نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۴.۴.

۴۲۲ نگاه کنید به بخش ۱۱.۴.

۴۲۳ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)، «دادستان علیه دلایع و دیگران، رای شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۳۹۴. همچنین نگاه کنید به ICTY، «دادستان علیه گالیچ، رای و نظر شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۷۶.

بر اساس رویه قضایی بین‌المللی، اقدامات «ضروری» اقداماتی هستند که برای ایفای تعهدات فرمانده مناسب باشند و اقدامات «معقول» اقداماتی هستند که به‌طور معقول در حدود توانایی عملی فرمانده قرار می‌گیرند.^{۴۲۴}

تعیین این‌که چه اقداماتی «ضروری و معقول» محسوب می‌شوند، مسئله‌ای حقوقی نیست بلکه به شواهد بستگی دارد.^{۴۲۵} بر این اساس، «مقام مافوق ممکن است به دلیل قصور در اتخاذ اقدامات لازم مسئول شناخته شود، حتی اگر اختیار قانونی صریح برای انجام آن اقدامات نداشته باشد، مشروط بر این‌که اثبات شود اتخاذ چنین اقداماتی در حدود توانایی عملی او بوده است.»^{۴۲۶} این ارزیابی وابسته به بستر مربوطه است و تنها بر اساس شرایط عینی و مشخص هر مورد قابل انجام است.^{۴۲۷}

بر اساس رویه قضایی، وظیفه پیشگیری «پیش از ارتکاب جنایات ایجاد می‌شود و جنایات در حال وقوع و جنایاتی را که دارای عناصر مستمر هستند نیز دربرمی‌گیرد.»^{۴۲۸} عوامل غیرحصری مرتبط با احراز قصور در پیشگیری شامل موارد زیر است:

- اطمینان حاصل کردن از این‌که نیروها آموزش کافی درباره حقوق بین‌الملل دیده‌اند؛
- دریافت گزارش‌هایی که نشان دهند اقدامات زیردستان مطابق حقوق بین‌الملل انجام شده‌اند؛
- صدور دستورهای با هدف انطباق رویه‌های مربوطه با حقوق بین‌الملل؛
- اتخاذ اقدامات انضباطی برای جلوگیری از ارتکاب جنایات فجیع توسط نیروهای تحت فرماندهی؛
- صدور دستورهایی که مشخصاً برای جلوگیری از ارتکاب جنایات طراحی شده‌اند، نه صرفاً صدور دستورهای معمول؛
- اعتراض یا انتقاد به رفتار مجرمانه؛
- به تعویق انداختن عملیات؛
- تعلیق، کنار گذاشتن یا جابه‌جایی زیردستانی که مرتکب خشونت می‌شوند؛ و

۴۲۴ دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۸.

۴۲۵ ICTY، دادستان علیه بوشکوسکی و تارچولوفسکی، پرونده IT0482T، رای شعبه بدوی دوم، ۱۰ ژوئیه ۲۰۰۸، بند ۴۱۵.

۴۲۶ [۴] برای نمونه، نگاه کنید به ICTY، دادستان علیه مرکشیچ و دیگران، پرونده IT9513/1T، رای شعبه بدوی دوم، ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۷، بند ICTY:۵۶۵، دادستان علیه کوردیچ و چرکز، پرونده IT9514/2T، رای شعبه بدوی اول، ۲۶ فوریه ۲۰۰۱، بند ICTY:۴۴۳، دادستان علیه دلایچ و دیگران، رای شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۳۹۵. همچنین نگاه کنید به ICTY، دادستان علیه بلاگوویچ و بویکیچ، پرونده IT0260T، رای بخش الف شعبه بدوی اول، ۱۷ ژانویه ۲۰۰۵، بند ICTY:۷۹۳، دادستان علیه بردانین، پرونده IT9936T، رای شعبه بدوی دوم، ۱ سپتامبر ۲۰۰۴، بند ICTY:۲۷۹، دادستان علیه استاکچ، پرونده IT9724T، رای شعبه بدوی دوم، ۳۱ ژوئیه ۲۰۰۳، بند ICTY:۴۶۱، دادستان علیه بوشکوسکی و تارچولوفسکی، رای شعبه بدوی دوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ICTY:۴۱۵، دادستان علیه دلایچ و دیگران، رای شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۳۹۴.

۴۲۷ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۹۸.

۴۲۸ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۰۲.

- اجرای عملیات به شیوه‌ای که خطر وقوع جنایات مشخص را کاهش دهد یا فرصت ارتکاب آن‌ها را از بین ببرد.^{۴۲۹}

وظیفه مجازات یا ارجاع موضوع به مقام‌های صالح ایجاب می‌کند که فرماندهان اطمینان حاصل کنند مرتکبان برای جلوگیری از مصونیت از مجازات و پیشگیری از جنایات آتی به دست عدالت سپرده می‌شوند. این وظایف پس از ارتکاب جنایات ایجاد می‌شوند.

فقدان اختیار رسمی یک فرمانده برای انجام برخی اقدامات، او را از تعهد به اتخاذ همه اقدامات ضروری و معقولی که در حدود اختیارات و توان او برای جلوگیری از ادامه جنایات یا مجازات مرتکبان قرار دارد، معاف نمی‌کند. اگر فرمانده اختیارات انضباطی داشته باشد، انتظار می‌رود در حدود اختیارات خود از آن استفاده کند. اگر چنین اختیاری نداشته باشد، همچنان موظف است وظیفه خود را، برای مثال از طریق توصیه به مقام مافوق دارای چنین اختیاری برای اتخاذ اقدامات انضباطی یا ارجاع موضوع، همراه با هرگونه شواهد موجود، به مقام‌های صالح برای تحقیق و پیگرد، انجام دهد.^{۴۳۰} ارجاع موضوع به نهادهای که عملاً کارکرد ندارد یا احتمال می‌رود تحقیقات یا پیگرد ناکافی انجام دهد، ممکن است برای ایفای تعهدات فرمانده کافی نباشد.^{۴۳۱}

همان‌گونه که در بالا بحث شد، فرماندهان فهرست‌شده در این فصل، که بالاترین مناصب را در زنجیره فرماندهی در سطوح کشوری، استانی و شهرستانی در اختیار داشتند، وظیفه داشتند از رفتار مجرمانه زیردستان خود جلوگیری کنند و مرتکبان را مجازات کنند و همچنین از توانایی عملی لازم برای انجام این تعهد برخوردار بودند.

عفو بین‌الملل بر این باور است که وظیفه این مقام‌ها برای جلوگیری از ارتکاب قتل و سایر جنایات علیه بشریت به دست نیروهای فراجا و سپاه پاسداران تحت فرمان آنان، حتی پیش از نخستین موارد تیراندازی غیرقانونی در ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲) ایجاد شده بود. با توجه به الگوهای شناخته‌شده و به‌خوبی مستندسازی‌شده استفاده غیرقانونی از قوای قهریه که در جریان اعتراضات سراسری و محلی در سال‌های گذشته به مرگ و جراحت افراد منجر شده بود،^{۴۳۲} مقام‌های جمهوری اسلامی ایران تعهد

۴۲۹ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بندهای ۲۰۳ تا ۲۰۴.

۴۳۰ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۰۷.

۴۳۱ نگاه کنید به: دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بمبا گومبو، رای شعبه بدوی سوم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۰۸. همچنین نگاه کنید به ICTY، دادستان علیه بوشکوسکی و تارچولوفسکی، پرونده IT0482A، رای شعبه تجدیدنظر، ۱۹ مه ۲۰۱۰، بند ۲۳۴.

۴۳۲ برای نمونه، نگاه کنید به: عفو بین‌الملل، «ایران: گمان می‌رود بیش از ۱۰۰ معترض کشته شده باشند، در حالی که مقام‌های عالی‌رتبه چراغ سبز سرکوب اعتراضات را داده‌اند»، ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲؛ عفو بین‌الملل، «دارند بی‌پروا شلیک می‌کنند»: واکنش نظامی‌شده ایران به اعتراضات مه ۲۰۲۲، شناسه MDE 13/5789/2022، ۳ اوت ۲۰۲۲؛ عفو بین‌الملل، «ایران: جزئیات مرگ ۳۲۱ نفر در سرکوب اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹»، شناسه MDE 13/2308/2020، ۲۹ ژوئیه ۲۰۲۲؛ عفو بین‌الملل، «ایران: اقدام بین‌المللی برای شکستن چرخه خونریزی در اعتراضات ضروری است»، شناسه MDE 13/3546/2021، ۲۰ ژانویه ۲۰۲۱، Impact Iran؛ «نشت ۴۵ شورای حقوق بشر: درخواست مشترک از دولت‌ها برای اعطای مأموریت به تحقیقاتی تحت هدایت سازمان ملل درباره اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹»، ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۰؛ عفو بین‌الملل، «به کودکان ما شلیک کردند»: قتل کودکان در اعتراضات نوامبر ۲۰۱۹ ایران (شناسه: ۲۰۲۰/۱۸۹۴/۱۳)، ۴ مارس ۲۰۲۰؛ پارلمان اروپا، طرح قطعنامه B90275/2019 درباره سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات اخیر در ایران (RSP) 2019/2993، ۱۷ دسامبر ۲۰۱۹؛ عفو بین‌الملل، «ایران: هزاران نفر به‌صورت خودسرانه بازداشت شده و در سرکوب هولناک پس از اعتراضات در معرض خطر شکنجه قرار دارند»، ۱۶ دسامبر ۲۰۱۹؛ دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل، «باچله از ایران خواست به موارد متعدد نقض حقوق بشر در بستر اعتراضات اخیر رسیدگی کند»، ۶ دسامبر ۲۰۱۹؛ عفو بین‌الملل، «ایران: شمار کشته‌شدگان سرکوب خونین اعتراضات به ۲۰۸ نفر رسید»، ۲ دسامبر ۲۰۱۹؛ عفو بین‌الملل، «ایران: جهان باید با افزایش شمار کشته‌شدگان به ۱۴۳ نفر، استفاده از قوای قهریه مرگبار علیه معترضان را به‌شدت محکوم کند»، ۲۹ نوامبر ۲۰۱۹؛ اخبار سازمان ملل،

روشنی داشتند که در واکنش خود به اعتراضات سال ۱۴۰۱ از تکرار چنین موارد جدی نقض حقوق بشر جلوگیری کنند. وظیفه جلوگیری از چنین جنایاتی در سراسر دوره اعتراضات ادامه داشت.^{۴۳۳}

این مقام‌ها موظف هستند اطمینان حاصل کنند که نیروهایشان آموزش کافی درباره حقوق بین‌الملل دیده‌اند. با این حال، اطلاعات برگرفته از اظهارات رسمی و گزارش‌های رسانه‌های حکومتی که در فصل ۱۰ ارائه شده است نشان می‌دهد آموزش نیروهای سپاه پاسداران، از جمله گردان‌های بسیج آن، حاکی از بی‌اعتنایی کامل به حقوق و استانداردهای بین‌المللی حاکم بر استفاده از قوای قهریه و سلاح گرم در شرایط اعتراضات است. این آموزش‌ها شامل تمرین‌های تیراندازی، شبیه‌سازی رویارویی فیزیکی با معترضان غیرمسلحی است که «اغتاشگر» نامیده می‌شوند، و استفاده از ارعاب و سرکوب خشونت‌آمیز برای متفرق کردن اجباری جمعیت.^{۴۳۴}

اظهارات رسمی حسن کرمی، فرمانده وقت یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور در زمان اعتراضات سال ۱۴۰۱، نیز این رویکرد را تأیید می‌کند. او آشکارا گفته است که آموزش یگان‌های ویژه در زمینه روش‌های سرکوبگرانه با هدف آن انجام می‌شود که آنان بتوانند در قالب آنچه «عملیات برق‌آسا» توصیف کرد، به سرعت معترضان را متفرق کرده و «جمع کنند» عملیاتی که خود اذعان کرد ممکن است به هر فرد حاضر در محدوده اعتراضات، از جمله رهگذر/ناظران، آسیب جسمی وارد کند.^{۴۳۵}

دستورهای مرتبط با اعتراضات که از سوی مقام‌های مافوق صادر شده‌اند، از جمله مقام‌هایی که در این فصل نام برده شده‌اند، در دسترس عموم نیستند. با این حال، دو دستور رسمی افشاشده مربوط به روزهای نخست اعتراضات، یکی صادرشده از سوی ستاد کل نیروهای مسلح خطاب به نیروهای فراجا در سراسر کشور در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱، و دیگری صادرشده از سوی فرمانده فراجا در استان مازندران خطاب به نیروهای تحت فرمان خود در ۱ مهر ۱۴۰۱، نشان‌دهنده نقض آشکار وظیفه صدور دستورهایی با هدف تضمین عملکرد نیروهای امنیتی مطابق با حقوق بین‌الملل هستند. به جای دستور به رفتار قانونی، فرمان فرمانده فراجا در استان مازندران به نیروهای امنیتی دستور می‌داد «بدون رحم و در حد مرگ برخورد نمایند».^{۴۳۶} در حالی که دستور ستاد کل نیروهای مسلح بر «برخورد قاطع و جدی با هر گونه تجمع و متفرق نمودن اغتشاشگران و دستگیری و انتقال به مقرها و اخذ تعهد» تأکید داشت.^{۴۳۷}

«کارشناسان مستقل حقوق بشر درباره سرکوب اعتراضات و قطع اینترنت در ایران هشدار دادند»، ۲۲ نوامبر ۲۰۱۹؛ اخبار سازمان ملل، «اعتراضات ایران: بنا بر گزارش‌ها از گلوله جنگی استفاده شده است، به گفته دفتر حقوق بشر سازمان ملل»، ۱۹ نوامبر ۲۰۱۹؛ عفو بین‌الملل، «ایران: به سرکوب فزاینده و بی‌رحمانه پایان دهید و درباره مرگ معترضان تحقیق کنید»، ۴ ژانویه ۲۰۱۸.

۴۳۳ برای جدول زمانی اعتراضات و متفرق کردن خشونت‌آمیز آن‌ها، نگاه کنید به بخش‌های ۵.۱ و ۵.۳.۱.

۴۳۴ نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۲.۲، ۱۰.۲.۳، ۱۰.۳.۲ و ۱۰.۳.۳.

۴۳۵ نگاه کنید به بخش (۱)(۲) ۱۰.۲.۴.

۴۳۶ نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۲.۵.

۴۳۷ نگاه کنید به بخش ۱۰.۱.۴.

اسناد افشاشده‌ای که جزئیات گفت‌وگوها و دستورهای شورای امنیت کشور، که فرماندهان کل فراجا و سپاه پاسداران عضو آن بودند، را ثبت کرده‌اند نیز نشان می‌دهند که بالاترین سطوح زنجیره فرماندهی به‌جای آغاز تحقیقات یا صدور دستور برای جلوگیری از ارتکاب جنایات علیه بشریت بیشتر از سوی نیروهای تحت کنترل خود، بر صدور دستور برای اجرای اقداماتی متمرکز بودند که هدف آن‌ها درهم شکستن اعتراضات بود.

صدها اظهارنظر رسمی، از جمله مواردی که در فصل ۱۰ آمده‌اند،^{۴۳۸} همچنین نشان می‌دهند که فرماندهان در برابر شواهد فزاینده درباره جنایات ارتكابی نیروهای زیردست خود، به‌طور مستمر دقیقاً برخلاف آنچه حقوق بین‌الملل از آنان می‌خواست عمل کردند. آنان به‌جای انتقاد و محکوم کردن رفتار مجرمانه، توقف عملیات، اتخاذ تدابیر انضباطی برای جلوگیری از جنایات بیشتر یا ارجاع موضوع به مقام‌های قضایی صالح، از نیروهای فراجا و سپاه پاسداران به‌خاطر «شجاعت»، «نقش حیاتی»، «استقامت»، «تعهد»، «هوشمندی» و «عملکرد مؤثر» آنان در «مقابله با فتنه‌های دشمن» و «مبارزه با جنگ ترکیبی» تمجید کردند؛ عباراتی که به‌طور معمول برای سلب مشروعیت از اعتراضات به کار می‌روند.^{۴۳۹}

علاوه بر این، فرماندهان فعالانه دستور ادامه سرکوب را صادر کردند و آن را مأموریتی برای حفاظت از «امنیت، عظمت و اقتدار کشور»، «انقلاب اسلامی»، «اسلام» و «رهبر» معرفی کردند. آنان به‌جای اتخاذ اقداماتی برای کاهش خطر ارتکاب جنایات، حتی با استفاده مداوم از ادبیات خشونت‌آمیز و انسانیت‌زدا علیه معترضان، این خطر را افزایش دادند و آنان را با عناوینی مانند «دشمنان دین خدا»، «کافران»، «فتنه‌گران»، «توطئه‌گران»، «آشوبگران»، «تروریست‌های اجیرشده»، «مزدوران»، «عناصر ضدانقلاب»، «منافقین» و حتی «پشه‌ها» خطاب کردند؛ ادبیاتی که زیردستان خشونت‌ورز را جسورتر کرد و به ایجاد فضایی از خشونت و مصونیت از مجازات دامن زد.

با توجه به ملاحظات فوق و شواهد مربوط به جنایات علیه بشریت که پیش‌تر ارائه شد، و با در نظر گرفتن این‌که رفتار مجرمانه نیروهای فراجا و سپاه پاسداران طی سه ماه ادامه داشت و به‌طور گسترده شناخته‌شده و علنی بود، عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که دلایل معقولی برای باور وجود دارد که ۶۲ فرمانده نام‌برده در این فصل، هیچ‌یک از اقدامات ضروری و معقول را برای جلوگیری از ارتکاب جنایات علیه بشریت توسط زیردستانشان در حوزه‌های مسئولیت مربوط به خود انجام ندادند.

به همین ترتیب، هیچ شواهدی وجود ندارد که نشان دهد این فرماندهان، با وجود جریان مستمر گزارش‌های هشداردهنده درباره جنایات گسترده‌ای که زیردستانشان علیه معترضان و رهگذران/ناظران مرتکب می‌شدند، اقدامات ضروری و معقولی برای مجازات مرتکبان انجام داده باشند.

۴۳۸ نگاه کنید به بخش‌های ۱۰.۱.۳، ۱۰.۲.۴، ۱۰.۳.۴ و ۱۰.۴.۳.

۴۳۹ برای نمونه، نگاه کنید به بخش‌های (۱) ۱۰.۲.۴، (۳) ۱۰.۳.۴، (۲) ۱۰.۳.۴، (۱) ۱۰.۳.۴، (۳) ۱۰.۲.۴، (۱) ۱۰.۲.۴، (۲) ۱۰.۲.۴، (۴) ۱۰.۲.۴، (۱) ۱۰.۲.۴، (۲) ۱۰.۲.۴، (۴) ۱۰.۲.۴.

همان‌گونه که در فصل ۱۱ نشان داده شده است، مقام‌های جمهوری اسلامی ایران در همه سطوح به‌طور کامل در تضمین هرگونه پاسخ‌گویی در قبال جنایات علیه بشریت ارتكابی در جریان سرکوب خیزش ناکام ماندند. در واقع، نهادهای مختلف حکومتی، از جمله نهادهای تحت فرمان فرماندهان فراجا و سپاه پاسداران که در این‌جا نام برده شده‌اند، فعالانه برای پنهان کردن شواهد، ایجاد مانع در تحقیقات، مصون نگه داشتن افراد مظنون به مسئولیت کیفری از تحقیق و پیگرد و جلوگیری از اجرای عدالت تلاش کردند. این اقدامات شامل، اما نه محدود به، خودداری از انجام کالبدشکافی‌های مستقل، دفن شتاب‌زده قربانیان بدون انجام کالبدشکافی مناسب، صدور گواهی‌های فوت نادرست یا ناقص، ضبط یا نابود کردن شواهدی مانند تصاویر دوربین‌های مداربسته و تهدید خانواده‌های قربانیان برای پس گرفتن شکایت‌های خود نزد مقام‌های قضایی بود.^{۴۴۰}

همان‌گونه که در فصل ۱۱ بررسی شد، معدود شکایت‌های مربوط به قتل که به تحقیقات کیفری یا محاکمه منجر شدند، در نتیجه ارجاع موضوع از سوی هیچ‌یک از فرماندهان به مقام‌های صالح نبودند. در عوض، این پرونده‌ها به‌رغم همکاری نکردن فراجا و سپاه پاسداران و در نتیجه شجاعت خانواده‌های قربانیان و وکلای آنان، که با وجود تهدیدهای دریافتی همچنان پیگیر پرونده‌ها ماندند، پیش رفتند. آرا دادگاه‌هایی که عفو بین‌الملل بررسی کرده است نشان می‌دهد فرماندهان فراجا و سپاه پاسداران یا از استفاده غیرقانونی مأموران خود از قوای قهریه مرگبار که به قتل و جراحت افراد منجر شده بود دفاع کردند،^{۴۴۱} یا از همکاری با مقام‌های دادستانی برای شناسایی مرتکبان مستقیم خودداری کردند که این امر به بسته شدن پرونده‌ها انجامید.^{۴۴۲}

به همین ترتیب، همان‌گونه که در فصل ۱۱ توضیح داده شده است، «کمیته ویژه بررسی ناآرامی‌های ۱۴۰۱» که ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران، در آستانه تشکیل هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل سازمان ملل متحد در مورد جمهوری اسلامی ایران (هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران) توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل در نوامبر ۲۰۲۲ ایجاد کرد، حاصل اقدام هیچ‌یک از فرماندهان برای مجازات مرتکبان نبود.^{۴۴۳} افزون بر این، تشکیل این کمیته داخلی به هیچ‌وجه وظیفه اتخاذ همه اقدامات ضروری و معقول برای مجازات جنایات را محقق نکرد. در واقع، همان‌گونه که در فصل ۱۱ به تفصیل آمده است، این کمیته بخشی از کارزار تحریف و لاپوشانی مقام‌ها بود که هدف آن منحرف کردن توجه بین‌المللی از بحران مستمر مصونیت از مجازات در کشور بود.^{۴۴۴} یک نامه رسمی افشاشده از دبیر شورای عالی امنیت ملی نیز موید آن است که انگیزه مقام‌ها از تشکیل این کمیته داخلی، گریز از نظارت بین‌المللی، جلوگیری از تشکیل هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران و ترمیم وجهه عمومی خود بوده است.^{۴۴۵}

۴۴۰ نگاه کنید به بخش‌های ۹.۳.۲، ۹.۳.۳، ۹.۳.۴ و ۹.۴.۲.

۴۴۱ نگاه کنید به بخش ۹.۴.۳.

۴۴۲ نگاه کنید به بخش ۹.۴.۳.

۴۴۳ نگاه کنید به بخش ۱۱.۴.

۴۴۴ نگاه کنید به بخش‌های ۱۱.۱ و ۱۱.۴.۲.

۴۴۵ نگاه کنید به بخش (۱) ۱۰.۴.۴.

تا امروز، هیچ‌یک از افراد نام‌برده در این فصل یا هیچ‌یک از دیگر مقام‌ها، هیچ تلاشی برای همکاری معنادار با هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران انجام نداده‌اند.^{۴۴۶} تداوم این خودداری از همکاری، نشان‌دهنده تعهد مقام‌ها به حفظ مصونیت از مجازات در قبال جنایات علیه بشریت ارتكابی در جریان سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ است.

با توجه به ملاحظات فوق و مجموع شواهد، عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که دلایل معقولی برای باور وجود دارد که ۶۲ فرمانده نام‌برده در این بخش، همه اقدامات ضروری و معقولی را که در حدود اختیاراتشان برای مجازات جنایات علیه بشریت ارتكابی از سوی زیردستانشان یا ارجاع موضوع به مقام‌های صالح قرار داشت، انجام نداده‌اند.

۱۳.۳ مساعدت و حمایت

بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، همان‌گونه که در رویه قضایی دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا (ICTR) بازتاب یافته است، برای آن‌که فردی بر اساس شکل مسئولیت کیفری «مساعدت و حمایت» در قبال جنایات بین‌المللی مسئولیت کیفری داشته باشد، باید اثبات شود که: (۱) متهم اقداماتی را مشخصاً با هدف مساعدت، تشویق یا حمایت معنوی از ارتكاب یک جرم انجام داده و این مساعدت تاثیر قابل توجهی بر ارتكاب جرم داشته است؛ (۲) متهم می‌دانسته است که اقداماتش به ارتكاب جرم به دست مرتکب اصلی کمک می‌کند، یا از احتمال قابل توجه این‌که اقداماتش به ارتكاب چنین جرایمی کمک خواهد کرد آگاه بوده است؛ و (۳) مساعدت مشخصاً معطوف به رفتار مجرمانه بوده است.^{۴۴۷} شکل مسئولیت کیفری «مساعدت و حمایت» همچنین در ماده ۲۵(۳)(ج) اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی تدوین شده است.

عفو بین‌الملل بر اساس شواهد ارائه‌شده در این گزارش و دلایلی که در ادامه تشریح می‌شود، به این نتیجه رسیده است که دلایل معقولی برای باور وجود دارد که عناصر مادی و ذهنی «مساعدت و حمایت» در مورد ۲۵ مقام زیر از وزارت کشور محقق شده‌اند. این افراد شامل وزیر کشور، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور، سه استاندار، سه معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار و ۱۷ فرماندار هستند. مقام‌ها در ادامه بر اساس حوزه جغرافیایی مسئولیتشان فهرست شده‌اند؛ ابتدا مقام‌های سطح ملی و سپس مقام‌های استانی و شهرستانی، مطابق با ترتیب استان‌ها و شهرستان‌هایی که در فصل‌های ۶ تا ۸ بررسی شده‌اند.

^{۴۴۶} نگاه کنید به: هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران، یافته‌های تفصیلی، ۱۹ مارس ۲۰۲۴ (پیش‌تر ذکر شد)، بندهای ۲۱ تا ۲۳.
^{۴۴۷} نگاه کنید به ICTY: دادستان علیه تادیج، پرونده IT941A، رای شعبه تجدیدنظر، ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۹، بند ICTR:۲۲۹، دادستان علیه آکایسو، پرونده ICTR964T، رای شعبه بدوی اول، ۲ سپتامبر ۱۹۹۸، بند ۴۸۴.

مقام‌های وزارت کشور

سطح کشوری

- ۱ احمد وحیدی، وزیر کشور، جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی و رئیس شورای امنیت کشور
- ۲ مجید میراحمدی، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور و دبیر شورای امنیت کشور

استان کردستان

- ۳ اسماعیل زارعی‌کوشا، استاندار کردستان
- ۴ مهدی رضائی، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کردستان
- ۵ حسن عسکری، فرماندار شهرستان سنندج^{۴۴۸}
- ۶ جعفر توان، فرماندار شهرستان سقز
- ۷ طاهر حسینی، فرماندار شهرستان دیواندره
- ۸ کمال خدری، فرماندار شهرستان بانه
- ۹ حمید معتمدی، فرماندار شهرستان دهگلان
- ۱۰ کیوان شفیعی، فرماندار شهرستان کامیاران
- ۱۱ اسماعیل احمدی، فرماندار شهرستان مریوان

استان آذربایجان غربی

- ۱۲ محمدصادق معتمدیان، استاندار آذربایجان غربی
- ۱۳ رضا ابراهیمی، رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار آذربایجان غربی
- ۱۴ باباخان اسکندری، فرماندار شهرستان بوکان
- ۱۵ امیر قادری، فرماندار شهرستان مهاباد
- ۱۶ خضر کاکدرویشی، فرماندار شهرستان پیرانشهر
- ۱۷ علی ترابی، فرماندار شهرستان اشنویه
- ۱۸ غلامحسین عماری، فرماندار شهرستان ارومیه

استان کرمانشاه

- ۱۹ بهمن امیری‌مقدم، استاندار کرمانشاه
- ۲۰ محمد پورهایمی، رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کرمانشاه
- ۲۱ ابراهیم رحیمی‌زنگنه، فرماندار شهرستان کرمانشاه
- ۲۲ سعدی نقشبندی، فرماندار شهرستان جواهرود
- ۲۳ حمیدرضا کرمی، فرماندار شهرستان اسلام‌آباد غرب
- ۲۴ فرامرز باوندپوری گیلان، فرماندار شهرستان ثلاث باباجانی^{۴۴۹}
- ۲۵ محمد حیدری، فرماندار شهرستان قصر شیرین

^{۴۴۸} با نام عسگری هم شناخته شده است.

^{۴۴۹} با نام (باوندپور یا باوندپوری بدون گیلان هم شناخته شده است.

۱۳.۳.۱ مساعدت

رویه قضایی بین‌المللی

عنصر مادی «مساعدت و حمایت» شامل اقداماتی است که مشخصاً به ارتکاب یک جرم کمک می‌کنند، آن را تشویق می‌کنند یا از آن حمایت معنوی به عمل می‌آورند، مشروط بر این‌که این مساعدت تاثیر قابل توجهی بر ارتکاب جرم داشته باشد.^{۴۵۰} رویه قضایی بین‌المللی چند جنبه این شرط را روشن کرده است.

نخست، شکل مساعدت می‌تواند بسیار متنوع باشد. مساعدت و حمایت، کمک از طریق گفتار یا عمل را دربرمی‌گیرد؛ از جمله در برنامه‌ریزی، آماده‌سازی یا اجرای جرم، مشروط بر این‌که این اقدامات سهم قابل توجهی در ارتکاب جرم داشته باشند.^{۴۵۱} مساعدت ممکن است عملی باشد، مانند فراهم کردن سلاح، منابع مالی یا پشتیبانی لجستیکی، یا ممکن است از طریق حمایت معنوی و تشویق در قالب اظهارات علنی، تأیید و حمایت یا دیگر ابرازهایی صورت گیرد که رفتار مجرمانه را مشروعیت می‌بخشد یا ترویج می‌کنند.^{۴۵۲}

دوم، مساعدت باید تاثیر قابل توجهی بر ارتکاب جرم داشته باشد. این امر مستلزم اثبات آن است که اقدامات متهم به شکل قابل توجهی ارتکاب جرم را تسهیل کرده‌اند، اما لازم نیست این مساعدت برای ارتکاب جرم اجتناب‌ناپذیر بوده باشد.^{۴۵۳} کافی است مساعدت به شکلی قابل توجه ارتکاب جرم را تسهیل کرده باشد، حتی اگر جرم بدون این مساعدت نیز می‌توانست ارتکاب یابد.^{۴۵۴} شرط «تاثیر قابل توجه» مستلزم آن نیست که مساعدت برای ارتکاب جرم ضروری یا حیاتی بوده باشد.^{۴۵۵}

سوم، رابطه زمانی میان مساعدت و جرم انعطاف‌پذیر است. شکل مسئولیت کیفری «مساعدت و حمایت» شامل مساعدتی می‌شود که پیش از ارتکاب جرم اصلی، در جریان آن یا پس از آن ارائه شده باشد، مشروط بر این‌که این مساعدت به شکل قابل

۴۵۰ دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY)، دادستان علیه تادیچ، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۲۹؛ دیوان کیفری بین‌المللی (ICC)، دادستان علیه بوسکو نتگاندا، پرونده ICC01/0402/06، رای شعبه بدوی ششم، ۸ ژوئیه ۲۰۱۹، بندهای ۱۱۴۵ تا ۱۱۵۲.

۴۵۱ ICTY، دادستان علیه تادیچ، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۲۹.

۴۵۲ ICTY، دادستان علیه فورونژیا، پرونده IT9517/1T، رای شعبه بدوی، ۱۰ دسامبر ۱۹۹۸، بند ۲۴۹؛ ICTY، دادستان علیه کرسیتیچ، پرونده IT9833A، رای شعبه تجدیدنظر، ۱۹ آوریل ۲۰۰۴، بند ۱۴۰.

۴۵۳ ICTY، دادستان علیه بلاشکیچ، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۴۸.

۴۵۴ ICTY، دادستان علیه تادیچ، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۲۲۹.

۴۵۵ دیوان کیفری بین‌المللی، دادستان علیه بوسکو نتگاندا، رای شعبه بدوی ششم (پیش‌تر ذکر شد)، بند ۱۱۵۰.

توجهی ارتکاب یا تداوم جرم را تسهیل کند.^{۴۵۶} این امر به رسمیت می‌شناسد که ارتکاب نظام‌مند جرایم اغلب مستلزم هماهنگی مستمر و ساختارهای حمایتی است که فراتر از لحظات بلافصل ارتکاب فیزیکی جرم ادامه می‌یابند.

عفو بین‌الملل در فصل ۱۰، نقش‌ها و مسئولیت‌های مقام‌های وزارت کشور، ادغام آنان در ساختار فرماندهی فراجا و مشارکت گسترده‌شان در هماهنگی، تسهیل و پشتیبانی از عملیات فراجا را به تفصیل تحلیل کرده است؛ مشارکتی که به تضمین اثربخشی این عملیات و تبعیت از دستورها کمک می‌کرد. این فصل همچنین اختیار آنان بر نیروهای فراجا و سپاه پاسداران را از طریق مناصب رهبری‌شان در شوراهای امنیتی بررسی کرده است؛ از جمله نقش آنان در صدور مجوز مداخله سپاه پاسداران برای حمایت از فراجا در سرکوب اعتراضات و تعیین شرایطی که در آن استفاده از سلاح گرم برای متفرق کردن اعتراضات مجاز است.

عفو بین‌الملل بر اساس اطلاعات و شواهد ارائه‌شده در فصل ۱۰ و سراسر این گزارش، به این نتیجه رسیده است که دلایل معقولی برای باور وجود دارد که ۲۵ مقام وزارت کشور نام‌برده در این فصل، به‌طور قابل توجهی به ارتکاب جنایات علیه بشریت مستندسازی‌شده در این گزارش مساعدت کرده‌اند.

اقدامات مساعدتی آنان شامل هماهنگی و تسهیل عملیات خشونت‌آمیز از طریق شورای امنیت کشور و شوراهای تأمین زیرمجموعه آن بود؛ سازوکارهایی که تضمین می‌کردند عملیات نیروهای امنیتی مختلف طی ماه‌ها، در سراسر کشور و در استان‌های مربوطه، به‌صورت هماهنگ و نظام‌مند پیش بروند. مساعدت آنان همچنین شامل فراهم کردن زیرساخت‌های اداری و لجستیکی از طریق وزارت کشور و ساختارهای زیرمجموعه آن در سطوح استانی و شهرستانی، ابلاغ رهنمودها، انتقال دستورها، تخصیص منابع و ابراز علنی حمایت معنوی از نیروهای امنیتی بود که در محل مرتکب جنایات علیه بشریت می‌شدند. ماهیت نظام‌مند عملیات مرگبار که بیش از سه ماه ادامه یافت، نشان می‌دهد اقدامات آنان تاثیر قابل توجهی بر ارتکاب این جنایات داشت و نیروهای امنیتی را حول یک هدف واحد سرکوبگرانه همسو کرد.

عفو بین‌الملل بر اساس الگوهای موارد جدی نقض حقوق بشر مستندسازی‌شده در فصل ۹، بر این باور است که استانداران و فرمانداران باید نه تنها به دلیل ارائه مساعدت در ارتکاب جنایات علیه بشریت از نوع قتل و شکنجه در جریان متفرق کردن اعتراضات،^{۴۵۷} بلکه همچنین به دلیل مشارکت در جنایت علیه بشریت از نوع آزار و ستم خانواده‌های کشته‌شدگان، مورد تحقیق قرار گیرند.^{۴۵۸} همان‌گونه که در فصل ۹ به تفصیل آمده است، این مقام‌ها به‌طور مکرر در خودداری از تحویل پیکرها، اعمال محدودیت بر مراسم خاکسپاری و وادار کردن خانواده‌ها به سکوت دخیل بودند و از این طریق به پنهان کردن جنایات ارتكابی، سرکوب شواهد و جلوگیری از افشای عمومی قتل‌های صورت گرفته کمک کردند. عفو بین‌الملل بر این باور است که چنین رفتاری

۴۵۶ ICTY، دادستان علیه واسیلیویچ، پرونده IT9832A، رای شعبه تجدیدنظر، ۲۵ فوریه ۲۰۰۴، بند ۱۰۲.

۴۵۷ نگاه کنید به بخش‌های ۱۲.۲.۱ و ۱۲.۲.۲.

۴۵۸ نگاه کنید به بخش ۱۲.۲.۶.

به‌طور قابل توجهی به ارتکاب جنایت علیه بشریت از نوع آزار و ستم خانواده‌های کشته‌شدگان مساعدت کرد^{۴۵۹} و همچنین به لاپوشانی قتل‌های ارتكابی و فضای مصونیت از مجازاتی که به تداوم آن‌ها دامن زد، کمک کرد.

۱۳.۳.۱(۱). وزیر کشور و معاون امنیتی و انتظامی

احمد وحیدی در دوره شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) وزیر کشور بود. همان‌گونه که در فصل ۱۰ به تفصیل آمده است، سمت او از طریق سه سازوکار کنترلی، اختیار بر عملیات امنیتی را دربرمی‌گرفت.^{۴۶۰}

نخست، رهبر احمد وحیدی را به‌عنوان جانشین فرمانده کل قوا در امور انتظامی منصوب کرده بود؛ سمتی که در ساختار فرماندهی، به او اختیار مافوق بر فرمانده کل فراجا را می‌داد.

دوم، او رئیس شورای امنیت کشور بود؛ نهادی کلیدی که مأمور تدوین سیاست‌ها و راهبردهای امنیتی در سطح ملی است. بر اساس قوانین جمهوری اسلامی ایران، مصوبات شورای امنیت کشور ماهیتی مشورتی دارند و تنها زمانی به دستورهای لازم‌الاجرا تبدیل می‌شوند که وزیر کشور آن‌ها را برای اجرا ابلاغ کند.

سوم، احمد وحیدی بر فراجا نظارت اداری داشت. ماده ۲ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌کند که فراجا «سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور». این وابستگی نهادی مستلزم نظارت مشترک فرماندهی فراجا و وزارت کشور بر امور فراجا در حوزه‌هایی از جمله ساختار سازمانی، جذب نیرو، آموزش، بودجه، سلاح و تجهیزات، ارزیابی عملکرد، ترفیع، رویه‌های انضباطی و گزارش‌دهی درباره وضعیت میدانی و اطلاعاتی است.

مجید میراحمدی در دوره شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور و دبیر شورای امنیت کشور بود. او در این جایگاه، حلقه عملیاتی میان مصوبات شورای امنیت کشور و اجرای آن‌ها از سوی نیروهای امنیتی بود.

اسناد رسمی افشاشده‌ای که عفو بین‌الملل بررسی کرده است نشان می‌دهند که پس از تصویب مصوبات شورای امنیت کشور، معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور این مصوبات را به مقام‌های مربوطه، از جمله فرماندهان فراجا و سپاه پاسداران، ابلاغ می‌کرد و از آنان می‌خواست دستورهای لازم را برای اجرای آن‌ها صادر کنند. این اسناد همچنین نشان می‌دهند که از این مقام‌ها خواسته می‌شد اقدامات انجام‌شده و نتایج اجرای مصوبات را به دبیرخانه شورا گزارش دهند.

همان‌گونه که در فصل ۱۰ مستندسازی شده است، یک سند رسمی افشاشده مورخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ (۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲) نشان می‌دهد که کمیته اطلاعات شورای امنیت کشور از همان ۲۷ شهریور تشکیل جلسه داده بود. این جلسه یک روز پس از آغاز

۴۵۹ نگاه کنید به بخش ۱۲.۲.۶.

۴۶۰ اطلاعات این بخش بر تحلیل تفصیلی ارائه‌شده در فصل ۱۰ مبتنی است. برای جزئیات کامل و ارجاعات، به آن فصل مراجعه کنید؛ عفو بین‌الملل ارجاعات را در اینجا تکرار نکرده است.

اعتراضات در سقز و سنندج در پی جانباختن ژینا مهسا امینی در بازداشت، و دو روز پیش از نخستین قتل‌های ثبت‌شده در ۲۸ شهریور ۱۴۰۱ (۱۹ سپتامبر ۲۰۲۲)، برگزار شد. سند افشاشده تصمیم‌های اتخاذشده از سوی کمیته اطلاعات شورای امنیت کشور در این جلسه را ثبت کرده است. این سند همراه با نامه ابلاغی یک‌صفحه‌ای با امضای مجید میراحمدی است که خطاب به ۹ مقام نوشته شده و تصمیم‌های اتخاذشده از سوی شورای امنیت کشور در جلسه ۲۷ شهریور را به آنان ابلاغ می‌کند. مجید میراحمدی در این نامه به این ۹ مقام دستور داد دستورهای لازم را برای اجرای تصمیم‌های شورای امنیت کشور به زیردستان خود صادر کنند و سپس نتایج اجرا را به دبیرخانه شورا گزارش دهند.

این ۹ مقام عبارت بودند از: مهدی امیری اصفهانی، معاون سیاسی و امنیتی دادستان کل کشور؛ معاون اطلاعات امنیت نرم وزارت اطلاعات؛ حمیدی، معاون ضدجاسوسی وزارت اطلاعات؛ رئیس سازمان اطلاعات وزارت اطلاعات در استان تهران؛ محمدرضا غلامرضا، معاون سیاسی وزیر کشور؛ مهدی سیاری، جانشین رئیس سازمان اطلاعات سپاه پاسداران؛ معاون اطلاعات قرارگاه ثارالله تهران؛ محمد بابایی، رئیس وقت سازمان اطلاعات فراجا؛ و حسین رحیمی، فرمانده وقت فراجا در تهران بزرگ.

بخش‌هایی از سند که خلاصه گفت‌وگوهای جلسه ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ (۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲) را ثبت کرده‌اند نشان می‌دهند که وزیر کشور و دیگر مقام‌های حاضر از همان ابتدا درهم شکستن اعتراضات را در اولویت قرار داده بودند؛ اعتراضاتی که آن‌ها به «ضدانقلاب‌ها»، «عوامل معاند» و گروه‌های مسلح مخالف کُرد نسبت می‌دادند. این سند از برنامه‌ریزی هماهنگ و نظام‌مند برای واکنش به اعتراضات از طریق دستورهای حکایت دارد که تحت هدایت وزیر کشور خطاب به نهادهای کلیدی حکومتی، از جمله فراجا، سپاه پاسداران، شوراهای تأمین استان‌ها و شهرستان‌ها، وزارت اطلاعات و قوه قضائیه صادر شده بودند.

بند ۴ خواستار «هوشیاری و آمادگی صد در صد دستگاه‌های اطلاعاتی-امنیتی» است و مقرر می‌کند که «پیش‌بینی‌ها و تدابیر لازم توسط فراجا، واجا [وزارت اطلاعات] و سپاه اتخاذ گردد». بند ۵ تصریح می‌کند که «مصوبه شاک [شورای امنیت کشور] مبنی بر جلوگیری از شکل‌گیری هسته اولیه تجمعات همچنان در اولویت دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی... باشد». بند ۱۷ نیز مقرر می‌کند که «فراجا نسبت به تقویت انتظامی کردستان اقدام نماید».

دومین سند رسمی افشاشده، مورخ ۴ مهر ۱۴۰۱ (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲)، نشان می‌دهد که شورای امنیت کشور در آن تاریخ هفت‌صدوسی‌امین جلسه «فوق‌العاده» خود را به ریاست وزیر کشور برگزار کرده است. این سند سه صفحه دارد که تصمیم‌های اتخاذشده در این جلسه را تشریح می‌کند و همراه با یک نامه ابلاغی یک‌صفحه‌ای از مجید میراحمدی است.

مجید میراحمدی در نامه خود تصمیم‌های اتخاذشده را به هشت مقام ابلاغ کرد و از آنان خواست دستورهای لازم را برای اجرای این تصمیم‌ها صادر کنند. این هشت مقام عبارت بودند از: مهدی امیری اصفهانی، معاون سیاسی و امنیتی دادستان کل کشور؛ علی صالحی، دادستان عمومی و انقلاب تهران؛ سلیمی، معاون اطلاعات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وزارت اطلاعات؛ حمیدی، معاون

ضدتروریسم وزارت اطلاعات؛ مهدی ربانی، معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح؛ حسین نجات، جانشین قرارگاه ثارالله؛ غلامرضا سلیمانی، رئیس سازمان بسیج مستضعفین؛ و محمد کاظمی، رئیس وقت سازمان اطلاعات سپاه پاسداران.

مصوبه ۴ مهر ۱۴۰۱ (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲) بر ضرورت پایان دادن به اعتراضات تأکید دارد. بند ۲ مقرر می‌کند:

«با توجه به تبعات منفی فرسایشی حضور اغتشاشگران در خیابان... بازتاب موضوع در عرصه بین‌المللی... مقرر شد: فراجا، سپاه پاسداران و واجا [وزارت اطلاعات] با به‌کارگیری شیوه‌های مختلف اطلاعاتی-عملیاتی همچون نفوذ به هسته‌های اصلی اغتشاشگران و پایان بخشیدن به اغتشاشات و تجمعات غیرقانونی در تمامی نقاط کشور را به طور جدی در دستور کار قرار دهند.»

بند ۳ دستور می‌دهد که «شناسایی و برخورد با لیدرها و عناصر اصلی اغتشاشات همچنان به عنوان اولویت دستگاه‌های اطلاعاتی دنبال شود.»

تا ۴ مهر ۱۴۰۱ (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲)، زمانی که این مصوبه تصویب شد، نیروهای فراجا و سپاه پاسداران در جریان متفرق کردن اعتراضات و در مناطق نظامی‌شده، دست‌کم ۸۷ معترض و رهگذر/ناظر را کشته بودند.^{۴۶۱}

وزیر کشور، به‌عنوان مقام ناظر بر فراجا از منظر اداری، بر تخصیص منابع، تصویب سیاست‌ها و ارزیابی عملکرد نیز اختیار داشت. فراهم کردن زیرساخت‌های اداری، منابع و سازوکارهای هماهنگی از سوی وزیر کشور، ابزاری بود که نیروهای فراجا از طریق آن توانستند عملیاتی را تداوم بخشند که به جنایات علیه بشریت مستندسازی‌شده در این گزارش، از جمله قتل‌های جمعی و شکنجه، منجر شد.

همان‌گونه که در فصل ۱۰ مستندسازی شده است، نامه افشاشده‌ای که احمد وحیدی در ۱۸ دی ۱۴۰۱ (۸ ژانویه ۲۰۲۳) خطاب به ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت جمهوری اسلامی ایران، نوشته بود نشان می‌دهد که شورای امنیت کشور در ۲۱ مهر ۱۴۰۱ (۱۳ اکتبر ۲۰۲۲) مصوبه‌ای تصویب کرد که به سازمان برنامه و بودجه دستور می‌داد ۹ تریلیون ریال (۲۲ میلیون دلار آمریکا) به وزارت کشور اختصاص دهد؛ «با توجه به هزینه‌های امنیتی سنگین در تمامی استان‌ها و طولانی شدن و امتداد اغتشاشات اخیر در حوزه‌های مختلف و نیاز استان‌ها به منابع مالی جهت مدیریت ابعاد مختلف واقعه [منظور اعتراضات است].» احمد وحیدی در این نامه خاطرنشان کرده بود که وزارت کشور فعالانه هزینه‌های مالی قابل توجه ناشی از استقرار طولانی‌مدت هزاران نیروی امنیتی در سراسر کشور طی دوره اعتراضات را مدیریت می‌کرد.

در طول دوره اعتراضات سال ۱۴۰۱ و پس از آن، احمد وحیدی و مجید میراحمدی، معاون وقت امنیتی و انتظامی وزیر کشور، همچنین رفتار مجرمانه نیروهای امنیتی را به صورت علنی تشویق کرده و از آنان حمایت معنوی کردند. همان‌گونه که در فصل ۱۰

۴۶۱ نگاه کنید به بخش ۵.۳.۲.

مستندسازی شده است، آنان معترضان را با عناوینی مانند «اغتشاشگران»، «تروریست‌ها» و حتی «پشه» خطاب کردند و همزمان با ارسال پیام‌هایی در جهت ادامه سرکوب به نیروهای امنیتی، از آنان تمجید می‌کردند. این اظهارات به‌ویژه در جریان موج‌های قتل‌ها یا بلافاصله پس از آن‌ها بیان می‌شد.

تمرکز قتل‌ها در دوره‌های زمانی مشخص، حاکی از هدایت هماهنگ‌شده است، نه اقدامات پراکنده و مستقل در سطح محلی. این امر تاثیر قابل توجه هماهنگی‌های وزیر کشور را نشان می‌دهد. بدون سیاست‌ها و راهبردهایی که شورای امنیت کشور تحت ریاست وزیر کشور تعیین می‌کرد، نیروهای امنیتی فاقد جهت‌گیری واحد لازم برای اجرای سرکوب نظام‌مند در سراسر کشور می‌بودند. انتقال دستورهای لازم‌الاجرا از سوی وزیر کشور، در مقام رئیس شورای امنیت کشور، به مقام‌های مختلف، از جمله فرماندهان فراجا و سپاه پاسداران، امکان داد عملیات مرگبار به‌صورت هماهنگ و همزمان در سراسر کشور اجرا شود.

(۲) ۱۳.۳.۱. استانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی

اسماعیل زارعی‌کوشا، بهمن امیری‌مقدم و محمدصادق معتمدیان در دوره شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، به‌ترتیب استانداران کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی بودند. معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی آنان نیز به‌ترتیب مهدی رضانی در استان کردستان، محمد پورهاشمی در استان کرمانشاه و رضا ابراهیمی در استان آذربایجان غربی بودند.

همان‌گونه که در فصل ۱۰ مستندسازی شده است، استانداران عالی‌ترین نمایندگان حکومت در سطح استان هستند و مسئولیت حفظ نظم و امنیت را با کمک معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی خود بر عهده دارند.^{۴۶۲}

استانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی آنان دارای نقش‌های دوگانه‌ای هستند که به آن‌ها در زمینه عملیات امنیتی اختیار می‌دهد. نخست، آنان به‌عنوان نمایندگان محلی وزارت کشور، بر فراجا نظارت نهادی دارند. دوم، استانداران در مقام روسای شوراهای تأمین استان و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی در مقام دبیران این شوراهای، بر سپاه پاسداران و دیگر نهادها نیز اعمال اختیار می‌کنند. آنان از طریق مصوبات شورا، مداخله سپاه پاسداران را برای حمایت از فراجا در سرکوب اعتراضات مجاز می‌کنند.

شوراهای تأمین استان، در چارچوب تعیین‌شده از سوی شورای امنیت کشور، راهبردها و برنامه‌های امنیت داخلی را در سطح استان تصویب می‌کنند. همانند سطح ملی که وزیر کشور تصمیم‌گیرنده نهایی است، اختیار استاندار نیز شورای تأمین استان را به ابزاری برای اعمال قدرت اجرایی تبدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که مصوبات آن، پس از ابلاغ برای اجرا از سوی معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار، به دستورهای لازم‌الاجرا تبدیل می‌شوند. ماده (۱)۲ مصوبه «تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و

^{۴۶۲} اطلاعات این بخش بر تحلیل تفصیلی ارائه‌شده در فصل ۹ مبتنی است. برای جزئیات کامل و ارجاعات، به آن فصل مراجعه کنید؛ عفو بین‌الملل ارجاعات را در این‌جا تکرار نکرده است.

نحوه عزل و نصب آنها» مقرر می‌کند که «کلیه ارگان‌های عضو شورای تأمین و سایر دستگاه‌های اجرایی استان موظفند ... دستورات امنیتی استاندار را اجرا نمایند.»

معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران، در مقام دبیران شوراهای تأمین استان مربوطه، مسئول ابلاغ مصوبات شوراهای تأمین برای اجرا و نظارت بر اجرای آن‌ها هستند. از این رو، آنان نیز همانند معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور در سطح کشوری، حلقه عملیاتی میان مصوبات شوراهای تأمین استان و اجرای آن‌ها از سوی نیروهای امنیتی هستند.

علاوه بر این، استانداران بر اساس «قانون به‌کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» اختیار قابل توجهی برای مجاز کردن استفاده از قوای قهریه مرگبار دارند. تبصره ۱ ماده ۴ این قانون مقرر می‌کند که رئیس شورای تأمین استان یا شهرستان، یعنی استاندار یا فرماندار، مسئول تشخیص تجمعاتی است که مشمول استفاده از سلاح طبق ماده ۴ می‌شوند؛ ماده‌ای که در صورتی که متفرق کردن و فرونشاندن تجمع از راه‌های دیگر امکان‌پذیر نباشد، به‌کارگیری سلاح را مجاز می‌کند.

یک مصوبه افشاشده کمیته اطلاعات شورای امنیت کشور، مورخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ (۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲)، نشان می‌دهد که از همان اوایل به استانداران و شوراهای تأمین استان‌ها مشخصاً دستور داده شده بود که «مستمر وضعیت استان را تحت نظر داشته و از بروز تجمعات جلوگیری و کلیه عوامل و عناصر فراخوان‌ها را شناسایی و برخورد لازم صورت پذیرد.» این فعالیت‌ها مصداق داشتن سهم قابل توجه در جنایات علیه بشریتی هستند که نیروهای امنیتی در جریان جلوگیری از برگزاری تجمعات و متفرق کردن آن‌ها و هدف قرار دادن افراد حاضر در اعتراضات مرتکب شدند.

استقرار سریع نیروهای امنیتی در چندین شهر، همراه با تداوم سرکوب، تمرکز قتل‌ها در دوره‌های زمانی مشخص، بازداشت‌های خودسرانه گسترده و اظهارات رسمی که از طریق یک زنجیره فرماندهی منضبط، کنترل و «پیروزی» را به نمایش می‌گذاشتند، نشان می‌دهند که استانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی آنان مطابق دستورهای شورای امنیت کشور عمل کردند.

نامه افشاشده احمد وحیدی، وزیر وقت کشور، خطاب به ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت، مورخ ۱۸ دی ۱۴۰۱ (۸ ژانویه ۲۰۲۳)، نیز موید این امر است. در این نامه آمده است که استانداری‌ها به‌طور مستمر منابع مالی و پشتیبانی لجستیکی در اختیار نیروهای امنیتی مستقرشده برای سرکوب اعتراضات قرار می‌دادند. بر اساس این نامه، استانداری‌ها در سراسر دوره سه‌ماهه اعتراضات، هزینه‌های قابل توجه ایاب و ذهاب، تغذیه و اسکان نیروهای امنیتی و نیز دیگر هزینه‌های مربوط به نیروهایی را که برای تداوم سرکوب اعتراضات گسترده خارج از ساعات کاری مقرر فعالیت می‌کردند، تأمین کردند.

اگرچه هیچ‌یک از صورت‌جلسات شوراهای تأمین استان‌ها در ارتباط با سرکوب سال ۱۴۰۱ افشا نشده است، اظهارات رسمی، در کنار ساختارها و وظایف تثبیت‌شده این شوراها، به‌روشنی نشان می‌دهند که آن‌ها مصوباتی صادر کردند که ارتکاب جنایات علیه بشریت مستندسازی‌شده در این گزارش را امکان‌پذیر ساخت.

برای نمونه، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲)، اسماعیل زارعی کوشا، استاندار وقت کردستان، تأیید کرد که شورای تأمین استان کردستان در ارتباط با اعتراضات دستورهای به نیروهای امنیتی صادر می‌کند و مدعی شد که این دستورها در حال اجرا هستند.^{۴۶۳}

۱۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲)، در حالی که سرکوب در استان کرمانشاه ادامه داشت، محمد پورهایشمی، رئیس وقت دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمانشاه، اذعان کرد که شورای تأمین استان کرمانشاه از طریق تصویب مصوبات، فعالانه در حال «مدیریت» واکنش به اعتراضات بوده است. او گفت:

«در استان کرمانشاه به هیچ وجه غافلگیر نشدیم و با آمادگی کامل تحرکات را بررسی می‌کردیم و در جلسات شورای تأمین پیش از هر اتفاقی ما مصوبه تأمین داشتیم که این موضوع در مدیریت وقایع اخیر [اعتراضات] استان نقش مهمی داشت.»^{۴۶۴}

۳۰ آبان ۱۴۰۱ (۲۱ نوامبر ۲۰۲۲)، رئیس وقت اداره کل اطلاعات استان آذربایجان غربی فاش کرد که مصوبات شورای تأمین استان آذربایجان غربی به استفاده نیروهای امنیتی از سلاح گرم در جریان اعتراضات پرداخته‌اند. او مدعی شد که این مصوبات به مأموران اجازه تیراندازی نداده بودند. با این حال، مشخصاً گفت که «تأکید شده تا جایی که تعرض به مکان امنیتی نشود، بنای شلیک و برخورد خشن نباشد»؛ سخنی که تلویحاً نشان می‌دهد چنین برخوردهایی در صورت «تعرض» به این مراکز ممکن است مجاز یا موجه تلقی شده باشند.

در سراسر دوره اعتراضات شهریور تا دی ۱۴۰۱، استانداران کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی، به ترتیب اسماعیل زارعی کوشا، بهمن امیری مقدم و محمدصادق معتمدیان، و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی آنان، به ترتیب مهدی رضانی، محمد پورهایشمی و رضا ابراهیمی، بارها نیروهای امنیتی را علناً تشویق کردند و از آنان حمایت معنوی به عمل آوردند. همان‌گونه که در فصل ۱۰ مستندسازی شده است، آنان معترضان را بدنام می‌کردند و با عناوینی مانند «دشمنان»، «تروریست‌های بی‌رحم» و «اغتشاشگران» که در پی «طرح‌های شوم»، «فتنه اعتقادی و فرهنگی» و «توطئه‌ای گسترده علیه مردم» هستند، از آنان یاد می‌کردند. همزمان، با تمجید از نیروهای امنیتی به دلیل «هماهنگی، هم‌افزایی و اراده راسخ» آنان، به رفتار مجرمانه این نیروها مشروعیت می‌بخشیدند و نگرانی‌ها درباره موارد نقض حقوق بشر را «شایعات منتشرشده از سوی رسانه‌های ضدانقلاب» می‌خواندند. آنان همچنین با هشدار درباره برخورد «قاطع» با «دشمنان» یا اعلام این که «اشراف اطلاعاتی بر ... اغتشاشگران را تعمیق و با هوشمندی و قاطعیت توطئه‌های... آنان را... خنثی خواهند کرد»، ادامه سرکوب را تشویق می‌کردند.

^{۴۶۳} همشهری آنلاین، «دستور مهم شورای تأمین کردستان | جزئیات جدید مرگ ۳ نفر در تجمعات کردستان؛ کید یک معترض متلاشی شد»، ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ (۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲).

برای جزئیات بیشتر، نگاه کنید به بخش‌های (۲) ۱۰.۲.۴ و (۳) ۱۰.۴.۳.

^{۴۶۴} ایسنا، «رسانه‌ها واقعیت‌های جمهوری اسلامی را بیان کنند»، ۱۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲).

یک سند رسمی افشاشده که اقدامات مصوب یک کمیته استانی زیر نظر استانداری کردستان را ثبت کرده است، نقش گسترده ساختارهای اداره استان در اجرای یک کارزار وسیع سرکوب را نیز نشان می‌دهد. در این مورد، اقدامات یادشده معلمانی را هدف قرار می‌داد که به دلیل مشارکت در اعتراضات بازداشت شده بودند و در پی آن بود که سرکوب را به فعالیت‌های اعتراضی در محیط مدارس نیز گسترش دهد. در این سند از مهدی رمضانی، معاون وقت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کردستان، نقل شده است که ضمن «تشکر از مساعی صورت گرفته» تا آن زمان، خواستار برنامه‌ریزی بیشتر برای «مقابله با کید دشمنان» شده بود.^{۴۶۵}

(۳) ۱۳.۳.۱ فرمانداران

فرمانداران وظایف و مسئولیت‌هایی مشابه استانداران را در سطح شهرستان دارند. ماده ۲۴ مصوبه «تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آنها» مقرر می‌کند که «کلیه وظایف و اختیاراتی که برعهده استانداران محول گردیده است، فرمانداران نیز همان وظایف و اختیارات را... در شهرستان محل مأموریت خود دارا هستند.»

فرمانداران نیز مانند استانداران دارای نقش‌های دوگانه‌ای هستند که به آنان در زمینه عملیات امنیتی اختیار می‌دهد. نخست، آنان به‌عنوان نمایندگان محلی وزارت کشور، بر نیروهای فراجا در شهرستان مربوطه نظارت نهادی دارند. دوم، فرمانداران در مقام روسای شوراهای تأمین شهرستان، بر سپاه پاسداران و دیگر نهادها نیز اعمال اختیار می‌کنند، زیرا مصوبات شوراهای تأمین شهرستان تنها پس از ابلاغ از سوی فرماندار، که مسئول نظارت بر اجرای آن‌ها نیز هست، لازم‌الاجرا می‌شوند.

شوراهای تأمین شهرستان، در چارچوب تعیین‌شده از سوی شورای تأمین استان مربوطه و در سطحی گسترده‌تر، شورای امنیت کشور، راهبردها و برنامه‌های امنیتی را در سطح شهرستان تصویب می‌کنند. همانند وزیر کشور و استاندار در سطوح بالاتر، جایگاه فرماندار به‌عنوان تصمیم‌گیرنده نهایی، شورای تأمین شهرستان را به ابزاری برای اعمال قدرت اجرایی تبدیل می‌کند؛ به‌گونه‌ای که مصوبات آن پس از ابلاغ فرماندار برای اجرا به دستورهای لازم‌الاجرا تبدیل می‌شوند.

علاوه بر این، فرمانداران نیز مانند استانداران بر اساس قانون به‌کارگیری سلاح از اختیار قابل توجهی برای مجاز کردن استفاده از قوای قهریه مرگبار برخوردارند. تبصره ۱ ماده ۴ این قانون مقرر می‌کند که رئیس شورای تأمین استان یا شهرستان مربوطه، یعنی استاندار یا فرماندار، مسئول تشخیص تجمعاتی است که مشمول استفاده از سلاح طبق ماده ۴ می‌شوند؛ ماده‌ای که به نوبه خود، در صورتی که متفرق کردن تجمع از راه‌های دیگر امکان‌پذیر نباشد، استفاده از سلاح را مجاز می‌کند.

۴۶۵ نگاه کنید به بخش (۳) ۱۰.۲.۵

فرمانداران در قبال استانداران پاسخ‌گو هستند و اقدامات امنیتی خود را زیر نظر آنان انجام می‌دهند. ماده ۱۴ مصوبه «تعیین وظایف و اختیارات استانداران و فرمانداران و نحوه عزل و نصب آنها» مقرر می‌کند که فرمانداران برای طرح مسائل و نگرانی‌های خود با مقام‌های عالی‌رتبه حکومتی باید از طریق استانداران ارتباط برقرار نمایند.

استقرار سریع نیروهای امنیتی در چندین شهر، همراه با تداوم سرکوب، تمرکز قتل‌ها در دوره‌های زمانی مشخص و بازداشت‌های خودسرانه گسترده، نشان می‌دهد که فرمانداران از طریق هماهنگی نیروهای امنیتی در شوراهای تأمین شهرستان، ارتکاب جنایات را تسهیل کردند. آنان دستورهای استانی را در سطح شهرستان اجرا و میان نیروهای فراجا و سپاه پاسداران فعال در شهرستان‌های خود هماهنگی ایجاد کردند.

یک اظهارنظر رسمی مورخ ۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۷ دسامبر ۲۰۲۲) از رضا ابراهیمی، معاون وقت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار آذربایجان غربی، تأیید می‌کند که نقش هماهنگ‌کننده فرمانداران برای اجرای عملیات نظام‌مند ضروری بوده است. او گفت:

«تدابیر اندیشیده شده در سطح استان و اهتمام فرمانداران در همکاری با مسئولان شهرستان، نقش مهمی در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان برای ناامن کردن استان و کشور داشته است... توطئه‌های دشمنان برای ناآرام کردن ایران اسلامی همچنان تداوم داشته و فرمانداران در هماهنگی با مسئولان استان، برای شکست دشمن آماده باشند.»^{۴۶۶}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نیز نشان می‌دهند که تداوم عملیات مستلزم هماهنگی میان سطوح استانی و شهرستانی بود و این تلاش‌های هماهنگی در دوره‌هایی که شمار قتل‌ها افزایش می‌یافت، تشدید می‌شد. برای نمونه، ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲)، در حالی که مه‌باد شاهد اعتراضات گسترده‌ای بود که با تیراندازی‌های غیرقانونی و قتل معترضان مواجه شد، رسانه‌های حکومتی گزارش دادند که محمدصادق معتمدیان، استاندار وقت آذربایجان غربی، و چند تن دیگر از اعضای شورای تأمین استان آذربایجان غربی به مه‌باد رفتند تا وضعیت شهرستان را بررسی کنند و «دستورهای لازم برای تأمین امنیت و آرامش» را صادر کردند. رسانه‌های حکومتی افزودند:

«شورای تأمین شهرستان مه‌باد شب گذشته با حضور استاندار آذربایجان غربی در این شهر برگزار شد تا ثابت شود، این شهر از امنیت کافی برخوردار است که عالی‌رتبه‌ترین مسئولان استان برای برگزاری نشست به آنجا آمده‌اند... در این جلسه بر تأمین امنیت حداکثری با استفاده از توان نیروی انتظامی تأکید و مقرر شد این مهم در دستور کار جدی پلیس قرار گیرد.»^{۴۶۷}

نامه افشاشده احمد وحیدی، وزیر وقت کشور، خطاب به ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور وقت، مورخ ۱۸ دی ۱۴۰۱ (۸ ژانویه ۲۰۲۳)، نشان می‌دهد که فرمانداری‌ها نیز منابع مالی و پشتیبانی لجستیکی در اختیار نیروهای امنیتی قرار می‌دادند که در محل مرتکب جنایت می‌شدند. در این نامه آمده است که در سراسر دوره سه‌ماهه اعتراضات، فرمانداری‌ها همراه با استانداری‌ها هزینه‌های

^{۴۶۶} کرد پرس، «معاون استاندار آذربایجان غربی: فرمانداران علت نارضایتی‌ها را بررسی کنند»، ۱۶ آذر ۱۴۰۱ (۷ دسامبر ۲۰۲۲).
^{۴۶۷} ایرنا، «استقبال مردم مه‌باد از ماموران انتظامی+فیلم/استاندار آذربایجان غربی در میان شهروندان»، ۲۹ آبان ۱۴۰۱ (۲۰ نوامبر ۲۰۲۲).

سنگین ایاب و ذهاب، غذا و اسکان نیروهای امنیتی و نیز دیگر هزینه‌های مربوط به نیروهایی را که برای تداوم سرکوب اعتراضات گسترده خارج از ساعات کاری مقرر فعالیت می‌کردند، تأمین کردند.

افزون بر این، بر اساس شهادت‌هایی که عفو بین‌الملل گردآوری کرده است، فرمانداران به‌طور مکرر در اعمال آزار و ستم علیه خانواده‌های کشته‌شدگان دخیل بودند؛ از جمله در خودداری از تحویل پیکرها، اعمال محدودیت بر مراسم خاکسپاری و یادبود به‌عنوان شرط تحویل پیکر قربانیان به خانواده‌هایشان، و وادار کردن خانواده‌ها به پذیرش روایت‌های دروغین درباره نحوه مرگ عزیزان‌شان. خانواده‌ها بارها به فرمانداری‌ها احضار می‌شدند و در آن‌جا با تهدید و فشار برای پذیرش این محدودیت‌ها مواجه می‌شدند. آنان همچنین هدف تماس‌های تلفنی ارباب‌آمیز و مراجعه مقام‌ها به منازل‌شان قرار می‌گرفتند؛ مقام‌هایی که در برخی موارد خود فرمانداران نیز در میان آنان بودند.^{۴۶۸}

۲.۳.۱۳ علم

رویه قضایی بین‌المللی

عنصر روانی مساعدت و حمایت مستلزم آن است که متهم می‌دانسته اعمالش به ارتکاب جرم از سوی مرتکب اصلی کمک می‌کند، یا آگاه بوده باشد که احتمال قابل توجهی وجود دارد اعمالش به ارتکاب چنین جرایمی کمک کند. این معیار علم بازتاب‌دهنده حقوق بین‌الملل عرفی است، آن‌گونه که در رویه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا تثبیت شده است.^{۴۶۹}

بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی، شرط علم ایجاب نمی‌کند که متهم در قصد خاص مرتکب اصلی برای ارتکاب جرم شریک بوده باشد. مساعدت در ارتکاب جرم زمانی احراز می‌شود که متهم می‌دانسته اقداماتش به مرتکب در ارتکاب جرم کمک خواهد کرد، حتی اگر خود در هدف مجرمانه مرتکب سهیم نبوده باشد.^{۴۷۰} شرط علم در مساعدت در ارتکاب جرم، در مقایسه با شرط قصد برای مسئولیت کیفری مرتکب اصلی، کمتر سخت‌گیرانه است؛ زیرا کافی است افرادی که در ارتکاب جرم مساعدت می‌کنند آگاه باشند که اعمالشان به ارتکاب جرم کمک می‌کند، یا از احتمال قابل توجهی آگاه باشند که اعمالشان چنین کمکی خواهد کرد، و لازم نیست قصد تحقق نتیجه مجرمانه مشخص را داشته باشند.^{۴۷۱}

۴۶۸ نگاه کنید به فصل ۹.

۴۶۹ برای نمونه، بنگرید به ICTY، *Prosecutor v. Tadić*، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۲۲۹ («عنصر روانی لازم، علم به این است که اعمال انجام‌شده از سوی معاون در ارتکاب جرم، به ارتکاب جرم مشخص مرتکب اصلی کمک می‌کند»)؛ ICTY، *Prosecutor v. Furundžija*، رای شعبه بدوی (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۲۴۶ («عنصر روانی لازم... علم به این است که مساعدت ارائه‌شده به ارتکاب [آن] اعمال مجرمانه کمک می‌کند»)؛ ICTR، *Prosecutor v. Akayesu*، رای شعبه بدوی اول (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۴۸۴. ۴۷۰ ICTY، *Prosecutor v. Furundžija*، پرونده IT9517/1A، رای شعبه تجدیدنظر، ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۰، بند ۱۱۷. ۴۷۱ ICC، *Prosecutor v. Bemba Gombo and others*، پرونده ICC01/0501/13، تصمیم شعبه دوم مقدماتی درباره تأییداتهامات، ۱۱ نوامبر ۲۰۱۴، بندهای ۳۴۷ تا ۳۵۰.

ماده ۲۵(۳)ج) اساسنامه رم شرطی صریح را در متن مقرر می‌کند مبنی بر این که کمک باید «با هدف تسهیل ارتکاب چنین جرمی» ارائه شود. تفسیر این شرط مربوط به «هدف» در رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی هنوز تثبیت نشده است. دیوان کیفری بین‌المللی هنوز به‌طور قطعی تعیین تکلیف نکرده است که آیا ماده ۲۵(۳)ج) معیاری سخت‌گیرانه‌تر از شرط علم در حقوق بین‌الملل عرفی مقرر می‌کند یا خیر.

علم را می‌توان از طریق شواهد مستقیم یا قرینه‌ای احراز کرد. حالت ذهنی متهم را می‌توان از شواهد قرینه‌ای، از جمله رفتار متهم و زمینه‌ای که در آن عمل کرده است، استنباط کرد.^{۴۷۲} شواهد قرینه‌ای مرتبط شامل سمت و مسئولیت‌های متهم، ماهیت نظام‌مند جرایم، ادامه ارائه کمک از سوی متهم با وجود آگاهی از تداوم رفتار مجرمانه، و اظهارات عمومی حاکی از آگاهی از رفتار مجرمانه است.^{۴۷۳}

شرط علم، آگاهی از عناصر اساسی جرم ارتكابی از سوی مرتکب اصلی را نیز دربرمی‌گیرد؛ به این معنا که متهم باید از اوضاع و احوال واقعی آگاه باشد که موجب می‌شوند رفتاری که متهم به انجام آن کمک کرده است، مجرمانه باشد. در مورد جنایات علیه بشریت، متهم باید آگاه باشد که جرایمی که به ارتکاب آن‌ها کمک کرده است، در چارچوب حمله‌ای گسترده یا نظام‌مند علیه یک جمعیت غیرنظامی ارتکاب یافته‌اند؛ چنین حمله‌ای عنصر زمینه‌ای جنایات علیه بشریت را بر اساس ماده ۷(۱) اساسنامه رم تشکیل می‌دهد.^{۴۷۴} با این حال، لازم نیست متهم از جزئیات جرایم مشخصی که قصد ارتکابشان وجود داشته یا در نهایت ارتکاب یافته‌اند آگاهی داشته باشد؛ کافی است از نوع جرایمی آگاه بوده باشد که احتمال می‌رفته ارتکاب یابند.^{۴۷۵}

چشم‌پوشی عامدانه ممکن است برای احراز شرط علم کافی باشد. متهمی که عامدانه از آگاهی یافتن درباره جرایم در حال ارتکاب پرهیز می‌کند، یا آگاهانه اطلاعاتی را نادیده می‌گیرد که به‌روشنی نشان می‌دهد جرایمی در حال ارتکاب هستند، ممکن است واجد عنصر روانی لازم برای مساعدت در ارتکاب جرم شناخته شود.^{۴۷۶} این اصل مانع از آن می‌شود که افراد با پرهیز عامدانه از آگاهی از ماهیت مجرمانه فعالیت‌هایی که خود تسهیل می‌کنند، از مسئولیت بگریزند.

۴۷۲ *Prosecutor v. Krstić*, ICTY ۴۷۲، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۱۴۰، ICTY، *Prosecutor v. Delić*، پرونده IT0483T، رای شعبه بدوی، ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۸، بند ۵۳.

۴۷۳ *Prosecutor v. Delić*, ICTY ۴۷۳، رای شعبه بدوی (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۵۳.

۴۷۴ *Prosecutor v. Samoei Ruto and others*, ICC ۴۷۴، پرونده ICC01/0901/11، تصمیم شعبه دوم مقدماتی درباره تأییداتهامات، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، بندهای ۳۵۴ تا ۳۵۶، ICC، *Prosecutor v. Kirimi Muthaura and others*، پرونده ICC01/0902/11، تصمیم شعبه دوم مقدماتی درباره تأییداتهامات، ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲، بند ۴۲۱؛ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، ماده ۷(۱)، ICTY، *Prosecutor v. Kunarac and others*، پرونده IT9623A و IT9623/1A، رای شعبه تجدیدنظر، ۱۲ ژوئن ۲۰۰۲، بند ۱۰۲.

۴۷۵ *Prosecutor v. Tadić*, ICTY ۴۷۵، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۲۲۹.

۴۷۶ *Prosecutor v. Tadić*, ICTY ۴۷۶، رای شعبه تجدیدنظر (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۲۲۰، ICTY، *Prosecutor v. Blagojević and Jokić*، پرونده IT0260A، رای شعبه تجدیدنظر، ۹ مه ۲۰۰۷، بند ۱۲۷.

عفو بین‌الملل با اتکا به همان شواهدی که در بخش پیشین درباره عنصر علم در چارچوب مسئولیت مقام مافوق ارائه شد، از جمله سازوکارهای گسترده نظارت و گزارش‌دهی، پوشش گسترده رسانه‌ای و گزارش‌های حقوق بشری، و واکنش‌های نظام‌مند از طریق انکار و تحریف، دلایل معقولی برای این باور دارد که تداوم تسهیل عملیات امنیتی از سوی ۲۵ مقام وزارت کشور که در بالا نام برده شدند نشان می‌دهد آنان می‌دانستند اعمالشان به ارتکاب جنایت علیه بشریت از سوی نیروهای امنیتی در صحنه کمک می‌کند، یا آگاه بودند که احتمال قابل توجهی وجود دارد اعمالشان به ارتکاب چنین جنایاتی کمک کند.

مصوبه درز کرده مورخ ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که مقام‌های شرکت‌کننده در جلسات شورای امنیت کشور، از جمله احمد وحیدی، وزیر وقت کشور، و مجید میراحمدی، معاون وقت امنیتی و انتظامی وزیر کشور، از همان آغاز اعتراضات به‌طور گسترده تحولات میدانی، گفتمان در شبکه‌های اجتماعی و واکنش‌های بین‌المللی را زیر نظر داشتند. این سطح از رصد دقیق نشان می‌دهد احمد وحیدی و مجید میراحمدی از تحولات در حال وقوع، آگاهی دقیق و به‌موقع داشتند.

شورای امنیت کشور تا ۲۷ شهریور ۱۴۰۱، یعنی یک روز پیش از نخستین قتل‌های ثبت‌شده در ۲۸ شهریور ۱۴۰۱، برای تدوین راهبردهای واکنش به اعتراضات تشکیل جلسه داده بود. اسناد رسمی درز کرده نشان می‌دهند که احمد وحیدی ریاست جلسات بعدی شورای امنیت کشور را بر عهده داشت و پس از آن که نیروهای امنیتی پیشاپیش مرتکب کشتار معترضان شده و افرادی را مجروح کرده بودند، در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تخصیص منابع نیز دخیل بود. در همین حال، مجید میراحمدی در مقام دبیر شورای امنیت کشور، مصوبات این شورا را برای اجرا ابلاغ می‌کرد.^{۴۷۷}

احمد وحیدی و مجید میراحمدی در مقام رئیس و دبیر شورای امنیت کشور، به‌طور منظم گزارش‌هایی درباره عملیات امنیتی و نتایج آن دریافت می‌کردند؛ امری که سازوکارهای گزارش‌دهی تشریح‌شده در اسناد رسمی درز کرده آن را تأیید می‌کند. سمت‌های آنان ایجاب می‌کرد که گزارش‌های مربوط به تحولات امنیتی را از مقام‌ها و نهادهای مختلف در سراسر دستگاه گسترده امنیتی، از جمله استانداران، فرماندهان فراجا و فرماندهان سپاه پاسداران، دریافت کنند. احمد وحیدی و مجید میراحمدی با صدور دستورالعمل‌ها و درخواست گزارش از نهادهای مجری نشان دادند که آگاه بودند ارتباطات و هماهنگی‌های آنان در حال تسهیل عملیات امنیتی جاری است.

اظهارات عمومی احمد وحیدی و مجید میراحمدی در طول دوره سه‌ماهه اعتراضات نیز نشان می‌دهد که آنان از ماهیت مرگبار عملیات امنیتی آگاه بودند. احمد وحیدی از همان ۱ مهر ۱۴۰۱ نشان داد که از کشته شدن معترضان و رهگذران/ناظران آگاه است، اما بسیاری از این موارد را به «اغتشاشگران» یا «تسویه حساب‌های شخصی» نسبت داد. او اذعان کرد که برخی از افراد به دست نیروهای امنیتی کشته شده‌اند، هرچند آن‌ها را در چارچوب جلوگیری نیروهای امنیتی از ورود افراد به «مقرهای حساس» یا هدف قرار دادن اعضای گروه‌های مخالف گرد ممنوع‌شده توصیف کرد. او در همان مصاحبه اطمینان خود را از توانایی نیروی

۴۷۷ بنگرید به بخش‌های (۳) و (۴) ۱۰.۴.۴ و (۴) ۱۰.۴.۴.

انتظامی برای درهم شکستن اعتراضات ابراز کرد و هشدار داد که افراد دخیل در «اغتشاشات» شناسایی خواهند شد و قوه قضائیه آنان را تحت پیگرد قرار خواهد داد.

وزارت کشور در بیانیه‌ای در ۲ مهر ۱۴۰۱ بر مأموریت خود برای مقابله با تجمعات «غیرمجاز» تأکید کرد. احمد وحیدی در ۴ مهر ۱۴۰۱، پس از موجی از کشتارها، از واکنش «به‌موقع»، «مؤثر» و «مناسب» فرماندهی فراجا به اعتراضات قدردانی کرد و گفت:

«مجموعه فرماندهی انتظامی کشور در اغتشاشات اخیر بسیار بسیار خوب و مناسب عمل کرده است... مأموران انتظامی در صحنه اغتشاشات بسیار خوب و گسترده و به موقع پای کار بودند و توانستند با اقدامات خود توطئه‌ها و فتنه‌های دشمنان را نقش بر آب کنند.»^{۴۷۸}

مجید میراحمدی در ۱۹ مهر ۱۴۰۱، در بحبوحه موج دیگری از کشتارها، خشم خود را نسبت به رسانه‌های فارسی‌زبان مستقر در خارج از ایران که درباره سرکوب مرگبار اعتراضات به دست نیروهای امنیتی گزارش می‌دادند ابراز کرد. او این رسانه‌ها را «اتاق عملیات جنگی» توصیف کرد و از دولت‌های کشورهایی که این رسانه‌ها در آن‌ها مستقر بودند خواست آن‌ها را تعطیل کنند.^{۴۷۹}

تداوم تسهیل عملیات از سوی احمد وحیدی و مجید میراحمدی، هم از طریق شورای امنیت کشور و هم وزارت کشور، با وجود آگاهی روشن آنان از تداوم رفتار مجرمانه، نشان می‌دهد که آنان می‌دانستند فعالیت‌های هماهنگی و ارتباطی‌شان به عملیات خشونت‌آمیز جاری کمک می‌کند.

این نتیجه همچنین با اظهارات عمومی آنان در اکتبر، نوامبر و دسامبر ۲۰۲۲ تقویت می‌شود؛ اظهاراتی که در آن‌ها از اینکه «فراجا با هوشمندی، درایت و قاطعیت صحنه را مدیریت می‌کند» ابراز رضایت کردند و درباره ادامه سرکوب هشدار دادند. همان‌طور که در فصل ۱۰ مستند شده است، احمد وحیدی به «رصد مستمر» و «کنترل مؤثر» «فعالیت‌های براندازانه» افتخار کرد و مدعی شد این اقدامات به «شکست اعتراضات» انجامیده است. او همچنین تأکید کرد که «مسئولان امنیتی با شدت و حدت مراقبت خواهند کرد». مجید میراحمدی نیز اعتراضات را تهدیدی علیه امنیت ملی توصیف کرد و گفت که «باید با ایزاری که بخواهد امنیت کشور را خدشه دار کند برخورد کرد».^{۴۸۰}

استانداران، معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران و فرمانداران نیز از طریق مجاری متعدد گزارش‌دهی و اجرایی از سرکوب مرگبار آگاهی داشتند. طبق قانون، دستگاه‌های عضو شوراهای تأمین استان و شهرستان موظفاند تحولات امنیتی را به استانداران، فرمانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی آنان گزارش کنند. این سازوکار الزامی گزارش‌دهی تضمین می‌کرد که این مقام‌ها به‌طور منظم از نهادهای مختلف، از جمله فرماندهان فراجا و سپاه پاسداران، گزارش‌هایی درباره عملیات امنیتی و نتایج آن دریافت

۴۷۸ انتخاب، «وزیر کشور: نیروی انتظامی در اتفاقات اخیر بسیار بسیار خوب و مناسب عمل کرد؛ توانست توطئه‌ها را نقش بر آب کند»، ۴ مهر ۱۴۰۱ (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲).

۴۷۹ فردای اقتصاد، «معاون امنیتی وزارت کشور عربستان را تهدید کرد»، ۱۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲).

۴۸۰ فردای اقتصاد، «معاون امنیتی وزارت کشور عربستان را تهدید کرد»، ۱۹ مهر ۱۴۰۱ (۱۱ اکتبر ۲۰۲۲).

کنند. تکرار موارد قتل از شهرپور تا دی ۱۴۰۱ در چندین شهرستان هر استان و در مناطق مختلف درون هر شهرستان، نشان‌دهنده الگویی مستمر از سرکوب است که بدون تداوم تسهیل آن از سوی استانداران و فرمانداران نمی‌توانست رخ دهد.

با توجه به تمرکز موارد قتل و جراحات در دوره‌های زمانی مشخص، بازتاب گسترده این رویدادها در رسانه‌ها و گزارش‌های حقوق بشری، و مسئولیت استانداران، معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران و فرمانداران برای حفظ امنیت و نظم، عفو بین‌الملل دلایل معقولی برای این باور دارد که آنان از الگوهای قتل و جراحات ناشی از سرکوب مرگبار آگاه بودند.

اظهارات عمومی استانداران و معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران که در واکنش به گزارش‌های کشتار مطرح شد و در آن‌ها این موارد به «ضدانقلاب» و «گروهک‌های معاند» نسبت داده می‌شد، بیش از پیش تأیید می‌کند که آنان از جنایات علیه بشریت در حال ارتکاب آگاه بودند. در مورد فرمانداران نیز شواهد گردآوری‌شده از سوی عفو بین‌الملل که دخالت مستقیم آنان در آزار و ستم علیه خانواده‌های کشته‌شدگان را نشان می‌دهد، دلیل بیشتری بر این است که آنان نیز از جنایات علیه بشریت در حال ارتکاب آگاه بودند.

۱۳.۳.۳ ارتباط

رویه قضایی بین‌المللی

علاوه بر شروط مربوط به مساعدت و علم، رویه قضایی بین‌المللی به عنصر دیگری نیز درباره ارتباط میان مساعدت و رفتار مجرمانه پرداخته است. دادگاه‌ها در خصوص این که آیا مساعدت باید مشخصاً معطوف به فعالیت‌های مجرمانه باشد یا خیر، معیارهای متفاوتی مطرح کرده‌اند.

برخی آرا قضایی شرط «جهت‌دهی مشخص» را مطرح کرده‌اند و بر این اساس، برای احراز معاونت در ارتکاب جرم باید ثابت شود که مشارکت متهم مشخصاً معطوف به جرایم مرتکبان اصلی بوده است، نه فعالیت‌های قانونی.^{۴۸۱} این رویکرد بر این نکته تأکید دارد که در شرایطی که کمک در بستری ارائه می‌شود که هم فعالیت‌های قانونی و هم فعالیت‌های غیرقانونی در آن جریان دارد، برای احراز مسئولیت باید نشان داده شود که کمک مشخصاً معطوف به فعالیت‌های غیرقانونی بوده است.

با این حال، رویه قضایی بعدی روشن کرده است که «معطوف بودن مشخص»، هرچند مرتبط است، عنصر حقوقی مستقلی محسوب نمی‌شود، بلکه عاملی اثباتی است که در پرونده‌هایی که مساعدت در بستری شامل فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی ارائه

۴۸۱ Prosecutor v. Perišić, ICTY, پرونده IT0481A، رای شعبه تجدیدنظر، ۲۸ فوریه ۲۰۱۳، بندهای ۳۷ تا ۴۴.

شده، هنگام اثبات عناصر «اثر قابل توجه» و «علم» در معاونت در ارتکاب جرم باید مورد توجه قرار گیرد.^{۴۸۲} هرچه اعمال متهم از ارتکاب واقعی جرم فاصله بیشتری داشته باشد، اثبات این که مشارکت او مشخصاً معطوف به فعالیت‌های مجرمانه بوده است اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ با این حال، این ملاحظه بخشی از تحلیل اثر قابل توجه است و نه یک شرط حقوقی مستقل.

هنگامی که کمک مستقیماً به نیروهایی ارائه می‌شود که صرفاً درگیر رفتار مجرمانه هستند، یا زمانی که زمینه نشان می‌دهد کمک مشخصاً به فعالیت‌های مجرمانه مربوط بوده است و نه عملیات مشروع، شرط وجود ارتباط به سادگی احراز می‌شود. رویه قضایی بین‌المللی به رسمیت شناخته است که در پرونده‌های مربوط به ارتکاب نظام‌مند جرایم از طریق ساختارهای حکومتی، فراهم کردن هماهنگی، منابع و دستورالعمل‌ها برای نیروهای درگیر در عملیات مجرمانه، ارتباط لازم را برقرار می‌کند.^{۴۸۳}

۲۵ مقام وزارت کشور که در این فصل نام برده شده‌اند، از طریق شوراهای امنیتی و وزارت کشور، سرکوب اعتراضات را هماهنگ و تسهیل کردند و حمایت مادی، اداری و معنوی در اختیار نیروهای امنیتی قرار دادند. اقدامات آنان صراحتاً معطوف به درهم شکستن اعتراضات از طریق به کارگیری نیروهای امنیتی بود و ارتباط روشنی با قتل‌ها و جراحات ناشی از متفرق کردن خشونت‌آمیز اعتراضات داشت.

مصوبات در زکریه شورای امنیت کشور به تاریخ‌های ۲۷ شهریور و ۴ مهر ۱۴۰۱ مشخصاً به عملیات سرکوب اعتراضات می‌پردازند و به فراجا و سپاه پاسداران دستور می‌دهند به «اغتشاشات و تجمعات غیرمجاز پایان دهند». حمایت اداری و مالی وزارت کشور نیز صراحتاً معطوف به همین عملیات بود؛ چنان‌که مصوبه ۲۱ مهر ۱۴۰۱، ۹ تریلیون ریال را برای «هزینه‌های امنیتی» مرتبط با مدیریت «اغتشاشات» اختصاص داد و نامه ۱۸ دی ۱۴۰۱ وزیر کشور نیز به تأمین هزینه‌های قابل توجه عملیات امنیتی از سوی استانداری‌ها و فرمانداری‌ها اشاره داشت.

ارتباط میان هماهنگی‌های وزیر کشور و رفتار مجرمانه در زنجیره علی مستقیم از دستورالعمل‌های شورای امنیت کشور تا اجرای عملیاتی آن‌ها از سوی نیروهای امنیتی دیده می‌شود که به قتل‌ها و شکنجه‌های نظام‌مند در جریان متفرق کردن اعتراضات انجامید. ارتباطات معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور نیز بر اجرای عملیات سرکوب اعتراضات متمرکز بود؛ امری که با نقش او در مقام دبیر شورای امنیت کشور، که وظیفه به اجرا درآوردن تصمیم‌های این شورا در امور امنیتی را بر عهده داشت، همخوانی داشت.

استانداران، معاونان سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداران و فرمانداران نیز از طریق شوراهای تأمین استان و شهرستان، اجرای دستورالعمل‌های شورای امنیت کشور را هماهنگ می‌کردند. آیین‌نامه مربوط به استانداران و فرمانداران این مقام‌ها را موظف

^{۴۸۲} ICC, *Prosecutor v. Bosco Ntaganda*, رای شعبه بدوی ششم (پیش‌تر ذکر شده)، بند ۱۱۵۰.
^{۴۸۳} ICC, *Prosecutor v. Bosco Ntaganda*, رای شعبه بدوی ششم (پیش‌تر ذکر شده)، بندهای ۱۱۴۵ تا ۱۱۵۲.

می‌کند «زمینه‌های لازم برای اجرای طرح‌ها و سیاست‌های عمومی، امنیتی و انتظامی، مصوبات مراجع قانونی و دستورالعمل‌ها و ابلاغیه‌های امنیتی را فراهم کنند.»

بر پایه تمام موارد فوق، عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است که ارتباط میان مساعدت و رفتار مجرمانه، از طریق ارتباط مستقیم میان هماهنگی و تسهیل عملیات خشونت‌آمیز برای سرکوب اعتراضات و قتل‌ها و جراحات ناشی از این عملیات، احراز شده است.

هرچند مقام‌های وزارت کشور لزوماً فرماندهی عملیاتی بر مأموران حکومتی که مستقیماً مرتکب جنایات علیه بشریت شدند اعمال نمی‌کردند، از طریق تأمین منابع، هماهنگی عملیات و ابلاغ مصوبات شوراها امنیتی، به‌طور قابل‌توجهی ارتکاب جنایات در جریان عملیات سرکوب اعتراضات را تسهیل کردند.^{۴۸۴}

۱۳.۴ فهرست مقام‌ها

این بخش اطلاعات مربوط به ۸۶ مقامی را ارائه می‌کند که عفو بین‌الملل آنان را از جمله افرادی دانسته است که در ارتباط با جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این گزارش، باید مورد تحقیقات کیفری قرار گیرند. برای هر فرد، تاریخ انتصاب و سمت‌هایی که پس از آن بر عهده داشته است ذکر می‌شود. همچنین نام فردی که بلافاصله پس از او عهده‌دار سمتی شد که او در سال ۲۰۲۲ در اختیار داشت، آمده است. با این حال، نام جانشینان بعدی در آن سمت ذکر نشده است.

^{۴۸۴} رویه قضایی بین‌المللی نیز از این تحلیل پشتیبانی می‌کند. برای نمونه، بنگرید به ICC: *Prosecutor v. Bosco Ntaganda*، رای شعبه بدوی ششم (پیش‌تر ذکرشده)، بندهای ۱۱۴۵ تا ۱۱۵۲، *Prosecutor v. Bemba Gombo and others*، تصمیم شعبه دوم مقدماتی درباره تائیداتهامات (پیش‌تر ذکرشده)، بندهای ۳۴۷ تا ۳۵۰.

۱۳.۴.۱ فرمانده کل قوا و رهبر

علی خامنه‌ای

سمت: فرمانده کل قوا و رهبر

انتصاب و دوره تصدی: علی خامنه‌ای در خرداد ۱۳۶۸ از سوی مجلس خبرگان رهبری به مقام رهبری منصوب شد.

او تا ۹ اسفند ۱۴۰۴ در این سمت باقی ماند؛ زمانی که در جریان حمله نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل به جمهوری اسلامی ایران، بر اثر یک حمله هوایی در تهران کشته شد. پس از آن، پسرش مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید و فرمانده کل قوا منصوب شد.



علی خامنه‌ای. عکس از *Khamenei.ir*

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

۱۳.۴.۲ ستاد کل نیروهای مسلح

محمد باقری

سمت: رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و عضو شورای عالی امنیت ملی

انتصاب و دوره تصدی: محمد باقری تیر ۱۳۹۵ (ژوئن ۲۰۱۶) با حکم رهبر جمهوری اسلامی به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد.^{۴۸۵}

او تا ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند؛ در این تاریخ، در حملات هوایی آمریکا/اسرائیل در تهران کشته شد.



محمد باقری. عکس از ایرنا

پس از آن، عبدالرحیم موسوی با حکم رهبر جمهوری اسلامی به‌عنوان رئیس جدید ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد.^{۴۸۶} عبدالرحیم موسوی نیز در ۲۸ فوریه سال

۲۰۲۶ در جریان حمله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران، بر اثر حمله هوایی کشته شد و علی عبداللهی جانشین او شد.

۱۳.۴.۳ فراجا

۱۳.۴.۳(۱) سطح کشوری

^{۴۸۵} دفتر رهبر جمهوری اسلامی، «انتصاب سردار سرلشکر باقری به ریاست ستاد کل نیروهای مسلح»، ۲۸ ژوئن ۲۰۱۶.
^{۴۸۶} ایرنا، «سرلشکر موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح شد»، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵.

حسین اشتری

سمت: فرمانده کل فراجا و عضو شورای امنیت کشور

انتصاب و دوره تصدی: حسین اشتری در مارس ۲۰۱۵ با حکم رهبر جمهوری اسلامی به فرماندهی کل فراجا منصوب شد.^{۴۸۷}

او تا ژانویه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند؛ در آن زمان محمد باقری، رئیس وقت ستاد کل نیروهای مسلح، او را به عنوان مشاور عالی خود در امور امنیتی و انتظامی منصوب کرد.^{۴۸۸} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۴۸۹}

پس از آن، احمدرضا رادان با حکم رهبر جمهوری اسلامی به عنوان فرمانده کل جدید



حسین اشتری. عکس از خبرگزاری تسنیم

فراجا منصوب شد.^{۴۹۰}

حسن کرمی

سمت: فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور

انتصاب و دوره تصدی: حسن کرمی در ژوئیه ۲۰۱۲ از سوی اسماعیل احمدی‌مقدم، فرمانده کل وقت فراجا، به فرماندهی یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور منصوب شد.^{۴۹۱}



حسن کرمی. عکس از دفاع پرس

^{۴۸۷} دفتر رهبر جمهوری اسلامی، «تاکید فرمانده معظم کل قوا بر بهبود خدمات انتظامی و ابتکار عمل در برقراری امنیت و آرامش اخلاقی و اجتماعی»، ۹ مارس ۲۰۱۵.

^{۴۸۸} دنیای اقتصاد، «سردار اشتری سمت جدید گرفت»، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳.

^{۴۸۹} خبرگزاری صداوسیما، «ادامه راه امام شهید، وظیفه همه خدمتگزاران نظام است»، ۸ ژوئیه ۲۰۲۶.

^{۴۹۰} ایرنا، «سردار رادان به عنوان فرمانده کل انتظامی کشور منصوب شد»، ۷ ژانویه ۲۰۲۳.

^{۴۹۱} خبرگزاری فارس، «سردار حسن کرمی از اصفهان خداحافظی کرد»، ۱۰ ژوئیه ۲۰۱۲.

او تا اکتبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند؛ در آن زمان احمدرضا رادان، فرمانده کل کنونی فراجا، او را به سمت معاون عملیات فراجا منصوب کرد.^{۴۹۲} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۴۹۳}

پس از آن، مسعود مصدق به عنوان فرمانده جدید یگان‌های ویژه فراجا در سطح کشور منصوب شد.^{۴۹۴}

مهدی معصوم‌بیگی

سمت: رئیس پلیس پیشگیری فراجا تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲۰۲۲

انتصاب و دوره تصدی: مهدی معصوم‌بیگی در مه ۲۰۲۰ از سوی حسین اشتری، فرمانده کل پیشین فراجا، به ریاست پلیس پیشگیری فراجا منصوب شد.^{۴۹۵}

او تا ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲ در این سمت باقی ماند؛ در این تاریخ، رضا بنی‌اسدی فر به عنوان رئیس جدید پلیس پیشگیری فراجا منصوب شد.^{۴۹۶}



مهدی معصوم بیگی. عکس: مهرنیوز

در فوریه ۲۰۲۲، زمانی که مهدی معصوم‌بیگی همچنان رئیس پلیس پیشگیری بود، حسین اشتری، فرمانده کل وقت فراجا، علاوه بر این او را به ریاست بازرسی کل فراجا

منصوب کرد؛^{۴۹۷} نهادی در ساختار فراجا که مسئول نظارت بر رعایت قوانین و مقررات و رسیدگی به شکایتهاست. او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۴۹۸}

- ۴۹۲ ایسنا، «معاون عملیات فراجا منصوب شد»، ۲۴ اکتبر ۲۰۲۴.
- ۴۹۳ ایرنا، «پاسخی به آمریکا می‌دهیم که در تاریخ ثبت شود/آمادگی بالای نیروهای مسلح در خارک»، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۶. خبرگزاری فارس، «روایت معاون عملیات فراجا از نقش شهید پاکپور در امنیت ایران»، ۱ ژوئن ۲۰۲۶.
- ۴۹۴ ایرنا، «فرمانده جدید یگان‌های ویژه فراجا منصوب شد»، ۷ دسامبر ۲۰۲۴.
- ۴۹۵ خبرگزاری برنا، «سردار مهدی معصوم بیگی رئیس پلیس پیشگیری ناجا شد»، ۶ مه ۲۰۲۰.
- ۴۹۶ خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، «رئیس پلیس پیشگیری فراجا منصوب شد»، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲.
- ۴۹۷ ایلنا، «به انتصاب جدید در انتظامی کل کشور»، ۲۶ فوریه ۲۰۲۲.
- ۴۹۸ ایلنا، «به انتصاب جدید در انتظامی کل کشور»، ۲۶ فوریه ۲۰۲۲.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل



رضا بنی‌اسدی‌فر. عکس از ایرنا

سمت: رئیس پلیس پیشگیری فراجا پس از ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲

انتصاب و دوره تصدی: رضا بنی‌اسدی‌فر در ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲ از سوی حسین اشتری، فرمانده کل پیشین فراجا، به ریاست پلیس پیشگیری فراجا منصوب شد.^{۴۹۹}

او تا ژانویه ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند؛ در آن زمان احمد رضا رادان، فرمانده کل کنونی فراجا، او را به فرماندهی یگان‌های انتظامی و حفاظتی فراجا منصوب کرد؛^{۵۰۰} نیرویی که مسئول حفاظت از ساختمان‌های دولتی، اماکن حساس و زیرساخت‌های حیاتی و همچنین تأمین امنیت چهره‌های سیاسی و مقام‌هاست. او تا سال ۲۰۲۶

همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۰۱}

پس از آن، علی مویدی به‌عنوان رئیس جدید پلیس پیشگیری فراجا منصوب شد.^{۵۰۲}

(۲) ۱۳.۴.۳ استان کردستان

۴۹۹ خبرگزاری تسنیم، «پلیس امنیت و آرامش را در کشور تامین کرد»، ۲۶ فوریه ۲۰۲۶.

۵۰۰ ایلنا، «رئیس پلیس پیشگیری فراجا منصوب شد»، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۲.

۵۰۱ خبرگزاری تسنیم، «انتصابات جدید در فراجا؛ رئیس جدید پلیس پیشگیری منصوب شد»، ۱۰ ژانویه ۲۰۲۴.

۵۰۲ ایلنا، «امنیت، زیربنای توسعه و پیشرفت کشور است»، ۴ ژوئن ۲۰۲۶.



علی آزادی، عکس از مهر

سمت: فرمانده انتظامی استان کردستان و عضو شورای تأمین استان کردستان
انتصاب و دوره تصدی: علی آزادی در دسامبر ۲۰۱۸ از سوی حسین اشتری، فرمانده کل پیشین فراجا، به فرماندهی انتظامی استان کردستان منصوب شد.^{۵۰۳}

او تا اوت ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان بازنشسته شد.^{۵۰۴}

پس از آن، یحیی الهی به‌عنوان فرمانده جدید انتظامی استان کردستان منصوب شد.^{۵۰۵}



محمد علی زمانی، عکس از باشگاه خبرنگاران جوان

سمت: فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان کردستان

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق انتصاب محمد علی زمانی به فرماندهی یگان‌های ویژه فراجا در استان کردستان را اعلام کرده باشد. یک گروه حقوق بشری تاریخ این انتصاب را اوت ۲۰۱۹ اعلام کرده است.^{۵۰۶} این تاریخ با گزارشی از رسانه‌های حکومتی همخوانی دارد که نشان می‌دهد محمد علی زمانی در اوت ۲۰۱۹ از سمت پیشین خود به‌عنوان فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان ایلام کنار گذاشته شد.^{۵۰۷}

۵۰۳ خبرگزاری تسنیم، «فرمانده جدید انتظامی استان کردستان معرفی شد: سوابق»، ۲ دسامبر ۲۰۱۸.

۵۰۴ خبرگزاری تسنیم، «خداحافظی و طلب حلالیت سردار آزادی از مردم کردستان»، ۲۴ اوت ۲۰۲۵.

۵۰۵ ایرنا، «تودیع و معارفه فرمانده انتظامی کردستان»، ۲۴ اوت ۲۰۲۵.

۵۰۶ بنگرید به: عدالت برای ایران، «چهره جنایت»، «محمدعلی زمانی» (دسترسی در ۶ اوت ۲۰۲۶).

۵۰۷ خبرگزاری مهر، «استفاده از سیستم های هوشمند در محورهای مواصلاتی مرز مهران»، ۲۷ اوت ۲۰۱۹.

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی تأییدی کنند که او تا اکتبر ۲۰۲۳ این سمت را بر عهده داشت.^{۵۰۸} پس از آن، اکبر عباسی به‌عنوان فرمانده جدید یگان‌های ویژه فراجا در استان کردستان منصوب شد.^{۵۰۹}

مطلبی که ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴ در یک حساب اینستاگرامی وابسته به حکومت منتشر شد، نشان می‌دهد محمد علی‌زمانی بعدتر به فرماندهی یگان‌های ویژه فراجا در تهران بزرگ منصوب شد.^{۵۱۰} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۱۱}

علی‌رضا مرادی

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان سنندج و عضو شورای تأمین شهرستان سنندج

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق انتصاب علیرضا مرادی به فرماندهی انتظامی شهرستان سنندج را اعلام کرده باشد. با این حال، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او دست‌کم از آوریل ۲۰۲۰ این سمت را بر عهده داشته است.^{۵۱۲}

او تا نوامبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان بازنشسته شد.^{۵۱۳}

پس از آن، رسول کرمی چگینی به‌عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان سنندج



علی‌رضا مرادی. عکس از ایرنا

منصوب شد.^{۵۱۴}

۵۰۸ برای نمونه، بنگرید به: خبرگزاری مهر، «فرهنگ شهادت پشتوانه محکم کارکنان پلیس است»، ۱ اکتبر ۲۰۲۳، خبرگزاری تسنیم، «فرمانده یگان ویژه فراجا: با برهم‌زندگانی امنیت قاطعانه برخورد می‌کنیم»، ۱ اکتبر ۲۰۲۳، پست اینستاگرامی: «جناب سرهنگ محمد علی‌زمانی فرمانده یگان ویژه استان کردستان»، ۱۷ نوامبر ۲۰۲۱.

۵۰۹ همان منبع پیشین.

۵۱۰ ilam_khezeli.ir، پست اینستاگرامی: «افتخاری دیگر برای ایل بزرگ خزل»، ۱۳ نوامبر ۲۰۲۴.

۵۱۱ پرسپولیس نیوز، «مدیرعامل پرسپولیس از فرماندهان یگان ویژه تقدیر کرد»، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵.

۵۱۲ خبرگزاری تسنیم، «از گوشه و کنار کردستان | جانشین جدید فرمانده انتظامی معرفی شد»، ۲۵ آوریل ۲۰۲۰.

۵۱۳ بنگرید به: خبرگزاری تسنیم، «کشف ۵۸ درصدی سرقت‌ها در استان کردستان»، ۲۴ نوامبر ۲۰۲۳، خبرگزاری مهر، «دست و پا زدن رسانه‌های ضدانقلاب برای ناامن جلوه دادن کردستان»، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۲.

۵۱۴ خبرگزاری صداوسیما، «انتصاب فرمانده پلیس راهور استان و فرمانده انتظامی شهرستان سنندج»، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳، خبرگزاری تسنیم، «شور سابقه دار سنندج دستگیر شد؛ کشف سلاح وینچستر از متهم»، ۸ ژانویه ۲۰۲۴، خبرگزاری تسنیم، «کشف ۵۸ درصدی سرقت‌ها در استان کردستان»، ۲۴ نوامبر ۲۰۲۳.

علی صفری

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان سقز و عضو شورای تأمین شهرستان سقز

انتصاب و دوره تصدی: علی صفری در آوریل ۲۰۲۱ به فرماندهی انتظامی شهرستان

سقز منصوب شد.^{۵۱۵}

او تا سپتامبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند^{۵۱۶} و در آن زمان محمدصادق پیروزی

جایگزین او شد.^{۵۱۷}

عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی درباره سمت‌های بعدی علی صفری پیدا کند.



علی صفری. عکس از مهرنیوز

علی‌رضا کرجی

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان دیواندره و عضو شورای تأمین شهرستان دیواندره

انتصاب و دوره تصدی: علیرضا کرجی در ژوئن ۲۰۲۲ به فرماندهی انتظامی شهرستان

دیواندره منصوب شد.^{۵۱۸}



علی‌رضا کرجی. عکس از ایرنا

^{۵۱۵} ایرنا، «فرماندار: پلیس به ارتقای اعتماد عمومی در سقز کمک کرد»، ۲۱ آوریل ۲۰۲۱.

^{۵۱۶} فرمانداری شهرستان سقز، «فرماندار سقز: فراجا، مجری قوانین مجلس»، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴.

^{۵۱۷} فرمانداری شهرستان سقز، «فرماندار سقز: فراجا، مجری قوانین مجلس»، ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۴.

^{۵۱۸} فرمانداری شهرستان دیواندره، «دیدار سرپرست فرمانداری، حاج ماموستا عبدالرحمان خالدي و جمعی از معتمدین شهرستان»، ۱۳ ژوئن.

او تا مه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند.^{۵۱۹} پس از آن، محمدصادق پیروزی به عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان دیواندره منصوب شد.^{۵۲۰}

عفو بین الملل نتوانست گزارشی از رسانه های حکومتی درباره سمت های بعدی علیرضا کرجی پیدا کند.

رسول کریمی چگینی

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان بانه و عضو شورای تأمین شهرستان بانه
انتصاب و دوره تصدی: رسول کرمی چگینی در مارس ۲۰۱۸ به فرماندهی انتظامی شهرستان بانه منصوب شد.^{۵۲۱}

او تا نوامبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان سنندج منصوب شد.^{۵۲۲}

پس از آن، جعفر لطفی به عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان بانه منصوب شد.^{۵۲۳}



رسول کریمی چگینی. عکس از دانانیوز

^{۵۱۹} عدالت خبر، «سرهنگ محمد صادق پیروزی فرمانده انتظامی دیواندره شد»، ۲ مه ۲۰۲۳، اخبار ستاد مبارزه با مواد مخدر، «۵۴ کیلوگرم تریاک در دیواندره کشف شد»، ۵ نوامبر ۲۰۲۲.
^{۵۲۰} عدالت خبر، «سرهنگ محمد صادق پیروزی فرمانده انتظامی دیواندره شد»، ۲ مه ۲۰۲۳.
^{۵۲۱} خبرگزاری بسیج، «فرمانده جدید انتظامی شهرستان بانه منصوب شد»، ۱۳ مارس ۲۰۱۸.
^{۵۲۲} خبرگزاری صداوسیما، «انتصاب فرمانده پلیس راهور استان و فرمانده انتظامی شهرستان سنندج»، ۲۳ نوامبر ۲۰۲۳.
^{۵۲۳} گزارش های رسانه های حکومتی نشان می دهند که جعفر لطفی در آوریل ۲۰۲۴ به فرماندهی انتظامی بانه منصوب شد. برای عفو بین الملل روشن نیست که از نوامبر ۲۰۲۳، زمانی که رسول کرمی چگینی به فرماندهی انتظامی سنندج منصوب شد، تا آوریل ۲۰۲۴ چه کسی فرمانده انتظامی بانه بوده است. بنگرید به: کردپرس، «مردم داری و حفظ حقوق شهروندی از وظایف مهم پلیس است»، ۲۱ آوریل ۲۰۲۴.

عفو بین الملل نتوانست گزارش‌هایی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق پایان دوره تصدی رسول کرمی چگینی به‌عنوان فرمانده انتظامی شهرستان سنندج را تأیید کنند. با این حال، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او تا اکتبر ۲۰۲۵ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۲۴} گزارش‌های رسانه‌های حکومتی همچنین نشان می‌دهند که تا حدود فوریه سال ۲۰۲۶، کامبیز رستم‌نیا به فرماندهی انتظامی شهرستان سنندج منصوب شده بود.^{۵۲۵}

در مه سال ۲۰۲۶، رسول کرمی چگینی به‌عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان پلدختر منصوب شد.^{۵۲۶} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.

یوسف درویشی

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان دهگلان و عضو شورای تأمین شهرستان دهگلان

انتصاب و دوره تصدی: یوسف درویشی در ژوئیه ۲۰۲۰ به فرماندهی انتظامی شهرستان دهگلان منصوب شد.^{۵۲۷}



یوسف درویشی. عکس از شهروند

او تا دسامبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان درگذشت.^{۵۲۸}

پس از آن، محمدعلی قلری به فرماندهی انتظامی شهرستان دهگلان منصوب شد.^{۵۲۹}

^{۵۲۴} خبرگزاری تسنیم، «انهدام باند سارقان حرفه‌ای در سنندج»، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۵، فاع پرس، «زمین‌گیر شدن عامل حمله به مأموران پلیس در سنندج»، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۵.

^{۵۲۵} دفاع پرس، «جانشین فراجا کردستان: امنیت امروز حاصل تلاش مجموعه‌های انتظامی و امنیتی است»، ۱۹ فوریه ۲۰۲۶.

^{۵۲۶} خبرگزاری صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، «معارفه فرمانده جدید انتظامی پلدختر»، ۱۲ مه ۲۰۲۶.

^{۵۲۷} دهگلان شیدا، «اعتماد مردم بالاترین سرمایه برای نیروی انتظامی است»، ۷ ژوئیه ۲۰۲۰.

^{۵۲۸} خبرگزاری ایمن، «نیروهای فراجا اجازه پامال شدن خون شهدا را نخواهند داد»، ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳، qorveh_tarhim، پست اینستاگرامی: «با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم سرهنگ درویشی را به خانواده ایشان تسلیت عرض نموده»، ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳.

^{۵۲۹} دهگلان ویرا، «سرهنگ ولی‌پور فرمانده انتظامی شهرستان دهگلان شد»، ۴ آوریل ۲۰۲۴.

بهروز جلیلیان

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان کامیاران و عضو شورای تأمین شهرستان کامیاران
انتصاب و دوره تصدی: بهروز جلیلیان در آوریل ۲۰۲۱ به فرماندهی انتظامی شهرستان کامیاران منصوب شد.^{۵۳۰}



بهروز جلیلیان، عکس از اقتصاد

او تا دسامبر ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان بازنشسته شد.^{۵۳۱} پس از آن، شهاب رحمتی به عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان کامیاران منصوب شد.^{۵۳۲}

کامبیز رستم‌نیا

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان مریوان و عضو شورای تأمین شهرستان مریوان
انتصاب و دوره تصدی: کامبیز رستم‌نیا در ژوئیه ۲۰۲۰ به فرماندهی انتظامی شهرستان مریوان منصوب شد.^{۵۳۳}



کامبیز رستم‌نیا، عکس از مریوان آوا

او تا اوت ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان طیب محمدی به عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان مریوان منصوب شد.^{۵۳۴}

در اوت ۲۰۲۴، کامبیز رستم‌نیا به فرماندهی انتظامی شهرستان قروه منصوب شد.^{۵۳۵} او تا فوریه سال ۲۰۲۶ این سمت را بر عهده داشت و در آن زمان واحد مظفری جایگزین او شد.^{۵۳۶}

- ۵۳۰ خبرگزاری تسنیم، «امنیت انتخابات در استان کردستان را با تمام توان تامین می‌کنیم»، ۲۸ آوریل ۲۰۲۱.
- ۵۳۱ فرمانداری کامیاران، «فرماندار کامیاران در جلسه شورای اداری و مراسم تکریم و معارفه فرمانده انتظامی»، ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵.
- ۵۳۲ فرمانداری کامیاران، «فرماندار کامیاران در جلسه شورای اداری و مراسم تکریم و معارفه فرمانده انتظامی»، ۲۹ دسامبر ۲۰۲۵.
- ۵۳۳ مریوان خبر، پست تلگرامی: «تودیع و معارفه فرمانده نیروی انتظامی مریوان و سروآباد برگزار شد»، ۲۶ اوت ۲۰۲۳.
- ۵۳۴ مریوان خبر، پست تلگرامی: «تودیع و معارفه فرمانده نیروی انتظامی مریوان و سروآباد برگزار شد»، ۲۶ اوت ۲۰۲۳.
- ۵۳۵ کردپرس، «فرمانده جدید انتظامی شهرستان قروه معرفی شد»، ۳ اوت ۲۰۲۴.
- ۵۳۶ خبرگزاری صداوسیما، «اخبار گوناگون از مناطق مختلف کردستان»، ۱۷ فوریه ۲۰۲۶، تابناک، «تغییر در راس فرماندهی پلیس قروه/ سرهنگ مظفری سکان امنیت شهرستان را به دست گرفت»، ۱۷ فوریه ۲۰۲۶، خبرگزاری مهر، «فرماندار قروه: امنیت پایدار حاصل همراهی مردم و نیروهای انتظامی است»، ۱۷ فوریه ۲۰۲۶.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که کامبیز رستم‌نیا پس از آن به فرماندهی انتظامی شهرستان سنندج منصوب شد.^{۵۳۷} عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق انتصاب کامبیز رستم‌نیا به این سمت را اعلام کرده باشد. با این حال، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او دست‌کم از مه سال ۲۰۲۶ این سمت را بر عهده داشته است.^{۵۳۸}

۱۳.۴.۳(۳) استان آذربایجان غربی

رحیم جهان‌بخش

سمت: فرمانده انتظامی استان آذربایجان غربی و عضو شورای تأمین استان آذربایجان غربی

انتصاب و دوره تصدی: رحیم جهان‌بخش در آوریل ۲۰۲۲ به فرماندهی انتظامی استان آذربایجان غربی منصوب شد.^{۵۳۹}

او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۴۰}



رحیم جهان‌بخش. عکس از مهرنیوز

^{۵۳۷} برای نمونه، بنگرید به: دفاع‌پرس، «جانشین فراجا کردستان: امنیت امروز حاصل تلاش مجموعه‌های انتظامی و امنیتی است»، ۱۹ فوریه ۲۰۲۶.
^{۵۳۸} برای نمونه، بنگرید به: خبرگزاری فارس، «رئیس پلیس سنندج: دشمن با حمله به کلانتری‌ها دنبال ایجاد ناامنی اجتماعی بود»، ۱۶ مه ۲۰۲۶، ایسنا، «فرمانده انتظامی سنندج: اجازه ندادیم دشمن در امنیت اجتماعی خلأ ایجاد کند»، ۱۶ مه ۲۰۲۶.
^{۵۳۹} ایرنا، «فرمانده جدید انتظامی آذربایجان غربی منصوب شد»، ۲۷ آوریل ۲۰۲۲.
^{۵۴۰} برنا، «سردار جهان‌بخش: دشمن در برابر مکتب ولایت و خون شهدا ناکام ماند»، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶، خبرگزاری فارس، «سردار جهان‌بخش: پلیس مزاحمت به مردم را برنمی‌تابد»، ۱۴ ژوئن ۲۰۲۶.

سمت: فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان آذربایجان غربی



رضا فرجی. عکس از برنا

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ انتصاب رضا فرجی به فرماندهی یگان‌های ویژه فراجا در استان آذربایجان غربی را مشخص کرده باشند. با این حال، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او از پیش از سپتامبر ۲۰۲۲ این سمت را بر عهده داشت^{۵۴۱} و دست‌کم تا مه ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند.^{۵۴۲} گزارش‌های رسانه‌های حکومتی همچنین نشان می‌دهند که تا اکتبر ۲۰۲۴، رضا باباپور جایگزین او شده بود.^{۵۴۳}

عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی درباره سمت‌های بعدی رضا فرجی پیدا کند.

۵۴۱ برای نمونه، بنگرید به: ایرنا، «حمایت خانواده معظم شهدا موجب دلگرمی یگان ویژه آذربایجان غربی»، ۱۵ مارس ۲۰۲۲.
 ۵۴۲ برای نمونه، بنگرید به: خبر فارسی، «دیدار فرمانده یگان ویژه آذربایجان غربی با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی»، ۹ مه ۲۰۲۴، خبربان، «ماموریت یگان ویژه در «خوی»/ استقرار امنیت در مناطق زلزله زده»، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۳.
 ۵۴۳ Police Vizheh، پست ایتا: «دیدار و سرکشی فرمانده یگان ویژه استان آذربایجان غربی»، ۱۱ دسامبر ۲۰۲۵، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان غربی، «دیدار فرمانده جدید یگان ویژه آذربایجان غربی با مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان»، ۳ اکتبر ۲۰۲۴.

سلمان حیدری

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان بوکان و عضو شورای تأمین شهرستان بوکان

انتصاب و دوره تصدی: سلمان حیدری در سپتامبر ۲۰۱۹ به فرماندهی

انتظامی شهرستان بوکان منصوب شد.^{۵۴۴}

او تا اوت ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان بازنشسته شد.^{۵۴۵}

پس از آن، موسی بهاری به عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان بوکان

منصوب شد.^{۵۴۶}



سلمان حیدری. عکس از بوکان آنلاین

محمد توحیدی

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان مهاباد و عضو شورای تأمین شهرستان مهاباد

انتصاب و دوره تصدی: محمد توحیدی در نوامبر ۲۰۲۰ به فرماندهی انتظامی

شهرستان مهاباد منصوب شد.^{۵۴۷}

او تا اکتبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان یوسف اشرفی جایگزین او

شد.^{۵۴۸}



محمد توحیدی. عکس از صاحب‌خبر

^{۵۴۴} زریان موکریان، «فرمانده نیروی انتظامی بوکان تغییر کرد»، ۴ سپتامبر ۲۰۱۹.

^{۵۴۵} حرف رگ، «فرمانده جدید پلیس بوکان معارفه شد»، ۳۱ اوت ۲۰۲۳.

^{۵۴۶} حرف رگ، «فرمانده جدید پلیس بوکان معارفه شد»، ۳۱ اوت ۲۰۲۳.

^{۵۴۷} خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معارفه فرمانده جدید انتظامی مهاباد»، ۷ نوامبر ۲۰۲۰.

^{۵۴۸} خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معارفه فرمانده جدید انتظامی مهاباد»، ۷ نوامبر ۲۰۲۰.

پس از آن، محمد توحیدی به فرماندهی انتظامی شهرستان ارومیه منصوب شد.^{۵۴۹} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۵۰}

حسام صلاحی

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان پیرانشهر و عضو شورای تأمین شهرستان پیرانشهر

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ انتصاب حسام صلاحی به فرماندهی انتظامی شهرستان پیرانشهر را مشخص کرده باشند. با این حال، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او دست‌کم از سپتامبر ۲۰۲۰ این سمت را بر عهده داشته است.^{۵۵۱} در ژوئن ۲۰۲۳، یونس ارجمند جایگزین او شد.^{۵۵۲}



حسام صلاحی. عکس از ایمن‌ا

پس از آن، حسام صلاحی به فرماندهی انتظامی شهرستان نقده منصوب شد. او تا نوامبر ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان بازنشسته شد.^{۵۵۳}

۵۴۹ وحید جلال‌زاده، «دیدار با فرماندهی جدید نیروی انتظامی»، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳، shahindezh_today، پست اینستاگرامی: «سرهنگ محمد توحیدی از شاهین‌دژ بعنوان فرمانده انتظامی شهرستان ارومیه»، ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۳.

۵۵۰ خبرگزاری فارس، «قاتل نوجوان ۱۴ ساله در ارومیه در کمترین زمان دستگیر شد»، ۱۹ ژوئن ۲۰۲۶، ایسنا، «فرمانده انتظامی ارومیه: با قانون‌شکنان بدون اغماض برخورد می‌شود»، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۶.

۵۵۱ بنگرید به: کردپرس، «قاتل زوج سالمند پیرانشهری در کمتر از ۵ ساعت دستگیر شد»، ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۰.

۵۵۲ خبرگزاری مهر، «قاتل پیرانشهری در دام پلیس افتاد»، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۳، فرمانداری شهرستان پیرانشهر، «مراسم تکریم و معارفه فرمانده نیروی انتظامی شهرستان پیرانشهر»، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۳.

۵۵۳ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معرفی فرمانده جدید انتظامی شهرستان نقده»، ۲۵ نوامبر ۲۰۲۵.

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان اشنویه و عضو شورای تأمین شهرستان اشنویه

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ انتصاب طالب محمد قلی زاده به فرماندهی انتظامی شهرستان اشنویه را مشخص کرده باشند. با این حال، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او در اوت ۲۰۲۱ این سمت را بر عهده داشت.^{۵۵۴}



طالب محمد قلی زاده . عکس از صداوسیما

در حدود ۱۷ نوامبر ۲۰۲۲، او به فرماندهی انتظامی شهرستان چابپاره منصوب شد. علی توکلی جایگزین او به عنوان فرمانده انتظامی شهرستان اشنویه شد.^{۵۵۵}

در اوت ۲۰۲۴، طالب محمد قلی زاده به فرماندهی انتظامی شهرستان تکاب منصوب شد.^{۵۵۶} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۵۷}

^{۵۵۴} برای نمونه، بنگرید به: ایرنا، «فرمانده انتظامی: جان خانواده افغانستانی در شوط نجات یافت»، ۱۸ اوت ۲۰۲۱.

^{۵۵۵} بنگرید به: کبنا نیوز، «پایان اعتصابات ۸ روزه اشنویه آذربایجان غربی»، ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲.

^{۵۵۶} خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «فرمانده انتظامی تکاب معرفی شد»، ۴ اوت ۲۰۲۴.

^{۵۵۷} باشگاه خبرنگاران جوان، «دستگیری ۷ سارق و ۴ مال خر در تکاب»، ۳ ژوئن ۲۰۲۶.

حسن شیخ‌نژاد

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان ارومیه و عضو شورای تأمین شهرستان ارومیه

انتصاب و دوره تصدی: حسن شیخ‌نژاد در دسامبر ۲۰۲۰ به فرماندهی انتظامی

شهرستان ارومیه منصوب شد.^{۵۵۸}

او تا سپتامبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان محمد توحیدی جایگزین او

شد.^{۵۵۹}



حسن شیخ‌نژاد. عکس از داناییوز

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی حسن شیخ‌نژاد پیدا کند.

استان کرمانشاه ۱۳.۴.۳(۴)

علی‌اکبر جاویدان

سمت: فرمانده انتظامی استان کرمانشاه و عضو شورای تأمین استان کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: علی‌اکبر جاویدان در ژوئن ۲۰۱۹ از سوی حسین اشتری، فرمانده

کل پیشین فراجا، به فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه منصوب شد.^{۵۶۰}

او تا مه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان مهدی حاجیان جایگزین او شد.^{۵۶۱}



علی‌اکبر جاویدان. عکس از مشرق نیوز

^{۵۵۸} ایرنا، «فرمانده جدید انتظامی ارومیه معرفی شد»، ۱۵ دسامبر ۲۰۲۰.

^{۵۵۹} بنگرید به: وحید جلال‌زاده، «دیدار با فرماندهی جدید نیروی انتظامی»، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۳، پست اینستاگرامی: «سرهنگ محمد توحیدی از شاهین‌دژ بعنوان فرمانده انتظامی ارومیه»، ۲۸

سپتامبر ۲۰۲۳، عصر ایران، «پلیس: فوت نیما شفق دوست در تجمعات ارومیه کذب است؛ فوت او به دلیل عفونت ناشی از گاز گرفتگی سگ بود»، ۱۶ اکتبر ۲۰۲۲.

^{۵۶۰} خبرگزاری بسیج، «سردار جاویدان فرمانده انتظامی استان کرمانشاه شد»، ۱۵ ژوئن ۲۰۱۹.

^{۵۶۱} ایسنا، «جاویدان رفت؛ حاجیان آمد»، ۱۰ مه ۲۰۲۳.

پس از آن، او به فرماندهی انتظامی استان هرمزگان منصوب شد.^{۵۶۲}

او تا فوریه سال ۲۰۲۶ این سمت را بر عهده داشت و در آن زمان به فرماندهی مرزبانی فراجا منصوب شد.^{۵۶۳}

محسن پناهی

سمت: فرمانده یگان‌های ویژه فراجا در استان کرمانشاه

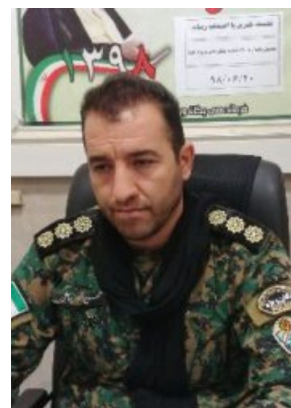
انتصاب و دوره تصدی: محسن پناهی در فوریه ۲۰۲۲ یا اندکی پس از آن به فرماندهی

یگان‌های ویژه فراجا در استان کرمانشاه منصوب شد.^{۵۶۴}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او دست‌کم تا اوت ۲۰۲۴ همچنان

این سمت را بر عهده داشت.^{۵۶۵}

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره تغییرات بعدی در سمت‌های محسن پناهی پیدا کند.



محسن پناهی. عکس از بسیج نیوز

^{۵۶۲} خبرگزاری تسنیم، «سردار جاویدان فرمانده انتظامی هرمزگان شد»، ۱۵ مه ۲۰۲۳.

^{۵۶۳} خبرگزاری مهر، «فرمانده جدید مرزبانی فراجا منصوب شد»، ۳ فوریه ۲۰۲۶.

^{۵۶۴} همدان آنلاین، «انتصاب جدید در فرماندهی یگان ویژه همدان»، ۹ فوریه ۲۰۲۲.

^{۵۶۵} برای نمونه، بنگرید به: دفاع‌پرس، «خدمت شبانه‌روزی یگان ویژه به زوار اربعین حسینی در مرز خسروی»، ۱۷ اوت ۲۰۲۴، ایلنا، «بازگرداندن کیف حاوی مدارک و وجه نقد توسط نیروی یگان ویژه»، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۲.

علیرضا دلیری

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه و عضو شورای تأمین شهرستان کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: علیرضا دلیری در نوامبر ۲۰۲۰ به فرماندهی انتظامی شهرستان کرمانشاه منصوب شد.^{۵۶۶}



علیرضا دلیری. عکس از ایرنا

پس از آن، محمدرضا یاری به‌عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان کرمانشاه منصوب

شد.^{۵۶۹}

بهرز فخری

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان جوانرود و عضو شورای تأمین شهرستان جوانرود

انتصاب و دوره تصدی: بهروز فخری در نوامبر ۲۰۲۱ به فرماندهی انتظامی شهرستان جوانرود منصوب شد.^{۵۷۰}



بهرز فخری. عکس از فرتاک نیوز

او تا ژانویه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان فضل‌الله پرنوبه جایگزین او شد.^{۵۷۱} عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی بهروز فخری پیدا کند.

۵۶۶ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معارفه فرمانده انتظامی جدید شهرستان کرمانشاه»، ۲ نوامبر ۲۰۲۰.

۵۶۷ بنگرید به: ایرنا، «فرماندار: احساس امنیت در کرمانشاه ارتقاء یافته است»، ۱۳ مارس ۲۰۲۴، ایرنا، «فرماندار کرمانشاه: تلاش مجموعه انتظامی در برقراری امنیت قابل تقدیر است»، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۲.

۵۶۸ ایسنا، «تسداد ۱۳۰ میلیارد ریال وجوه کلاهبرداری شده در سیستان و بلوچستان»، ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۶.

۵۶۹ بنگرید به: ایرنا، «فرماندار: احساس امنیت در کرمانشاه ارتقاء یافته است»، ۱۳ مارس ۲۰۲۴، ایرنا، «فرمانده انتظامی استان: رشد شتایان سرقت در کرمانشاه متوقف شد»، ۱۳ مارس ۲۰۲۴.

۵۷۰ آخرین خبر، «فرمانده انتظامی جدید شهرستان صحنه معرفی شد»، ۲۵ نوامبر ۲۰۲۱.

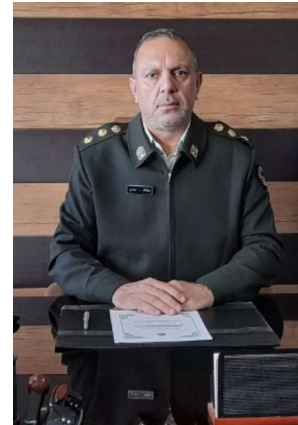
۵۷۱ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معرفی فرمانده جدید انتظامی شهرستان جوانرود»، ۲۶ ژانویه ۲۰۲۵.

هوشنگ مبارکی (مبارکی پور)

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان اسلام آباد غرب و عضو شورای تأمین شهرستان اسلام آباد غرب

انتصاب و دوره تصدی: هوشنگ مبارکی (مبارکی پور) در دسامبر ۲۰۲۱ به فرماندهی انتظامی شهرستان اسلام آباد غرب منصوب شد.^{۵۷۲}

او تا مه ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به ریاست پلیس مبارزه با مواد مخدر استان کرمانشاه منصوب شد.^{۵۷۳}



هوشنگ مبارکی. عکس از اسلام آباد نیوز پس از آن، آریا عبدی به عنوان فرمانده جدید انتظامی شهرستان اسلام آباد غرب منصوب شد.^{۵۷۴}

مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که هوشنگ مبارکی تا ژوئن ۲۰۲۵ همچنان سمت ریاست پلیس مبارزه با مواد مخدر استان کرمانشاه را بر عهده داشت.^{۵۷۵} با این حال، از حدود نوامبر ۲۰۲۵، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی اقبال کرمی را به عنوان فرد عهده‌دار این سمت معرفی می‌کنند.^{۵۷۶}

عفو بین‌الملل نتوانست گزارش‌هایی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق کناره‌گیری هوشنگ مبارکی از این سمت را مشخص کنند یا اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی او ارائه دهند.

^{۵۷۲} خبرگزاری مهر، «آیین تودیع و معارفه فرمانده انتظامی اسلام آباد غرب برگزار شد»، ۷ دسامبر ۲۰۲۱.

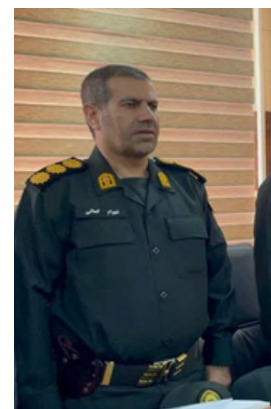
^{۵۷۳} مژده خبر، «تودیع سرهنگ مبارکی و معارفه فرمانده جدید»، ۱۴ مه ۲۰۲۴.

^{۵۷۴} مژده خبر، «تودیع سرهنگ مبارکی و معارفه فرمانده جدید»، ۱۴ مه ۲۰۲۴.

^{۵۷۵} خبرگزاری ایمننا، «امحای بیش از ۶۸۰ کیلوگرم مواد مخدر در کرمانشاه»، ۱۱ ژوئن ۲۰۲۵، ایرنا، «رییس پلیس مبارزه با مواد مخدر: کرمانشاه به ۲ کمپ ماده ۱۶ نیاز دارد»، ۲ ژوئن ۲۰۲۵.

^{۵۷۶} خبرگزاری مهر، «توزیع کننده مواد مخدر با ۱۰ کیلو تریاک در کرمانشاه دستگیر شد»، ۱۰ فوریه ۲۰۲۶، خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی در کرمانشاه»، ۲۰ نوامبر ۲۰۲۵.

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان ثلاث باباجانی و عضو شورای تأمین شهرستان ثلاث باباجانی



شهرام کسانی. عکس از فارس نیوز

پس از آن، شهرام کسانی به فرماندهی انتظامی شهرستان قصر شیرین منصوب شد.^{۵۷۹} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۸۰}

۵۷۷ وبسایت شاکسمیران، «پیام تبریک فرمانده انتظامی ثلاث باباجانی به مناسبت هفته نیروی انتظامی».

۵۷۸ Sardabirpress.ir، پست اینستاگرامی: «مراسم تودیع و معارفه فرمانده انتظامی ثلاث باباجانی برگزار شد»، ۱۹ اکتبر ۲۰۲۵.

۵۷۹ بنگرید به: خبرگزاری مهر، «سرهنگ شهرام کسانی فرمانده جدید انتظامی قصر شیرین شد»، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵، ایسنا، «کشف ۳ خمپاره جنگی عمل نکرده در ثلاث باباجانی»، ۱۶ نوامبر ۲۰۲۴.

۵۸۰ ایرنا، «نهادم ۳ پاند سرقت در قصر شیرین و دستگیری ۷ سارق حرفه‌ای»، ۹ آوریل ۲۰۲۶.

سمت: فرمانده انتظامی شهرستان قصر شیرین و عضو شورای تأمین شهرستان قصر شیرین

انتصاب و دوره تصدی: محمد محمدی در نوامبر ۲۰۱۹ به فرماندهی انتظامی شهرستان قصر شیرین منصوب شد.^{۵۸۱}

او تا فوریه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند^{۵۸۲} و در آن زمان ایمان مرادی جایگزین او شد.^{۵۸۳}



محمد محمدی. عکس از ایرنا

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعات مربوط به سمت‌های بعدی محمد محمدی را تأیید کند. رسانه‌های حکومتی گزارش دادند که فردی به نام محمد محمدی در دسامبر ۲۰۲۲ به فرماندهی انتظامی شهرستان دالاهو منصوب شد^{۵۸۴} و تا اکتبر ۲۰۲۵ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۵۸۵} با این حال، عفو بین‌الملل نتوانست تأیید کند که آیا این گزارش‌ها به همان فرد اشاره دارند یا خیر.

۵۸۱ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «جایی برای افراد مجرم و خلافتکار در کرمانشاه وجود ندارد»، ۱۳ نوامبر ۲۰۱۹.

۵۸۲ ایرنا، «فرمانده انتظامی: استان کرمانشاه از استان‌های امن کشور است»، ۷ فوریه ۲۰۲۳.

۵۸۳ بنگرید به: ایرنا، «فرمانده انتظامی: استان کرمانشاه از استان‌های امن کشور است»، ۷ فوریه ۲۰۲۳.

۵۸۴ فرمانداری شهرستان دالاهو، «تکریم و معارفه فرمانده انتظامی شهرستان دالاهو»، ۳ دسامبر ۲۰۲۲.

۵۸۵ دفاع‌پرس، «معرفی فرماندهان جدید انتظامی دالاهو و قصرشیرین»، ۱۴ اکتبر ۲۰۲۵.

۱۳.۴.۴ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

(۱) ۱۳.۴.۴ سطح کشوری

حسین سلامی

سمت: فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، عضو شورای عالی امنیت ملی و عضو شورای امنیت کشور

انتصاب و دوره تصدی: حسین سلامی در آوریل ۲۰۱۹ با حکم رهبر جمهوری اسلامی به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۵۸۶}

او تا ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند؛ در این تاریخ، در حمله هوایی اسرائیل در تهران کشته شد.

پس از آن، محمد پاکپور به عنوان فرمانده کل جدید سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۵۸۷} پس از آن که محمد پاکپور در ۲۸ فوریه سال ۲۰۲۶ در جریان حمله نظامی آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران بر اثر حمله هوایی کشته شد،^{۵۸۸} احمد وحیدی جانشین او به عنوان فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.^{۵۸۹}



حسین سلامی. عکس از تسنیم نیوز

^{۵۸۶} وبسایت خامنه‌ای، «انتصاب سردار سرتیپ حسین سلامی به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۲۱ آوریل ۲۰۱۹.

^{۵۸۷} عصر ایران، «فرمانده جدید کل سپاه منصوب شد»، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵.

^{۵۸۸} خبرگزاری مهر، «سردار پاکپور در حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت نائل آمد»، ۱ مارس ۲۰۲۶؛ خبرگزاری صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، «انتصاب سردار کهگیلویه و بویراحمدی به فرماندهی دانشگاه امیرالمؤمنین (ع)»، ۱۴ فوریه ۲۰۲۶.

^{۵۸۹} خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، «انتصاب سردار احمد وحیدی به سمت فرمانده کل سپاه پاسداران»، ۱۰ اوت ۲۰۲۶.



محمد پاکپور. عکس از دفاع پرس

سمت: فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

انتصاب و دوره تصدی: محمد پاکپور در مارس ۲۰۱۰ با حکم رهبر جمهوری اسلامی به فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۵۹۰}

او تا ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند؛ در این تاریخ، با حکم رهبر جمهوری اسلامی به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۵۹۱} پس از آن، محمد کرمی با حکم رهبر جمهوری اسلامی به فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۵۹۲}

محمد پاکپور تا ۲۸ فوریه سال ۲۰۲۶ سمت فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده داشت؛ در این تاریخ، در حمله هوایی آمریکا-اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران کشته شد.^{۵۹۳}

(۲) ۱۳.۴.۴(۲) سطح منطقه‌ای

۵۹۰ وبسایت خامنه‌ای، «انتصاب فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۱۳ مارس ۲۰۱۰.

۵۹۱ عصر ایران، «فرمانده جدید کل سپاه منصوب شد»، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۵.

۵۹۲ وبسایت خامنه‌ای، «انتصاب سردار سرتیپ محمد کرمی به فرماندهی نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، ۱۸ ژوئن ۲۰۲۵.

۵۹۳ خبرگزاری مهر، «سردار پاکپور در حمله آمریکا و رژیم صهیونیستی به شهادت نائل آمد»، ۱ مارس ۲۰۲۶، خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «انتصاب سردار کهگیلویه و بویراحمدی به فرماندهی دانشگاه امیرالمؤمنین (ع)»، ۱۴ فوریه ۲۰۲۶.



محمدتقی اوصانلو. عکس از همشهری آنلاین

سمت: فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با حوزه پوشش استان‌های کردستان و آذربایجان غربی

انتصاب و دوره تصدی: محمدتقی اوصانلو در مقطعی بین مارس ۲۰۱۱ و مارس ۲۰۱۲، که مطابق با سال ۱۳۹۰ خورشیدی است، به فرماندهی قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۵۹۴}

او تا ژوئن ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند^{۵۹۵} و در آن زمان علی‌اکبر پورجمشیدیان جایگزین او شد.^{۵۹۶}

پس از آن، محمدتقی اوصانلو به سمت معاون هماهنگ‌کننده قرارگاه مرکزی امام حسین منصوب شد.^{۵۹۷} او تا اکتبر ۲۰۲۴ این سمت را بر عهده داشت و در آن

زمان به معاونت هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۵۹۸} او تا اوت ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان احمد اخوان جایگزین او شد.^{۵۹۹} عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی محمدتقی اوصانلو پیدا کند.

۵۹۴ بنگرید به: خبرگزاری فارس، «یار همیشگی حاج قاسم تجلیل شد + عکس»، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۳.

۵۹۵ همشهری آنلاین، «انتصاب تازه در سپاه پاسداران: فرمانده جدید قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع)»، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳.

۵۹۶ همشهری آنلاین، «انتصاب تازه در سپاه پاسداران: فرمانده جدید قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع)»، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳.

۵۹۷ دفاع‌پرس، «سردار اوصانلو به قرارگاه امام حسن (ع) رفت»، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۳.

۵۹۸ ایرنا، «سردار محمد تقی اوصانلو معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه شد»، ۵ اکتبر ۲۰۲۴.

۵۹۹ خبرگزاری تسنیم، «سردار اخوان معاون هماهنگ‌کننده نیروی زمینی سپاه شد»، ۲ اوت ۲۰۲۵.



مجید ارجمندفر. عکس از ایرنا

سمت: جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با حوزه پوشش استان‌های کردستان و آذربایجان غربی

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین‌الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که نشان دهند مجید ارجمندفر چه زمانی به سمت جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. با این حال، این سازمان چندین مطلب از رسانه‌های حکومتی یافت که بین مه ۲۰۱۱ و نوامبر ۲۰۱۶ منتشر شده بودند و از او به‌عنوان فرد عهده‌دار این سمت یاد می‌کردند.^{۶۰۰}

بر اساس گزارش‌های رسانه‌های حکومتی، او سپس در نوامبر ۲۰۱۶ به سمت معاون عملیات نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد و چندین سال این سمت را بر عهده داشت.^{۶۰۱} گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او حداکثر تا سپتامبر ۲۰۱۹ بار دیگر سمت جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده گرفته بود.^{۶۰۲}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که مجید ارجمندفر تا ژانویه ۲۰۲۵ همچنان جانشین فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا بود.^{۶۰۳} عفو بین‌الملل نتوانست گزارش‌هایی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که کناره‌گیری او از این سمت را مستند کرده باشند. با این حال، رسانه‌های حکومتی بعدتر در دسامبر ۲۰۲۵ از انتصاب اسماعیل خلیل‌زاده به‌عنوان جانشین فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خبر دادند.^{۶۰۴} عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی مجید ارجمندفر پیدا کند.

۶۰۰ ایسنا، «معاون عملیات نیروی زمینی سپاه منصوب شد»، ۲ نوامبر ۲۰۱۶.

۶۰۱ کیهان، «جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی: تکرار انقلاب اسلامی منافع دشمنان را به خطر خواهد انداخت»، ۲۵ مه ۲۰۱۱.

۶۰۲ بنگرید به: خبرگزاری بسیج، «دریافت نشان فتح توسط سردار مجید ارجمندفر»، ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۹.

۶۰۳ خبرگزاری مهر، «قرآن کریم موجبات برقراری امنیت را در کشور فراهم کرده است»، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۵.

۶۰۴ خبرگزاری صداوسیما، «حفظ وحدت و آمادگی مقابل دشمن بی وقفه ادامه خواهد داشت»، ۲ دسامبر ۲۰۲۵، دفاع پرس، «سردار خلیل‌زاده جانشین قرارگاه حمزه سیدالشهدا شد»، ۲ دسامبر ۲۰۲۵.

محمدنظر عظیمی

سمت: فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با حوزه پوشش استان‌های کرمانشاه، ایلام و همدان

انتصاب و دوره تصدی: محمدنظر عظیمی در نوامبر ۲۰۱۳ به فرماندهی قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۶۰۵}



محمدنظر عظیمی. عکس از دفاع پرس

او تا نوامبر ۲۰۲۵ همچنان این سمت را بر عهده داشت و در آن زمان محسن کریمی جایگزین او شد.^{۶۰۶}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که محمدنظر عظیمی پس از آن به سمت معاون هماهنگ‌کننده قرارگاه مرکزی امام حسین منصوب شد. عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق انتصاب او به این سمت را اعلام کرده باشد. با این حال، گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او در دسامبر ۲۰۲۵ این سمت را بر عهده داشت.^{۶۰۷} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان در این سمت را بر عهده داشت.^{۶۰۸}

۶۰۵ ایرنا، «سردار محمدنظر عظیمی به عنوان فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف معرفی شد»، ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳.

۶۰۶ ایلنا، «معرفی فرمانده جدید قرارگاه نجف اشرف سپاه»، ۲ نوامبر ۲۰۲۵.

۶۰۷ برای نمونه، بنگرید به: ایرنا، «معاون سپاه پاسداران: ملت ایران در مقاطع مختلف تاریخی، فداکاری‌های عظیمی انجام دادند»، ۱ دسامبر ۲۰۲۵، دفاع پرس، «انتصاب فرمانده جدید در سپاه خراسان جنوبی»، ۱ دسامبر ۲۰۲۵.

۶۰۸ دفاع پرس، «سردار عظیمی: رزمندگان اسلام پیروزی‌های بزرگی را در جبهه مقاومت رقم زدند»، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶.



کورش آسیابانی. عکس از ایرنا

سمت: جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، با حوزه پوشش استان‌های کرمانشاه، ایلام و همدان

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین‌الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که مشخص کنند کورش آسیابانی چه زمانی به سمت جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شده است. با این حال، مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او بیش از یک دهه این سمت را بر عهده داشته و دست‌کم از سال ۲۰۱۲ در این سمت بوده است.^{۶۰۹}

عفو بین‌الملل نتوانست گزارشی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ کناره‌گیری او از این سمت را مستند کرده باشد. با این حال، مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او تا ژوئن ۲۰۲۴ همچنان سمت جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای نجف اشرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده داشت.^{۶۱۰}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که تا دسامبر ۲۰۲۴، او فرمانده قرارگاه عملیاتی شهید کاظمی بود.^{۶۱۱}

عفو بین‌الملل نتوانست گزارش‌هایی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق انتصاب او به این سمت را اعلام کرده باشند. او تا ۲۰۲۵ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۱۲} عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی کورش آسیابانی در سال ۲۰۲۶ پیدا کند.

۱۳.۴.۴(۳) استان کردستان

۶۰۹ برای نمونه، بنگرید به: ایسنا، «جانشین فرماندهی قرارگاه نجف اشرف: بسیجی هرگز به دنبال دنیا و پست نیست»، ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۲.

۶۱۰ دفاع‌پرس، «ماموستا قادی معنای وحدت بین اهل تشیع و تسنن است»، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴.

۶۱۱ ایرنا، «قوه قضاییه برای پرداخت دیه به کولبران سانحه‌دیده مساعدت خواهد کرد»، ۱۱ دسامبر ۲۰۲۴.

۶۱۲ دفاع‌پرس، «سردار آسیابانی: خدمت به محرومان عهد همیشگی انقلاب است»، ۱۴ نوامبر ۲۰۲۵.

صادق حسینی

سمت: فرمانده سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان و عضو شورای تأمین استان کردستان

انتصاب و دوره تصدی: صادق حسینی در نوامبر ۲۰۱۹ از سوی حسن سلامی، فرمانده کل پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به فرماندهی سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۱۳}

او تا ژوئن ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان امان‌الله گشتاسبی جایگزین او شد.^{۶۱۴}



صادق حسینی. عکس از مهر نیوز

پس از آن، صادق حسینی از سوی حسین سلامی، فرمانده کل وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به سمت مشاور فرمانده کل سپاه منصوب شد.^{۶۱۵}

او تا ژوئن ۲۰۲۴ این سمت را بر عهده داشت و در آن زمان به فرماندهی سپاه استانی امیرالمؤمنین ایلام منصوب شد.^{۶۱۶} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۱۷}

علیرضا مدنی‌فر (مدنی)

سمت: جانشین فرمانده سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان

انتصاب و دوره تصدی: علیرضا مدنی‌فر (مدنی) در نوامبر ۲۰۲۰ به سمت جانشین فرمانده سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۱۸}



علیرضا مدنی‌فر عصر تبریز

^{۶۱۳} صادق حسینی از نوامبر ۲۰۱۹ این سمت را داشت. تسنیم، «فرمانده جدید سپاه بیت‌المقدس کردستان منصوب شد»، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹.

^{۶۱۴} خبرگزاری فارس، «آئین معارفه و تکریم فرمانده سپاه کردستان»، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳.

^{۶۱۵} کرد تودی، «سردار سیدصادق حسینی مشاور فرمانده کل سپاه منصوب شد»، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳.

^{۶۱۶} خبرگزاری مهر، «آئین تودیع و معارفه فرمانده سپاه امیرالمؤمنین (ع) ایلام آغاز شد»، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۴.

^{۶۱۷} بنگرید به: خبرگزاری بسیج، «همه ظرفیت‌ها برای تشییع رهبر شهید بسیج شد»، ۱ ژوئیه ۲۰۲۶.

^{۶۱۸} خبرگزاری حوزه، «جانشین فرمانده سپاه بیت‌المقدس کردستان منصوب شد»، ۳۰ نوامبر ۲۰۲۰.

او تا اکتبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به فرماندهی لشکر عملیاتی ۳۱ عاشورا، یگان عملیاتی اصلی سپاه استانی شهدا در استان آذربایجان شرقی، منصوب شد.^{۶۱۹}

پس از آن، جمشید رضایی به عنوان جانشین جدید فرمانده سپاه استانی بیت المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۲۰}

علیرضا مدنی فر (مدنی) تا سال ۲۰۲۶ همچنان سمت فرماندهی لشکر عملیاتی ۳۱ عاشورا را بر عهده داشت.^{۶۲۱}

جمشید رضایی

سمت: فرمانده لشکر عملیاتی ۲۲ بیت المقدس سپاه استانی بیت المقدس کردستان
انتصاب و دوره تصدی: جمشید رضایی در ژوئن ۲۰۱۹ از سوی محمد پاکپور، فرمانده وقت نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به فرماندهی لشکر عملیاتی ۲۲ بیت المقدس سپاه استانی بیت المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۲۲}

او تا اکتبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به سمت جانشین فرمانده سپاه استانی بیت المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۲۳}

پس از آن، منصور ولیئی به عنوان فرمانده جدید لشکر عملیاتی ۲۲ بیت المقدس سپاه استانی بیت المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۲۴}



جمشید رضایی. عکس از شبکه خبری آب ایران

جمشید رضایی تا آوریل ۲۰۲۵ سمت جانشین فرمانده سپاه استانی بیت المقدس کردستان را بر عهده داشت و در آن زمان به فرماندهی سپاه استانی بیت المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۲۵} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۲۶}

۶۱۹ دفاع پرس، «فرمانده جدید لشکر ۳۱ عاشورا تبریز منصوب شد»، ۱۰ اکتبر ۲۰۲۳.

۶۲۰ خبرگزاری فارس، «جانشین سپاه بیت المقدس و فرمانده لشکر ۲۲ کردستان معرفی شدند»، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳.

۶۲۱ ایسنا، «فرمانده لشکر عملیاتی ۳۱ عاشورا: دشمنان جرأت حمله زمینی ندارند»، ۲۶ مه ۲۰۲۶.

۶۲۲ تسنیم، «فرمانده قرارگاه عملیاتی لشکر ۲۲ سپاه کردستان معرفی شد»، ۱۳ ژوئن ۲۰۱۹.

۶۲۳ خبرگزاری فارس، «جانشین سپاه بیت المقدس و فرمانده لشکر ۲۲ کردستان معرفی شدند»، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳.

۶۲۴ خبرگزاری فارس، «جانشین سپاه بیت المقدس و فرمانده لشکر ۲۲ کردستان معرفی شدند»، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳.

۶۲۵ خبرگزاری ایمننا، «فرمانده جدید سپاه بیت المقدس استان کردستان معرفی شد»، ۹ آوریل ۲۰۲۵.

۶۲۶ ایرنا، «فرمانده سپاه کردستان: اجلاسهای شهدا باید جریان ساز و فرهنگ ساز باشند»، ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۶.

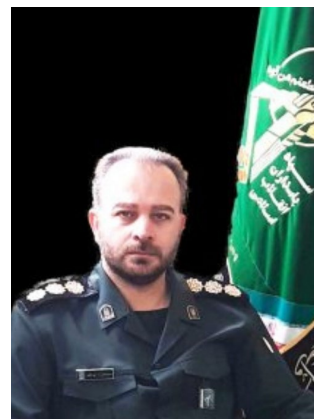
مرتضی میرآقایی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سنندج و عضو شورای تأمین شهرستان سنندج

انتصاب و دوره تصدی: مرتضی میرآقایی در ژوئیه ۲۰۲۲ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سنندج منصوب شد.^{۶۲۷}

او تا اوت ۲۰۲۵ این سمت را بر عهده داشت و در آن زمان اکبر اسماعیلی جایگزین او شد.^{۶۲۸}

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی مرتضی میرآقایی پیدا کند.



مرتضی میرآقایی. عکس از مهر نیوز

یوسف معروفی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سقز و عضو شورای تأمین شهرستان سقز

انتصاب و دوره تصدی: یوسف معروفی در ژوئن ۲۰۱۹ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سقز منصوب شد.^{۶۲۹}

او تا اوت ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند. پس از آن، محسن ایوانی به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سقز منصوب شد.^{۶۳۰}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که یوسف معروفی دست‌کم در ژانویه ۲۰۲۵ سمت جانشین فرمانده قرارگاه شهید بروجردی در استان آذربایجان غربی را بر عهده داشت.^{۶۳۱}

عفو بین الملل نتوانست گزارش‌هایی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ دقیق انتصاب او را مشخص کرده باشند. او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۳۲}



یوسف معروفی. عکس از تسنیم

۶۲۷ مهر، «فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه سنندج معرفی شد»، ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۲.

۶۲۸ برنا، «فرمانده سپاه سنندج معرفی شد + سوابق»، ۳۰ اوت ۲۰۲۵.

۶۲۹ تسنیم، «فرمانده جدید سپاه سقز معرفی شد+تصویر»، ۲ ژوئن ۲۰۱۹.

۶۳۰ فارس، «فرمانده جدید سپاه سقز معرفی شد»، ۲۷ اوت ۲۰۲۴.

۶۳۱ خبرگزاری بسیج، «مراسم پنجمین سالگرد شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی در یاروق برگزار شد»، ۲ ژانویه ۲۰۲۵.

۶۳۲ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «شهدا درس ایستادگی را از مکتب عاشورا آموخته‌اند»، ۱ ژانویه ۲۰۲۶.

علی‌احمد صفی‌زاده

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دیواندره و عضو شورای تأمین شهرستان دیواندره

انتصاب و دوره تصدی: علی‌احمد صفی‌زاده در ژوئن ۲۰۲۲ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دیواندره منصوب شد.^{۶۳۳}

او تا اوت ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بانه منصوب شد.^{۶۳۴}

پس از آن، مهدی جباری به‌عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دیواندره منصوب شد.^{۶۳۵}



علی‌احمد صفی‌زاده. عکس از ایرنا

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهد که علی‌احمد صفی‌زاده تا فوریه سال ۲۰۲۶ همچنان سمت فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بانه را بر عهده داشت، اما در فاصله میان آن زمان و مه سال ۲۰۲۶، به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سقز منصوب شد.^{۶۳۶}

۶۳۳ ایرنا، «فرمانده جدید سپاه شهرستان دیواندره معرفی شد»، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۲.

۶۳۴ فرمانداری شهرستان دیواندره، «سرهنگ پاسدار جباری بعنوان فرمانده جدید سپاه شهرستان دیواندره منصوب گردید»، ۲۸ اوت ۲۰۲۴.

۶۳۵ خبرگزاری فارس، «فرمانده جدید سپاه سقز معرفی شد»، ۲۷ اوت ۲۰۲۴.

۶۳۶ خبرگزاری مهر، «سردار صفی‌زاده: آزادی خرمشهر تجلی پیروزی حق بر باطل است»، ۲۴ مه ۲۰۲۶.

عباس امری

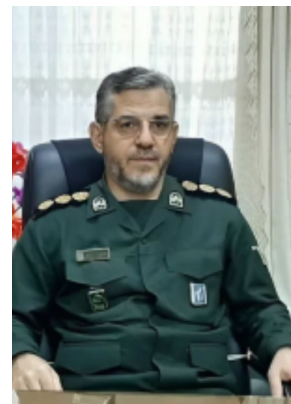
سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بانه و عضو شورای تأمین شهرستان بانه

انتصاب و دوره تصدی: عباس امری در ژانویه ۲۰۲۱ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بانه منصوب شد.^{۶۳۷}

او تا اوت ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند.^{۶۳۸}

پس از آن، علی احمد صفی زاده به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بانه منصوب شد.^{۶۳۹}

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت های بعدی عباس امری پیدا کند.



عباس امری. عکس از ایرنا

صادق جمالی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دهگلان و عضو شورای تأمین شهرستان دهگلان

انتصاب و دوره تصدی: صادق جمالی در اکتبر ۲۰۲۱ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دهگلان منصوب شد.^{۶۴۰}

او تا ژوئیه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان قروه منصوب شد.^{۶۴۱}

پس از آن، علی رضوانیان به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان دهگلان منصوب شد.^{۶۴۲} صادق جمالی تا سال ۲۰۲۶ همچنان سمت فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان قروه را بر عهده داشت.^{۶۴۳}



صادق جمالی. عکس از ایرنا

^{۶۳۷} خبرگزاری بسیج، «آیین تودیع و معارفه فرمانده سپاه شهرستان بانه برگزار شد»، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۱.

^{۶۳۸} فرمانداری شهرستان دیواندره، «سرهنگ پاسدار جاری بعنوان فرمانده جدید سپاه شهرستان دیواندره منصوب گردید»، ۲۸ اوت ۲۰۲۴.

^{۶۳۹} فرمانداری شهرستان دیواندره، «سرهنگ پاسدار جاری بعنوان فرمانده جدید سپاه شهرستان دیواندره منصوب گردید»، ۲۸ اوت ۲۰۲۴.

^{۶۴۰} تسنیم، «فرمانده سپاه استان کردستان: سپاه در همه عرصه ها در کنار مردم است»، ۴ اکتبر ۲۰۲۱.

^{۶۴۱} تسنیم، «تمرکز سپاه بر محرومیت زدایی در کنار حفظ امنیت پایدار در کردستان»، ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۳.

^{۶۴۲} تسنیم، «تمرکز سپاه بر محرومیت زدایی در کنار حفظ امنیت پایدار در کردستان»، ۳۱ ژوئیه ۲۰۲۳.

^{۶۴۳} مهر، «سرهنگ جمالی: ۱۵۰ زائر از قروه به مراسم تشییع رهبر شهید اعزام می شوند»، ۴ ژوئیه ۲۰۲۶.

حسین ملکی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کامیاران و عضو شورای تأمین شهرستان کامیاران

انتصاب و دوره تصدی: حسین ملکی در اوت ۲۰۱۷ از سوی محمدحسین رجبی، فرمانده وقت سپاه استانی بیت المقدس کردستان، به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کامیاران منصوب شد.^{۶۴۴}

او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۴۵}



حسین ملکی. عکس از پانا

منصور ولی‌ئی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان مریوان تا ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲ و عضو شورای تأمین شهرستان مریوان

انتصاب و دوره تصدی: منصور ولی‌ئی در ژوئیه ۲۰۱۹ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان مریوان منصوب شد.^{۶۴۶}

او تا ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲ در این سمت باقی ماند. پس از آن، قیصر امیدی به‌عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان مریوان منصوب شد.^{۶۴۷}

در دسامبر ۲۰۲۳، منصور ولی‌ئی به فرماندهی لشکر عملیاتی ۲۲ بیت‌المقدس سپاه استانی بیت‌المقدس کردستان منصوب شد.^{۶۴۸} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۴۹}



منصور ولی‌ئی. عکس از تسنیم

۶۴۴ وبلاگ کوردیا، «فرمانده جدید سپاه شهرستان کامیاران منصوب شد»، ۲۷ اوت ۲۰۱۷.

۶۴۵ فرمانداری کامیاران، «بدرقه کاروان زائران کامیاری اعزامی به مراسم تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب در تهران»، ۵ ژوئیه ۲۰۲۶.

۶۴۶ فارس، «فرمانده جدید سپاه مریوان معرفی شد»، ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۹.

۶۴۷ مریوان آنلاین، پست تلگرامی: «مراسم تودیع و معارفه فرمانده سپاه مریوان»، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲.

۶۴۸ فارس، «جانشین سپاه بیت‌المقدس و فرمانده لشکر ۲۲ کردستان معرفی شدند»، ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳.

۶۴۹ تسنیم، «بازدید نماینده ولی فقیه در سپاه از نقطه صفر مرزی»، ۱۳ مه ۲۰۲۶.

قیصر امیدی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان مریوان پس از ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲ و عضو شورای تأمین شهرستان مریوان

انتصاب و دوره تصدی: قیصر امیدی در ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان مریوان منصوب شد.^{۶۵۰}

او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۵۱}



قیصر امیدی. عکس از شهرداری مریوان

۱۳.۴.۴(۴) استان آذربایجان غربی

حبیب شهنساری

سمت: فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی و عضو شورای تأمین استان آذربایجان غربی

انتصاب و دوره تصدی: حبیب شهنساری در فوریه ۲۰۱۸ به فرماندهی سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی منصوب شد.^{۶۵۲}

او تا ژوئن ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان بازنشسته شد. پس از آن، محمدحسین رجبی به عنوان فرمانده جدید سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی منصوب شد.^{۶۵۳}



حبیب شهنساری. عکس از خبرگزاری بسیج

۶۵۰ مریوان آنلاین، پست تلگرامی: «مراسم تودیع و معارفه فرمانده سپاه مریوان»، ۲۹ اکتبر ۲۰۲۲.

۶۵۱ تسنیم، «سردار امیدی: اجلاس سپاه شهدای مریوان تجلی وحدت و زنده بودن راه ایثار بود»، ۱۵ ژوئیه ۲۰۲۶.

۶۵۲ ایسنا، «سردار حبیب شهنساری فرمانده سپاه شهدای آذربایجان غربی شد»، ۳ فوریه ۲۰۱۸.

۶۵۳ ایرنا، «فرمانده جدید سپاه شهدای آذربایجان غربی معرفی شد»، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳.

پس از بازنشستگی، حبیب شهسواری در ژوئن ۲۰۲۳ از سوی حسین سلامی، فرمانده کل وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، به عنوان یکی از مشاوران او منصوب شد.^{۶۵۴} عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی حبیب شهسواری پیدا کند.

طالب رحیمی



طالب رحیمی، عکس از ایگنا

سمت: جانشین فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی

انتصاب و دوره تصدی: طالب رحیمی در مارس ۲۰۲۱ به سمت جانشین فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی منصوب شد.^{۶۵۵}

او تا نوامبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند.^{۶۵۶} پس از آن، تقی نجمی به عنوان جانشین جدید فرمانده سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی منصوب شد.^{۶۵۷}

در ژانویه ۲۰۲۴، محمدصادق معتمدیان، استاندار وقت آذربایجان غربی، طالب رحیمی را به سمت مدیرکل دفتر امور اتباع و مهاجرین خارجی استانداری آذربایجان غربی منصوب کرد.^{۶۵۸} او تا سال ۲۰۲۵ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۵۹}

عفو بین الملل تا سال ۲۰۲۶ نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی طالب رحیمی پیدا کند.

۶۵۴ خبرگزاری حوزه، «سردار شهسواری مشاور فرمانده کل سپاه شد»، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۳.

۶۵۵ آسمانشهر، «سردار طالب رحیمی به سمت جانشین فرمانده سپاه منصوب شد»، ۱۹ مارس ۲۰۲۱.

۶۵۶ خبرگزاری بسیج، «جانشین سپاه شهدای آذربایجان غربی معرفی شد»، ۲ نوامبر ۲۰۲۳.

۶۵۷ خبرگزاری بسیج، «جانشین سپاه شهدای آذربایجان غربی معرفی شد»، ۲ نوامبر ۲۰۲۳.

۶۵۸ خبرگزاری صداوسیما، «انتصاب مدیرکل دفتر اتباع و مهاجرین خارجی استانداری آذربایجان غربی»، ۳ ژانویه ۲۰۲۴.

۶۵۹ خبرگزاری صداوسیما، «تاکید جوانان و ورزشکاران آذربایجان غربی بر تقویت هویت ملی، دینی و انقلابی»، ۹ ژوئیه ۲۰۲۵.

یدالله آبروشن



یدالله آبروشن. عکس از دفاع پرس

سمت: فرمانده لشکر عملیاتی ۳ حمزه سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی

انتصاب و دوره تصدی: یدالله آبروشن در اکتبر ۲۰۱۲ به فرماندهی لشکر عملیاتی ۳ حمزه سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی منصوب شد.^{۶۶۰}

او تا سپتامبر ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان میرمهدی غفوری جایگزین او شد.^{۶۶۱}

در دسامبر ۲۰۲۵، یدالله آبروشن به فرماندهی فرارگاه عملیاتی شهید بروجردی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آذربایجان غربی منصوب شد.^{۶۶۲} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۶۳}

صمد محمد علیزاده



صمد محمد علیزاده. عکس از ایکنا

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بوکان و عضو شورای تأمین شهرستان بوکان

انتصاب و دوره تصدی: صمد محمد علیزاده در ژوئن ۲۰۲۲ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بوکان منصوب شد.^{۶۶۴}

او تا اکتبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سردشت، که آن نیز در استان آذربایجان غربی قرار دارد، منصوب شد.^{۶۶۵}

پس از آن، سهراب سعیدی به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان بوکان منصوب شد.^{۶۶۶}

- ۶۶۰ ایرنا، «فرمانده جدید سپاه خوی معرفی شد»، ۲۴ اکتبر ۲۰۱۲.
- ۶۶۱ کردپرس، «فرمانده لشکر ۳ حمزه سیدالشهدا در ارومیه معرفی شد»، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۵.
- ۶۶۲ فارس، «۳ انتصاب جدید در نیروی زمینی سپاه»، ۲ دسامبر ۲۰۲۵.
- ۶۶۳ برنا، «یازدید سردار رحیم صفوی از زیرساخت‌های مرزی شهرستان ماکو»، ۲ ژوئیه ۲۰۲۶.
- ۶۶۴ بوکان آنلاین، «فرمانده سپاه پاسداران بوکان تغییر کرد»، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۲.
- ۶۶۵ ایکنا، «فرمانده جدید سپاه سردشت معرفی شد»، ۲ اکتبر ۲۰۲۳.
- ۶۶۶ خبرگزاری بسیج، «آیین تودیع و معارفه فرمانده سپاه بوکان برگزار شد»، ۹ اکتبر ۲۰۲۳.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

صمد محمد علیزاده تا ژوئن سال ۲۰۲۶ همچنان سمت فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان سردشت را بر عهده داشت.^{۶۶۷} عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی صمد محمد علیزاده پیدا کند.

اکبر نوروزی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان مهاباد و عضو شورای تأمین شهرستان مهاباد

انتصاب و دوره تصدی: اکبر نوروزی در ژوئیه ۲۰۲۲ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان مهاباد منصوب شد.^{۶۶۸}

او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۶۹}



اکبر نوروزی. عکس از اپکنا

جلیل نقشی قره‌باغ

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان پیرانشهر و عضو شورای تأمین شهرستان پیرانشهر

انتصاب و دوره تصدی: جلیل نقشی قره‌باغ در ژوئن ۲۰۲۲ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان پیرانشهر منصوب شد.^{۶۷۰}

او تا ۲۰۲۵ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۷۱} عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی جلیل نقشی قره‌باغ در سال ۲۰۲۶ پیدا کند.



جلیل نقشی قره‌باغ. عکس از ایرنا

۶۶۷ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معرفی فرمانده جدید سپاه سردشت»، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶.

۶۶۸ باشگاه خبرنگاران جوان، «فرمانده سپاه پاسداران مهاباد معارفه شد»، ۵ ژوئیه ۲۰۲۲.

۶۶۹ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «تکریم ایثارگر جنگ تحمیلی سوم در مهاباد»، ۱۰ مه ۲۰۲۶.

۶۷۰ پیرانشهر روداو، پست تلگرامی: «مراسم تکریم و معارفه فرمانده سپاه پیرانشهر برگزار گردید»، ۲۳ ژوئن ۲۰۲۲.

۶۷۱ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «آغاز ساخت نیروگاه خورشیدی در شهرستان پیرانشهر»، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۵.

یعقوب رشیدی



یعقوب رشیدی. عکس از ایمن

کند.

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان اشکنویه و عضو شورای تأمین شهرستان اشکنویه

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که تاریخ انتصاب یعقوب رشیدی به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان اشکنویه را مشخص کرده باشند.

بر اساس مطالب رسانه‌های حکومتی، او در زمان اعتراضات سال ۲۰۲۲ فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان اشکنویه بود.^{۶۷۲}

او تا ژوئن سال ۲۰۲۶ در این سمت باقی ماند و در آن زمان قاسم کرمزاده جایگزین او شد.^{۶۷۳} عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی یعقوب رشیدی پیدا

قهرمان عیوضلو



قهرمان عیوضلو. عکس از ایکن

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان ارومیه و عضو شورای تأمین شهرستان ارومیه

انتصاب و دوره تصدی: قهرمان عیوضلو در دسامبر ۲۰۱۹ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان ارومیه منصوب شد.^{۶۷۴} او تا اوت ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند.^{۶۷۵}

۶۷۲ برای نمونه، بنگرید به: ایرنا، «فرماندار اشکنویه: توسعه فرهنگی بستر ساز ارتقای جامعه است»، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۲.
۶۷۳ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معرفی فرمانده جدید سپاه اشکنویه»، ۲۱ ژوئن ۲۰۲۶.
۶۷۴ تسنیم، «آئین تودیع و معارفه فرمانده سپاه ارومیه برگزار شد + تصاویر»، ۲۶ دسامبر ۲۰۱۹.
۶۷۵ باشگاه خبرنگاران جوان، «معرفی فرمانده نیروی مقاومت بسیج سپاه ارومیه»، ۲۸ اوت ۲۰۲۴.

پس از آن، مهدی رضوی به عنوان فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان ارومیه منصوب شد.^{۶۷۶}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی از ژانویه ۲۰۲۵ تا ژانویه سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهند که او رئیس یا جانشین رئیس ستاد اقشار و متخصصین بسیج سپاه استانی شهدای آذربایجان غربی بوده است.^{۶۷۷}

در مارس سال ۲۰۲۶، رضا رحمانی، استاندار آذربایجان غربی، قهرمان عیوضلو را به سمت فرماندار ارومیه منصوب کرد.^{۶۷۸} او تا ژوئن سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۷۹}

(۵) ۱۳.۴.۴ استان کرمانشاه

بهمن ریحانی

سمت: فرمانده سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: بهمن ریحانی در ژوئن ۲۰۱۴ به فرماندهی سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه منصوب شد.^{۶۸۰}

او تا ژوئیه سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۸۱}



بهمن ریحانی. عکس از چکاوک نیوز

۶۷۶ خبرگزاری فارس، «فرمانده جدید سپاه ارومیه معرفی شد»، ۲۸ اوت ۲۰۲۴.

۶۷۷ خبرگزاری صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، «برگزاری مجمع سالانه بسیج سپاه شهرستان خوی»، ۱۲ ژانویه ۲۰۲۵.

۶۷۸ ایرنا، «قهرمان عیوضلو فرماندار ارومیه شد»، ۶ مارس ۲۰۲۶.

۶۷۹ مهر، «عیوضلو: محرم فرصتی برای تقویت انسجام ملی و ترویج فرهنگ ایثار است»، ۱۰ ژوئن ۲۰۲۶.

۶۸۰ ایسنا، «فرمانده جدید سپاه نبی اکرم (ص) کرمانشاه معرفی شد»، ۱۰ ژوئن ۲۰۱۴.

۶۸۱ بنگرید به: خبرگزاری تسنیم، «ملت ایران از آرمان‌های رهبر شهید عقب‌نشینی نمی‌کند»، ۱ ژوئیه ۲۰۲۶.

سمت: جانشین فرمانده سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که مشخص کنند مسعود قنبری چه زمانی به سمت جانشین فرمانده سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه منصوب شده است. با این حال، مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او دست کم از ژانویه ۲۰۲۲ این سمت را بر عهده داشته است.^{۶۸۲}

او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۸۳}



مسعود قنبری. عکس از ایمنا

سمت: فرمانده لشکر عملیاتی ۲۹ نبی اکرم سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که مشخص کنند مجتبی کرمی چه زمانی به فرماندهی لشکر عملیاتی ۲۹ نبی اکرم سپاه استانی نبی اکرم کرمانشاه منصوب شده است. با این حال، مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او دست کم از دسامبر ۲۰۲۰ این سمت را بر عهده داشته است.^{۶۸۴}

او تا اوت ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به سمت جانشین فرمانده سپاه استانی امام حسن مجتبی البرز منصوب شد.^{۶۸۵}

پس از آن، فرامرز صفری به عنوان فرمانده جدید لشکر عملیاتی ۲۹ نبی اکرم سپاه

استانی نبی اکرم کرمانشاه منصوب شد.^{۶۸۶}



مجتبی کرمی. عکس از خبرگزاری بسیج

^{۶۸۲} برای نمونه، بنگرید به: ایرنا، «جانشین فرمانده سپاه کرمانشاه: بسیج کلید حل همه مشکلات است»، ۲۵ نوامبر ۲۰۲۴.

^{۶۸۳} دفاع پرس، «آمادگی تردد ۲ میلیون زائر از مرز خسروی برای اربعین»، ۱۲ ژوئیه ۲۰۲۶.

^{۶۸۴} برای نمونه، بنگرید به: خبرگزاری صداوسیما، «گرامی داشت سالروز عملیات غرور آفرین والفجر ۸ در لشکر ۲۹ نبی اکرم کرمانشاه»، ۶ فوریه ۲۰۲۳.

^{۶۸۵} خبرگزاری بسیج، «مراسم تکریم و معارفه جانشین فرمانده سپاه امام حسن مجتبی (ع) استان البرز برگزار شد»، ۱۱ اوت ۲۰۲۳.

^{۶۸۶} بنگرید به: کیهان، «آمادگی ما برای دفاع از کشور در بالاترین سطح قرار دارد»، ۸ ژانویه ۲۰۲۵.

مجتبی کرمی تا ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ سمت جانشین فرمانده سپاه استانی امام حسن مجتبی البرز را بر عهده داشت؛ در این تاریخ، در حمله هوایی اسرائیل در استان البرز کشته شد.^{۶۸۷}

ابوذر انوری

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کرمانشاه و عضو شورای تأمین شهرستان کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: ابوذر انوری در دسامبر ۲۰۲۱ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کرمانشاه منصوب شد.^{۶۸۸}

او تا سپتامبر ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند.^{۶۸۹} پس از آن، غلامعلی یاربیگی به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان کرمانشاه منصوب شد.^{۶۹۰}

گزارشی از رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهد که ابوذر انوری تا دسامبر ۲۰۲۵ سمت معاون دانشکده شهید مطهری را بر عهده داشت.^{۶۹۱} با این حال، عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره تاریخ انتصاب او به این سمت یا سمت‌های دیگری که ممکن است بر



ابوذر انوری. عکس از خبرگزاری بسیج

عهده داشته باشد پیدا کند.

۶۸۷ ایرنا، «اعلام اسامی شهدای حمله هوایی رژیم اسرائیل به سپاه البرز»، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵.

۶۸۸ خبرگزاری بسیج، «آئین تودیع و معارفه فرمانده سپاه ناحیه کرمانشاه برگزار شد»، ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱.

۶۸۹ بنگرید به: خبرگزاری مرصاد، «آئین تکریم و معارفه فرمانده سپاه ناحیه کرمانشاه»، ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۳.

۶۹۰ فارس، «معارفه سرهنگ غلامعلی یاربیگی به سمت فرمانده سپاه ناحیه کرمانشاه»، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۳.

۶۹۱ خبرگزاری بسیج، «برنامه‌های گسترده دانشکده شهید مطهری همزمان با هفته پژوهش»، ۱۰ دسامبر ۲۰۲۵.

بهرام میرزایی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان جوانرود و عضو شورای تأمین شهرستان جوانرود

انتصاب و دوره تصدی: بهرام میرزایی در دسامبر ۲۰۲۰ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان جوانرود منصوب شد.^{۶۹۲}

او تا سپتامبر ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان حامد پیرو جایگزین او شد.^{۶۹۳}

پس از آن، بهرام میرزایی به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان پاوه منصوب شد.^{۶۹۴} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۶۹۵}



بهرام میرزایی. عکس از مهر نیوز

ارسلان سلطان‌قلی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان اسلام‌آباد غرب و عضو شورای تأمین شهرستان اسلام‌آباد غرب

انتصاب و دوره تصدی: ارسلان سلطان‌قلی در فوریه ۲۰۲۱ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان اسلام‌آباد غرب منصوب شد.^{۶۹۶}

او تا ۱۸ اکتبر ۲۰۲۲ در این سمت باقی ماند و در آن زمان بهزاد یوسفوند جایگزین او شد.^{۶۹۷}

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی ارسلان سلطان‌قلی پیدا کند.



ارسلان سلطان‌قلی. عکس از سلام پاوه

۶۹۲ دانا نیوز، «فرمانده جدید سپاه ناحیه جوانرود معرفی شد»، ۱۳ دسامبر ۲۰۲۰.

۶۹۳ بنگرید به: خبرگزاری فارس، «معرفی فرمانده جدید سپاه ناحیه جوانرود»، ۳ سپتامبر ۲۰۲۵.

۶۹۴ خبرگزاری بسیج، «سرهنگ بهرام میرزایی سکان‌دار جدید سپاه پاوه شد»، ۳ سپتامبر ۲۰۲۵.

۶۹۵ بنگرید به: خبرگزاری فارس، «شهید اهل سنت پاوه پس از ۱۲۰ روز مجاهدت در کما به شهادت رسید»، ۲۴ ژوئن ۲۰۲۶.

۶۹۶ خبرگزاری مهر، «فرمانده جدید سپاه اسلام آباد غرب معرفی شد»، ۲۷ فوریه ۲۰۲۱.

۶۹۷ اسلام‌آباد خبر، «مراسم تکریم و معارفه فرمانده سپاه اسلام آبادغرب برگزار شد»، ۱۸ اکتبر ۲۰۲۲.

معارف الفتی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان ثلاث باباجانی و عضو شورای تأمین شهرستان ثلاث باباجانی

انتصاب و دوره تصدی: عفو بین الملل نتوانست مطالبی از رسانه‌های حکومتی پیدا کند که مشخص کنند معارف الفتی چه زمانی به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان ثلاث باباجانی منصوب شده است. با این حال، مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او دست کم از سپتامبر ۲۰۲۱ این سمت را بر عهده داشته است.^{۶۹۸} در فوریه ۲۰۲۳، معارف الفتی به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان قصر شیرین منصوب شد.^{۶۹۹} محمد شریفی متعاقبا به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان ثلاث باباجانی منصوب شد.



معارف الفتی. عکس از ایرنا

معارف الفتی تا سال ۲۰۲۶ همچنان سمت فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان قصر شیرین را بر عهده داشت.^{۷۰۰}

محسن دارابی

سمت: فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان قصر شیرین و عضو شورای تأمین شهرستان قصر شیرین

انتصاب و دوره تصدی: محسن دارابی در اوت ۲۰۲۱ به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان قصر شیرین منصوب شد.^{۷۰۱}



محسن دارابی. عکس از خبرگزاری بسیج

۶۹۸ تابناک کرمانشاه، «بیش از ۱۴ هزار نفر در ثلاث باباجانی واکسن کرونا زدند»، ۲ سپتامبر ۲۰۲۱.

۶۹۹ - ایرنا، «مردم با حضور باشکوه در راهپیمایی ۲۲ بهمن بار دیگر دشمنان را ناامید کردند»، ۶ فوریه ۲۰۲۳.

۷۰۰ ایرنا، «ملت ایران با حضور گسترده در آیین تشییع قدران مجاهدت‌های رهبر شهید خواهند بود»، ۲۹ ژوئن ۲۰۲۶.

۷۰۱ ایرنا، «جرای طرح شهید سلیمانی خدمات خوبی به مردم قصرشیرین ارایه کرد»، ۱ اوت ۲۰۲۱.

او تا فوریه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند.^{۷۰۲} پس از آن، معرف الفتی به عنوان فرمانده جدید ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان قصر شیرین منصوب شد.^{۷۰۳}

مطالب رسانه‌های حکومتی در ادامه سال ۲۰۲۳ نشان می‌دهند که محسن دارابی پس از آن به فرماندهی ناحیه مقاومت بسیج سپاه شهرستان صحنه منصوب شد.^{۷۰۴} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۷۰۵}

۱۳.۴.۵ وزارت کشور

۱۳.۴.۵(۱) سطح کشوری

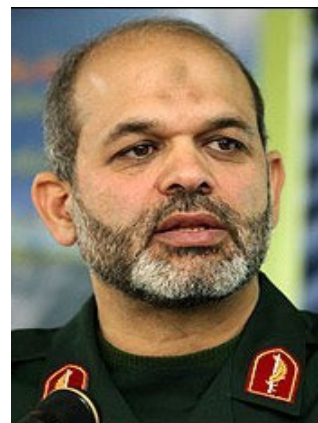
احمد وحیدی

سمت: وزیر کشور، جانشین فرمانده کل قوا در امور نیروی انتظامی و رئیس شورای امنیت کشور

انتصاب و دوره تصدی: احمد وحیدی در اوت ۲۰۲۱ به سمت وزیر کشور منصوب شد.^{۷۰۶}

او تا اوت ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند.^{۷۰۷} پس از آن، اسکندر مومنی به عنوان وزیر جدید کشور منصوب شد.^{۷۰۸}

در اکتبر ۲۰۲۵، احمد وحیدی با حکم رهبر جمهوری اسلامی به سمت جانشین ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد.^{۷۰۹}



احمد وحیدی. عکس از ایرنا

۷۰۲ ایرنا، «مردم با حضور باشکوه در راهپیمایی ۲۲ بهمن بار دیگر دشمنان را ناامید کردند»، ۶ فوریه ۲۰۲۳.

۷۰۳ ایرنا، «مردم با حضور باشکوه در راهپیمایی ۲۲ بهمن بار دیگر دشمنان را ناامید کردند»، ۶ فوریه ۲۰۲۳.

۷۰۴ برای نمونه، بنگرید به: مرصاد نیوز، «اجلاس عمومی مجمع بسیجیان صحنه برگزار شد»، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۳.

۷۰۵ بنگرید به: ایرنا، «فرماندار: شهرستان صحنه برای تشییع باشکوه رهبر شهید آماده می‌شود»، ۲۸ ژوئن ۲۰۲۶.

۷۰۶ ایسنا، «وحیدی وزیر کشور شد»، ۲۵ اوت ۲۰۲۱.

۷۰۷ ایرنا، «مراسم معارفه وزیر کشور با حضور رئیس جمهور برگزار شد»، ۲۶ اوت ۲۰۲۴.

۷۰۸ ایرنا، «مراسم معارفه وزیر کشور با حضور رئیس جمهور برگزار شد»، ۲۶ اوت ۲۰۲۴.

۷۰۹ انتخاب، «سردار وحیدی به عنوان جانشین ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد»، ۳۰ اکتبر ۲۰۲۵.

در دسامبر ۲۰۲۵، احمد وحیدی با حکم رهبر جمهوری اسلامی به سمت جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد.^{۷۱۰}

در ۱۰ اوت سال ۲۰۲۶، رسانه‌های حکومتی حکم انتصاب احمد وحیدی از سوی رهبر جمهوری اسلامی، مجتبی خامنه‌ای، به فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را منتشر کردند.^{۷۱۱}

مجید میراحمدی



مجید میراحمدی. عکس از دفاع پرس

سمت: معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور و دبیر شورای امنیت کشور

انتصاب و دوره تصدی: مجید میراحمدی در دسامبر ۲۰۲۱ از سوی احمد وحیدی، وزیر وقت کشور، به سمت معاون امنیتی و انتظامی وزیر کشور منصوب شد.^{۷۱۲}

او تا سپتامبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به سمت معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح منصوب شد.^{۷۱۳}

گزارش‌های رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او تا دسامبر ۲۰۲۵ همچنان این سمت را بر عهده داشت،^{۷۱۴} اما تا آوریل سال ۲۰۲۶ دیگر عهده‌دار این سمت نبود.^{۷۱۵}

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی مجید میراحمدی پیدا کند.

(۲) ۱۳.۴.۵ استان کردستان

- ۷۱۰ ایرنا، «سردار وحیدی به جانشینی فرمانده کل سپاه منصوب شد»، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۵.
- ۷۱۱ تابناک، «سردار وحیدی فرمانده جدید سپاه شد»، ۱ مارس ۲۰۲۶.
- ۷۱۲ دفاع پرس، «معاون جدید امنیتی و انتظامی وزارت کشور منصوب شد»، ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱.
- ۷۱۳ جوان آنلاین، «سیدمجید میراحمدی به ستاد کل نیروهای مسلح باز می‌گردد»، ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۴.
- ۷۱۴ دفاع پرس، «دیدار سپهبد آلتین داغ با معاون اطلاعات و امنیت ستاد کل نیروهای مسلح»، ۲۴ دسامبر ۲۰۲۵.
- ۷۱۵ دفاع پرس، «سردار میراحمدی: عملکرد معجزه‌گونه نیروهای مسلح در برابر قدرتهای شیطانی/ دنیا ایران را پیروز میدان میدانند»، ۳۰ آوریل ۲۰۲۶.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

اسماعیل زارعی کوشا



اسماعیل زارعی کوشا. عکس از ایرنا

سمت: استاندار کردستان و رئیس شورای تأمین استان کردستان

انتصاب و دوره تصدی: اسماعیل زارعی کوشا در نوامبر ۲۰۲۱ به سمت استاندار کردستان

منصوب شد.^{۷۱۶}

او تا سپتامبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند.^{۷۱۷} پس از آن، آرش زره‌تن لهورنی به‌عنوان

استاندار جدید کردستان منصوب شد.^{۷۱۸}

اسماعیل زارعی کوشا سپس در ژانویه ۲۰۲۵ به‌عنوان مستشار دیوان محاسبات منصوب

شد.^{۷۱۹} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۷۲۰}

مهدی رضانی



مهدی رضانی. عکس از مهرنیوز

سمت: معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کردستان و دبیر شورای تأمین استان کردستان

انتصاب و دوره تصدی: مهدی رضانی در فوریه ۲۰۲۲ از سوی احمد وحیدی، وزیر

وقت کشور، به سمت معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کردستان منصوب

شد.^{۷۲۱}

او تا دسامبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند و در آن زمان علی‌اکبر ورمقانی جایگزین او

شد.^{۷۲۲}

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی مهدی رضانی پیدا کند.

۷۱۶ مهر، «اسماعیل زارعی کوشا استاندار کردستان شد»، ۱۷ نوامبر ۲۰۲۱.

۷۱۷ عصر ایران، «برای اولین بار بعد از ۴۵ سال / شهروند سنی، استاندار کردستان شد»، ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴.

۷۱۸ عصر ایران، «برای اولین بار بعد از ۴۵ سال / شهروند سنی، استاندار کردستان شد»، ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۴.

۷۱۹ دنیای اقتصاد، «۱۲ مستشار دیوان محاسبات انتخاب شدند»، ۵ ژانویه ۲۰۲۵.

۷۲۰ تسنیم، «زارعی کوشا: رئیس جمهور شهید بر استقلال سیاسی کشور تاکید داشت»، ۲۱ مه ۲۰۲۶.

۷۲۱ تسنیم، «معاون سیاسی امنیتی استانداری کردستان منصوب شد»، ۱ فوریه ۲۰۲۲.

۷۲۲ ایمننا، «معاون سیاسی، امنیتی استانداری کردستان معرفی شد»، ۲۸ دسامبر ۲۰۲۴.

حسن عسکری ۷۲۳



حسن عسکری. عکس از دفاع پرس

سمت: فرماندار سنندج و رئیس شورای تأمین شهرستان سنندج
انتصاب و دوره تصدی: حسن عسکری در آوریل ۲۰۲۲ به سمت فرماندار سنندج منصوب شد.^{۷۲۴}
 او تا فوریه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان غریب سجادی جایگزین او شد.^{۷۲۵}
 در مه ۲۰۲۵، حسن عسکری به سمت جانشین فرمانده سپاه استانی بیت المقدس کردستان منصوب شد.^{۷۲۶}
 او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۷۲۷}

جعفر توان



جعفر توان. عکس از ایرنا

سمت: فرماندار سقز و رئیس شورای تأمین شهرستان سقز
انتصاب و دوره تصدی: جعفر توان در آوریل ۲۰۲۲ به سمت فرماندار سقز منصوب شد.^{۷۲۸}
 او تا فوریه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند.^{۷۲۹} پس از آن، ضیاءالدین نعمانی به عنوان فرماندار جدید سقز منصوب شد.^{۷۳۰}
 عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی جعفر توان پیدا کند.

^{۷۲۳} همچنین شناخته شده به عنوان حسن عسگری.

^{۷۲۴} مهر، «فرماندار جدید سنندج منصوب شد»، ۱۵ آوریل ۲۰۲۲.

^{۷۲۵} خبرگزاری ایمن، «فرماندار جدید سنندج معرفی شد + سوابق»، ۲۳ فوریه ۲۰۲۵.

^{۷۲۶} خبرگزاری ایمن، «جانشین فرمانده سپاه کردستان معرفی شد + سوابق»، ۶ مه ۲۰۲۵.

^{۷۲۷} ایسنا، «راه امام شهید با قدرت بیشتر ادامه خواهد یافت+فیلم»، ۴ ژوئیه ۲۰۲۶.

^{۷۲۸} خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «فرماندار جدید سقز معرفی شد»، ۲۱ آوریل ۲۰۲۲.

^{۷۲۹} خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «آیین تکریم و معارفه فرماندار سقز»، ۲۰ فوریه ۲۰۲۵.

^{۷۳۰} خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «آیین تکریم و معارفه فرماندار سقز»، ۲۰ فوریه ۲۰۲۵.

طاهر حسینی



طاهر حسینی. عکس از تسنیم

سمت: فرماندار دیواندره و رئیس شورای تأمین شهرستان دیواندره

انتصاب و دوره تصدی: طاهر حسینی در مارس ۲۰۲۲ به سمت فرماندار دیواندره منصوب شد.^{۷۳۱}

او تا اوت ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند.^{۷۳۲} پس از آن، جواد حسینی به عنوان فرماندار جدید دیواندره منصوب شد.^{۷۳۳}

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی طاهر حسینی پیدا کند.

کمال خدری



کمال خدری. عکس از فرمانداری بانه

سمت: فرماندار بانه و رئیس شورای تأمین شهرستان بانه

انتصاب و دوره تصدی: کمال خدری در آوریل ۲۰۲۲ به سمت فرماندار بانه منصوب شد.^{۷۳۴}

او تا ژانویه ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند.^{۷۳۵} پس از آن، احسان درویشی به عنوان فرماندار جدید بانه منصوب شد.^{۷۳۶}

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی کمال خدری پیدا کند.

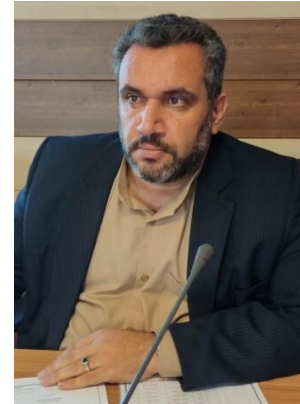
- ۷۳۱ تسنیم، «فرماندار جدید دیواندره معرفی شد»، ۱۸ مارس ۲۰۲۲.
- ۷۳۲ تابناک، «تغییر در مدیریت عالی شهرستان دیواندره»، ۲۰ اوت ۲۰۲۳.
- ۷۳۳ تابناک، «تغییر در مدیریت عالی شهرستان دیواندره»، ۲۰ اوت ۲۰۲۳.
- ۷۳۴ تسنیم، «مراسم معارفه فرماندار بانه برگزار شد»، ۲۱ آوریل ۲۰۲۲.
- ۷۳۵ کردپرس، «سرپرست فرمانداری شهرستان بانه منصوب شد»، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۴.
- ۷۳۶ خبرگزاری مهر، «آیین معارفه سرپرست فرمانداری بانه برگزار شد»، ۱۱ ژانویه ۲۰۲۴.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین الملل

حمید معتمدی



حمید معتمدی. عکس از مهرنیوز

سمت: فرماندار دهگلان و رئیس شورای تأمین شهرستان دهگلان
انتصاب و دوره تصدی: حمید معتمدی در مارس ۲۰۲۲ به سمت فرماندار دهگلان منصوب شد.^{۷۳۷}

او تا اکتبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند.^{۷۳۸} پس از آن، سودابه ضرغام‌نژاد به‌عنوان فرماندار جدید دهگلان منصوب شد.^{۷۳۹}

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی حمید معتمدی پیدا کند.

کیوان شافعی



کیوان شافعی. عکس از مهرنیوز

سمت: فرماندار کامیاران و رئیس شورای تأمین شهرستان کامیاران
انتصاب و دوره تصدی: کیوان شافعی در سپتامبر ۲۰۲۲ به سمت فرماندار کامیاران منصوب شد.^{۷۴۰}

او تا ژوئیه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند.^{۷۴۱} پس از آن، کیانوش ثقفی‌نیا به‌عنوان فرماندار جدید کامیاران منصوب شد.^{۷۴۲}

مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که کیوان شافعی در نوامبر ۲۰۲۴ به سمت رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان کردستان منصوب شد.^{۷۴۳} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۷۴۴}

^{۷۳۷} تسنیم، «فرمانداران دهگلان و بیجار منصوب شدند»، ۱۲ مارس ۲۰۲۲.

^{۷۳۸} دفاع‌پرس، «انتصاب اولین فرماندار دولت چهاردهم در کردستان»، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴.

^{۷۳۹} دفاع‌پرس، «انتصاب اولین فرماندار دولت چهاردهم در کردستان»، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴.

^{۷۴۰} فرمانداری شهرستان کامیاران، «حکم فرماندار شهرستان کامیاران به امضای وزیر کشور رسید»، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۲.

^{۷۴۱} خبرگزاری مهر، «فرماندار جدید کامیاران معرفی شد»، ۴ ژوئیه ۲۰۲۳.

^{۷۴۲} خبرگزاری مهر، «فرماندار جدید کامیاران معرفی شد»، ۴ ژوئیه ۲۰۲۳.

^{۷۴۳} برای نمونه، بنگرید به: خبرگزاری تسنیم، «سرپرست جدید دانشگاه آزاد کردستان منصوب شد+سوابق»، ۲۲ نوامبر ۲۰۲۴.

^{۷۴۴} خبرگزاری آنا، «شهید طهرانچی با نگاهی تمدن‌ساز نقش موثری در ارتقای جایگاه علمی و فرهنگی دانشگاه آزاد ایفا کرد»، ۱۳ ژوئن ۲۰۲۶.

اسماعیل احمدی

سمت: فرماندار مریوان و رئیس شورای تأمین شهرستان مریوان
انتصاب و دوره تصدی: اسماعیل احمدی در مارس ۲۰۲۲ به سمت فرماندار مریوان منصوب شد.^{۷۴۵}

او تا مه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند.^{۷۴۶} پس از آن، نژاد جهانی به عنوان فرماندار جدید مریوان منصوب شد.^{۷۴۷}

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی اسماعیل احمدی پیدا کند.



اسماعیل احمدی. عکس از ایرنا

(۳) ۱۳.۴.۵ استان آذربایجان غربی

محمدصادق معتمدیان

سمت: استاندار آذربایجان غربی و رئیس شورای تأمین استان آذربایجان غربی
انتصاب و دوره تصدی: محمدصادق معتمدیان در اکتبر ۲۰۲۱ به سمت استاندار آذربایجان غربی منصوب شد.^{۷۴۸}

او تا اکتبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به سمت استاندار تهران منصوب شد.^{۷۴۹} پس از آن، رضا رحمانی به عنوان استاندار جدید آذربایجان غربی منصوب شد.^{۷۵۰}

مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که او تا سال ۲۰۲۶ همچنان سمت استانداری تهران را بر عهده داشت.^{۷۵۱}



محمدصادق معتمدیان. عکس از ایمنّا

^{۷۴۵} خبرگزاری مهر، «فرماندار جدید مریوان معرفی شد»، ۱۳ مارس ۲۰۲۲.

^{۷۴۶} خبرگزاری تسنیم، «فرماندار مریوان معرفی شد»، ۳ مه ۲۰۲۵.

^{۷۴۷} خبرگزاری تسنیم، «فرماندار مریوان معرفی شد»، ۳ مه ۲۰۲۵.

^{۷۴۸} خبرگزاری مهر، «محمدصادق معتمدیان استاندار آذربایجان غربی شد»، ۱۷ اکتبر ۲۰۲۱.

^{۷۴۹} خبرگزاری مهر، «محمدصادق معتمدیان استاندار جدید تهران کیست؟»، ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴.

^{۷۵۰} ایرنا، «رضا رحمانی استاندار آذربایجان غربی شد»، ۴ دسامبر ۲۰۲۴.

^{۷۵۱} ایرنا، «استاندار تهران از مردم خواست از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند»، ۴ ژوئیه ۲۰۲۶.

رضا ابراهیمی

سمت: رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار آذربایجان غربی و دبیر شورای تأمین استان آذربایجان غربی

انتصاب و دوره تصدی: رضا ابراهیمی در دسامبر ۲۰۲۱ به سمت رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری آذربایجان غربی منصوب شد.^{۷۵۲}

در اکتبر ۲۰۲۴، او به‌طور همزمان به‌عنوان رئیس دفتر استانداری آذربایجان غربی منصوب شد.^{۷۵۳}

در ژانویه ۲۰۲۵، رضا رحمانی، استاندار وقت آذربایجان غربی، او را به سمت مشاور استاندار منصوب کرد.^{۷۵۴} عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی پیدا کند که نشان‌دهنده تغییری در سمت او از آن زمان تاکنون باشد.



رضا ابراهیمی. عکس از ایرنا

باباخان اسکندری

سمت: فرماندار بوکان و رئیس شورای تأمین شهرستان بوکان

انتصاب و دوره تصدی: باباخان اسکندری در دسامبر ۲۰۲۱ از سوی محمدصادق معتمدیان، استاندار وقت آذربایجان غربی، به سمت فرماندار بوکان منصوب شد.^{۷۵۵}

او تا مارس ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان از سوی استاندار آذربایجان غربی به سمت فرماندار سردشت منصوب شد.^{۷۵۶} پس از آن، خشایار صنعتی به‌عنوان فرماندار جدید بوکان منصوب شد.^{۷۵۷}

باباخان اسکندری تا مارس ۲۰۲۵ همچنان سمت فرمانداری سردشت را بر عهده داشت.^{۷۵۸}



باباخان اسکندری. عکس از بوکان آنلاین

^{۷۵۲} کردپرس، «تغییر معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری آذربایجان غربی»، ۲۵ دسامبر ۲۰۲۱.

^{۷۵۳} ایلنا، «سرپرست استانداری آذربایجان غربی منصوب شد»، ۲۲ اکتبر ۲۰۲۴.

^{۷۵۴} خبرگزاری صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، «معرفی معاونان جدید استانداری آذربایجان غربی»، ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵.

^{۷۵۵} ایرنا، «معرفی فرماندار جدید بوکان»، ۳۰ دسامبر ۲۰۲۱.

^{۷۵۶} کردپرس، «فرماندار سابق بوکان فرماندار جدید سردشت شد»، ۱۵ مارس ۲۰۲۳.

^{۷۵۷} کردپرس، «فرماندار جدید بوکان معرفی شد»، ۱۵ مارس ۲۰۲۳.

^{۷۵۸} ایرنا، «میرزایی سرپرست فرمانداری شهرستان سردشت شد»، ۱ مارس ۲۰۲۵.

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی باباخان اسکندری پیدا کند.

امیر قادری



امیر قادری. عکس از ایرنا

منصوب شد.^{۷۶۱}

سمت: فرماندار مهاباد و رئیس شورای تأمین شهرستان مهاباد
انتصاب و دوره تصدی: امیر قادری در ژانویه ۲۰۲۲ از سوی محمدصادق معتمدیان،
استاندار وقت آذربایجان غربی، به سمت فرماندار مهاباد منصوب شد.^{۷۵۹}
او تا ۱۷ دسامبر ۲۰۲۲ در این سمت باقی ماند و در آن تاریخ حسن عباسی به‌عنوان
فرماندار جدید مهاباد منصوب شد.^{۷۶۰}
عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های امیر قادری در فاصله دسامبر
۲۰۲۲ تا فوریه سال ۲۰۲۶ پیدا کند.

در فوریه سال ۲۰۲۶، امیر قادری به سمت مدیرکل راه و شهرسازی استان کردستان

او با حفظ این سمت، در ژوئیه سال ۲۰۲۶ از سوی استاندار کردستان به سمت معاون هماهنگی امور عمرانی
استانداری کردستان منصوب شد.^{۷۶۲}

۷۵۹ کردپرس، «سرپرست فرمانداری شهرستان مهاباد منصوب شد»، ۱۳ ژانویه ۲۰۲۲.

۷۶۰ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «آیین تکریم و معارفه فرماندار جدید مهاباد»، ۱۷ دسامبر ۲۰۲۲.

۷۶۱ خبرگزاری ایما، «مدیرکل جدید راه و شهرسازی کردستان معرفی شد + سوابق»، ۲۶ فوریه ۲۰۲۶.

۷۶۲ دفاع‌پرس، «سرپرست جدید معاونت عمرانی استانداری کردستان معرفی شد»، ۱ ژوئیه ۲۰۲۶.

خضر کاک درویشی



خضر کاک درویشی. عکس از برنا

سمت: فرماندار پیرانشهر و رئیس شورای تأمین شهرستان پیرانشهر

انتصاب و دوره تصدی: خضر کاک درویشی در دسامبر ۲۰۲۱ از سوی محمدصادق معتمدیان، استاندار وقت آذربایجان غربی، به سمت فرماندار پیرانشهر منصوب شد.^{۷۶۳}

او تا ژانویه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان از سوی رضا رحمانی، استاندار آذربایجان غربی، به سمت معاون توسعه مدیریت و منابع استانداری آذربایجان غربی منصوب شد.^{۷۶۴}

پس از آن، لقمان خسروپور به عنوان فرماندار جدید پیرانشهر منصوب شد.^{۷۶۵}

خضر کاک درویشی تا سال ۲۰۲۶ همچنان سمت معاون توسعه مدیریت و منابع استانداری آذربایجان غربی را بر عهده داشت.^{۷۶۶}

علی ترابی



سید علی ترابی. عکس از استان سازان

سمت: فرماندار اشنویه و رئیس شورای تأمین شهرستان اشنویه

انتصاب و دوره تصدی: سید علی ترابی در دسامبر ۲۰۲۱ از سوی محمدصادق معتمدیان، استاندار وقت آذربایجان غربی، به سمت فرماندار اشنویه منصوب شد.^{۷۶۷}

او تا سپتامبر ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان عبدالسلام مام عزیز به عنوان فرماندار جدید اشنویه منصوب شد.^{۷۶۸}

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی سید علی ترابی پیدا کند.

- ۷۶۳ باشگاه خبرنگاران جوان، «سرپرست فرمانداری پیرانشهر منصوب شد»، ۶ دسامبر ۲۰۲۱.
- ۷۶۴ خبرگزاری فارس، «معاونین جدید استانداری آذربایجان غربی معرفی شدند»، ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵.
- ۷۶۵ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معرفی فرماندار جدید پیرانشهر»، ۱ فوریه ۲۰۲۵.
- ۷۶۶ خبرگزاری فارس، «ادارات آذربایجان غربی فردا ساعت ۹ صبح آغاز به کار می‌کنند»، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۶.
- ۷۶۷ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معرفی سرپرست فرمانداری اشنویه»، ۸ دسامبر ۲۰۲۱.
- ۷۶۸ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «معرفی فرماندار جدید اشنویه»، ۸ سپتامبر ۲۰۲۵.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین الملل

غلامحسین عماری



غلامحسین عماری. عکس از ایرنا

سمت: فرماندار ارومیه و رئیس شورای تأمین شهرستان ارومیه

انتصاب و دوره تصدی: غلامحسین عماری در فوریه ۲۰۲۲ به سمت فرماندار ارومیه منصوب شد.^{۷۶۹}

او تا فوریه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان رسول مقابلی به عنوان فرماندار جدید ارومیه منصوب شد.^{۷۷۰}

عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی غلامحسین عماری پیدا کند.

۱۳.۴.۵(۴) استان کرمانشاه

بهمن امیری مقدم



بهمن امیری مقدم. عکس از ایرنا

سمت: استاندار کرمانشاه و رئیس شورای تأمین استان کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: بهمن امیری مقدم در ژانویه ۲۰۲۲ به سمت استاندار کرمانشاه منصوب شد.^{۷۷۱}

او تا دسامبر ۲۰۲۲ در این سمت باقی ماند و در آن زمان محمدطیب صحرایی جایگزین او شد.^{۷۷۲}

در آوریل ۲۰۲۳، بهمن امیری مقدم به سمت مدیرکل دفتر امور مرزی و مرزنشینان منصوب شد.^{۷۷۳} ظاهراً او تا ژانویه ۲۰۲۵ این سمت را بر عهده داشت.^{۷۷۴}

- ۷۶۹ خبرگزاری مهر، «سرپرست فرمانداری ارومیه معرفی شد»، ۲۳ فوریه ۲۰۲۲.
- ۷۷۰ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «فرماندار جدید شهرستان ارومیه معرفی شد»، ۳ فوریه ۲۰۲۵.
- ۷۷۱ جهان نیوز، «بهمن امیری مقدم استاندار کرمانشاه شد»، ۵ ژانویه ۲۰۲۲.
- ۷۷۲ بنگرید به: خبرگزاری مهر، «استاندار جدید کرمانشاه را بیشتر بشناسیم»، ۲۷ نوامبر ۲۰۲۴.
- ۷۷۳ ایرنا، «سه مدیر کل جدید در وزارت کشور منصوب شدند»، ۱۹ آوریل ۲۰۲۳.
- ۷۷۴ خبرگزاری میزان، «مهدی حسن عباسی مدیرکل دفتر امور مرزی و مرزنشینان وزارت کشور شد»، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۵.

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین الملل

مطالب رسانه‌های حکومتی حاکی از آن است که او بعدتر در سال ۲۰۲۵ به سمت معاون رئیس جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران منصوب شد.^{۷۷۵} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۷۷۶}

محمد پورهایمی



محمد پورهایمی. عکس از ایرنا

سمت: رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کرمانشاه و مدیرکل امنیتی و انتظامی استانداری کرمانشاه و دبیر شورای تأمین استان کرمانشاه

انتصاب و دوره تصدی: محمد پورهایمی در مه ۲۰۲۲ به سمت رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کرمانشاه منصوب شد.^{۷۷۷}

در همان ماه، او همزمان به سمت رئیس دفتر امنیتی و انتظامی استانداری کرمانشاه نیز منصوب شد.^{۷۷۸}

مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که تا دسامبر ۲۰۲۴، بهرام سلیمانی به‌عنوان رئیس دفتر معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار کرمانشاه جایگزین او شده بود.^{۷۷۹} با این حال، مطالب رسانه‌های حکومتی نشان می‌دهند که محمد پورهایمی تا سال ۲۰۲۶ همچنان سمت مدیرکل امنیتی و انتظامی استان کرمانشاه را بر عهده داشت.^{۷۸۰}

۷۷۵ ایسنا، «آماده‌باش ۲۲ هزار امدادگر در زمستان ۱۴۰۴ / استفاده از ریزرندها»، نوامبر ۲۰۲۵.

۷۷۶ خبرگزاری صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، «بیشترین حوادث در کدام استان‌ها رخ داد»، ۲۵ فوریه ۲۰۲۶.

۷۷۷ استانداری کرمانشاه، «سرپرست معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری کرمانشاه منصوب شد»، ۱۹ مه ۲۰۲۲.

۷۷۸ میلکان آنلاین، «مدیرکل امنیتی و انتظامی استانداری منصوب شد»، ۱۵ مه ۲۰۲۲.

۷۷۹ خبرگزاری فارس، «آغاز تغییرات مدیریتی در استانداری کرمانشاه»، ۱۷ دسامبر ۲۰۲۴.

۷۸۰ فرمانداری گیلانغرب، «مدیرکل امنیتی و انتظامی استانداری کرمانشاه: تکمیل زیرساخت‌های مرز سومار با شتاب در حال انجام است»، ۲۷ ژوئن ۲۰۲۶.

ابراهیم رحیمی زنگنه



ابراهیم رحیمی زنگنه. عکس از قطره نیوز

سمت: فرماندار کرمانشاه و رئیس شورای تأمین شهرستان کرمانشاه
انتصاب و دوره تصدی: ابراهیم رحیمی زنگنه در ژوئیه ۲۰۲۲ به سمت فرماندار کرمانشاه منصوب شد.^{۷۸۱}

او تا آوریل ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند.^{۷۸۲} پس از آن، محمدرضا آمویی به عنوان فرماندار جدید کرمانشاه منصوب شد.^{۷۸۳}
عفو بین الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی ابراهیم رحیمی زنگنه پیدا کند.

سعدی نقشبندی



سعدی نقشبندی. عکس از ایسنا

سمت: فرماندار جوانرود و رئیس شورای تأمین شهرستان جوانرود
انتصاب و دوره تصدی: سعدی نقشبندی در مه ۲۰۲۲ به سمت فرماندار جوانرود منصوب شد.^{۷۸۴} او تا ژوئیه ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان نامدار حسینی به عنوان فرماندار جدید جوانرود منصوب شد.^{۷۸۵}

بعدتر، در دسامبر ۲۰۲۴، سعدی نقشبندی به ریاست سازمان جهاد کشاورزی استان کردستان، منصوب شد، شاخه استانی یک نهاد دولتی ملی مسئول امور کشاورزی و توسعه روستایی.^{۷۸۶} او تا سال ۲۰۲۶ همچنان این سمت را بر عهده داشت.^{۷۸۷}

۷۸۱ ایسنا، «ابراهیم رحیمی زنگنه سرپرست فرمانداری کرمانشاه شد»، ۳ ژوئیه ۲۰۲۲.

۷۸۲ خبرگزاری مهر، «آمویی سرپرست جدید فرمانداری کرمانشاه معرفی شد»، ۵ آوریل ۲۰۲۳.

۷۸۳ خبرگزاری مهر، «آمویی سرپرست جدید فرمانداری کرمانشاه معرفی شد»، ۵ آوریل ۲۰۲۳.

۷۸۴ ایرنا، «سرپرست فرمانداری جوانرود معرفی شد»، ۲۱ مه ۲۰۲۲.

۷۸۵ کردپرس، «نامدار حسینی سرپرست فرمانداری جوانرود شد»، ۴ ژوئیه ۲۰۲۳.

۷۸۶ کردپرس، «سعدی نقشبندی رئیس سازمان جهاد کشاورزی کردستان شد»، ۲۳ دسامبر ۲۰۲۴.

۷۸۷ خبرگزاری صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، «پیش‌بینی خرید تضمینی تا ۷۸۰ هزار تن گندم در کردستان»، ۹ ژوئیه ۲۰۲۶.

حمیدرضا کرمی

سمت: فرماندار اسلام‌آباد غرب و رئیس شورای تأمین شهرستان اسلام‌آباد غرب

انتصاب و دوره تصدی: حمیدرضا کرمی در مه ۲۰۲۲ به سمت فرماندار اسلام‌آباد غرب منصوب شد.^{۷۸۸}

او تا ژانویه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان فرهاد شهبازی به‌عنوان فرماندار اسلام‌آباد غرب منصوب شد.^{۷۸۹}

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی حمیدرضا کرمی پیدا کند.



حمیدرضا کرمی. عکس از مهرنیوز

فرامرز باوندپوری گیلان

سمت: فرماندار ثلاث باباجانی و رئیس شورای تأمین شهرستان ثلاث باباجانی

انتصاب و دوره تصدی: فرامرز باوندپوری گیلان در آوریل ۲۰۲۲ به سمت فرماندار ثلاث باباجانی منصوب شد.^{۷۹۰}

او تا فوریه ۲۰۲۵ در این سمت باقی ماند و در آن زمان علیرضا رضایی به‌عنوان فرماندار جدید ثلاث باباجانی منصوب شد.^{۷۹۱}

عفو بین‌الملل نتوانست اطلاعاتی درباره سمت‌های بعدی فرامرز باوندپوری گیلان پیدا کند.



فرامرز باوندپوری گیلان. عکس از ایرنا

۷۸۸ ایسنا، «فرماندار جدید اسلام‌آبادغرب معرفی شد»، ۳۰ مه ۲۰۲۲.

۷۸۹ ایسنا، «معارفه سرپرست فرمانداری اسلام‌آبادغرب»، ۲۶ ژانویه ۲۰۲۵.

۷۹۰ خبرگزاری مهر، «فرماندار جدید ثلاث باباجانی معارفه شد»، ۵ آوریل ۲۰۲۲.

۷۹۱ ایسنا، «انتصاب سرپرست فرمانداری ۳ شهرستان استان کرمانشاه»، ۱۵ فوریه ۲۰۲۵.



محمد حیدری. عکس از ایرنا

سمت: فرماندار قصر شیرین و رئیس شورای تأمین شهرستان قصر شیرین

انتصاب و دوره تصدی: محمد حیدری در ژوئیه ۲۰۲۲ به سمت فرماندار قصر شیرین منصوب شد.^{۷۹۲}

او تا ژوئن ۲۰۲۳ در این سمت باقی ماند و در آن زمان محمد نجفی به عنوان فرماندار جدید قصر شیرین منصوب شد.^{۷۹۳}

در ژوئیه ۲۰۲۳، محمد حیدری به سمت فرماندار رودسر در استان گیلان منصوب شد.^{۷۹۴}

او تا اکتبر ۲۰۲۴ در این سمت باقی ماند و در آن زمان به سمت مدیرکل دفتر امور هیئت دولت منصوب شد.^{۷۹۵}

عفو بین الملل نتوانست مطالبی از رسانه های حکومتی پیدا کند که مشخص کنند محمد حیدری چه زمانی این سمت را ترک کرده یا به سمت های بعدی منصوب شده است. با این حال، مطالب رسانه های حکومتی نشان می دهند که او تا مه سال ۲۰۲۶ سمت مدیرکل پیگیری های ویژه دفتر رئیس جمهور را بر عهده داشت.^{۷۹۶}

۱۳.۵ نمودارهای سازمانی مقام ها

این بخش شامل سه نمودار سازمانی برای استان های کردستان، کرمانشاه و آذربایجان غربی است. این سه نمودار در مجموع نام، سمت و عکس ۸۷ مقام را که عفو بین الملل آن ها را در ارتباط با جنایات علیه بشریت مستندسازی شده در این مناطق مستوجب تحقیقات کیفری دانسته است، ارائه می کنند. هر سه نمودار سازمانی شامل ۱۰ مقام کشوری یکسان هستند. افزون بر این، نمودار سازمانی کردستان شامل ۳۱ مقام دیگر، نمودار سازمانی کرمانشاه شامل ۲۴ مقام دیگر و نمودار سازمانی آذربایجان غربی شامل ۲۴ مقام دیگر در سطوح منطقه ای، استانی و شهرستان است. در سطح منطقه ای، دو مقام یکسان در هر دو نمودار سازمانی کردستان و

^{۷۹۲} بنگرید به: خبرگزاری برنا، «استاندار کرمانشاه سرپرست فرمانداری های کنگاور و قصر شیرین را منصوب کرد»، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۳.

^{۷۹۳} خبرگزاری برنا، «استاندار کرمانشاه سرپرست فرمانداری های کنگاور و قصر شیرین را منصوب کرد»، ۱۵ ژوئن ۲۰۲۳.

^{۷۹۴} دیار میرزا، «یک غیر بومی سرپرست فرمانداری شهرستان رودسر شد»، ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۳.

^{۷۹۵} گیل خبر، «فرماندار رودسر، مدیرکل دفتر امور هیئت دولت شد»، ۹ اکتبر ۲۰۲۴.

^{۷۹۶} پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، «تأکید نماینده ویژه رئیس جمهور بر هم افزایی حداکثری برای تسهیل فعالیت های بندری»، ۲۱ مه ۲۰۲۶. ایرنا، «مدیرکل پیگیری های ویژه ریاست جمهوری: دولت به دنبال بی اثر کردن تحریم هاست»، ۲۱ مه ۲۰۲۶. کردپرس، «انتصاب فرماندار اسبق قصر شیرین به عنوان مدیرکل پیگیری های ویژه دفتر رئیس جمهور»، ۲ مه ۲۰۲۶.

آذربایجان غربی ظاهر می‌شوند، زیرا آن‌ها فرمانده و جانشین فرمانده قرارگاه منطقه‌ای حمزه سیدالشهدا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند که حوزه مسئولیت آن هر دو استان را در بر می‌گیرد.

در هر نمودار سازمانی، پس از ارائه رهبر جمهوری اسلامی ایران و رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، مقام‌ها بر اساس وابستگی سازمانی خود در سه نهاد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) و وزارت کشور گروه‌بندی شده‌اند. این نمودارهای سازمانی ساختار سلسله‌مراتبی این نهادها را در سطوح کشوری، منطقه‌ای، استانی و شهرستانی و روابط سلسله‌مراتبی میان مقام‌ها در درون این نهادها به تصویر می‌کشند. با این حال، با توجه به ابهام پیرامون سازمان‌دهی داخلی دستگاه امنیتی ایران و فقدان اطلاعات عمومی تفصیلی درباره روابط گزارش‌دهی، این نمودارهای سازمانی خطوط مشخص گزارش‌دهی میان مقام‌های منفرد را نشان نمی‌دهند.

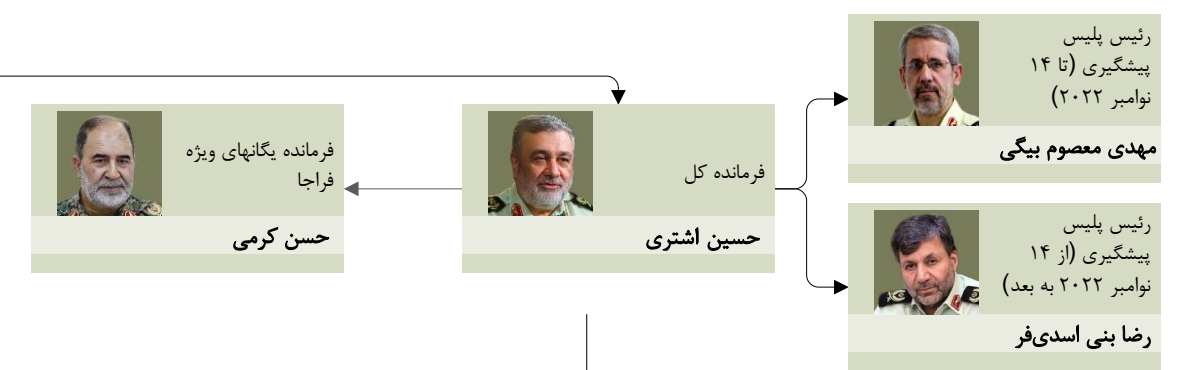
علاوه بر این، نمودارهای سازمانی روابط میان مقام‌ها در سه نهاد یادشده را از طریق خطوط اتصال به تصویر نمی‌کشند. با این حال، عفو بین‌الملل یادآور می‌شود که مقام‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فراجا و وزارت کشور در هماهنگی نزدیک با یکدیگر عمل می‌کنند؛ موضوعی که در فصل ۱۰ به تفصیل تشریح شده است. بنابراین، این نمودارهای سازمانی باید به‌عنوان نمایی کلی از روابط سلسله‌مراتبی در درون هر یک از این نهادها درک شوند، نه بازنمایی دقیق روش هماهنگی و همکاری بین‌نهادی که مشخصه برنامه‌ریزی و اجرای عملیات سرکوب اعتراضات بوده است.

مقام‌های مستوجب تحقیق کیفری در ارتباط با جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» شهریور تا آذر ۱۴۰۱

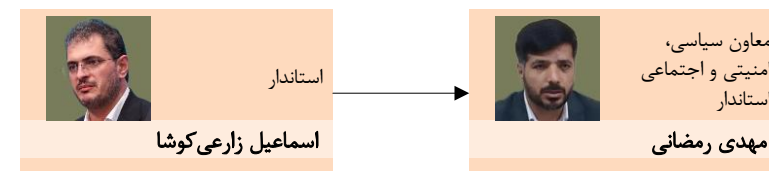
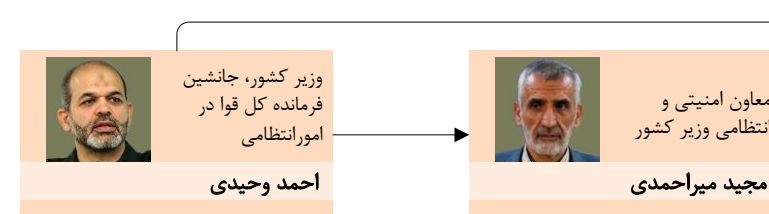
استان کردستان



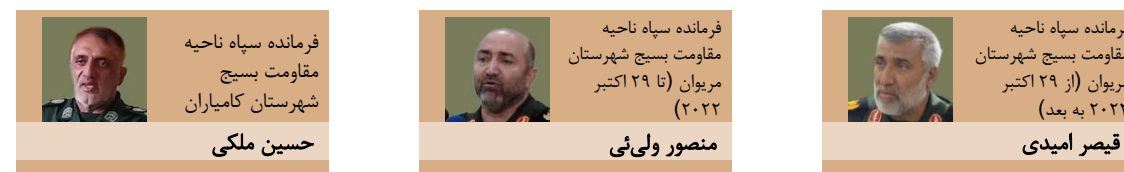
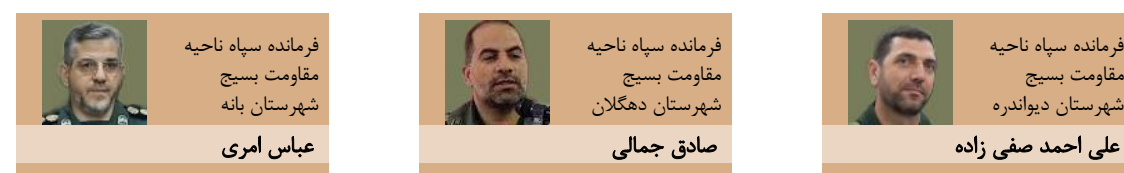
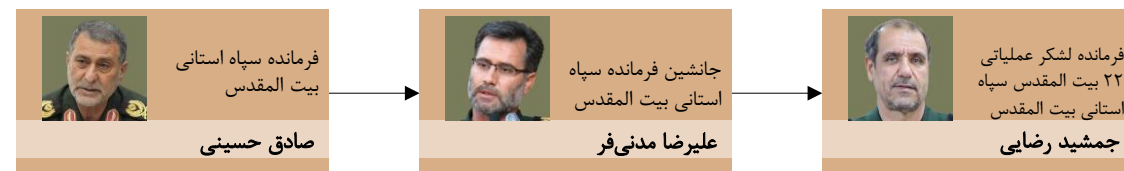
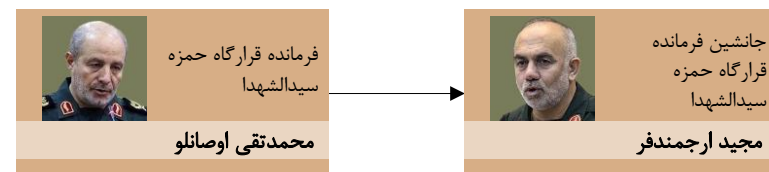
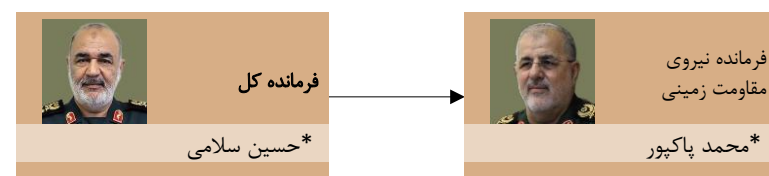
فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا)



وزارت کشور



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



کشوری

منطقه‌ای

استانی

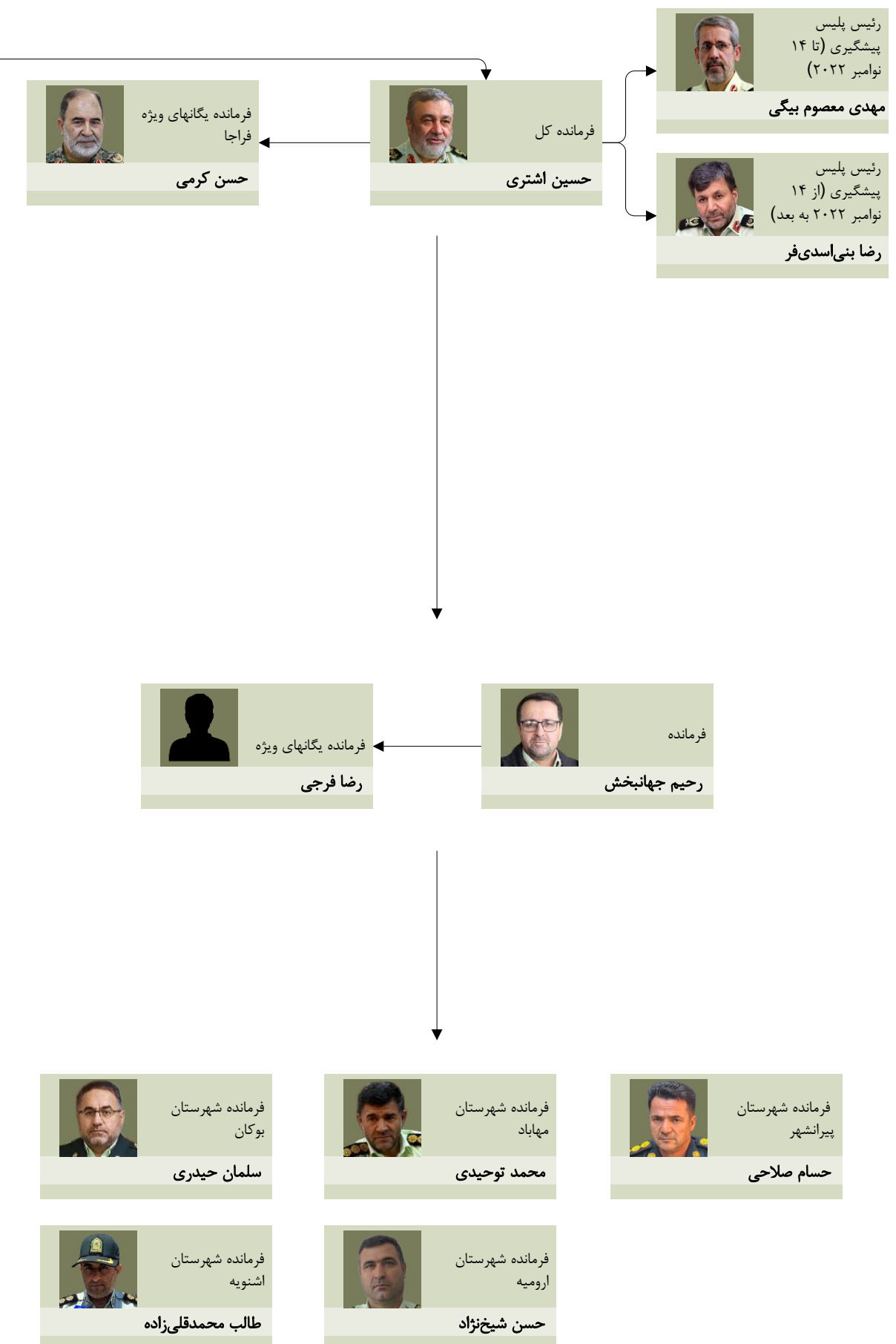
شهرستان

مقام‌های مستوجب تحقیق کیفری در ارتباط با جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» شهریور تا آذر ۱۴۰۱

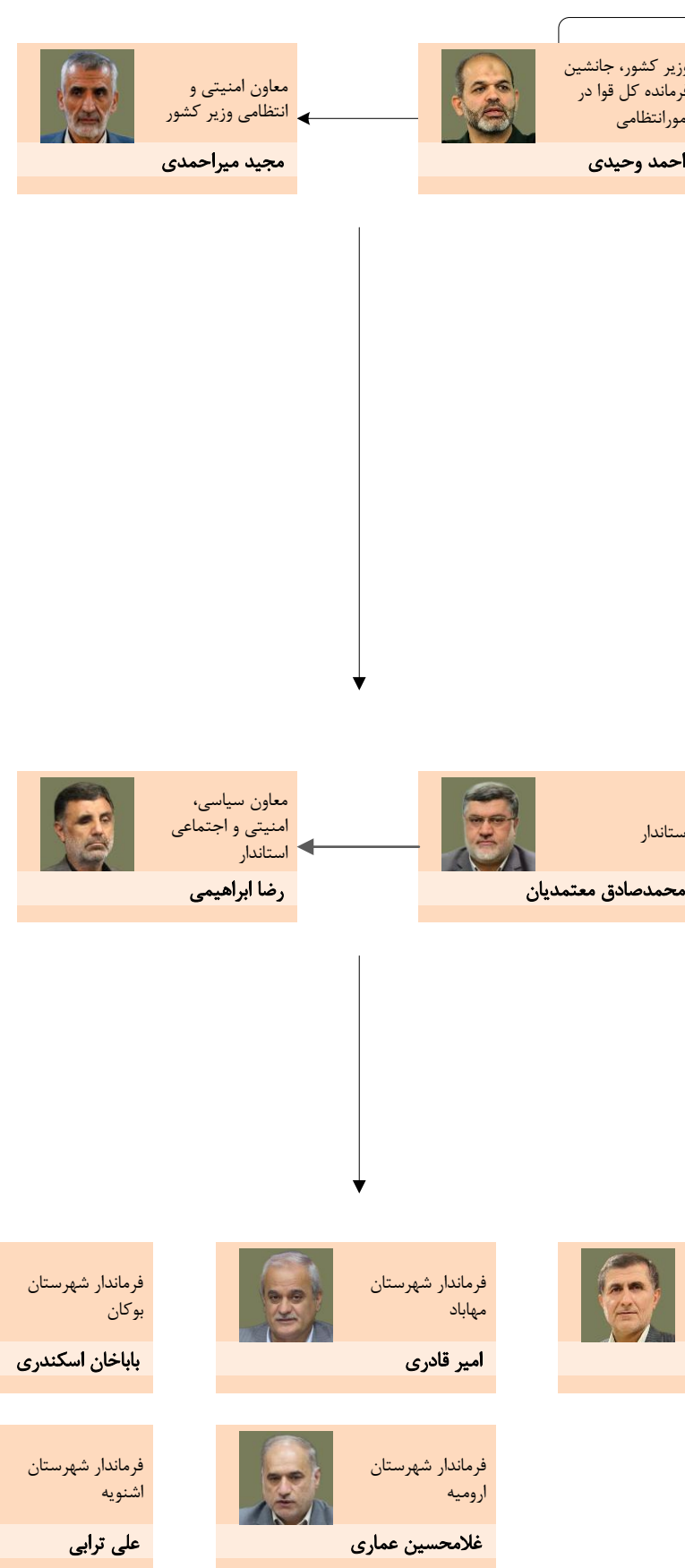
استان آذربایجان غربی



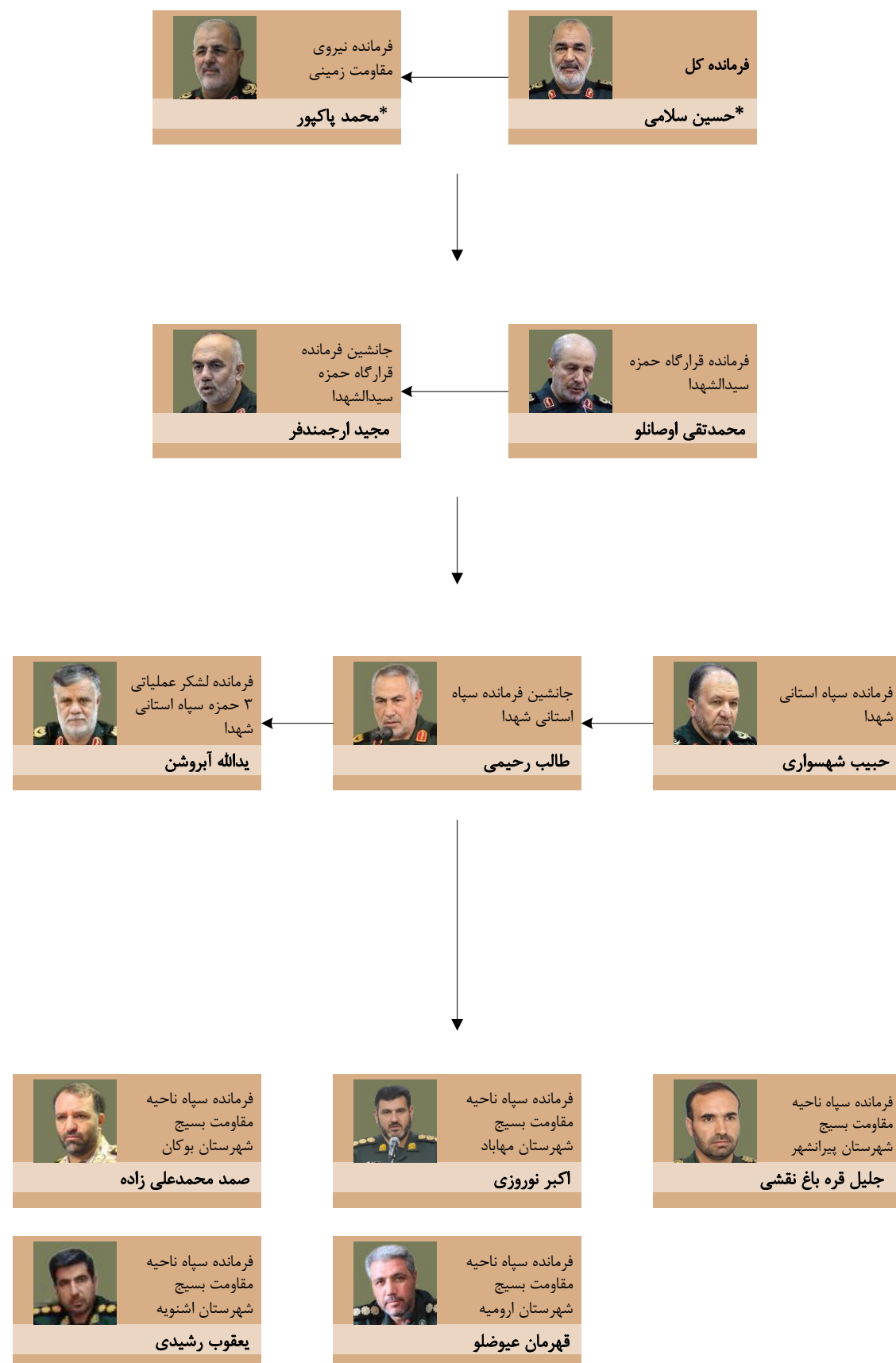
فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا)



وزارت کشور



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



کشوری

منطقه‌ای

استانی

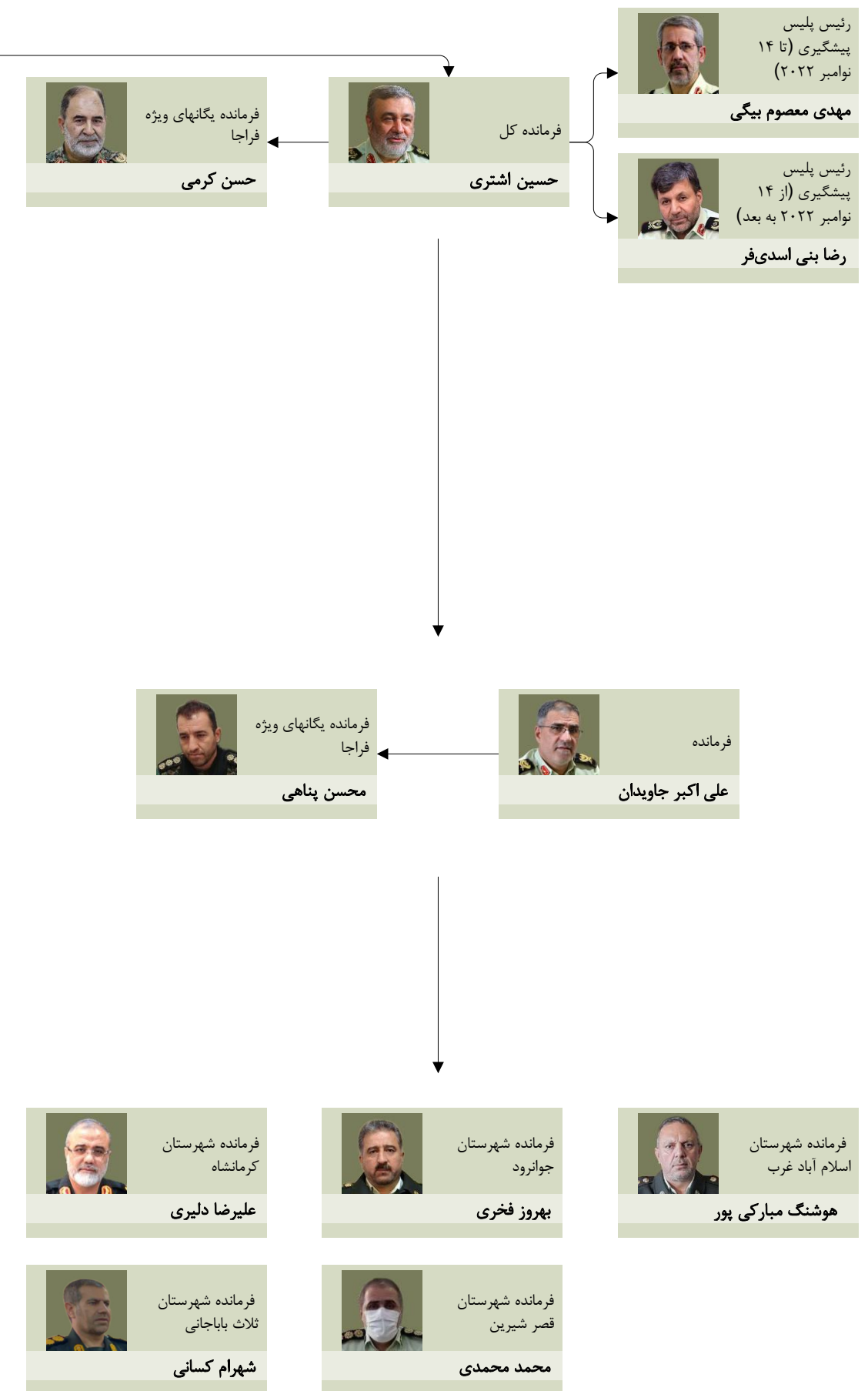
شهرستان

مقام های مستوجب تحقیق کیفری در ارتباط با جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» شهریور تا آذر ۱۴۰۱

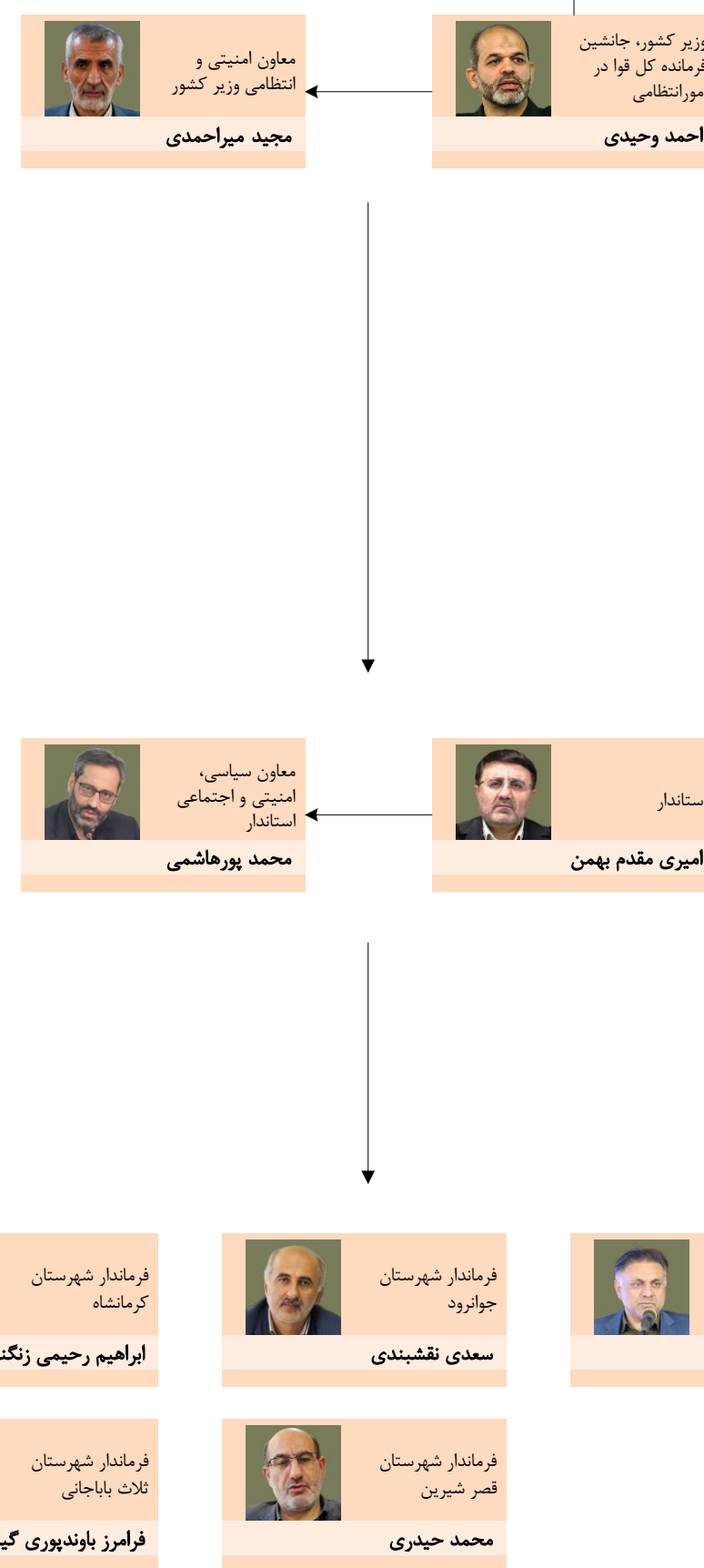
استان کرمانشاه



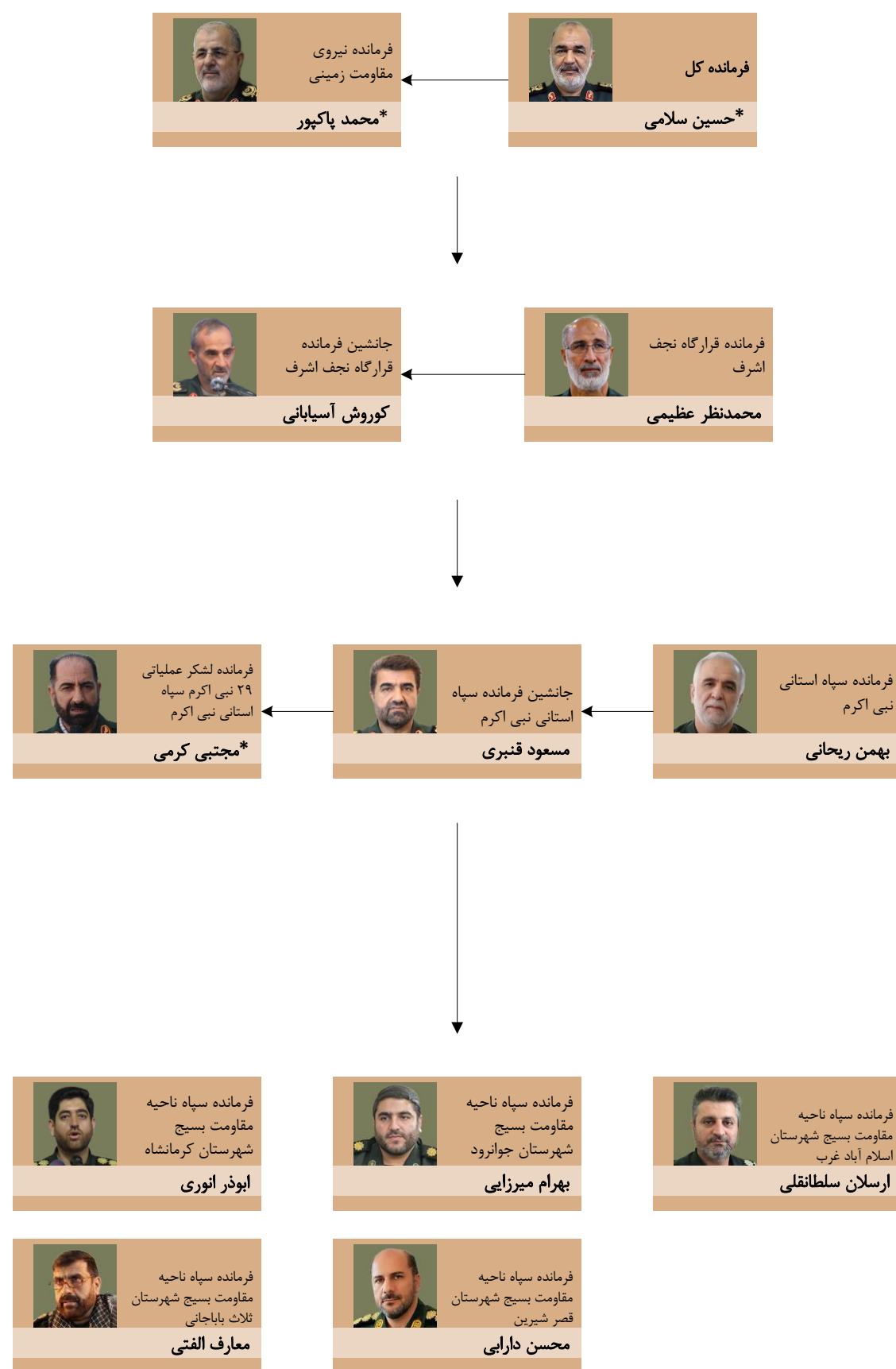
فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی (فراجا)



وزارت کشور



سپاه پاسداران انقلاب اسلامی



کشوری

منطقه‌ای

استانی

شهرستان

۱۴. نتیجه‌گیری و توصیه‌ها

مقام‌های جمهوری اسلامی به‌طور نظام‌مند تمامی ظرفیت‌های دستگاه سرکوب حکومتی را برای درهم‌شکستن بی‌رحمانه خیزش «زن زندگی آزادی» بسیج کردند. این گزارش بر پایه تحقیقات گسترده‌ای که طی چند سال انجام شده است نشان می‌دهد مقام‌ها صدها معترض و رهگذر/ناظر، از جمله کودکان، را به قتل رساندند. هزاران نفر دیگر را در معرض ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها قرار دادند. به شماری از افرادی که در ارتباط با اعتراضات بازداشت شده بودند، از جمله کودکان، تجاوز جنسی کرده و علیه آنان مرتکب سایر اشکال خشونت جنسی شدند. برای پنهان کردن جنایات خود و تحکیم رویه مصونیت از مجازات، خانواده‌های داغدار کشته‌شدگان را مورد آزار و ستم قرار دادند. این جنایات در چارچوب حمله‌ای گسترده و نظام‌مند علیه یک جمعیت غیرنظامی و در راستای یک سیاست حکومتی ارتکاب یافتند. بنابراین، عفو بین‌الملل به این نتیجه رسیده است این اعمال مصداق جنایات علیه بشریت هستند.

همان‌گونه که این گزارش نشان می‌دهد و عفو بین‌الملل مدت‌هاست هشدار داده است، عدم رسیدگی به مصونیت نظام‌مند از مجازات برای جنایات بین‌المللی، به وقوع جنایات فجیع بیشتری دامن می‌زند. این هشدارها به شکلی فاجعه‌بار به واقعیت پیوسته‌اند. از زمان خیزش «زن زندگی آزادی» در فاصله شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲)، مقام‌ها جنایات بین‌المللی گسترده دیگری را مرتکب شده‌اند؛ روندی که در جریان اعتراضات دی ۱۴۰۴ (ژانویه سال ۲۰۲۶) به کشتار بی‌سابقه هزاران معترض و رهگذر/ناظر انجامید.

در اوایل دی ۱۴۰۴ (اواخر دسامبر ۲۰۲۵)، در پی سقوط شدید ارزش پول ملی، در شرایط تورم فزاینده و سوءمدیریت مزمن حکومت در ارائه خدمات اساسی، بار دیگر اعتراضاتی در تهران آغاز شد. اعتراضات به‌سرعت به سراسر کشور گسترش یافت و به تظاهرات خیابانی گسترده‌ای بدل شد که خواهان سرنگونی نظام جمهوری اسلامی بود. مقام‌ها در واکنش، بار دیگر و این بار در ابعادی حتی وخیم‌تر، علیه معترضان مرتکب جنایات بین‌المللی شدند. در شامگاه ۱۸ و ۱۹ دی ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه سال ۲۰۲۶)، مقام‌ها کشتارهای جمعی معترضان را در مقیاسی بی‌سابقه به راه انداختند و هزاران معترض و رهگذر/ناظر را به قتل رساندند و ده‌ها هزار

معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش «زن زندگی آزادی» سال ۱۴۰۱ در ایران

عفو بین‌الملل

نفر را مجروح کردند.^{۷۹۷} بنا بر اعتراف خود مقام‌ها، بیش از ۳ هزار نفر کشته شدند.^{۷۹۸} گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور وضعیت حقوق بشر در ایران برآورد کرد که دست‌کم ۵ هزار زن، مرد و کودک کشته شده‌اند.^{۷۹۹}

کشتارهای جمعی اعتراضات دی ۱۴۰۴ (ژانویه سال ۲۰۲۶) در ابعادی به‌مراتب مرگبارتر و تکان‌دهنده‌تر، همان مشخصه‌های جنایات علیه بشریت مستندشده در سراسر این گزارش را دارند. این مشخصه‌ها شامل استفاده غیرقانونی گسترده و نظام‌مند از سلاح گرم و سایر اشکال قوای قهریه مرگبار علیه معترضان؛ استقرار هماهنگ نیروهای امنیتی تحت یک زنجیره فرماندهی واحد؛ و توسل عامدانه به قتل‌ها گسترده، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها از جمله خشونت جنسی، دستگیری‌ها و بازداشت‌های خودسرانه گسترده و ناپدیدسازی‌های قهری با هدف ریشه‌کن کردن مطالبات مردمی برای سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و گذار به یک نظام حکمرانی جدید مبتنی بر کرامت، دموکراسی و حقوق بشر است.

عفو بین‌الملل سال‌ها هشدار داده است که اگر جنایات بین‌المللی و دیگر موارد جدی نقض حقوق بشر ارتكابی از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی در جریان سرکوب‌های مرگبار و پی‌درپی اعتراضات در دی ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷ تا ژانویه ۲۰۱۸)، آبان ۱۳۹۸ (نوامبر ۲۰۱۹) و شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) همچنان با مصونیت نظام‌مند از مجازات روبه‌رو شوند، سیاست‌های مجرمانه حکومتی آنان ناگزیر عمیق‌تر و شدیدتر خواهد شد.

اکنون که عفو بین‌الملل این گزارش را به پایان می‌رساند، روشن است که عدم مقابله قاطعانه با مصونیت از مجازات برای جنایات علیه بشریت ارتكابی در سال ۱۴۰۱، راه را برای جنایات فجیع حتی ویرانگری در سال ۱۴۰۴ هموار کرد.

از زمان آغاز حملات غیرقانونی آمریکا و اسرائیل به ایران در ۹ اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه سال ۲۰۲۶)، خطر ارتكاب جنایات بین‌المللی علیه مردم ایران از سوی مقام‌های جمهوری اسلامی تشدید و چند برابر شده است. مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی با استناد به «شرایط جنگی»، سرکوب مخالفت‌ها را تشدید کرده‌اند و آشکارا به کشتار هزاران معترض در دی ۱۴۰۴ (ژانویه سال ۲۰۲۶) بالیده‌اند. پیام‌های حکومتی مملو از تهدید به اعمال خشونت بیشتر علیه معترضان است، از جمله هشدارهایی مبنی بر این‌که نیروهای امنیتی «حکم تیر» دارند و همچنان «دست روی ماشه» آماده‌اند.^{۸۰۰} مقام‌ها همچنین تهدید کرده‌اند که «ضربه‌ای محکم‌تر» از ۱۸ دی ۱۴۰۴ (۸ ژانویه سال ۲۰۲۶) وارد خواهند کرد و معترضان مسالمت‌آمیز و مخالفانی را که خواهان کرامت، دموکراسی و حقوق بشر هستند، «دشمن» و «خائن» نامیده‌اند.^{۸۰۱}

^{۷۹۷} عفو بین‌الملل، «ایران: مقام‌ها برای پنهان کردن کشتارهای جمعی معترضان، سرکوبی به‌شدت نظامی‌شده به راه انداخته‌اند»، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۶؛ عفو بین‌الملل، «ایران: کشتار معترضان مستلزم اقدام دیپلماتیک جهانی برای اعلام پایان مصونیت از مجازات است»، ۱۴ ژانویه ۲۰۲۶.

^{۷۹۸} خبرآنلاین، «بیانیه تحلیلی شورای امنیت کشور درباره اقدامات تروریستی اخیر/ ۳۱۱۷ نفر جان باختند که ۲۴۲۷ نفر از آن‌ها بی‌گناه شهید شدند»، ۲۱ ژانویه ۲۰۲۶.

^{۷۹۹} ای‌بی‌سی نیوز، «ویدیو: گزارشگر ویژه سازمان ملل درباره ادعاهای مربوط به جنایات علیه بشریت در ایران گفت وگو می‌کند»، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۶، دقیقه ۱:۰۲ تا ۱:۴۱.

^{۸۰۰} عفو بین‌الملل، «گرفتار میان حملات غیرقانونی آمریکا/اسرائیل و سرکوب مرگبار داخلی: خطرات دوگانه وقوع جنایات فجیع علیه مردم ایران» (شناسه: MDE 13/0883/2026)، ۲۸ آوریل ۲۰۲۶.

^{۸۰۱} عفو بین‌الملل، «گرفتار میان حملات غیرقانونی آمریکا/اسرائیل و سرکوب مرگبار داخلی: خطرات دوگانه وقوع جنایات فجیع علیه مردم ایران» (شناسه: MDE 13/0883/2026)، ۲۸ آوریل ۲۰۲۶.

همان‌گونه که عفو بین‌الملل، از جمله در همین گزارش، به طور گسترده مستند کرده است، مصونیت از مجازات در چارچوب سیاسی و قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی نهادینه شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که با قوانین و سیاست‌های متعدد تقویت می‌شود، قوه قضائیه را در دستگاه امنیتی ادغام می‌کند و تضمین می‌کند که این دو در هماهنگی با یکدیگر برای ریشه‌کن کردن مخالفت‌ها و تحکیم مصونیت از مجازات عمل کنند.

بر اساس قانون اساسی، قوه قضائیه تحت کنترل رهبر قرار دارد؛ همان کسی که فرمانده کل نیروهای امنیتی نیز هست که مرتکب جنایات علیه بشریت می‌شوند. چارچوب قانونی نه تنها فاقد تعاریف جنایات بین‌المللی است، بلکه واجد مقرراتی است که بر قتل‌ها، استفاده از سلاح گرم برای متفرق کردن اعتراضات و جرم‌انگاری تجمعات مسالمت‌آمیز ظاهر قانونی می‌بخشد.

تحلیل عفو بین‌الملل درباره ماهیت نظام‌مند و عامدانه مصونیت از مجازات در ایران با یافته‌های هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل سازمان ملل در امور ایران همسو است. این هیأت در یافته‌های تفصیلی خود که در مارس ۲۰۲۴ منتشر شد، اعلام کرد:

«چارچوب حقوقی داخلی به‌گونه‌ای تنظیم شده است که مانع هرگونه تلاش قربانیان و خانواده‌های آنان برای دستیابی به راهکار جبران و جبران خسارت شود و در این مسیر اخلاص ایجاد کند. فقدان استقلال قوه قضائیه و دادستان‌ها... و نبود شفافیت و پاسخگویی در نظام قضایی... موانع بیشتری بر سر راه دسترسی قربانیان نقض حقوق بشر به عدالت ایجاد می‌کنند.»^{۸۰۲}

با توجه به این که تکرار جنایات علیه بشریت همراه با مصونیت از مجازات در ایران ریشه در ساختار قانون اساسی کشور دارد، عفو بین‌الملل از جامعه بین‌المللی خواسته است از مطالبات جامعه مدنی ایران برای تغییرات بنیادین، از جمله تغییر قانون اساسی، با هدف تضمین برابری و احترام به حقوق بشر، از جمله حق برخورداری از عدم تبعیض و برابری، آزادی عقیده، مذهب، بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز و حق مشارکت در امور عمومی، حمایت کند.^{۸۰۳}

در هر حال، قربانیان جنایات علیه بشریت در ایران نباید ناچار باشند برای دستیابی به عدالت تا زمانی منتظر بمانند که از طریق فرایند تدوین قانون اساسی و اصلاح قوانین، نظام قضایی جدید و مستقلی شکل گیرد؛ فرایندهایی که خود به تغییرات عمیق در نظام سیاسی کشور وابسته‌اند. همچنین نمی‌توان آنان را به دلیل استفاده از حقوق بشر خود همچنان در معرض کشتارهای بیشتر رها کرد. مقام‌های جمهوری اسلامی ایران مسئول جنایات علیه بشریت نباید از پیگرد کیفری و مجازات مصون بمانند.

^{۸۰۲} هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل سازمان ملل متحد در مورد جمهوری اسلامی ایران (هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران)، یافته‌های تفصیلی هیأت حقیقت‌یاب بین‌المللی مستقل در مورد جمهوری اسلامی ایران، ۲۹ اسفند ۱۴۰۲ (۱۹ مارس ۲۰۲۴)، سند سازمان ملل. A/HRC/55/CRP.1

^{۸۰۳} عفو بین‌الملل، «گرفتار میان حملات غیرقانونی آمریکا/اسرائیل و سرکوب مرگبار داخلی: خطرات دوگانه وقوع جنایات فجیع علیه مردم ایران» (شناسه: MDE 13/0883/2026)، ۸ اردیبهشت ۱۴۰۵ (۲۸ آوریل ۲۰۲۶).

هرگونه تأخیر بیشتر جامعه بین‌المللی در پیگیری عدالت کیفری بین‌المللی، به شکلی خطرناک به عادی‌سازی کشتار گسترده معترضان کمک می‌کند و این خطر را در پی دارد که مقام‌های جمهوری اسلامی برای ارتکاب جنایات فجیع بیشتر، بدون ترس از پیامدها، جسورتر شوند.

عفو بین‌الملل خواستار اتخاذ رویکردی معنادار برای جلوگیری از وقوع جنایات فجیع بیشتر در ایران و پیشبرد عدالت در قبال جنایات علیه بشریت ارتكابی در این کشور است. این رویکرد باید شامل ارجاع وضعیت ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی و همچنین انجام هماهنگ تحقیقات و پیگردهای کیفری در سطح ملی بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی یا سایر اشکال صلاحیت فراسرزمینی باشد.

به موازات این اقدامات، با توجه به شدت و گستردگی جنایات ارتكابی، خطر بالای تکرار آن‌ها و بن‌بست سیاسی در شورای امنیت سازمان ملل متحد، عفو بین‌الملل از مجمع عمومی سازمان ملل می‌خواهد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کند که هدف آن تعقیب کیفری افرادی باشد که بیش از همه در جنایات علیه بشریت در ایران دخیل بوده‌اند.

۱۴.۱ پیگیری معنادار اجرای عدالت

عفو بین‌الملل بر این نظر است که هرگونه پیگیری معنادار اجرای عدالت و پاسخگویی در قبال جنایات علیه بشریت ارتكابی در ایران باید این واقعیت به‌خوبی مستندشده را به رسمیت بشناسد که قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران بخشی جدایی‌ناپذیر از نظامی است که مسئول این جنایات است.

بر این اساس، رویه مستمر جامعه بین‌المللی که درخواست‌های پاسخگویی را عمدتاً به مقام‌های دادستانی و قضایی در ایران می‌دهد که خود در ارتكاب، پنهان‌سازی و تسهیل جنایات علیه بشریت همدست هستند، هیچ نسبتی با واقعیت موجود ندارد. در شرایط مصونیت مستمر و نهادینه‌شده از مجازات، تکرار چنین درخواست‌هایی، در غیاب هرگونه اقدام معنادار برای پیشبرد مسیرهای جایگزین دستیابی به عدالت کیفری، به‌هیچ‌وجه کافی نیست. نتیجه فقدان اقدام مؤثر در سطح بین‌المللی برای قربانیانی که قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران پیش از این آنان را به‌طور نظام‌مند از حقوقشان برای حقیقت، عدالت و جبران خسارت محروم کرده است، تشدید احساس رهاشدگی و افزودن بر رنجشان است.

با توجه به این شرایط، ضروری است که در حال حاضر و تا زمان تحقق تغییرات بنیادینی که امکان ایجاد یک قوه قضائیه مستقل را فراهم کند، تلاش‌ها برای اجرای عدالت در قبال ایران در سطح بین‌المللی دنبال شوند و در عین حال، مشورت معنادار با قربانیان ایرانی نقض حقوق بشر و مشارکت آنان از جمله قربانیان متعلق به به‌حاشیه‌رانده‌شده‌ترین و تحت‌ستم‌ترین جوامع اقلیتی و مذهبی و همچنین وکلا، مدافعان حقوق بشر و دیگر کنشگران کلیدی جامعه مدنی تضمین شود.

عفو بین‌الملل بر این باور است که یک رویکرد جامع و معنادار بین‌المللی برای اجرای عدالت در قبال جنایات علیه بشریت ارتكابی در ایران باید اقدامات زیر را در بر گیرد:

ساختارها و فرایندهایی برای گردآوری، جمع‌آوری، حفظ و تحلیل شواهد: عفو بین‌الملل از تشکیل هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل در آبان ۱۴۰۱ (نوامبر ۲۰۲۲) و دو بار تمدید و گسترش مأموریت آن در اسفند ۱۴۰۲ (مارس ۲۰۲۴) و دی ۱۴۰۴ (ژانویه سال ۲۰۲۶) استقبال کرد. این سازمان همچنان از اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل می‌خواهد از هیأت حقیقت‌یاب حمایت کنند تا این هیأت بتواند به فعالیت حیاتی خود ادامه دهد. با این حال، گستردگی وظایف مورد نیاز، یعنی گردآوری، جمع‌آوری، حفظ و تحلیل شواهد در مقیاسی متناسب با ابعاد جنایات ارتكابی در ایران، از منابع و زیرساخت‌هایی که در اختیار هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل قرار گرفته فراتر رفته است. باید ایجاد ساختارها و فرایندهای اضافی به‌طور فعال بررسی شود تا گردآوری شواهد و آماده‌سازی پرونده‌ها مطابق استانداردهای حقوق کیفری به شکلی پایدارتر و نظام‌مندتر تضمین شود و همکاری با مقام‌های دادستانی ملی و بین‌المللی در سراسر جهان تسهیل گردد.

صلاحیت قضایی جهانی و دیگر اشکال صلاحیت فراسرزمینی: عفو بین‌الملل بار دیگر از دفاتر دادستانی کشورهای ثالث می‌خواهد تحقیقات کیفری هماهنگی را بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی یا دیگر اشکال صلاحیت فراسرزمینی از جمله درباره مقام‌هایی که نامشان در این گزارش آمده است، با هدف صدور حکم بازداشت و پیگیری کیفری آنان در صورت وجود شواهد کافی آغاز کنند. عفو بین‌الملل همچنین از دولت‌ها می‌خواهد برای هماهنگ‌تر و سریع‌تر کردن این تلاش‌ها، تیم‌های مشترک تحقیقاتی تشکیل دهند.

ارجاع به دیوان کیفری بین‌المللی: عفو بین‌الملل بار دیگر از همه دولت‌ها می‌خواهد شورای امنیت سازمان ملل را ترغیب کنند وضعیت ایران را به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد. این سازمان عمیقاً نگران است که تاکنون هیچ پیش‌نویس قطعنامه‌ای با این مضمون در شورای امنیت سازمان ملل ارائه نشده است. این بی‌عملی به‌ویژه در شرایطی که الگوی جنایات علیه بشریت و دیگر موارد جدی نقض حقوق بشر رو به تشدید بوده و در نهایت به کشتارهای بی‌سابقه معترضان در دی ۱۴۰۴ (ژانویه سال ۲۰۲۶) انجامیده است، بیشتر به چشم می‌آید.

سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی برای ایران: با توجه به شدت و گستردگی جنایات ارتكابی، خطر بالای تکرار آن‌ها و بن‌بست سیاسی در شورای امنیت سازمان ملل که در گذشته مانع ارجاع وضعیت‌های دیگر شده است،^{۸۰۴} عفو بین‌الملل از مجمع عمومی سازمان ملل می‌خواهد با هدف پیگرد کیفری افرادی که بیشترین دخالت را در جنایات علیه بشریت داشته‌اند، یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کند.^{۸۰۵} برای تسهیل این امر، کشورهای عضو مجمع عمومی سازمان ملل باید اعطای مأموریت به دبیرکل سازمان

^{۸۰۴} تا امروز، شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها دو وضعیت را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع داده است: دارفور در سودان (۲۰۰۵) و لیبی (۲۰۱۱). تلاش‌ها برای ارجاع وضعیت‌های دیگر، از جمله سوریه و میانمار، به دلیل استفاده یا تهدید به استفاده از حق و تو از سوی اعضای دائم شورای امنیت متوقف شده است.

^{۸۰۵} برای تحلیل گزینه‌های مختلف در این زمینه، بنگرید به: کارستن اشتان، «از "اتحاد برای صلح" تا "اتحاد برای عدالت"؟ تأملاتی درباره اختیار مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ایجاد دادگاه‌های کیفری یا ارجاع وضعیت‌ها به دیوان کیفری بین‌المللی»، ۲۰۲۳، نشریه «وسترن رزرو برای بررسی حقوق بین‌الملل»، جلد ۵۵، شماره ۱، صص. ۲۷۰ تا ۲۷۱؛ مایکل رمزدن، «عدالت بین‌المللی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد»، ۲۰۲۱، ص. ۲۰۷؛ گروه کارشناسان سازمان ملل برای کامبوج، «گزارش گروه کارشناسان برای کامبوج که بر اساس قطعنامه ۵۲/۱۳۵ مجمع

ملل را بررسی کنند تا گزینه‌های حقوقی متناسب با شرایط خاص ایران را برای ایجاد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی پیشنهاد دهد و سپس مناسب‌ترین گزینه برای اجرای آن شناسایی شود.

در همین زمینه، عفو بین‌الملل از قطعنامه پارلمان اروپا در ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ (۲۱ مه سال ۲۰۲۶) استقبال می‌کند که برای نخستین بار بر ضرورت اجرای عدالت کیفری بین‌المللی از جمله از طریق ایجاد «دادگاهی برای ایران به منظور پیگیری پاسخگویی»، تأکید کرد.^{۸۰۶} هرچند امکان‌پذیری و طراحی یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی نیازمند بررسی دقیق است، موانع مربوط به صلاحیت قضایی که بر دیگر مسیرهای اجرای عدالت بین‌المللی اثر می‌گذارند در کنار شدت جنایات ارتكابی در ایران، به این معناست که چالش‌های خاص این بستر نباید مانع اقدام شوند، بلکه باید ضرورت اقدام را تقویت کنند.

۱۴.۲ تعامل بین‌المللی درباره تغییر قانون اساسی و تضمین

عدم تکرار

عفو بین‌الملل از جامعه بین‌المللی خواسته است این را به رسمیت بشناسد که قانون اساسی ایران تبعیض و مصونیت از مجازات را نهادینه می‌کند، زمینه نقض‌های فاحش حقوق بشر و جنایات علیه بشریت را فراهم می‌سازد و هیچ مسیری در اختیار مردم نمی‌گذارد تا بتوانند بدون مواجه شدن با قتل، شکنجه و سایر موارد نقض حقوق بشر، به صورت مسالمت‌آمیز درباره نهادهای حکومتی خود اظهار نظر کنند و خواهان نمایندگی، مشارکت، کرامت و حقوق بشر شوند.

به همین دلایل، کنشگران جامعه مدنی ایران مدت‌هاست خواستار یک قانون اساسی جدید و مبتنی بر احترام به حقوق بشر و حمایت بین‌المللی برای ایجاد شرایط مساعدی هستند که جامعه مدنی بتواند روندی تحول‌آفرین برای تدوین قانون اساسی، مبتنی بر حقوق بشر، برابری و مشارکت دموکراتیک را پیگیری کند.^{۸۰۷}

عمومی تأسیس شد، ۱۶ مارس ۱۹۹۹، سند سازمان ملل متحد A/53/850، بند ۱۴۶؛ کمیسیون تحقیق سازمان ملل درباره حقوق بشر در جمهوری دموکراتیک خلق کره، «گزارش یافته‌های تفصیلی کمیسیون تحقیق درباره حقوق بشر در جمهوری دموکراتیک خلق کره»، ۷ فوریه ۲۰۱۴، سند سازمان ملل متحد A/HRC/25/CRP.1، بند ۱۲۰۱؛ کلاوس کرس، اشتفان هوبه و آنجلیکا نوسبرگر، «جنگ اوکراین و جنایت تجاوز: چگونه می‌توان خلاهای نظام حقوقی بین‌المللی را پر کرد»، وبسایت جاست سکوریته، ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳؛ اونا هاتاوی، مگی میلز و هدر زیمرمن، «اختیار حقوقی برای ایجاد یک دادگاه ویژه برای رسیدگی به جنایت تجاوز پنا به درخواست مجمع عمومی سازمان ملل متحد»، وبسایت جاست سکوریته، ۵ مه ۲۰۲۳.

^{۸۰۶} پارلمان اروپا، قطعنامه ۲۷۳۳/۲۰۲۶ (RSP)، مصوب ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ (۲۱ مه ۲۰۲۶)، شناسه ثبت P10_TA(2026)0185، بند ۱۰.

^{۸۰۷} برای نمونه، نگاه کنید به: نرگس محمدی، پست در شبکه اجتماعی ایکس: «مسئول اصلی این روزگار هولناک شخص علی خامنه‌ای و ساختار فاسد نظام حاکم است»، ۸ بهمن ۱۴۰۴ (۲۸ ژانویه ۲۰۲۶). بی‌بی‌سی فارسی، «بیانیه تعدادی از فعالان سیاسی و کنشگران مدنی: نگران سرنوشت ایران هستیم»، ۲۷ تیر ۱۴۰۴ (۱۸ ژوئیه ۲۰۲۵). اخبار روز، «بیانیه ۱۷ نفر از فعالین مدنی: رفرا ندیم آزاد، مجلس موسسان، دولت ملی و فراگیر»، ۲۷ تیر ۱۴۰۴ (۱۸ ژوئیه ۲۰۲۵).

ناظران امور ایران به‌طور گسترده هم‌نظرند که مطالبات برای گذار از نظام جمهوری اسلامی به یک نظام حکمرانی جدید و مبتنی بر احترام به حقوق بشر، از زمان اعتراضات سراسری دی ۱۳۹۶ (دسامبر ۲۰۱۷/ژانویه ۲۰۱۸) در کانون اعتراضات قرار داشته و به‌طور فزاینده‌ای به یکی از موضوعات اصلی گفت‌وگو میان معترضان، مخالفان، کنشگران جامعه مدنی و دیگر اقشار مردم تبدیل شده است.

همان‌گونه که عفو بین‌الملل مستند کرده است، در حالی که بخش‌های بزرگی از جمعیت همچنان هیچ مجرای برای پیگیری مطالبات خود برای ایجاد یک نظام حکمرانی جدید که به حقوق بشر آنان احترام بگذارد و از آن حمایت کند در اختیار ندارند، چنین اعتراضاتی با ارتکاب جنایات بین‌المللی، از جمله جنایات علیه بشریت، مواجه شده‌اند.

عفو بین‌الملل در سراسر جهان از تغییرات بنیادین حقوقی، از جمله در قانون اساسی، در مواردی حمایت می‌کند که چنین تغییراتی برای تضمین حقوق بشر بدون تبعیض و حفظ استقلال قوه قضائیه و حاکمیت قانون ضروری باشد. این سازمان بر این باور است که چنین تغییراتی در ایران ضروری است، زیرا قانون اساسی کشور زمینه ارتکاب جنایات بین‌المللی و دیگر موارد جدی نقض حقوق بشر را فراهم می‌کند.

بر همین اساس، عفو بین‌الملل از همه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای می‌خواهد به جای آن‌که صرفاً به پیامدهای جنایات بین‌المللی در ایران بپردازند، عوامل ساختاری و علل ریشه‌ای آن‌ها را که در قانون اساسی نهفته‌اند مورد توجه قرار دهند. این امر مستلزم آن است که قانون اساسی را در چارچوب حقوق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر تحلیل کنند و راهبردهای دیپلماتیک تحول‌آفرین، مردم‌محور و مبتنی بر حقوق بین‌الملل تدوین کنند که به ایجاد فضای لازم برای جامعه مدنی ایران به منظور مطالبه تصویب یک قانون اساسی مبتنی بر احترام به حقوق بشر کمک کند.

ترویج‌گری و کارزار برای تغییر قانون اساسی در راستای احترام به حقوق بشر نمی‌تواند در شرایط سرکوب نظام‌مند آغاز شود؛ شرایطی که در آن جامعه مدنی درهم‌شکسته شده است، مخالفت مسالمت‌آمیز جرم‌انگاری می‌شود، مخالفان، معترضان و دیگر کنشگران جامعه مدنی در زندان به سر می‌برند یا، حتی بدتر از آن، در پی محاکمه‌های به‌شدت ناعادلانه اعدام شده‌اند یا با مجازات اعدام روبه‌رو هستند و مطالبات برای تغییر با ارتکاب جنایات علیه بشریت و سایر موارد جدی نقض حقوق بشر پاسخ داده می‌شود.

از این رو، ضروری است که دولت‌ها و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از ابراز نگرانی‌های کلی فراتر روند و راهبردهای دیپلماتیک هماهنگی اتخاذ کنند که بر معیارهای روشن و جدول زمانی مشخص استوار باشند.

چنین راهبردهایی در کنار دیگر توصیه‌ها باید شامل فشار دیپلماتیک هماهنگ و مستمر بر مقام‌های جمهوری اسلامی برای اجرای موارد زیر باشد: توقف استفاده غیرقانونی از سلاح گرم و قوای قهریه علیه معترضان، همراه با اصلاح قانون به کارگیری سلاح به‌منظور انطباق آن با حقوق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛ توقف الگوهای گسترده و نظام‌مند دستگیری‌های خودسرانه، ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی؛ آزادی بی‌قید و شرط

معترضان، مخالفان و دیگر افرادی که به دلیل اعمال حقوق بشر خود به صورت خودسرانه بازداشت شده‌اند؛ رفع موانع قانونی و سیاسی، که در قانون اساسی و قانون احزاب نهادینه شده‌اند، و مانع تشکیل احزاب سیاسی مستقل می‌شوند و حقوق برخورداری از برابری و عدم تبعیض، آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز و مشارکت معنادار در امور عمومی را سلب یا به طور غیرمجاز محدود می‌کنند؛ برقراری فوری تعلیق رسمی اجرای احکام اعدام با هدف لغو مجازات اعدام؛ و فراهم کردن دسترسی بدون محدودیت به ایران برای هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران و دیگر کارشناسان سازمان ملل و سازمان‌های مستقل بین‌المللی، به منظور تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر، بازرسی از زندان‌ها و بازداشتگاه‌ها و نظارت بر محاکمه‌ها.

به موازات این اقدامات، دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی باید صریحاً از مقام‌های جمهوری اسلامی بخواهند این را به رسمیت بشناسند که حقوق بین‌الملل بشر از ترویج‌گری مسالمت‌آمیز برای آغاز روندی تازه جهت تدوین قانون اساسی مبتنی بر احترام به حقوق بشر و ایجاد نهادهای حکمرانی منطبق با حاکمیت قانون و حقوق بین‌الملل بشر حمایت می‌کند. چنین ترویج‌گری به طور روشن در چارچوب اعمال مورد حمایت حق مشارکت در اداره امور عمومی قرار می‌گیرد و پیوندی ذاتی با حقوق آزادی بیان، تشکلیابی و تجمع مسالمت‌آمیز دارد. هرگاه مطالبات برای تغییرات قانونی، از جمله تغییر قانون اساسی، در پی به چالش کشیدن چارچوب‌های مذهبی یا ایدئولوژیک تبعیض‌آمیز تحمیل‌شده از سوی حکومت باشند، این مطالبات همچنین تحت حمایت حق آزادی اندیشه، وجدان و عقیده قرار می‌گیرند.

بنابراین، جامعه بین‌المللی باید، در صورت اقتضا و بنا به درخواست ذی‌نفعان ایرانی، از گفت‌وگوی فراگیر میان کنشگران جامعه مدنی و ارائه تخصص فنی در زمینه طراحی قانون اساسی و اصلاحات نهادی مبتنی بر حقوق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر حمایت کند.

جامعه بین‌المللی با برجسته کردن این مطالبات در مجامع بین‌المللی و چندجانبه می‌تواند به ایجاد شرایط مساعدی کمک کند که در آن، شکل‌گیری روندی فراگیر و با مالکیت ملی برای ایجاد تغییرات در راستای حقوق بشر، از جمله تغییر قانون اساسی در نهایت امکان‌پذیر شود.

۱۴.۳ توصیه‌ها به نهادهای سازمان ملل

۱۴.۳.۱ شورای امنیت

- وضعیت ایران را به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد.

- درباره جنایات علیه بشریت ارتكابی در ایران در بستر سرکوب‌های مرگبار اعتراضات، نشست‌های علنی برگزار کنید و با توجه به بحران مصونیت نظام‌مند از مجازات و نبود گزینه‌های واقع‌بینانه برای پاسخ‌گویی در سطح ملی، قطعنامه‌ای تصویب کنید که شامل درخواست‌های قاطع برای تحقق عدالت کیفری بین‌المللی باشد و پیامی صریح و بدون ابهام به جمهوری اسلامی ایران ارسال کند مبنی بر این‌که باید فوراً به این جنایات پایان دهد و در کنار دیگر توصیه‌های فوق خطاب به مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، دسترسی بدون محدودیت هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران و گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران به این کشور را فراهم کند.

۱۴.۳.۲ مجمع عمومی

- یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کنید که هدف آن تعقیب کیفری افرادی باشد که بیش از همه در جنایات علیه بشریت در ایران دخیل بوده‌اند. برای تسهیل این امر، اعطای مأموریت به دبیرکل سازمان ملل متحد را بررسی کنید تا گزینه‌های حقوقی متناسب با شرایط خاص ایران را برای ایجاد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی پیشنهاد دهد و سپس مناسب‌ترین گزینه برای اجرای آن شناسایی شود.
- زبان قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره وضعیت حقوق بشر در ایران را در واکنش به چرخه‌های فزاینده جنایات علیه بشریت و سایر موارد جدی نقض حقوق بشر در بستر سرکوب اعتراضات در ایران، به‌ویژه از زمان کشتارهای بی‌سابقه معترضان در دی ۱۴۰۴ (ژانویه سال ۲۰۲۶)، تقویت کنید. چنین قطعنامه‌ای باید جامع باشد، صریحاً به یافته‌های هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران درباره ارتكاب جنایات علیه بشریت و نبود گزینه‌های واقع‌بینانه برای پاسخ‌گویی از طریق مجراهای داخل ایران اشاره کند و شامل درخواست‌های قاطع برای تحقق عدالت کیفری بین‌المللی باشد.

۱۴.۳.۳ شورای حقوق بشر

- از هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران حمایت کنید تا این هیأت بتواند به فعالیت خود ادامه دهد.
- به‌طور به‌طور فعال گزینه‌های ایجاد سازوکارها و فرایندهای بیشتر را، از جمله برای انجام موارد زیر، بررسی کنید: گردآوری، جمع‌آوری، حفظ و تحلیل شواهد مربوط به جنایات بین‌المللی که در ایران ارتكاب یافته‌اند و تعیین مسئولیت فردی در قبال چنین جنایات؛ آماده کردن پرونده‌ها مطابق استانداردهای حقوق کیفری برای تسهیل رسیدگی‌های کیفری عادلانه و مستقل، مطابق با استانداردهای حقوق بین‌الملل، در دادگاه‌ها یا محاکم ملی، منطقه‌ای یا بین‌المللی که اکنون یا در آینده ممکن است نسبت به این جنایات صلاحیت داشته باشند؛ و برقراری ارتباط و همکاری با مقام‌های دادستانی در سراسر جهان.

- گزارش‌های هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران را، پس از ارائه و سپس به‌طور مستمر، رسماً به مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد ارسال کنید.
- اطمینان حاصل کنید که قطعنامه‌های مرتبط با وضعیت حقوق بشر در ایران صریحاً به یافته‌های این گزارش و یافته‌های هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران درباره ارتکاب جنایات علیه بشریت اشاره کنند. همچنین اطمینان حاصل کنید که این قطعنامه‌ها، با توجه به نبود گزینه‌های پاسخ‌گویی در داخل ایران، شامل درخواست‌های قاطع برای تحقق عدالت کیفری بین‌المللی باشند.
- مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران را تمدید کنید و از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران بخواهید از جمله با پایان دادن به رویه جلوگیری از دسترسی او به کشور، به‌طور کامل با گزارشگر همکاری کنند.

۱۴.۳.۴ دبیر کل سازمان ملل

- توجه شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل را به جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی که در جریان سرکوب‌های مکرر اعتراضات در ایران ارتکاب یافته‌اند و در این گزارش و گزارش‌های هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل مستندسازی شده‌اند، جلب کنید و با توجه به نبود گزینه‌های واقع‌بینانه برای پاسخ‌گویی در داخل ایران، که خطر تکرار جنایات فجیع علیه جمعیت غیرنظامی را افزایش می‌دهد، بر ضرورت ایجاد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی با هدف تعقیب کیفری افرادی که بیش از همه در جنایات علیه بشریت دخیل بوده‌اند، از جمله از طریق ارجاع وضعیت ایران به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، تأکید کنید.
- از ظرفیت گزارش‌دهی خود، آن‌گونه که در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل درباره وضعیت ایران درخواست شده است، استفاده کنید تا یافته‌های مربوط به ارتکاب جنایات علیه بشریت، آن‌گونه که در این گزارش و گزارش‌های هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل مستندسازی شده‌اند، بازتاب داده شوند؛ بر ضرورت عدالت کیفری بین‌المللی با توجه به نبود گزینه‌های پاسخ‌گویی در داخل ایران تأکید شود؛ عوامل ریشه‌گرفته از قانون اساسی و علل ریشه‌ای این جنایات علیه بشریت و مصونیت نظام‌مند از مجازات تحلیل شوند؛ و به مقام‌های جمهوری اسلامی ایران یادآوری شود که حقوق بین‌المللی حقوق بشر از مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز کنشگران جامعه مدنی برای تغییرات بنیادین، از جمله تغییر قانون اساسی، با هدف تضمین احترام به حقوق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، از جمله حقوق برخورداری از عدم تبعیض و برابری، آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز و مشارکت در امور عمومی، حمایت می‌کند.

۱۴.۴ توصیه‌ها به دولت‌های کشورهای ثالث

- از شورای امنیت سازمان ملل متحد بخواهید وضعیت ایران را به دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد.
- از طریق مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کنید که هدف آن تعقیب کیفری افرادی باشد که بیش از همه در جنایات علیه بشریت در ایران دخیل بوده‌اند. برای تسهیل این امر، اعطای مأموریت به دبیرکل سازمان ملل را بررسی کنید تا گزینه‌های حقوقی متناسب با شرایط خاص ایران را برای ایجاد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی پیشنهاد دهد و سپس مناسب‌ترین گزینه برای اجرای آن شناسایی شود. در تمامی این تلاش‌ها باید مشارکت معنادار بازماندگان، مدافعان حقوق بشر ایرانی و کنشگران جامعه مدنی تضمین شود.
- با توجه به جنایات علیه بشریت مستندشده در این گزارش و گزارش‌های هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران، فعالان از قطعنامه‌های شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل متحد که الگوهای نقض جدی حقوق بشر در ایران را برجسته می‌کنند و سازوکارهای گزارش‌دهی و پاسخ‌گویی ایجاد می‌کنند، حمایت کنید. اطمینان حاصل کنید که الگوی رای‌دهی آنان در این نهادها بازتاب‌دهنده تعهدی اصولی به پیشگیری از جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی و موارد جدی نقض حقوق بشر و تضمین پاسخ‌گویی در قبال آن‌ها باشد.
- در تمامی تعاملات دوجانبه و چندجانبه با مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، یافته‌های این گزارش و گزارش‌های هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران درباره ارتکاب جنایات علیه بشریت در ایران را مطرح کنید؛ از توجیه سکوت یا ممانعت در برابر چنین جنایات فجیعی به دلیل ملاحظات ژئوپلیتیک یا روابط اقتصادی خودداری کنید؛ و از همه تریبون‌ها و بیانیه‌های مشترک استفاده کنید تا این پیام را منتقل کنند که پیشگیری از جنایات علیه بشریت و پیگیری عدالت بین‌المللی در قبال آن‌ها، در شرایط مصونیت نظام‌مند از مجازات در داخل ایران، نه اقدامی گزینشی یا سیاسی شده که مسئولیت حقوقی و اخلاقی مشترک است.
- راهبردهای دیپلماتیک مردم‌محور برای پیشگیری و مقابله با جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی و موارد جدی نقض حقوق بشر در ایران اتخاذ کنید که بر معیارهای روشن و جدول‌های زمانی مشخص استوار باشند. چنین راهبردهایی باید شامل اعمال فشار دیپلماتیک مستمر و هماهنگ بر مقام‌های جمهوری اسلامی ایران برای اجرای توصیه‌های این گزارش، از جمله موارد زیر باشد:
 - توقف استفاده غیرقانونی از سلاح گرم و قوای قهریه علیه معترضان، همراه با اصلاح قانون به کارگیری سلاح به منظور انطباق آن با حقوق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر؛

- توقف الگوهای گسترده و نظام‌مند دستگیری‌های خودسرانه، ناپدیدسازی‌های قهری، شکنجه و سایر بدرفتاری‌ها، از جمله تجاوز جنسی و سایر اشکال خشونت جنسی؛
- آزادی بی‌قید و شرط معترضان، مخالفان و دیگر افرادی که به دلیل اعمال حقوق بشر خود به صورت خودسرانه بازداشت شده‌اند؛
- رفع موانع قانونی و سیاسی، که در قانون اساسی و قانون احزاب نهادینه شده‌اند، و مانع تشکیل احزاب سیاسی مستقل می‌شوند و حقوق برخورداری از برابری و عدم تبعیض، آزادی بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز و مشارکت معنادار در امور عمومی را سلب یا به طور غیرمجاز محدود می‌کنند؛
- برقراری فوری تعلیق رسمی اجرای احکام اعدام با هدف لغو مجازات اعدام؛ و
- فراهم کردن دسترسی بدون محدودیت به ایران برای هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران و دیگر کارشناسان سازمان ملل و سازمان‌های مستقل بین‌المللی، به منظور تحقیق درباره موارد نقض حقوق بشر، بازرسی از بازداشتگاه‌ها و نظارت بر محاکمه‌ها.

- با هدف تدوین یک برنامه دیپلماتیک جهانی و هماهنگ برای پایان دادن به جنایات علیه بشریت در ایران؛ پرداختن به عوامل ریشه‌گرفته از قانون اساسی و عوامل ساختاری این جنایات؛ و حمایت از مطالبات جامعه مدنی ایران برای تغییرات بنیادین، از جمله تغییر قانون اساسی، به منظور تضمین احترام به حقوق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر، از جمله حقوق برخورداری از عدم تبعیض و برابری، آزادی عقیده، مذهب، بیان، تشکل و تجمع مسالمت‌آمیز و حق مشارکت در امور عمومی از اختیارات موجود خود برای گردهمایی استفاده کنید تا رایزنی‌هایی با جامعه مدنی آغاز شود و فضاهای دیپلماتیکی برای تعامل میان منطقه‌ای دولت‌ها ایجاد شود. این برنامه باید به درخواست‌هایی از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران منجر شود تا این را به رسمیت بشناسند که حقوق بین‌المللی حقوق بشر از مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز برای یک روند تدوین قانون اساسی جدید و مبتنی بر احترام به حقوق بشر و برای ساختارهای حکمرانی منطبق با حاکمیت قانون و حقوق و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر حمایت می‌کند.
- از ابتکارهای جامعه مدنی با هدف مقابله با مصونیت نظام‌مند از مجازات و پیشبرد احترام به حقوق بشر، از جمله از طریق مطالبه‌گری مسالمت‌آمیز برای عدالت بین‌المللی و یک روند تدوین قانون اساسی مبتنی بر احترام به حقوق بشر، حمایت کنید.
- به تمامی موارد اخراج ایرانیان به ایران یا به کشورهای ثالثی که در آن‌ها در معرض خطر انتقال بعدی به ایران قرار دارند پایان دهید، زیرا افراد در صورت بازگشت در معرض موارد جدی نقض حقوق بشر قرار خواهند گرفت.

- مسیرهای امن و منظم برای دسترسی قربانیان نقض حقوق بشر، چه در ایران باشند و چه در کشورهای ثالث، به مکانی امن ایجاد کنید و در واکنش به وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران، برنامه‌های صدور روادید بشردوستانه را گسترش دهید.
- دولت‌هایی که عضو کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی هستند، با توجه به جنایات علیه بشریت شامل قتل، شکنجه، حبس، تجاوز جنسی، خشونت جنسی و آزار و تعقیب که عفو بین‌الملل و هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران علیه معترضان بلوچ و کُرد مستندسازی کرده‌اند، مسیرهای حقوقی احتمالی در دیوان بین‌المللی دادگستری را از جمله با آغاز مذاکرات با ایران درباره پایبندی این کشور به تعهدات ماهوی خود ذیل کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی و ارجاع اختلافات حل‌نشده به دیوان بین‌المللی دادگستری برای رسیدگی و صدور رای را بررسی کنید.

۱۴.۵ توصیه‌ها به دفاتر دادستانی کشورهای ثالث

- بر اساس اصل صلاحیت قضایی جهانی و سایر اشکال صلاحیت فراسرزمینی، با هدف صدور قرار بازداشت در مواردی که شواهد کافی وجود دارد، درباره مقام‌های ایرانی که ادعا می‌شود مسئول جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی هستند، از جمله مقام‌هایی که در این گزارش نام برده شده‌اند، صرف‌نظر از این‌که متهم در قلمرو کشور مربوطه حضور داشته باشد یا خیر، تحقیقات کیفری انجام دهید.
- درباره جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی که در ایران ارتکاب یافته‌اند، از جمله جنایات مستندسازی‌شده در این گزارش، به‌ویژه در مواردی که قربانیان ممکن است در قلمرو کشورهای ثالث حضور داشته باشند، با هدف شناسایی ساختارهای فرماندهی و تصمیم‌گیری و شناسایی و دسته‌بندی مرتکبان احتمالی برای پیگیری پاسخ‌گویی کیفری تحقیقات ساختاری آغاز کنید.
- برای تحقیق درباره جنایات علیه بشریت و سایر جنایات بین‌المللی که در ایران ارتکاب یافته‌اند، از جمله جنایاتی که با چرخه‌های مکرر سرکوب مرگبار اعتراضات مرتبط هستند، تیم‌های تحقیقاتی مشترک تشکیل دهید.
- با هیأت حقیقت‌یاب سازمان ملل در امور ایران و همچنین سازمان‌های محلی و بین‌المللی جامعه مدنی همکاری کنید تا تحقیقات آغاز شود و مرتکبان، قربانیان، بازماندگان و شاهدان شناسایی شوند.

**عفو بین الملل یک جنبش جهانی
برای احقاق حقوق بشر است.
بی عدالتی در حق یک نفر
مسأله همه ماست.**

با ما همراه شوید

تماس با ما

www.facebook.com/AmnestyGlobal



info@amnesty.org



@AmnestyOnline



۵۵۰۰ ۷۴۱۳ ۲۰)۰ (۴۴+



معماران جنایات

دستگاه حکومتی سازمان‌دهنده جنایات علیه بشریت در خیزش

«زن زندگی آزادی» ایران در سال ۱۴۰۱

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران برای سرکوب خیزش «زن زندگی آزادی» در فاصله شهریور تا دی ۱۴۰۱ (سپتامبر تا دسامبر ۲۰۲۲) مرتکب جنایات‌های علیه بشریت شدند. آن‌ها صدها معترض و رهگذر، از جمله کودکان، را به طور غیرقانونی کشتند و خانواده‌های آنان را مورد آزار ستم قرار دادند. همچنین هزاران نفر دیگر را در معرض بازداشت خودسرانه، ناپدیدسازی قهری، شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز، از جمله تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی، قرار دادند. عفو بین‌الملل زنجیره‌های فرماندهی پشت این جنایات‌ها را ترسیم کرده و ۸۷ مقام را شناسایی کرده است که باید تحت تحقیقات کیفری قرار گیرند.

تحقیقات عفو بین‌الملل شامل مصاحبه با ۲۷۰ نفر و تحلیل بیش از ۲۰۰۰ ویدئو و همچنین مجموعه گسترده‌ای از شواهد مستند، از جمله اظهارات رسمی، اسناد رسمی افشاشده، سوابق قضایی و مدارک پزشکی قانونی بوده است.

مصونیت از مجازات در قبال جنایات‌های علیه بشریت ارتکاب یافته در سال ۱۴۰۱ راه را برای ارتکاب جنایات‌های بیشتر هموار کرد؛ روندی که در نهایت به کشتار هزاران معترض به دست نیروهای امنیتی در ۱۸ و ۱۹ دی سال ۱۴۰۴ (۸ و ۹ ژانویه ۲۰۲۶) انجامید.

هرگونه تأخیر بیشتر از سوی جامعه بین‌المللی در پیگیری عدالت بین‌المللی، به شکلی خطرناک به عادی‌سازی کشتارهای جمعی معترضان کمک می‌کند.

عفو بین‌الملل از شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌خواهد که وضعیت ایران را به دادگاه کیفری بین‌المللی ارجاع دهد و از مجمع عمومی سازمان ملل متحد می‌خواهد یک سازوکار عدالت کیفری بین‌المللی ایجاد کند که هدف آن پیگرد افرادی باشد که بیشترین مسئولیت را در ارتکاب جنایات‌های علیه بشریت در ایران داشته‌اند.

AMNESTY
INTERNATIONAL



شماره ایندکس MDE 13/1348/2026

شهریور ۱۴۰۵

زبان متن اصلی: انگلیسی

[amnesty.org](https://www.amnesty.org)